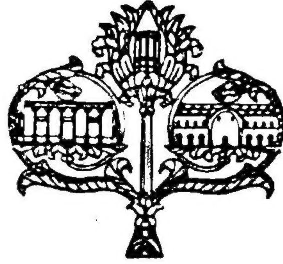


از آستارا تا استارباد

مجلّد ششم

شامل اسناد تاریخی گرگان

گردآوری

مسیح ذبیحی　　　منوچهر ستوده

بنام خداوند جان آفرین

پس از سپاس بی اندازه بدرگاه آفرینندهٔ جهان و درود نامحدود بر واپسین پیمبران حضرت محمّد مصطفی (ص) در پرتو عنایات کریمانهٔ ذات خجستهٔ شهریاری اعلیحضرت همایون محمّدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر مجلّد ششم کتاب «از آستارا تا استارباد» شامل اسناد تاریخی گوناگون مربوط به سرزمین گرگان (۱) بمعرض انتشار و استفادهٔ علاقه‌مندان گذارده میشود.

گفتگو دربارهٔ اهمیت اسناد تاریخی سخن تازه‌ای نیست در آغاز کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی» (۲) شمّه‌ای از آنچه مناسب می‌آمد در این زمینه مرقوم گشته و در سرآغاز همان کتاب نیز توضیحاتی بیشتر و بهتر مذکور افتاده است و برای آگاهی بیشتر نسبت به چنین امر مهم توجه خوانندگان و علاقه‌مندان باین بخش از آثار تاریخی و اسناد ملی ایران را به آنچه در کتاب

---

(۱) ـ توضیح دربارهٔ چندگونه بودن اسناد مورد ذکر در صفحهٔ ٤ مقدمهٔ کتاب داده شده است.

(۲) ـ نشریهٔ شمارهٔ (۸٤) انجمن آثار ملی تالیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی ـ شهریورماه ۱۳۵۰

نامبرده نگارش یافته است جلب مینماید .

خوشبختانه همزمان با چاپ سلسلهٔ مجلّدات «از آستارا تا استارباد» که دو مجلّد آن پیش از این انتشار یافته (۱) و چاپ مجلّد سوّم (مربوط به بخشی از آثار باستانی و ابنیه تاریخی مازندران) هم در شرف پایان است ، دانشمند گرامی آقای ایرج افشار (طیّ نامهٔ ۱۸ / ۶ / ۱۳۵۱) - وجود مجموعهٔ بزرگی از اسناد و مدارک و فرمانها و قباله‌ها و وقفنامه‌ها از دوران قره قوینلوها (قرن نهم هجری) ببعد مربوط به سرزمین گرگانرا که به کوشش و همّت آقای مسیح ذبیحی از دانشمندان گرگان طیّ سالیان دراز گردآوری شده است به اطّلاع انجمن آثار ملّی رسانیدند و بنا بر پیشنهاد ایشان و موافقت انجمن آثار ملّی آقای دکتر منوچهر ستوده مؤلّف ارجمند کتابهای « از آستارا تا استارباد» با اتفاق گردآورنده و صاحب محترم مجموعهٔ اسناد نامبرده نسبت به چاپ آن همّت گماردند و حاصل چنین کوشش و پژوهش مشترک بصورت دو کتاب درآمد که مجلّد حاضر نخستین آن بشمار میرود و دوّمین مجلّد آن نیز بعنوان مجلّد هفتم کتاب « از آستارا تا استارباد » مقارن با همین کتاب انتشار می یابد و چون هر دو مجلّد بشرحی که گذشت از هر جهت به سرزمین گرگان ارتباط دارد و مجلّد مربوط به آثار و بناهای تاریخی گرگان (با توجّه به اینکه دو مجلّد اوّل و دوّم مربوط به گیلان و مجلّدهای سوّم و چهارم مربوط به مازندران است) پنجمین مجلّد این سلسله مجلّدات

---

(۱) ـ نشریّهٔ شمارهٔ (۷۰) انجمن آثار ملّی تیرماه ۱۳۴۹ و نشریّهٔ شمارهٔ (۸۹) انجمن آثار ملّی تیرماه ۱۳۵۱

خواهد بود، دو مجلّد حاوی اسناد مورد ذکر در دنبالهٔ مجلّد پنجم منظور و بعنوان مجلّدهای ششم و هفتم بشمار آمده است.

انجمن آثار ملّی ضمن اظهار خورسندی از چاپ دو کتاب اخیرالذکر مناسب میداند از دانشمندان گرامی که ذکر خیرشان گذشت صمیمانه سپاسگزاری کند و از درگاه پروردگار بزرگ توفیق همهٔ فرزندان عزیز ایران را در ادای حقّ هرچه بهتر و بیشتر مفاخر ملّی و یادگارها و اسناد تاریخی میهن گرامی مسئلت نماید.

بمنّه و کرمه
انجمن آثار ملّی

فهرست مطالب

ای نام تو بهترین سرآغاز

مقدمه

تاریخ کشوری تنها شرح احوال سلاطین و امرا و بیان اعمال عمّال و کارگزاران ایشان نیست . تاریخ باید ناظر براحوال‌مردمی باشدکه زیر دست این سلاطین و امرا روزگار گذرانیده‌اند .

البته شخص سلطان و روش حکومت او، در زندگی روزمرّه مردم مؤثر بوده و هست ولی این تأثیر، از زوایای مختلف، در میان‌مردم ، باید مورد بررسی و مطالعهٔ دقیق قرارگیرد .

آسایش و رفاه مردم هرزمان‌را باید درکشت وکار و بهره‌برداری ازخاك ، در داد و ستد وتجارت، در رفت‌وآمد و امنیت راهها وشهرها ودر عدالت اجتماعی ایشان جستجو کرد . اگر جامعهٔ پـر درآمدی که در عین آسایش ورفاه است ، به‌نامهای: علفه، علوفه، الام، الاغ ، شکار، بیگار ، طرح، دست‌انداز ، قنلغا ، نوروزی و سلامانه و پیشکش وعیدی و سایـر عوارضات،کارکرد خودرا به دولت وقت بپردازد ، مسلماً مردم این جامعه پایه و مایه‌ای نخواهند یافت و برپای خود نتوانند ایستاد. سلطان وقت‌است که‌باید این‌قبیل عوارضات را « مسدودةالابواب » بخواند و از آنهـا چشم

بپوشد تا اضافه درآمد ایشان‌صرف آبادی و آبادانی‌محیط زیست‌ایشان‌شود. کشت وکار و دادو ستد و رفت وآمد، درسایهٔ امنیت‌است. اگر امن و امان حکمفرما نباشد، هیچگونه‌حرکتی درجهت ترقی و تعالی دیده نخواهدشد. اگر سلطانی نتواند امنیت را در کشوری یا ایالت و ولایتی برقرار کند، بی‌شك وضع مادی و روحی مردمان ساکن آنجا استواری و پایداری پیدا نمی‌کند.

سلاطین و امرا هرچه‌کرده‌اند، کم و بیش، به‌دستور ایشان، در کتب تواریخ ما ضبط شده است. مؤلفان این‌گونه‌کتب، سلطان‌را درمنتهای شوکت و قدرت نشان داده و عدالت اجتماعی و امنیت دوران اورا به جایی رسانده‌اندکه گرگ‌ومیش ازیك‌آبشخور آب می‌خورند وصعوه وشاهین بر یك شاخسار می‌نشینند. دشمنان ملك و ملت از سطوت این سلطان، فرسنگها از سرحدات برکنار رفته‌اند و عموم برایا در ظل‌آسایش او بی‌دغدغهٔ‌خیال، آسوده و راحت غنوده‌اند. ظل‌الله است و امر او امر خداست. از مؤلفات این‌گونه مؤلفان‌مطالب‌زیادی‌که به‌کار تاریخ‌نویسی امروز آید، نتوان‌یافت. مورّخ نکته سنجی‌بایدکه ازگوشه وکنار این دسته‌کتب وضع‌عمومی‌مردم‌را بتواند دریابد و به‌رشتهٔ تحریر کشد.

اکنون‌که منابع و مآخذ تاریخی ما ــ غیر از چند مجلد ــ اغلب به‌دستور سلاطین زورمند یا به‌قلم وزرای ایشان نوشته شده ودرآنهامطالبی از زندگانی اجتماعی مردم نیامده است، چگونه باید به زندگی حقیقی مردم در هر دوره و عهدی پی‌برد و روابط اجتماعی ایشان‌را به‌چه‌سان‌باید شناخت؟

ظاهراً اسناد تاریخی است که می‌تواند بــا زبانی گویــا، جمیع

گوشه‌های زندگی مردم جامعه‌ای‌را برای ما بیان کند و روابط سیاسی و تجاری و اجتماعی و اداری ایشان‌را نشان‌دهد. اسنادی‌که‌در این‌کتاب‌آمده است ، مربوط به‌بخشی از‌کشورماست که به نام«گرگان» خوانده می‌شده و می‌شود .



سرزمین کهنسال گرگان، یکـی از بخشهای شمـال‌شرقی ایران است‌که ازقدیمترین ایام‌تا اواخر دوران قاجاری، ازصدمات ایلات‌تورانی‌و ترك و ترکمان رنجهای فراوان برده است . نکته‌ای که درخاك‌گرگان بیش از هرجای ایران باید مورد توجه قرار‌گیرد، ناامنی و‌آشفتگی‌این خاك‌در ادوار مختلف است .

اوایل حکومت سلسلهٔ ساسانی و شاید کمی قبل از آن دیواری عظیم از آجرهای قالب بزرگ از « گمیشان » ــ در کنار دریای خزر ــ تا «پیش‌کمر» ــ در دامنهٔ کوههای بجنورد کشیدند تا این ایلات نتوانند از دشت شرقی دریـای خزر، به طرف حاشیهٔ جنوب شرقی و جنوبی پیش بیایند. پس ازاینکه این دیوارعظیم رو به‌خرابی‌رفت ودر اواخرزمان این سلسله قدرت تعمیر و مرمت آن نبود ، دیواری تازه، در حوالی کردمحله (کردکوی امروزی)کشیدند و دشت‌گرگان و شهرها و دهکده‌های آن را برای تاخت وتاز این‌طوایف‌صحرانشین بازگذاشتند. دراوایل‌زمان‌صفویان آق‌قلعه (پهلوی‌دژ) را درکنار‌گرگان‌رود ساختند و امنیتی تازه درشهرها و دهکده‌های‌گرگان پیدا شد. اما کریم‌خان زند، خاك‌گرگان‌را یکسره‌برای تاخت و تاز این ایلات آزاد گذاشت و نزدیك‌کلباد، جری (خندقی)کندکه به«جرکلباد» نامیده شد. البته این‌خندق نیز دوامی نیافت و سراسر خاك

گرگان و مازندران زیر سم اسبهای ترکمن‌خوردشد. سرکشیها و تجاوزات این طوایف صحراگردرا نیز می‌توان از این اسناد دانست و از آنهاست‌که تاریخچه‌ای برای این ناامنیها می‌توان نوشت .



در این کتاب اسناد تاریخی گرگان‌را بـه ترتیب زیر بـه چاپ رسانده‌ایم :

۱ـ فرمان، حکم، امر، تعلیقه، عرضه داشت .

۲ـ احکام شرعی حکام شرع، مثالهای صدور، استفتاها ، تقاضای تأیید و ابرام حکمی شرعی .

۳ـ وقفنامه‌ها .

۴ـ اسناد اجاره واستجاره .

۵ـ دستور تحریر رقمها و احکام انتصاب .

در تابستان ۱۳۵۲ اسنادی تازه به‌دست افتادکه آنهارا از ص۵۱۳ به‌بعد به‌ترتیب بالا چاپ‌کردیم .

در چاپ فرمانها ، احکام ، تعلیقه‌ها و عرضه‌داشتها ، متن آنهارا چنانکه بودآوردیم و دراسلوب نگارش کلمات و جدا نوشتن یا چسباندن آنها هیچگونه تغییری ندادیم . مهرهای سلاطین و حکمرانان‌راتاجاییکه مقدور بود خوانده و سجع‌آنهارا در زیرنویس نوشته‌ایم.

چنانکـه مرسوم دوران صفویان است ، برای حفظ احترام ، نام خدا و ائمهٔ‌اطهار و امامزادگان وسلاطین صفوی‌سابق‌را خارج متن ، قسمت بالا سمت راست می‌نوشتند و در متن نمی‌آوردند . برای اینکه محل این نامها در متن روشن باشد، علامتی به شکل سه نقطه جای هر نام‌گذاشته‌ایم.

این تنها تغییری است که در متن این نوع اسناد داده شده‌است.[۱]

شکل ظاهری این اسنادبا یکدیگر مختلف‌است . نوع کاغذفرمانها در ادوار مختلف فرق می‌کند ، سمت راست و بالای بعضی ازفرمانهاحاشیه‌بندی دارد . در بعض فرمانها دور مهرشاه‌را جدول بندی کرده‌اند . خطوط این‌فرمانها نیز در ادوار مختلف تغییرات فاحشی پیدا کرده است . اندازهٔ اوراق وقفنامه‌ها نیز متفاوت و نسبت به نوع وقف و تعداد رقبات درازا و پهنای آنها نیز تغییر می‌کند.

وقفنامهٔ خواجه مظفـر بتکچی‌بن فخرالدین بتکچی مورخ ۹۱۹ هـ . ق. (ص ۲۶۸ـ۲۹۲) به درازای ۹۱۸سانتیمتر و وقفنامهٔ مورخ ۹۲۰ او (ص۲۹۲ـ۳۰۱)به درازای ۴۷۸سانتیمتر است.سایر اوراق‌وقفنامه‌ها واحکام شرعی و اسناد اجاره استجاره به شکلها و اندازه‌های مختلف است .

از اسناد تاریخی چه برمی‌آید ؟

۱ـ حدود حکمروایی شاهان و درجهٔ تسلط و قدرت ایشان .
۲ـ رابطهٔ شاه باکارگزاران و مقدار مواجب و امتیازات هریك از ایشان .
۳ـ حدود قدرت و تسلط صدور و نقبا و حکام و مراجع شرع .
۴ـ روابط تجاری و زراعی و اجتماعی مردم و نوع مرافعات و اختلافات ایشان.
۵ـ قیمت مال و منال و وضع زندگی مادی و سطح زندگانـی مردمان در ادوار مختلف .

۱ـ صفحات: ۵، ۶، ۱۳، ۲۲، ۲۵،۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۴۱، ۴۲و غیره .

۶ــ مطالبی در بارهٔ «جغرافیای تاریخی ناحیه‌ای» که این‌گونه مطالب در هیچیك از کتب جغرافیای عمومی نیست .

۷ــ وضع آبادانی زمینهای زراعی دهکده یا دهکده‌ها با حفر قناتها و کشیدن نهرهای تازه .

۸ــ تشکیلات لشکری ناحیه‌ای و مشاهره وامتیازات درجات‌مختلف‌ایشان.

۹ــ گذشت و ایثار مردم از مال و منال برای رفاه اجتماعی.

۱۰ــ خلوص و صفای مردم نسبت به سنن‌دینی و حفظ آنها .

۱۱ــ آشنایی باسنن وآداب دینی و ملی درقباله‌های مناکحه .

۱۲ــ شناسایی نامهای مردمان وخاندانهای‌قدیمی وایلات و طوایف ونحوهٔ نامگذاری ایشان .

۱۳ــ شناسایی طبقات مختلف مردم و قشرهای اجتماعی .

۱۴ــ آشنایی با اصطلاحات زراعی و دامداری .

۱۵ــ انواع مختلف وقف به منظور آسایش بیشتر اجتماع .

۱۶ــ نوع رقبات وقف و تغییراتی‌که درآنها درطول زمان داده شده است و آشنایی به نوع مصارف رقبات .

۱۷ــ آشنایی با استخوان‌بندی اسناد مختلف و شکل و وضع‌آنها و ثبت و ضبط آنها در دفاتر مختلف .

۱۸ــ آشنایی با نامهای‌حکام وبیگلربیگیان و سرحدداران و مستوفیان و امیرتومانان و صاحب اختیاران که نامهای ایشان در اغلب کتب تواریخ‌عمومی نیست .

۱۹ــ شناسایی اوزان و مقادیر واکیال وشکلهای مختلف داد و ستد.

۲۰ــ شناسایی سکه‌ها و نامها و ارزش‌آنها در ادوار مختلف .

اینها مطالبی‌است‌که از دیدگاه‌تاریخ‌نویسی امروز موردنیازاست‌و مورخ متتبع نمی‌تواند ازآنها چشم بپوشد. اگر مورخی‌بادید تازه به‌جامعهٔ ایرانی ننگرد و این‌گونه اسناد و نظایرآنهارا از زیر نظر نگذراند ، مسلماً اثری ماندگار و پایدار به‌وجود نخواهدآورد .

******

فرمانی نیست که در آن نکته‌ای تاریخی یا اجتماعی یاد نشده باشد و همین نکات است که درگردآوری تاریخ دقیق و صحیح ایران‌به‌کار می‌آید . گذشته از نکات تاریخی و اجتماعی، اصطلاحات ادبی و اداری و حسابداری فراوانی دراین فرمانهاست که پاره‌ای ازآنهارا دراینجافهرست کرده‌ایم :

آینده و رونده ص ۱۹ .

احداث ص ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ .

احشامات ص ۳۵ و ۳۶ .

احکام ص ۸ .

احکام معافی ص ۳۲ .

اخراجات ص ۶ و۱۱ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۴ و۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و۳۵ و۴۳و ۴۶ و۴۷ و ۴۹ .

اخراجات اتفاقی ص ۳۳ .

اخراجات استصوابی ص ۳۳ .

اخراجات حکمی ص ۹ و ۱۳ و ۳۰ و۳۱ و ۳۳ .

اخراجات دیوانی ص ۳۳ .

اخراجات غیراتفاقی ص ۳۳ .

******

از احکام شرعی حکام شرع استراباد ومثالهای صدور واستفتاها و تقاضاهای تأیید و ابرام حکمی شرعی که قسمت دوم کتاب است ، روابط مردم با مراجع شرع و حدود اختیارات این مراجع و نحوهٔ دخـول آنان در مرافعات و حضور بعضی از ایشان برسر ملکی که مورد نزاع و اختلاف است وگاهی حقی‌را ناحق وناحقی‌را حق‌کردن و زورگوییهای زورمندان و ستمگریهای حکام و مأموران دیوانی وبالاخره قسمتی از روابط اجتماعی طبقات مختلف مردم بایکدیگر روشن می‌شود .

******

ازقسمت سوم کتاب‌که وقفنامه‌هاست ،پایه ومایهٔ گذشت مردم برای رفاه اجتماع وکم وکیف معتقدات دینی ایشان ظاهر و اشکار است . تعداد موقوفات عام هردوره دال بردرك انسانیت و احساس همدردی‌آن دوره‌است. از این وقفنامه‌ها ، انواع وقف در ازمنهٔ مختلفه و رقبات‌آنها را می‌توان دانست . همچنین تحول معتقدات دینی مردم و تغییر شکل آنها در ادوار مختلف روشن می‌شود . نوع دوستی ودیگرخواهی هرعصررابطهٔ مستقیم با تعداد موقوفات عام‌المنفعهٔ‌آن عصردارد و خودخواهی ساکنان هرناحیه رابا تعـداد موقوفاتی که موقوف‌علیهم‌آنها فرزندان واقفانند می‌توان دانست . متن وقفنامه‌ها پراست ازنامهای جغرافیایی قدیمی با حدود ومشخصات‌آنها که در هیچیك ازکتب تاریخی وجغرافیایی یادی از آنها نیست . این نامها برای‌نوشتن جغرافیای تاریخی هرمنطقه به‌کار می‌آید .

✻✻✻✻✻

اسناد اجاره واستجاره قسمت چهارم کتاب است که از آنها پوشش زراعی دهکده‌های مورد اجاره ودر نتیجه انواع زراعت یك ناحیه رامی توان دانست از مقدار جنسی یا مبلغ نقدی اجارهٔ دهکده‌ای ، آبادی یا خرابی آن دهکده بر ما روشن می‌شود و از همین آبادی و خرابی دهکده‌ها وضع زراعت وتوجه مردم به‌آن کارپیداست . اصطلاحات زراعی زیردر این اسناد به‌نظررسید :

آب‌حصه ص ۴۲۵ و۴۲۶ .

آبدنگ ص ۴۰۱ و۴۳۰ و ۵۶۷ و۵۸۶ و ۵۸۸ .

آسیا = طاحونه ص ۵۶۷ و۵۸۶ و ۵۸۸ .

آمش‌دنگ ص ۵۸۶ و ۵۸۸ .

ابریشمی ص ۴۲۵ .

اراضی آبکام ص ۴۳۴ .

اراضی چشمه‌سار ص۴۳۴ .

اراضی خوشکام ص۴۳۴ .

اراضی شالی ص ۴۳۴ .

اراضی غلکی ص ۴۳۴ .

اراضی وبوم ص ۴۳۸ .

بوم ص ۴۳۸ .

بوم‌حصه ص ۴۲۵ و۴۲۶ .

پشت و پیشان ص۴۹۹ .

توتستان ص ۴۲۵ و۴۳۰ و ۵۶۷ و۵۸۴ و۵۸۶ .

جریبی ص ۴۲۵ .

جنگل‌تراشی ص ۳۹۹ .

چشمه‌سار ص ۵۶۷ .

حقابه ص ۴۳۰

خانقاهه (= خانه‌گاهه) ص ۳۹۰ و۵۶۷ .

خشکه‌کار ص ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۴۱ و۵۸۶ و ۵۸۸ .

درك : نهر بزرگی که ازرودخانه جداکنند ص ۵۴ .

دودانگه (نوعی قرارحفرقنات) ص ۴۳۰ و ۴۳۵.

رودآب ص ۵۸۶ .

زهابی ص ۳۹۰ .

شالی‌خوب سیراب ص ۴۳۲ .

شالی دهقان‌پسند ص ۵۹۷ .

شالی سرکردهٔ دهقان‌پسند ص ۴۴۶ .

شالی سرکردهٔ رزازپسند ص ۵۸۰ .

شالی سردهٔ رزازپسند مسلّم‌بی‌عیب ص ۵۸۲ .

شلتوك سرکردهٔ خوب دهقان‌پسند ص ۴۴۵ .

شلتوك‌کار ص ۵۸۶ و۵۸۸ .

شوارات = شیوار = شیوارات ص ۴۳۰ و۴۳۲ و ۵۶۷ .

*****

ازرساله‌ای‌که مابه‌نام « دستور تحریر رقمها واحکام انتصاب‌طبقات

مختلف دیوانی»[۱] خوانده‌ایم مقامات وشغلهای دیوانی ومراتب آنها وحقوق و مواجب سالیانهٔ هر مقام و صاحب‌منصبان زمان صفویان را می‌توان به شرح زیر دانست :

ارقام	نام صاحب‌منصبان دراسترا باد	مواجب‌حکمی سالانه ورسومات‌مقرر و معمول منصب
رقم خلافت(ص ۴۵۳)	سیدمیرك	مواجب معینی درمتن رقم‌نیامده است
رقم وزیر(ص ۴۵۴)	میرزامحمدرفیع	یکصدو هفتاد ویك‌تومان وهشت‌هزار و سیصد دینارخراسان (ص ۴۵۵)
رقم استیفا (ص۴۵۵)	میرمحمدمؤمن حسینی	پنجاه‌تومان خراسان (ص ۴۵۵)
رقم‌لشکر نویس (ص۴۵۶)	میرعبدالعالی	بیست‌تومان رایج خراسان (ص ۴۵۶)
رقم صاحب‌توجیه(ص۴۵۷)	میرزامحمدشفیع	پانزده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۵۷)
رقم‌اوارجه‌نویس(ص۴۵۸)	میرزامحمدمقیم استرابادی	پانزده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۵۹)
رقم‌ناظر (ص ۴۵۹)	امامقلی بیگ	سی‌تومان خراسان (ص ۴۶۰)
رقم‌انشاء (ص ۴۶۰)	میرزامحمد طبیب بن‌میرزا محمدطاهروزیر	سی‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۱)
رقم‌طبیب (ص ۴۶۱)	حکیم‌محمدقاسم بن‌حکیم ابراهیم استرابادی	سی‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۱)
رقــم‌مهتــر ومــهــردار (ص۴۶۲)	محمدباقر بیگ‌غلام‌قدیمی	سی‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۲)
رقم‌سفره‌چی (ص ۴۶۳)	اللهوردی بیگ‌غلام	دوازده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۳)
رقم‌اشراف‌بیوتات واصطبل وشترخان (ص ۴۶۳)	نجفخان‌مشهدی و محمد‌محسن	هجده‌تومان‌رایج‌خراسان‌با لسویه(ص۴۶۳)
رقم‌صاحبجمعی صندوقخانه (ص ۴۶۴)	او ... بك‌غلام‌قدیمی	ده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۴)
رقم‌توشمال (ص ۴۶۵)	محمدیوسف‌بیگ‌غلام	هشت‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۵)
رقــم‌میر آخــور بــاشی (ص ۴۶۵)	شیخ‌محمدبیگ‌رایض‌عرب	دوازده‌تومان رایج خراسان (ص۴۶۶)
رقــم امیــرشکار بــاشی (ص ۴۶۶)	بدرخان بیگ‌بن‌شاهوار بیگ‌قراموسی‌لو	دوازده‌تومان رایج خراسان (ص۴۶۷)

۱ـ ایــن رسالــه در بنیاد خــاورشناسی فــرهنگستان لنینگراد بــه شمارهٔ B . 2280 موجود است .

ارقام	نام صاحب‌منصبان در استراباد	مواجب حکمی سالانه و رسومات مقرر و معمول منصب
رقم علمدار (ص ۴۶۷)	نوروز بیگ ینکچری	دوازده تومان رایج خراسان (ص۴۶۸)
رقم قورچی تیر و کمان (ص ۴۶۸)	ارس بیگ زیادلوی قاجار	ده تومان رایج خراسان (ص ۴۶۹)
رقم قورچی ترکش (ص ۴۶۹)	مصطفی بیگ بن برجعلی بیگ روملو	ده تومان رایج خراسان (ص ۴۶۹)
رقم قورچی تفنگ (ص۴۷۰)	فریدون بیگ غلام	دوازده تومان رایج خراسان (ص۴۷۰)
رقم قورچی زره (ص۴۷۰)	قلیچ بیگ بن یوسف بیگ زنگنه	نه تومان رایج خراسان (ص ۴۷۱)
رقم قورچی سپر (ص۴۷۱)	صفی قلی بیگ قیناق	ده تومان رایج خراسان (ص ۴۷۱)
رقم قورچی شمشیر (ص ۴۷۳)	محمدزمان بیگ ولد گرگین بیگ غلام	ده تومان خراسانی (ص ۴۷۲)
رقم قورچی نیزه (ص۴۷۳)	الغ خان بیگ ولد طاهر بیگ سپانلو ینگی قاجار	نه تومان رایج خراسان (ص ۴۷۳)
رقم قوریساول باشی (ص ۴۷۳)	درویش محمد بیگ ولد حسین قلی احمد فقهلو	هشت تومان رایج خراسان (ص ۴۷۳)
رقم صحبت یساول (ص۴۷۳)	زینل بیگ ولد امامقلی بیگ	دوازده تومان رایج خراسان (ص۴۷۴)
رقم ایشیک آقاسی (ص۴۷۴)	اسلمش بیگ ترکمان	دوازده تومان رایج خراسان (ص۴۷۵)
رقم کشیکچی باشی (ص ۴۷۵)	قلیجان بیگ ولد محمد آقا قوانلو ینگی قاجار	هشت تومان رایج خراسان (ص۴۷۷)
رقم قراسوران (ص۴۷۷)	میرزا محمد بیگ قاجار قورچی باشی	مواجب معینی ندارد واز جریمه استفاده می کنند



اسنادی در تابستان ۱۳۵۲ به‌دست آمد. آنهارا درفصلی درآخر کتاب به‌چاپ رساندیم. تنظیم و ترتیب آنها نیز طبق فصولی است که در قسمت اول کتاب آمده است. ممکن بود این قسمت از کتاب‌را در مجلد هفتم به‌چاپ برسانیم ولی‌احتمال‌آن می‌رفت‌که قسمتی از این اسناد درطول زمان از دسترس ما خارج شوند، از اینرو آنهارا درهمین‌مجلدگنجاندیم.

مجموعهٔ این اسنادرا دوست ارجمند آقای مسیح ذبیحی از خاندانهای قدیمی ساکن استراباد(گرگان) به‌دست آورده‌اند. نگارنده که عکس‌آنهارا در دست داشت، ابتدا آنهارا طبقه‌بندی کرد و سپس یکایک آنها را خواند و خلاصه‌ای ازمطالب هر یك بر بالای هر سند نوشت و متن اسناد را یکی پس‌از دیگری رونویس کرد و برای چاپ آماده نمود. با پیشنهاد دوست دیرین آقای ایرج‌افشار قرار شد این اسناد جزوکتب‌انجمن آثار ملی به‌چاپ برسد. قراردادآن به امضاء ریاست هیأت مدیره- تیمسار سپهبد فرج‌الله‌آق‌اولی - رسید. متأسفانه هنگامی چاپ این کتاب به‌پایان می‌رسدکه اورخت به‌سرای‌جاویدان برده است.[1] بااینکه رادمردان‌آمرزیده هستند، طلب مغفرت و آمرزش اورا از خدای متعال برخود فرض می‌دانند. جای او در قلب ماست و مهربانیها و انسانیت او فراموش نشدنی است.

دیگر از اعضای انجمن که در ضمن چاپ این‌کتاب روی در نقاب خاك آورد. همکار صمیمی و پرکار انجمن آقای حسن‌سمندراست.[2] خدایش

۱- تیمسار آق‌اولی سحرگاه دوشنبهٔ سیزدهم‌آبان ۱۳۵۳ خرقه تهی کردند. ۲- حسن‌سمندر ۲۵ دقیقه گذشته از نیمه‌شب یکشنبهٔ چهارم اسفند ۱۳۵۳ فوت شدند.

بیامرزاد و قرین رحمت کناد .

ازعموم اعضاء هیئت‌مؤسسین انجمن آثارملی خصوصاً هیئت مدیرهٔ آن بسیار سپاسگزار است . گـذشتها و گشاده‌روییهای ایشان کار سنگین چاپ این‌کتاب‌را بردوش این بنده سبك کرد .

بسیار بجاست که از سروران گرامی و آقایان محترمی که ایـن اسنادرا در اختیار ما گذاشته‌اند ، سپاسگزاری نماییم . اگر لطف وگذشت آقایان نبود ، بی‌شك این دسته از اسناد همانند بسیاری دیگر ، در گوشهٔ صندوقها می‌پوسید و یك‌رشته از تاریخ مملکت ما پوشیده وپنهان می‌ماند.

۱ــ حجةالاسلام حاج‌آقامحمدرضا میبدی و آقای آقا سید حسین برومند، اسناد سادات درازگیسو .

۲ــ حجةالاسلام حاج‌آقاحسین نبوی،اسناد سادات نبوی .

۳ــ حاج آقانصرالله قدس مفیدی، اسناد سادات مفیدی .

۴ــ آقای ابوالحسن‌خان میرفندرسکی،اسناد سادات میرفندرسکی .

۵ــ آقای علی‌اکبرطاهری،اسناد سادات طاهری .

۶ــ حاج‌آقا محمدرضا شیرنگی، اسناد سادات شیرنگی .

۷ــ آقای سید محمود هاشمی، اسناد سادات هاشمی .

۸ــ آقای ... افضلی، اسناد سادات‌افضلی .

۹ــ آقای یحیی قره‌داغی، اسناد خاندان مقصودلو .

۱۰ــ آقای عبدالحسین ملك ، اسناد خاندان ملك .

۱۱ــ آقای علی‌اکبر رهبر، اسناد مربوط به قاجارگرگان .

۱۲ــ آقای عابدین‌پور،اسناد مربوط به‌امامزادهٔ عبدالله زیارت .

۱۳ــ آقای علی‌اکبر مفیدی، اسناد مربوط به امامزادهٔ روشن‌آباد ویساقی .

۱۴ـ با همکاری آقای زیادلو ـ بایگان ادارهٔ اوقاف ـ سند مربوط به‌آب شهر و وقفنامه‌های فراوان دیگر .

۱۵ـ از آقایان ابوالقاسم امیر لطیفی وعلی‌اصغر کشاورز که‌اسناد مختلفی‌را به دست ما سپردند و همچنین از مسؤولان بایگـانی دادگستری گرگان و سایر آقایان که‌در این راه قدمی برداشته‌اند کمال‌تشکر و امتنان‌را داریم .

از دوستان فاضل که در خواندن پاره‌ای از کلمـات واشکالات متن حقیر را یاری کـردند چون آقایان محمدتقی دانش‌پژوه و حسین محبوبی اردکانی ومحمد شیروانی و عبدالله‌نورانی ممنون و متشکرم .

از همکار ودوست ارجمند آقای مسعودگلزاری‌که‌کارچاپ کتاب‌را به‌عهده داشتند صمیمانه تشکر می‌نماید.

تهران ـ بیست وپنجم مردادماه هزار و سیصد وپنجاه و چهار

منوچهر ستوده

بخش یکم

فرمان - حکم - امر - تعلیقه - عرضه‌داشت

فرمان سلطان یعقوب بن اوزون حسن (۸۹۶-۸۸۴) دربارهٔ معاف و مسلم شناختن سید عزالدین محمود و سید کمال‌الدین محموداز جمیع تکالیف دیوانی .

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت

و یطهرکم تطهیراً

قال النبی‌صلی‌الله علیه و سلم

مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من‌رکب فیها نجی

و من‌خلف عنها غرق و هوی

هوالغنی

الحکم لله

ابوالمظفر یعقوب بهادر سیوزومیز

[جای مهر][1] فرزندان سعادتیار و برادران کامکار و امراء نامدار و وزراء رفیع مقدار و حکام و داروغگان و مباشران

۱ـ مهر گردسلطان‌یعقوب، دردایرهٔ کوچك وسط : «یعقوب‌بن‌حسن» وکلمات حاشیهٔ آن را افقی حك‌کرده‌اند و این شعر فارسی را گنجانده‌اند :

«هرآنکه‌جانب اهل خدا نگه دارد   خداش در همه حال از بلا نگه‌دارد»

اعمال سلطانی و ناظمان اشغال دیوانی و اصول و اعیان و تمغاچیان و باجداران و مستحفظان طرق و مقاولان سبل و کشتی بانان و کوتوالان قلاع و ساکنان و متوطنان ممالك محروسه عموماً و عراقین و فارس و کرمان و آذربیجان و دیار بکر و گیلانات و مازندرانات احسن الله احوالهم بدانندکه تا درگاه گیتی پناه ما قبلهٔ مقبلان امم و مقبل شفاه بنی آدم شده و ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء پیوسته بمقتضی و احسن کما احسن الله الیك عمل نموده تشنه لبان بادیهٔ تظلم را از زمزم کرم سیراب ساخته‌ایم و از مضمون فحوای و تعاونوا علی البّر و التّقوی تجاوز نفرموده‌ایم و منشور عقیدهٔ صافی طویّت را بطـغراء غرّای محبّت و مودّت و اعظام سادات عظام که دراری اصداف رسالـت و ذراری معدن امامت‌اند و خلعت اعزازشان بطراز قل لااسألکم علیه اجراً الّاالمودة فی القربی محلّی است موشّح گردانیده‌ایم والحمدلله الذی هدینا لهذا وماکنّا لنهتدی لولاان هدینالله نتیجهٔ این مقدمات آنك در این وقت عالیجنابین هدایت مقامین مرتضی ممالك الاسلام عمدتی العلماء فی الانام زبدتی اعاظم السادات والنقباء قدوتی اکارم الفضلاء والنجباء جامعی المعقول والمنقول حاویی الفروع والاصول امیر سیدعزالدین مسعود و امیر سید کمال الدین محمود اعلی الله تعالی شأن السیادة والهدایة بمیامن برکاتهما که بجلالت حسب و شرافت نسب از اقران ممتازاند اقبال صفت ببارگاه سپهر اشتباه ما آمدند و بعزّ مجالست و شرف مؤانست استسعاد یافتند و بـانواع تعظیم و تکریم ملحوظ شده به لواحظ انعامات و تشریفات محظوظ گشتند بنا برعنایت پادشاهانه وعاطفت خسروانه که در بارهٔ ایشان حاصل بود این حکم جهان مطاع لازم الاتّباع شرف نفـاذ یافت تا آثار عواطف سلطانی درشأن ایشان برخواص وعوام ظاهر گردد بایدکه هرجاکه مقدم شریف ایشان رسد و نزول نمایند حکام واعیان آنجا اکرام واحترام و رعایت و مراقبت ایشان بواجبی بجای آورندبنوعی که آثار شکر آن بظهوررسد و مهمات ایشان بکفایت مقرون گردانند و داروغکان و عمّال و تمغاچیان و باجداران ممالك محروسه ازجهات

ایشان تمغا و باج و راهداری و سوغاتی و تخته‌باشی و سلامانه وغیرذلك طلب‌ندارندو جهات ایشان را از جمیع تکالیف دیوانی معاف و مسلم ومرفوع‌القلم دانند وپیرامون بارهای ایشان نگردند و هرگاه متوجه ممالك محروسه شوند درآمدن و رفتن بدین دستور عمل نمایند و از منازل مخوفه بسلامت بگذرانند و ایشان را تکلیف ملاقات امرا و سند و امضاشان‌گرفتن نکنند و سواد این نشان چون بمهر حاکم یاقاضی‌ولایت باشد معتبر دانند و هر ساله حکم و پروانچهٔ مجدد طلب ندارند ایلچیان و یامچیان‌و آینده و رونده چهارپایان ایشان وکسان ایشان را الاغ نگیرند و از فرموده عدول نجویند وشکر ایشان راعظیم مؤثر شناسند وازشکایت‌محترزباشند وچون بتوقیع رفیع اشرف‌اعلی موشّح و موضّح ومزّین و محلّی گردد اعتماد نمایند کتب بالامرالعالی اعلاهُ ... و خلّدنفاذه ولازال مطاعاً متبعاً .

فی‌عشرین ذوالقعدةالحرام سنة احدی وتسعین وثمانمائه .

ختم‌بالخیر   بدارالسلطنهٔ تبریز

۲

فرمان شاه اسماعیل اول (۹۳۰ـ۹۰۷) دربارهٔ واگذاری دهکدهٔ چوپالانی به عنوان سیورغال به نظام‌الدین احمدالحسینی .

واهب العطیات

الحکم لله ابوالنصر سام

اسمعیل بهادر سیوزومیز

حکام و داروغگان وعمّال و ارباب وکلانتران و جمهور سکنه و عموم متوطنهٔ بلدة‌ المؤمنین استراباد احسن‌الله تعالی عواقب امورهما بدانندکه بر مقتضی‌کریمهٔ قل لااسئلکم علیه اجراً الاّالمودة فی‌القربی رعایت جانب سادات عظام کرام خصوصاً

کسی‌که شجرهٔ طیبهٔ ذات بابرکاتش بزینت علم وکمال و رتبت فضل وافضال مزین بوده در طریق ورع و تقوی مرتاض باشد لازم ومتحتّم می‌نماید لهذا عنایت و مرحمت در بارهٔ سیادت و نقابت پناهی فضائل و معالی دستگاهی ذی‌الحسب‌الظاهر والنسب‌الطاهر سیّد نظاماً لدین احمدالحسینی که من‌المهد الی‌العهد قواعد علم وعمل‌را مطمح نظر داشته اوقات خود را بطاعات و عبادات حضرت ∴ مصروف‌گردانیده[1] مبلغ دوتومان و پنجهزار دینـار تبریزی که حسب‌الفرمان قضاجریـان نـواب اعلی‌همیون در وجـه سیورغال مؤبد[2] برای او مقرر است ازابتدای یونت‌ئیل بهمان دستور مقرر نمودیم‌که رسد مالوجهات و وجوهات وسایرجهات وداروغگی قریهٔ امیناباد را ازبلوك‌استرا باد‌ـ رستاق‌که ازراه ملکیت تعلق به سیادت‌مآب مشارالیه دارد ومشهور است به‌چوپالانی‌و در سنهٔ مذکوره بمبلغ دو تومان و دوهزار و هفتصد و نود ودو دینار تبریزی قـرار یافته بموجب ضمن از آنجمله حساب نموده تتمه را از محل مرجوّالوصول تنخـواه نمایند و بدستوری‌که در فرمان‌جهانمطاع مسطور است ازاخراجات وعوارضات‌وسایر تکالیف دیوانی برمبلغ مذکور حوالتی نکنند و ازحشوتیول تیولداران آن مملکـت وضع نموده داخل ندانند و قلم و قدم کوتـاه وکشیده داشته از شائبهٔ تغییر و تبدیـل مصون و محروس شناسند وهر ساله نشان مجدد نطلبند و چهارپایان اوراالاغ نگیرندو در منازل او نزول ننمایند وشکروشکایت او را مؤثرشمرند در این باب‌توجه‌نمایند .

[مـوضع مهر گـرد و کلاهك‌دار شاه اسماعیل]
غرّه‌شهر رجب‌المرجب‌سنهٔ‌ثمان وعشرین وتسعمایه

۱ـ بالای‌کلمهٔ «گردانیده» با قلم متن با خط ریزتر «فرموده» نوشته شده است .
۲ـ در درست خواندن این‌کلمه شك داریم .

۳

فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ ـ ۹۳۰) دربارهٔ تصدی و تکفل امیر کمال‌الدین محسن استرابادی برای رساندن نان تصدق شاه را به مستحقان.

الملك لله

[مهر گرد شاه طهماسب][1]

فرمان همیون شد آنکه بنابر ظهور امانت و صلاح ودیانت وراستی سیادتمآب تقوی شعاری امیر کمال‌الدین محسن استرابادی از ابتداء لوی‌ئیل اورا متصدی و متکفل نان تصدق فرق مبارك که در بلدة‌المؤمنین استراباد مقرر است گردانیدیم و دانسته بدو تفویض فرمودیم تا بواجبی بامر مذکور قیام نموده دقیقهٔ نامرعی نگذارد و وجه مذکور را بمستحقین واصل سازد دراین باب قدغن عظیم لازم دانسته هر ساله بحکم مجدد محتاج ندانند بعهدهٔ حکام دارالمؤمنین مذکور که درین باب امداد نموده رعایت و مراقبت سیادتمآب مومی‌الیه از لوازم دانند.

تحریراً شهر ذی‌حجة‌الحرام سنه ۹۵۰.

---

۱ ــ مهر گرد شاه‌طهماسب، دروسط: «بندهٔ‌شاه ولایت‌طهماسب» ودرحاشیه باخطی که‌دور چرخیده است: «محمدالمصطفی علی‌المرتضی حسن‌الرضا حسین‌الشهید علی‌زین‌العابدین محمدالباقر جعفرالصادق موسی‌الکاظم علی‌بن‌موسی‌الرضا محمدالتقی علی‌النقی حسن ـ العسکری محمدالمهدی».

٤

فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ - ۹۳۰) برای واگذاری وجه سیورغال امیر نظام‌الدین احمد به اولاد او .

ابوالمظفر بهادر سیوزومیز[1]

حکّام کرام و سادات عظام و قضاة اسلام و موالی فخام و مشایخ ذوی‌الاحترام واصول‌و اعیان و کلانتـران و عمّال و مباشران امور و اشغال‌دیوانی و متصدیان و متکفّـلان اعمال سلطانی بلدة‌المؤمنین استراباد[2] بدانندکه‌چون همگی همّت علیا نهمت‌همیون بترفیه احوال سادات رفیع‌الدرّجات که ثمرهٔ شجـرهٔ نبوّت و فـرع دوحهٔ امامت‌اند مصروف و معطوفست شمهٔ از عواطف و عنایات شاهی شامل حـال وکافـل آمال اولاد امجاد سیادت‌پناه مرحوم امیر نظاماً لدّین احمد مقلاسخانـی فـرموده مبلغ بیست و پنجهزار دینار تبریزی‌که ازمالوجهات آنولایت در وجه سیورغال والد ایشان مقررّو مجری و مستمرّ بوده بهمانقاعده و دستور از هر محل‌که مجـری میشده و تعیین‌گشته در وجه سیورغال ابدی و احسان سرمدی اولاد او ارزانی داشتیم و مبلغ پانزده هزار دینار تبریزی‌که ازآنجمله داخل تیول امیر اعظم درویش‌بیگ‌روملو شده بود دانسته از ابتداء لوی‌ئیل باطل‌گردانیدیم و بسادات مشارالیهم منقول نمودیم بایدکه مبلـغ بیست وپنجهزار دینار مزبور را باسم اولاد مشارالیه برقرار دانسته احکام وپروانجات

۱- در توقیع فواصلی سفید به چشم می‌خوردکه ظاهراً در این فواصل نام‌شاه با آب طلا نوشته شده بوده است. ۲- تا اینجا متن فرمان را نویسنده در دو سطر جا داده‌و این دو سطر را از وسط کاغذ فرمان نوشته است و در قسمت خـالی دست راست، مهر شاه طهماسب‌با این‌شرح دیده می‌شود . در دایرهٔ وسط : «طهماسب بن‌اسمعیل» و درکلاهك‌مهر: «الله محمد علی» و درحاشیه با خطی‌که دورچرخیده‌است :

«گرکند بدرقهٔ لطف تو همراهی‌ما چرخ بر دوش کشد غاشیهٔ شاهی ما»

که دراین باب باسم والد ایشان شرف صدوریافته باشد باسم ایشان من‌اوّلها الی‌آخرها
بجمیع قیودها ممضی و منفذ دانند و تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند و از شائبهٔ
استرداد و انسداد مصون و محروس شمرند مستوفیان دیوان اعلی و عمّال و مباشران
ولایت مذکور مضمون مسطور را در دفاتر خلود مثبت و مرقوم گردانند واگر احیاناً
در باب تغییر سیورغالات اینولایت حکمی صادر شود مبلغ مزبور را مستثنی دارند و
بعلّت مالوجهات و اخراجات‌حکمی و غیرحکمی ازساوری وپیشکش وده‌یك وده‌نیم و
منالانه و حوالچی عمّال و رسم‌الوزاره و علفه وعلوفه و الاغ و الام و بیگار و طرح و
دست‌انداز و راهداری و یرغوچیگری و غیر ذلك بهراسم ورسم‌که باشد از محل
سیورغال ایشان طلبی ننمایند و داخل‌نتیجه نکنند و رعایت وهمراهی بتقدیم‌رسانندو
مجال مخالفت احدی ندهند و هر ساله نشان و پروانچهٔ مجدّد نطلبند .

فی‌شهر شوال ۹۳۸ .



فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰) برای واگذاری قریهٔ علوی‌کلاتهٔ استرابادرستاق به انعام سیدکمال‌الدین محمود.

هو

شاه بابام

امر عالی شد آنکه چون حسب‌الفرمان واجب الاذعان بندگان نوّاب کامیاب اعلی
همایونی قریهٔ علوی‌کلاته استرابادرستاق ملکاً و مالاً و منالاً بانعام سیادت‌پناه نقابت‌-
دستگاه معالی انتباه افاضت‌شعار افادت‌آثارکمالاً للسیادة والافادة والافاضة والدین
محمودا از ابتدای لوی‌ئیل مقرر است وکلاء عظام و مستوفیان‌کرام سرکار خاصه
بهماندستور مقرر دانسته از مضمون حکم جهانمطاع آفتاب ارتفاع که درین باب عزّ

اصدار یافته عدول و انحراف نورزند و آنچه در سنهٔ مذکوره بعلّت مالوجهات وسایر متوجهات دیوانی از قریهٔ مذکوره گرفته باشند بدو باز گردانیده من‌بعد پیرامون نگردند و قلم و قدم‌کوتاه و کشیده داشته طمع وتوقعی ندارند وتغییر و تبدیل‌بقواعد آن راه ندهند.

تحریراً فی‌غرّه شهر رمضان ...[۱]
[جای‌مهر][۲]

۶

فرمان‌شاه‌طهماسب برای محمدخان آسایش‌اغلی که از یونس‌ترک چیزی بابت متوجهات قریهٔ انجیره‌بنی نگیرند.

[جای مهر شاه طهماسب][۳]

فرمان همیون شد آنکه چون معروض شدکه یونس ترك قریب چهل‌سال است‌که در قریهٔ چوپالانی ساکن است و در قریهٔ انجیره‌بنی چیزی که حقوق دیوانی برآن لازم‌آید ندارد و متوجهات او در تحت موضع چوپالانی جمع است و در این باب اسناد حکام و وزراء استراباد خصوصاً مرحومی خواجه مظفر پتکچی‌که مالك قریهٔ انجیره‌بنی بوده ابراز کردند بنابراین هیچ آفریده بعلّت رعیّتی موضع مذکور مزاحمت بحال یونس مزبور نرساند و طلبی نکنند بعهدهٔ ایالت‌پناه حکومت دستگاه

۱- تاریخ زیر مهر رفته است. ۲- مهر گرد شاه طهماسب باسجع: «الواثق بعون رب جلیل طهماسب بن‌شاه اسمعیل». ۳- مهر گرد شاه طهماسب اول (۹۳۰ تا ۹۸۴)، دردایرهٔ وسط: « بندهٔ شاه ولایت طهماسب۹۵۰» و در حاشیه باخطی که‌دور چرخیده است: «محمدالمصطفی علی‌المرتضی حسن‌الرضا حسین‌الشهید علی‌زین‌العابدین محمدالباقر جعفرالصادق موسی‌الکاظم علی‌بن‌موسی‌الرضا محمدالتقی علی‌النقی حسن‌العسکری محمدالمهدی».

شمساً للایالة محمدخان آسایش‌اغلی که مجال مخالفت احدی نداده‌کس تعیین نماید که او را بموضع چوپالانی برند و اگر جماعت سیاه‌پوشان چیزی از اوگرفته باشند بازگرفته بدو عایدگردانند در این باب قدغن دانسته تخلّف نورزد.

تحریراً فی...[۱]

۷

فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ـ۹۳۰) برای معاف و مسلم دانستن امیرکمال‌الدین‌محمود ازجمیع تکالیف دیوانی.

الملك‌لله

[جای مهر شاه طهماسب][۲]

فرمان همیون شد آنکه حکام و تیولداران و داروغگان وعمال وکلانتران و متصدیان امور دیوانی و مباشران و مستوفیان و محصصان دارالمؤمنین‌استراباد مطلقاً بعلت اخراجات و خارجیات مسدودة الابواب سیّما علفه و علوفه و قنلغا و طرح و دست‌انداز و پیشکش و سلامی و عیدی و نوروزی و داروغگی و موجبانه و وجوه‌فسیله وخرج بارو وقلعه و خرج بره ومرغ وگوسفندوکاه و هیمه و سایر تکالیف دیوانی بهر اسم‌و رسم‌که باشد برسرکار سیادت‌پناه نقابت وافادت‌دستگاه عمدةالسادات العظام امیرکمالا للسیادة والنقابة محمودا حوالتی ننمایند و قلم و قدم‌کوتاه وکشیده داشته اعزاز و اکرام بتقدیم رسانند و بخلاف حکم و حساب بربرزیگران وکارکنان سیادت‌پناه مشارالیه رقمی ننمایند وطلبی نکنند وشکر و شکایت‌آن سیادت و نقابت‍

۱ــ چون هیچگونه تاریخی در ذیل فرمان نیست ، ظاهراً تاریخ مهر تاریخ‌صدور فرمان است یا تاریخ از متن عکس‌بیرون‌افتاده است . ۲ــ مهر گرد شاه طهماسب‌با مشخصاتی که در حاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۶ آوردیم .

پناه را عظیم مؤثر شناسند و از تخلف‌که موجب خطاب وعتاب[شاهانه] است اندیشه نموده هرساله حکم مجدد نطلبند .

تحریراً فی‌شهر جمادی‌الاول سنه ۹۵۱ .

۸

فرمان شاه‌طهماسب برای‌واگذاری‌متوجهات قریهٔ‌روستائی‌محله به مبلغ دوازده‌هزار دینار تبریزی به‌سید کمال‌الدین‌محمود .

الملك‌لله

[محل مهر شاه طهماسب][1]

فرمان همیون شد آنکه چون سیورغالات و رقبات اولاد سیادت‌پناه مرحوم جمالا ـ محمدا در دفاتر دیوان اعلی مجمل است و تفصیل ندارد و چنان بعرض رسیدکه موضع روستایی محلهٔ بلوك استراباد رستاق ولایت استراباد در تحت جمع و سیورغال اولاد مذکور است و معروض شدکه موضع مذکور از ایشان بملکیت‌کمالا للسیادة و النقابة والدین محمودا متعلق‌گشته و متوجهات موضع مزبور را بمبلغ دوازده هزار دینار تبریزی با او قرار داده سند خود داده‌اند بنابراین بهمان دستور با مشارالیه عمل نموده از مضمون سند و نوشتهٔ خود در نگذرند درین باب قدغن دانسته تخلف نورزند و هر ساله سند وحکم مجدد نطلبند .

تحریراً فی‌شهر رجب ۹۵۲.

۱ـ مهر گرد شاه طهماسب‌اول (۹۸۴ ـ۹۳۰) با مشخصاتی که‌درحاشیهٔ فرمان‌شمارهٔ۶ آوردیم .

۹

فرمان شاه طهماسب اول برای عمادالدین مسعود و امیر ابراهیم برادران امیر کمال الدین محمود که انعامات و مسلمیات و سیورغالات برادر متوفی را به آنان واگذارند.

الملک لله

ایزدی [جای مهر شاه طهماسب][1]

فرمان همیون شد آنکه چون بموقف عرض رسید که سیادتمآب امیر کمال الدین محمود استرابادی بجوار رحمت ∴ پیوسته بنابر وفور عنایت بیغایت شاهی در بارهٔ برادران اوعماداً للسیادة والدین مسعود و امیر ابراهیم انعامات و مسلّمیات و سیورغالات که در وجه مرحوم مشارالیه مقرر بود بتخصیص قریـهٔ علوی کلاته استراباد رستاق کـه منال آن بانعام و رقبهٔ آن بملکیت بدوشفقت شده بود و مالوجهات آن بسیورغال او مقرر بود از ابتداء قوی ئیل بدستور بدیشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم حکام و عمال و تیولداران و داروغگان ومتصدیان مهمات بلدة المؤمنین استراباد تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند و بموجبی که احکام جهانمطاع باسم مرحوم مومی الیه صادر گشته عمل نموده احدی را درآن مدخل ندهند و بعلت اخراجات حکمی و غیر حکمی بهر اسم و رسم که باشد یکدینار برموضع مذکور حواله ندارند و از حشو تیول تیولداران وضع نموده داخل نتیجه نسازند و اعزاز واحترام مشارالیهما واجب شناسند مستوفیان کرام دیوان اعلی برین موجب دردفاتر عمل نموده تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند از جوانب برین جمله روند وهرساله حکم مجدد نطلبند.

تحریراً فی ۲۰ شهر ربیع الثانی سنه ۹۵۴.

۱ـ مهر گرد شاه طهماسب اول بامشخصاتی که درذیل فرمان شمارهٔ ۶ نوشته شده است.

۱۰

فرمان شاه‌طهماسب‌اول برای شاه علی‌سلطان استاجلو که تفاوت موضع علوی‌کلاته را از امیر عمادالدین مسعود و امیر ابراهیم طلب نکنند و مبلغ یک تومان تبریزی که در وجه‌سیورغال ایشان مقرر بوده است به ایشان برسانند .

الملك‌لله

[جای مهرشاه طهماسب][1]

فرمان‌همیون شد آنکه زیناً للایالة شاه‌علی‌سلطان‌استاجلو چون موضع علوی‌کلاته استراباد عن‌مال ومنال سیورغال وانعام ورقبهٔ آن بملکیت‌سیادتمآ بین امیرعمادالدین‌ـ مسعود و امیرابراهیم مقرر است اولاً بعلت مال و منال و اخراجات بعرض رساند و از مضمون پروانچهٔ همیون که قبل ازین درین باب صادر شده تجاوز ننماید و چون تفاوت موضع مذکور بتیول او مقرر نشده و نیست بدانعلت طلبی ننماید و آنچه بهر جهت ستده باشد بازگرداند و مبلغ یکتومان تبریزی‌که از مملکت در وجه سیورغال ایشان مقرر بوده و درلوی‌ئیل ازموضع روستایی محله‌که ملك مشارالیهماست تنخواه شده بود و درثانی‌الحال موضع مزبور حسب‌الجمع داخل سیورغال اولاد مرحوم‌جمالا محمدا شده مبلغ مزبور را از سنوات گذشته وحال از مملکت درانند ؟ محال‌بدیشان واصل گردانیده چیزی موقوف ندارد و رعایت و اعزاز و احترام مشارالیهما و مردم ایشان از لوازم دانسته شکر و شکایت ایشان را مؤثر شناسد درین ابواب قدغن لازم شناخته هرساله حکم مجدد نطلبد. تحریراً فی شهر ربیع‌الاول سنه ۹۵۵ .

۱ــ مهر گرد شاه‌طهماسب‌اول (۹۸۴ ــ ۹۳۰) بامشخصاتی که درذیل فرمان شمارهٔ ۶ آورده‌ایم .

۱۱

سواد فرمان شاه‌عباس اول(۱۰۳۸-۹۸۹) برای میرزا بیك فندرسکی و بر قراری مبلغی از بابت مالوجهات و وجوهات بلوك فندرسك و رامیان و برزمهین و اشتاق به‌احسان سرمدی او .

[جای مهر شاه‌عباس]

ابوالمظفر عباس‌الصفوی الموسوی الحسینی المؤید من‌عندالله[۱]

چون از دیوان‌کرامت نشان ان الارض‌لله یورثهامن‌یشاء وایوان عاطفت و احسان والله یوتی ملکه من‌یشاء نشان واجب‌الاذعان خلافت‌جهـان و سلطنت جهانیـان را بنـام نامی و اسم سامی نواب همیون ما انشا فرموده‌اند و خطبهٔ جهـانداری و بختیاری را بمودّی قل‌اللهم مالك‌الملك تؤتی‌الملك من تشاء برای ما ایفا نموده وازمآثر اینمعانی زمام مهام‌کل انام و عنان حصول مرام خواص و عوام بکف اختیار مـا داده‌اند لاجرم ما نیز بشکرانهٔ این مواهب سنیّه و مراتب بهیّه برحسب‌کـریمهٔ الشکّـر تدوم‌النعـم پیوسته مکنون خاطر خطیر و مخزون‌ضمیر منیر فیض‌پذیر آنست‌کـه در ایام دولـت روزافزون و زمان خلافت ابد مقرون بنوعی متوجه تربیت ورعـایت جمعی‌که نسبت نسب ایشان بسلسلهٔ نبوت و امامت و خاندان رسالـت و هـدایت که بمودّی حقیقت انتماء قل‌لااسئلکم علیه اجراً الاّ المودة فی‌القربـی موالات ایشان باعث تصاعـد برمدارج سروری بمقتضای مثل اهل‌بیتی‌کمثل سفینة نوح من رکب‌فیها نجـی توسل بذیل والای ایشان موجب تضاعف‌اسباب تفوق و برتریست لهذادراین اوقات فرخنده‌ـ ساعات خجسته‌که سیادت و نقابت پناه رفعت و معالی دستگاه عمدةالسادات والاشراف جلالامیرزا بیکا فندرسکیا طریق و آئین اخلاص و جـانسپاری مسلوك داشته بدرگاه

۱ــ این توقیع برسمت راست یکی دو سطر اول فرمان است .

فلك اشتباه‌آمده تجدید مراسم دولتخواهی آبا و اجداد نموده در مضمار یکجهتی گوی تفوق و رجحان از اکفاء و اقران و سایر ابنای زمان ربوده بنابر توجه خاطر بانتظام احوال و انجاح امانی و آمال سیادت و نقابت پناه مومی‌الیه گردانیده از ابتداء ششماههٔ سیچقان‌ئیل مبلغ...[1] ازبابت مالوجهات ووجوهات بلوك فندرسك ورامیان و برزمیهن واشتاق من اعمال دارالمؤمنین استراباد...[2] احسان‌سرمدی‌سیادت و نقابت‌ـ پناه مشارالیه مرحمت فرموده ارزانی داشتیم مستوفیان عظام دیوان اعلی رقم ایـن عطیه را در بارهٔ سیادت و نقابت‌پناه مومی‌الیه انعام مخلد و اکرام مؤبد شمرده در دفاتر خلود ثبت نموده از شوائب تغییر وتبدیل مصون و محروس شناسند ارباب و کدخدایان و رعایای بلوك فندرسك ورامیان و ابر نقابت پناه مومی‌الیه [را صاحب سیورغال] خود دانسته سال بسال مالو حقوق دیوانی خود را حسب‌الظهر بدوو وکلاء او واصل ساخته چیزی موقوف ندارند و نهایت اطاعت و متابعت بجای آورند حکام و تیولداران و کلانتران و عمال دیوانی و متصدیان اشغال سلطانی ولایت‌استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته مطلقاً در محال سیادت و نقابت‌پناه مومی‌الیه مدخل ننموده بعلت اخراجات و عوارضات و توجهات حکمی و غیر حکمی و استصوابی و مملکتی بهراسم ورسم‌که باشد اطلاق ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند ودر این باب قدغن دانسته از فرموده درنگذرند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون بتوقیع رفیع اشرف اعلی مزین و محلی‌گردد اعتماد نمایند .

شهر ذی‌قعدة الحرام سیچقان‌ئیل ست وتسعین و تسعمائه .

۱ــ یك‌كلمه خوانده نشد . ۲ــ دو سه‌كلمه خوانده نشد .

۱۲

فرمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ـ ۹۸۹) در تأیید وقفیت قراء علوی کلاتـه وچوپالانی و ابطال مبایعهٔ علیار بیگ ایمور دو قریهٔ مزبور را .

الملک لله

[جای مهر شاه عباس][1]

فرمان همیون شد آنکه چون ازمضمون تذکرهٔکه بخط و مهرجمعی کثیر از سادات عظام وقضاة وارباب واهالی واصول واعیان دارالمؤمنین استراباد رسیده معلوم ومستفادشد که سیادت پناه مرحوم میرروح الله استرابادی قریهٔ علوی کلاته و قریهٔ چوپالانی راکه در بلوك استرابادرستاق دارالمؤمنین مذکور واقع است و از راه ملکیت بمرحوم مـزبور متعلق بوده درحال صحت نفس وثبات عقل وقف نموده براولاد خود بطناً بعد بطن وعقباً بعدعقب چنانچه وقفنامچهٔ معتبرهٔ مسجله بسجل صدورعظام وقضاةاسلام برآن دال است و بیع وشری در وقف جائز نیست و علیاربیگ ایمور بعنف و تعدی ارادهٔ خـریداری املاك مذکور نموده ومبایعهٔ غیرمشروعه واقع شده واین معنی خلاف شرع شریف است بناءً علی الوقوع مقررفرموديم که هیچ آفریده بغیرحق وخلاف شرع انورمدخل درمحال مذکوره وقفی ننموده بحسب شرطواقف باولاد واولاد اولاد متعلق دانند وبیع وشری که واقع شده باشدچون خالی ازصحت شرعی است قضاة اسلام بدان مستند اعتماد نکنندو ازجادهٔ شریعت غرّا تجاوز ننمایند ورثهٔ علیاربیگ ایمور حسب المسطور مقرردانسته

[1] ۱ــ مهر گردبزرگ شاه عباس، در دایرهٔ وسط : «بندهٔ شاه ولایت عباس ۹۹۹» و اطراف با خطی که دور می‌چرخد« اللهم صلی علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والزکی والمهدی».

بمجرد مبایعهٔ خلاف‌شرع‌پیرامون املاك وقفی مذکوره‌نگردند واگردراین باب‌حکایت شرعی داشته باشند بقضاة اسلام ومتصدیان شرعیات آنجا رفع نمایند که حکم عدالت مرتب‌گردد وکلاءحاکم وعمال ومتصدیان مهمات دیوانی دارالمؤمنین استراباد مدخل دروقف مذکور ننموده پیرامون نگردند و داخل امـلاك علیاربیگ نسازند ایالت‌و حکومت‌پناه شوکت و حشمت دستگاه عالیجاهی حسین خان مصاحب قاجار حـاکم دارالمؤمنین مذکور بموجب‌مسطورعمل‌نموده امداد واعانت اولاد واقف مذکور بتقدیم رساند ومجال تمرّد وتخلف غیرمشروع احدی‌ندهد ونگذاردکه‌احدی‌ازعمال‌دیوانی‌و غیرذلك بخلاف شرع پیرامون وقف مذکورگردند در این باب قدغن داند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاولی سنه الف .

[درحاشیهٔ سمت راست همین فرمان :]

مقرراست‌که چون بنابرآنکه وقفیت واکراه واجبارعلی یاربیگ به بیع باخبارواشهاد قضاة اسلام و عدول مسلمین دارالمؤمنین استراباد تحقیق پذیرفته ورثهٔ علی یاربیگ در موضع مذکور دخل ننمایند واگر چیزی بورثهٔ میر مرتضی داده باشند چون وارث شرعی میرابراهیم است بعد از ادم[کذا] شرعاً ازو بازیافت‌نمایند.

[جای مهر شاه‌عباس][1]

۱ـ مهر گرد شاه‌عباس‌که به دو نیم دایرهٔ بالا و پایین قسمت شده است . در نیم دایرهٔ بالا: «بندهٔ شاه ولایت عباس» و در نیم دایرهٔ پایین: «مهر مسودات دیوانی» .

۱۴

فرمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۸۹) برای منع غازیان وملازمان از نزول به خانهٔ امیر کمال‌الدین سرخ استرابادی و منع اطلاق‌و حوالتی بدو به هر اسم ورسم که بوده باشد .

الملك لله

[جای مهر شاه‌عباس] [۱]

فرمان همیون شد آنکه درینوقت بنا برمراعات جانب سادات‌عظام ورفاهیت‌احوال ایشان مقرر فرمودیم که‌هیچ آفریده از غازیان‌عظام وملازمان حکام و آینده‌و رونده و غیرذلك در خانهٔ سیادت‌پناه امیر کمال‌الدین‌سرخ استرابادی نزول ننموده پیرامون نگردند و بدانعلت مزاحمت بحال مشارالیه نرسانند داروغگان وعمال وکدخدایان بلدة‌المؤمنین استراباد خانهاء سیادت‌پناه مومی‌الیه‌را بنزول ندهند وبعلت اخراجات‌و عوارضات خلاف حکم‌اشرف ازعلفه وعلوفه وزرکوچه ومحله ومردباره وکشیك قلعه‌و میرشبی‌ومیهمانی وغیرذلك‌بهر اسم‌ورسم که بوده‌باشد اطلاق‌وحوالتی ننموده بهیچ وجه‌ من‌الوجوه متعرض احوال سیادت‌پناه مومی‌الیه نگردند دراین‌باب قدغن دانند بعهدهٔ حاکم دارالمؤمنین استراباد که دراین باب امداد بتقدیم‌رساند واعزاز واحترام سیادت‌پناه مشارالیه لازم داند و هر ساله حکم مجدد نطلبد .

تحریرا فی شهرجمیدی‌الاول‌سنه‌سبع والف من‌الهجرة.

۱ــ مهر گردبزرگ شاه‌عباس، در دایرهٔ وسط: «بندهٔ شاه‌ولایت عباس ۹۹۹» و اطراف این دایره با خطی‌که دور می‌چرخد، صلوات برچهارده معصوم چنانکه در حاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۱۲ آمده است. پشت این فرمان دو مهردیگراست: یکی هشت ضلعی باسجع :«هست از جان‌غلام شاه‌صفی ۱۰۰۴» ودیگری گلابی شکل وسجع‌آن : «بندهٔ شاه‌ولایت‌حاتم۹۸۹».

۱٤

فرمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۸۹) برای رفع مزاحمت از رعایای قراء کشته و گلبن و رساندن حقابهٔ قریهٔ میر و محله به رعایای آنجا.

الملک لله

[جای مهر شاه عباس] [1]

فرمان همیون شد آنکه چون رعایاء قریهٔ کشته و گلبن من اعمال دارالمؤمنین استراباد ازروی امیدواری تمام درهرجاوهرمقام ونزد هرکس بوده باشند بجا ومقام اصلی خود آمده بزراعت وعمارت ودرویشی ودعاگویی دوام دولت همیون[2] اشتغال نمایند احدی ازحکام کرام وداروغگان وتیولداران وکلانتران وکدخدایان هرمحل بغیرحق وخلاف حساب مانع ومزاحم جماعت مذکور نشده گذارندکه بجا ومقام اصلی خود روند...[3] وچون بعرض رسید که جمعی بغیر حق و خلاف حساب مانع حقابهٔ قریهٔ میرومحلهٔ دارالمؤمنین مذکورشده نمیگذارندکه رعایا حقابهٔ خود را بزراعات وباغات خودبرده شرب نمایند بنابرین می‌بایدکه هیچ آفریده بغیرحق وخلاف قانون قدیم مدخل در حقابهٔ قریهٔ مزبور ننموده پیرامون نگردند گذارند که رعایاء قریهٔ مزبور بزراعاتو باغات خود برده شرب نمایند در این باب قدغن دانسته از فرموده در نگذرند بعهدهٔ حاکم آنجاکه دراین باب امداد بتقدیم رساند ودرعهده داند .

تحریرا فی شهرربیع‌الاول سنه ۱۰۱۸ .

۱ـ مهر گرد کوچك شاه‌عباس، دردایرهٔ وسط : «بندهٔ شاه ولایت‌عباس ۹۹۹» واطراف آن با خطی‌که دور می‌گردد صلوات برچهارده‌معصوم که‌شرح آن درحاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۱۲ آمده است .

۲ ـ در درست خواندن این کلمه شك داریم .

۳ ـ یکی دو کلمه خوانده نشد .

۱۵

حکم شرعی صدرالدین محمدالموسوی‌الحسینی برای میرحسن از اولاد میرسید رضی‌الدین حسینی که او را متولی شرعی تمامی مجرای سرچشمهٔ روشن‌آباد شناسند.

یامن‌هوکاظم

امامزاده عبدالله الکاظم

والفضل الکاظم علیهما السلم

صدرالدین محمدالموسوی‌الحسینی [۱]

چون معروض‌شد که سیادت‌پناه مرحوم میرسید رضی‌الدین‌حسینی قاضی استرابادی تمامی مجری سرچشمهٔ روشن‌آباد توابع بلوك سدن‌رستاق دارالمؤمنین استراباد که مالك شرعی آن بوده‌وقف‌نموده برمزارفایض‌الانوارامامزاده‌های واجبی‌التعظیم‌والتکریم ∴ وتولیت شرعی‌آن‌را باولاد خودتفویض نموده نسلاً بعدنسل وعقباً بعد عقب والحال نوبت تولیت آن منتهی شده بسیادت‌پناه میرحسن که ازاولاد واقف مذکوراست بنابر وقوع مقررشد که چون سید رضی‌الدین مذکور مجری‌آب مذکوررا وقف نموده باشد برمزارفایض‌الانوارامام‌زاده‌هاء مذکور وتولیت شرعی‌آن را باولاد خود تفویض نموده باشد نسلاً بعد نسل وعقباً بعد عقب ونوبت تولیت‌آن الحال منتهی‌شده‌است بمیرحسن مذکور احدی بخلافشرع‌شریف درتولیت‌شرعی‌آن مدخل‌ننمایند وتولیت شرعی‌آن‌را مخصوص اودانسته وگذاردکه مومی‌الیه درامرتولیت و لوازم‌آن قیام‌نماید وحق‌التولیه که شرعاً بموجب نص واقف جهت متولی معین گشته باشد حسب‌الشرع‌الاقدس تصرف نماید سیادتمآب میرکلان استرابادی‌حسب‌المسطورمقرردانسته مادام‌که حقیقت‌تولیت

۱ــ این نام به‌شکل توقیع در سمت راست وبالای دوسطر اول متن است.

خود را در دیوان الصدارةالعلیةالعالیه ظاهر نسازد بادعای تولیت درحق‌التولیه آن بخلاف شرع شریف وشرط واقف مدخل نسازد ولوازم‌امر تولیت را مخصوص مشارالیه داند واگردرین باب شکایت شرعی داشته‌باشد بقضاة اسلام‌آنجا رفع نماید بعهدهٔوکلاء حاکم آنجا که دراین باب امداد شرعی بتقدیم رساند.

تحریرا شهرربیع‌الآخرسنه ۱۰۲۷ .

۱۶

فرمان‌شاه‌عباس‌اول(۱۰۳۸-۹۸۹)برای اولاد شیخ‌مؤمن‌که مبلغ چهارده هزار دینار رایج خراسان سیورغال سابق را به ایشان بپردازند و ایشان را از تکالیف دیوانی معاف بدانند.

شاه‌باباام انارالله برهانه

[جای مهر شاه‌عباس][1]

فرمان همیون‌شد آنکه درین وقت بنابر عنایت بیغایت شاهانه وشفقت و مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه در بارهٔ اولاد امجاد سیادت و افادت‌پناه حقایق و معارف آگاه شمساًللسیادة والافادة و...[2] امیر محمد باقرا طالبان استرابادی از ابتداء سیچقان‌ئیل مبلغ هفده هزار دینار رایج خراسان از بابت مال وجهات مزرعهٔ نارمکی من‌اعمال دارالمؤمنین استراباد از جمله مبلغ سه تومان و پنجهزار دینارکه رایج خراسان در زمان اعلیحضرت جمجاه جنت‌مکان علیین‌آشیانی.·. بهسیورغال‌آبا واجداد شیخ مؤمن مقرربوده و درمعاملهٔ ایت‌ئیل‌فتح‌خراسان مبلغ چهارده‌هزاردیناررایج‌خراسان ازبابت

۱- مهر گردکوچك شاه‌عباس با مشخصاتی که در فرمان شماره ۱۲ یاد کردیم .

۲- یك کلمه‌خوانده نشد .

مزرعهٔ مذکور و غیره بسیورغال اولاد شیخ مؤمن سیّما شیخ محمد صالح مقرر شده بوده و بعد از فوت مشارالیه‌که سیورغال جماعت متوفی را سیادت و صدارت‌پناه هدایت و نقابت دستگاه اسلام و اسلامیان ملاذ عالیجاهی میرزا رفیعالدین‌محمدا معروض داشت‌که بوارثان شفقت شود سیورغال اولاد مذکور دانسته مقطوع‌گشته بسیورغال ابدی واحسان سرمدی اولاد امجادسیادت وافادت‌پناه مومی‌الیه‌حسب‌الضمن شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم رعایاء مزرعهٔ مذکور از ابتداء سنهٔ مزبوره اولاد مذکوره را صاحب سیورغال مبلغ مذکور دانسته سال بسال مال و حقوق دیوانی خود را بموجبی‌که در ظهر مقرر شده واصل ساخته چیزی موقوف ندارند حکام و تیولداران وداروغگان وکلانتر وعمال ومباشران مهمات دیوانی دارالمؤمنین مذکور مدخل در محل سیورغال‌ایشان نکرده پیرامون نگردند وبعلت اخراجات‌وعوارضات‌و استصوابیات دیوانی خصوصاً علفه و علوفه و قنلقا و الاغ و الام وبیگار و شکاروطرح‌و دست‌انداز و عیدی و نوروزی و سایر تکالیف‌دیوانی بهراسم ورسم‌که از دیوان‌حاکم حواله شود و اطلاقات مملکتی خلاف حکم اطلاق و حوالتی ننموده قلم وقدم‌کوتاه و کشیده دارند و نوعی نمایندکه رعایا و مزارعان مزرعهٔ مذکور بفراغ بال بزراعت و عمارت و درویشی خود مشغول بوده دعای خیر جهت نواب همایون ما حاصل نمایند مستوفیان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبهٔ تغییر و تبدیل مصون ومحروس شناسند درین باب قدغن دانسته و هر ساله‌حکم مجدد نطلبند وچون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند.

تحریراً فی رمضان‌المبارك سنه ۱۰۳۶ .

۱۷

فرمان شاه‌صفی(۱۰۵۲ ـ ۱۰۳۸) بـرای ملك حسن و میـرزا محمد وولی‌بیگ ناتلی که تیولداران وکلانتران وکدخدایان بخلاف حق و حساب چیزی از ایشان نخواهند .

الملك‌لله

[جای مهر شاه صفی] [1]

فرمان همیون شد آنکه چون ملك حسن و میرزا محمـد و ولی‌بیگ ناتلی بعرض رسانیدنـد که مزرعـۀ در سوتـه‌سرا بلوك کبـود جامه دارنـد که بموجب قبالچۀ شرعیه ملك متصرف‌فیـه ایشان است واز عهدۀ حقوق دیوانی‌آن از قرار دستورالعمل موافق جمع بیرون می‌آیند و تیولدار آنجا بجمـع قانونی مایل نشده زیاده‌ازمال و جهات و وجوهـات و حقـوق دیوانی طلب نمـوده بخـلاف حق و حساب مزاحمت میرساند وکلانتران وکدخدایان بلوك مذکور اخراجات وتوجهات زیاده از رسدواقعی برمومی‌الیه حواله میدارند و این معنی ستم وخلافحساب است بنابرین مقررفرمودیم که تیولداران محل مذکور را که مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی رسد ملکی مشارالیهما باشد موافق‌جمع قانونی از قرار دستورالعمل طلب نمـوده زیاده مزاحمت نرسانند و آنچه زیاده گرفته باشند بازداده کلانتر و ارباب بلوك‌کبودجامه اخراجات رسدملکی ایشان راموافق حصه ورسد ونتیجۀ حواله دانسته یکدینار زیاده‌نخواسته‌و

۱ـ مهر گرد بزرگ شاه‌صفی که سجع وسط‌آن : «هست ازجان غلام شاه صفی ۱۰۳۸» و در اطراف با خطی که دور می‌چرخد ، صلوات بر چهارده معصوم به این ترتیب : « اللهم صلی علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والعسکری والمهدی » و این صلوات از نود درجۀ دوم نیـم دایرۀ دست راست شروع می‌شود .

شکایت ایشان را درین باب مؤثر دانسته ازجوانب برینجمله روند بعهدهٔ بیگلربیگی استراباد که درین باب امداد حسابی بتقدیم رسانیده مجال تمرد احدی ندهند وچون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند .

تحریرا فی شهر ذیحجةالحرام سنه ۱۰۴۲ .

۱۸

فرمان شاه عباس ثانی (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲) برای برقراری مبلغ چهارتومان و پنجهزار دینار خراسانی سیورغال مرحوم امیر صدرالدین سماکی را برای برادر زادهٔ او ، امیر امین ـ الدین حسین .

شاه طهماسب اسکنه فی فرادیس الجنان

جد بزرگوارم طاب‌ثراه

[جای مهر شاه عباس ثانی][1]

فرمان همیون شد آنکه چون از تصدیق مستوفیان عظام معلوم و مستفاد شد که از قرار ثبت حکم نواب‌گیتی‌ستان فردوس‌مکان ∴ که بتاریخ شهر جمادی‌الاول سنهٔ۱۰۰۷ صادرگشته مبلغ چهارتومان وپنجهزار دینار خراسانی از بابت مالوجهات قریهٔکربان نواحی و غیره محال مزبورهٔ ضمن من اعمال دارالمؤمنین استراباد عن آنچه درزمان نواب شاه جنت‌مکان علیین‌آشیانی ∴ بسیورغال مرحوم امیرصدرالدین سماکی وغیره مقرر بود بنابرظهور استحقاق از ابتدای ایت‌ایل بسیورغال امیرامین‌الدین حسین

۱ـ مهر گرد شاه‌عباس ثانی، در دایرهٔ وسط : «بندهٔ شاه ولایت عباس ثانی» و درحاشیه با کلماتی که دور می‌چرخند : « اللهم صل علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضاو التقی والنقی والحسن والمهدی » .

برادرزادهٔ او مقرر شده و در ثبت مزبور بخط مرحوم آقاعزیزالله قید است که درزمان نواب شاه جنت‌مکان :. براتی بوده و از بابت محال‌مزبوره‌که می‌نماید ملك مشارالیـه است تنخواه میشود مقرر آنکه وکلای تیولدار بزیاده وکم رجوع نمایند وحکم بمهر نواب‌گیتی‌ستان فردوس‌مکان :. که نزد ورثهٔ امیرامین‌الدین مزبورملاحظه شد وبتاریخ شهرجمیدالثانی سنهٔ ۱۰۰۷ صادر شده شرحی‌که آقا عزیزالله در باب براتی درفردثبت نوشته دراصل حکم نیست و تتمهٔ شرح و تفصیل موافق ثبت دفتراست‌که بتاریخ مزبور صادرگشته ومبلغ مزبور ازحشوتیول خسروخان ازبابت مالوجهات‌کرپان وغیره‌موافق جمع وضعست واوارجه‌نویس سابـق از بابت رسد سیورغال مزبوربعلت اینکه صاحب سیورغال فوت شده ازقرارثبت احکام کـه بنظررسید مبلـغ نوزده تومان و یکهزار و یکصدودوازده دینارعراقی بربنموجب تنخواه مواجب‌تفنگچیان نموده درتوشقان‌ئیل زمان نواب :

اسمعیـــــــــــل

ولد حسن‌تفنگچی‌باشی سابق‌فرامرز عن مواجب پیچی‌ئیل وتخاقوی‌ئیل ازقـرار پروانچه بتاریخ ذیقعده سنه ۱۰۳۰

پنج تومان وسه هزار وهفتصد و پنجاه و دو دینار .

حـــــــــــــن

ولد ابراهیم تفنگچی شهمرزادی بشرح ایضاً

پنج تومان و سه هـزار و چهـار صد و دوازده دینار .

محمـــــــــــد

ولد حسین بشرح ایضاً

پنج تومان وچهارهزارودویست‌وهفتادو هفت‌دینار.

بهمـــــــــــن

ولـد افراسیاب تفنگچی‌باشی دودامیری عن‌مواجب‌پیچی‌ئیل‌وتخاقوی‌ئیل ازقرار پروانچـه‌بتاریخ رجب ۱۰۳۱

سیزده هزارو نودوهشت دینار .

شاهنظـــــــــــــر
وغیره غلامـان قوشچی‌باشی امام قلی آقا
عن‌مواجب تخاقوی‌ئیل ازقرار پروانچه
بتـاریخ شهـر رجـب ۱۰۳۱
نه تومان و پنجهزار دینار .

حیات صاحب سیورغال بعلت تفاوت عمل رقبه‌الی براتی ازبابت محال مزبوره چیزی ضبط و حواله نموده باشد و رقم بمهر نواب‌گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی ∴ درجواب فصول که استحقاق ورثهٔ مزبوره و سایر جماعت ارباب سیورغال استراباد عرض و مقرر شده که امضا داده شود نزد ورثهٔ مزبورملاحظه شدورثهٔ مزبوراستدعای امضای همیون ماو سیادت و صدارت پناه هدایت و نجابت دستگاه حقایق و معارف‌آگاه عالیجاه علامی فهامی‌اسلامیان ملاذی وجیها للسیادة والصدارة والنجابة میرزا محمدمهدی‌صدرممالك محروسه بنا برظهور استحقاق ورثهٔ مزبوره تجویز نموده‌که از تاریخی‌که امضا صادر نشده در وجه ورثهٔ مزبوره مقرر شود بنا برشفقت شاهانه دربارهٔ ورثهٔ مشاراليه چون حواله‌کـه برسیورغـال مزبور نموده‌اند جهت تشخیص وارث بوده واز دفتربشرح‌فوق تصدیق نموده‌اندکه سیورغال مزبور در زمان شاه جنت‌مکانی علیین‌آشیانی ∴ بلاتعیین محل براتی بوده و در زمان نواب گیتی‌ستانی مرحوم‌آقاعزیزالله از بابت کرپان‌وغیره باسم محل‌تعیین وازحشوتیول حکام استراباد باسم محال وضع نموده‌اند وبنظر نمی‌رسد که درایام حیات صاحبان سیورغال بعلت تفاوت عمل رقبـه الی براتی از بابت محال مزبوره چیزی‌حواله نموده‌باشند وبعدازفوت اومبلغی جهت تشخیص ورثه حواله‌شده‌و از کیفیت دفتـر و رقمی‌کـه درجـواب فصول مزبـور صادر شده خـلاف استمـرار سیورغال مزبور و صدور حکمی بنقیض آن ظاهر نمیشود بدستوراز تاریخی‌که امضا

صادر نشده الی توشقان‌ئیل ۱۰۲۴ بمبلغ چهــارتومان وپنجهزار دینار تبریــزی واز توشقان‌ئیل‌که رسد مالیهٔ رمضان بتخفیف مقررشده بعدازوضع رسد رمضان مبلغ چهار تومان و یکهزار ودویست وپنجاه دینارحسب‌المسطور ازبابت‌کریان وغیره بسیورغال ورثهٔ مرحوم مزبور شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم‌کدخدایان ورعایای محال مزبورهٔ ضمن مشارالیهم را صاحب سیورغال خود دانسته سال بسال وجه سیورغال‌ورثهٔ مزبور را بلاقصور و انکسار واصل سازند وکلاء حکام تیولــداران وعمال وکلانتران دارالمؤمنین مزبور حسب‌المسطور مقرر دانسته مدخل در رسد سیورغال ورثهٔ مزبوره ننمائید و چون از حشونتیجهٔ تیولدار کل موضوع و مستثنی است بعلت اخــراجات و عوارضات مملکتی از علفه وعلوفه وساوری وپیشکش وسلامانه و عیــدی ونوروزی و دست‌انداز وسایرتکالیف دیوانی بهراسم و رسم‌که بوده باشداطلاق وحوالتی ننمایندو قلم و قدم کوتاه وکشیده دارند و بهمه‌جهتی مرفوع‌القلم دانند مستوفیان عظام رقم‌این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده ازشائبهٔ تغییروتبدیل مصون ومحروس شناسندمقرر آنکه مبلغی‌کــه برین‌موجب حوالــه شده چهل‌وچهار تومــان وهفت‌هــزار هشتصد و پانزده دینار

عن‌آنچه از قرار ثبت احکام که ملاحظه شده اوارجه‌نــویس سابق حوالــه نموده بود بموجب فوق نوزده تومان ویك هزارو صــد و سیزده دینار

عن آنچه بعد از حوالهٔاوارجه‌نویس‌سابق‌بجهت تشخیص وجود وعدم ورثه حواله شده بموجب فوق بیست‌وپنج‌تومان وشش‌هزار وهفتصد و سی‌دینار

وورثه نمودندکه ازمحل‌ستانده‌اند عوض ازدیوان‌بصاحب سیورغال و براتدار بدهند و رعایاء محــال سیورغال وجه حوالهٔ مزبــور را از بابت سنواتی‌که حواله شده موافق

برآوردعمل تیولداری‌که هرگاه سیورغال ضبط‌شود ازآن قرار بازیافت میشود حساب نموده بعلت‌تفاوت برآورد مزبورالی عمل‌سیورغال‌که موافق عمل‌زمان‌شاه‌جنت‌مکان .:. معمولست از بابت سنواتی کــه حواله نشده چیزی از طلب صاحبان سیورغال موقوف ندارند درین باب‌قدغن‌دانسته‌هرساله حکم‌مجدد نطلبند وچون پروانچه بمهرمهرآثار اشرف رسد اعتماد نمایند .

تحریراً فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۰۶۹ .

۱۹

فرمــان شاه‌عباس ثــانی (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲) برای ورثهٔ مرحوم میرمحمدباقر طالبان‌که طبق اسنادی که در دست دارند از سال جلوسش‌مبلغ شش‌هزاروچهارصدو شانزده دیناروچهاردانگ خراسانی به‌سیورغال‌ایشان داده شود.

شاه طهماسب نورالله مرقده

جد بزرگوارم طاب ثـراه [جای مهر شاه‌عباس ثانی][1]

شاه بابام انارالله برهانه

فرمان همیون شد آنکه چون درینولا سیادت‌پناه میرابوجعفر وسایر ورثهٔ مرحــوم مغفور میر محمدباقرطالبان اصل‌حکم بمهر نواب‌گیتی‌ستان فردوس‌مکانی .:. که بتاریخ شهر رمضان‌المبارك سنهٔ ۱۰۳۶ ثبتی[2] عز اصدار یافته و مبلغ هفتهزار دینار خراسانی بابت مالوجهات مزرعهٔ نارمك من‌اعمال دارالمؤمنین استراباد ازجمله آنچه درزمان شاه جنت‌مکان .:. علیین‌آشیانی بسیورغال اولاد شیخ مؤمن مقرر بوده و درزمان‌نواب

۱ـ مهر گردشاه‌عباس‌ثانی باکلاهکی‌دندانه‌دار. سجع‌مهردردایرهٔ وسط: «بندهٔشاه‌ولایت عباس‌ثانی»ودرکلاهك‌مهر :«سبحان‌الله مالك‌الملك» دراطراف سجع باخطی‌که‌دورمی‌چرخد: «صلوات برچهارده معصوم» .

۲ـ دردرست خواندن این کلمه شك داریم .

گیتی‌ستان فردوس مکانی .:. مقطوع شده بسیورغال اولاد امجاد امیرمحمدباقر طالبان
استرابادی مقرر شده بوده و برحاشیهٔ پروانچهٔ مزبور که بمهر مبارك نواب خاقان
رضوان مکانی .:. رسیده نوشته شده‌که از تاریخ فوت مرحوم میرمحمدباقرطالبان در
وجه اولاد بدستورمتن مقررفرمودیم مستوفیان عظام در دفاترخلود ثبت نموده ازنتیجهٔ
اخراجات حکمی و غیرحکمی من‌جمیع‌الوجوه موضوع و مستثنی دانند عمال جزو
دارالمؤمنین استراباد درجزو ازنتیجهٔ اخراجات موضوع ومستثنی دانسته بهیچ‌وجه
من‌الوجوه از زر تفنگچی و غیره رسد بمحل سیورغال اولاد مزبور نرسانند ابراز و
استدعاء امضاء اشرف باسم خودنمودند ومستوفیان عظام تصدیق نمودندکه مبلغ‌مزبور
بعد ازوضع رسدرمضان‌المبارك بمبلغ شش‌هزار وچهارصدوشانزده دینار وچهاردانگ
بسیورغال اولاد مذکور مستمر است و شرح حاشیهٔ پروانچه به ثبت دفتر نرسیده و
سیادت و صدارت‌پناه هدایت ونجابت دستگاه حقایق و معارف‌آگاه علّامی فهّامی
اسلام واسلامیان ملاذی وجیهاً للسیادة والصدارة والهدایة والنجابة میرزامحمدمهدی
صدرممالك محروسه تجویز نموده‌که از تاریخ جلوس میمنت مأنوس سیورغال مزبور
بدستور در وجه اولاد مرحوم‌میرمحمدباقرمذکور مقرر شود بنابرین مبلغ شش‌هزارو
چهارصد و شانزده دینار وچهاردانگ خراسانی مزبور را حسب‌الضمن ازتاریخ‌جلوس
میمنت مأنوس بسیورغال اولاد مرحوم مزبور شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم
رعایاء مزرعهٔ مزبوره‌اولادمرحوم‌مزبور را صاحب‌سیورغال مبلغ‌مزبوردانسته‌سال‌بسال
مالوحقوق دیوانی خود را بموجبی که در ظهر مشخص شده واصل ساخته چیزی
موقوف ندارند حکام و تیولداران و داروغگان و کلانتر و عمال و مباشران مهمات
دیوانی دارالمؤمنین مذکور مدخل در محل سیورغال اولاد مزبور نکرده پیرامون
نگردند و بعلت اخراجات و عوارضات و استصوابیات دیوانی خصوصاً علفه و علوفه و
قنلقا و الام و الاغ و بیگار و شکار و طرح و دست‌انداز و عیدی و نوروزی و سایر

تکالیف دیوانی بهر اسم ورسم که ازدیوان حاکم حواله شود واطلاقات مملکتی خلاف حکم اطلاق و حوالتی ننموده قلم و قدم کوتاه وکشیده دارند و نوعی نمایند که رعایاو مزارعان مزرعهٔ مزبوره بفراغبال بزراعت و عمـارت و درویشی خود مشغول بـوده دعای خیر جهت نواب همیون ما حاصل نمایند مستوفیـان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محـروس شناسند و بمضمون شرح حاشیه که بمهر مبارك نواب خاقان رضوان مکان :. رسیده از نتیجهٔ اخراجات حکمی و غیرحکمی من جمیع الوجوه موضوع و مستثنی دانند عمال جزو استراباد در جزو از نتیجهٔ اخراجات موضوع دانسته بهیچ وجه من الوجوه اززر تفنگچی و غیره رسد بمحل سیورغال اولاد مذکور نرسانند درین باب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمایند .

تحریرا محرم الحرام سنه ۱۰۷۱.

۲۰

سواد فرمان شاه عباس ثانی (۱۰۷۷ــ۱۰۵۲) که در آن ارباب حرفت و صناعت استراباد را از اخراجات حکمی و غیرحکمی واتفاقی و غیراتفاقی واستصوابی وسایر عوارضات ومطالبات معاف ومسلم و جزء ترخان و مرفوع القلم دانسته است .

[جای مهر ثانی شاه عباس ثانی]

فرمان همیون شد چون بعنایت داورجهان دار وعاطفت حضرت نورالانوار جـلّ شان قدسه که کریمهٔ الله نورالسموات والارض که کنایه از رواق عظمت وعظیمهٔ مثل نوره کمشکوه شمهٔ از پیشطاق صمدیت اوست پرتو خورشید آیت طلعت عظمی و سلطنت کبری مصداق فیها مصباح المصباح ظلمت نشینان ظلم را صباح روح و ارتیاح و فروغ چراغ دولت خداداد وملکت ابد بنیاد و بمنطوق فی زجاجة الزجاجة تاریك نشینان جور و جفا را

شمع شبستان نجات و نجاح است درهر دیارکه بکردارکأنها کوکب درّی کوکبهٔ عدل و احسان نمایان وباطـواریوقدمن شجرة مبارکة آن شعلهٔ ایمن امن و امان تابان گشته هایمان بیدای وحشت و تایهان فضای حیرت راید و بیضای مرحمت وعطای نورعمرانی و غولان راه راحت و رهزنان کوی استراحت تیغ عدوفکار ظلم‌شکار ثعبانی کرده بقوّت قاهرهٔ قاآنی وسطوت باهرهٔ سلطانی بنحوی بیخ جوروبیداد بربادوداد عدل‌وداد داده‌ایم که الحمدلله کشور معمور نمونهٔ التی لم یخلق مثلها فی البلاد گردیده بیاری دادارجهان ممالك فصیح المسالك ایران مرکزدایرهٔ مرادونشانهٔ بلدة طیبة وربّ غفوراست ودراینوقت که اشهب سبك‌خـرام عزیمت و سمند خوش‌لگام نهمت به پرتو نعل قمر نژاد ساحت دارالمؤمنین استراباد را زینت خلدبرین داده و ساکنان آن بقعهٔ بهشت‌آئین ومتوطنان آن روضهٔ ارم تزئین که بادای صدق انتمای و کانواشیعاً کلّ حـزب بمالدیهم فرحون درتشیع وولای اهل بیت نبوت و امامت و بنیان حقیقت بینان مخلصین له الدین حنفاء در اخلاص وتولاء این خانوادهٔ ولایت وکرامت گوی سبقت و استقامت از سکنهٔ سایر بلاد ربوده‌اندبدانجهت پیوسته درظلال مراحم آبا واجداد جنت‌مهاد نواب کامیاب همیون ما غنوده مشمول عواطف بلیغ ومورد عوارف بی‌دریغ بوده‌اند سعـادت خدمت والا بتثلیم رکاب گردون‌سا یافته بنابرلوازم پاسبانی وشرایط شبانی بعد از تفحص احوال آن قوم فرخنده فال وظهورمبتدعات حکام سابق آن دیارکه حکام این ایام میمنت فرجام نیزاز رهگذار استمرار تتبع آن اطوار مینموده‌اند و ملاحظهٔ احکام سلاطین جنت‌مکین این دودمان ولایت‌نشان عرق حمیت شاهی وآتش سطوت پادشاهی هایج ولامع وانوارعنایت بیغایت و مرحمت بی‌نهایت بران جمع پاك اعتقاد نیکو نهـاد ساطع گشته برینموجب درباب احکام معافی اصناف ومحترفهٔ مذکوره ضمن آنولایت وبحکم

[1] معافی مالوجهات ووجوهات ومتوجهات اصناف ومحترفهٔ مذکوره ازاهل بازار ودکاکین و

غیرذلك بلـده و بلوکات دارالمؤمنین مزبوره که حسب الحکم نواب جنت مکان علیین آشیانی بتاریخ سنهٔ ۹۶۱ از ابتـداء بارس ئیل وامضاء نواب سکندرنشانی بتاریخ شهر رمضان المبارك یونت ئیل سنهٔ ۹۹۰ وحکم نواب گیتی ستان فردوس مکان و امضاء نواب خاقان رضوان مکانی بتاریخ شهر صفر سنهٔ ۱۰۴۵ که بتاریخ شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۰۵۷ بامضاء نواب کامیاب همیون مقرون گشته بمعافی ایشان مقرر شده مقرر آنکه ارباب حرفت و صناعت مزبوره را معاف و مسلم و جزو ترخان ومرفوع القلم دانسته هیچ آفریده بعلت مالوجهات و اخراجات دیوانی از ایشان طلب و توقعی ننمایند حکام و تیولداران و وزرا و عمال کل و جزو وکـدخدایان بلدةالمؤمنین مـزبوره و توابع مالوجهات و وجوهات و متوجهات اصناف را از جمع نتیجهٔ ولایت مسفوره موضوع دانسته اصلاً بعلت اخراجات حکمی وغیرحکمی واتفاقی وغیراتفاقی و استصوابی وسایر عوارضات و مطالبات سوای احداث بهر اسم ورسم که بوده باشد خصوصاً رسم الوزاره وحق الوکاله و حق الانشا و حق الاوارجه وساوری وپیش کش و رسوم داروغگی و کلانتری جزو وکل و حق النقابة و حق الاحتساب و دوشلك وزیر و وکیل ومستوفی و زرقلعه وباره و بیگار و شیکار و خـانه سازی و مهمانی و طرح پنبه و ابریشم ومنکسر فلوس و شاهی و غیرـ ذلك و علفه و علوفه و توجیه و مـددخرج وقابضانه وناظرانه و زرکوچه و میرشب و عسس و چهـارده یکی کـه ارباب ولایت بـر محترفهٔ شهر و بلوکات رسد میرسانند و زر دوران سك و مشعلدار و غیره عن بلده و بلوکات و نواحی طلب و توقعی ننمایند و جماعت مزبوره را معاف و مسلم دانسته یکدینار و یکمن بار حواله و اطلاق ننموده مالوجهات ووجوهات اصناف ومتحرفهٔ بلده و بلوکات آنجارا ازجمع دفتراخراج نمایند

---

۱ که بموجب حکم مذکور فوق زمان نواب اسکندرشان درباب رعایا و بلده و بلوکات مقرر گشته مقرر آنکه بعلت ترخانه و رسوم میرشبی و راهـداری که عبارت از سرانهٔ

مترددین و الاغی‌که گندم وروغن و اجناس ومیوه‌بـار داشته باشد و ابـواب مجموع مذکورات بموجب فـرمان نواب‌جنت‌مکان مسدود است طلبی‌ننمایند و بصرفه‌وصلاح مردم و رعایاء آنجا فلوس مسکوك‌نساخته مادام‌که ایشانرا ضرورت و احتیاج نشود و استدعاءآن‌نکنند بعمل نیاورند عملهٔ دارالضرب حسب‌المسطور مقرر دانسته تخلف ننمایند و داروغهٔ‌که در شهر تعیین میشود جهت اقامت سه روزهٔ او زیاده از پنجهزار دینارکه هر ساله یکدفعه معمول بوده طلب نکنند و بعلت عیدی و نوروزی در شهرو ولایت از رعایا مطالبه ننمایند و ملازمان بیگلربیگی و داروغه بعلت چاقرانه[1] که عبارت از طلبانه باشد و شلتاق الاغ‌گیری توقعی نکنند و از رعایاء روغن‌خانه بعلت جریمهٔ روغنگری‌که در زمان حکومت محمد خلیفه ذوالقدر روغن کم فروخته بوده چیزی بازیافت ننمایند

| که دراینوقت‌که باستراباد نزول اجلال واقع‌شد از ابتدای‌یونت‌ئیل در باب‌سایر امور بسکنه و متوطنین آنجا برطبق عرض ایشان شفقت و مرحمت فرموده مقرر داشته‌ایم چون رعایا بعرض رسانیدندکه درزمان نواب جنت‌مکانی‌که سفر قندهار روی داده و داروغگان بلوکات را بسفر مقرر نموده بوده‌اند رعـایا در هر محـل وجه احداث را با داروغه بمبلغی مقطع و بتوجیه مهمسازی او نموده روانهٔ سفر مذکورکرده‌اند وبعد ازآن حکام مقطع مزبور را داخل نسخهٔ مـداخل خود نموده برعایـا حوالـه داشته میگرفته‌اند و داروغه نیز درهر بلوك تعیین‌کرده پرسش‌احداث مینموده‌اند واین‌معنی الی الآن استمرار یافته بنابرین مقررفرمودیم‌که بیگلربیگـی استراباد اخذ مقطعی مزبور را موقوف و برطرف دانسته بدانعلت عوض ازدیوان‌اعلی طلب‌ننمایند وهرسال بدستوری‌که مقرر بوده داروغگان‌تعیین نمایندکه درحضور کلانتر وکدخدایان‌وامنای

---

۱ ــ بالای این‌کلمه، حروف دیگری به شکل «غرا» باخطی ریزتر نوشته شده است.

هرمحل پرسش احداث نموده بعد از اثبات‌گناه جریمهٔ فراخور جرم وقـدراستطاعت مجرم بازیافت‌کنند وسررشتهٔ منقح بمهر جماعت مسفوره بران‌نگاه داشته درآخرسال اگرحاصل احداث موافق وجه مقطعی مذکور شده باشد فبها والابعلت‌کسرآن ازرعایا طلبی ننمایند واگر زیاده از وجه مقطعی بعمل آمده باشد وجه زیـاده را بسال‌آینده حساب نموده در محلی داروغهٔ متعدد تعیین ننمایند و معروض داشتندکه بجهة آنکه اکثر رعایاء غریبه ازمحلی بمحلی رفته ساکن میشوند و اخراجـات‌که واقع شود در هر محل‌که باشند هرکسی‌ازعهدهٔ رسد خودبیرون‌آید ودرهرچندسال یکمرتبه‌برضای ارباب ورعایا در بلوکات سرشمـار مینموده‌اند و در زمـان مرحومین فریدون‌خان و خسروخان‌که سرشمار میکرده‌اند بقرارنفری یکصد دینار بعلت سرانه میگرفته‌اند و درین ایام... [1] که داخل طومارسرشمارمینمایند بقرارنفری چهارصد دینار وازغریبه آنچه داخل طومار نمیکنند نفری یکهزار و چهارصد دینار بازیافت مینمایند مقرر داشتیم‌که در هر چند سال یکمرتبه برضای ارباب و رعایا موافق معمول قدیم‌سرشمار نموده و در وقت سرشمارکردن بقرار نفری یکصد دینارگرفته زیاده طلب و توقعـی ننمایند وعرض نمودندکه قراسورن‌که جهة احشامات تعیین‌میشود به‌بلوکات نیز رفته در هر محل مبلغی از رعایا میگیرند مقرر شدکه‌من‌بعد قراسورن‌مذکور دراحشامات دخیل بوده به بلوکات دخل ننمایـد و عرضه داشتندکه در هرمحل ازبلوکات اسب و گاو بی‌صاحب‌که بهمرسد ارباب وکدخدایان بسرکاربیگلربیگی میسپارند اگرصاحب پیدا شود دو دانگه‌گرفته بصاحب مال تسلیم مینمایند والا بجهة خود ضبط میکنند و الحال بیگلربیگی علیحده شخصی جهة ضبط آن در هر محل تعیین نمـوده خواددر آن محل اسب و گاویرا صاحب باشد و خواه نباشد مبلغی ازرعایا میگیرد بناءً علیه مقرر نمودیم‌که مطلقاً جهة امرمزبورکس تعیین ننموده مزاحم احوال رعایا نشوند و

۱ــ یك‌کلمه محوشده وخوانده نمی‌شود .

معروض شدکه احشامات غریبه در ملك اربابی سکنی نموده مانع بزراعت میشوند و حیوانات ایشان خرابی بزراعت میرسانند حکم فرمودیم که آنجماعت بدون رضای ملاك در محل ملکی احدی نزول ننمایند بعهدهٔ بیگلربیگی دارالمؤمنین مزبور که نگذارد احدی بی‌اذن‌مالك درمحل ملکی ارباب نزول نماید اگر نزول نموده‌خسارت رسانند او راکوچانیده غرامت خرابی ونقصانی‌که رسانیده باشد گرفته بصاحب ملك عاید سازد لهم‌مایشاؤن فیها ولدینا مزید در باب سایر امور بسکنه‌و متوطنین آندیار حکم خاقانی از ممکن‌الطاف صاحبقرانی شفقت و مرحمت فرمودیم مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطایا را در دفاتر خلود ثبت نموده از شوایب تغییروتبدیل مصون و محروس شناسند ایالت و جلالت‌پناه ابهت و شوکت دستگاه عالیجاه امیر۔ الامرائی قواماً للایالة والشوکة والاقبال جعفرقلیخان بیگلربیگی دارالمؤمنین‌مزبوره از مضامین مسطوره تخلف وتخطی‌ننموده بموجبی‌که در هر باب مقررفرموده‌ایم‌بعمل آورد و اگر ظاهرگرددکه یکدینار ازآن ایالت و شوکت‌پناه برعایا زیادتی و خلافی بی‌واقع شده و از مضامین مسفوره تجاوز نموده باشد مورد غضب پادشاهی‌که نمونهٔ سخط الهی است‌گشته او را سیاستی فرمائیم‌که عبرت. . . . .[۱] و حکام و بیگلربیگیان که بعد از عالیجاه مشارالیه درانولایت تعیین شوند حسب۔ المسطور عمل نموده ازبازخواست عظیم اندیشه نمایند درین‌باب قدغن‌دانسته‌هرساله حکم مجدد طلب ندارند و درعهده شناسند و چون پروانچه بتوقیع رفیع وقیع منیع اشرف اقدس ارفع همیون اعلی‌مزّین و محلّی‌گردد اعتبار و اعتماد نمایند .

تحریرا فی شهر محرم‌الحرام سنه سبع وسبعین والف.[۲]

۱ــ در حدودشش‌کلمه محو شده و قابل خواندن نیست . ۲ــ شاه‌عباس دوم در نزدیك دامغان در ۲۶ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۰۷۷ فوت شده است . این فرمان در ماههای آخر سلطنت او نوشته شده است، زیرا شاه سلیمان‌اول(صفی دوم)درسوم‌ربیع‌الثانی ۱۰۷۷ه. ق. به تخت‌سلطنت نشسته است .

۲۱

فرمان شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۷-۱۰۵۲) برای برقراری سی تومان تبریزی‌در وجه همه سالهٔ میرابوجعفر ولدمرحوم میرمحمد- باقر طالبان .

[جای مهر شاه‌عباس ثانی][1]

فرمان همیون شد آنکه چون ازبدو ظهور فوایدکرم‌الهی وآغاز وفورنعم نامتناهی بحکم ولینفق ذوسعة من سعته در ادیم زمین و بساط بسیط ارضین خوان‌یغما نهاده و صلای عام داده‌ایم وهمگی ارباب نیاز وگرسنه چشمان آز ازتاب‌آفتاب تعب ذلک بانّهم لایصیبهم ظمأ ولانصب بظل شادروان رأفت وآستان این خاندان ولایت‌نشان شتافته و از برکات انتشار مواهب بیکران هرکس فراخور نصیب نصاب عنایت و احسان یافته المنة بیمن اشاعهٔ اطوار جود وکرم و اذاعهٔ آثار ایادی ونعم روزگار نمونهٔ جنّات‌النعیم و جهان مصدوقهٔ لهم‌فیها نعیم مقیم گشته ودرین اوان‌سعادت‌اقتران که چترآسمان‌سای ابهت و رایت فیروزی‌آیت عظمت پیرایه سایهٔ همای آسا بساکنان ولایت استراباد و متوطّنان آن بقعهٔ صلاح ورشاد بخشید سادات سامی‌مکان که بکریمهٔ قل لااسألکم‌علیه اجراً الا المودّة فی‌القربی سمت اعزاز واصحاب‌علم‌و ایمان‌که بعزیمهٔ یرفع‌الله‌الذین آمنوا‌والذین اوتوا العلم‌درجات‌نسبت‌امتیازدارندازروی صدق واخلاص سعادت خدمت‌کیمیا خواص وشرف تقبیل آستان‌گردون مناص یافته هرکدام درخورمرتبه ومقام بهره‌مند انعام تمام وانجاح مقاصد ومرام‌گشتند ازآنجمله سیادت و هدایت پناه نقابت و کمالات دستگاه نتیجة‌السادات والفضلاء‌العظام قواماً

---

[1] ـ مهر گرد شاه‌عباس‌ثانی باکلاهکی دندانه‌دار. سجع مهر دردایرهٔ وسط : «بندهٔشاه ولایت‌عباس‌ثانی» و دراطراف سجع باخطی‌که دورمی‌چرخد :«صلوات برچهارده‌معصوم» ودر کلاهك‌مهر: « سبحان‌الله مالك‌الملك » .

للسّیادة والنجابة میرابوجعفرولد مرحوم میرمحمدباقرطالبان رامشمول عنایت شاهانه فرموده‌از ابتداء یونت ئیل مبلغ سی‌تومـان تبریزی از بابت مالوجهات محال رعیّتی دارالمؤمنین استراباد عوض‌آنچه از بابت موقوفات سرکارحضرات‌عالیات سدره مرتبات در وجه او مقرّر بوده بتغییر تیول و همه سالهٔ بیگلربیگی آنجا در وجه وظیفهٔ همه سالهٔ مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم ایالت و شوکت‌پنـاه حشمت و جلالت‌دستگاه عالیجـاه امیرالامرایی‌قواماً للایالـة والشوکـة والاقبال جعفرقلیخان بیگلربیگی‌آنجا حسب‌المسطور مقرّردانسته سال بسال وجه مزبور را نقداً بلاقصورو کسور اگر ممکن باشد بالتّمام در اوّل هرسال والاّ نصف در ششمـاههٔ اوّل ونصف در ششماههٔ ثانی واصل ساخته موقوف ندارد و قبض باز یافت و نوعی نماید که مومی‌الیه جهت وصول آن تعب نکشد وعوض آنرا ازبابت‌وجوه چوپان‌بیگی سبزوار واسفراین که بضبط آنعالیجاه مقرّر است متصرّف گردد و چون مشارالیه متوفی شود اگـر او را وارثی باشد که استحقاق اخذ وظیفهٔ مسفوره داشته باشد عرض نمایدکه بوارث او والاّ بشخص دیگرکه بصفت‌صلاح واستحقاق متّصف بوده باشد شفقت شود دیوانیان عظام‌و صدور کرام وجه مذکور را خود بدون عرض اشرف داد وستد ننمایند مستوفیان عظام رقم این عطیّه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و از تاریخ مزبور سال بسال عوض وجه مذکوررا از بابت وجوه چوپان‌بیگی سبزواروواسفراین‌بخرج‌وجوه ضبطی‌عالیجاه مومی‌الیه‌مجری نمایندحکام‌وبیگلربیگیان که بعداز عالیجاه مشارالیه در دارالمؤمنین مزبوره تعیین شوند حسب‌المسطور مقرّر دانسته بعمل آورند درین باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدّد طلب ندارند و چون پروانچه بمهر مهرآثار اشرف رسد اعتبار واعتماد نمایند.

تحریرا فی‌شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۰۷۷ .

۲۲

فرمان شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲) برای برقـراری دوازده تومان تبریزی به عنوان وجه وظیفهٔ همه سالهٔ سیدمحمـد از ابتدای یونت ئیل .

[جای مهر شاه‌عباس ثانی][1]

فرمان همیون شد آنکه چون از بدوظهور فوایدکرم الهی وآغاز وفور نعم نامتناهی بحکم ولینفق ذوسعةٍ من سعته در ادیم زمین و بساط وبسیط ارضین خوان یغما نهادهو صلای عام داده‌ایم و همگی ارباب نیاز و گرسنه چشمان آز از تاب آفتاب تعب ذلك بانّهم لایصیبهم ظمـأ ولانصب بظلّ شادروان رأفت وآستان این خانـدان ولایت‌نشان شتافته و ازبرکات انتشار مواهب بیکران هرکس فراخورنصیب نصاب عنایت واحسان یافته المنّة بیمن اشاعهٔ اطوارجودوکرم واذاعهٔ آثار ایادی ونعم روزگار نمونهٔ جنات‌ـ النعیم و جهان مصدوقهٔ لهم فیها نعیم مقیم‌گشته و درین اوان سعادت اقتران کـه چتر آسمان‌سای ابهّت ورایت فیروزی آیت‌عظمت پیرایه سایهٔ همای‌آسا بساکنان ولایت استراباد ومتوطّنان‌آن بقعهٔ صلاح ورشاد بخشید سادات سامی‌مکان‌کـه بکریمـهٔ قل لااسألکم علیه اجراً الا المودّة فی القربی سمت اعزازواصحاب علم و ایمان‌که بعزیمهٔ یرفع الله الذّین‌آمنوا منکم والذین اوتواالعلم درجاتٍ نسبت امتـیاز دارند از روی صدق‌واخلاص‌سعادت خدمت‌کیمیا خواص وشرف تقبـیل آستان‌گردون منـاص یافته هرکدام درخورمرتبه ومقام بهره‌مندانعام‌تمام‌وانجاح مقاصدومرام‌گشتندازآنجمله‌شمهٔ از مراحم بیکران شاهانه وشرذمهٔ ازمکارم بی‌پایان پادشاهانه شامل‌حال سیادت ونقابت پناه فضایل وکمالات دستگاه نتیجةالسادات والعلماء صدراً للسّیادة محمّدا فرموده از

۱ــ مهرشاه‌عباس ثانی با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۲۱ یادکردیم .

ابتداء یونت‌ئیل مبلغ‌دوازده تومان‌تبریزی ازبابت‌مالوجهات محال‌رعیّتی‌دارالمؤمنین استرابادبتغییر تیول وهمه سالهٔ بیگلربیگی آنجا در وجه وظیفهٔ همه‌سالهٔ مشارالیه شفقت‌ومرحمت‌فرموده ارزانی داشتیم‌ایالت وشوکت‌پناه‌حشمت‌وجلالت‌دستگاه‌عالیجاه امیرالامرایی قواماً للایالة والشّوکة والاقبال جعفرقلیخان بیگلربیگی‌آنجا حسب‌ـ المسطور مقرر دانسته سال‌بسال وجه مزبوررا نقداً بلاقصور وکسوراگر ممکـن باشد بالتّمام در اوّل هرسال والّا نصف درششماههٔ اوّل و نصف در ششماههٔ ثانی واصل‌ساخته موقوف ندارد و قبـض باز یافت و نوعی نماید که مـومی‌الیه جهـة وصول آن تعب نـکشد و عـوض آنـرا از بـابت وجـوه چـوپـان‌بیگـی سبـزوار و اسفـرایـن که بضبط آن‌عالیجاه مقرّر است متصرف‌گردد و چون مشارالیه متوفی شود اگر او را وارثی‌باشدکه استحقاق اخذ وظیفه مسفوره داشته باشد عرض نمایدکه بوارث او والّا بشخص دیگر کـه بصفت صلاح و استحقاق متّصف بوده باشد شفقت شود دیوانیـان عظام و صدورکرام وجه مزبور را خود بدون عرض اشرف دادوستد ننمایند مستوفیان عظام رقم این عطیّه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شائبهٔ تغییر و تبـدیل مصون و محروس شناسند واز تاریخ مزبورسال‌بسال عوض‌وجه مذکور را ازبابت وجوه‌چوپان‌ـ بیگی سبزوار واسفراین بخرج وجوه ضبطی عالیجاه مشارالیه مجری نمایند حکّام و بیگلربیگیان که بعـد از عالیجاه مشارالیـه در دارالمؤمنین مسفوره تعیین شونـد حسب‌المسطور مقرّر دانسته بعمل آورند درین‌باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدّد طلب ندارند وچون پروانچه بمهر مهرآثار اشرف رسد اعتبار واعتماد نمایند .

تحریرا فی‌شهر...[۱] سنه ۱۰۷۷ .

۱ـ نام‌ماه دراصل فرمان محوشده است وظاهراً بایـد ماه «صفر» یا «ربیع‌الاول» باشد زیرا فرمان پیش نیز از شاه‌عباس ثانی و مورخ ماه محرم ۱۰۷۷ است و این سلطان در سوم ربیع‌الثانی ۱۰۷۷ برتخت نبوده است .

۲۳

سوادفرمـان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم)، (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷) برای درویش‌الله‌داد و درویش حسین‌رقاب که خدمهٔ امامزاده عبدالله درخواسته‌رود هستندکه‌ایشان را ازاخراجات وتکالیف ممنوعه وعوارضات، مرفوع‌القلم بدانند .

الملک‌لله

امامزاده عبدالله علیه ولآبائه السلام والتحیّة

[جای مهرشاه‌سلیمان اول][1]

فرمان‌همیون‌شد آنکه‌چون دربنولادرویش الله‌داد واولاد درویش‌حسین‌واولادرقاب بعرض‌رسانیدندکه ازجملهٔ خدمهٔ آستانهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم ∴ واقعـهٔ در قریـهٔ خواسته‌رودمن اعمال‌استرابادوداروغه‌ومستأجران‌ولایت‌مزبور وکدخدایان‌قریهٔ‌مزبور بعلت بیگاروشکار و خانه‌شمار و طرح ودست‌انداز و سایراخراجات ممنوعه مزاحمت بحال جماعت مزبور میرسانند بنابراین مقررفرمودیم‌که احدی ازداروغه وغیره بعلت بیگاروشکار و طرح و دست‌انداز وسایرتکالیف ممنوعه بهر اسم و رسم‌که بوده باشد و سرشمار و خانه‌شمار و غیره عوارضات طلبی از ایشان ننمایند بعهدهٔ وکلاء عالیجاه بیگلربیگی استرابادکه امدادحسابی خدمهٔ آستانهٔ مزبور بتقدیم رسانند و نگذارند که ازاحدی ستمی برایشان‌واقع‌شوددراین باب‌قدغن دانسته‌هرساله حکم‌مجددنطلبند.

[تحریرافی] شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۰۷۷ .[2]

۱ــ مهر گرد شاه سلیمان در دایرهٔ وسط سجع مهر : « بندهٔ شاه دین سلیمان است » و اطراف آن با خطی که دور می‌چرخد : « اللهم صل علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والحسن والمهدی » .

۲ــ شاه سلیمان اول درسوم ربیع‌الثانی ۱۰۷۷هـ . ق . برتخت نشست .

۲٤

سواد فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم) ،(۱۰۷۷-۱۱۰۵) برای اولاد درویش‌حسین و اولاد درویش‌الله‌داد رقاب، خدمهٔ آستانهٔ امامزاده‌عبدالله که‌از ایشان خلاف‌حکم وحساب‌چیزی‌نخواهندو اراضی و نیم سنگ آب وقف آستانه را به ایشان واگذارند .

الملك‌لله

امامزاده عبدالله علیه ولآبائه‌التحیّة‌والسلام

شاه باباام انارالله‌برهانه

[جای مهرشاه سلیمان اول]

فرمان همیون شد آنکه چون درینولا اولاد درویش حسین و اولاد درویش الله‌داد رقاب بدرگاه معلی‌آمده پروانچهٔ نواب خاقان خلد آشیان صاحبقرانی ماضی ؞ که بتاریخ شهر صفر سنهٔ ۱۰۷۷ عزّ صدور یافته بود خلاصه مضمون آنکه چون درویش حسین‌ودرویش الله‌داد رقاب واولاد بدیوان‌آمده بعرض رسانیدندکه بدستور قدیم بامر خدمت وجاروبکشی آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم ؞ واقعه در قریهٔ خواسته‌رود دارالمؤمنین استراباد قیام واقدام مینمایند وعمال و داروغگان‌و کدخدایان‌آنولایت در جزو مطالبات وشلتاقات وتکالیف خلاف حکم وحساب بایشان مینمایند وقلیلی اراضی و نیم‌سنگ‌آب وقف آستانهٔ مزبوره که از قدیم‌الایام بسرکار آستانهٔ مزبوره‌متعلق‌است‌جمعی بخلافشرع وحساب‌تصرف‌ودخل‌مینمایندومتعرض‌احوال خدمه وعملهٔ آستانهٔ مزبوره میشوند ومزاحمت خلاف‌حکم وحساب میرسانند ودراین باب استدعاء حکم‌اشرف‌نمودندبنابراین‌مقررفرمودیم‌که‌حکام‌کرام وعمال‌وداروغگان‌و کدخدایان‌آنولایت اصلاً و مطلقاً و بخلاف حکم وحساب پیرامون‌اراضی وآب وقف

آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران و جاروبکشان آنجا نرسانند و بعلت اخراجات وشلتاقات خلاف حکم وحساب و عوارضات ممنوعه خصوصاً علفه و علوفه و بیگاروشکارو طرح ودستاندازوسرشمار وخانهشمارغیرحکمی ودیوانی وسایر تکالیف مسدودةالابواب بهراسم ورسم که اخذ وبازیافت آن حکمی وحسابی نبوده باشد طلب و توقعی از ایشان ننمایند ورعایت و مراقبت احوال مجاوران آستانهٔ مزبوره لازم شمرند بعهدهٔعالیجاه بیگلر بیگی دارالمؤمنین مزبورکه امداد حسابی مجاوران مزبوران بتقدیم رساند و نوعی نماید که مرفهالحال و فارغالبال در آستانهٔ مزبوره بدعای دوام دولت روزافزون قیام نمایند و دراین باب اصرار واستدعاء امضاء اشرف نمودند بنابرین مقرر فرمودیم که عمال وداروغگان وکدخدایان آنولایت پروانچهٔ نواب خاقان خلدآشیان صاحبقرانی ∴ را بامضاء نواب همایون ماممضی ومنفذ دانسته رعایت ومراقبت احوال مجاوران آستانهٔ متبرکهٔ مزبوره را از لوازم دانسته نوعی نمایند که ستمی برایشان واقع نشود بعهدهٔ عالیجاه بیگلر بیگی دارالمؤمنین مزبورکه امداد حسابی مجاوران مزبوران بتقدیم رسانند چنانکندکه دعای خیرجهت ذات مقدس نواب اشرف حاصل گردد دراین باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد نطلبند .

[تحریرا فی] ذیحجه سنه ۱۰۷۹ .

۲۵

فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم)، (۱۱۰۵-۱۰۷۷) دربارهٔ تأیید و برقراری مبلغ سی تومان تبریزی از اول یونت‌ئیل به عنوان وظیفه برای میرابوجعفر ولد میرمحمدباقر طالبان .

[جای مهر شاه‌سلیمان][1]

فرمان همیون شد آنکه چون حسب‌الحکم خاقان خلدآشیان صاحبقرانی ازابتداء یونت‌ئیل مبلغ سی‌تومان تبریزی از بابت مالوجهات محال رعیتی دارالمؤمنین استراباد در وجه وظیفهٔ سیادت و هدایت‌پناه نتیجةالسادات قواماً للسیادة والهدایة میرابوجعفر ولد میرمحمدباقر طالبان مقررشده بودبقیدا ینکه‌جعفرقلیخان بیگلربیگی آنجا سال بسال وجه مزبور را نقداً بلاقصور وکسور اگر ممکن شد بالتّمام در اول هرسال والاّ نصف در ششماههٔ اول و نصف در ششماههٔ ثانی واصل ساخته قبض‌بازیافت نماید و عوض آنرا از بابت وجوه چوپان‌بیگی سبزوار و اسفراین‌که بضبط اوست متصرف شود و چون مشارالیه متوفی شود اگر او را وارثی باشد که استحقاق اخذ وظیفهٔ مسفوره داشته باشد عرض نمایندکه بوارث او والاّ بشخص دیگرکه بصفت صلاح و استحقاق متّصف بوده باشد شفقت شود و درینولا سیادت‌پناه مشارالیه‌استدعاء امضاء همیون ما نمود بنابرشفقت شاهانه دربارهٔ مومی‌الیه مبلغ مزبور را بدستور بوظیفهٔ مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم دیوانیان عظام و صدورکرام موافق حکم خاقان خلدآرامگاه عمل نموده وجه مزبور را خود بدون عرض‌اشرف داد وستد ننمایند حکام وبیگلربیگیان دارالمؤمنین مزبورحسب‌المسطورمقرردانسته بعمل‌آورند و هرساله حکم مجدد طلب‌ندارند و در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهرربیع‌الاول سنه ۱۰۸۴ .

۱ــ مهرگرد شاه‌سلیمان با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۲۳ یادکردیم .

۲۶

حکم فتحعلی‌خان مورخ ۱۰۸۶ در بارهٔ تعمیر و مرمت حصار بلدهٔ استراباد با پولی‌که شاه‌سلیمان هرساله می‌پردازد .

ولی‌نعمت عالم و عالمیان شاه‌سلیمان ...[۱]

مقرراست که چون از روزی‌که‌کارکنان قضا و قدر ومصلحت‌بینان امور خیر اثر رنگ طرح اعمال خجسته را ریخته‌اند وکاخ وجود افعال موجودات را برافراخته‌اند غرض‌کلی استرضای جناب مالك‌الملکیست‌که در تمامی دارالضرب‌ممالك‌وجودپشیزی نتوان یافت‌که سکهٔ جودش نقش چنین نکرده باشد و از ماه تا ماهی عوالم غیبت و شهود فلسی نتوان یافت‌که دست قدرتش بجهت روایی بازارکارگذاری عباد صورت تزیین نداده باشد و مطلب اصلی تحصیل دعای خیر بجهت ذات‌کامل‌الصفات ∴ که نقد کان بیمن نقش نام نامیش بمرتبهٔ عزیزی رسیده وجوهر دریا از فیض سحاب مکرمتش‌کسب‌آبرو نموده وجه مبرّات را مصرفی واجب‌تر اراقتناء دعای‌خیر بجهت ذات بیهمالش فرض نشده ومعاملهٔ‌حسنات را سرمایهٔ بهتر از مسئلت بقای عمرودولتش حاصل نگشته بنابرین درینوقت‌که سکنه و رعایای بلدةالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقة والفساد در باب تعمیر و مرمت حصار بلدهٔ مزبوره‌که قبل ازین‌بنیروی‌اقبال بیزوال ابدی الاتصال صورت انجام و اتمام بهمرسانیده عرض واستدعا نمودندکه‌چون بیمن مراحم دولت‌ابد مدت منزل راحت و حصار عافیت بجهت ساکنین بلدهٔ مسفوره که بپایمردی سعی و دستیاری اهتمام‌آن دولتخواه و بندهٔ با اخلاص درگاه جهان‌پناه مهیا وساخته شده و از رهگذر تعاقب و توالی امطار رخنه‌های بسیارکه هر رخنه از آن مستلزم شکست دلهای مساکین و تزلزل خاطرهای ساکنین آنست بهم[۲] بتصدّق

---

۱ و۲ـ یکی دوکلمه خوانده نشد .

فرق مبارك اشرف اقدس قدری مشخص و وجهی معین بجهت اخراجات مرمت حصار مزبور مقرر گردد که سال بسال صرف آن شده اهل آن بلده پشت بدیوار امنیت وجمعیت دهند می‌تواند بود لاجرم ایجاباً لمسئلتهم از ابتداء سیچقان ئیل وجه واجبی فلوس که مصرفی واجب‌تر ازین امر نداشت بجهت مرمت حصار بلدة المؤمنین مزبور مقرر شد که هرساله وجه مزبور را بدستور ضمن صرف اخراجات حصار مزبور نموده نگذارند که رخنه در حصار مزبور بهمرسد کتّاب سرکارعالی بنحوی‌که مقرر شد دردفتر عمل نموده من‌بعد بعلت وجه مزبوره حواله و اطلاق ننمایند .

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۰۸۶ .

[در قسمت بالای این‌حکم عبارات زیر با اقلام مختلف نوشته شده است :]

مقرر شدکه مستوفی وکتّاب سرکار عالی بنحوی‌که سمت تحریر یافته رقـم مزبور را ممضی دانسته‌کلانتر و عمّال و کدخدایان بلدهٔ مـزبور بشرح مسفورعمـل نمـایند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهرشعبان ۱۰۸۶ .

[مهری‌کوچك و چهارگوشه و لایقرء]

بنحوی که بیگلربیگیان سابق مقرر داشته‌اند و ممضی دانسته مستوفی وکتّاب سرکار عالی و کلانتر و عمال وکدخدایان بلدهٔ دارالمؤمنین استرابـاد حسب‌المسطور مقرر دانسته عمل نمایند .

تحریرا فی‌شهر ...

[مهری‌کوچك وچهارگوشه ولایقرء]

بموجبی‌که بیگلربیگیان سابق مقرر داشته‌اند عالیحضرت مستوفی وکتّاب سرکارعالی ممضی دانسته از آنقرار در دفاتر عمـل و کدخدایـان بلدةالمؤمنین ... مزبوره را

حسب‌المقرر سال بسال بتوجیه درآورده جهة صرف اخراجات حصار مذکورمهمسازی نمایند و در عهده دانند .

تحریرا فی۶ شهررمضان سنه ۱۱۰۳ .
[مهری بیضی وکوچك و لایقرء]
بموجبی‌که بیگلربیگیان سابق مقرر داشته‌اند وممضی دانسته مستوفی و کتّاب سرکار عالی وکلانتر و عمال وکدخدایان بلدة‌المؤمنین استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته عمل‌نمایند .

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی .
[سنه و مهر لایقرء است]
[در پشت این فرمان دستورالعمل زیر با خطی ریز نوشته شده است:]
دستورات‌العمل
ضمن‌آنکه‌کدخدایان بلدهٔ مذکوره حسب‌الصّلاح امناء دو نفر بنّای صاحب وقوف اعتباری‌تعیین نمایندکه مبلغ مزبور ضمن بالمساوات در وجه ایشان مقرر بوده‌بتعمیر حصار و ساختن رخنه‌ها و خرابی‌که بهمرسد قیام داشته عمله وفعله و قیمت مصالح بعهدهٔ استادان مزبور بالمناصفه بوده باشد وظیفهٔ استادان مزبور آنکه هر یك رسد واقعی خود راازقرار رسد وتقسیم‌امناء وکدخدایان بلدهٔ مزبوره محافظة وخبرداری‌و تعمیر ضروری که لازم و متعلق بهریك بوده باشد روز بروز نموده بتقصیری از خود راضی نشوند مقررآنکه‌کدخدایان و امناء مزبوره بعد ازتعیین و تشخیص دو نفربناء اعتباری صاحب‌وقوف و بازیافت شرطنامچهٔ معتبره بقیود مقرره از استادان مزبور خود نیز نوشته بقیدآنکه بعد از شروع بخدمت مزبوره سه ماه بسه‌ماه رسد هریك را

از مؤدیان مصارفه فلوس مستخلص و تسلیم ایشان نمایند داده[1] اسامی بنّایان و شرطنامچهٔ دیوانی خود را بنظر رسانندکه کتّاب سرکار دردفاتر عمل نمایندوهمچنین هرگاه‌که احدی از بنّایان مزبور بجهتی از جهات تغییر و تبدیل داده شود در روز دیگری را بدستور مقرّر بجای او تعیین نمایندکه بامر مزبور قیام داشته باشد .

۲۷

حکم فتحعلی‌خان مورخ۱۰۸۷دربارهٔ برقراری‌مبلغ یك‌تومان‌و هشت‌هزاروچهارصد وهشتاددینارخراسانی به‌عنوان تخفیف و تصدق‌به‌میر محمداشرف نقیب استراباد .

مقرر شد که چون‌درینوقت سیادت و نجابت‌پناه نقابت و هدایت دستگاه میرمحمد اشرف نقیب‌استراباد بعرض رسانیدکه قریهٔ عبدآباد من‌بلوك نواحی بسیورغال مقرر است و در سنوات داروغگان مدخل نمینموده‌اند و برطبق عرض خود رقم مرحوم محمدخان ابراز و استدعای امضاء عالی نموده بنابرین مقرر شد که مستوفی وکتّاب سرکار عالی مبلغ یك‌تومان و هشت‌هزار وچهارصد و هشتاد دینار خراسانی مقطعی محلمزبور را موافق معمول سنوات سابقه بتخفیف و تصدق مقرر دانسته در دفاترعمل نمایند و داروغگان بلوك نواحی مدخل درمحلمزبور نکرده از مخالفت محترز و مجتنب باشند مقرر آنکه قضایای سانحه را بدیوان عالی رفع وچون رقم بمهرعالی و ثبت دفاتر رسد اعتماد نمایند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۰۸۷ .

[جای‌مهر][2].

---

۱ ــ در درست خواندن این کلمه شك داریم .

۲ ــ مهر چهار گوشهٔ کوچك باسجع :«بندهٔ شاه‌نجف فتحعلی» .

۲۸

فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم) ، (۱۰۷۷-۱۱۰۵) دربارهٔ معاف و مسلم شدن اولاد درویش حسین و اولاد درویش‌الله‌داد ـخدمهٔ‌امامزاده‌عبدالله‌ـ از جمیع تکالیف دیوانی و واگذاری نیم‌سنگ آب وقفی رابـه ایشان .

الملک‌لله

امامزاده عبدالله علیه وآبائه التحیة والسلم

شاه باباام انارالله برهانه

[جای مهر شاه سلیمان][1]

فرمان همیون شد آنکه چون درین ولا اولاد درویش‌حسین واولاد درویش الله‌داد بدرگاه معلّی آمده پروانچهٔ نوّاب‌خاقان خلدآشیان صاحبقرانی .:. که بیاض بتاریخ‌شهر صفرسنهٔ ۱۰۷۷ عزّصدور یافته بودخلاصهٔ مضمون‌آنکه چون درویش حسین ودرویش الله‌داد رقاب و اولاد بدیوان آمده بعرض رسانیدنـدکه بدستـور قدیم بامرخـدمت و جاروب‌کشی آستانهٔ متبرّکهٔ‌منوره امامزادهٔ واجب التعظیم والتکریم .:. واقعه در قریهٔ خواسرود دارالمؤمنین‌استراباد قیام واقدام مینمایند وعمّال و داروغگان وکدخدایان آن ولایت شلتاقات و تکالیف بایشان مینمایند واراضی و نیم سنگ آب وقفی آستانهٔ مزبوره را جمعی بخلاف شرع تصرّف و دخل مینمایند و متعرّض احوال خدمه وعملهٔ آستانهٔ مزبوره میشوند بنابرین مقرّر فرمودیم که حکّام‌کرام وعمّـال و داروغگان و کدخدایان‌آن ولایت اصلاً ومطلقاً پیرامون اراضی وآب وقفی آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران و جاروب‌کشان آنجا نرسانند و بعلّت اخراجات وشلتاقات و

۱ــ مهر گرد شاه‌سلیمان با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۲۳ یاد کردیم .

عوارضات ممنوعه خصوصاً بعلّت علفه و علوفه و بیگاروشکار وطرح ودستانداز وسر-
شمار وخانه‌شمار و سایر تکالیف مسدودة الابواب بهراسم و رسم که بوده باشد طلبی و
توقّعی از ایشان ننمایند و رعایت و مراقبت احوال مجاوران آستانهٔ مذکوره را لازم
شمرند بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین مزبوره که امداد حسابی مجاوران
مزبوره بتقدیم رساند ابراز و استدعاء امضاء اشرف نمودند بنابرین مقررفرمودیم‌که
پروانچهٔ مزبوره را دربارهٔ اولاد مزبورکه ازخدمهٔآستانهٔ مزبوره‌اند مناوّله‌الی‌آخره
ممضی‌ومنفذ دانسته از مضمون و مدلول آن عدول و انحراف نورزند بعهدهٔ عالیجاه
بیگلربیگی استربادکه امداد حسابی ایشان نموده نگذارد که احدی مزاحمت بحال
ایشان رساند و نوعی نمایدکه بفراغ بال بدعاگویی دوام دولت قاهره اشتغال نمایندو
درین‌باب قدغن دانسته درعهده شناسند .

تحریراً فی شهر ذیحجّه سنه ۱۰۸۹ .

۲۹

حکم فتحعلی‌خان مورخ ۱۰۹۱ برای برقراری مبلغ سه‌تومان و ششهزار و نود و نه دینار خراسانی که وظیفه وتکلف میر عبدالقادر حسنی‌استرابادی بوده در وجه وظیفهٔ همه سالهٔ میر سید محمدموسوی استرابادی .

ولی‌نعمت عالم وعالمیان شاه‌سلیمان ....

مقرّر شد که بنا برظهور صلاحیّت واهلیّت سیادت ونجابت‌پناه صلاحیّت وهدایت
دستگاه‌نتیجة‌السّادت‌الکرام شمساً للسّیادة والنّجابة میرسیّد محمّدالموسوی‌الاسترابادی
از ابتداء سه‌ماههٔ قوی‌ئیل مبلغ سه‌تومان و ششهزارو نودو نه دینار خراسانی از بابت
مالوجهات ومقطعی محال مزبورهٔ استرابادکه قبل ازین برینموجب بوظیفه :

وظیفه		تکلف	
از بابت مالوجهات ووجوهات محال مزبوره بیست و دوهزار و سیصدو نودو نه دینار.		سیزده هزار وهفتصد دینار .	
قریه	مزرعه	از بابت مالوجهات	از بابت وجوه مقطعی
تیموری محله استرابادرستاق هجده‌هزاروسیصدو نود و نه دینار	میر قنبر نواحی چهار هزار دینار	طاحونهٔ واقعه در نواحی که از راه ملکیت تعلق بورثهٔ مرحوم مزبور دارد شش ریال[1]	قریهٔ کرپان نواحی و قریهٔ تورق استراباد ـ رستاق از راه ملکیت تعلق بورثهٔ مرحوم مزبور دارد هفت‌هزارو هفتصد دینار

و بتکلّف مرحمت وغفران‌پناه میرعبدالقادرالحسنی‌الاسترابادی مقرّر بود همه سالهٔ سیادت ونجابت‌پناه مشارالیه مقرّر شدکه سال بسال بازیافت و صرف معیشت نموده مرفّه‌الحال دوام دولت بیزوال ابدی الاتّصال بندگان ؛. که جان جهانیان فدای نام مبارکش باد اشتغال نماید مستوفی وکتّاب سرکارعالی حسب‌المسطور مقرّر دانسته رقم مزبور را در دفاتر ثبت نموده سال بسال وجه‌مزبوررا ازقرارقبض سیادت ونجابت‌ـ پناه مشارالیه بخرج محال مزبوه مجری داشته هرساله موقوف برقم‌مجدّدندارند و در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر جمیدی‌الاولی ۱۰۹۱.

[جای مهر][2]

۱ ـ درکنار این رقم سه کلمه دیگر خوانده می‌شود دربالا بصورت «عراقی» دروسطرقم «پنجهزار» و در پایین کلمه‌ای بصورت « خراسانی » . ۲ ـ مهری چهار گوشهٔ کوچك با سجع :«بندهٔ شاه نجف‌فتحعلی» .

۳۰

حکم شاه‌سلیمان اول (صفی دوم) ، (۱۱۰۵ ـ ۱۰۷۷) دربارهٔ دلجویی از جماعت گوکلان و رسیدگی به‌حال ایشان .

شاه‌طهماسب نوّرالله مرقده

[جای مهر شاه سلیمان][1]

حکم جهان مطاع شد آنکه ایالت وشوکت‌پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه نظاماً للایالة والجلالة والشوکة والاقبال پسندخان بیگلربیگی دارالمؤمنین‌استراباد بشفقت شاهانه مستمال بوده بداندکه درینوقت اسمعیل‌گوکلان بدرگاه جهان‌پناه‌آمده بعرض رسانیـدکه از زمان نواب جنت‌مکان‌علیین‌آشیان .:. الی‌الآن جماعت گوکلان در یورتی‌که‌حسب‌الفرمان‌سلاطین‌ماضیه‌نشیمن‌داشته‌بخدمات‌قیام‌مینموده‌اند‌بیگلربیگیان استراباد پیوسته مراقب احوال‌ایشان بوده بعلّت توقعات مزاحم حال‌ایشان‌نمی‌شده‌اندو در این وقت آن ایالت‌پنـاه بهمه جهت یکهزارو پانصد تومان بمحصّلی محمّـدآقای قاجار و غیره ازیشان بازیافت نمود و جماعت یموت را بااسب و یراق و زره تقـویت کرده‌که ایشان‌گوکلان را تاخت نمایند وجماعت مزبوره بعداز تاخت‌وتاراج‌گوکلان از بیم تلافی ایل مزبور روانهٔ الکای بخارا شده‌اند چون برمضمون رقم اشرف مطلع گردد حقیقت واقعی مقدمات مزبوره‌را عرض نمایدکه بچه جهت‌جماعتی راکه‌چندین سال خدمت آنسرحـد نمـوده هرگز ازیشان بدستور سایر جماعت ترکمـان خلاف فرمانبـرداری بظهور نرسیده باشد و پیوسته مشمـول نوازشات واحسان حکام سابقـه بوده‌اندآنعالیجاه تغییر سلوك نموده متفرّق ساخته ومردمی‌که سوء عقیدت وخبث‌طینت

۱ــ مهر کوچك چهارگوشهٔ شاه‌سلیمان با سجع : « سلیمان بندهٔ شاه ولایت ۱۰۷۷ » ودرکلاهك مدور این مهر : « بسم الله » .

ایشان ظاهر است بر آنجماعت مسلط ساخته و از طریقهٔ سرحدّداری که عمدهٔ آن حسن سلوك با ایلات و احشامات است عدول نمــوده و موجب وحشت و اضطراب جمــاعت مزبوره شده میباید که اگر آنچه بعرض رسیده واقعــی بوده باشد من بعــد بدستــور بیگلربیگیان سابقه درصدد تألیف قلوب ایشان بوده چنان ننمایدکه باعث شوریدگی و تفرقهٔ ایل مزبور شود و حقیقت قضیّهٔ یموت را کــه با وجود عــدم خلوص عقیــدت تقویت ایشان بچه جهت نموده و رفتن ایشان واقعی است یا نه واگر واقعی باشدبه‌چه سبب ارتکاب این امر نموده‌اند مشروحاً عرض نماید ومن بعد درصدد استرضاء خواطر جمعی که نظام امور سرحد منوط باتفاق ایشان بوده باشد بوده چنان ننمایدکه‌موجب تفرقه و تشویش آن‌گروه بهایم طبیعت شود و به‌توجّــهات پادشاهانه مباهی باشد .

تحریرا فی شهرشعبان المعظم۱۱۰۲ .

۳۱

سواد حکم لطف علی‌خان دربارهٔ سدس آب رودخانهٔ تلوکلاته که مختص میرومحله دانسته است .

مقرّرشد که چون قبل ازین فیمابین ملاك قریهٔ موسومهٔ میرومحله من بلوك استراباد ــ رستاق مستأجران و متصّدیان و غیره مباشرین قریهٔ ترنك و گرمابه‌سرای خالصه در باب آب رودخانهٔ تلوکلاته و تقسیم آن گفتگو و برطبق عرض و ادّعای ایشان و مجلهٔ که دراین باب دردست داشته و بشهادت شهود رسیده و برطبق آن تعلیقه عالیحضر[ة] وزیر و مستوفی سابق ایّام مرحوم پسندخان بقید؟ حسب الامر العالی نوشته شده و قلمی داشته‌اندکه چون قبل ازین ناصرمسیح و جمعی از ملازمان مجلهٔ نوشته در دست داشته بودندکه‌از رودترنك مشهور به‌رودتلوکلاته بقدرشش قسمت حقّابهٔ میرومحله است وحسب الرّقم مقرر شده بودکه ساکنان میرومحلّه زیاده برنسق شش قسمت ازرود مزبور آب نبرند ودراین

وقت مجله و صورت شهادت شهودی که در دست میرومحلّه [است] نزد نائب‌الصدارة قاضی بلده حاضرساخته بودند بنظر رسانیدند و چنان ظاهر شدکه سد بستن و شش قسمت بردن هیچیك موافق واقع و حساب نبوده و نیست و جمعی از سادات و اعزّهٔ ولایت هم تصدیق مینمودند بنابرین بعنوان مصالحه و اسکات اربابان و مباشرین مالیات دیوانی و تحصیل دعای خیر جهت ذات کامل‌الصفات بندگان ولینعمت عالمیان بموجب صلحنامچهٔ مزبور که در دفترخانهٔ عالی ضبط است سدس آب رود مزبور که عبارت از یکدانگ بوده باشد مختص میرومحله دانسته بزواید مزاحمت نرسانند و مباشرین ضبط و اجارهٔ خالصجات حسب‌المسطور سدس آب را بموجب درك که کشیده شود [باختیار] میرومحله گذارند ومستمسك برقمی که قبل‌ازین شده نگردند بناءً علی تلك‌المراتب مقرر شد که ملاّك میرومحله و مباشرین خالصجات مزبوره بنحوی که بعد ازین بشرح فوق در ایام بیگلربیگی سابق مقرّر گشته یك سدس آب رود مزبور رابموجب درکی که جهت تقسیم آب آن کشیده شودمخصوص میرومحله دانسته مزاحمت نرسانند عالیحضرت مستوفی وکتّاب سرکار عالی حسب‌المسطور مقرّر دانسته در دفاتر عمل و چون رقم بمهر و ثبت دفاتر رسد معتبر شناسند واز تغییر و تبدیل آن محترز باشند و در عهده دانند .

تحریرا فی ۲۲ شهر رجب‌المرجّب ۱۱۰۳.

[محل مهر مرحوم لطفعلی‌خان]

[برحاشیهٔ‌راست این سواد حکم شهادات زیر دیده می‌شود :]

سواد مطابق اصل است واصل نزد اینجانب است محمدجعفرالحسینی شیرنگی عفی عنه .[جای مهر]

ذامع‌اصله‌سیّان‌سیّان بعینه‌اقل‌الخلیفه محمدقاسم‌بن‌عیسی‌الحسینی اوتی‌کتابها بیمینها . [جای مهر]

سواد مطابق اصل است وخلافی ندارد بعینه الخ غیاث‌الدین مسعود الحسینی عفی‌عنه. [جای مهر]

ذا مع اصله مطابق کنت الخاطی . [جای مهر]

هوالسواد مطابق لاصله وکنت الخاطی . [جای مهر]

۳۲

فرمان شاه سلطان‌حسین(۱۱۳۵-۱۱۰۵) برای امیر ابوالفوارس از اولادمیرزین‌العابدین‌و ورثهٔ میرمحمد نجفی که مبلغ‌هفت‌هزار و پانصد دینار ازبابت‌مالوجهات للهدوین رابعداز وضع رسد شهر رمضان به‌سیورغال ایشان دهند .

الملك‌لله

شاه‌طهماسب نوّرالله مرقده

جدبزرگوارم طاب‌ثراه

شاه بابام انارالله‌برهانه

[جای‌مهر شاه‌سلطان‌حسین][1]

فرمان همیون‌شد آنکه چون سیادت ونجابت و افادت‌پناهان نتایج‌السادات العظام سیدمرتضی و سیدمفید و سیدفضل‌الله اولاد میرابوطالب[2] استرابادی و ورثهٔ میرابوالفوارس‌نجفی بعرض رسانیدندکه میرابوالفوارس‌نجفی در استراباد میبوده و قدری از مالوجهات بلدهٔ مذکوره بسیورغال مشارالیه مقرّر و مدتی شدکه مومی‌الیه

۱ـ مهر گرد شاه سلطان حسین ، سجع دایرهٔ وسط: « وارث‌ملك سلیمان‌جهان‌سلطان حسین» و درحاشیه باحروفی که دور می‌چرخد: « اللهم‌صل‌علی‌محمدالمصطفی وعلی‌المرتضی وبتول‌فاطمه والسبطین‌الحسن‌والحسین وعلی‌و محمد وجعفروموسی وعلی‌ومحمد وعلی‌وحسن‌و صاحب‌الزمان علیهم‌السلام » . ۲ـ نام « ابوطالب » را بقرینه افزوده‌ایم .

متوفی شد و وارثی بغیر از ایشان ندارد و درین اوقات خواجه‌صالح نام شخص‌ساوری عرض نموده درباب سیورغال ابدی مشارالیه پروانچه باسم خـود گذرانیده و برطبق مدعای خود مجلّه بمهر جمعی ابراز و استدعا نمودندکه حکم اشرف درباب‌سیورغال مزبور ازتاریخ فوت مرحوم مشارالیه صادر و وجه مزبوربسیورغال ایشان‌شفقت شود و از سرکار اوارجهٔ خراسان تصدیق نموده‌اندکه مبلغ دوتومان وپنجهزاردینارخراسانی از بابت مالوجهات محال‌استراباد‌که در زمان شاه‌جنت‌مکان‌علیّین‌آشیانی .·. بسیورغال اولاد سیدمحمدنجفی سیّماامیرظهیرالدین‌ابراهیم وامیر نظام‌الدین محمدباقرمقرربوده در این سی‌سال فتح خراسان در وجه اولاد امیر ظهیرالدین ابراهیم و امیرنظام‌الدین محمدباقر خصوصاً امیرزین‌العابدین و میرمحمد نجفی شفقت شده بود و بعد از فوت میرزین‌العـابدین و میرمحمدشریف ولدمیرزاابراهیم واعـظ عرض نمـوده بـودکه از میرزین‌العابدین و میرمحمد وارثی نمـانده و مبلغ هفتهزار وپـانصددینار ازبابت مالوجهات لله‌دوین‌که بسیورغال متوفیان مزبوران مقرر بوده بسیورغال‌مشارالیه‌مقرر شده و در ثانی‌الحال امیرابوالفوارس بدرگاه معلّی‌آمده دردیوان الصدارةالعلیّه‌العالیه ثابت نموده‌که از اولادمیرزین‌العابدین است وازمیرمحمدنجفی عم مشارالیه‌نیزوارث هست و میرمحمد شریف ولد امیرابراهیم خلاف‌عرض نموده و بدستورکل‌مبلغ مزبور بعد از وضع‌رسدشهر رمضان‌برینموجب بسیورغال امیرابوالفوارس‌ولدمیرزین‌العابدین‌و ورثهٔ میرمحمد نجفی مقرر شده و بعد ازآن‌که امیرابوالفوارس واولاد .

دوتومان وپانصد دینار منهای

رسد رمضان‌المبارك دوهزاروهشتاد و سه دینار (نقد)

الباقی دوتومان‌ودوهزار ونهصد دینار

قر ــــــــــــــــــــــــــــه	قر ــــــــــــــــــــــــــــه

کلاتچــه شاهجــان	اسکنــه ایضــاً

۱۳۷۵۰ دینـــــار	۲۲۹۴ دینـــــار

قر ــــــــــــــــــــــــــــه

للهدوین سدن رستاق مشهور به رودی که میرمحمد شریف خلاف عرض نموده ودر ثانی ـ الحال مقرر شده که از تاریخ فوت میرزین العابدین بدستور بسیورغال ورثه مقرر باشد ۶۸۷۵ دینار

میر محمد مزبور استدعاء امضا نموده بودند بموجب پروانچهٔ نواب خاقان خلدآشیان صاحبقرانی ∴ صادر بتاریخ شهر شوال ۱۰۵۷ حسب التجویز مرحوم میرزا حبیب الله صدر سابق سابق بسیورغال ایشان شفقت شده و بعد از آن که شیخ محمد صالح ساکن استراباد نوشتهٔ مرحمت پناه میرزا ابوطالب صدر سابق خاصهٔ شریفه را که قبل از ین برطبق عریضهٔ مشارالیه در باب سیورغال میرابوالفوارس و میرمحمد نجفی بوده و تجویز نموده بوده که چون جمعی بموجب محضر ملصق قلمی نموده اند که وراثت میرابوالفوارس واولاد میرمحمد نجفی منحصر است در مشارالیه از تاریخ فوت مومی الیهم سیورغال مزبور که از دفتر تصدیق براستمرار آن نموده اند دروجه مشارالیه مقرر شود و برطبق تجویــز مزبور مرحوم اعتمادالدولهٔ سابق رقم نموده که هرگاه سیورغال مزبور مستمر و برقرار بوده تغییری بقواعد آن راه نیافته و اولاد مزبور منحصر بــاشد در مشارالیه بمــوجب تجویز بلامانع حسابی حکم اشرف بقیود لازمه مسوده نمایند ابراز و استدعا نمودکه مقرر شودکه پروانچهٔ امضای سیورغال برطبق تجویز و رقم مزبور صادرگردد بعد از آنکه کیفیت دفتری برقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی رسیده که حکم امضاداده شودپروانچهٔ نواب خاقان طوبی آشیان قدس مکان ∴ بتاریخ سنهٔ ۱۱۰۵ صادر و مبلغ مزبور بنحوی که قبل از ین برطبق تجویز صدرسابق خاصهٔ شریفه بشرح فوق برقم مرحمت پناه وزیر

سابق دیوان اعلی رسیده از تاریخ فوت مشارالیهم بعد از وضع وجه دوازده یك رسد شهر رمضان از بابت محال مـزبوره بدستور سابـق بسیورغال مشارالیه عنایت شده و بتجویز سیادت وصدارت و اقبال پناه فضیلت ونجابت و اجلال دستگاه حقایق ومعارف آگاه عالیجاه اسلام و اسلامیان ملاذشمس للسیادة والصّدارة والنجابة والفضیلة والاقبال میرزامحمدباقرصدرخاصهٔشریفهونائبصدرممالكمحروسهرسیده‌کهچون‌جمعی‌بموجب مجلّهٔ علیحده عرض نموده‌اندکه از مرحوم‌میرا بوالفوارس اولادی نمـانده وشیخ‌محمد صالح خلاف عرض نموده است بنابرین رسد سیورغال مزبور بتغییرسیورغال مشارالیه بسیورغال سیادت ونجابت‌پناهان مشارالیهم‌که از اقربای مرحوم مزبوراند مقرر وقید شودکه هرگاه در سنوات سابقه ازبابت سیورغال مزبورچیزی درآن محـال باقی بوده باشد مخصوص مشارالیهم بوده باشد بنابرین رسد سیورغال امیرابوالفوارس مزبور را موافق‌آنچه‌درجزو معمول‌باشدازجملهٔمالوجهات‌محال‌مزبورهٔ ضمن‌بدستورسنوات‌سابقه بسیورغال‌سیادت‌و نجابت‌پناهان‌مشارالیهم‌عنایت ومرحمت فرموده ارزانی‌داشتیم‌رعایای محال مزبوره مشارالیهم را صاحب سیورغالات مزبور دانسته سال‌بسال موافق عملکرد سیورغال‌واصل ساخته موقوف ندارندحکام وعمّال ولایت‌استراباد بهیچوجه من‌الوجوه بخلاف‌حکم وحساب مدخل دررسدسیورغال مشارالیهم ننمایند وهرساله حکم مجدّد نطلبند و چون پروانچه بتوقیع وقیع رفیع منیع اشرف ارفع‌امجد اعلی مزّین ومحلّی گردد اعتبار و اعتماد نمایند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۱۰۸ .

۴۴

فرمانی از شاه سلطان‌حسین (۱۱۳۵ ــ ۱۱۰۵) که پس ازشکایت میرزا ابوطالب موسوی فندرسکی صادر شده و شاه دستور داده تا اراضی واقعه در طرف شرقی رودخانهٔ دهنهٔ‌نردبان را بالتمام داخل قیصراباد بدانند .

فرمان همیون شد آنکه سیادت ونجابت و فضیلت‌پناه هدایت و نقابت‌دستگاه عمدة السّادات والنجباء العظام زبدة النقباءالکرام نظاماً للسّیادة والنجابة والفضیلة میرزا ابوطالب‌الموسوی الفندرسکی بعرض رسانید که ملکی دارد موسوم بقیصردال و قیصراباد هم می‌گویند‌که در یك طرف‌آن رودخانهٔ دهنهٔ‌نردبان واقع است ودرطرف دیگر رودخانهٔ کافردوین‌علی‌آباد ملك...[1] است و در زمان دولت مرحوم محمّدخان بعضی از مردم کافردوین‌بتحریك بعضی از مردم صاحب غرض چند قطعه زمین سمت قیصراباد و رودخانه را ادّعا نموده‌اند که داخل کافردوین است و مرحوم محمّدخان جمعی‌کثیر از ارباب و اهالی وکدخدایان محال خالصجات و محال اربابی حوالی و حواشی و غیرهم را برفاقت قاضی ومحمّدبیگ‌سرکشیك ایل‌نوا فرستاده و بحقیقت رسیده‌اند و خلاف سخن مردم کافردوین ظاهر شده و دریـن‌باب مجله درست‌گشته و جماعت کافردوین‌را مجاب ساخته‌وبرطبق عرض خود مجلّه بمهرجمعی درباب‌تشخیص حدود قریهٔ کافردوین و قیصرابادکه بمهر مرحوم محمدخان رسیده ابراز نمود مشعر برآنکه سامان محال فخرعمادالدّین خالصه واربابی ومحال فندرسك رودخانهٔ دهنهٔ‌ـ نردبان که از سمت جنوب از کوه نردبان جاری شده بسیاه‌جو داخل می‌شود و سمت غربی آن رودخانه محال فخرعمادالدین است الی قریهٔ سیاوستان وامیرآبادکه بسببی

۱ــ نام مالك راعمداً پاك کرده‌اند .

از اسباب منتقل بملّاك فندرسك شده و سمت شرقی رودخانه محال اربابی فندرسك است و حدود کافردوین و قیصراباد هم از قدیم‌الایّام تا حال از اینقرار بوده بهامش اهل کافردوین در سمت شرقی رودخانه که مواضع قیصراباد است قریب بده دوازده قسمت زمین است که غلّه زراعت مینموده و مینمایند و همچنین اهل قیصراباد قریب بده‌قسمت زمین در سمت غربی رودخانه است که بوستان و زراعت غلّه میکرده و مالیات آنها را ارباب قیصراباد میداده و میدهند و زمین طرفی متّصل برودخانه‌است و امّا آنچه کافردوینیان از آقادوین‌بنه و پل‌سفید و یورت سیّد میرزاعلی و غیرها ادّعا نموده‌بوده‌اند که دروسط‌اراضی مزروعهٔ متصرّف فیهاء اهل قیصراباداست وکافردوینیان نیزتصدیق واعتراف نموده‌اند که هرگز در مواضع مزبوره تصرّف و زراعت ننموده‌اند همیشه درزراعت وتصرّف اهل‌قیصراباد بوده وهست واگرمواضع مزبوره‌که‌کافردوینیان ادّعا نموده‌اند داخل کافردوین بوده باشد قریهٔ قیصراباد را درخارج بجزاسم ماصدق نخواهد بود و مرحوم محمّدخان بر عنوان محضر مزبور نوشته که چون از شهادت جمعی و صورت تقریر میرزامحمّدبیگ سرکشیك غازیان و حاجی قربانعلی وغیرهم‌و از نوشتجات حکام سابقه مطابقهٔ صورت مزبوره با واقع و نفس‌الامر ظاهروظاهر شدکه سمت‌شرقی رودخانهٔ مزبور بالتّمام داخل قیصراباد و ملك‌سیادت ونجابت و فضیلت‌پناه میرزاابوطالب است ومواضع آقادوین‌بنه وپل‌سفید و ولی‌بیگ‌بنه و یورت سیدمیرزا علی و غیره همگی داخل قریهٔ قیصراباد است و آنچه در تحت غربی رودخانهٔ مزبور واقع شده متعلّق به‌کافردوین است ارباب ومستوفیان وکدخدایان و زارعین قریهٔ کافردوین رودخانهٔ مزبور را حدّوسامان دانسته اراضی واقعه در تحت شرقی آنرا بالتّمام از قیصراباد و اراضی واقعه در تحت غربی آنرا بالتّمام از کافردوین دانسته هیچیك درمقام دست‌اندازنبوده دخل درمحل هم ننمایند ونوشتهٔ مرحوم فتحعلی‌خان را نیز ابراز نمود که مقرّر داشته که سرکاران و مستأجران و رعایاء کافردوین وقریهٔ

قیصراباد بنحوی که در مجلّهٔ مسطوره حدّوسامان اراضی و صحاری قریتین مزبورتین تحدید و تشخیص یافته محل اعتماد دانسته هیچیك از حدّوسامان خود تخلّف ننموده مدخل در محل یکدیگر ننمایند وازسرکار اوارجهٔ خراسان تصدیق نموده‌اندکه قریهٔ کافردوین بلوك فخرعمادالدّین وقریهٔ فندرسك بــلوك بذر مهین رستاق‌استراباد هر یك علیحدّه‌ا بوابجمع شده وتفصیل محال فندرسك مشخص نیست‌بنابراین مقررفرمودیم‌که سرکاران و مستأجران و رعایاء محلّین‌مزبورین‌موافق نوشتجات سابقه‌را نموده اراضی واقعه در طرف شرقی رودخانهٔ دهنهٔ‌نردبان را بالتمام داخل قیصراباد دانسته پیرامون آن نگردند بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی‌استراباد که درین‌باب مجال تمرّد احدی‌ندهدو در عهده شناسند .

تحریراً فی شهر . . . [1]

۳۴

حکم شاه‌سلطان‌حسین (۱۱۳۵ ـ ۱۱۰۵) برای محمدجعفر بیگ یساول‌صحبت که‌به‌گیلان‌بیه‌پیش‌رفته‌و‌مبلغ‌پانصدتومان‌تبریزی به‌عنوان ترجمان ازاهالی آنجا بازیافت نماید .

[جای مهرشاه‌سلطان‌حسین] [2]

حکم‌جهانمطاع‌شد آنکه‌رفعت‌وعزّت‌پناه ومعالی‌و عوالی‌دستگاه‌مقرّب‌الحضرةالعلیّه العالیه نظاماً للرفعة والمعالی محمدجعفر بیگ‌یساول‌صحبت مجالس‌بهشت‌آئین بشفقت

۱ـ تاریخ این فرمان محوشده بود ، از شکل ظاهر و وجدول‌بندی اطراف آن جزء فرمانهای شاه‌سلطان حسین گذاشتیم . ۲ـ مهر چهارگوشهٔ شاه باسجع : « بندهٔ فرمان برمولی‌حق‌سلطان‌حسین»واطراف این مهررا بامربع مستطیلی که کلاهك دارد تزیین کرده‌اند . داخل و خارج این مربع‌مستطیل نیز گل و بوته و تزیین است .

شاهانه سرافراز گشته بدانند که قبل‌ازین کدخدایان و رعایای گیلان بیه‌پیش مرتکب حرکات ناشایست نسبت بوزیر آنجا گردیده بودند و آن مقرّب‌الحضرة را بجهة تشخیص مقدمهٔ مزبوره روانهٔ آن حدود فرمودیم هرچند که‌از وزیر مزبور تعدّیات نسبت بایشان واقع شده حق بجانب ایشان باشد امّا چون جماعت مزبوره پیش از آنکه روانهٔ درگاه جهان‌پناه گردیده مطالب‌ومدعیات‌خودرا بعرض دیوانیان عظام رسانند خودسر مرتکب این‌قسم‌حرکات‌گردیده‌اند میباید‌که بعداز‌اطّلاع برمضمون رقم مطاع مبلغ‌پانصدتومان تبریزی بعنوان ترجمان ازایشان بازیافت وایفاد درگاه معلّی و نوعی نمایند که وجه مزبور از جمعی‌که مقصّر باشند بازیافت شده بخلاف‌حساب متعرّض دیگران نگردد و درین باب قدغن دانسته درعهده شناسد .

تحریراً فی‌صفرختم بالخیروالظفر سنه ۱۱۱۱.

۳۵

حکم شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ ـ ۱۱۰۵) برای اولاد درویش حسین ودرویش‌الله‌داد که از خدمهٔ امامزاده عبدالله‌خواسرود هستند و معاف ومسلم دانستن ایشان از تکالیف دیوانی .

امامزاده‌عبدالله علیه‌التحیة

جد بزرگوارم طاب‌ثراه

شاه‌بابام انارالله برهانه

[جای مهر شاه‌سلطان حسین][1]

حکم‌جهانمطاع‌شد آنکه‌چون‌قبل‌ازین‌پروانچهٔ نوّاب‌خاقان خلدآشیان‌صاحبقرانی :.

۱ـ مهر چهارگوشهٔ شاه‌سلطان‌حسین باسجع : « بندهٔ شاه ولایت سلطان‌حسین۱۱۱۵ » و در کلاهك بالا که دندانه‌داراست : « بسم‌الله » .

بتاریخ شهر صفر سنهٔ ۱۰۷۷ بر طبق عرض درویش‌حسین و درویش اللّهداد باین شرح شرف‌صدور یافته که چون درویش‌حسین ودرویش اللّهداد وفات واولاد مزبوران آمده بعرض رسانیدند که بدستور قدیم بامر خدمت جاروب‌کشی آستانهٔ منورهٔ امامزاده واجب‌التعظیم .:. واقعه در قریهٔ خواسرود دارالمؤمنین استراباد قیام واقدام مینمایندو عمّال وداروغگان و کدخدایان آنولایت شلتاقات وتکالیف بایشان مینمایند واراضی‌و نیم‌سنگ آب وقفی آستانهٔ مزبوره را جمعی بخلاف شرع و حساب تصرّف و دخل مینمایند ومتعرّض احوال خدمه و عملهٔ آستانهٔ مزبوره میشوند بنابرین مقرّرفرمودیم که حکّام‌کرام وعمّال‌وداروغگان وکدخدایان‌آنولایت اصلاً ومطلقاً پیرامون اراضی‌و آب وقفی‌آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران وجاروب‌کشان‌آنجا نرسانندو بعلّت اخراجات و شلتاقات و عوارضات ممنوعه خصوصاً بعلت علفه و علوفه و بیگار و شکار و طرح و دست‌انداز و سرشمار و خانه‌شمار و یابوی چاپار و تکالیف مسدودة ـ الابواب بهراسم و رسم که بوده باشد طلبی و توقعی از ایشان ننمایند و رعایت و مراقبت احوال مجاوران‌آستانهٔ مزبور را لازم شمرند بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین مزبور که امداد حسابی مجاوران مزبور بتقدیم رساند و بامضاء نوّاب خاقان‌طوبی‌آشیان قدس‌مکانی .:. رسیده ودراینوقت ملّاعمادالدّین وملّاعبدالجبّار اولاد درویش‌حسین و درویش‌اللّهداد بدیوان‌اعلی آمده عرض واستدعای امضاء نوّاب همیون ما نمودندبنابرین مقرّرفرمودیم‌که حکم‌مزبوره‌را دربارهٔ اولادذکورکه ازخدمهٔ‌آستانهٔ مزبوره‌اند من‌ْاوّله الی‌آخره ممضی دانسته‌ازمضمون مدلول‌آن‌عدول وانحراف‌نورزند بعهدهٔ عالیجاه‌بیگلربیگی استرابادکه امداد حسابی نموده‌نگذاردکه احدی مزاحمت بحال ایشان برساند و نوعی‌نمایدکه بفراغبال بدعاگویی دوام‌دولت قاهره‌اشتغال‌نمایدو درین‌باب قدغن دانسته در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر شوال ۱۱۱۶ .

۳۶

سواد فرمان شاه‌سلطان حسین (۱۱۳۵ ـ ۱۱۰۵) برای اولاد میرروح‌الامین و اولاد میرکمال‌الدین محمود و میر میران که مبلغ شش تومان خراسانی که سیورغال پدران ایشان بوده به سیورغال ایشان مقرر شود .

[جای مهر شاه سلطان حسین]

شاه بابام انارالله برهانه

فرمان همیون شد آنکه چون در ینولاسیادت و نجابت و فضیلت‌پناه میرروح‌الامین و سایر اولاد میرکمال‌الدین محمود و میرمیران استرابادی بعرض رسانیدند که حسب‌ـ الاحکام مطاعه مبلغی از بابت محال استراباد سیورغال میرکمال‌الدین محمود و میرمیران مزبور مقرر بوده و بعداز فوت ایشان از میرکمال‌الـدین محمود دوپسر موسوم بمیرـ محمد صالح و میر غیاث‌الدین مسعود و ازمیرمیران یك پسر موسوم بمیرزاشاهی بیگ مخلّف وسیورغال مزبور درجزو در تصرف ایشان بوده و بعداز فوت میرزاشاهی بیگ اولاد او منقرض وسیورغال ووراثت او منتقل باولاد میرمحمد صالح و میرغیاث‌الدین مزبوران شده وحال اولاد میرمحمدصالح منحصر در میرمحمدصالح نوادهٔ او و اولاد میرغیاث‌الـدین منحصر در میرروح‌الامین عـارض و میرغیاث‌الـدین مسعود بـرادر اوست و در آن بـاب استدعاء پروانچـهٔ امضاء اشرف باسم خود و از سرکار اوارجـهٔ خراسان و توجیه دیوان اعلی و سرخط تصدیق نمودند که مبلغ شش تومان خراسانی برین موجب از بابت محال استراباد بسیورغال میرکمال‌الدین محمود و

از بـابت محـال مذکـوره پنج تومـان

قریـــه	قریـــه
چـوپالانـی	علـوی‌کـلاتـه
دوتـومـان	سه تـومـان

قریـــه

نـوچمـن

دوهـزار دینار

براتی‌که باسم بیگلر بیگی آنجا مقرر بوده سوی آنچه گذشته از بابت قریهٔ نوچمن بقید رفته دروجه ایشان مقرر شده‌بود

هشت‌هزار دینار

میرمیران وسایرورثهٔ امیرعمادالدین مسعود ومیرا براهیم استرابادی مقرر بوده و بعداز آن بموجب پروانچهٔ امضاء خاقان رضوان‌مکان ∴ بتاریخ شهررجب سنهٔ ۱۰۴۴ بعداز وضع دوازده‌یك شهر رمضان المبارك مبلغ پنج تومان و پنجهزار وششصدو شصت وشش دینار بسیورغال ورثهٔ ایشان مقررشده ودرثانی الحال که میرزا نورالدین صبیه‌زادهٔ میرزاابراهیم قسمت نامچهٔ بمهرجمعی درباب اینکه سیورغال مزبور برینموجب فیمابین ورثه قسمت شده ابرازواستدعا نموده بودکه رسد او بجهت دیوان ضبط وعوض

نورالدین محمد صبیه‌زادهٔ میرابراهیم و امیرعمادالدین مسعود

۱۸۶۶۶ دینـار

قریـــه	قریـــه
علـوی‌کـلاتـه	نـوچمـن
۱۳۷۵۰ دینـار	۹۱۶ دینـار

شاهی بیگ‌علی میرمیـران

۱۸۶۶۶ دینـار

قریـــه	قریـــه
علـوی کـلاتـه	نـوچمـن
۱۳۷۵۰ دینـار	۹۱۶دینار

از بابت براتی که حاکم تنخواه میدهد
۴۶۰۰ دینـــار

از بابت براتی که حاکم تنخواه میدهد
۴۶۰۰ دینـــار

محمدصـالح ومیرغیاث‌الـدین‌محمد ولـدان میـر
کمال‌الدین‌محموداز بابت قریهٔ چوپالانی دوتومـان
منهای ۱۶۵۶ دینار دوازده‌یك الباقی ۱۸۳۳۳ دینار[1]

ازمحال اصفهان بمشارالیـه داده شود پروانچهٔ مطاعهٔ خاقان‌خلـدآشیان صاحبقرانی بتاریخ شهرمحرم سنهٔ ۱۰۵۷ صادرورسداوکه مبلغ یکتومان وهشتهزاروششصدوشصت‌و شش‌دینارمی‌شده بجهةدیوان‌ضبط وعوض‌از بابت‌محال اصفهان بمشارالیه داده‌شده‌بودو درباب رسدسایرورثه ازسنوات تاحال‌حکم امضا باسم احدی صادر نشده وحسب‌الامر-الاعلی از قرارنوشتهٔ عالیجاه وزیردیوان‌اعلی مقررشده‌که پروانچـهٔ امضا داده شود و سیادت‌و صدارت‌و نجابت‌پناه فضیلت و هدایت و نقابت‌دستگاه افاضت و حقانیت انتباه حقایق‌و معارف‌آگاه عالیجاه اسلام واسلامیان ملاذشمساً للسیادة والصدارة والنجابت و الفضیلةو الهدایة والاقبال میرزامحمدباقرصدرخاصهٔشریفه ونائب صدرممالك‌محروسه تجویزنموده که رسدسیورغال‌میرزاشاهی‌بیگ‌ولدمیرمیران‌ومیرمحمدصالح‌ومیرغیاث-الدین ولدان میرکمال‌الدین‌محمودکه ورثهٔمزبوره‌عرض‌نموده‌اندکه میرزاشاهی‌بیگ منقطع‌النسل‌است و اولاد میرغیاث‌الدین منحصر است در سیادت‌و نجابت‌پناهان میر روح‌الامین ومیرغیاث‌الدین‌مسعود نوادهای مومی‌الیه واولاد میرمحمـدصالح منحصر است درسیادت‌و نجابت‌پناه میرمحمدصالح نوادهٔاو دروجه مشارالیهم مقـررشود بقید آنکه هرگاه سوی‌ایشان اولادی‌از میرزاشاهی‌بیگ ومیرمحمـدصالح‌ومیرغیاث‌الدین

۱- تفریق تطبیق نمی‌کند .

صاحبان سیورغال مزبور بوده باشد بقدرالحصه درسیورغال مزبور شریك و سهیم باشند بنابرین بموجب تجویز مبلغ سه تومان و هفت هزار دینار از بابت مالوجهات محال استراباد که بتفصیل ضمن بسیورغال ورثهٔ میرمیران و میرکمال الدین محمود مقرر بوده بسیورغال اولاد مذکورهٔ فوق ایشان مقرر فرمودیم که هرگاه سوی ایشان اولادی از میرزا شاهی بیگ ولد میرمیران و میرمحمد صالح و میرغیاث الدین ولدان میرکمال الدین محمود باشد بقدرالحصه درسیورغال مزبور شریك باشند حکام وداروغگان وعمّال ومتصدیان مهمات دیوانی دارالمؤمنین استراباد مبلغ مزبور را بسیورغال اولاد مزبور مقرر دانسته بهیچوجه مدخل دررسد سیورغال ایشان ننمایند و بعلت اخراجات وعوارضات خلاف حکم وحساب از بیگار و شکار و طرح و دست انداز و سلامانه و عیدی و نوروزی و غیرذلك بهراسم ورسم که بوده باشد حواله و اطلاقی برمحل سیورغال ایشان ننموده قلم وقدم کوتاه کشیده دارند مقرر آنکه آنچه ازدیوان اعلی بعلت اخراجات حواله شود ازعهدهٔ رسد واقعی بیرون آمده بعلت سرشمار وخانه شمار خلاف حکم که در جزو واقع شود طلبی ننمایند ودرین باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد نطلبند وچون پروانچه بمهر مهر اظهر اشرف رسد اعتبار واعتماد نمایند ودرعهده شناسند.

تحریرا فی شهر رمضان المبارك سنه ۱۱۱۷ .

[مطالبی که درظهر ورقه نوشته شده است:]

هو

۶۶۶ دینار رسد تخفیف شهر رمضان محال رقبه

۴۳۳۳ دینار

پنج تومان

۵۶۶۶ دینار رسد میرزا نورالدین محمد که قبل ازین گذشته

۱۸۶۶۶ دینار عوض از محال اصفهان گذرانیده

عن رسد میرزا شاهی بیگ و میر محمد صالح و
میر غیاث الدین محمد ۳۷۰۰۰ دینار

رقبه از بابت محال مزبوره
۳۳۰۰ دینار

برانی که سال بسال حاکم وعمال استراباد
.... در عوض قریهٔ نوچمن رقبهٔ
ملکی خود گذاشته بوده‌اند
۸ هزار دینار

قریه قریه

علوی کلاته که در تقسیم نامچهٔ رسد میرزا شاهی بیگ ولد میر میران مشخص شده بوده
۱۳۷۵۰ دینار

نوچمن بدستور
۹۱۶ دینار

۴۶۰۰ دینار رسد میرزا نورالدین محمد صبیه زادهٔ میرابراهیم و امیر غیاث الدین محمود گذاشته عوض از بابت محال اصفهان گذرانیده

قریه

چوپالانی که در تقسیم نامچهٔ رسد میر محمد صالح و میر غیاث الدین ولدان میر کمال الدین محمود مشخص شده بود
۱۸۳۳۳ دینار

یك قریه در تقسیم نامچهٔ رسد میر شاهی بیگ رسد میر میران مشخص شده بود
۴۶۰۰ دینار

۳۷

فرمان شاه‌سلطان حسین (۱۱۳۵ـ۱۱۰۵) برای اولاد میرزا ابوطالب فندرسکی که سی تومان از بابت مالوجهات و سایر وجوهات محال متعلقهٔ مرحوم پدرشان را به‌سیورغال ابدی ایشان برقرار دارند.[1]

[قل لااسئالکم علیه اجراً الاالمودة فی‌القربی]

آنکه چون در اینولا اولاد مرحوم میرزاابوطالب فندرسکی بعرض‌رسانیدندکه مبلغ سی تومان ازبابت مالوجهات و سایر وجوهات محال متعلقهٔ بمرحوم مزبور بسیورغال ابدی و احسان سرمدی او مقرربوده استدعا نمودندکه پروانچهٔ امضای اشرف در باب سیورغال مزبور و سیورغال قدیمی ایشان‌که ثلث‌آن برسد اولاد مزبور است صادر و مقرر شودکه موافق قبولی احکام مطاعه بنحوی‌که درایام مرحوم مزبور استمرارداشته عمال استراباد بهیچوجـه دخل در محال سیورغال مزبورننمـایند ازسرکار اوارجـهٔ خراسان تصدیق نمودندکه درباب سیورغال مزبور و سیورغال قدیمی ایشان بمـوجب تفصیل ذیل احکام مطاعه صادر و

مبلغ سی‌تومان عراقی از بابت مالوجهات

نتیجـــــــــــــــــــــــــــــــــــــه[2]

[فـرمـان]مطـاعه بتاریخ شهـر صفر سنه ۱۰۷۸ مضمـون آنکـه چـون همواره مطمح نظـر خـورشید اثر نـواب‌کامیاب همیون و مطـرح اشعـهٔ ضمیر منیراکسیر تأثیر معدلت مقرون‌که انوار معدلت واحسان وآثار برّ ومکرمت و امتنان‌مانندآفتاب

---

[1] ــ قسمت بالای فرمان ازمیان رفته است.

[2] ــ این‌کلمه به خط سیاق است و نتیجه و بنیچه هر دو خوانده می‌شود.

جهان‌تاب برساحت وجود جمیع طوایف امم و قاطبهٔ طبقات بنی‌آدم‌گسترانیده آنست که در عهد و سلطنت‌ابد مدت‌عظمی و زمان‌خلافت ودوران عدّت‌کبری‌که‌بهارادوار و منتخب لیل‌و نهاراست جمعی راکه بسبب‌شرف انتساب بسلسلهٔ نبوّت وخاندان‌رسالت و کرامت خلعت‌عزتشان بزیورگرانبهای ∴ مزین ومحلّی‌گشته بمزید عواطف‌بیکران و الطاف بی‌پایان مفتخر و سرافراز و معزّز وممتاز فرمائیم علی‌الخصوص‌جمعی‌که ازین زمرهٔ شریفه و طبقهٔ علیّه راکه اباًعن‌جد قدیم‌الایام الی‌الآن در مضمارحسن‌اخلاص و دولتخواهی و دعاگویی قصب‌السبق از امثال و اقران ربوده باشند بنوعی مشمول الطاف‌واعطاف بیدریغ ∴ [1]گردانیم‌که مزیدی‌برآن متصور نباشد و دراینوقت‌سیادت‌و نجابت‌پناه نقابت و هدایت دستگاه فضائل وکمالات اکتناه عمدةالسادات والنجباء ـ العظام زبدةالنقباءالکرام جلالاً للسیادةوالنجابة والفضیلة میرزا ابوطالب[2] ولدمرحوم میرزا بیگ فندرسکی بعرض‌رسانیدکه حسب‌الحکم نواب خاقان خلد آرامگاه مبلغ سی‌تومان عراقی ازبابت مالوجهات و وجوهات املاك موروثی و اجدادی مشارالیه به تغییر تیول حاکم استراباد ازبابت قریهٔ کلامو و غیره بسیورغال مرحوم میرزا بیگ مشارالیه مقرر بوده و استدعا نمودکه چون مالوجهات و وجوهات‌کل‌محالمزبوره که مبلغ سی‌تومان عراقی بسیورغال والد مشارالیه مقررشده بود وفا بمبلغ‌مزبور نمی‌کند قریهٔ‌کلامو و قریهٔ نوده واجیك[3] که به‌تیول حاکم مقرر است تبدیل و باسایر محال‌که بسیورغال والد مشارالیه‌مقرربوده بسیورغال‌مومی‌الیه مقررشودکه‌آنچه‌بعنوان‌ملکیت دخل در محال مزبوره داشته باشد ازبابت مالوجهات و وجوهات ملکی خود وبقیه از بابت رسد سایر شرکا سال بسال موافق معمول مأخوذ و بازیافت نمایند و از تصدیق

۱ ـ ظاهراً در بالای فرمان باید «همیون شاهانه» باشدکه افتاده است .

۲ ـ میرزاابوطالب که حملهٔ حیدری باذل‌خراسانی را به‌اتمام رسانید . (فرهنگ سخنوران خیام‌پور ص۱۹) .

۳ـ این کلمه درمتن بی‌نقطه است .

مستوفیان عظام کرام و مباشران معلوم و مستفاد شدکه حسب‌الحکم نواب خاقان خلد-
آرامگاه‌که بتاریخ شهر رجب ۱۰۷۶ شرف‌صدور یافته از ابتداء بارس‌ئیل مبلغ سی
تومان رایج عراقی از بابت مالوجهات و وجوهات محال ملکی میرزا بیگ فندرسکی
از جمله‌آنچه بسیورغال جد مشارالیه مقــرر بوده مقطـوع‌گشته بتیول تیولدار کـل
استراباد مقررشده بوده ازقرارتفصیلی‌که‌مشارالیه‌برمحال‌ملکی‌خود نموده بتغییر تیول
برینموجب سوی سیورغال سابق بسیورغال مومی‌الیه مقررشده بود وقریهٔ‌نوده و اجیك
سی تومان

قریــــــــــــــــه

حاجی‌کلاته را که سیادت‌پناه مشارالیه تفصیل نموده بوده‌که ملك اوست و در تحـت
مواضع‌کمالا احمدا اولاد امیررفیع باچند محل دیگر بمبلـغ و تفصیل‌حشو مجمـل
ابوابجمع است ورسد هریك در دفتر مشخص نیست

پنجاه‌تومان منهای رسد تخفیف رمضان

چهارتومان و یك‌هزار وششصدو شصت وشش دینار

چهل و پنج‌تومان‌وهشت‌هزار وسیصد وسی‌وسه‌دینار

قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه

حاجی‌کلاته‌و ترنگ فندرسك خرجك و زواره حکم‌آباد عشقـی‌محلـه

قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه

بابائی محله شهرمحله‌و شیخی‌وترخانك ولـده اجیك وسرکی
نرادیـن

قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه قریــــه

نـوده تامیالو خسروآباد ولنداب

مقرراً عن محالمذکوره‌که بعداً ملکی بقلم داده

قریه

حاجی کلاته که باقریهٔ ترنگ مجمل تعیین شده

قریه

عشقی محله

قریه

کلامو که دردفتر ولده کلاته جمعست ودر تفصیلی که سیادت‌پناه مشارالیه نوشته قید است که دوقریهٔ کلامو توابع ولده کلاته است

قریه

قنوزات ایضاً که‌در تحت قریهٔ بن‌دوین ایضاً جمعست

قریه

قنوزات که باقریهٔ سورمی مجمل برینموجب شانزده‌تومان[منهامی‌شود] تخفیف رمضان سیزده‌هزار وسیصد و سه‌سی ودینار ابوابجمع‌است‌ورسد هریك مشخص نیست

قریه

حکم آباد

قریه

شهرمحله که با قریهٔ نرادین مجمل تعیین شده

قریه

ماروستاکه نه تومان جمع وبعداز وضع رسد رمضان مبلغ ۸ تومان و دوهزاروپانصد دینارمیشود

چهارده تومان‌وشش هزار ششصدو شصت‌وشش‌دینار

مزبور ازجمله محالی است که در دفتر مجمل درتحت مواضع کمالا احمدا بتفصیل فوق ابوابجمع و سابقاً بسیورغال جد مشارالیه مقرر بوده و مقطوع و بتیول حاکم استراباد مقرر است ومیرزا ابوطالب الرضوی صدرخاصه تجویز نموده که سیورغالاتی که در وجه والد مشارالیه مقرر بوده ازتاریخ فوت باسم اولاد مشارالیه امضا داده شود بنابر شفقت در بارهٔ اولاد مذکور از تاریخ فوت مومی‌الیه مبلغ مزبور از باب مالوجهات و

وجوهات محال مزبورهٔ ضمن با آنچه ازجمله مبلغ چهارهزار و سیصددینارکه بموجب ثبت پروانچهٔ خاقان رضوانمکانی بتاریخ محرم سنهٔ ۱۰۴۱ برین موجب ازبابت محال استراباد بسیورغال

ایضاً بابت

رسدتخفیف رمضان عن رسد مال نه هزار وهشتاد و سه دینار — سیزده تومان وهشت هزار و نهصد وهفده دینار

ازباب مالوجهات محال مزبوره که جمع مشخص در دفتر دار دومحالی است که داخل سیورغال بوده والحال می نمایند بورثهٔ میرزا بیگ متعلق است وبدستور چهارده تومان مقرر شد تیولدار می باید دخل ننماید چهارهزار وسیصد دینار

قریه — مزرعه

والفتح که ازبابت محال بتکچی بوده ومنال آن در زمان شاه جنت مکان علیین آشیانی برطرف شده وازحشو جمع استراباد وضع است وداخل تیول وسیورغال احدی نشده علی ای حال که بسیورغال مرحوم میرزا بیك مقرر بوده ومنال چون برطرف است ازحشوا سیورغال مشارالیه وضع شده بیست و پنج هزار دینار

اسبو باغ ایضاً
نه تومان وچهارهزار و سیصد دینار

مزرعه
اسب و باغ
هشت تومان و چهارهزار وسیصد دینار

مزرعه
و دارمو ایضاً
پنج تومان

ازبابت مزرعهٔ نامیالو که می نماید تعلق بدیشان دارد وچون مزرعهٔ مذکور در تحت

مواضع کمالا احمدا که با مواضع دیگر مجملاً بمبلغ پنجاه دینـار جمـع است کـه
بسیورغال میرزا بیگ مقرر بوده و چون جمع محل بمحل مشخص نمی‌شود بمبلغ از
قرار تقریر ورثهٔ تعیین‌شدکه تیولدار در جزو جمع مزرعهٔمزبور را مشخص‌نموده‌اگر
جمع آن موافق مبلغی باشدکه بباقی‌آمده بعوض تتمهٔ وجه سیورغال مـزبور گذاشته
مدخل درآن ننمایند و اگر زیاده از مبلغ مزبوره باشد مساوی وجه‌تتمهٔ سیورغال‌باز
گذاشته زیاده را متصرف شود بیست‌وپنجهزار دینار

میرزاصالح ولدمیرزا بیگ‌واولاد میرزاشرف و میرزاطهماسب ولدان‌میزا بیگ
مزبور مقرربوده رسد والد میرزاابوطالب مزبوربوده باشد بسیورغال ابـدی و احسان
سرمدی اولاد مزبور خصوصاًمیرزا ابوطالب مزبور شفقت و مرحمت فرموده ارزانـی
داشتیم که حسب‌الاستدعـاء مشارالیه مساوی‌مبلغ مزبورآنچه بعلت ملکی در محال
مزبوره دخل داشته‌باشداز بابت مالوجهات ملکی خود و تتمه را از سایر شرکاء محال
مزبوره سال بسال‌موافق‌معمول و مأخوذ بازیافت نمایند مستوفیان‌عظام‌رقم این عطیه‌را
در بارهٔ مشارالیه و سایراولاد انعام مخلّد بردوام دانسته در دفاتر خلود مثبت‌ومرقوم و
ازشوائب تغییر وتبدیل مصون و محروس شناخته تیولدار وحاکم ولایت مزبور وجـه
مزبور را بتفصیل ضمن از تیول خود برطرف دانسته بدانعلت طلب ودر محال ملکی‌و
سیورغال مشارالیه بهیچوجه مدخل ننمایند حکام وکلانتران وعمّال ولایت‌استراباد
حسب‌المسطور مقرر دانسته مطلقاً در محال ملکی و سیورغالی مزبور مدخل ننموده
بعلت علفه وعلوفه وقنلقا والام والاغ و طرح ودست‌انداز وبیگار و شکار و اخراجات
حکمی وغیرحکمی مزاحمت‌بحال‌گماشته و رعایاء محال ملکی و سیورغالی مشارالیه
نرسانیده قـلم و قدم‌کوتاه و کشیده دارند و از فرموده تخلف نورزند و تفصیل ضمن
پروانچهٔ مزبور بموجب ذیل است

سی‌تـومـان

قــر .... ه

حاجی‌کلاته ایضاً که سابقاً بعلة ملکی بسیورغال مرحوم میرزا بیگ مقرر شده بود

قر .... ه — قر .... ه

حاجی‌کلاته ایضاً کــه‌در تحت مواضع کمالا احمدا بتفصیل متن پروانچه مجمل‌جمعست

قنوزات ایضاً که درتحت‌قریهٔ بن‌دوین ایضاً جمــع است

قر .... ه — قر .... ه — قر .... ه

حاجی‌کلاته‌که با قریهٔ‌ترنگ حکیــم‌آبــاد مجمل نوشته شده

... که با قریهٔ سورچی مجمل برینمــوجبا بــوابجمــع است

۱۶۰۰۰۰ دینار

۱۳۳۳۳ دینارتخفیف رمضان

الباقــی ۱۴۶۶۶ دینار

قر .... ه — قر .... ه

عشقــی‌محلــه

شهرمحله‌که باقریهٔ نرادین مجمل نــوشته شده

ورسد هــریك مشخص نیست

قر .... ه

ماروستاق‌که نه‌تومان‌جمع‌و بعدازوضع رسد رمضان مبلغ ۸۲۵۰۰ دینار میشود

قــر .... ه

نوده واجیك که‌بشرح‌قریهٔ حاجی‌کلاته‌ایضاًدر تحت‌مواضع کمالا احمدا مجمل جمع است و حسب الاستدعاء عمــدةالسادات والنجبــاالعظام میرزا ابوطالب مزبور بشرح متن پروانچهٔ همیون در عوض قریهٔ کلامووکسرسیورغال مزبور مقرر شده‌که مساوی

مبلغ سی‌تومان آنچه از محال مذکورهٔ حاجی‌کلاته ایضاً کسر نمایند از نوده واجیك بازیافت نمایند

قر ــــــــــــــ ه   قر ــــــــــــــــــــــ ه

نــــوده   اجیــك که بــا سرکی‌مجمل نوشتــه شده

نتیجــ ه

[فرمان] مطاعه بتاریخ شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۰۴۱ مضمون آنکه چون از تصدیق مستوفیان عظام دیوان اعلی معلوم ومستفادشد کــه مبلغ چهارده تومان وچهــارهزاروهشتصددینار از جمله مبلغ ۹۸۵۱۱ دینار سیورغال مرحوم میرزا بیگ فندرسکی ازحشو تیولنامچهٔ خسروخــان حــاکم استراباد بصیغهٔ سیورغال اولاد وضع نموده تتمه‌را به‌تیول‌تیولدار عهده کرده است و در پروانچه که بتاریخ شهرشوال ۱۰۳۴ عزّاصدار یافته و برسرورق فرد تیولنامچه ثبت است قیداست که مبلغ مزبور حسب‌الرقم صرف در وجه سیورغال اولا مقرر شده و رقم مزبور در دست اولاد نیست که مشخص شود که بچه قید مقرر شده و بدستور قید است که چون ورثهٔ میرزا بیگ یکدیگر را بقتل رسانیده‌اند مبلغ مزبور را از قرار معمول برآورد نموده ......[1] و نسخهٔ بقــایا نموده‌اند و ورثهٔ مزبور بعضی‌محال را بتفصیل ضمن بقلم داده‌اند که وجه سیورغال‌را از محال مذکور بازیافت میکرده‌اند ودر تصرف ورثهٔ مزبوراست وجمع بعضی‌از آنمحال در دفترمشخص‌است‌و بعضی مشخص نیست و دراین وقت که ولدان میرزا بیگ مقتول شده‌اند و حکم امضا باسم سایر اولاد عزّاصدار نیافته تیولدار ولایت استراباد از آنمحــال که بسیورغال مقرر بوده ودخلی بتیولــداران استراباد نداشته بدستورمدخل ننمایند وآنچه محلی است که جمع آن مشخص است نزد ملاّك و رعایا موقوف دارند کــه اگر بسیورغال ورثه مقرر شود بدستور سنوات ازمحل خود بازیافت نمایند واگر بدیوان متعلق‌شود

۱ــ دوکلمه خوانده نشد .

مستوفیان بر آن محل حوالد دارند و آنچه محلی است که جمع آن بامحال دیگر مجملاً جمع است رسد محل بهمحل مشخص نمی‌شود وازقرارتقریرورثه تنخواه مبلغ‌مذکور شده اگر در جزوجمع آن بمبلغی که ورثه قبول نموده‌اند و تنخواه سیورغال وضع‌شده بوده باشد مدخل ننموده در عوض وجه تتمهٔ سیورغال گذاردکه بنوعی که مقـررشود بعهده‌آید واگر زیاد بوده باشد مساوی وجه تتمه موقوف داشته زیاده را خودبازیافت نمایند بهیچوجه‌من‌الوجوه‌درمحالی که درعوض‌مبلغ چهارده‌تومان وچهارهزاروسیصد دینار بموجب‌ضمن بسیورغال اولادبوده‌مدخل ننمایند واولادمرحوم میرزا بیگ بدرگاه جهان‌پناه‌آمده‌استدعاء حکم‌همایون درباب‌سیورغال‌مزبورنمودند بنابرشفقت‌ومرحمت دربارهٔ اولاد مزبور مبلغ چهارده تومان وچهارهزار وسیصددینار که ازحشو تیولنامچه بشرح فوق وضع است در تاریخ فوت والد بسیورغال اولاد سیادت و نجابت‌پناه میرزا صالح ولد میرزا بیگ واولاد میرزاشرف ومیـرزا طهماسب ولد میرزا بیگ مشارالیه عنایت فرموده ارزانی داشتیم مستوفیان عظام دیوان‌اعلی آنچه از بابت سنوات حواله نمـوده‌اند تا ورود حکم صرف براتداران از ایشان بوصول رسانیده باشند بمواجب آن جماعت حساب نمـوده عوض بصاحب سیورغال ندهند و [از] صاحب سیورغال نطلبند و آنچه براتدار تا ورود پروانچهٔ صرف بوصول نرسانیـده باشد از محل طلب نداشته راجع دانند و بدیوان آمده عوض بازیافت نماید کدخدایان و رعایاء محـال مذکورهٔ ضمن جماعت مذکور را صاحب سیورغال خود دانسته سال بسال مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی خودرا بدیشان جواب‌گویند وکلاء تیولدار در باب محلی که بامحال دیگر مجملاً جمع است [و] جمع هریك ازدفتر مشخص نمیشود و از قرار تقریر ورثه نوشته شده بموجبی که قبلزین حکم گذشته کـه اگر مساوی تتمهٔ سیورغال باشد مدخل ننمایند واگرزیاده باشد زیاده را خود متصرف شود با صاحبان سیورغال عهـده نموده بزوایـدمزاحمت بحال صاحبان سیورغـال نرسانیـده مدخل

درمحال‌سیورغال ننمایند براتداران محال‌سیورغال‌حسب‌المسطور مقرّر دانسته آنچه تا غایت از جملهٔ وجه برات خود وصول‌نموده باشند از جملهٔ طلب خود حساب نموده آنچه وصول نکرده باشند تن بدیوان آورده عوض بازیافت نمایند دراین باب قدغن دانسته ازفرموده تخلف نورزند هرساله حکم مجددطـلب ندارند و از جوانب برین جمله روند وتفصیل ضمن پروانچهٔ مزبور بنحوی‌است که‌درذیل پروانچهٔ فوق مشروحاً نوشته شده :

رایج خراسان چهارده تومان وچهارهزار وششصد دینار

رسد تخفیف رمضان‌عن‌رسد سال ۹۰۸۳ دینار

الباقی صدوسی وچهارهزار و نهصدوهیفده دینار

و وجوهات قریهٔ حاجی‌کلاته وغیره محال استراباد بتفصیل ضمن که سابقاً بسیورغال میرزا بیگ‌فندرسکی بوده و متوفی شده از تاریخ فوت او مبلغ‌مزبور با آنچه ازجمله مبلغ چهارده تومان وچهارهزاردینار[1] که از قرار حکم بتاریخ شهر محرم سنهٔ ۱۰۴۱ از بابت محال استراباد بتفصیل فوق بسیورغال میرزاصالح ولد میرزابیگ‌واولادمیرزا شرف‌ومیرزاطهماسب ولدان میرزا بیگ مزبورمقرر بوده رسد والد مرحوم مزبوربوده باشد بسیورغال ابدی واحسان‌سرمدی اولاد مزبور خصوصاًمیرزاابوطالب مزبورشفقت شد که آنچه بعلت ملکی درمحال مزبوره دخل داشته باشد ازبابت مالوجهات ملکی خود و تتمه را از سایر شرکا موافق معمول ومأخوذ بازیافت نمایند واز سرکار توجیه دیوان‌اعلی‌وسرخط‌تصدیق‌برصدورپروانچهٔ‌مزبورنموده‌اندسیادت‌وصدارت و نجابت‌پناه هدایت ونقابت وفضیلت‌دستگاه افادت و افاضت و حقانیت انتباه‌حقـایق و معارف‌آگاه

---

۱ ــ بالای مبلغ مذکور که با حروف نوشته شده است بعدد سیاق چهارده تومان و چهارهزار و ششصد دینار است و ظاهراً متن دستخوردگی دارد .

عالیجاه اسلام و اسلامیان ملاذ نظاماً للسیادة والصدارة والنجابة والهدایة والنقابة میرزامحمدباقر صدر خاصهٔ شریفه ونایب صدرممالك محروسه تجویز نموده که آنچه در وجه مرحوم میرزاابوطالب ازسیورغال مزبور مقرر ومستمر بوده باشد بسیورغال اولاد اوکه نمودند که منحصر درجماعت مزبوره ذیل‌اند هذا

شرفخان‌محمد	ابوصالح
اسمعیل	بیگ
عبدالعلی	ابوالعالم
ابراهیم	سیدعلی
جعفرسلطان	صنع‌الله
علی‌نقی	زین‌العابدین
مساماة	مساماة
فخرالنسا خانم	حامده خانم
مساماة	مساماة
حلیمه خانم	معصومه خانم

علی‌الوقوع مقرر شود بنابرین مبلغ سی‌تومان عراقی از بابت مالوجهات ووجوهات محال‌مزبوره ضمن باآنچه‌ازجمله‌مبلغ‌چهارده‌تومان‌وچهارهزاردینارخراسانی که‌بشرح

مسطورفوق بسیورغال اولاد میرزاصالح وغیره مقرر بوده رسد مرحوم مزبور بوده باشد از تاریخ فوت مرحوم مزبور بسیورغال ابدی واحسان‌سرمدی اولاد مشارالیه مقرر فرمودیم که بدستورسابق‌مساوی مبلغ سی‌تومان عراقی آنچه بعلت ملکی‌درمحالمزبوره داخل داشته باشند ازبابت مالوجهات ملکی خود وتتمه را ازسایرشرکای محال‌مزبوره سال بسال موافق معمول ومأخوذ باز یافت نمایند مستوفیان‌عظام رقم این عطیه را در بارهٔ اولاد مزبوره انعام مخلدبردوام دانسته در دفاتر خلود مثبت ومرقوم گردانیده از شوائب تغییر وتبدیل مصون ومحروس شناسند حکام وکلانتران وعمال ولایت استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته مطلقا در محال ملکی و سیورغال مزبور مدخل ننموده بعلت علفه وعلوفه وقنلغا و الام و الاغ و طرح و دست‌انداز و بیگارو شکارواخراجات حکمی وغیرحکمی مزاحمت بحال‌گماشته ورعایاء محال ملکی وسیورغالی مشارالیه نرسانیده قلم وقدم کوتاه و کشیده دارند ودرین‌باب قدغن دانسته از مضمون و مدلول حکم‌مطاع تخلف ننمایند و هرساله حکم مجدد نطلبند وچون پروانچه بمهرمهرآثار اشرف ارفع اقدس‌اعلی مزین ومحلّی‌گردد اعتباروعتماد نمایند و درعهده شناسند .

تحریراً فی‌شهرذی‌حجه سنه ۱۱۱۷ .

۳۸

سواد حکم شاه سلطان‌حسین (۱۱۳۵ ــ ۱۱۰۵) در برقراری سیورغالات سادات را در وجه اولاد ایشان و مسلم شناختن ایشان از رسد سنوات والحال.

[جای مهر شاه سلطان‌حسین]

حکم جهانمطاع شد آنکه ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت‌دستگاه عالیجاه امیرالامراءالعظام بنده‌زادهٔ دیرین آستان امامت‌نشان شجاعاً للأیالة والشوکة والجلالة والحشمة والاقبال رستم محمدخان سعدلو بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد و حاکم رانکوه بشفقت شاهانه سرافرازگشته بدانند که عریضهٔ که درینوقت بدرگاه جهان‌پناه فرستاده عرض نموده بود که قبل ازین حسب‌الرقم اشرف مقرر شده بود که آنعالیجاه سیورغال سادات دارالمؤمنین مزبور را که وارث مستحق داشته باشند برقرار دانسته اسم باسم مشخص و عرضنماید که امضای اشرف بگذرد وجمعی‌که ازاستحقاق بیرون رفته سیورغال ایشان ازاستمرار افتاده باشد بدستورعرضنمایدکه ضبط شود وازقراری که آنعالیجـاه تحقیق احوال سادات صاحب‌سیورغال الکای مزبـور را نموده همگی مستحق وپریشان و مستهلکند و در میان ایشان غیر مستحق‌که سیورغال او ازاستمرار افتاده باشد نیست و بنابرعدم استطاعت قادر برگذرانیدن امضا نیستند واستدعا نموده بودکه سیورغال ایشان ممضی‌گردد بنظرآفتاب‌اثـررسید آنعالیجاه سیورغالات‌جماعت مزبوره را ممضی دانسته من‌بعد بدانعلت اعم از آنکه رسدسنوات والحال باشد چیزی مطالبه وبازیافت ننماید مستوفیان‌عظام حسب‌المسطور مقرر وسیورغالات معروضه را در وجه وراث صاحبان سیورغال برقرار و ممضی دانسته محتاج بگذرانیـدن هریك امضای علیحده ندانند و در عهده شناسند.

تحریراً فی‌شهر شوال ۱۱۲۳.

۳۹

سواد فرمان‌شاه‌سلطان‌حسین(۱۱۳۵-۱۱۰۵) برای‌ملاعبدالخالق و باقی ورثهٔ شیخ‌عبدالمؤمن استرابادی که بیگلر بیگی استراباد وجه سیورغال ایشان را بقرار دیناری یك دینار بازیافت نمایند.

......[1]

شاه سلطان محمدبرّدالله مضجعه

[جای مهر شاه سلطان‌حسین]

فرمان همیون شد آنکه چون درینوقت فضیلت‌پناه ملاعبدالخالق و باقی ورثهٔ شیخ عبدالمؤمن استرابادی بعرض رسانیدندکه قریهٔ جلاین وغیره من‌اعمال دارالمؤمنین مزبور ملك مشارالیهم و سایر جماعت و مالوجهات آنها سابقاً بدستور اجدادبسیورغال اولاد امیر مفضّل و غیره استرابادی مقرر بوده وهرساله ازقرار معمول‌جزوسیورغالات الکاء مزبور بقرار دیناری دینار مهمسازی ایشان نموده‌اند و قبل ازین سیادت‌پناه میرزا ابراهیم و غیره اولاد ایشان در لباس عرض ورقم اشرف حاصل نموده‌اندکه وجه سیورغال را بدستورمحال تیول بقرار دیناری سه دینار بازیافت نمایند واز آنقرار دو سه سال وجه سیورغال را بعنف و تعدی بقرار دیناری سه دینار بازیافت نموده وبعد از آن رقم اشرف دیگر بدستور در لباس‌گذرانیده‌اند که‌چون اقوام‌ایشان املاك در استراباد دارند عالیجاه بیگلربیگی وجه سیورغال مزبور راضبط وعوض‌از مالوجهات املاك مزبور تنخواه دهد وبدانجهت عالیجاه‌بیگلربیگی هرساله‌مالوجهات محال سیورغال مزبور را موافق عملکردتیول‌بقرار دیناری سه‌دینارمطالبه‌می‌نماید و

۱ـ چندین کلمه محوشده است وقابل خواندن‌نیست .

استدعا نموده که حکم‌اشرف صادر و مقرر گردد که تبدیل مزبور منظور نبوده صاحبان سیورغال وجه سیورغال خود را از محلی‌که در وجه ایشان مقرر است موافق معمول‌و دستور جزوکل سیورغالات الکاء استراباد بقرار دیناری دینار بازیافت‌نموده مستند بارقامی‌که در لباس در باب دیناری سه دینار و تبدیل محال مزبوره گذرانیده‌اند نگردند و از سررشتهٔ ارقام نوشته‌اندکه درباب بازیافت سیورغال مزبور بقرار دیناری سه‌دینار و تبدیل آن با سایرمحال برینموجب ارقام بشرح رقم اشرف بتاریخ شهر جمادی‌الثانیه سنهٔ ۱۱۱۹ آنکه چون درینوقت میرزا محمدابراهیم المفضل الحسینی...[1] نایب‌الخدمه نواب‌کامیاب‌همایون ما بعرض‌رسانیدکه مبلغ ....[2] از بابت مالوجهات محال دارالمؤمنین استراباد سیورغال مشارالیه و سایر اولاد امیر مفضل و امیر جلال‌الدین ابناء امیرعلی‌مفضل متولی جداعلای ایشان مقرر است و بموجب پروانچهٔ امضای فرمان‌نواب خاقان طوبی‌آشیان قدسیمکان :. مقرر شدکه مال و حقوق دیوانی محال سیورغال را رعایاء محال مذکوره تسلیم ایشان نمایند و موافق معمول دیوان بایدکه دیناری سه دینار مهمسازی نمایند و مشارالیه قبل‌ازین‌مراتب‌معروضه را عرض و مقررشدکه از تاریخ پروانچهٔ امضا موافق عملکرد جزو مهمسازی‌نمایندو رسومات عملکرد جزونامشخص وباقی‌سنوات ملغی میشود وبازیافت‌آن باعث بددعایی است و استدعا نمودکه صریح مقرر گرددکه از تاریخ صدور رقمی‌که در باب عملکرد جزو شرف صدور یافته ومن‌بعد هرساله وجه سیورغال ایشان‌را موافق عملکرد دیوان بقرار دیناری سه دینار مهمسازی نموده موقوف‌ندارند ووجه تفاوت سنوات قبل‌ازرقم مزبور بجهت تحصیل دعای خیر بتخفیف مقرر گردد بنابرشفقت شاهانه و عنایت پادشاهانه در بارهٔ سیادت و نجابت‌پناه مشارالیه و سایر اولاد مرحوم مذکور و حقوق خدمات آبا واجداد او مقرر فرمودیم که رعایا ومتصرفین محال سیورغال وجه

۱ــ یك‌کلمه خوانده نشد . ۲ــ بەسیاق : نه‌تومان‌و چهارهزارو ششصد دینار .

سیورغال ایشان را از تاریخ صدور رقم عملکرد جزو ومن بعد هرساله از قراردیناری سه دینار موافق معمول دیوان مهمسازی مشارالیهم نموده موقوف ندارند ووجه‌تفاوت سنوات قبل از رقم مزبور رابتخفیف وتصدق مقرر دانند عالیجاه بیگلربیگی‌و تیولداران الکاء مذکورحسب‌المسطور مقرر وحکم سیورغال مزبور رابامضای‌همایون ممضی دانسته در هر باب بشرح ارقام و احکام سابق ایشان عمل نموده اصلاً ومطلقاً دخل در محال سیورغال مشارالیهم ننموده و بعلت علفه و علوفه و سایر اخراجات و عوارضات بهراسم و رسم‌که بوده باشد مزاحمت باحوال رعایاء محال مزبوره نرسانند در جمیع ابواب آنچه لازمهٔ امداد و اعانت بوده و اولاد مشارالیهم را درباب بازیافت وجه‌سیورغال ضرور و درکارباشدبعمل‌آورده مسامحه ننمایند واعزاز واحترام‌وتوقیر و اکرام ایشان را بجای آورده شکوه وشکایت‌ایشان را مؤثردانند رعایای‌محال‌سیورغال حسب‌المسطور مقرر و شرح ارقام سیورغال و تفصیل ضمن‌آنها را ممضی دانسته سال بسال وجه سیورغال‌را از قرار معمول دیوان دیناری سه دینار واصل ایشان نمایند و درین‌باب قدغن دانسته هرساله رقم مجدد طلب ندارند مستوفیان عظام‌کرام‌دیوان‌اعلی بنهج مقرر در دفاتر خلود عمل نمایند رقم بتاریخ‌شهر رمضان سنهٔ ۱۱۲۱ آنکه‌چون درینوقت‌اولاد مرحومی‌میرمفضل و میرجلال‌الدین‌نوادهای مرحوم میرعلی‌مفضل‌متولی آستانهٔ مقدسهٔ متبرکهٔ سدره مرتبهٔ عرش درجه بعرض رسانیدندکه‌حسب‌الارقام واحکام مطاعه مبلغ نه‌تومان[1] از بابت مالوجهات محال دارالمؤمنین استراباد بسیورغال اولاد ایشان مقرر و مستمر وبرقرار است وارقام‌و احکام مزبوره بامضای اشرف رسیده ومقرر شدکه بقرار معمول دیوان هرساله مهمسازی نمایند و ایشان در مشهدمقدس معلی سکنی و اقوام‌ایشان در استراباد املاك دارند و استدعا نمودند که بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی استراباد مقررگرددکه آنچه از سیورغال ایشان از مالوجهات املاك و

۱ــ این مبلغ به‌سیاق نوشته شده است .

رقبات ایشان واقوام ایشان مقرر نباشد وازسایر محال مهمسازی مینموده باشند آنرا ضبط و مساوی آن عوض از مالوجهات املاك ورقبات اقوام ایشان ننموده...[1] نگذارد که احدی دخل درمحال سیورغال ایشان نماید بنابرین مقرر فرمودیم که عالیجاه بیگلر بیگی دارالمؤمنین استراباد آنچه از وجه سیورغال مزبور ازغیر املاك و رقبات اقوام ایشان مقرر باشد بنهج استدعا آن را ضبط و مساوی آن عوض از املاك ورقبات ایشان مهمسازی نماید که بازیافت وصرف معیشت خود نموده مرفه الحال بدعاگوئی دوام دولت بی‌زوال اشتغال نمایند و بنجهی که حسب‌الارقام مقرر است در محال سیورغال ایشان بهیچوجه دخل ننموده نگذارد که احدی نیز مدخل درآنها نموده مزاحمت برسانند و دراین باب قدغن دانسته در عهده شناسند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و تاریخی که در تحت هر یك تعیین شد عزّ صدور یافته و از سرکار اوارجهٔ خراسان و توجیه وتمیز خط تصدیق نمودند که مبلغ ده تومان و سه هزار و دویست دینار از بابت مالوجهات قریهٔ جلاین وغیره محال دارالمؤمنین استراباد عن قدیمی زمان جنت‌مکان وجدیدی زمان نواب سکندرشأن سیورغال امیرعلی مفضل و امیر جلال‌الدین استرابادی مقرر بوده و بعد ازآن ازقرار پروانچهٔ امضا اشرف که بتاریخ شهر جمادالاولی سنهٔ ۱۱۱۴ صادرشده برینموجب بعد از وضع نه تومان وچهار هزار دینار

قدیم	جدید				
	قریه	قریه	قریه	قریه	قریه
از بابت قریهٔ تومل	نرساباد	کلو	تومل	علیاباد	آدم محله
۱۸۳۳۳ دینار	۲۸۹۵ دینار	۱۳۷۵۰ دینار	۱۸۳۳ دینار	۵۲۲۵ دینار	۲۷۵۰ دینار

۱ــ یك کلمه محو شده و نمی‌توان خواند.

قريه

جلاين

هفت‌تومان وپنج‌هزار وهشتصد و سی‌دینار

دوازده يك كه بتخفيف مقرر شده در وجه اولاد ایشان مقرر گردیده و مستمراست و قبل از اینکه محمدشریف وحاجی شیخ عبدالمؤمن استرابادی مالکان قریهٔ جلایـن عرض نموده بودند كه‌مبلغی از بابت مالوجهات قریهٔ مزبوره وغيره استرابادبسیورغال اولاد امیرمفضل مقرراست و وجه سیورغال را لغایت پنج شش سال قبل ازیـن بدستور سایرصاحبان سیورغالات‌استرابادديناری‌یك‌دینار بازیافت نموده قبوض داده‌بودند ودر سنهٔ ایت‌ئیل که‌رایات جاه‌وجلال وارد مشهد مقدس معلی‌گردیده بود سیادت‌پناه میرزا ابراهیم درلباس عرض‌و رقم اشرف حاصل نموده که وجه مزبوره را از قراربـرآورد بقرار دیناری سه دینار بازیافت نماید وبدانجهت از آن تاریخ تاحال بعنف و تعدی بقرار دیناری سه دینار بازیافت نموده و درباب دستور عملکـرد جـزو سیورغالات استراباد بقرار دیناری دینار مجله ممهور بمهرجمعی‌از معتمرین ابراز واستدعاءحکم اشرف‌نموده بودند بعداز عرض حـقیقت دفتری و تصدیق عالـیجاه مستوفـی‌الممالك بالارث والاستحقاق‌که نوشته بودکه محضری‌که عارضون مزبوره درست‌نموده دردست دارند که هرساله وجه سیورغـال را از قرار دیناری یـکدینار مهمسازی مینموده‌اند ممهور بمهر جماعت معروف ومناط اعتبار است و میبایدکه صاحبان سیورغال‌از قرار عملکردجزوکه‌دیناری‌دیناراست‌بازیافت‌نمایند پروانچهٔ‌اشرف بتاریخ شهرربیع‌الاولی سنهٔ ۱۱۲۷ صادرگشته که چون‌از دفترصریحاً‌تصدیق‌نموده‌اندکه ازقدیم‌الایام‌الی‌الآن دستور سیورغالات دارالمؤمنین مذکور دیناری دیناربوده وهیچیك‌از ارباب‌سیورغال آنجا زیاده برین عمل ننموده‌اند درین صورت اگر میرزا ابراهیم مشارالیه درین‌باب رقمی بخلاف این‌معنی حاصل نموده باشد لباس خواهدبود مقرر فرمودیم‌که مشارالیه

ازدستور و معمول قدیم تجاوز ننموده دیناری زیاده از آنچه حسب‌الاحکام مطاعهٔ لازم‌الاطاعه مقرر است طلب ننماید و برقم لباس که دربنباب حاصل نموده باشد مستند نگردد و آنچه دربن‌سنوات گرفته باشد به سنوات بعد حساب نماید بعهدهٔ عالیجاه بیگلر بیگی الکاء مزبور که درین باب امداد حسابی بتقدیم رساند و چنانچه مقدمه بنحو دیگر بوده باشد حقیقت عرض نماید و عالیجاه مستوفی‌الممالك بالارث والاستحقاق تصدیق نموده که عملکرد سیورغال مزبور موافق آنچه درپروانچهٔ اشرف صادره بتاریخ شهرربیع‌الاولی‌سنهٔ ۱۱۲۷ تشخیص یافته دیناری یکدینار بوده وهستو رقمی که درباب تبدیل آن با محال ملکی اقوام که بتیول عالیجاه بیگلر بیگی مقرر است حاصل نموده‌اند محض تدلیس است که وجه سیورغال خود را از محال تیول بیگلر بیگی که عملکرد جزو آن دیناری سه دینار است بازیافت نموده بیگلر بیگی نیزوجه تیول خود را از محال سیورغال ایشان دیناری سه دینار نگیرد واین معنی باعث ظلم و زیادتی بر ملاك و رعایاست هرگاه مقرر شود که عالیجاه بیگلر بیگی استراباد تبدیل مزبور را منظور نداشته وجه تیول خود را ازمحالی که سابقاًمیگرفته بازیافت نماید وقریهٔ جلاین‌وغیره بدستور سنوات بسیورغال معمول باشد که از باب سیورغال از قرار عملکرد جزو بقرار دیناری یکدینار بازیافت نموده زیادتی‌واقع نگردد مقرون بحساب و موجب تحصیل دعای‌خیر خواهد بود بنابرین چون ارقامی که ورثهٔ میرمفضل و غیره مذکور در باب دیناری سه دینار و تبدیل محال سیورغال مزبور بامحال تیول عالیجاه بیگلر بیگی‌صادر گردانیده‌اند بدون‌کیفیت‌دفتری بوده و خلافحساب [و] محض تدلیس است بشرحی که عالیجاه مستوفی‌الممالك بالارث والاستحقاق تصدیق نموده مقرر فرمودیم‌که عالیجاه‌بیگلر بیگی دارالمؤمنین مذکور تبدیل مزبور را منظور نداشته وجه تیول خود را ازمحلی‌که تیول‌بیگلر بیگیان‌مقرر است بازیافت و محال سیورغال را بدستور سابق بصاحب سیورغال گذارد که از قرار

عملکردی که قبل از این درپروانچهٔ اشرف مشخص گردیده بقرار دیناری یکدینار سال بسال گرفته زیادتی ننمایند و چنانچه تعلیقی و رقم نقیضی من بعد میرزا ابراهیم مزبور و غیره صاحبان سیورغال صادر گردانند مستوفیان عظام‌معمول و منظور ندارند و در عهده شناسند .

تحریراً شعبان‌المعظم‌سنه ۱۱۲۸ .[۱]

٤٠

نامه‌ای که شاه‌طهماسب‌ثانی (۱۱۴۴ - ۱۱۳۵) در جواب عریضهٔ میرسید مفید موسوی استرابادی نوشته و خبر وصول کتاب اعتقادات ابن‌بابویه را داده است .

[جای مهرشاه طهماسب ثانی][۲]

سیادت وافادت‌پناه افاضت و کمالات‌دستگاه نظاماً للسیادة و الافاضه میر سید مفیدالموسوی استرابادی بمراحم‌خدیوانه ومکارم خسروانه مستبشر ومستمال بوده بدانند که عریضهٔ که درین وقت بدربار عظمت‌مدار سلطانی ارسال نموده بایك جلد کتاب اعتقادات مرحوم شیخ‌ابن‌بابویه راکه جهت نواب‌همایون ما فرستاده بود در محلی که رایات فیروزی‌آیات حرکت‌بجانب عراق می‌نمود بنظر آفتاب‌اثر رسید چون دعای سادات عظام وعلمای اعلام جهت نگونساری اعلام مخاصمان نکبت‌فرجام ضرورولازم است می‌بایدکه نواب همایون مارا درمظان استجابت دعا ازدعای خیرفراموش‌نساخته فتح‌ونصرت کارکنان این دولت ابدمدت وقلع‌وقمع مخاصمان و اعادی این سلطنت را

۱ ــ در ذیل سواد تاریخ ۱۱۱۸ بود . از آنجاکه در متن اشاره بهاسنادی می‌کندکه میان سالهای ۱۱۱۹الی۱۱۲۷نوشته شده‌اند ، این تاریخ رابه سال ۱۱۲۸ تبدیل‌کردیم .
۲ ــ مهرچهارگوشهٔ شاه طهماسب باسجع : « بندهٔ شاه ولایت طهماسب ۱۱۳۷ » ودر کلاهك بالای آن : « بسم‌الله » . اطراف مهر حاشیه‌ای سیاه و بالای کلاهك‌تزیین‌است .

از درگاه قادر لایزال سایل بوده مطالب و مدعیاتی که داشته باشد بعرض عاکفان سدهٔ والا رساند و بتوجهات پادشاهانه مستوثق ومستمال باشد

۴۱

حکم شاه طهماسب ثانی (۱۱۴۴ - ۱۱۳۵) برای میرزاسیدمفید استرابادی که عساکر منصوره و غازیان و صوفیان را برای حرکت به عراق ترغیب و تحریض کند.

الله تعالی

الهی جل شأنه

ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین

[جای مهر شاه طهماسب ثانی][1]

حکم جهانمطاع شد آنکه سیادت و نجابت پناه هدایت و نقابت دستگاه نظاماً للسیادة والنجابةوالهدایةوالنقابه میرزا سیدمفید ساکن استراباد بشفقت موفور شاهانه ومرحمت غیرمحصور پادشاهانه سرافراز گشته بداند که درینوقت که از فضل جناب اقدس ∴ و امدادبواطن قدسیهٔ حضرات ∴ عبدالله پاشای حاکم وان را که باچهل پنجاه هزار رومی برسر دارالسلطنهٔ تبریز آمده بود شکستهای فاحش داده تنبیه و گوشمال فرمودیم عازم عراق گردیده ایم که ان شاء ∴ اعادی آنحدود را نیز بتوفیقات شامله ∴ بجزای خود رسانیده دفع ورفع فرمائیم وان شاء ∴ عنقریب ساحت ولایت عراق مضرب خیام عساکر نصرت‌فرجام خواهد شد و ایالت وشوکت پناه حشمت وجلالت دستگاه عالیجاه مقرب الخاقانی

---

۱ ـ مهر چهارگوشهٔ شاه طهماسب ثانی باسجع : « بندهٔ شاه ولایت طهماسب ثانی ۱۱۳۷ » وسطر اول بالای سجع مهر : « الرحمن الرحیم » ودرکلاهك بالای مهر « بسم الله » حك شده است.

غلامزادهٔ قدیمی ما فخر الایالةوالشوکةوالجلالةوالحشمة والاقبال احمدخان تفنگچی آقاسی ونایب قوللر آقاسیو حاکم رانکوه وتنکابن را روانهٔ الکایاستراباد وآنحدود فرمودیم که عالیجاه بیگلر بیگی الکاء مزبور را با عساکرمنصوره وغازیانوصوفیان و اخلاص کیشان این دودمان ولایت نشان سکنهٔ آنولایت برداشته در عـراق بموکب همایون حاضر سازد که در راه دینو دولت خدمت و جانفشانی نموده هریك فراخور حال ومرتبه مورد نـوازشات خدیوانه و اصطناعات بیدریغ خسروانه گردند می باید آن سیادت و نجابت‌پناه که از زمرهٔ مخلصان و دعاگویـان این دودمـان ولایت‌نشان است در ترغیب و تحریض غازیانو صوفیان ومردم آنولایت و جمعیت وآمدن باتفاق عالیجـاه مشارالیه برکاب ظفرانتساب جهة دفعورفع اعادی دینمبین لـوازم اهتمام بعمل آورده ایشانرا سرگرم دفع مخالفین سازد و آنچه لازمهٔ جدوجهد است دریـن باب بتقدیم رسانیده حسن سعی خود را ظاهر سازد و بتـوجهات پادشاهانه مستظهر و امیدوار بوده باشد .

تحریرا فی‌شهر صفرالمظفرسنه ۱۱۳۷ .

۴۲

حکم شاه طهماسب ثانی (۱۱۴۴ ـ ۱۱۳۵) برای عمال و داروغگان و کدخدایان استراباد که شهسوار و محمدکاظم و باقی اولاد درویش‌حسین و درویش‌الله‌داد که خدمهٔ امامزاده‌عبداله هستند بعلت اخراجات بخلاف حکم و حساب طلب و توقعی از ایشان ننمایند .

امامزاده عبدالله علیه وآبائه‌السلم

شاه عباس‌الثانی خلدالله فی‌الخلدمقامه

جدبزرگوارم طاب‌ثراه

شاه بابا ام ایده‌الله‌تعالی بلطفه‌الخفیه

[جای مهر شاه طهماسب ثانی][1]

حکم‌جهان مطاع‌شد آنکه‌چون درینوقت شهسوار و محمدکاظم‌و باقی‌اولاد درویش حسین ودرویش الله‌داد رقاب پروانجات زمان نواب خاقان خلدآشیان طوبی‌مکان ∴ و صاحبقرانی ∴و رقم‌نواب کامیاب مالك رقاب سپهرر کاب ∴ که بتاریخ سنهٔ۱۱۱۶ صادر شده ابراز خلاصه مضمون آنکه چون درویش حسین ودرویش‌الله‌دادبعرض رسانیدند که بدستور قدیم‌بامر خدمت جاروب‌کشی آستانهٔ منورهٔمتبرکهٔ امامزادهٔ‌واجب‌التعظیم ∴ واقعه در قریهٔ خواسترود دارالمؤمنین استراباد قیام و اقدام می‌نمایند و عمال و داروغگان وکدخدایان آنولایت درجزو مطالبات و شلتاقات وتکالیف خلاف‌حکم‌و حساب بایشان مینمایند وقلیلی اراضی ونیم‌سنگ آب وقفی‌آستانهٔ مزبوره را که از

۱ـ مهر چهارگوشهٔ کوچك کلاهك‌دار شاه‌طهماسب در کلاهك : « بسم‌الله » و در قسمت مربع : « بندهٔ شاه‌ولایت طهماسب ۱۱۳۷ » .

قدیم‌الایام بسرکار آستانهٔ مقدسهٔ مزبوره متعلق است جمعی بخلاف حساب تصرف و دخل‌مینمایند و متعرض‌احوال خدمه وعملهٔ آستانهٔ مزبوره می‌شوند ومزاحمت خلاف حکم وحساب میرسانند واستدعای صدور رقم امضای همایون ما نمودند بنابرین پروانجات مطاعه را من‌اوله‌الی‌آخره دربارهٔ ایشان بامضای همایون ممضی ومنفذ و مقرر فرمودیم که حکام‌و عمال و داروغگان و کدخدایان‌آنولایت اصلاً و مطلقاً بخلاف حکم و حساب پیرامون اراضی وآب وقف آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران وجاروب‌کشان آنجا نرسانند وبعلت اخراجات خلاف حکم وحساب و عوارضات ممنوعه خصوصاً علفه و علوفه و شکار و بیگار و طرح و دست‌انداز و سرشمار و خانه‌شمار غیرحکمی‌و دیوانی وسایر تکالیف مسدوةالابواب بهراسم‌و رسم که بوده باشد طلب و توقعی از ایشان ننمایند و رعایت و مراقبت احوال مجاوران آستانهٔ مزبوره را لازم شمرند بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد که امداد حسابی بمجاوران مزبورین بتقدیم رساند و نوعی نماید که مرفه‌الحال و فارغ‌البال در آستانهٔ مزبوره بدعاگوئی دوام دولت روزافزون قیام نمایندو درین‌باب اهتمام تمام لازم دانند و هرساله رقم مجدد طلب ندارند ودرعهده‌شناسند مقرر آنکه از عهدهٔ هریك بیرون آیند .

تحریراً فی‌شهر محرم‌الحرام سنه ۱۱۳۸ .

۴۳

عرضه داشت میر محمدمفید موسوی استرابادی به‌درگـاه شاه طهماسب ثانی (۱۱۴۴ـ۱۱۳۵) که وظیفه و سیورغال قدیمی که قطع کرده‌اند دوباره برای‌او و برادرزاده‌هایش برقرار دارند.[۱]

صاحب‌الامر علیه‌السلام[۲]

عرضه داشت داعی دوام دولت قاهره بذروۀ عرض ایستادگان پایۀ سریر اعلی‌میرساند که این بنده محمد مفیدالموسوی الاسترابادی مراسم عبودیت و فدویت دعـای بقای عمر و دولت لایزال و خلود سلطنت ابداتصال را وظیفۀ دایمی وراتبۀ شبانروزی خود ساخته درگاه و بیگاه علو پایه‌تخت فیروزبخت سلطانی وقوام قـوایم سریر معدلت‌ـ نصیر خاقانی را از درگاه سبحانی مستدعـی است امید که ایام جهانبانی و جهانداری بظهور حضرت ∴ متصل و اعـادی دین و دولت ابد قرین همواره مخذول و مستأصل بوده سایۀ مرحمت آن قبلۀ جهـانیـان از فرق فرق عبـاد به تخصیص ایـن بلاد کم نگردد بحرمةالنبـی والوصی چون براین ذرۀ ضعیف کـه پیوستـه بعـد از فضل و مرحمت‌ربـانی از تابش انـوار آفتـاب مهر و عنـایت ولینعمت حقیقی ظلمت‌زدای تیره‌روزیهـای ایام زندگیست عرض بعضی امورکه مستلزم حصول دعـای خیر بجهت ذات اقدس بوده باشد لازم میبـاشد لهذا قدم بربساط جرأت گذاشته بعرض اینمطلب جسارت مینمایـد که بعضی از سادات و عجزۀ دارالمؤمنین استراباد از قـدیم‌الایـام حسب‌الاحکام مطاعۀ سلاطین جنت‌مکین که بامضاء همایون رسیده و بموجب ارقـام مبارک قبلۀحقیقی بقلیلی ازوجوهات‌اینجا مؤظف وصاحب‌سیورغال بوده‌اند ازآنجمله

۱ــ در نوشتن‌عرضه‌داشتها رسم‌چنین است کـه یك سوم بالای‌آن راسفید می‌گذارندتـا دستورات لازم به‌وسیلۀ مسؤولان امرنوشته و امضاشود . ۲ــ این‌عبارات بربالای‌عرضه‌ـ داشت طرف راست نوشته شده است و فاصلۀآن بامتن درحدود یك‌سوم درازای‌کاغذ است .

این بندهٔ حقیر و برادرزادهای کمترین‌اند که حال سیورغال مزبوره مجدداً قطع و با وظایف بضبط مقررشده ومدارگزار اکثری از سادات منحصر بهمین قلیل وظیفه و سیورغال و آنجماعت اباًعنجد راتبه‌دار خوان نوال این دودمان مروت‌نشان وبندهٔ دعاگوی قبلهٔ عالمیان و قطع آنها باعث ناامیدی وحرمان و استمرارآنها موجب‌دعای خیر است هرگاه بتصدق فرق فرقدانسای اشرف رقم برقراری وظایف و سیورغالات عموماً شرف صدور یابد باعث مزید دعاگوئی و امیدواری اهل این ولایت‌است دیگر امر از قبلهٔ حقیقی است .

[برقسمت بالای عرضه‌داشت ، رقم دیوان ، با خطی که کرسی‌آن باکرسی نوشتهٔ متن چهل و پنج درجه اختلاف دارد چنین‌آمده است :]

حسب‌الامر الاعلی‌آنچه بهرجهت‌بصیغهٔ سیورغال و وظیفه و مددمعاش قدیمی‌وجدیدی حسب‌الارقام و احکام مطاع لازم‌الاطاعه در وجه سلالةالسادات والنجباء العظام علامی فهامی میر سید مفید و اولاد و برادرزادهای مشارالیه مقرر است کماکان در وجه ایشان مقرر و برقرارگردیدکه قطع دربارهٔ ایشان منظور نباشد گماشتهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد ومحصلان ضبطوظایف وغیره حسب‌المسطور مقرر دانسته بهیچوجه من‌الوجوه دخل در محال سیورغالات مدد معاش و وظایف محلی قدیمی و جدیدی مشارالیهم ننموده قدم و قلم کوتاه وکشیده دارند و دربنباب اهتمام تمام دانسته در عهده شناسند باسناد نقیضه مستند نگردند .

تحریراً فی‌شهر محرم‌الحرام سنه ۱۱۴۰.

[جای مهر][1]

۱ــ مهر بیضی باسجع : «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» به‌خط ثلث ودرسمت راست‌آن بالای میم «رحیم»سنهٔ ۱۱۳۹ خوانده می‌شود .

۴۴

حکم شاه طهماسب دوم (۱۱۴۴ ـ ۱۱۳۵) برای غازیان قاجار استراباد و شماتت و سرزنش ایشان بدان سبب که خود را از لباس سپاهیگری عاری ساخته‌اند.

[جای مهر شاه طهماسب دوم][1]

الله تعالی

حکم جهانمطاع شد آنکه غازیان قاجار استراباد بهمهٔ ابواب بتوجهات خاطر خطیر خاقانی امیدوار بوده بدانندکه عریضهٔ که درباب احوالات آنحدود واخلاصمندی خود بدرگاه جهان‌پناه فرستاده بودند بنظر آفتاب‌اثر رسید و مضامین آن معلوم رای جهان آرا گردید سلوك آن غازیان و افعال ایشان منافی روّیهٔ اخلاصمندی است درینمدتی که نواب همایون ما متوجه احوال ایشان شدیم و ایشانرا برتمامی ایلات رجحان دادیم منظور آن بود که باعانت‌الهی و حسن سعی و اهتمام و نیکو خدمتی و خادمی ایشان همت والانهمت را بمحافظت و انتظام مملکت ودفع مخالفین مصروف فرمائیم که وسعتی درمملکت بهمرسیده باعث رفاه خلق‌الله وآرامش عبادالله و عجزه و مساکین‌و استحکام مبانی‌دین مبین شود ایشان بی‌حمیتی‌و بی‌غیرتی‌را شعار خودساخته نتوانستند که بقدرپنجشش ماه درركاب ظفرانتساب بوده خدمت نمایند جمعی به جمعیت مال و منال و تجارت و بعضی به سرانجام اسباب خودآرایی و نخوت و برخی بتحصیل آب و ملك ومواضع زراعت و فوجی بگاوچرانی و جمعی بشبانی‌مشغول‌شده خود را از لباس سپاهیگری عاری ساخته مدار بکاسبی و رعیتی قرارداده‌اند وهریك

---

۱ ـ مهر مربع کوچك‌شاه طهماسب دوم باسجع: «بندهٔ شاه ولایت طهماسب ۱۱۳۹» و درکلاهك بالای آن: «بسم‌الله».

بتقریبی اوقات خودرا صرف شغلهای پوچ مینمایند چه‌گونه بخود گوارا کرده‌اند که نواب همایون مارا در خراسان گذاشته خود رفته در خانهای‌خودبصحبت زنان وعیش اوقات‌گذرانند و هرچند روز عریضه نوشته باردوی معلّی میفرستندکه‌مضامین آن‌سراپا اظهار اخلاص و بندگیست که هیچیك مبنی براصل نیست و همه محض حیله وخدعه است و حاکمی که بآنولایت تعیین نموده میفرستیم با او در مقام عدم اطاعت بوده هیچکدام از حکام را تمکینی‌نمیدهند و بهیچ‌چیز راضی نمیشوند ازمگس ضعیف‌تر حیوانی نمیباشد خانه وآشیانی که جهة خود بنا میکنند که در آنجا عسل ترتیب دهند هرگاه از خارج مگس بیگانه خواهدکه داخل آن شود جهة دفع او جمعیت نموده بزرگ خود را آگاه و در خدمت اوکوشش ودفع‌غیر مینمایند امروز کاربراهل ایران تنگ‌شده و روزبروز از اطراف دشمنان قوی‌گردیده خداناخواسته شرّ اعادی بربقیه‌که مانده سرایت خواهد نمود وبالمآل ازتغافل وکناره‌گردی مثل اهل اصفهان مال‌وحال همگی بتاراج حوادث رفته جمعیت ایشان پراکنده شده خداناخواسته‌باعث آن میشود که عصمت ایشان نیز باسیری افتاده جان‌هم در معرض تلف باشد چرا مآل کار خود را ملاحظه نمینمایندتا چند درمقام تغافل میباشند دربنمدت باقرب ایشان بدشمن‌که فاصلهٔ‌آن‌یکمنزل هم نیست باوجود آنکه‌از ملاعین‌مخالفین‌مکرر بفیروز- کوه وسمنان وبلکه نزدیکتر آمده مال‌واسیرو غنیمت مسلمانان‌را برده‌اند ایشان‌مطلق استمدادی بعجزه و مساکین نکرده بازبعضی از رعایا بخود هموار نکرده تعاقب آنجماعت بیعاقبت نموده مال واسیر خود را برگردانیده‌اند با وجود اینمراتب باز از اخلاصمندی و غیرت‌و حمیت دم میزنند مقام حیرت‌و تعجب‌است‌که سپاه‌جنیبتی‌درآن حدود بوده اینهمه تعدیات دشمن را برأی‌العین ملاحظه نموده ساکت باشند و این مشخص است که قرنها است‌که تمامی اهل ایران راچشم در خوان احسان سلسلهٔ علیهٔ عالیهٔ صفویه بوده است خصوصاً غازیان قاجار را که در مدت سلطنت این سلسلهٔ علیه

چشم امید برخوان غیر ندوخته گمان آن نیست که خدمتگذاری‌غیر را برخودگوارا نموده باشند در اینصورت شیوهٔ اخلاصمندی آن نبود که نواب همایون مارا آورده در خراسان گذاشته و خود رفته بتحصیل‌و جمع کردن زر ودر زیرخاك‌دفن‌نمودن‌آن پردازند حاصل این امورچه خواهد بودو این صفات خود حالت مردان نیست تاچند اوقات صرف تحصیل‌مال‌و دفن نمودن آن میشود و مآل این کارچه خواهد بود آیا از اینقرارمال‌وحال به احدی خواهد ماند وازاین مال چه طرف خواهند بست ان‌شاء ∴ جناب اقدس مرحمتی باحوال شیعیان امیرالمؤمنین علیه‌السلم فرماید که بـقیه کـه مانده‌اند از دست‌انداز مخالفین در امان باشند نواب همایون مـا را منظور آن‌کـه بخدمتگذاری‌آن مخلصان بعون ∴ تصرف‌ممالك ایران‌و بلکه از بلاد مخالف نیز بقبضهٔ تصرف در آورده‌آبروی تازه تحصیل فرمائیم‌که تدارك‌آنچه واقع شده ان‌شاء ∴ باسهل وجهی میسرگردد و از قراری که ملاحظه میفرمائیم مشکل است‌کـه غیرت‌و حمیت ایشان منشأ اثری تواند شد در چنین‌وقتی که مال و حال از دشمنان توان گرفت که درآن ضمن‌هریك صاحب مراتب عظیمه و آبرو وباعث تقویت ملك‌و ملت‌شده‌آثارآن تا انقراض عالم باقی خواهد ماند پس‌فطرتی‌وکم نفسی را پیش‌نهاد خود ساخته‌بشغل و کسب رعیتی خود را راضی نموده‌اند نمیدانیم که نواب‌همایون مارا چه بایدکرد که ایشان راضی باشند در مراتب مزبوره تفکر نموده بتوجهات شاهانه مستظهر باشند .

تحریرا فی‌شهرصفر ختم‌بالخیر والظفر سنه۱۱۴۰ .

٤٥

عرضه داشت درویش‌حسین ودرویش زین‌العابدین‌خدمتکاران امامزادهٔ قریهٔ خواسته‌رودوحکم محمدحسن‌بن فتحعلی‌خان در بالای آن .

عرضه داشت کمترین بندگان بذروهٔ عرض نـواب

درویش حسین و درویش‌زین‌العابدین ساکنان قریهٔ خواسته‌رود[1]

مستطاب فلکجناب مستغنی‌الالقاب عالی میرساند که کمترینان‌ازآ باواجدادقدیم‌الایام خدمت‌کار معصوم‌زادهٔ قریهٔ خواسته‌رودبودند و نیم‌سنگ‌آب ازرودخانهٔ قریهٔ مزبوره نیزوقف معصوم‌زاده میباشد که اختیار آن هم با فقیران بوده سوخت‌چراغ معصوم‌زادهٔ مذکور صرف میشد و برصدق این مدعا ارقام‌ازحکام‌و خوانین سابق در دست[است] استدعا آنکه بتصدق فرق اقدس اشرف ارفع وبحرمت‌ائمهٔ‌اطهار سایه دستی‌شفقـت و مرحمت فرمایند که حال نیز خدمت امامزادهٔ مذکوره و اختیار نیم‌سنگ‌آب مزبوره با کمترینان بوده که‌بامر خدمتکاری اشتغال داشته هرقدر حـاصل‌که از آب مزبور بعمل آیدبکار معصوم‌زاده صرف شود یقینکه عندالله و عندالرسول ضایع نخـواهد شد امرکم مطاع .

[حکم محمدحسن‌خان بن فتحعلی‌خان (۱۱۹۳ ـ ۱۱۶۲) در حاشیهٔ بالای همین عرضه‌داشت :]

هو

حکم‌عالی‌شد آنکه صاحبانعریضه بحصول اطلاع برمضمون رقم عالی‌بدستور سنواة سابق خود راخادم‌معصوم‌زادهٔ منورد دانسته زراعت واختیار نیمسنگ‌آب‌را نیز بنحوی

---

۱ ـ این سطر درمتن عرضه‌داشت دست‌خوردگی‌دارد . ظاهراً متن عرضه‌داشت رااهل قلم می‌نوشته‌اند و صاحبان عرضه‌داشت نام خود را به‌خط خود می‌نوشته‌اند بدان می‌افزودند.

که متوجه بودند متوجه بوده حسب‌الواقع در خدمتگذاری معصوم‌زاده علیه‌التحیة والسلام لازمهٔ اهتمام نموده .

تحریراً فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۱۶۵ .
[محل مهـر][۱]

۴۶

عرضه‌داشت اولاد درویش حسین و اولاد درویش‌الله‌داد خدمهٔ آستانهٔ خواسته‌رود با حکمی در حاشیهٔ بالای آن .

عرضه داشت کمترین بندگان		بذروهٔ عرض

اولاد درویش‌الله‌داد وسایر خدمهٔ آستانهٔ عرش‌درجهٔ امامزادهٔ خواسته‌رود [۲]

ایستادگان محفل‌اقدس والا میرسانندکه این‌کمترینان ازقدیم الایام مشغول‌بخدمت و جـاروبکشی امامزادهٔ واجب‌التـعظیم خواسته‌رود بوده و می‌باشیم و کمترینان ملقب بطایفهٔ رقاب و ازقدیم‌الایام از سایر رعایاء خواسته‌رود مستثناوخارج‌بوده ودرتکالیف دیوانی داخل ایشان نبوده وارقامات پادشاهان‌سلف ورقم معدلت‌شیم مرحمت و غفران پناهان رضوان جایگاهان سردار وحسین‌قلیخان در دست‌کمترینان می‌باشد ودر عصر هر صاحب حـکمی کمـترینان معـاف و مسلم بوده بـامر خدمت‌گـذاری امـامزادهٔ واجب‌التعظیم مشغول التماس‌و استدعا از کرم‌عمیم بندگان والاآنکه رقم‌معـدلت‌شیم شفقت و مرحمت فرمایند که احدی بعلت تکالیف دیوانی مزاحمت‌باحوال کمترینان نرسانیده گذارندکه برفاه حال‌وفراغ بال بـامر دعاکوئی بنـدگان والا و جاروبکشی امامزادهٔ واجب‌التعظیم اشتعال نمائیم کـه هراینه باعث ازدیاد دولـت و مزید جاه و

۱ــ مهر مستطیل باسجع : « محمدحسن‌بن فتحعلی » .	۲ــ نام خدمه و عبارات پس ازآنها دست‌خوردگی دارد و با قلم متن سازش‌ندارد .

منزلت بندگان والا خواهد بود و عندالله وعندالرسول ضایع نخواهد شد امرکم‌العالی مطاع .

[در حاشیهٔ بالای‌این عرضه‌داشت با خطی خوش تحریر شده است:]

هو

حکم‌عالی‌شد آنکه چون عارضین بشرح متن عرض و استدعا نمـوده‌اند و ارقام و احکام سلاطین سلف‌نیز در دست ایشان میباشد وکلاء عالی هم پنج‌خانوار ازعارضین را از تکالیف عوارض و سرشماری بالمرّه معاف و مرفوع‌القلم فرموده که بخاطر جمعی متوجه خدمت مقرره باشند حکام‌و عمال استراباد بنحو مقررو معمولداشته در در عهده دانند .

تحریراً فی شهرربیع‌الثانی سنه۱۱۹۶.

[محل‌مهـر][۱]

۴۷

حکمی با مهر باباخان که برای امامقلی‌خان قاجار بیـگلربیگی استراباد نوشته شده است و به او دستـور داده شده است کـه آقامیرزین‌العابدین وسایر سادات را از عوارضـات دیوانی و اخراجات ولایتی معاف بدانند .

حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه ایالت و شوکت واقبال‌پناه ابهت‌و مناعت‌و فخامت اکتناه اخلاص و ارادت‌آگاه امیرالامراءالعظام امامقلی‌خان‌قاجار بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد باشفاق شاهانه مفتخرو سرافرازبوده بداند که چون حسب‌الرقم

---

۱ ــ مهری چهارگوشه که این عبارات درآن دیده می‌شود : « الله محمد علی افوض امری الی‌الله » .

خاقان خلدآشیان علیین‌مکان نورالله‌مرقده قرای مفصله ملکی عالیجناب مقدس‌القاب حقایق‌ومعارف‌اکتساب عزت و سعادت‌انتساب سلالة‌السادات‌العظام آقامیرزین‌العابدین

قریه	قریه	قریه	قریه	قریه	قریه
نوچمن	گرجی‌محله	روشن‌آباد	سرخل	علیاباد	

وسایر سادات عالی درجات این سلسلهٔ علیه از عوارضات دیوانی‌و اخراجات ولایتی معاف بودند بغیر از نوکر رسدی خودشان را که همه ساله میدادند درینوقت بعرض مقربان حضور باهرالنور رسید که تکالیف و عوارض از آنها مطالبه مینمایند لهذا بآنعالیجاه امرو مقررمیشودکه بعداز حصول اطلاع برمضمون فرمان‌مبارک‌مطاع قرای مفصلهٔ سادات را از عوارضات و استصوابیات و اخراجات ولایتی و تکالیف‌شاقه وسایر مواد معاف و مسلم داشته که همان ملازمهای رسدی خودشان و اخراجات آنها را داده زیاده از ایشان مطالبه ننموده مزاحم نشود و درهرباب عزت [و]مراعات‌جانب سادات عالی درجات مزبور را منظورداشته مطالب خود را از روی امیدواری‌عرض و مقرون بانجاح داند.

تحریراً فی‌شهرجمادی‌الثانی سنه ۱۲۱۲.

[جای مهر][۱]

۱ــ مهری مربع‌مستطیل باسجعی که دوسه کلمهٔ آن از این قرار است : «عبده باباخان».

۴۸

فرمان فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای میرزین‌العابدین و آقا سیداحمداسترابادی که‌مبلغ یکصدتومان‌تبریزی راکه مصحوب ملاعبدالکریم به استراباد فرستاده است فیمابین فقرا و ارباب استحقاق و محتاجان تقسیم کنند و قبض رسیدگی از ایشان حاصل کنند و به‌دربار بفرستند .

بسم‌الله شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله‌تعالی حکم‌همیون‌شد آنکه عالیجنابان مقدس القابان حقایق ومعارف اکتسابان فضایل و کمالات انتسابان افادت و افاضت مآبان عمدتی الفضلاءالعظام آقامیرزین‌العابدین و آقا سیداحمد استرابادی بمزید توجهات سلطانی امیدواری حاصل نموده بدانند که درینوقت مبلغ یکصد تومان تبریزی وجه‌حلال‌مصحوب عالیجناب مقدس القاب ملاعبدالکریم ارسال فرموده‌ایم باید آنعالیجنابان بعداز حصول‌آگاهی واطلاع برمضمون فرمان مطاع وجه مزبور را بصلاح یکدیگرفیمابین فقرا وارباب استحقاق و محتاجان دارالمؤمنین استراباد تقسیم وسویت نموده قبض رسیدگی از ایشان حاصل و ارسال دربارگیتی‌مدارسلطانی نمایند درین باب قدغن لازم دانسته وجه مزبور را مهمسازی مستحقین وفقرای آنجا نموده دعای خیربجهت ذات اقدس ووجود مقدس حاصل سازند و الطاف بیغایت پادشاهی‌را شامل حال خود دانسته پیوسته مطالبات ومدعیات‌خود را عرض ومقرون بانجاح دانند‌درعهده‌شناسند.

تحریراً فی شهر ذی‌قعدةالحرام سنه۱۲۱۲.

---

۱ ـ مهر چهارگوشهٔ کلاهک‌دار فتحعلی‌شاه با سجع :

« گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی »

و در کلاهک بالای آن : « العزةلله » .

۴۹

دستور فتحعلی شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) به آقاسید احمد که مبلغ ششصد تومان تبریزی ارسالی را به دست خود میان فقرا و مساکین تقسیم کند و از هریك قبض بازیافت نماید.

[جای مهر فتحعلی‌شاه] [1]

عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات‌اکتساب عوارف‌ومعارف‌انتساب افادت وافاضت مآب افضل‌الفضلاءالعظام سلالةالاطیاب‌الکرام آقـاسید احمد سلمه‌الله‌تعالی ازمشکوة عنایات بهیّهٔ حضرت سبحانی اقتبـاس انوار فیوضات متوافـره واز قبسات‌مکارم جلیهٔ خسروانی استضائهٔ اعطاف متکاثره نموده بروسادهٔ عزت و سعادت متمکن باشد بعداز ترسیم‌مراسم محبت مشهود رای مصادقت‌آیت مـیدارد که چون همواره جانب فقراو ضعفا و اهالی و ملهوفین دارالمؤمنین استراباد منظور نظـر مرحمت بنیاد ومکـنون خاطرخطیر عدالت نهاداست دراینوقت مبلغ ششصدتومان تبریزی وجه حلال‌از خزانهٔ مکرمت و اجلال ارسال‌و از اینکه آنعالیجناب از اجلهٔ سادات عظام ودعاگوی خلص ایندولت ابدفرجام میباشدمرقوم خامهٔ‌محبت و ملاطفت میگرددکه‌وجه‌مزبور رابفقراو مساکین‌وضعفا و ملهوفین و اهالی‌آنولایت تقسیم ورسد رسانیده بهریك از آنها حصهٔ داده دعای خیر بجهة ذات‌با برکات نواب‌همیون ما حاصل سازند بایدکـه بهمهٔ‌بلوکات که درطومار علیحده تفصیل‌یافته است رفته وبدست خودتنخواه هریك‌ازاهالی‌آنجارا کارسازی و قبض‌بازیافت نماید وهمواره در مظان استجابت دعوات دعای ذات سعادت برات رافاتحهٔ‌اذکار وصلوات داشته دایم‌الاوقـات بارسال نـوشتجات مشعره برگذارش حالات پرداخته هرگونه مقاصد ومسئولات خود را نگاشتهٔ کلك‌بلاغت سازند کـه از نهایت‌رأفت وعطوفت پذیرای پیرایهٔ انجاح وقبول‌خواهد بود باقی ایام [بکام‌باد].

۱ ـ مهر چهار گوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که درفرمان شمارهٔ ۴۸ یاد کردیم.

۵۰

عرضه‌داشت مظفر و حسن متولیان امامزاده عبدالله به درگاه فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) که ایشان را کمافی‌السابق از جمیع عوارض و تکالیف‌دیوانی معاف و مرفوع‌القلم بدانند.

عرضه‌داشت کمترین بندگان بموقف عرض واقفان‌حضور فیض گنجور

مظفر و حسن

بندگان سکندرشأن دارا دربان قیصرپاسبان اقدس‌ارفع‌اعلی روحی‌فداه میرساند که کمترینان متولی امامزادهٔ واجب‌التعظیم امامزاده عبدالله‌وحسب‌الفرمان قضاجریان خاقان طاب‌ثراه پنج‌خانوارما از جمیع عوارض و تکالیف دیوانی‌معاف ومرفوع‌القلم بوده‌ایم و حال اهالی خواسته‌رود فرمان خاقان‌مغفور را ممضی نمیدارند و ازما مطالبهٔ عوارض و تکالیف دیوانی وولایتی مینمایند استدعا آنکه سایه‌دستی‌مرحمت‌و عنایت فرمایندکه کماکان پنج‌خانوار کمترینان از حواله‌و اطلاق دیوانی و ولایتی موضوع و مرفوع‌القلم بوده درکمال امیدواری وخاطرجمعی متوجه‌شغل‌جاروب‌کشی‌و خدمات آستانهٔ متبرکه و بدعای دوام دولت جاوید مدت مشغول باشیم چون‌مراتب مزبور از جملهٔ لوازم بود جسارت بعرض‌اینمطلب ورزید

[برحاشیهٔ بالای این عرضه داشت رقمی به شرح زیر نوشته شده‌است:]

بسم‌الله‌شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی شاه] [1]

الملک‌لله‌تعالی حکم‌همیون‌شد آنکه چون صاحبان‌عریضه بشرح متن‌عرض واستدعا نموده و فرمان خاقان خلد آشیان جنت‌مکان را نیز دردست دارد لهذا عالیجاه رفیع

۱ - مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که درفرمان شمارهٔ ۴۸ ازآن یادکردیم.

جایگاه دولت و اقبال‌پناه عزت‌وجلالت‌دستگاه اخلاص‌و ارادت‌آگاه‌امیر الامراءالعظام امامقلی‌خان قاجار بیگلر بیگی دارالمؤمنین استراباد وکدخداو مباشرین قریهٔمز بوره از قرار فرمان خاقان علیین مکان پنج خانوار را ازتکالیف و عوارض دیوانی معاف‌و مسلم داشته و بطریق‌سنوات یکجفت گاورا نیز واگذاشته که باحصول اطمینان و امیدواری بامر جاروب‌کشی و خدمتگذاری‌آستانهٔ منوره و دعای دولت ابدمدت علیه اشتغال نمایند و مزاحمت باحوال صاحبان عریضه نرسانده شلتاق‌و بیحساب نکنند و در اینخصوص قدغن‌لازم دانسته درعهده شناسند.

تحریراً شهرصفرالمظفر سنه۱۲۱۸ .

۵۱

عرضه داشت محمدقلی قاجار و اسماعیل‌آقا قاجار به‌درگاه فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ـ ۱۲۱۲) وکسب اجازه‌برای سکونت اسیران خریداری شدهٔ ترکمان در قریهٔ سرخون‌کلاه .

عرضه داشت کمترین ...[1] غبار آستان آسمان

فدوی جا[ن] نثار محمدقلی‌قاجارشام‌بیات‌لو واسمعیل‌آقا قاجار

بنیان راکحل‌الجواهرچشم ارادت وعین‌روشنائی دیدهٔ عبودیت دانسته بشرف عرض محرمان حضور ساطع‌النور مرحمت بحور معدلت دستور اعلیحضرت قدرقدرت دارا درایت سکندر شوکت جمشید حشمت اقدس امجد والا ارفع اشرف اعلی‌میرساند که قربان‌خاکپای توتیاآسای مبارکت شوم‌چون‌این فدوی جا[ن]نثار غلام‌قدیمی‌ورحیب واقعی[2] است که مطالب خود را عرضه داشت به‌سریر جلالت مصیراقدس اعلی مینماید سی‌چهار نفر اسیر قبل‌ازاین ازجماعت‌ترکمانیه ضلالت‌شعار خریده‌ایم‌آمده در مزرعهٔ

۱ـ یك کلمه خوانده نشد. ۲ـ در درست خواندن این دوکلمه شك داریم .

سرخون کلاه وطن ساخته‌اند استدعا والتماس این فدوی جا[ن]نثار غلام‌زادهٔ قدیمی چنین‌است‌که رقم قضاشیم‌قدر توأم آفتاب‌شعاع از مصدرجاهو جلال‌امرو مقرر فرمایند که احدی مزاحم احوال ایشان نشده بگذارند فارغ‌البال ومرفه‌الحال‌بدعاگوئی دوام دولت ومزیدجاه و منزلت‌سلطانی مشغول که هرآینه باعث سرافرازی کمترین غلام و خوشنودی خداورسول وائمهٔ طاهرین خواهد بود چون مراتب معروضه‌از جملهٔ لوازم دانسته جرأت وجسارت نموده عرض‌شد امرکم‌مطاع .

[برحاشیهٔ بالای این عرضه داشت فرمان شاهی باسطوری‌که‌کرسی‌آن باکرسی سطور متن‌چهل‌وپنج درجه اختلاف‌دارد چنین‌آمده است :]

[جای مهر فتحعلی‌شاه] [1]

الملک‌لله‌تعالی حکم همیون شد آنکه چون عالیشأن معلّی‌مکان عریضه‌بشرح متن عرض واستدعا نموده است لهذا عالیجاه مقرب‌جایگاه دولت‌و اقبال‌پناه جلالت‌و نبالت دستگاه شهامت و بسالت‌انتباه اخلاص وارادت آگاه امیرالامراءالعظام امامقلی‌خان قاجار بیگلر بیگی دارالمؤمنین استراباد از اینکه سی‌نفر آدم را...[2] میشناسندقدغن کرده که احدی مزاحمت‌باحوال آنها نرسانده وشلتاق‌و بیحسابی نکرده که‌در قریهٔ مسطوره نشسته از عهدهٔ حقوقات وحواله‌جات دیوانی‌اعلی برآمده‌آنچه برسد حسابی ایشان است ازحواله‌جات دیوانی بازیافت‌و بعلت زیادتی و بیحسابی متعرض نشده در عهده شناسند .

تحریراً شهرربیع‌الاول سنهٔ۱۲۱۸ .

۱ـ مهر چهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۴۸ از آن یاد شده است . ۲ ـ دوکلمه خوانده نشد .

۵۲

حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسر فتحعلی شاه‌قاجار ـ که بنابر فرمان پدر مباشران شاهکوه کربلائی احمد وولدان آقا محمد محسن شیخ‌الاسلام دارالمؤمنین استراباد را از جمیع‌الجهات معاف و مسلم و مرفوع‌القلم بدانند.

هوالله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمد قلی‌میرزا][1] حکم والاشد آنکه چون ازقرار فرمان قضاجریان اعلی‌حضرت قدرقدرت ظل‌الهی لازالت ایام‌شوکته برعنوانعریضهٔ عالیجناب مقدس‌القاب عوارف ومعارف‌اکتساب مجدت ومحمدت‌مآب عزت وشوکت‌انتساب عمدةالساداةالعظام آقا محمد محسن شیخ‌الاسلام دارالمؤمنین استراباد امرو مقرر گردانیده از اینکه اباًعنجد از دعاگویان قدیم‌این‌شوکت ابدنشان ومراعات جانب اودرهر باب منظور نظر مرحمت اقتران میباشدنواب‌مستطاب مالك رقاب والاحکم ومقرر بفرمائیدکه مباشرین شاهکوه سفلی‌متعرض‌کربلائی‌احمدنام و ولدان مومی‌الیه‌نشده‌گذارندکماکان درنهایت فراغت واطمینان بامر خدمتگذاری عالیجـناب مشارالیه مشغول بوده‌باشد لهذا بنابر امتثال فرمان مهرمثال حضرت پادشاهی ولی‌النعمی حکم قضا نظام بشرف نفاذ مقرون می‌بایدکه مباشرین شاهکوه سفلی‌بنحو مقرر معـمول ومرتب دانسته متعرض ومزاحم کربلائی احمد و ولدان او نشده گذارندکمافی‌السابق مشغول خدمتگذاری عالیجناب مقدس‌القاب مشارالیه‌بوده درنهایت‌فراغت بتقدیم خدمات مشارالیه‌پرداخته درجمیع‌الجهات او را معاف و مسلم دانسته مرفوع‌القلم دانندکه عالیجناب مشارالیه بـا کمال خاطرجمعی بدعای دولت‌پادشاهی که وظیفهٔ شبانه‌روزی ایشان‌است‌پرداخـته مومی‌الیه

۱ ــ مهر محمدقلی‌میرزا که تقریباً مربع شکل‌است باسجع :
« خلف فتحعلی‌شاه محمدقلی است برجهان سرورازان شدکه غلام‌علی است» .

بشغل خدمتگذاری ایشان‌پردازد دربنخصوص‌قدغن لازم دانسته مومی‌الیه را ازجمیع حواله واطلاق و دست‌انداز و شلتاق معاف دانند تخلف از حکم محکم والا را مورد مؤاخذهٔ کلی دانند در عهده شناسند .

تحریرا فی ۲شهرمحرم‌الحرام سنه ۱۲۲۵ .

۵۳

فرمان فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) به‌عنوان بدیع‌الزمان میرزا بیگلر بیگی دارالمؤمنین استراباد و جرجان و صاحب‌اختیار سرحدات قبچاق که انتظام و انتساق محال فندرسک‌ورامیان و خاندوز ووطن و نظم مهام نوکرآن حدوددرا به‌میرزا سعدالله خان واگذارد.

[جای مهرفتحعلی شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی‌حکم‌همیون شد که فرزندی بدیع‌الزمان میرزا بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد وجرجان وصاحب‌اختیار سرحدات قبچاق باعطاف‌بیضا اتصاف خاطر شهریاری معززو مباهی بوده بدانند که چون قبلزین بنابروفورعنایت ورأفت دربارهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه اخلاص و ارادت‌آگاه سلالةالسادة‌ـ الفخام نتیجةالخوانین‌العظام میرزا سعدالله‌خان و ظهور شایستگی وسزائی او انتظام و انتساق محال‌فندرسك ورامیان‌و خاندوز ووطن‌و نظم مهام‌نوکر آنحدودرا که‌بموجب تفصیل‌ذیل است بعهدهٔ کفایت واهتمام عالیجاه مشارالیه

۱ ـ مهرچهارگوشهٔفتحعلی‌شاه باسجع:

« گرفت خاتم‌شاهی زقدرت ازلی قراردرکف‌شاه زمانه فتحعلی »

و درکلاهك بالای‌آن : «الملك‌لله السلطان صاحبقران » .

۱۸۸

فنـدرسکـی	خـانـدوزی	قلیچـی	حاجیلر (ساکنین ۸۳) نوده میرزا اسمعیل خان
۱۰۴	۱۶	۵۵	۱۳

مفوّض وموکول فرموده بودیم دراینوقت نیز از روی کمال مرحمت این همایون فرمان مطاع شرف صدور یافته بآنفرزند مسعود امرومقرر میشود که نظم و نسق محال و نوکر مزبور را کمافی السابق درعهدهٔ فراست و کیاست وکاردانی مشارالـیه مـحول و مقرر داند و درهرحال رعایت جانب او وکسان ومتعلقان اورامنظور و درپیشرفت امورات و مهمات متعلقه بعالیجاه مشارالیه التفاتی کامل مبذول دارد که بهیچوجه منقصتی در امر رعیت و نوکر آنجا راه نیابد ونیز مقرر میشودکه مالیات قراء مزبوره را از قراراحکام مطـاعهٔ سابقهٔ هرساله عوض مواجب نوکر ابوابجمعی مشارالیه حواله نموده و قریـهٔ خاندوز را که ازقرار احکام مطاعه وثبت سررشتجات دفترخانهٔ مبارکه بتیول او مقرر بود بنحو سابق بتیول مشارالیه برقرار و بکارگذاران خود غدغن دارد که خـلاف حساب چیزی مطالبه ننمایند ومقرر آنکه عالیشانان صداقت ارکانان کدخدیان محال مسطوره و ریش سفیدان ملازم مرقومه عالیجاه مشارالیه را بطریق سابق مختار و ناظم امورات خود دانسته اوامر و نواهی او را مطیع و منقـاد بوده بهیچوجـه ازصلاح و صوابدید او انحراف جایز ندانسته و تجاوز ازمدلول حکم محکم را موجب مؤاخذه و سیاست قهرمانی دانسته در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر ربیع الاول ۱۲۲۶ .

٥٤

حکم محمدقلی میرزا برای ساکنان قریهٔ زیارت خواسته‌رود که از ابتدای سنهٔ قوی‌ئیل از جملهٔ عوارضات و تحمیلات‌و تکلیفات و صادریات معاف‌و مسلم باشند ومثل‌سابق‌فقط‌متوجه خدمات عمارات شاهی دارالمؤمنین استراباد گردند و دستور اجرای این حکم را به عهدهٔ فرزند خود بدیع الزمان میرزا گذاشته است .

[جای‌مهر محمدقلی میرزا][1] حکم‌والاشد آنکه چون‌همگی همت‌بلندو جملگی‌نیت ارجمند مصروف ومعطوف آنست که جمهور رعایا وعموم برایا در این دولت ابدمدت بکمال اطمینان‌و خاطرجمعی بکاسبی وفقیری و بیچارگی خود اشتغال داشته حصول دعای‌خیر جهت ذات‌اقدس ووجود مقدس‌قبلهٔ‌عالم وعالمیان وپادشاه اسلام‌پناه‌کشورستان نموده در مرتع خصب عدل غنوده و در کنف رحیب رحمت آسوده باشند لهذا مرآت اینمقال عکس‌نمای چهرهٔ شاهد احوال رعایا و برایای قریهٔ زیارت خواسته‌رود است که از ابتدای معاملهٔ هذه‌السنه قوی‌ئیل سعادت‌دلیل میمنت‌تحویل و مابعدها نواب کامیاب مستطاب جوزا رکاب مشتری‌خطاب اشرف والا بالطاف ابدی و احسان سرمدی ایشانرا ازجملهٔ عوارضات وتحمیلات و تکلیفات وصادریات معاف و مسلم ومرفه‌الحال فرمودندکه همان از قرار قرارداد سابق متوجه خدمات عمارات شاهی دارالمؤمنین استراباد بوده ازسایر تکالیف‌مرقومه معاف‌بوده‌باشند مقرر آنکه فرزندارجمندکامکارو نور دیدهٔ سعادتمند نامدار بدیع‌الزمان میرزا بنهج مقرر معمول و مرتب داشته ضبط قریهٔ مزبوره را مختص‌بخود دانسته رعایای‌آنجا را ازجمله‌تکالیف غیر استثنا مستثنی

---

۱ ــ مهر محمدقلی‌میرزا که تقریباً مربع شکل است باسجع :
« خلف فتحعلی‌شاه محمد قلی است برجهان سروران شد که غلام‌علی‌است» .

شمرده بکارگذاران خود قدغن دارد که درحین صدور صادریات وعوارضات بهیچوجه متعرض و مزاحم احوال رعایای مزبوره نشده گذارند که بدعای دولت ابدمدت مشغول بوده بکاسبی خود اشتغال نمایند در این موارد لازمهٔ قدغن و اهتمام جایز داشته ظهور تخلف از فرمودهٔ اشرف را مورد مؤاخذه دانسته درعهده شناسند .

تحریراً فی‌شهر رجب‌المرجب سنه۱۲۲۶ .



فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای آقاسید مفید که مبلغ هشت تومان تبریزی وظیفهٔ پدرش ـ آقا سیداحمد ـ و مبلغ هفت تومان وظیفهٔ خود راکه مجموعاً پانزده تومان می‌شود از بابت مالیات استراباد به رسم وظیفه دریافت دارد .

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که بنا برشمول نهایت‌رأفت و غایت عاطفت دربارهٔ عالیجناب مقدس‌القاب سیادت و سعادت‌مآب فضایل و کمـالات انتساب سلالة‌الساداة‌ـ العظام عمدة‌الفضلاءالفخام آقاسیدمفید و برطبق تمنای عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و فواضل‌مآب حقایق و معـارف انتساب سیادت و سعادت‌نصـاب خلاصة الساداة‌العظـام افضل‌الفضلاءالفخام آقاسیداحمد والد مشارالیه در هذة‌السنة ایت‌ائیل خجسته دلیل و مابعدها مبلغ هشت‌تومان تبریزی وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمد مشارالیه را علاوه‌بر هفت‌تومان وظیفه‌که در وجه خود مشارالیه مستمر و برقرار بوده فرمودیم‌که هرساله

۱ــ مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه باسجع :
«گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی »
درکلاهك بالای آن : «العزةلله».

مبلغ پانزده تومان‌مزبور را ازبابت مالیات استراباد برسم وظیفه بدینموجب بازیافت و صرف معاش خود ساخته

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیدمفید مشارالیه که در سابق در وجـه او مقرر بـوده هفـت تومـان

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمـد والد مشارالیه‌که حسب‌التمنای‌او در وجه عالیجناب آقاسیدمفید درهـذةالسنه مقرر شده هشت تومان

بدعاگوئی دوام دولت‌ابدمدّت اشتغال نماید مقرر آنکه فروزان‌کوکب‌آسمان‌خلافت و اقتدار خجسته فرزند ارجمند نامدارمحمدقلی‌میرزا صاحب اختیار ولایات‌استراباد و مازندران برحسب مقرر معمول داشته قدغن نمایدکه هر ساله مبلغ‌مزبور را در وجه عالیجناب مشارالیـه برساننـد ومطالبهٔ فرمان مجـدد ننمـایند المقرر عالیجاهـان رفیعجایگاهان عزت و جلالت دستگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ثبت و از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون دانسته در عهده شناسند

تحریرا فی‌شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۲۲۹ .

۵۶

حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسر فتحعلی‌شاه ـ برای سیدمفید که اضافه برهفت تومان وظیفهٔ خود او ، مبلغ هشت تومان وظیفهٔ سیداحمد را از بابت مالیات استراباد به‌او بدهند .

[جای مهر محمدقلی‌میرزا] حکم والاشد آنکه چون توقیع رفیع شاهانه و یرلیغ بلیغ خسروانه از مصدر خلافت‌کسری وسلطنت عظمی شرف‌صدور یافته‌که بنا برشمول نهایت رأفت و غایت عاطفت در بارهٔ عالیجناب مقدس القاب سیادت وسعادت‌مآب فضایل وکمالات انتساب سلالة‌السادات العظام عمدة‌الفضلاء الفخام آقاسیدمفید و برطبق تمنای عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و فواضل‌مآب حقایق ومعارف‌انتساب سیادت و سعادت نصاب خلاصة السادات‌العظام افضل‌الفضلاءالفخام آقاسیداحمد والد مشارالیه در هذه‌السنه ایت‌ئیل خجسته دلیل و مابعدها مبلغ هشت‌تومان تبریزی وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمد مشارالیه را علاوه هفت‌تومان وظیفه که در وجه خود مشارالیه مستمر و برقرار بوده فرمودیم‌که هر ساله مبلغ پانزده تومان مزبوررا از بابت مالیات استراباد برسم وظیفه بدینموجب باز یافت و صرف معاش خود ساخته امتثالاً لأمره نواب

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیدمفید مشارالیه در سابق در وجه او مقرر و برقرار بود

۷ تومان

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمد والدمشارالیه‌که حسب‌التمنای او در وجه عالیجناب آقاسید مفید درهذه‌السنه برقرار شد

۸ تومان

مستطاب گردون جناب مالك‌رقاب والا نیز درهذه‌السنه ایت‌ئیل سعادت‌دلیل و ما بعدها مبلغ هشت تومان تبریزی وظیفهٔ عالیجناب مقدس‌القاب فضایل ومعارف‌اکتساب حقایق و دقایق انتساب عمدة‌الساداة‌العظام و فریدة‌الفضلاء‌الفخام آقاسیداحمد را علاوه بر هفت تومان وظیفهٔ عالیجناب فضایل و فواضل انتساب مسالك و مدارك‌مآب سلالة‌الساداة‌ـ العظام وافضل‌الفضلاء‌الفخام آقاسیدمفید مستمر و برقرار فرمودیم که‌هر ساله مبلغ پانزده تومان مزبور را از بابت مالیات استراباد از قرار تفصیل‌فوق بازیافت و صرف معـاش خود ساخته بدعاگوئی دوام دولت‌ابدمدت گردون‌عدت اعلیحضرت پادشاهی و نـوّاب مستطاب همیون‌صفات ما را قیام و اقدام نماینـد کتّاب خیریت‌انتساب عطارداکتساب دفترخانهٔ مبارکه شرح رقم قضاآئین رادردفاتر خلود و دوام ثبت ودرج نموده ازشائبهٔ ریب و تغییر مصون دارند تخلف از مدلول حکم قضا شمول را مورد مؤاخذه دانسته در عهده شناسند.

تحریراً فی‌شهر رمضان‌المبارك ۱۲۲۹.

۵۷

حکم محمد علی‌میرزا - پسر فتحعلی‌شاه - برای محمدحسن‌آقا قاجار که چون نامبرده از ایل قاجار و خدمتگزار دولت‌جاوید ـ مدار است از قرار رقم سلاطین ماضی و فرمان پادشاهی ملك موروثی او را ازجمیع تکالیف دیوانی وصادریات وعوارضات معاف و مسلم دانند.

هوالله‌تعالی‌شأنه

[جای‌مهر محمدقلی‌میرزا][۱] حکم والا شد آنکه‌چون فرمان‌قضا جریان قدرتوأمان

۱ـ مهرچهارگوشهٔ محمدقلی‌میرزا پسرفتحعلی‌شاه باسجع:
«خلف فتحعلـی شاه محمدقلـی است برجهان‌سرور ازان‌شد که‌غلام‌علی‌است».

پادشاهی برعنوانعریضهٔ عالیشان عزت و سعادت نشان محمدحسن آقا شرف صدور یافته که از اینکه عالیشان مشارالیه از ایل‌جلیل قاجار و من‌جمله خدمتگـذاران دولت جاویدمدار ومراعات جانب او منظورنظر مهرآثار است و ازقرار رقم خـاقان‌علیین‌ـ آشیان مغفور و حکم محکم قضا دستور ملك موروثی صاحب عریضه از جمیع‌تکالیف دیوانی و صادریات و عوارضات معاف و مسلم‌بوده است بمباشرین مهام‌دیوانی‌استراباد قدغن شودکه بنهج ازمنهٔ سالفه معمولداشته ملك او رابطریق سنواتی ماضیه ازجمیع عوارض و صادریات و مالیات وغیـره حوالجات دیوانی معاف و مرفوع‌القـلم دانسته گذارندکه منافع املاك موروثی خود را صرف معیشت ومدارحیات خودنماید امتثالاً لامره‌الاشرف‌الاعلی امرلازم الاذعان نفاذ اقتران میباید که کدخدایان و مباشرین‌مهام دیوانی نیز برحسب مقرر معمول ومرتب دانسته املاك‌مقرره رابدستور اعوام‌سالفه از عوارض و تحمیلات وصادریات وغیره حوالجات‌دیوانی معاف و مسلّم دانسته گذارندکه عالیشان‌مشارالیه محصول ومنافع ملك موروثی خود را متصرف وصرف‌مدارگذار خود ساخته‌باحصول...[۱] بامر خدمتگذاری وجان‌نثاری قیام و اقدام نماید و در اینخصوص قدغن دانسته خلاف نورزند و البته ظهور خلاف ...[۲] درمعرض مؤاخذه...[۳] ودرعهده شناسند.

تحریرا فی‌ذی‌قعدةالحرام سنهٔ ۱۲۲۹.[۴]

---

۱ و ۲ـ سه‌کلمه خوانده‌نشد.	۳ـ یك کلمه خوانده نشد.	۴ـ دردرست خواندن تاریخ شك داریم.

۵۸

حکم فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای انتصاب میرزا محمدبیگ به‌سرکردگی و ریش‌سفیدی طایفهٔ مقصودلو و قراردادن بیست نفر از طایفهٔ فخرعمادالدین را جزء ابوابجمع او و واگذاری چهاردانگ قریهٔ سرخان‌کلاته را بالمشارکه به او و محمدخان مقصودلو .

[جای مهرفتحعلی‌شاه][۱]

الملک‌لله‌تعالی حکم همیون شد که چون مجاری خدمتگزاری وشایستگی عالیشان رفیع‌مکان اخلاص وارادت نشان میرزا محمدبیگ مقصودلو برپیشگاه حضور اقدس شهریاری ظاهر و آشکار وشمول عنایات‌کامله خاطر انور را مستوجب و سزاوار افتاده بودلهذا در معاملهٔ هذاالسنه تنگوز ئیل‌خیریت‌دلیل لمعهٔ از لمعات عنایات شاهانه‌را ساحت‌افروز حال او داشته اورا بسرکردگی وریش‌سفیدی دسته وطایفهٔ مزبوره‌که سابقاً بعهدهٔ عالیشان محمدخان‌بیگ محول بوده معزّز وسرافراز و بیست‌نفر از طایفهٔ فخرعمادالدین را نیز ابوابجمع او داشتیم‌که درنهایت دقت و اهتمام بانتظام امورات آنها پرداخته حسن خدمتگزاری خود را مشهودپیشگاه‌حضوراقدس‌داردوچهاردانگ سرخان‌کلاته که سابقاً از قرار سررشته‌جات دفتری درمیانه سرکردهٔ سابق و عالیجاه محمدخان مقصودلو غلام پیشخدمت سرکار اقدس مشترك بوده حال نیزرسد سرکردهٔ سابق را بضبط عالیشان مشارالیه مفوّض داشتیم‌که او وعالیجاه محمدخان بالمشارکه داشته هر ساله وجوهات دیوانی‌آنرا کارسازی نمایند مقررآنکه اعیان وریش‌سفیدان

۱ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه باسجع :

«گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی قــراردرکف شاه‌زمانه فتحعلی»

و درکلاهك بالای‌آن : «العزةلله».

طایفه و یوزباشیان ورئیس[1] دستهٔ مزبوره عالیشان مشارالیه را سرکـرده و ریش‌سفید بالاستقلال والانفراد خود دانسته درانجام خدمات‌شاهانه اطاعت و انقیاد اورالازم‌دانند عالیجاه رفیع جایگاه مجدت ونجدت وفخامت همراه جلالت و نبالت وشهامت‌اکتنـا امیرالامراءالعظام مهدیقلی‌خان قاجار بیگلربیگی ولایت استراباد و مضافات برحسب مدلول امرانور عالیشان مشارالیه را سرکرده وریش‌سفید دسته و طایفهٔ مزبوره‌دانسته اورا در امر خود مستقل سازد وقریهٔ مزبوره را بضبط او وعالیجاه مشارالیه بازگذارد که هر ساله وجوهات دیوانی آنـرا کارسازی نمـاید عالیشانان‌کتّاب خیریت اکتساب دفترخانهٔ مزبوره شرح فرمان اقدس را در دفاتر خلود ثبت و ضبط و ازشوائب تبدیل مصون و محروس دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۳۰ .

۵۹

عرضه‌داشت میرمحسن موسوی متولی‌شرعی سه‌دانگ‌ویک‌ربع قریهٔ بهادرکلاته واقع در بلوك انزان استراباد به درگـاه فتحعلی‌شاه که دست حضرات قراموسی‌لوی قاجار را که شرکای قریهٔ مزبور هستند وبنا را بر تغلب واحجاف گذاشته‌اند ازاین سه دانگ و یك‌ربع وقفی کوتاه کنند .

عرضه‌داشت‌اقل دعاگویان‌قدیمی	تراب‌آستان مروت‌ارکان

میرمحسن‌موسوی

عدالت‌بنیان راکحل‌الجـواهر دیـدهٔ امیدواری ساخته بموقف‌عـرض واقفان حضور ساطع‌النور شاهنشاهی میرساندکه سه دانگ و یکربع‌قریهٔ موسومهٔ بهادرکلاته واقع

---

۱ ــ در درست‌خواندن این‌کلمه شك‌داریم .

در بلوك انزان من‌اعمال دارالمـؤمنین استراباد وقـف مدرسهٔ مرحوم سیدمفید جـدّ کمترین‌دعاگــو است‌که مرحوم مغفور در وقفنامچهٔ‌که بخط خود تفصیل موقوفـات و مصارف آنرا نوشته قلمی نموده و اکثر از اعیان و اشراف و عدول مؤمنین ولایت از کیفیت مطلعند چون شرکای‌قریهٔ مزبوره جمعی‌ازحضرات قراموسی‌لوی قاجارمیباشند اکثر اوقات بنا را بتغلب واجحاف وستمشریکی گذاشته در ادای حق‌طلاب مماطله و مساهله مینمایند در ایام‌تولیت مرحوم آقاسیداحمد کـه حسب‌الشرع نوبت تـولیت مدرسهٔ مزبوره بمرحوم مذکور رسید از تغلب حضـرات مشارالیهم بنواب مستطـاب مالك‌رقاب شاهزادهٔ اعظم عرض و بروفق شریعت مقدسه شاهزادهٔ اعظم ملك موقوفه را انتزاع و بتصرف متولّی شرعی داده مادام‌الحیوة آقاسید احمد مزبور ملك مذکور را متصرف و منافع را صرف طلاب و مدرسه می‌نمود در این دوسال‌که آقـاسید احمـد برحمت ایزدی واصل حضرات تغلب را مجدد واعاده نموده در ادای مداخل موقـوفه تکاهل مینمایند التماس از مراحم قبلهٔ عالم وعـالمیان آن است‌کـه محضاًلله قدغن و مقرر فرموده‌که بندگان بیگلربیگی ... ملك موقوفه را از یدتغلب و تسلـط ایشان انتزاع و بتصرف اقل دعاگویان‌که بالفعل متولی شرعی میباشد داده‌که صرف‌مدرسه و طلاب نموده باشد چنانچه آنها را حرفی مقرون بحساب باشد بعهدهٔ یکنفر از کسان خود ... به محکمهٔ شرعمطاع نموده عذرهای ناموجهآنهاکه بعتبات‌عالیات بامرشرع بردیم و بآن میانه ملك وقف را مداخلیت نمایند منع فرموده در همان بلدهٔ استراباد قطع وفصل نمایندکه باعث خوشنودی خدا خواهد بود امرکم‌مطاع

[درحاشیهٔ این عرضه داشت دستور فتحعلی‌شاه در سطوری‌که کرسی‌آن باسطور متن در حـدودپنجاه درجه اختلاف دارد ، بدین شرح نوشته شده است :]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][۱]

الملك‌لله تعالی حکم همیون‌شد که چون عالیجناب مقدس‌القاب معارف و شرایع انتساب مجدت و سعادت‌اکتساب سلالة‌الاطیاب عمدة‌العلماءالعظام عارض بشرح متن عرض‌و استدعا نموده‌است لهذا عالیجاه رفیعجایگاه نبالت‌و فخامت‌اکتناه‌امیرالامراء ـ العظام مهدیقلی‌خان بیگلربیگی استراباد ازاینکه ایجاب مسئول ومطالب عالیجناب عارض منظور نظرانور و احقاق حقوق عموم عباد بتخصیص سادات و طلاب سعادت‌نهاد ملحوظ ضمیر معدلت بنیاد است باید قدغن کرده از قرار سنواتی بطریقی که در ایام تولیت مرحوم آقاسیداحمد متصرف بود و مداخل و منافع را بمصرف‌موقوف علیهم میرسانید حال نیز قدغن کرده‌که احدی بخلاف حق وحساب مداخلتی در ملك مزبور نکرده متولی شرعی داد وستدکرده مداخل ومنافع را بمصرف موقوف‌علیهم برساند و چنانچه‌کسی را در اینخصوص گفتگوئی بوده باشد قرار داده‌که‌طرفین‌بخود عالیجناب مقدس‌القاب حقایق ومعارف اکتساب عمدة‌الفضلاءالکرام خیرالحاج‌العظام حاجی ملارضا بمرافعه رفته از قرار حکم شرعی حق را بمن‌له‌الحق عاید ساخته و قدغن کرده‌که از این‌پس احدی دخل و تصرف بخلاف حساب درآن ننماید و دراینخصوص حسب‌المقرر معمول و در عهده دارند .

تحریراً فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۳۵.

۱ــ مهرچهارگوشهٔ کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) ، باسجع :

«گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار درکف شاه زمانـه فتحعلی »

و درکلاهك بالای‌آن ، «العزة‌لله».

۶۰

فرمان فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای میرزا محمد بیک مقصودلو که یکصد خروار شالی از بابت متوجهی چهاردانگ سرخان‌ـ کلاته به تخفیف هرسالهٔ جماعت مقصودلو بدهند و اگر اختلافی از بابت چهاردانگ آب این قریه با شرفی‌خان دارند، محمدحسن میرزا ـ صاحب‌اختیار ولایات مازندران و استراباد ـ رسیدگی کند.

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که فروزان کوکب آسمان خلافت و شهریاری و تابان پرتو مهر سلطنت وجهانداری فرزند ارجمند مسعود محمدحسن میرزا صاحب‌ـ اختیار ولایات مازندران و استراباد بتوجهات پادشاهی معزز بوده بداندکه درینوقت عالیشان عزت‌نشان اخلاص‌توأمان میرزا محمد بیک مقصودلو در چمن لوشان که محل نزول موکب جهانگشای پادشاهی بود شرف‌امر در حضور اقدس پادشاهی کردند و استدعای تخفیفی از دیوان همایون نمود حسب‌الاستدعای مشارالیه مقدار یکصد خروار شالی بوزن بلده از بابت متوجهی‌چهاردانگ سرخان‌کلاته هذه‌السنه‌قوی‌ئیل‌و مابعدها بتخفیف جماعت مقصودلو هرساله مرحمت و تصدق فرمودیم بامرآ نفرزند نیز هرساله مقدار مزبور را تخفیف مقررداند و مطالبهٔ آنرا قدغن نمایدکه‌ننمایند نیزاز بابت چهاردانگ‌آب سرخنکلاته‌که میانهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه عمدة‌الخوانین شرفی خان و طایفهٔ مقصودلو گفتگوئی می‌باشد بآن فرزند مقرر میفرمائیم‌که خود بحقیقت مراتب معروضه رسیدگی قراری فیمابین مشارالیهما دهدکه‌من‌بعدبهیچوجه‌گفتگوئی در میان آنها واقع نشود بایدآ نفرزند برحسب مقرر عمل دارد مقررآنکه عالیجاهان

۱ـ مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه بامشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۵۹ یادکرده‌ایم.

رفیع جایگاهان عزت و شهامت همراهان مقربی‌الخاقان مستوفی‌دیوان قضا نظام‌شرح فرمان مبارك ثبت وهرساله مقدار مزبور را تحویل طایفهٔ مقصودلو مقرردانند وتخلف جایز ندانسته درعهده شناسند .

تحریراً فی‌شهرجمادی‌الاول ۱۲۳۶.

۶۱

حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسرفتحعلی‌شاه ـ برای میرزامحمدبیگ سرکردهٔ ملازم مقصودلو تا مستوفیان او تخفیفی راکه پدرش داده است معمول دارند .

[جای‌مهر][1] حکم والا شد که فرمان قضانشان شهریاری و منشور فصاحت دستور شاهنشاهی شرف‌صدور پذیرفت‌که درینوقت عالیشان رفیع‌مکان عـزت وسعـادت نشان اخلاص و ارادت توامان میرزا محمدبیگ سرکردهٔ ملازم مقصودلو درچمن‌لوشان‌که محل نزول موکب جهانگشای پادشاهی بود شرف‌اندوز حضوراقدس پادشاهی‌گردید و استدعای تخفیفی از دیوان همایون نمود حسب‌الاستدعـای مشارالیه موازی و مقدار یکصدخروار بوزن بلـده از بابت چهاردانگ سرخانکلاته در هذه‌السنه لوی‌ئیل و مابعدها بتخفیف جماعت مقصود[لو] هرساله مرحمت فرمودیم باید هر ساله مقـدار مزبور را بتخفیف مقرر دانسته مطالبهٔ حکم مجدد ننمایند بنابرامتثال‌حکم قضامثال شاهنشاهی نواب‌والا نیز مقدار مقرره را در وجه جماعت مقصودلـو بتخفیف مقـرر داشتیم مقررآنکه عالیجاهان مستوفیان سرکاری حسب‌المقرر عمل و مقدار مقرره را بتخفیف معمول و شرح رقم را دفتری نموده درعهده شناسند .

تحریراً فی‌شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۳۶ .

۱ــ مهر چهارگوشهٔ محمدقلی‌میرزا باسجع ،
«خلف فتحعلـی‌شاه محمـدقلی‌است برجهان سروراز‌ان‌شدکه‌غلام‌علی‌است».

۶۲

حکم فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰- ۱۲۱۲) برای فرزندش ظل‌السلطان علی‌خان که محل سکنای محمدخان غلام پیشخدمت مقصودلو را جزء خانه‌های حکمی دیوانی نداند و به‌صاحبانش بازگذارد .

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون‌شد که مرجع‌معظمات مهام دربار پادشاهی ومهبط‌انوار تلطفات انظار ظل‌اللهی مباهی بخطاب مستطاب‌سایهٔ‌شاهنشاهی فرمان‌روای دارالخلافة الباهره فرزند ارجمند نامدار ظل‌السلطان علیخان بعواطف مترادف پادشاهی مباهی بوده بداندکه سابقاً معروض افتاده بودکه خانهٔ محل‌سکنای عالیجاه عزّت و شهامت همراه اخلاص و ارادت‌آگاه محمدخان غلام پیشخدمت مقصودلو جزء خانهای حکمی دیوانی نیست و فرمان مبارك صادرگردیده بود کـه خانهٔ مزبور را بصاحبانش بازگذارند چون دراینوقت مجدداً بعرض رسیدکه خانهٔ مزبور از خانهای حکمی دیوانی و عالیجـاه مشارالیه نیز مبالغی در اندرونی و بیرونی‌آنجـا خرج و تعمیر نمـوده واز مالك نیز اجارهٔ شرعیه نموده است بآنفرزند امرو مقـرر میشودکه قدغن نمایدکه بهمان وضع‌که بتصرف مشارالیه بوده از اندرونی و بیرونی‌کماکان‌بوده احدی تعرض نرساند و دخل و تصرفی ننماید و بتصرف عالیجاه مشارالیه بوده تخلف جایز ندارند و در عهده شناسد .

تحریرا فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۳۹ .

---

[1] ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه با سجع :

« گرفت خاتم‌شاهی زقدرت ازلی قرار درکف شاه زمانـه فتحعلی»

و درکلاهك بالای آن : «العزة‌لله» .

۶۴

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰) برای میرزا محمدبیگ ـ غلام پیشخدمت خاصه و سرکردهٔ ملازم مقصودلو ـ که از پیچی‌ئیل به خطاب خانی خوانده شود و عالیجاهی‌را به ذیل القابش بیفزایند و ده‌تومان برچهل‌تومان مواجب‌سابق‌او اضافه‌کنند.

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که بنا برظهورشایستگی و خدمتکاری عالیشان رفیع‌مکان عزّت و شهامت‌نشان اخلاص و ارادت توأمان مقرب‌الحضرت العلیه میرزا محمدبیگ غلام پیشخدمت خاصه و سرکردهٔ ملازم مقصودلو پرتوی ازآفتاب مراحم شهریاری ساحت‌افروزاحوال مشارالیه آمده درهذه‌السنه پیچی‌ئیل خجسته‌دلیل او را بخطاب بلندخانی مباهی و ذیل‌القابش رامطرّز بطراز عالیجاهی فرمودیم و مبلغ ده تومان برچهل‌تومان مواجب سابق او افزودیم‌که ظهورعنایات پادشاهی را سرمایهٔ افتخار و باعث مزید اعتبار خود دانسته با نهایت اهتمام وکمال‌استظهارمشغول‌خدمات مرجوعهٔ بخودگردد و حسن خدمت و جوهر استعداد خود را بیش ازپیش مشهود رأی ملك‌آرای شاهانه سازد مقررآنکه‌عالیجاهان رفیع‌جایگاهان عزت‌وجلالت‌دستگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیان عظام و لشکرنویسان دیوان قضانظام ازاین‌پس عالیجاه‌میرزا محمدخان مشارالیه را در احکام و بروات و مکاتبات ومخاطبات بدین خطاب والقاب مخاطب و ملقب دارند و شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ثبت نموده از شوائب تغییر و تبدیل محروس دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۴۰ .

۱ـ مهر فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶۲ یادکردیم .

٦٤

فرمان فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲)برای فرزندش محمدقلی‌میرزا ملك‌آرای دارالمرز طبرستان ومضافات‌که ده و یك قراء تیول عباس‌خان و حاجی رضاخان را بر سبیل استمرار حق‌الارض آقا میرتقی استرابادی وآقا سیدموسی دانسته و بدیشان کار-سازی نمایند .

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که فروزان‌کوکب سپهرخلافت و شهریاری و تابان پرتو مهرسلطنت و جهانداری فرزندارجمندکامکار محمدقلی‌میرزا ملك‌آرای‌دارالمرز طبرستان و مضافات بعواطف‌کاملهٔ پادشاهی مفتخر و مباهی بوده بدانند که درینوقت از قراریکه بعرض اقدس شهریاری رسید پنجدانگ از قریهٔ میرمحله و چهار دانگ از قریهٔ‌آبسرکان و شش‌دانگ ازقریهٔ چوپلانی استرابادرستاق‌که بتیول‌عالیجاهان رفیع‌جایگاهان عزت و سعادت همراهان نتیجتی‌الخوانین‌العظام عباس‌خان وحاجی‌رضاخان مقرر است موافق وقف‌نامجات معتبـر واحکام علما املاك اربابی موقوفی عالیجنابان سعادت و سیادت انتسابان آقاسیدموسی وآقامیرتقی استرابادی میباشد از آنجـاکـه رعایت جانب‌سادات عالیدرجات منظورنظر مرحمت‌آیات‌است لهذا بآنفرزند ارجمند امرو مقرر می‌شودکه‌بعد ازحصول آگاهی برمدلول فرمان مبارك بعالیجاهان‌مشارالیهما قدغن نموده‌که از هذه‌السنه تخاقوی‌ئیل و مابعدها هرساله برسبیل استمرارحق‌الارض سادات عالیدرجات را از قرار ده و یك موافق جمع دیوانی‌کارسازی‌آنها نموده کمال رعایت را از سادات منظور دارند ودرعهده شناسند .

تحریراً شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۲۴۰ .

۱ـ مهرفتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶۲ یادکردیم .

۶۵

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) برای میرزا اسماعیل‌خان داروغهٔ گوکلان ومیرزا سعدالله‌خان سرکردهٔ دستهٔ کبودجامه که به ترتیب بیست خانوار وده خانواررعیت به میرزاعلینقی خان بدهند.

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که عالیجاهان‌رفیع‌جایگاهان‌عزت وشهامت‌همراهان صداقت وارادت‌آگاهان سلالتی‌السادات والخوانین میرزااسمعیل‌خان‌داروغهٔ گوکلان‌و ضابط چناشك‌کهسار و میرزا سعدالله‌خان سرکردهٔ دستهٔ کبودجامه وضابط فندرسك و غیره بتوجهات خاطر شاهنشاهی معزّز و مباهی بوده بدانندکه چون درینوقت عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه فخامت و مناعت‌اکتناه اخلاص وارادت‌آگاه‌سلالة‌ـ الساداتالعظام مقرب‌الخاقان میرزاعلینقی‌خان مزرعهٔ سوخته‌سرا من‌محال‌خاندوز را بحوزهٔ ملکیت خودآورده درصددآبادی آنجا میباشد بآنعالیجاهان امر و مقرر میشود که بعد از وصول فرمان قضاجریان پادشاهی و حصول‌آگاهی ومضمون‌آن از قرار قرارداد عالیجاه مشارالیه و بنحوی‌که بآنعالیجاهان

عالیجاه میرزا اسمعیل‌خان	عالیجاه میرزا سعدالله‌خان
بیست خانوار	ده خانوار

نگاشته است موازی سی‌خانوار رعیت دربلوك و دهات متعلق بخودبموجب تفصیل‌فوق تسلیم‌گماشتهٔ مشارالیه نمایندکه برده در مزرعهٔ مذکوره سکنی داده بنوعی‌که شاید مزرعهٔ مزبوره را بحلیه‌آبادی درآورد باید حسب‌المقرر معمول و تخلف و عدول از

۱ــ مهر فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶۲ یادکردیم.

مدلول حکم نافذ شهریاری جایز ندانند و درعهده شناسند .

تحریراً فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۴۱.

۹۹

حکم محمدقلی میرزای ملک‌آرا در برگذاری یك دانگ و ربع قریهٔ یالورا به حاجی سید مفید واو را از تکالیف دیوانی معاف دانستن .

[جای مهر][1] حکم عالی شد آنکه چون یکدانك وربع[2] یالوحق طلق عالیجناب مقدس‌القاب حقایق ومعارف‌مآب فضایل و کمالات انتساب زبدةالسادات والاطیاب کهف الحاج والمعتمرین حاجی‌سیدمفیداست وخدابخش نام هزارجریبی باحسنعلی و آقابابای هزارجریبی سکنهٔ قریهٔ یالو متوجه خدمات و مهمات او میباشند از سرکار مرحمت‌آثار حضرت سپهر منزلت نواب اشرف والای ولی‌النعمی‌ملك‌آرا مستدعی آن شده که احدی دخل و تصرف در یکدانگ و ربع ملکی او ننمایند و خود معظم‌الیه به‌پردازد و ازبرای خود زرع نمایند و سه نفر مزبور هم باو واگذار شود که بکشت‌و زرع ملك مشارالیه مشغول واز رعیتی و تکالیف دیوانی معاف و مسلم بوده باخاطر جمعی تمام‌مشغول‌انجام مهام‌او باشند نواب اشرف والاولی‌النعمی‌نیزازراه وفورشفقت‌و مرحمت مسئلت و مدعای او را بدرجهٔ قبول مقبول یکدانگ وربع قریهٔ مزبور را مفوض باو فرموده که خود به‌پردازد و حاصل و محصول‌آن راجمع‌آوری نماید و سه نفر مذکور هم متوجه کشت و زرع آنجا باشند و مهمات او را بانجام رسانند واز رعیتی وتکالیف دیوانی معاف باشند و بنواب ما مقررداشته‌اند که از قرار فرموده

۱ـ مهر چهارگوشهٔ محمدقلی‌میرزا باسجع :

«خلف فتحعلی‌شاه محمدقلی است برجهان‌سرور ازان‌شدکه‌غلام‌علی‌است».

۲ـ کلمات «یك‌دانگ وربع»دراین‌مورد ودر موارد دیگردرمتن‌فرمان دست‌خوردگی دارد .

عمل ومـراقـب احوال مشارالیه باشیم بنا بر امتثال امر قدرقدرت ولی النعمی نواب عالی یکدانگ وربع قریهٔ یالو را بجناب مشارالیه با سه نفر مزبور واگذار فرموده‌ایم که او بـه پردازد واحدی درآن دخل و تصرف ننماید وخدابخش و حسنعلی وآقابابای هزارجریبی نیز مشغول انجام مهمات اوباشند و از رعیتی وتکالیف دیوانی معـاف و احدی را بایشان رجوعی نباشد مقرر آنکه عالیجاهـان رفیع جایگاهـان مالکـان ملك یالو و مباشرین هـزارجریب حسب‌الامـر معمول و تخلف جایز ندارند در عهده شناسند .

تحریراً فی‌شهرربیع‌الاول سنه ۱۲۴۴ .

۶۷

حکم محمدقلی میرزای ملك‌آرا برای فرزندش بدیع‌الزمان میرزاـ صاحب‌اختیارمملکت‌استراباد ـ که‌اجارهٔ سه دانگ قریهٔ ساورکلاته موقوفه را از کلبعلی‌خان وصول کنند و به موجر برسانند .

[جای‌مهر][1] حکم‌والاشد کـه خجسته فرزنـد ارجمندنامدار و قرةالعین‌سعادت‌مند کامکاربدیع‌الزمان میرزاصاحب‌اختیار مملکت استراباد بزواید الطاف واعطاف خاطر مرحمت اثر اشرف ملك‌آرا معزز و مباهی بوده بدانند که از قرار اجاره‌نامچهٔ شرعیهٔ معتبرهٔ ممهوره بامهـار سادات عظام وفضلا و علمای ذوی‌العزوالاحترام دارالمـؤمنین استرابادکه بتوسط‌کارگذاران سرکاری ملحوظ نظـر معدلت‌گستر اشرف والاگشت سه دانـگ از ششدانـگ قریهٔ ساورکلاته موقوفه را عالیجاه کلبعلی‌خان از طرف حسین‌ـ بیگ‌کتول ازعالیجناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب حقایق ومعـارف‌انتساب

۱ــ مهرچهارگوشهٔ ملك‌آرا با سجع :
« مهین پور شهنشاه فلك‌جـاه بملـك‌آرا ملقب آمدازشاه ».

حاجی...[۱] سه سال بمقداری معین اجاره‌کرده‌است واز قراریکه معروض افتاده الی‌ـ حال‌واصل عالیجناب مشارالیه نکرده است چـون رعایت جانب عالیجناب مشارالیـه منظورنظر مرحمت‌گستر است طبق احکام شرعیه ...[۲] بعالیجناب‌مشارالیه و غیره‌سهام است لهذابآنفرزند ارجمند مقرر میشودکه عالیشان حسین‌بیگ وکلبعلی‌خان‌راقدغن داشته‌که مال‌الاجارهٔ هذه‌السنه اودئیل راکارسازی عالیجناب مشارالیه نموده سه‌دانگ قریهٔ مزبوره را از حشوجمع املاک‌آن مرحوم موضوع ومتعلق بعالیجناب مشارالیه و غیره سهام داننداَنفرزندارجمندکمال رعایت وجانبداری ازعالیجناب مشارالیه‌منظور داشته قدغن و حکم صریح نمایدکه حکماً و حتمـاً از عهدهٔ مـال‌الاجـاره بموجب اجاره‌نامچه برآمده‌کارسازی‌او نمایند وازحکم مطاع‌لازم‌الاتباع تخلف‌نورزند...[۳] ودر عهده شناسند .

تحریراً فی‌شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۴۵ .

۶۸

فرمان فتحعلی شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) برای انتصاب میرزاسعد‌ـ الله‌خان به سرکردگی ششصد و بیست نفر به ترتیبی‌که در متن فرمان آمده است .

بسم‌اله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای‌مهرفتحعلی‌شاه][۳]

الملک‌لله‌تعالی حکم همیون شد که نظر بشمول‌کمال مرحمت و عنایتی‌که در بارهٔ

---

۱ و۲ و ۳ـ چندکلمه‌ای در اصل فرمان محوشده است .

۳ـ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهک‌دار فتحعلی‌شاه باسجع :

«گرفت خاتم شاهی‌زقدرت ازلی قرار درکف شاه زمـانه فتحعلی»

وکلاهک بالای‌آن‌خوانده‌نشده.

عالیجاه رفیع جایگاه شهامت وبسالت همراه اخلاص و ارادت آگاه زبدةالسادات والخوانین‌العظام میرزا سعدالله‌خان مبذول است و مراسم شایستگی واستعدادی‌که از مشارالیه مشهود انظار مهرآثار همایون افتاده و از خانه‌زادان دولت ابدارکان‌میباشد در هذه‌السنهٔ توشقان‌ئیل خجسته‌دلیل ومابعدها خدمت سرکردگی شش‌صدو بیست نفر دستجات مفصله را

۶۲۰

جمعی میرزا سعدالله‌خان ازقرار سنهٔ ماضیه
۱۸۸ نفر

ابوابجمعی حسین‌خان فیرنگی‌که در هذه‌السنه کما فی‌السابق ابوابجمع میرزا سعدالله‌خان شده
۷۳۲ نفر[1]

رامیانی	خاندوزی	فیرنگی	فرسناکی
۱۰۴ نفر	۱۶ نفر	۷۰نفر	۱۰۰ نفر
قلیچی	حاجیلر	دورینی	قانچی
۵۵ نفر	۱۳ نفر	۸۱ نفر	۴۰ نفر

۱ــ سرجمع اشتباه است.

چناشکی	حاجیلر
۷۱ نفر	۷۰ نفر
ویراحمدبیگ	ویرمحمدشریف‌بیگ
۳۸ نفر	۳۳ نفر

بعهدهٔ اهتمام مشارالیه مفوض وموکول‌داشتیم که بنحوی‌که باید وازمراسم خدمتکاری و کاردانی اوسزد وآید در ملزومات خدمت مقرر اقدام و حسن‌آگاهی وکاردانی خودرا زیاده مشهود رای مهرارتسام دارد مقرر آنکه سلاطین[1] وریش‌سفیدان و اعیان وعموم دستجات مفصلهٔ فوق عالیجاه مشارالیه را سرکردهٔ بالاستقلال والانفراد خود دانسته از سخن و صلاح او تجاوز جایزندانند المقررعالیجاهان رفیعجایگاهان عزت و جلالت دستگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیان عظام ولشکرنویسان دیوان‌قضانظام شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ودوام ثبت و از شوایب تغییر وتبدیل مصون ومحروس‌دانند ـ در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۴۷.

[در حاشیهٔ سمت‌راست این‌فرمان :]

مقررآنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و شهامت همراه اخلاص و ارادت‌آگاه زبدة‌ـ السادات والخوانین‌العظام میرزا سعدالله‌خان بوفور اشفاق خاطر شاهی مباهی بوده بداندکه درینوقت ازروی‌کمال مراحم نمایان و شمول‌مکارم بی‌پایان دربارهٔ آنعالیجاه

۱ـ دردرست خواندن این‌کلمه شك داریم.

معادل یکثوب قبای پولکی مخصوص بخلعت آنعالیجاه ایفاد شد باید خلعت مزبور را زیور پیکر افتخار وزینت آئین[1] اعزاز واعتبار خود ساخته باکمال امیدواری واستظهار بمراسم خدمات محوله ولوازم مهمات مرجوعه پرداخته تلاش خدمتکاری خود را بیش در پیشگاه همایون جلوهٔ ظهور دهد و درعهده شناسد.

تحریرا فی التاریخ متن .

۶۹

حکم حاکم برای آقا میرتقی استرابادی و برقراری دوتومان وجه رایج تبریزی به‌صیغهٔ وظیفهٔ مستمر او تا هرساله از بابت مالیات استراباد بازیافت نماید .

[جای مهر][2] حکم عالی شد آنکه‌چون عالیجناب ستوده‌آداب سیادت و نجابت مآب آقامیرتقی استرابادی بحلیهٔ تقوی و پرهیزکاری آراسته است لهذا درابتدای هذه السنهٔ میمونهٔ خیریت تحویل مبلغ دوتومان وجه رایج تبریزی بصیغهٔ وظیفه در وجه او مستمر و برقرار فرمودیم که هرساله از قرار براة بمهر مهر آثار از بابت مالیات دارالمؤمنین استراباد بازیافت وصرف مدارگذار خودساخته بدعاگوئی دوام عمرومزید جاه وسلطنت خدیوگیتی‌ستان ظل اللهی اشتغال داشته باشد مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان مستوفیان و عالیشانان رفیع‌مکانان کتّاب خیریت اکتساب دفترخانه حسب المقرر عمل نموده و مبلغ مزبوررا در وجه عالیجناب مذکور مستمر و برقراردانسته هرساله ازقرار براة علیحده از بابت مالیات دارالمؤمنین استرابادکارسازی مشارالیه نموده که صرف معیشت خود ساخته بدعاگوئی قیام و اقدام نماید و شرح رقم مبارك مطاع را دردفاتر

۱ـ در درست خواندن این کلمه شك داریم .

۲ـ مهری چهارگوشه که کلماتی نظیر: «تجلی ومظنون وامت وشه» بر آن خوانده می‌شود .

خلود ثبت و درج نموده و از شایبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند در عهـده شناسند .

تحریرا فی‌شهرشوال‌المکرم سنه ۱۲۴۷ .

۷۰

عرضه‌داشت محمدحسن‌قاجار دربارهٔ اینکه ملك موروثی او را در سرخانکلاه از جمیع حواله‌جات معاف و مسلم دارند .

عرضه داشت کمترین بندگـان جـان‌نثار بذروهٔ عرض مقربان بـارگاه

کمترین جان‌نثار محمدحسن قاجار

خلافت‌وشهریاری میرساندکه قربان خاك‌پای مبارکت گـردم کمترین بندگان ملکی موروثی در سرخانکلاه جمع‌استراباد مالك میباشد و در زمان شاه مرحوم از جمیع حواله‌جـات معـاف و مسلم و فرمـان مطاع نیز در دست داریم و در آن اوقات که محمدزمان‌خان‌حاکم استراباد شد املاك‌این کمترین را خراب‌کرد و بقدر پنجخروار شلتوك هم ازملك کمترین‌گرفته استدعا اینکه فرمان مطاع قضاجریان صادر گرددکه بطریق سابق‌که بندگان نواب اشرف‌ارفع در بارهٔ املاك کمترین سلوك ورفتار نموده درسال‌های لاحقه حواله ننمایند چون واجب بود عرض شد امرکم مطاع مطاع .

[بر قسمت بالای عرضه‌داشت فرمانی ازفتحعلی‌شاه بدین‌ترتیب نوشته شده است:]

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همایون شد که فروزان‌کوکب سپهر خلافت قاهره و تابان پرتو

۱ــ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه بامشخصاتی که ذیل‌فرمان شمارهٔ۶۸ یادکردیم.

مهر سلطنت باهره فرزند نامدار محمدقلی‌میرزا صاحب‌اختیار استراباد ومازندران از اینکه عالیشان عزت و سعادت نشان صاحبعریضه از ایل جلیل قاجار و من‌جمله خدمتکاران دولت جاویدقرار بوده ومراعات جانب او منظورنظرخورشیدآثار است و از قرار رقم خاقان علیین‌آشیان مغفور و حکم محکم قضادستور قنوات ملك‌موروثی صاحبعریضه از جمیع تکالیف دیوانی و صادرات و عوارضات و مالیات معاف و مسلم بوده است لهذا بآنفرزند نامدار حکم ومقرر میشود که بمباشیرین مهام دیوانی استراباد قدغن نمایندکه بنهج‌ازمنهٔ‌سالفه‌معمولداشته‌قنوات ملك‌عالیشان‌صاحبعریضه را بطریق سنوات ماضیه از جمیع عوارضات وصادرات ومالیات وغیره حوالجات دیوانی معاف و مرفوع‌القلم داشته گذارندکه منافع و مداخل ملك موروثی خود را صرف معیشت خود ساخته بلوازم خدمتگذاری قیام و اقدام نماید و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۲۴۹

۷۱

عرضه‌داشت سید مفید استرابادی به‌دربارفتحعلی‌شاه‌که فرمانی برای مطلب‌خان بنویسند و عواید حصهٔ وقفی حاجیه بی‌بی را از قریهٔ چهارده که وقف عتبات عالیات است در اختیار سید مفیدکه متولی تعیین شده است برساند .

عرضه داشت اقل دعاگویان قدیمی بموقف عرض مستظلان ظل مرحمت و

سیدمفید الاسترابادی

شرف‌اندوزان شادروان عظمت‌اعلی حضرت قدر قدرت سلیمان حشمت دارا دربان قیصر پاسبان خاقان انجم احتشام بندگان اقدس ارفع اشرف اعلی میرساندکه کمترین دعاگوکه دعاگوئی این دولت قویم‌البنیان را اباًعنجد ارث دارد پیوسته فتح و نصرت

امنای دولت ابد مدت قاهرهٔ سلطانی را از درگاه مالک‌رقاب‌حقیقی‌مسئلت نموده امید که شاه‌باز رایت عقاب‌پیکر خصم‌افکنی و دشمن شکاری تیزچنگال و لنگر سفینهٔ عزوجلال پایدار بوده سایهٔ بلندپایهٔ قاآنی بر مفارق عموم قاطنین ممالك محروسه مخلد و برقرارباد چون از آنجائیکه پیش‌نهاد خاطر حقانیت مظاهر قبلهٔ عالم و عالمیان دادرس دعاگویان وضعفا وملهوفین‌بوده وهست بخاکپای مهرآسای فرقدان‌سا عرض میشودکه چند سال قبل بخصوص حصه‌و رسدی مرحومهٔ مغفورهٔ زائرهٔ بیت‌الله ـ الحرام نواب علیهٔ عالیه عمهٔ محترمه حاجیه بی‌بی از قریهٔ چهارده که وقف عتبات عالیات عرش‌درجات نموده تولیت را باقل دعاگویان داده است بخاکپای‌مبارك عرض و قبلهٔ عالم و عالمیان تصدق فرموده فرمان قضا جریان باسم عالیشان میرکریم‌که درآن اوان متصدی امور دیوان بود شفقت فرمودند که حصهٔ موقوفه ...[1] که همه‌ساله چهار خروارگندم میشد تسلیم اقل دعاگویان بنماید حال‌که امور چهارده تعلق بعالیجاه مطلب‌خان‌گرفته دراداء مال‌وقف مماطله ومطالبهٔ فرمان‌جدا باسم خودمینماید استدعاو التماس از الطاف خسروانهٔ قبلهٔعالم و عالمیان آنستکه فرمان قضا توأمان قدرنشان از مصدر عزّوشان بافتخارآنعالیجاه صدور یافته‌که او هم بطریق سابق‌گندم مزبور را تسلیم نموده باشدکه هرآینه موجب خوشنودی خدا و ائمهٔ هدی و مزید دولت روز ـ افزون و پایه‌داری سرادق عظمت ابدنمون قبلهٔ عالم و عالمیان خواهد بود چون مراتب معروضه از لوازم بود بعرض آن جرأت نمود باقی‌امره‌الاشرف‌الاعلی مطاع .

[در بالای این عرضه داشت دستور فتحعلی‌شاه به مطلب‌خان ـ حاکم ولایت دامغان ـ چنین‌آمده است :]

۱ـ یك‌کلمه خوانده نشد .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی شاه][1]

الملک‌لله حکم همیون‌شد آنکه چون تولیت حصهٔ معینهٔ معلومهٔ موقوفهٔ ...[2] مرحومهٔ مبروره حاجیه بی‌بی از قریهٔ چهارده دامغان بعالیجناب مقدس‌القاب افاضل وافادت‌مآب نخبةالعلماء والسادات‌الفخام عمدةالفضلاء والنجباءالکرام آقاسید مفیدعارض مفوض و موکول است که از قرار شرط واقفهٔ مرحومه بمصارف موقوف علیهم برساند لهذا فرمان جهانمطاع همایون بشرف صدور و نفاذ مقرون میگردد که عالیجاه رفیعجایگاه شهامت و بسالت اکتناه عزت و نبالت همراه اخلاص و ارادت آگاه مطلب‌خان حاکم ولایت دامغان حصهٔ وقفی مرحومهٔ مشارالیها را از قریهٔ چهارده بنحویکه سابق براین نیز فرمان همایون شرف صدور یافته بتصرف عالیجناب متولی داده که بموجب قرارداد واقفهٔ مرحومه بمصارف مقرره برساند و دراینخصوص قدغن لازم دانسته در عهده شناسد.

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاولی سنه ...[3]

۱ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهک‌دار فتحعلی‌شاه با مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۶۸ یاد کردیم. ۲ــ یك کلمه محو شده است. ۳ــ درمتن‌فرمان رقم‌سنه محوشده است.

۷۲

سواد فرمـان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) بـرای عباس خان ـبیگلربیگی استراباد ـ که شصت خروار غله از بابت میرمحلهٔ استراباد و بیست و پنج خروار از بـابت الوکلاته که مستمری سیدفضل‌الله مجتهد استرابادی بوده بامستمری سنوات سابق که به‌او نرسیده تمام و کمال به‌او برسانند .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

هو

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

[الملک‌لله‌تعالی حکم همیون شد] کـه عالیجاه رفیع جایگاه مجـدت و نجـدت اکتناه فخامت و مناعت انتباه عزت و سعادت دستگاه امیـرالامـراء العظـام مقربـ الخاقان عباس‌خان قاجار بیگلربیگی استراباد بمراحم همـایون مفتخر و مباهی بوده بدانـد درباب حق‌الارض املاك وقفـی عالیجناب فضایل انتساب فـواضل وکمالات اکتساب زبدةالفضلاء العظام سلالةالسادات‌الکرام آقـاسید فضل‌الله مجتهد استرابادی از قرار فرمان خاقان جنت‌مکان شصت خروار غله از بابت میرمحلهٔ استراباد ومطابق حکم جداگانهٔ حضرت اقدس اعلی بیست و پنجخروار از بابت الوکلاته[2] بعـالیجناب معزی‌الیه برقرار بود که بایست همه ساله باو برسد از قراریکه بعرض خاکپای اقدس

۱ــ رونویس‌کننده ظاهراً نتوانسته است سجع مهر فتحعلی‌شاه را بخواند وبه جای آن نـوشته است «محل مهرشهنشاه محمدشاه غازی خلدالله ملکه و اقبـاله » ایـن فرمان در روز جمعهٔ ۹ ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۲۵۰ صادرشده و فتحعلی‌شاه درنوزدهم جمادی‌الثانیه ۱۲۵۰ فوت شده است یعنی فتحعلی‌شاه دوماه‌و ده روز پس‌از صدور این فرمان برتخت بوده است .

۲ــ همان دهکدهٔ علوی‌کلاته است .

اعلی رسید چند سال است حبّهٔ باو نرسیده است علی‌هذا این فرمان قضا جریان بسر ــ افرازی آنعالیجاه شرف صدور یافته مقرر می‌فرمائیم اولاً آنعالیجاه محاسبه کند هر قدر از مستمری مزبور درسنوات سابقه باو نرسیده است تمام و کمال باو برساند ثانیاً درهذه‌السنهٔ تنگوزئیل ومابعدها هشتاد و پنجخروار شلتوك را از میرمحله و الوکلاته مقطوع نموده از بابت مالیات اوزینه و بلوك استرابادرستاق بـاو برسانند مقرر آنکه مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را ثبت نموده درعهده شناسند .

حرر فی یوم‌الجمعه ۹ ربیع‌الثانی سنه ۱۲۵۰.

۷۴

فرمـان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) بـرای ملامیرزا محمود ـ قاضی ناظم‌مهام‌شرعیات دارالمؤمنین استراباد ـ که علاوه بر منصب قضاوت،موقوفات ولایت استراباد را نیزعهده‌دارشودو برطبق استدعای او اهل بلده و بازار وکل قرای اربابی را از جمیع عوارضات معاف و مسلم بشناسند و بـه نامبرده واگذار نمایند .

[جای‌مهر فتحعلی‌شاه][1]

[الملك‌لله حکم همیون شد] نظر بمراحم گونـاگون خسروانه و خـاطر خطیر عنایت پادشاهانه در بـارهٔ عالیجناب مقدس‌القـاب دقایق‌مآب عزت و سعادت نصـاب امانت و دیانت‌پناه شریعت‌دستگاه سلاله‌الاشراف والاعیان قاضی‌القضاةالعظام و زبدةـ الفضلاءالکرام ملا میرزا محمود قاضی ناظم مهام شرعیات دارالمؤمنین استراباد کـه از اجلهٔ دولت‌خواهان ودعاگویان دولت قوی‌بنیان واباًعن‌جد سالك مسالك اخلاصـ کیشی و از خیرخواهـان این دولت قاهـره و از اولاد مرحوم سلطان محمد میرزای

۱ ــ مهرفتحعلی‌شاه قاجاربا مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۶۸ یادکردیم .

نجفی‌استرابادی که از زمرهٔ قدمای اهل استراباد و از قرار فرمان شاه‌مغفور شاه ـ سلطان‌حسین من‌جمله پادشاهان صفویه اعلی‌الله مقامهم ناظرموقوفات بودند ودر زمان شاه‌شهید اعلی‌الله مقامه فی‌الجنان در آن سرحد و ثغور خدمات کلی بحضور اقدس شهریاری نموده بودند که جان و مال خود را نثار دولت قاهره می‌نمودند که به نظر اقدس پادشاهی ظاهر آمده نظر بخدمات و ثبات واهتمام جناب قاضی مشارالیه وآباء و اجداد او لمعهٔ از لمعات آفتاب عنایات پادشاهانه شامل حال وپر توافکن کاشانهٔ آمال او ساختیم که نسلاً بعد نسل و عقباً بعدالعقب از این خوان نعمت خداوند فیض‌مآب در کمال فارغ‌بالی بدعاگوئی ذات اقدس شهریاری مشغول و بیش از پیش در مجاری مناصب مقرره و خیرخواهی دولت قاهره ساعی و جاهد شود از آنکه‌قرای اربابی استراباد جمع دیوانی ندارد و اهالی استراباد سرشماری ندارند جهت آنکه اهل ثغورند و سرحدداری مینمایند و همیشه با طایفهٔ ترکمانیه جان‌بازی مینمایند محض مرحمت پادشاهانه دربارهٔ جناب قاضی مشارالیه وبرطبق عرض و استدعای جناب مشارالیه اهل بلده و بازار . . .[1] کل قرای اربابی واقعه در ولایت استرابادرا از عوارضات و ایلجاری بلده و بنیچه بهراسم و رسم باشد از طایفهٔ شهری وتاجیکه و شاهکوئی و ساوری و هزارجریبی سکنهٔ استراباد معاف و مسلم مفوض وواگذار بجناب قاضی مشارالیه فرمودیم از قلم و قدم کوتاه و کشیده داشتیم و همچنین پنجاه و دو سهم آب از مجری المیاه ازرودخانهٔ خاسته‌رود وقف است بر اهل بلدهٔ استراباد و فاضل‌آبش وقف براهل مدرسهٔ دارالشفاست که در ملك عراقی موقوفهٔ مدرسهٔ مزبوره باید زرع شود از قراریکه جناب قاضی مشارالیه معروض داشت مباشرین خالصجات آب موقوفه را بمزارع خالصجات میبرند این یك نوع ظلم است که بما اهل ثغور و سرحد مینمایند لهذا این حرکات منافی رای اقدس پادشاهی است و از آنکه . . .[2]

۱ و ۲ـ یکی دوکلمه محو شده‌است.

برپیشگاه همایون پادشاهی ظاهر و حقیقت کماهی معلوم و مشهود رای مهر مظاهر آمده لهذا درهذهالسنهٔ خجستهدلیل و مابعدها علاوه بر منصب جلیل قضاوت موقوفات ولایت استراباد مرجوعهٔ مشارالیــه مفوض و موکول فرمودیم میرزا صاحب اختیار در این مورد . . . . [۱] نورزند و کـلانتران و مباشرین حال و استقبال و عموم افــاضل و سادات و مجتهدین و موقوفعلیهم و اهــالی ولایت استراباد عالیجناب مشارالیــه را علاوه بر منصب جلیل قضاوت نــاظر بالاستقلال . . . . [۲] دانسته از سخن و صلاح و صوابدید مهام مرجوعه بجناب قاضی مشارالیه تخلف و انحراف نورزند قلم و قدمرا از اهل بلده و بازار بجزمال دیوان اعلی بهراسم و رسم باشد کوتاه و کشیده دارنــد همان مال دیواناعلی را از قرار جمع دفترخانهٔ مبارکه ازخالصجات ولایت استراباد دریافت نمایند وباید باطلاع جناب قاضی مشارالیه رفع تعدی ازموقوفعلیهم اهل استراباد و از اهل بلدهٔ بلوکات و از اهالی مدارس و مساجد غیرهم نماید مسجّلات و نوشتجات او را مناط اعتبار دانند بایستی اعزازو احترام اورا لازم شمارند و از مدلول احکام قضانظام پادشاهی تخلف وتجاوز ننمایند وانحراف ازمدلول احکام قضانظام پادشاهیرا مورد سیاست و مؤاخــذه دانند و مطالبهٔ فرمان مجدد ننمایند لعنت خــدا و رسول و ائمهٔ طاهرین صلواتالله علیهم اجمین برکارگذاران ولایت استراباد باشد که اگرآب موقوفهٔ بلده و فاضلآب آنجا را به خالصجات برند یا آنکه عوارضات بهراسمو رسم باشد حواله به اهل بلده و بازار و قرای اربابی استرابــاد دهند کــه بخرج دیــوان همایون پادشاهی نیاید لعنهمالله الی یومالقیامه عالیجاهان رفیعجایگاهان مقربو-الحضرت الخاقــان مستوفیانعظام شرح فرمان مبارك را در دفاتــر خلود ثبت و ضبط

---

۱ و ۲ ــ یکی دوکلمه محو شده است .

نمایند و درعهده شناسند.[۱]

فی شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۵۰ .

[برحاشیهٔ این فرمان مطالب زیر نوشته شده است :]

درحضور آقایان رؤسای دوایر دولتی در استراباد قرائت گردید

محل امضاء حکومت نظامی استراباد عباس.

محل امضاء رئیس نظمیه سعیدالسلطان.

محل مهر کارگذار مهام خارجهٔ استراباد اعتصام‌الممالك .

محل امضاء رئیس مالیات غیرمستقیم استراباد حسن‌مالك

محل مهر پیشکارمالیه و خالصجات عبدالله‌الحسنی .

محل مهر رئیس تلگرافخانهٔ‌مرکزی استراباد مبشرهمایون .

محل امضاء رئیس کابینه محمدعلی .

محل مهر کفیل‌قشونی احمد .

محل‌مهر محمدحسین نمایندهٔ استراباد .

سوادمطابق سواداست محمداالحسینی.

۷٤

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) برای حاجی‌میرزا محمدخان مقصودلو و انتصاب او به‌سرکردگی و کلانتری طایفهٔ مقصودلو .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار][۲]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که نظر بوفور مراحم پادشاهی در بارهٔ عالیجاه

۱ـ عبارات این فرمان رونویس است و پراکنده و مغشوش به‌نظر می‌رسد .

۲ـ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار محمدشاه قاجار با سجع :

«محمدشاه‌غازی صاحب تاج ونگین آمد شکوه‌ملك وملت رونق آئین و دین آمد»

و درکلاهك دندانه‌دار آن «الملك‌لله» .

رفیعجایگاه عزت و سعادت‌انتباه خیرالحاج حاجی میرزا محمدخان مقصودلو وظهور خدمات او در هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل فرخنده تحویل و مابعدها اورا بمنصب سرکردگی و کلانتری طایفهٔ مقصودلو مفتخر و سرافراز فرمودیم که از وقوع این نوع مرحمتهای خسروانه مباهات حاصل نموده بمراتب‌خدمتگذاری خود افزاید ومقرر آنکه رؤسا و ریش‌سفیدان وجمیع اهالـی مقصودلو عالیجاه مشارالیــه را سرکرده و کلانتر خــود دانند و در عهده شناسند .

حرّر فی شهر ذی‌حجةالحرام سنه ۱۲۵۰ .

۷۵

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای حاجی‌میرزامحمد خان مقصودلو ـ سرکردهٔ طایفهٔمقصودلو ـ که همراه اردشیر میرزا برای دفع مفسدین و تنبیه متمردین برود .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که عالیجاه‌شهامت و بسالت‌همراه اخلاص وارادت‌آگاه کهف‌الحاج والمعتمرین‌حاجی میرزامحمدخان سرکردهٔ دستهٔ مقصودلو بتوجهات خاطر پادشاهی مباهی بوده بداندکه ولایت استراباد موطـن اصلی اروغ میمون‌مـا و اهالی آنجا همه نوکر و خدمتکار و محل اعتماد هستند آنعالیجاه در حقیقت ایـل سرکار جهانمدار وابا‌ًعن‌جد خدمتگذار و جان‌نثار بوده و در هر باب محرم و محل اعتماد است ما نیز رعایت خدمتگذاران آنولایت و پرستاری ایل آنجا را باَنحدی ملزوم همت قضاآیت داشته‌ایم‌که صالدات روس را از اقصی بلاد شمال صدوپنجاه‌منزل

۱ــ مهر محمدشاه قاجار با مشخصاتی‌که در ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ ذکر کردیم .

راه آورده‌ایم و با سواران طالش و شکی و قراباغی‌که ولایت ایشان را با دارالمرز مشابهت است و بکوه‌و دشت‌و جنگل‌و بیشه معتادند برای دفع دشمنان مردم‌آنجا و رفع اختلال وطن اصلی سرکار سلطنت‌مدار تعیین فرموده‌ایم و یقین داریم که خدمتکاران آنجا خود هم درین‌کار لازمهٔ اقدام و اهتمام خواهند نمود و درین اوقات‌که فصل حاصل‌گرگان‌است درالتزام موکب برادرکامکار اردشیرمیرزا روانه‌و در دفع مفسدین و تنبیه متمردین و قلع مادهٔ فساد ایشان از آن سرزمین اهتمامات لازمه معمول خواهند داشت بایدآنعالیجاه دراین باب اهتمام نماید و حسن‌جلادت و خدمتکاری خود را بیش از پیش مشهود رای همایون دارد و خود را زیاده منظور نظر شاهانه آورد و در عهده شناسد .

تحریراً فی شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۵۱ .

۷۶

فرمان محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای سید فضل‌الله استرابادی که بابت چهاردانگ‌و نیم قریهٔ الوکلاتهٔ استراباد- رستاق که درگذشته از املاک‌وقفی اجداد سید نامبرده بوده و در تاریخ صدورفرمان جزء خالصهٔ دیوان شده است ، بیست و پنج خروار شلتوک بوقر استراباد به رسم وظیفه و حق‌الارض به ایشان بدهند .

بسم‌الله تعالی شانهٔ‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار] [1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که چون از قرار فرامین سلاطین سلف انارالله برهانهم و شرح نوشتجات علما ومجتهدین استراباد و غیره چهار دانگ و نیم ازقریهٔ

۱ـ مهر محمد شاه قاجار با مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ۷۴ یادآور شدیم .

الوکالتهٔ استراباد رستاق کـه بخالصهٔ‌دیوان معمول است در قدیم‌الایام از املاك وقفی اجـداد عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات اکتساب سیـادت و سعـادت انتساب عوارف و معارف آداب آقـا سید فضل‌الله استرابادی پیشنماز مسجد جامع استرابـاد بوده و مراتب اهلیّت و استحقاق و مراسم سیادت و فضیلت عـالیجناب مشارالیه نیـز ظاهر و هویداست لهذا در هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل خجسته‌دلیل و ما بعدها مقـدار بیست و پنجخروار شلتوك بوقراستراباد از بابت مالیات قریهٔ مزبوره برسم وظیفه وحق‌الارض در وجه مشارالیه مستمرو برقرار فرمودیم که همه ساله بازیافت و صرف مخارج خود ساخته بتحصیل علوم و دعاگوئی دولت ابدملزوم مشغول بوده مقـرر آنکه حکام و عمال استراباد هرساله مبلغمزبور را در وجه عـالیجناب مشارالیه مهمسازی و بخرج استراباد ممضی دانسته مطالبهٔ فرمان مجدد ننمایند عالیجاهان رفیعجایگاهان عزت و جلالت دستگاهـان فخامت و مناعت اکتناهان مقربوالخاقان مستوفیان عظـام شرح فرمان مبارك را ثبت و از شوایب تغییر مصون دانسته و در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی ۱۲۵۱ .

۷۷

فـرمـان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) بـرای عبـاس‌خان ـبیگلربیگی استراباد ـ که ده‌یك شلتوك پنج‌دانگ میرمحله و شش‌دانگ چوپالانی‌را که موقوفهٔ سادات است‌به‌آقاسیدموسی‌و آقاسید تقی به حق‌الارض هرساله مهمسازی نماید .

[بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز]

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد کـه عالیجاه رفیع‌جـایگاه عزت و شهـامت‌همراه

۱ــ مهرمحمدشاه‌قاجار بامشخصاتی‌که ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ یادکردیم .

فخامت و مناعت اکتناه مجدت و نجدت دستگاه اخلاص و ارادت آگاه نتیجةالامراء-العظام مقرب‌الخاقان عباس‌خان بیگلربیگی استراباد بعواطف مترادف شاهانه قرین مفاخرت بیکرانه بوده بدانند که چون از قرار خاقان جنت‌مکان و موافق وقف‌نامجات و احکام علماء پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ از قریهٔ چوپلانی استراباد درستاق موافق فرامین سلاطین رضوان مکین از موقوفات سادات بوده و حسب‌الفرمان خاقان مغفور مقرر شده بود که دهیك محصول آن دروجه عالیجنابان سعادت و سیادت انتسابان آقاسید موسی و آقاسیدتقی بحق‌الارض هرساله مهمسازی شود لهذا مقرر میشود که بعداز آگاهی برحکم همایون از جمع دیوانی آنجا هرقدر شود عشر آن شلتوك را از بابت حق‌الارض هرساله مهمسازی سادات مشارالیهم نموده که بمصارف موقوفات رسانیده دعای خیر بجهت دوام دولت حاصل سازند البته حسب‌المقرر معمول و درعهده شناسد .

تحریرا فی شهرجمادی‌الثانی سنه ۱۲۵۱ .

۷۸

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰) برای عباس‌خان-بیگلربیگی استراباد-که علاوه برپنجاه تومان تبریزی نقد به‌صیغهٔ مواجب که در وجه حاجی میرزامحمدخان مقصودلو برقرار بوده مقدار دویست خروار شلتوك از بابت چهاردانگ قریهٔ سرخانکلاته در وجه ایشان برقرار شود .

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه مجدت و نجدت اکتناه خلوص عقیدت آگاه امیرالامراءالعظام عباس‌خان بیگلربیگی

۱- مهر چهارگوشهٔ محمدشاه قاجار با مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ یادکردیم .

استراباد بعنایات خاطرشاهانه قرین مفاخرت بیکرانه بوده بدانند که سابقاً مبلغ پنجاه تومان تبریزی نقد بصیغهٔ مواجب ازدیوان همایون اعلی دروجه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه اخلاص وارادت‌آگاه عمدةالخوانین حـاجی میرزا محمدخـان مقصودلو بـرقرار بـوده بنا برظهور خدمات شایان از مشارالیه و وفور مراحم خـاطر خورشید لمعان دربـارهٔ او از هذه‌السنهٔ میمونهٔ قوی‌ئیل خیریت تحویل و مـا بعدهـا علاوه برمبلغ مزبور مقـدار دویست‌خروار بوقر استراباد شلتوك از بابت چهاردانگ از قریهٔ سرخانکلاته را که محل سکنای طایفهٔ مقصودلو میباشد در وجه او بـرقرار داشتیم کـه هرساله بازیافت وصرف مخارج لازمهٔ خود نموده مشغول خدمتگذاری و جان‌نثاری باشد باید آنعالیجاه مقدار مزبور متوجهی قـریهٔ مرقومه را از مشارالیه مطالبه ننموده در عوض نانخانهٔ او مقرر دارد و تخلف و عدول از مدلول حکم مطاع جایز نشمرد عالیجاهان رفیعجایگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیـان‌عظام و عالیجاهـان رفیع‌مکانان کتّاب خیریت‌اکتساب دفاتر خلود شرح فرمان قضانشان مبارکرا در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده از شوایب تغییرات محروس دارند و درعهده شناسند .

تحریراً فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۵۱ .

۷۹

حکم حاکم استرابادکه حسب‌الفرمان محمدشاه قـاجار دویست خروار بلده شلتوك جمـع دیوانی چهار دانگ قریهٔ سرخان-کلاته را از سنهٔ قوی‌ئیل و بعداز آن از بابت عوض مواجب و نانخانهٔ میرزا محمدخان مقصودلو مرحمت و برقرار دارند .

حکم‌عالی‌شد   آنکه چون حسب‌الفرمان قدرنشان قضاتوأمان سرکار اقدس شهریاری چهاردانگ قریهٔ سرخانکلاته خالصهٔ دیوان‌اعلی‌که دویست خروار بلده شلتوك جمع

دیوانی آنجا میباشد در معاملهٔ هذه‌السنهٔ میمونهٔ قوی‌ئیل و مابعدها از بابت عوض مواجب ونانخانهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت وسعادت‌همراه خیرالحاج والفخام عمدة‌الخوانین‌العظام حاجی میرزامحمدخان مقصودلو مرحمت وبرقرارگردیده که عالیجاه خیرالحاج معظم‌الیه ازاین‌بعد قریهٔ مذکوره را مختص‌خود دانسته نهایت سعی‌واهتمام در توفیر و تکثیر زراعت آنجا بعمل آورده کلاً و طراً را صرف معیشت و مدارخود نموده درکمال آسودگی و مرفه‌الاحوالی بخدمت‌گذاری و جان‌نثاری سرکار اقدس شهریاری مشغول گردد لهذا مباشرین وعاملین امور دیوانی استراباد و استرابادرستاق قریهٔ مذکوره را مختص عالیجاه معظم‌الیه دانسته از حشو جمع خالصه موضوع و از هرجهت درتکالیف دیوانی قلم وقدم را از قریهٔ مذکورکوتاه وکشیده داشته بهیچوجه من‌الوجوه رجوعی بقریهٔ مذکوره وساکنین آنجا نداشته و ششدانگ قریهٔ مذکوره را مختص عالیجاه معظم‌الیه دانسته در اینخصوص قدغن لازم داشته درعهده شناسند .

تحریرا شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۵۲.

[جای مهر][1]

۱ـ مهرچهارگوشه با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده عباس » .

۸۰

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ــ ۱۲۵۰) برای عباس خان ــبیگلربیگی استراباد ــکه سرکردگی دستهٔ مقصودلو را پس از شهادت حاجی میرزا محمدخان مقصودلو به پسرش عبدالصمد خان مفوض کنند و مواجب و سایر مزایای پدرش را بدو دهند.

[بسم‌الله تعالی شأنه العزیز]

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه مجدت و نجدت اکتناه اخلاص و ارادت‌آگاه امیرالامراءالعظام عباس‌خان بیگلربیگی استراباد بوفور مراحم خاطر خطیر پادشاهی مباهی بوده بداند که درینوقت بعرض اقدس‌شهریاری رسیدکه حاجی‌میرزامحمدخان مقصودلو شربت شهادت چشیده‌برحمت ایزدی پیوست و از اینکه مرحوم مزبور از جمله خدمتکاران صداقت آیین و جان‌ــ نثاران ارادت قرین بوده در راه دولت جان خود را نثار نموده منظور انظار همیون و پیشنهاد خاطرعنایت مقرون آنست که هرگونه مرحمت و مکرمت دربارهٔ بازماندگان او مبذول داریم و انظار تربیت و عنایت برساحت احوالشان گماریم در هذه‌السنهٔ پیچی‌ئیل خجسته‌دلیل و مابعدها منصب سرکردگی دستهٔ مقصودلو را که بعهدهٔ مرحوم مزبور بود بعهدهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه صداقت و ارادت‌آگاه نتیجةالخوانین عبدالصمدخان ولد اوکه نوکر خدمتکار و جان‌نثار دولت پایدار میباشد مفوض و موکول فرمودیم و بدینموجب مواجب وغیره‌که دروجه مرحوم میرزا محمدخان مقرر بوده در وجه مشارالیه عنایت فرمودیم که همه ساله بازیافت

۱ــ مهرچهارگوشهٔ محمدشاه قاجار با مشخصاتی که درذیل فرمان ۷۴ یادکردیم.

از بابت مواجب	توفیر استراباد از بابت قریهٔ سرخانکلاته بعوض
۵۰ تومان	نان‌خانه موافق فرمان عالی چهار دانگ
	۲۳۰ دینار

و صرف مخارج نموده بلوازم خدمت مزبوره قیام واقدام نماید وحسن خدمت وجوهر کاردانی خود را در پیشگاه شهود شاهانه وضوحی مالاکلام دهد باید آن عالیجاه مشارالیه را سرکردهٔ دستهٔ مزبور دانسته او را درکار خود مستقل نماید و مواجب و تیول مرقومه را در وجه او مقرر دانسته حسب‌الامرمرتب دارد و رعایت جانب او را زیاده منظور نماید مقرر آنکه عموم دستهٔ مقصودلو عالیجاه مشارالیه را سرکردهٔ بالاستقلال خود دانسته از سخن و صلاح او تجاوز ننمایند المقرر آنکه عالیشانان کتّاب دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاترخلود ثبت‌و ضبط نموده درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۵۲ .

[برب‌الای حاشیهٔ دست راست مطالب زیر باخطی غیر از متن نوشته شده است :]

مقرر آنکه چون مراتب صدق بندگی‌وخدمتگزاری عالیشان عزت‌نشان‌امیرعلی‌بیگ نیز در نظر اولیای دولت قاهره ظهور دارد لهذا او را هم بنیابت عالیجاه مجدت‌همراه عبدالصمدخان برقرار و سرافراز فرمودیم که منصب نیابت سرکردگی دستهٔ مسطوره‌با عالیشان مشارالیه بوده لوازم خدمت محوله را بانجام رساند ودرعهده شناسد .

رقم فی‌التاریخ .

۸۱

حکم حاکم استراباد برای کربلائی نورمحمد که مبلـغ شانزده تومان طلب‌حاجی‌سیدمفید را از ابراهیم‌خان چاردهی وصول نموده تسلیم حاجی نمایـد و مقـدار چهارخروار غلـهٔ وظیفهٔ حاجی را به‌کسان حاجی داده قبض رسیدگی حاصل سازد .

[جای مهر][1] حکم‌والاشد آنکه عالیشان عزت و سعادت‌نشان اخلاص و ارادت‌ـ بنیان کربلائی نورمحمد بداند کـه از قراریکه معروض افتـاد جناب فضیلت مـآب فخرالحاج حاجی سید مفید مبلغ شانزده تومان وجه رایج از عالیجاه ابـراهیم‌خـان چاردهی مـوافق تمسك طلب دارد و مشـارالیه در ادای آن اهمالی دارد لهذا بـآن عالیشان مقرر می‌شودکه تنخواهرا از عالیجاه ابراهیم‌خان گرفته تسلیم کسان حاجی نماید چنانچه عالیجاه ابراهیم‌خان بسفر رفته باشد از اقوام و کسان مشارالیه حکماً تنخواه را گرفته بکسان حاجی بدهد ومقدار چهار خروار غله از بابت وظیفهٔ حاجی کـه مستوفیان سرکاری از بـابت سنهٔ ماضیه بخرج ابوابجمعی آن عـالیشان ممضی داشته‌اند از قرار معروض بجناب حاجی نرسیده است غلـهٔ مزبور رابکسان جنـاب حاجی داده قبض رسیدگی حاصل سازد و از بابت هذه‌السنهٔ پیچی‌ئیل هم مقدار چهار خروار غله‌کارسازی‌کسان جناب‌حاجی‌نموده وقبض‌الواصل‌حاصل‌نموده وهمان قبض‌را آورده در دفترخانهٔ[2] مبارکه براة صادر نماید البته از قراریکه مقـرر گشت معمول داشته کوتاهی و اهمال جایز ندانسته درعهده شناسند .

تحریرا شهر ربیع‌الاول ۱۲۵۲ .

۱ــ مهر چهارگوشه با سجع : « بهاءالدوله » در سطر بالا و کلماتی در سطر بالا و پایین که‌خوانده نمی‌شود ۲ــ اصل: دفتر خانه خانهٔ مبارکه .

۸۲

فرمان حاکم استراباد برای سید فضل‌الله استرابادی که از قوی‌ئیل و مابعدها مقدار بیست و پنج خروار شلتوك به وزن استراباد بابت چهاردانگ و نیم قریهٔ الوکلاته که در قدیم از املاك وقفی اجداد ایشان بوده و فعلا به خالصهٔ دیوان معمول است به‌رسم وظیفه و حق‌الارض مستمراً دریافت نماید.

حکم عالی شد که چون از قرار فرمان قضاجریان سرکارپادشاه جم‌اقتدارروحنافداه چهاردانگ‌نیم ازقریهٔ الوکلاته استرابادرستاق که بخالصهٔ دیوان معمول‌است وقدیم‌ـ الایام از املاك وقفی اجداد عالیجناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب معارفـ آداب‌آقاسیدفضل‌الله استرابادی بوده لهذا در معاملهٔ هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل خجسته‌دلیل و مابعدها مقدار بیست‌و پنج‌خروار شلتوك بوقر معمول استراباد از بابت مالیات مزبور برسم‌وظیفهٔ حق‌الارض‌دروجه مشارالیه مستمرو برقرار فرمودند که همه‌ساله بازیافت و صرف مخارج خود ساخته برکار باشد ازقرار فرمان مبارك برقرار داشتیم‌که همه‌ساله شالی مزبور را بازیافت کرده مایهٔ معاش‌نموده بدعاگوئی دوام دولت جاویدآیت شهنشاه عالم پناه مشغول باشد عالیجاهان رفیع‌جایگاهان مستوفیان دفترخانه شرح تعلیقه را در دفتر ثبت و ضبط نموده و از شوائب تغییر مصون دانسته درعهده شناسند.

شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۵۲ .

[جای مهر][1]

۱ـ مهرچهارگوشه باسجع : « افوض امری‌الی‌الله عبده عباس » .

۸۴

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ـ۱۲۵۰) برای عباس خان ـ بیگلربیگی استراباد ـ که مبلغ پنجاه تومان نقد و مقدار سیصد و پنجاه خروار شلتوك محال مذکور در متن را به تخفیف مقرر داند و میرزا سعدالله خان تخفیف مزبور را فراخور خرابی و شکستگی رعایای ابوابجمعی خود قسمت کند.

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که چون منظور نظر عدالت گستر شهریاری درآبادی بلاد و ترفیه احوال جمیع رعایا و عباد ممالك محروسهٔ ایران است لهذا نظر بخرابی و شکستگی محال فندرسنك من اعمال استراباد در معاملهٔ هذه‌السنهٔ میمونهٔ پیچی‌ئیل خجسته‌دلیل و مابعدها مبلغ پنجاه تومان نقد و مقدار سیصدو پنجاه خروار شلتوك بوقر استراباد از بابت متوجهات دیوانی محال مزبور ودهات مفصلهٔ

قریهٔ نوده بزرگ وکوچك	قریهٔ وطن	قریهٔ محله‌میر	قریهٔ‌مسله‌وار (؟)

خـانـدوز	بی‌آنچه در ثانی مقرر شدکه عالیجاه میرسعدالله‌خان تقسیم نماید

بلوك فندرسك کـه عالیجاه میرزا سعدالله‌خـان	قـریهٔ قانچی

بهر یك از دهـات کـه خرابـی بهمرسیده است	نقـــد	جنـــس

موافق حصه تقسیم نماید	۱۵ تـومـان	۱۰ خـروار

۱ـ مهر چهار گوشهٔ کلاهك‌دار محمدشاه بامشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ یاد کردیم.

نقــــــــــــد	جنــــــــــــس
از بـابت وجـه شلتوك	از بـابت غله و شلتوك
۳۵ تـومـان	۳۴۰ خـروار

بتخفیف مقرر فرمودیم که درهذهالسنهٔ مزبوره و مابعدها مباشرین امور دیوانی مبلغ و مقدار مزبور را از مالیات خود موضوع داشته بـاقی را از رعایا بازیافت دارند کـه جمیع رعایای محال مزبور مرفهالاحوال مشغول دعاگویی دوام دولت جاوید فرجـام بـاشند مقرر آنکه عالیجاه رفیعجـایگاه مجدت و نجدتهمـراه فخامت و مناعت انتباه جلالت و جلادت دستگاه امیرالامراءالعظام عباسخان بیگربیگی استراباد در معاملهٔ هذهالسنه ومابعدها مبلغ و مقدار مزبور را ازبابت مالیات محال مزبور بتخفیف مقرر دانسته بموجب همین فرمان مبارك بخرج ابوابجمعی خود مجری دانند عالیجاه رفیعجایگاه عزت و سعادتآگاه میرزا سعداللهخان تخفیف مزبور را فراخورخرابی و شکستگی رعایای ابوابجمعی خود سویّت و قسمت کنـد المقرر عالیجاهان رفیع‌جایگاهان مقربوالخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را دردفاتر خلود و دوام ثبت نموده از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در عهده شناسند .

حرّر فی شهرشعبانالمعظم سنه ۱۲۵۲ .

۸٤

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای میرزا عباس فندرسکی که موافق قرارداد ولیعهد مغفور مقدار پنجاه‌خروار شلتوك از بابت‌بلوك فندرسك به‌عنوان مستمری‌ازبیگلربیگی استراباد و ضابط بلوك مزبور بازیافت نماید.

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد آنکه چون عالیشان رفیع‌مکان سعادت و سیادت نشان اخلاص و ارادت ارکان مجدالاماثل و الاعیان میرزا عباس فندرسکی که از جملهٔ اعاظم واعیان فندرسك و خدمتگزاری و جان‌نثاری او درالسنه مکرر ومشهودو معلوم رای عاطفت اقتضای خدیوانه گردیده و نواب غفران‌مآب ولیعهد مغفور مبرور البسه‌الله حلل‌النورواسکنه‌الله فی‌دارالسرورخدمات اورا مقبول و مستحسن داشته‌اند لهذا محض مرحمت و عنایت خاطر خطیراقدس دربارهٔ مشارالیه موافق قرارداد ولیعهد مغفور مقدار پنجاه خروار شلتوك از بابت بلوك فندرسك دروجه اومستمرو مقرر داشتیم که درهذه‌السنهٔ میمونهٔ پیچی‌ئیل سعادت‌دلیل و مابعدها مقدار مزبوره‌را از قرار حکم جهانمطاع بازیافت داشته صرف مخارج خودکنند و زیاده برسابق بخدمت‌گزاری و جان‌نثاری مشغول شود مقررآنکه عالیجاه بیگلربیگی استراباد و ضابط بلوك مزبور همه‌ساله ازقرار فرمان خدیوانه معمول داشته مطالبهٔ فرمان مجدد ننمایند المقرر کتّاب سعادت‌اکتساب دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمان همیون رادردفاتر خلود ثبت وضبط نمایند درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۵۲ .

۱ــ مهر محمدشاه با مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ یادآور شدیم.

[برحاشیهٔ دست راست قسمت بالا:]

بمهر مبارك برسد .

[برحاشیهٔ دست راست قسمت وسط:]

مقدار پنجاه خروار شلتوك از قرار فرمان مبارك شاهنشاه مبرورالبسهالله حلل‌النور در وجه مرحوم میرزا عباس‌فندرسکی کتوج استرابادی‌آمد حال از قرار کتابچهٔ مبارکه در وجه عالیجاهان میرزا عبدالله‌خان و میرزا هدایت‌الله و میرزا فضل‌الله مقرراست و در هذه‌السنهٔ اودئیل بخرج استراباد منظور میشود .

۸۵

حکمی برای علی‌اصغرخان که دوازده خروار شالی آقاسید فضل‌الله و آقامیرتقی را از بابت باقی سنهٔ ماضیه که محمدحسین بیگ داشته‌است به‌ایشان مهمسازی نمایند .

حکم عالی شد که عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه علی‌اصغرخان بداند که از قرار نوشتهٔ سرکار بدیع‌الزمان میرزا بآنعالیجاه که موازی دوازده خروار شالی در وجه عالیجاهان آقاسید فضل‌الله و آقا میرتقی میباید کارسازی نمائید لهذا بعداز حصول اطلاع وآگاهی بر مضمون تعلیقهٔ رفیعهٔ عالی موازی دوازده خروار شالی را از بابت باقی سنهٔ ماضیهٔ قوی‌ئیل که عالیشان محمدحسین بیگ از بابت سلطان باقی داشت ازآن باقی دوازده خروار رابعالیجناب آقاسیدتقی‌مهمسازی نمائید ازقراریکه مقرر داشته‌ایم ازآن قرار معمولداشته تخلف نورزند درعهده شناسند .

شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۵۲ .

[جای مهری چهارگوشه ولایقرء]

۸۶
فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای عبدالصمدخان و اعطاء منصب غلام پیشخدمتی از ابتدای سنهٔ تخاقوی‌ئیل به‌او .

[بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز]

[جای مهر محمدشاه قاجار] [1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که چون‌عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت وسعادت‌همراه اخلاص و ارادت‌آگاه عبدالصمدخان در مراحل خدمتکاری و صداقت و مدارج بندگی و ارادت مراتب قابلیت خود را ظاهر ساخته ظهور مکرمتی نسبت باو ملزوم همت والانهمت ملوکانه افتاد لهذا در هذه‌السنهٔ تخاقوی‌ئیل سعادت‌دلیل اورا در سلك غلام پیشخدمتان منسلك و او را از اعطاء این منصب بین‌الامـائل والاقران سربلند و ممتاز داشتیم کـه از بذل این عنایت برمراسم خدمتگزاری خود افزاید مقرر آنکه عالیجاهان رفیع‌جایگاهان مجدت و نجدت‌همراهان عنایت و مناعت‌اکتناهان نبالت و بسالت انتباهان اخلاص و ارادت آگاهان مقربوالخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان جهانمطاع را در دفاتر خلود ثبت و ضبط‌نمایند و از شوائب‌تغییر وتبدیل مصون و محروس دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی ۱۲۵۳ .

۱ــ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دارمحمدشاه قاجار با مشخصاتی‌که ذیل فرمان شمارهٔ۷۴ نقل کردیم .

۸۷

فهرست سیدفضل‌الله مجتهد استرابادی و تقاضای تغییر محل دریافت مستمری و برقراری مستمری شخص متوفی‌ازنزدیکان خود را برای بازماندگانش .

فهرست اقل‌ساداة ودعاگوسیدفضل‌الله مجتهداسترابادی بتاریخ‌شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۵۵

سابقاً بخصوص مستمری‌که موجب مزید دعاگوئی است و ازینکار شاهنشاه عالم‌پناه و خاقان رضوان‌جایگاه فرامین مطاع در دست است مقدار هشتاد خروار شلتوك که از حشو جمع‌موضوع و ضرری بدیوان اعلی ندارد در وجه جمعی از سادات برقرار است وعاید دعاگویان نمی‌شود قبلزین مقربی‌الخاقان ایشیك آقاسی‌باشی و منشی ـ الممالك بخاكپای مبارك عرض كرده بودند استدعا آن‌است حکم جهان‌مطاع شرف صدور یابدکه از قریهٔ اوزینه یا بلوك‌سدن رستاق برقرارشود .

در باب یکصد تومان مستمری که قبل ازین عرضه داشت شده است و درآن فهرست حکم فرموده که از بابت متوفی بگذرد و آن فهرست اکنون ضبط است استدعا آن است که باین تفصیل وظایف متوفی

ورثهٔ مرحوم میرزاحسین منجم‌اصفهانی
۴۰ تومان

میرزاعبدالله‌ولدمرحوم‌میرزاعبدالواسع
۴۰ تومان

مرحوم میرزا عبدالوهاب طبیب
۴۶ تومان

مرحوم سید ابوالقاسم
۲۰ تومان

که در دست است دروجه این داعی دوام دولت قاهره وسه‌نفردعاگوی دیگرمرحمت و عنایت شود .

داعی دوام‌دولت قاهره	سید مهدی استرابادی
۹۰تومان	۱۶تومان

سید محمد و سید ابوالقاسم و سیدحسین‌کاشانی
۳تومان ۱۳تومان‌و سه‌هزار دینار[۱]

که باعث دعاگوئی[و]ازدیاد عمر و دولت و سلطنت قاهره خواهد بود و یادر اصفهان از بابت مستمری مرحوم میرزا جواد که بلاعقب است مقرر فرمائید که جمعی از بنی‌فاطمه مرفه‌الحال دعاگویانند امره‌الاشرف الاعلی مطاع .

[درحاشیهٔ سمت راست این فهرست مطالب زیراز دیوان اعلی نوشته شده است :]

چون میرمحلهٔ استراباد تیول عباس‌خان بیگلربیگی بوده وبر جنابان مغفور معلوم شد که وقف سادات است موافق فرمان‌حکم شد که هرسال عشرمحصول‌آنجارا حق‌الارض عاید سادات عالیدرجات نمایند و عشر از قرار جمع دیوانی شصت خروار و کسری است الوکلاته هم که من‌جمله املاك وقفی است قبلهٔ عالم روحنافداه بقرار ملاحظهٔ سجلات و نوشتجات وقف‌نامه موافق فرمان مبارك حکم شد سالی بیست و پنجخروار حق‌الارض بسادات موقوف‌علیهم بدهند این دو فرمان از دفترخانهٔ مبارک‌گذشته است و این کیفیت که به خاکپای مبارك عرض شد که مقرر داشته‌که باید از قرار فرمانها حق‌الارض را بدهند و استدعای جناب آقا سید فضل‌الله شده بودکه تبدیل بمحل دیگر شود که به اهالی خیرعاید شود

۱ـ سرجمع نمی‌خواند .

[ظاهراً باقی این مطالب برحاشیهٔ سمت چپ به‌این ترتیب آمده است :]
این فقره در حضور مبارك باتفاق منشی‌الممالك عرض شد مقرر فرمودند که از قرار فرمان خاقان‌مغفور مرحمت شود و استدعای تبدیل را که دیگر دارند . . .

۸۸

حکم خان‌خانان ـ حاکم استراباد ـ برای عمال و مباشرین و کلانتران بلوك استراباد که پنج دانگ میرمحله و شش دانگ مزرعهٔ چوپلانی را به‌آقا سیدفضل‌الله و آقاسیدمهدی واخوان ایشان متعلق بدانند و درآنها دخل و تصرفی نکنند .

حکم حاکم شد که از قرار صدور فرمان قضاجریان مبارك مطاع آفتاب‌شعاع‌حضرت همایون شهریاری روحی‌فداه‌پنجدانگ قریهٔ میرمحله وشش‌دانگ مزرعهٔ‌چوپلانی که متعلق بقریهٔ میرمحله میباشد ملك واقف و تولیت آنجا متعلق بعالیجنابان سیادت و نجابت‌انتسابان فضایل‌اکتسابان مجتهدالعصری آقا سید فضل‌الله و آقاسید مهدی و سایر اخوان ایشان میباشد لهذا بنابر امضی حکم جهانمطاع مقرر میداریم که عالیجاهان رفیعجایگاهان عمال و مباشرین وکلانتران بلوك استرابادرستاق یازده دانگ مفصلهٔ قریه و مزرعهٔ مزبور را متعلق بعالیجاهان سابق‌القاب دانسته دخل و تصرف ننمایند و بدست ایشان واگذارند و در عهده شناسند .

حرره فی‌شهرربیع‌الثانی ۱۲۵۵ .

[برحاشیهٔ دست راست از بالا به پایین درفاصلهٔ میان سطر اول و دوم:]
المقرر آنکه شرح مرقومهٔ متن را معمولداشته انحراف نورزند .

فی‌سنهٔ[۱] مزبور [جای مهر خان‌خانان][۲]

۱ـ این دوکلمه زیاد روشن نیست . ۲ـ مهرچهارگوشهٔ خان‌خانان که در وسط آن‌نام « خان‌خانان » به خط نستعلیق نقر شده و اطراف آن حاشیه‌ای گل و بوته‌داراست .

۸۹

حکم محمدناصرخان ـ حاکم استراباد ـ که‌ازابتدای‌سیچقان‌ئیل جماعت مقصودلو ساکن قریهٔ سرخانکلاته به‌جای دو نفر غلام تفنگچی یك نفر به‌طریق استمرار هنگام ضرورت‌کارسازی کنند .

حکم عالی شد که چون مکنون خاطر سرکار رفع تعدی و اجحاف از تمامی قراء و مزارع ولایت که درتحمیلات ستمشریکی فیمابین اهالی ولایت واقع نشده باشد از آنجاکه جمعیت وسکنهٔ قریهٔ سرخانکلاتهٔ مقصودلو با وجود ملازم دیوانی و صدمات اتفاقی قابل برقراری دونفر غلام تفنگچی مستمری ولایتی نبود در معاملهٔ هذاالسنهٔ سیچقان‌ئیل سعادت تحویل یکنفر غلام تفنگچی قریهٔ مزبوره را بتخفیف برقرارکه پس از این یکنفر غلام تفنگچی بطریق استمرار هنگام ضرورت و احضارکارسازی کنند مقرر آنکه عالیجاهان مستوفیان و عالیجاهان معلی‌مکانان کلانتر و مباشرین بلوك استرابادرستاق در حواله‌جات یکنفر غلام‌تفنگچی قریهٔ سرخانکلاته رابتخفیف دائمی برقرار دانسته و یکنفر را مطالبه و حواله دارند و در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۵۶ .

[جای مهر][۱]

۱ـ مهر چهارگوشهٔ محمدناصر که در وسط «عبده محمدناصر» و در حاشیه « بسمله و سورهٔ اخلاص» نقر شده است .

۹۰

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) برای محمدناصر خان ـحاکم استراباد ـکه دوقریهٔ میرومحله و چوپلانی راکه سید فضل‌الله مجتهد می‌گوید از موقوفات اجدادی اوست ودیگران بخلاف حساب تصرف کرده‌اند بگیرد و به‌تصرف ایشان بدهد تا حق‌التولیه و مداخل مـوقوفهٔ دهـات مذکور را صرف معیشت خود نماید.

[جـای‌مهـر][1]

مطاع[2] روز چهارشنبه بیست‌و پنجم شهر رجب‌المرجب مطابق‌سیچقان‌ئیل خیریت تحویل‌جناب مقدس‌القاب فضایل‌وکمالات‌اکتساب سیادت‌وسعادت‌انتساب آقاسیدفضل‌الله مجتهد بدیوانخانهٔ مبارکه عرض‌کردکه قریتین میرومحله وچوپلانی واقعه دراستراباد از موقوفات اجدادی ماست و از قرار استشهاد بمهر علما و فضـلا و فـرامین سلاطین صفویه و میرمحمدباقرداماد و جناب حجةالاسلام حاجی سیدمحمدباقر تولیت قریتین مذکورتین بما میرسد و دیگران بخلاف حساب دخل تصرف‌کرده بما نمیدهند لهـذا حکم از دیوانخانهٔ مبارکه صادر شد که عالیجاه رفیع‌جایگاه مقرب‌الخاقان محمدـ ناصرخان بحقیقت مراتب معروضه رسیده از قرار فـرامین و نوشتجـاتی‌کـه در دست عارضین است قریتین مذکورتین را در صورتیکه خالصه نباشد ازکسانیکـه بخـلاف حساب تصرف‌کرده‌اندگرفته بتصرف آنها داده‌که حق‌التولیه ومداخل مـوقوفهٔ دهـات مذکوره را صرف معیشت خود نمایند بدعاگویی دوام‌دولت جاویدعزت اشتغال دارندو

۱ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك کلاهك‌دار کـه نقش وسط آن شیری شمشیر به‌دست با خورشیدی بریشت‌او ودرکلاهك نیم دایرهٔ بالای آن تاج‌کوچکی است . ۲ـ این‌کلمه به‌شکل توقیع نوشته شده است .

ودرین باب اهتمام کامل معمول داشته و در عهده شناسند.

فی شهر مذکور سنه ۱۲۵۶ .

[برحاشیهٔ دست راست در مقابل دو سطر اول فرمان:]

مقرر آنکه اگر کسی را در باب قریتین مرقومتین در مقابل حرف شرعی بوده باشد طرفین را بمحضر احدی از امنای شرع انور که مرضی الطرفین باشد فرستاده که بمرافعهٔ شرعیه اقدام و آنچه شرعاً لازم آید معمول دارند و در عهده شناسند .

۹۱

حکم محمدناصر - حاکم استراباد - برای مباشرین قریهٔ سلطان‌آباد که سالی دوازده خروار شالی به آقا سیدفضل‌الله و ورثهٔ مرحوم آقا میرتقی طبق قرار ملک‌آرا وصاحب‌اختیار بدهند.

حکم عالی شد که مباشرین قریهٔ سلطان‌آباد بدانند از قراریکه نواب ملک‌آرا و صاحب‌اختیار برقرار ساخته‌اند سالی دوازده خروار شالی میباید به‌جناب آقاسید فضل‌الله مجتهد وورثهٔ مرحوم آقامیرتقی عایدشده باشد این اوقات نیز مجدداً نوشته‌جاتی داده‌اندکه همه ساله بایشان واصل شده باشد لهذا مقرر میداریم که برحسب نوشته‌جات لاحقه و قرارداد سابقه دوازده خروار شالی ساداة معزی‌الیهما راکارسازی نمایند و در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۵۶.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده محمد ناصر» وبرحاشیه باخط ثلثی که کرسی آن به طرف داخل مهر است ، « بسم‌الله‌الرحمن الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم یلدولم یولد ولم‌یکن له‌کفواً احد » .

۹۲

حکم محمدناصر - حاکم استراباد - برای قربانعلی آقای قاجار که دو قریهٔ میرمحله و چوپلانی که وقفی هستند به تصرف آقاسید فضل‌الله مجتهد که تولیت آن دو قریه به عهدهٔ اوست بدهند.

حکم عالی شد که چون از قرار فرمان قضاجریان مبارک مطاع آفتاب شعاع که از دیوانخانهٔ مبارک صادر و نافذ گشته است قریتین میرمحله وچوپلانی واقعه در استراباد از جمله موقوفات و تولیت قریتین مذکورتین با جناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات اکتساب سیادت و سعادت انتساب خلاصة السادات الاطیاب آقاسیدفضل‌الله مجتهد است لهذا برحسب امضای قضامضای منشور عطوفت دستور مقرر میداریم که متصرفی قریتین مذکورتین قراء مزبوره را به‌جناب معزی‌الیه واگذار که حق‌التولیة ومداخل موقوفه رامتصرف و صرف مخارج خویش نماید چنانچه احدی را در مقابل گفتگوی شرعی باشد آمده عن‌وجه شرع شریف اقدام نمایند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر رمضان‌المبارك سنه ۱۲۵۶ .

[جای مهر][1]

[بر حاشیهٔ دست راست:]

مقرر آنکه عالیشان قربانعلی آقای قاجار بطریقی که درمتن مرقوم ومقرر است رفته املاك مزبوره را بتصرف گماشتهٔ جناب معزی‌الیه داده هرگاه احدی را درمقابل گفتگویی است برداشته بحضور سرکار آورند که وارسی شده طی مایقال بعمل آید .

[جای مهر][2]

۱ و ۲ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده محمدناصر» وسایر مشخصاتی که در فرمان شمارهٔ ۹۱ ذکر کردیم .

۹۳

حکم حاکم استراباد که از ابتدای سنهٔ سیچقان‌ئیل سنهٔ ۱۲۵۶ پنج خانوار از سادات خدمتگزار امامزاده عبدالله را در قریهٔ خواسته‌رود از جمیع عوارض دیوانی معاف و مسلم بدانند.

چون از قرارفرامین پادشاهان صفویه انارالله برهانهم ومناشیر شهریاران سلسلهٔعلیه ابّدالله دولتیهم چندخانوار ازخدمتگذاران و خدّام مزارکثیرالانوار امامزادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم امامزاده‌عبدالله واقعه درقریهٔ خواسته‌رود ازقدیم‌الایام الی‌یومناًهذا از جمیع عوارض دیوانی معاف و مسلم بودند و بخدمات مزار و مرقد مطهر امامزادهٔ مسطور مشغول بودند لهذا در معاملهٔ هذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت‌دلیل سنهٔ هزار و دویست و پنجاه وشش هجری‌النبوی علی‌هاجرها آلاف‌التحیة والثناء ومابعدها بندهٔ درگاه خلایق امیدگاه و چاکر بارگاه سپهر اشتباه پنج خانوار از ایشان را بطریق سنوات سابقه از تکالیف دیوانی معاف و مرفوع‌القلم‌داشته مرقوم می‌نمایدکه‌عالیشانان کلانتران و مباشرین مهام بلوك استرابادرستاق و ضباط قریهٔ خواسته‌رود شیخ زین‌العابدین و چهارخانوار دیگر ایشان‌راکماکان معاف دانسته مزاحم احوال‌ایشان نگردیده‌گذارندکه فارغ‌البال بدعای دولت ابداتّصال پادشاه‌جمجاه روحی‌فداه اشتغال ورزیده بخدمتگذاری سرکار امامزادهٔ واجب‌التعظیم مشغول باشد باقی‌زیاده است.

۹٤

حکم محمدناصرخان ـ حاکم‌استراباد ـ که طبق فرمان محمدشاه قاجارهشتاد و پنج‌خروار شلتوك به‌وزن بلده از بابت مستمری دیوانی و حق‌الارض قریهٔ الوکلاته در وجه آقا سیدفضل‌الله مستمر و برقرار دارند .

حکم عالی‌شد که‌چون از قرار فرامین قضاتضمین سرکار عدالت‌مدار اقدس‌شاهنشاه جمجاه عالمیان‌پناه روحی و روح‌العالمین‌فداه ازقرارهشتادوپنجخروار[۱] شلتوك بوزن بلده از بابت مستمری دیوانی وحق‌الارض قریهٔالوکلاته

هشتادو پنجخروار

مستمری دیوانی از بابت میرمحله ...	از بابت حق‌الارض الوکلاتـه
شصت خروار	بیست وپنجخروار

در وجه جنـاب قدسی‌القاب قدوسی‌انتساب حقایق و معارف نصاب فضایل و فـواضل اکتساب خلاصةالساداةالاطیاب مجتهدالشانی آقاسیدفضل‌الله مدفضله مستمـر و برقرار است لهـذا در معاملهٔ هذاالسنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت‌تحویل بامضای قضامضای فرامین مبارك مطاع شهریاری مقرر می‌شودکه عالیجاهان مستوفیان مقدار مزبـور راکماکان بموجب صدور براة سرکاری مهمسازی و از شائبهٔ تغییر مصون و مبرّا دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی شهر شوال سنه ۱۲۵۶ .

[جای مهر] [۲]

۱ـ کلمهٔ «خروار» درمتن فرمان مکرر نوشته شده است . ۲ـ مهر چهار گوشهٔ محمدناصرخان باسجع : «عبده‌محمدناصر» ودر حاشیه‌ای « بسمله و سورهٔ اخلاص» .

۹۵

سواد فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ـ۱۲۵۰) برای سلیمان‌خان خان‌خانان ـ حاکم استراباد ـ که مقدار سی خروار شلتوك مستمری آقاسید فضل‌الله استرابادی و آقاسیدمهدی و آقاسیدمحمدعلی و آقاسید ابراهیم دو سال است نرسیده است . مستمری ایشان را به ایشان برسانند و دو مزرعهٔ وقفی چوپلانی و میرمحله را بـه تولیت آقا سیدفضل‌الله واگذارند .

عالیجاها رفیعجایگاهامجدت و نجدت‌پناه‌امیرالامراءالعظام مقرب‌الخاقان سلیمان‌خان خان‌خانان حاکم استراباد بداند ازقراریکه بعرض اولیای دولت قاهره رسید مستمری جناب‌فضائل وکمالات‌اکتساب عمدةالعلماءالعظام آقاسید فضل‌الله استرابادی ومستمری عالیجنابان سیادت‌انتسابان آقا سیدمهدی و آقاسید محمدعلی وآقا سیدابراهیم که از قرار فرمـان مبارك دروجـه‌آنهـا برقرار است دوسال است‌کـه نرسیده است وبعهدهٔ تأخیر افتاده است لهذابـآن عالیجاه امر و مقـرر میداریم کـه بعداز زیارت ملفوفهٔ فرمان همایون مستمری جناب‌معزی‌الیه رابا مستمری سایرسادات‌که مقدار سی‌خروار شلتوك است مـوافق فرمـان مبارك تمام وکمال کارسازی نموده تا بفراغت بدعاگوئی دوام دولت قاهره پردازند دیـگر دو مزرعهٔ وقفی که چوپلانی و میرمحله است تولیت آنهـا با جناب قدوةالعلماءآقاسید فضل‌الله میباشد بایدآنعالیجاه ازقرار احکام جناب سید اعلی[الله] مقامه و امضای حکم مرحوم حاجی محمدابراهیم وسایر علما چنانچه در زمان حکومت عـالیجاه محمدناصرخان مـزرعتین مزبـورتین در تصـرف جناب معزی‌الیه بود بازکماکان تولیت آنهارا بااو واگذارکرده قدغن دارد احدی بهیچوجه دخل و تصرف نکنند تـا مداخـل‌آنها را گرفته صرف تعزیه‌داری جنـاب سیدالشهدا

علیه‌السلام نماید عالیجاه [مأمور] وصول‌است‌که هم مستمری سادات را وصول وعاید دارد وهم منافع املاك مزرعتین مسطورتین‌را اخذ اقصر نموده باو برساند حسب‌الامر مرتب داشته درعهده شناسند .

فی شهرجمادی‌الثانی ۱۲۶۳ .[1]

۹۶

فـرمان محمدشاه قاجـار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) بـرای سلیمان‌خان ـ حاکم استراباد ـ که یکصد و پانزده خروار شلتوك مستمری آقا سیدمهدی و آقا سیدمحمدعلی و آقاسیدابراهیم را که در جزو وظایف استرابـاد به خرج شما آمده است به عهدهٔ تعویق گذاشته‌اند لهذا حاجی‌آقابیگ یوزباشی رابرای‌وصول وایصال مبلغ مزبور روانه می‌داریم ودر بارهٔ قراء وقفی چوپلانـی و میرومحله اگر کسی حرف حساب دارد به حـاکم شرع رجـوع کند

[illegible]

مقرّب الخاقانا فرزندا   جناب فضایل‌مآب قدوة‌العلماء و المجتهدین آقـاسید فضل‌الله استرابادی که همواره مورد الطاف غیر متناهی

۱ـ مطالب این فرمان کم وبیش بافرمان مورخ ۱۲۶۴ یکی است . درحاشیهٔ این سواد یکی دوگواهی است به این شرح: «سواد مطابق‌للاصل حرره اقل‌الطلبه (مهرناخوانا). سواد مطابق اصل است محمدلواسانی مهر«اللهم صل‌علی محمدوآل محمد» . السواد مطابق للاصل حرره اقل‌العبد(مهرناخوانا) .

از قرار تصدیق عالیجاه حاجی میرزا
مقیم که معلوم شما است مستمری
جناب سید یحیی شما آمده است
جزو دیناری آخر شما این است
که جناب سید عالم فاضل
کامل مقدسی را معطل نفرمائید

حضرت‌شاهنشاهی روحنافداه بوده و میباشد از قرار فرمان جهانمطاع مقدار یکصد و پنجاه خروار شلتوك وظیفهٔ مستمری درحق

دروجه عالیجناب‌معزّی‌الیه	در وجه سایر اربـاب	مستوفی میرمحمدرضا
هشتادوپنج خروار	ششصدوده خروار	سی‌خروار

ایشان وعالیجنابان آقاسیدمهدی وآقا سیدمحمدعلی وآقاسید ابراهیم برقرار است‌که در جزو وظایف استرابادبجمع شماآمده است از قراریکه مسموع شد ومکرر نوشته شد حال دو سال است‌که ندادهاند وبعهدهٔ تعویق گذاردهاند ظهور اینگونه‌اعمال‌خلاف رأی معدلت‌آرای اقدس‌شهریاری‌است لهذاعالی‌شان حاجی‌آقابیگ‌یوزباشی فراشخانهٔ مبارکه بـرای وصول وایصال مبلغ مزبـور روانــه داشت تا به ورود مشارالیــه بدون معطلی مقــدار مزبور را کارسازی نموده کــه مقضی‌المـرام معاودت کند و بــایشان برسانـد و همچنین در باب بعضی از املاك وقفی نظر بــاحـکام علمای عصـر و حکم همایون پادشاهی چندسال است‌که درتصرف جناب معزی‌الیه میباشد برمیآید کماکان در تصرف ایشان باشد این املاك دوقریهٔ چوپلانی و میرومحله است هر گاه احدی را

حرف حسابی باشد قدغـن نموده در خدمت سرکار حاجی مـلا محمدتقی قره‌بیگی[۱] از اهالی شرعمطاع طی گفتگو نمایند باوجود اطلاع آنفرزند چرا بایست در امورات معزی‌الیه اختلال رخ دهد البته بقرار اظهارات معمول دارد زیاده . . .[۲]

۹۷

حکم حاکم استراباد برای حاجی آقابیگ یوزباشی که ازطرف دیوان محصل است کـه دو قریهٔ وقفی چوپلانی و میر محله را از تصرف غیر درآورد و به تصرف آقا سیدفضل‌الله استرابادی بدهد .

حکم‌حاکم شد که ازقرار زیارت ملفوفهٔ فرمان‌مهرلمعان مبارك مطاع آفتاب‌شعاع و دستخط جناب‌آقائی سلمه‌الله‌تعالی دو مزرعه وقریهٔ وقفی‌چوپلانی ومیرمحله تولیت‌آن متعلق بجناب فضایل وکمالات انتساب محامد و معارف‌مآب‌آقاسید فضل‌الله استرابادی میباشد و باید احدی سوای جناب مـومی‌الیه در آنجا مداخله ننماید و نیز عـالیجاه عزت‌شان صداقت‌ارکان حاجی‌آقابیگ یوزباشی که از دیوان همایونی محصل است که قراءمزبوره را ازتصرف‌غیردرآورده بتصرف‌کسان جناب‌معزی‌الیه‌بدهدبناءً علی‌هذ[ا] امتثالاً لامرهالاعلی باید اهالـی و رعایا و ریش‌سفیدان قریهٔ میرمحلـه و چوپلانـی از قـرار حکم‌همایونی وصدور فرمان مهرلمعان آنجـا را متعلق بجناب معزی‌الیـه دانسته واگذار باو دانسته و از قرار مأموریت عالیشان مشارالیه قراء مرقـومه را در تصرف کسان جناب معزی‌الیه بدانند و تخلف از صدور فرمان مبارك مطاع ننمایـنـد درعهده شناسند .

تحریرا فی شهرربیع‌الثانی سنة ۱۲۶۴.

۱ـ در درست‌خواندن این‌کلمه شك داریم . ۲ـ یك‌کلمه خوانده نشد .

[برحاشیهٔ سمت راست این فرمان عبارات زیر نوشته شده است:]
مقرر آنکه شرح مرقومهٔ متن را معمولداشته انحراف نورزند .

فی شهر مزبور ۱۲۶۴ .
[جای مهر][1]

۹۸

دستور خان‌خانــان ــ حکمران استراباد ــ در باب ملك قــریـهٔ میرمحله ومزرعهٔ چوپلانی واختلاف سیدفضل‌الله‌استرابادی و عباس‌خان بیگلربیگی .

در باب ملــك قــریهٔ میرمحله و مــزرعهٔ چوپلانی جناب عمدةالعلماء آقاسیدفضل‌الله استرابــادی بسرکار عباس‌خان بیگلربیگی گفتگوئی داشت وسابقاً حکم دیوانخانــهٔ مبارکه صادر شده بود که درمحضر شرع جناب ملامحمدعلی شرعی نمایند و از قرار عریضهٔ سرکاربیگلربیگی ووکیل‌معزی‌الیه حاجی‌میرزاخانجان درحضور امنای دولت قاهره و رضا واستدعای طرفین نزاع ملکی میرمحله ومزرعهٔ چوپلانی درخدمت‌جناب خیرالحاج مجتهدالزمانی حاجی ملامحمدتقی بوکالت شرعی طرفین قطع گفتگــوی نمایند هر یك تخلف نمایند دخل و تصرف در ملك ننمایند که مــورد سیاست ابنای دولت باشند .

[جای مهر][2]

۱ـ مهرچهارگوشهٔ سلیمان‌خان‌بااین مشخصات‌است: حاشیهٔ‌بالا «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله احد. . . الخ» ودرمتن مهر«انه من‌سلیمان» .

۲ـ مهر چهارگوشهٔ کوچك با سجع : «عبده خان خانان» .

[برحاشیهٔ این فرمان عبارات زیر نوشته شده است :]

هوالله تعالی‌شأنه‌العزیز

در باب قـرارداد مرافعهٔ میرمحلـه با جناب قبله‌گاهی‌آقـا سیدفضل‌الله مقرب‌الخاقان قبله‌گاهـی بیگلربیگی کاغـذ علاهـده که نوشته‌ام برضـای طرفین وکلای ایشان در محضر جناب حاجی‌ملامحمدتقی استرابادی مرافعه بکنند آن کاغذ در نزد بندهٔ درگاه رحیم پیشخدمت ضبط است فی‌شهر جمادی‌الاول ۱۲۶۴ .

[جای مهر][1]

۹۹

حکم سلیمان‌خان‌خان‌خانان ـ حاکم استراباد ـ برای حاجی‌بیگ یوزباشی‌فراشخانهٔ مبارکه به‌عنوان‌محصل دومزرعهٔ چوپلانی‌و میرمحله را از تصرف غیر بیرون آورده و بـه تصرف آقاسید فضل‌الله استرابادی بدهد .

هو

حکم‌حاکم‌شد که عالیشان رفیع‌مکان‌عزت‌وسعادت‌شان صداقت‌ارکان فراشباشی...[2] مباهی بوده بداند ازقرارزیارت ملفوفهٔ فرمان مبارك مطاع وتعلیقهٔ رفیعهٔ جناب‌حاجی سلمه‌الله تعالی‌دومزرعهٔ چوپلانی ومیرمحله وقف‌وتولیت‌آنجا راکه برآنجناب سیادت‌و نجابت انتساب زبدةالفضلاء العظام آقاسید فضل‌الله است‌که باید همه ساله حاصل‌آنجا را دریافت ومنافع آن را بخرج جناب سیدالشهدا علیه‌الاف‌التحیه والثنا بـرسانید و نیز حسب‌الامر مقرر است که حاصل زمان گذشته تصرف غیرکسان جناب معظم‌الیه‌را گرفته وتحویل‌کسان ایشان نمایدبناءً علی‌هذاامتثالاً لامرهالاعلی بایدباتفاق عالیشان

۱ـ مهر چهارگوشهٔ کوچك با نام: «رحیم» .   ۲ـ یك‌کلمه خوانده نشد.

عزت و سعادت‌نشان صداقت و ارادت ارکان حاجی بیگ یوزباشی فراشخانهٔ مبارکه‌که محصل انجام این امر است رفته مزرعتین مزبورتین راتصرف و حاصل‌سنواة‌گذشته را از عالیشان رفیع‌جایگاه ملك‌کاظم که تصرف داشته تمام وکمال دریافت وتحویل و تسلیم‌کسان جناب سابق‌القاب نماید البته از قرارمرقوم معمول و مرتب داشته‌انحراف نورزیده در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاولی ۱۲۶۴ .[1]

[بر حاشیهٔ سمت راست این حکم درمقابل سطر اول مطالب زیر خوانده می‌شود :]

مقررآنکه شرح مرقومهٔ متن را معمولداشته انحراف نورزند .

فی‌شهر جمادی‌الاولی ۱۲۶۳ .

[جای مهر][2]

۱۰۰

فرمان محمدشاه‌قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰) برای سلیمان‌خان - حاکم استراباد- که مقدار سی‌خروار شلتوك مستمری آقاسیدمهدی و آقاسید محمدعلی و آقاسیدابراهیم را از قرار عمل دفترخانهٔ مبارکه به ایشان‌برساند و دو مزرعهٔ وقفی چوپلانی ومیرمحله را به تولیت آقا سیدفضل‌الله استرابادی واگذارد .

[محل مهرمحمدشاه قاجار][3]

عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه مقرب‌الخاقان سلیمانخان خان خانان و

۱ـ تاریخ مغشوش است . ۲ـ مهرسلیمانخان باسجع : « انه من‌سلیمان » و در حاشیهٔ‌آن: «بسمله‌وقل‌هوالله . . . الخ» . ۳ـ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهك‌دار محمدشاه‌قاجار باسجع : « السلطان‌بن‌السلطان محمدشاه‌غازی » و درکلاهك‌آن « هوا . . .»اطراف مهر با اسلیمیهای رنگین تزیین شده است و متن فرمان مجدول است و درحاشیهٔ سمت راست فرمان این عبارات خوانده می‌شود : «هوبمهرمبارك برسد» .

حاکم استراباد بداندکه از قرار فرمان مبارك و ثبت دستورالعمل مقـدار سی خروار شلتوك برسم مستمری در وجه عالیجنابان سیادت انتسابان آقـاسیدمهدی و آقـاسید محمدعلی وآقاسید ابراهیم برقرار است باید هر ساله بآنها برسد و بایدآنعالیجاه از قرارعمل دفترخانهٔ مبارکه مستمری مشارالیهم را داده تابفراغت وآسودگی بدعاگویی دوام دولت قاهره بپردازند و دیگر دو مزرعهٔ وقفی که چوپـلانـی ومیرمحله است و تولیت آنها با جناب فضایل‌مآب قدسی‌انتساب زبـدةالفضلاءالعظام آقـا سید فضل‌الله استرابادی میباشد باید آنعالیجاه از قرار احکام جناب سیداعلی‌الله مقامه و حاجـی محمدابراهیم رحمه‌الله و سایرعلما چنانچه درزمان حکومت عالیجاه محمدناصرخان مزرعتین مزبورتین در تصرف او بود باز کمافی‌السابق تولیت آنها رابجناب آقـاسید فضل‌الله واگذار داشته قدغن دارد احدی بهیچوجه دخل و تصرف نکند تـا منافـع و مداخل آنها را اخذ نموده صرف تعزیه‌داری جناب سیدالشهداعلیه‌التحیه والثنانماید عالیشان حاجی‌آقابیگ یوزباشی مأمور است‌که هم مستمری سادات را وصول وایصال دارد وهم منافع مزرعتین مسطورتین رابجناب معظم‌الیه عاید دارد میباید حسب‌الامر مرتب داشته درعهده شناسند.

فی‌شهر جمادی‌الثانی ۱۲۶۴ .

۱۰۱

عرضه داشت یکی از سادات در بارهٔ وقفیت دو قریهٔ میرمحله و مزرعهٔ چوپلانی و تصرفات دیگران در آن دو قریه و تقاضای فرمان شاهنشاه در این باره و دستورالعملی که دیوان اعلــی در بالای آن نوشته است .

عرض میشود   بدیوانخانهٔ مبارکه واولیای دولت قاهره که درسابق نظر بدهحکم

احقراساداة و خادم الشریعه

مجتهدین و اعیان از علما خصوص دو امضای حکم از دوثقةالاسلام مرحوم جنت‌مکان حاجی سیدباقر و مرحوم حاجی ابراهیم کرباسی اعلی‌الله درجتهما حکم محکم اقــدس شهریاری روحنافداه صادر شده بروقفیت دو ملك قریهٔ میرمحله و مــزرعهٔ چوپــلانی واقعان در استراباد و بمقتضای آن احکام فدوی دعاگویان و بنی‌اعمام تصرف نموده در شهر رجب‌المــرجب سنهٔ ۱۲۴۳ عریضه از عالیجاه عباس‌خان بیگلربیگی بخاکپــای همایون رسیدکه در ثانی باید در خدمت جناب ملا محمدعلــی اشرفی در استرابــاد شرعی نموده و پس از شرفیابی حضور مبارك و رضا و استدعای وکیل‌العالیجــاه التزام مذبور بخامهٔ مبارکه سپردند که طی‌سخن واتمام حرف شرعی در استراباد درنزدجناب شامخ‌الالقاب مزبور شود چون‌مدت هشت‌ماه‌عالیجاه‌عباس‌خان جرجان‌مدار شدبالشکر عظیم در استراباد بوده آنچه سعی نمود از جناب ملامحمدعلی‌حکمی برخواست خود بگیرد نتوانست ولهذا باز عریضه در شهر جمادی‌الاولی سنهٔ۱۲۶۴ رقمه‌ای‌ازعالیجاه مقرب‌الخاقان بخاکپای اقدس همایون رسید واستدعا حکم‌محکمی نمودکه طی‌سخن‌و حرف شرعی در باب دوملك در نزدجناب فضائل‌مآب مجتهدالزمانی حاجی‌ملامحمدـ تقی استرابادی شود و حکم آنرا ابتر دانند و آن عریضه در نزد مقرب‌الخاقان

آقامیرزا رحیم پیشخدمت ضبط است وپس ازاحضار فدوی و وکیل عالیجاه‌عباس‌خان و عریضه و استدعای خود سرکارخان طرفین نظر بحکم شفاهی و رضـا و استدعا راضی شدندکه در محضرآ نجناب در استراباد دعوی را تمام نموده و غوررسی شود طی‌سخن نمایند و حکم صادره ازآن مجتهد را سرکارخان حکم‌الله دانند وهریـك از طرفین تخلف نمایند در محضر آنجناب بخودنه وکیل خود حاضر نشود بایدمن‌بعد درآن‌دو ملك تصرف نکنند و بهمین‌نحو در حضور اقدس شاهنشاه عالم‌پناه روح‌العالمین فداه گذشت و حکم شرف‌صدور یافت‌که از دیوانخانهٔ مبارکه فرمان صادر شود تـا محصل عالیشان‌آقابیگ محصل سابق‌که‌کسی تخلف جائز ندارد حال قریب یکماه‌است استدعا از اولیای‌دولت و دیوانخانهٔ‌مبارکه شده است بطریقی‌که‌عرض شد و عریضه سرکارخان نوشتند فرمان مرحمت فرمایند جمعی از ساداة اولاد پیغمبر وعلی‌رشیدخان آسوده و دعاگوی باشند

باقی امرکم مطاع .

[بربالای این عرضه‌داشت با سطوری‌که کرسی آن باکرسی سطـور متن نود درجـه اختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده است :]

[جای مهر][1]

که چون در سال قبل عالیجناب سعادت و فضیلت‌مآب عارض با عالیشان حاجی میرزاخانجان برحسب‌حکم شفاهی‌اقدس همایون اعلی برضایت یکدیگر دردیوانخانهٔ مبارکه التزام ونسختین نوشتهٔ ممهور داشتندکه در باب ملکین مسطوریـن خدمـت جناب معالی‌القاب مجتهدان آقاملاعلی‌محمد اشرفی بمرافعهٔ شرعی طی‌گفتگو شود و

۱ ــ مهری چهارگوشهٔ کوچك کلاهك‌دار که نقش‌وسط‌آن شیری‌شمشیر به‌دست باخورشیدی برپشت او ودر کلاهك‌نیم دایرهٔ بالای‌آن تاج‌کوچکی است .

برطبق آن نیز درعنوان هریك شرحی در دیوانخانهٔ مبارکه مرقـوم افتـاده و درعشر آخر شهر ربیع‌الاول سنهٔ ماضیه عریضه ازعالیجاه مقرب‌الخاقان عباس‌خـان بخاکپای جهان‌آسای مبارك همایون آمدکه از زمان التزام الی حال هشت ماه است میگذرد و جناب ملتزم یا وکیل او هیچکدام بمرافعهٔ ملتزمه قیام ننموده و حسب‌الامر تعلیقه از دیوانخانهٔ مبارکه صادرشد که‌ملکین‌مزبورین در تصرف گماشتگان عالیجاه عباس‌خان بوده هرزمانی‌که جناب سید یا وکیل او بمرافعه حاضر و حکم برحقیقت او صادر شد احقاق حق شود وجناب سید ازکیفیت مطلع‌شده بشرف‌حضور مبارك حاضرشد معروض داشت‌که عرض عالیجاه عباس‌خان خلاف بوده بـا اینکه من دراین باب تعلیقه هم از جناب اجل اعظم افخم ملجاءالامم گرفته وکیل مـن بـا محصل بـرای تقدیم بتـرافع باسترا باد رفت عالیجاه مشارالیه‌اقدام بمرافعه نکرده و در ثانی تعلیقه برتنسیخ تعلیقهٔ عالیجاه عباس‌خان صادر شده و جناب سید برصدق عرض‌خود نقض نوشتجات‌هم ابراز داشته حکم همایون شرف‌نفاذ یافت که مجدداً از دیوانخانهٔ مبارکه حکمی‌براقدام و انجام مرافعهٔ ملتزمه صادر شود و شرحی مؤکد در انجام‌آن حسب‌الامراشعار شد وپس از وقوع مراتب مسطوره با عالیجاه عباس‌خان بعریضه‌بخاکپای مبارك عارض ومستدعی گرددکه مرافعهٔ مشارالیهمارا بمحضر جناب مجتهدالعصر حاجی‌ملامحمدتقی‌استرابادی موکول دارند و سیدمعزی‌الیه پس ازاطلاع این فقره راضی به تبدیل مرافعه درحضور مبارك اقدس همایون شده عریضهٔ مقرب‌الخاقان عباس‌خـان در نـزد عالیجاه مقرب ــ الخاقان میرزا رحیم پیشخدمت خاصهٔ شریعه ضبط افتاده نظربرضای طرفین مقرر آید که مشارالیهما یا خود و یا وکیل ایشان در محضر جناب فضـایل وکمـالات اکتساب شرایع ومحامد اداب کهف‌الحاج والکرام حاجی ملامحمدتقی امررا تمام نمایند لهذا در عشر ثالث شهر جمادی‌الثانیهٔ سنهٔ ۱۲۶۴ هجری مطـابق پیچی‌ئیل ترکی حکم از دیوانخانهٔ‌مبارکه‌صادرشدکه‌عالیشان‌حاجی آقا بیـگ‌یوزباشی برحسب‌حکم‌محکم‌شفاهی

اقدس همایون طرفین و یا وکیل مشارالیهما را بمحضر جناب سابق‌الالقاب حاجی‌ملا محمدتقی حاضر و پس ازترافع آنچه حکم شرعی ازآنجناب‌صادرگردیدقبول ومعمول داشته و تخلف و نکول نکرده حق‌بمن‌له‌الحق موصول‌گردد و چنانچه در ایندفعه هر کدام از طرفین بنای تسامح و تعلل و طفره راگذاشته بمحضر جناب معزی‌الیه‌بمرافعه حضور بهم نرسانیده امر را درعهدهٔ تعلل‌گذارند مالکین مزبورین بلانزاع‌آن‌دیگری متصرف شود و متمرد مورد مؤاخذه و سیاست اولیاء دولت جاهی گردد و در عهده شناسند .

تحریرا فی‌عشرآخرشهرجمادی‌الثانی‌سنه ۱۲۶۴ .

۱۰۲

حکم‌حاکم‌استراباد برای سررشته‌داران و مباشران‌اموردیوانی که مقدار سی‌خروار توفیر استرابادکه از بابت‌مستمری دیوانی در وجه سادات مستمر و برقرار بوده در معاملهٔ یونت‌ئیل و مابعدها نیز مستمر و برقرار دارند .

حکم‌عالی‌شد که چون از قرار فرمان قضاجریان شاهنشاه عالمیان پناه روحی و روح‌العالمین‌فداه و ثبت‌دستورالعمل مقدار سی‌خروار توفیر استراباد ازبابت‌مستمری دیوانی در وجه ساداةعظام‌که در ذیل تفصیل داده شده

جناب آقای سیدمهدی	جناب‌آقای‌سیدمحمدعلی	جناب‌آقای سیداسدالله
ده‌خروار	ده‌خروار	ده‌خروار

مستمر و برقرار است لهذا در معاملهٔ یونت‌ئیل‌خیریت‌دلیل و مابعدها به‌امضای‌فرمان قضاجریان مبارك شهریاری روحی‌فداه مقررمی‌شود که سررشته‌داران ومباشرین‌امور

دیوانی کماکان بموجب‌صدور پروانهٔ سرکاری از بابت آقـایان مهمسازی نمـایند و از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون و مبرّا دانسته در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمیدی‌الثانی سنه ۱۲۶۴.[۱]

[جای مهر][۲]

۱۰۳

فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴) برای عبدالصمدخان سرکـردهٔ دستهٔ مقصودلو کـه کمافی‌السابق عهده‌دار این منصب باشد و مواجب و مقرری خـود را طبق سنوات سابق دریـافت دارد .

[جای مهر ناصرالدین‌شاه‌قاجار][۳]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که چون برحسب فرمان شاهنشاه مبرورطاب‌الله‌ثراه منصب سرکردگی دستهٔ مقصودلو[۴] بعهدهٔ‌کفایت وجلادت عالیجاه مجدت و نجدت‌اکتناه عزت وارادت همراه نتیجة‌الخوانین عبدالصمدخان ولد مـرحوم حاجـی میرزامحمد مقصودلو مفوض و برینموجب مواجب و مقرری

۱ـ در درست‌خواندن این‌تاریخ‌شك‌داریم. ۲ـ مهرچهارگوشه‌باسجع: «الواثق‌بالله‌الغنی شاه‌رخ‌بن ابراهیم‌بن‌مهدی‌قلی» . ۳ـ مهر بزرگ چهـار گـوشهٔ کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه‌قاجار باسجع :

«تاکه دست ناصرالدین خاتم‌شاهی گرفـت صیت‌داد و معدلت ازمـاه تا ماهی گرفت»

و درکلاهك بالای‌آن «الملك‌لله تعالی» . ۴ـ دربالای نام «مقصودلو» که آخرسطر اول فرمان است، کلمات «صحیح‌است» ظاهراً به خط ناصرالدین‌شاه دیده می‌شود .

. . . . . از قرار . . . دریافت مینماید
. . . . . مبارك حاضر می‌شوند بوره
میگیرند راجع به استراباد ...
پنجاه تومان

توفیر استراباد ازبابت‌قریهٔ سرخانکلاته
چهاردانگ عوض نانخانه موافق‌فرمان
سابق
۲۳۰ دینار

از بابت استراباد درحق او مقرر بود ما نیز محض قابلیت و استعداد عالیجاه مشارالیه در اواخر هذه‌السنهٔ مبارکهٔ پیچی‌ئیل و مابعدها او را بمنصب سرکردگی نوکر مزبور سرافراز و مواجب و مقرری فوق را در بارهٔ او مرحمت وبرقرار فرمودیم‌که همه‌ساله موافق همین‌فرمان مبارك ازبابت مقرره دریافت نموده بامیدواری‌مشغول‌خدمتگزاری گردد مقررآنکه عالیجاه مقرب‌الخاقان امیرالامراءالعظام عباس‌خان بیگلربیگی و حاکم استراباد بنحو مقرر مرتب داشته بمباشرین دیوانی استراباد قدغن نماید که متعرض مقرری مشارالیه نشوند و مواجب او را برسانند محرران دفترخانهٔ مبارکه شرح‌فرمانرا ثبت نموده درعهده شناسند .

تحریرا فی ۲۲ محرم‌الحرام ۱۲۶۵ .

۱۰٤

حکم محمد ولی‌میرزا برای علی‌محمد ساکن کتول که درمعاملهٔ ایت‌ئیل و مابعدها نامبرده را از عوارضات حکومتی معاف و مسلم شناسند .

چون جهة ازدیاد عمر و دولت حضرت اقدس شهریاری روحی و روح‌العالمین‌فداه در معاملهٔ هذه‌السنه ایت‌ئیل مسرت‌دلیل و مابعدها عالیقدر علی‌محمد ساکن کتول را از عوارضات حکومتی معاف و مسلم نمودیم‌که[با]نهایت‌آسوده خاطری بامر زراعت‌و

فلاحت خود مشغول باشد عالیجاه رفیع جایگاه اخلاص و ارادت آگاه آقاخان کلانتـر بلوك کتول علی‌محمد اسیر شده وپریشان احوال است ازو مطالبهٔ صادریات وعوارضات نکنید ازقراریکه مرقوم رفت کوتاهی جایز ندارد درعهده شناسند.

شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۷ .

[جای مهر] [۱]

۱۰۵

حکم حاکم شرع ـ محمد تقی ـ در باب دهکده‌های چوپلانی و میرمحله که آنچه مرحوم مغفور حاجی ملارضا در بارهٔ این دو دهکده حکم کرده‌اند صحیح و نافذ است .

مخفی نماند که مرحوم مغفور حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه در باب چوپلانی ومیرمحله حکمی بمرحوم مغفور آقامیرموسی و اخویشان داده بود درایام حیات خود وآن حکم را حضرات در دست دارند مرحوم حاجی اعلی‌الله مقامه مجتهد نافذالحکم بودند و احکام ایشان معمول ... بود و از اهل حکم و فتوی بودند و احکام ایشان را نقص و مخالفت جایز نیست باید بمقتضای آن عمل شود ، مخالف عاصی و اثم است .

حرره الاقل ۱۲۶۷ .

[جای مهر] [۲]

۱ــ مهر چهارگوشهٔ محمدولی‌میرزا با سجع : «اتوکل‌علی‌الله عبده محمدولی» .

۲ــ مهر مستطیل شکل که این کلمات برآن خوانده می‌شود : «محمدالتقی امامی ..»

۱۰۶

حکم حاکم استراباد در بارهٔ معاف و مسلم داشتن قریهٔ روشن آباد از محال استراباد از بلوك سدن رستاق از جمیع عوارض و صوادر دیوانی محض احترام سادات عالیدرجات بنی مفید .

چون همواره منظور نظر چاکران دولت جاوید آیت علیه و مکنون خاطر جان نثاران حضرت گردون بسطت سنیه رفاه حال وفراغ بال عامه رعایا وکافه برایا بوده و میباشد بتخصیص در بارهٔ علمای اعلام و سادات عالیدرجات والامقام که زیاده برزیاده منظور رعایت و جانبداری در حال و هرجهت بایدنمود که باعث ازدیاد دعاگویان دولت قویشوکت قاهره و بقای وجود اقدس همیون اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاه جمجاه دین پناه خلدالله ملکه و سلطانه خواهد لهذا مطابق احکام حکام سابق استراباد محض احترام سادات عالیدرجات بنی مفید کثرالله امثالهم قریهٔ روشن آباد من محال استراباد از بلوك سدن رستاق راکه از املاك معزی الیهم میباشد درهذه السنهٔ لوی ئیل سعادت دلیل و مابعدها قریهٔ مزبوره را از جمیع عوارض و صوادر دیوانی قلماً و قدماً معاف و مسلم داش[تیم] که بعدهذا کمافی السابق بفراغت و آسودگی مشغول دعاگوئی باشند مقرر[آ]نکه میر بلوك سدن رستاق ازقرارمرقوم معمول داشته تخلف وانحراف جایز ندارد از قرار مرقوم مرتب دارد.

تحریرا فی شهر ربیع الاول مطابق ۱۲۷۳ .

۱۰۷

حکم شاهزاده ملك آرا ـ حکمران مازندران و استراباد ـ دربارهٔ وقف شناختن شش دانگ قریهٔ چوپلانی واقع در استراباد رستاق و از جزو جمع خالصه‌جات استراباد موضوع کردن و واگذاشتن آن به سادات تا محصول آنجا را بطریق وقف صرف معاش خود نمایند.

[جای مهر][1] حکم والا شد که چون از قرار فرمان قضا نظام مبارك سرکار اعلیحضرت قدرقدت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه که بر امضـای فرامین قـدرآئین خاقان مغفور و شاهنشاه مبرور البسهماالله حلل النور شرف اصدار یافته زیـارت شد ومطابـق نوشتجات واحکام علماء اعلام و برطبق وقف نامه‌جات معتبره شش دانگ قریهٔ چوپلانی واقعه در استرابادرستاق از املاك موقوفهٔ سادات عالیدرجات است موافق دستورالعمل دیوانی هذه السنهٔ استراباد همیشهٔ اوقات از جزوجمع خالصه‌جات استراباد موضوع بوده بوقفیت عمل میشد لهذا محض ملاحظه رعایت جـانب سادات عالیدرجـات و حصول دعاگوئی بجهة دولت ابدآیت سرکار اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شهریاری روحنافداه این رقم عتاب شیم برامضای فرامین قدرآئین مبارك و اجرای احکام شریعت طاهره در هذه السنهٔ پیچی ئیل خیریت دلیل صادر شده مقرر می‌فرمائیم کـه عالیجاهـان مجـدت همراهان احمدعلی خان وکلانتر ال حال و استقبال بلوك استرابادرستاق بمدلول فرمان شاهنشاه جمجاه روحنافـداه و بموجب انتصاب مستطـاب در قریهٔ چوپلانی بهیچوجه مداخله ننموده قدغن نمایند احدی مزاحم احوال سادات عالیدرجات نشده کمافی السابق درتصرف ایشان بوده متوجه زراعت وفلاحت خود بوده محصول آنجا را بطریق وقف و

[1] ـ مهر چهارگوشهٔ ملك آرا که این کلمات باخط خوش نستعلیق برآن خوانده می‌شود: «شاهزاده ملك آرا حکمران مازندران و استراباد».

شروط واقف همه ساله معمول‌داشته صرف معاش خودنمایند بهیچ اسم ورسم دیناری‌از ایشان مطالبه و دریافت نکرده تا بفراعت بدعاگوئی ذات مقدس اعلیحضرت ظل‌اللهی مشغول باشند حسب‌الامر مرتب و معمول داشته در عهده شناسند .

فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۷۶ .

۱۰۸

دستور شاهزاده ملك‌آرا به‌محمدصادق‌خان که رعایای کلاجان یك‌نفر نوکردارند و خانواری او را هم می‌دهند . خانواری نوکر مفقودالاثر قزانچائی که دو خروار است و از ایشان خواسته‌اند نباید بدهند .

[جای‌مهر] [1] عالیجاه صداقت آثار محمدصادق‌خان از قراریکه رعایای کلاجان از طایفهٔ مازندرانی مشهور مذکور یك‌نفر نوکر دارند خانواری او را هم می‌دهند آنعالیجاه خانواری نوکر مفقودالاثر طایفهٔ قزانچائی را هم‌که دو خروار است ازآنها مطالبه مینمایند اینظلم را چرا باید بآنها روا دارید هرگاه طایفهٔ قزانچائی مفقودالاثر شده نوکرش را عوض‌گرفته‌اید در هرجا عوض‌گرفته‌شد ازعهدهٔ خانواری برآید و اگر سایر اهالی این ده خانواری را ندهند غیر ازطایفهٔ ... [2] خود را بانوکر خودشان داده‌اند ساکنین‌آن قریه دو خروار خانواری نوکرراکه مفقودشده درعوض‌گرفته‌اند بایدبدهند والا خود نوکر هم ازآنها مطالبه می‌شود طایفه مار ... [3] یك‌نفر نوکر حق دارند با دو خروار خانواری او زیاده مطالبه نشود از قرار مرقوم معمول داشته در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمیدی‌الثـانیه [4] سنه ۱۲۷۶ .

۱ــ مهر چهارگوشهٔ‌کوچك ملك‌آرا که بر آن فقط «ملك‌آرا» نقر شده است .

۲ و۳ــ یك‌کلمه خوانده نشد . ۴ــ در درست خواندن نام ماه شك داریم .

۱۰۹

فرمان ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ ـ ۱۲۶۴) درمورد قریهٔ چوپلانی واقع در استرابادرستاق که شش‌دانگ این قریه از املاک موقوفهٔ سادات است از جزو جمع خالصجات استراباد موضوع کنند و به وقفیت عمل نمایند .

[جای مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][1]

[الملک‌لله تعالی حکم همیون شد] که چون از قرار فرامین خاقان مغفور شاهنشاه مبرور البسهماالله تعالی حلل‌النور ومطابق‌نوشتجات واحکام علماء اعلام برطبق وقف‌نامجات معتبره شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی واقعه در استرابادرستاق از املاك موقوفهٔ سادات عالیدرجات است و همیشه از جزو جمع خالصجات استراباد موضوع بوده بوقفیت عمل میشد لهذا محض عطوفت و مرحمت درحق سادات عظام مقرر میفرمائیم که از ابتداء هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل خیریت‌دلیل و مابعدها کمافی‌السابق معمول بوده قریهٔ مزبوره را بتصرف حضرات سادات عالیدرجات واگذار نمایند بهیچوجه من‌الوجوه احدی درآنجا مداخله ننمایدکه سادات عظام‌خودمتوجه زراعت وفلاحت‌آنجا بوده و در مقام معموری وآبادی قریهٔ مزبوره برآیند و محصول آنجا رابطریق وقف وشروط واقف معمول داشته صرف نمایند و آسوده خاطر و فارغ‌البال بدعای دوام دولت ابد‌مدت قیام و اقدام دارند المقررآنکه حکام و مباشرین حال و استقبال دارالمؤمنین استراباد قدغن کامل نموده‌که حسب‌المقرر معمولداشته احدی مزاحم و متعرض‌احوال آنها نشده بهیچوجه من‌الوجوه مداخله در قریهٔ مزبوره ننمایند و از همه جهت قلم و قدم‌کوتاه دارند و انحراف ازحکم همایون شهریاری جائز ندارند عالیجاهان‌کتّاب

[1] ــ مهر چهارگوشهٔ بزرگ کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه با مشخصاتی‌که درحاشیهٔ‌فرمان شمارهٔ ۱۰۳ ذکرکردیم .

سعادت انتسابان دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاترخلود و دوام ثبت و ضبط نموده از شوائب تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند وگذارند که با فراغت و آسودگی مشغول دعاگوئی ذات خجسته‌صفات مقدس بوده در عهده شناسند.

تحریرا شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۷۶.

۱۱۰

فرمان ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) برای عبدالصمدخان سرکرده که ریاست ودارائی‌طایفهٔ اغورجلی‌را ازسنهٔ‌لوی‌ئیل‌و مابعدها به عهده بگیرد و مالیات را وصول کند و در حضور حکام در عوض مواجب نوکر مقصودلو و فخرعمادالدین و استرابادرستاقی کارسازی دارد.

[محل توقیعی به‌شکل مهر][1]

[جای مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][2]

الملك‌لله حکم همیون شد اعلیحضرت اقدس اشرف‌همایون ما ملاحظهٔ خدمات و صداقت عالیجاه عبدالصمدخان سرکرده را نموده ریاست و دارائی طایفهٔ اغورجلی را از هذه‌السنهٔ لوی‌ئیل و مابعدها درعهدهٔ‌کفایت او مفوض فرمودیم‌که مالیات را وصول نموده در حضور حکام درعوض مواجب نوکر مقصودلو و فخرعمادالدین واستراباد-رستاقی‌کارسازی داشته قبض‌حاصل نماید و مبلغ یکصدتومان ازبابت منافع اغورجلی

۱ـ مهری با حواشی تزیینی‌که در وسط‌آن: «الملك‌لله فرمان همیون ۱۱۸۵» با مرکب سیاه خوانده می‌شود و نشان می‌دهدکه این کلمات حك شده‌اند و نقر نبوده‌اند.

۲ـ مهرچهار گوشهٔ‌کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه با مشخصاتی‌که در حاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۱۰۳ یادکردیم.

که در هذه‌السنه علاوه برمالیات شده است بصیغهٔ اضافه مواجب درحـق او مرحمـت فرمودیم مقررآنکه حکام حال و استقبال ولایت استراباد حسب‌المقـرر معمول دارند المقرر مقربوالخاقان مستوفیان عظام شرح فرمـان همایون را ثبت دفاتر خلود نموده در عهده دانند .

شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۸۵ .

۱۱۱

حکم سلیمان‌خان یوزباشی و کـلانتر بلـوك فخرعمادالدین بـه ولی‌خان که کاه‌وکلش دهکدهٔ چوپلانی را داخل حواله ننمایـد چنانکه سال قبل هم داخل حواله نبوده است .

هو

عالیجاه مجدت همراه ولیخان را مرقوم میدارد که در باب حوالهٔ کاه وکلش که بـه چوبلانی آدم فرستاده‌اید اولاً چوبلانی داخل در بلوك فخرعمادالدین نبوده و ثـانی این دهکده متعلق به آقایان سادات و نواب والانظام‌العلماء میباشد باید در این باب او را داخل حواله ننمائید همچنانکه پارسال‌هم داخل‌نبوده است البته متعرض شوید حسب‌المرقوم معمول دارید .

۱۸ شهرجمادی‌الاول ۱۲۸۸ .

[جای مهر] [1]

۱ـ مهر بزرگ بیضی سلیمان‌خـان با سجع : «عبده‌الراجی سلیمان» .

۱۱۲

حکم سلیمان‌خان یوزباشی و کلانتر بلوك فخرعمادالدین برای مباشران امور دیوانی استراباد که محمدکاظم و احمد را که از احفاد درویش حسین و درویش الله‌داد هستند متولی امامزاده عبدالله بدانند و موقوفات آنجا را با هفت خروار مال‌الاجارهٔ آب وقفی به‌ایشان واگذارند .

هوالله تعالی شأنه

عالیجاهان مجدت و نجدت همراهان مباشرین امور دیوانی استراباد را عموماً و بلوك استرابادرستاقرا خصوصاً قلمی و مرقوم میشود که چون از قرار فرامین‌قضاآئین ملوك نامدار و پادشاهان تاجدار و سلاطین باعز و تمکین و جواقین جنت‌بسکینی از زمان سلطان حسین‌بایقرا وصفویه انارالله برهانهم تاعصرخاقان مغفور البسه‌الله من‌حلل‌النور تا اینزمان امر تولیت و خدمت آستانهٔ مقدسهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم شاهزاده عبدالله واقعه درخواسترود با درویش حسین ودرویش الله‌داد و اولاد و احفاد ایشان بوده‌لهذا بمتابعت فرامین مطالعه از هذه‌السنهٔ میمونهٔ قوی‌ئیل خیریت‌تحویل ومابعدها کماکان تولیت‌آستانهٔ‌متبرکه رابعالیجاهان محمدکاظم واحمد واگزار نمودیم میباید مشارالیهم را متولی‌آستانهٔ مقدسه دانسته موقوفات آنجا را با هفت‌خروار مال‌الاجارهٔ آب وقفی که از دیوان همیون اعلی در جزو دستورالعمل مرحمت میشود واگزار و عاید سازند که آسوده خاطر بخدمت آستانهٔ مقدسه و دعـای دوام دولت‌ابدمدت اشتغال نمایند و تخلف جایز ندارند .

فی‌پنجشنبه‌یازدهم شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۸۸ .
[جای‌مهر][1]

۱ــ مهر بیضی‌بزرگ سلیمان‌خان باسجع :«عبده‌الراجی سلیمان ».

۱۱۳

حکم سلیمان‌خان یوزباشی و کلانتر بلوك فخرعمادالدین برای محمدرحیم یوزباشی که بده‌کدهٔ چوپلانی رفته و رسیدگی کند اگر اربابان مرزنکلائی نهر جدیدی در اراضی آن احداث کرده‌اند آنرا پر کنند و مزاحم و متعرض اهالی آنجا نشوند .

هو

عالیجاه‌عزت همراه ارجمندی محمدرحیم‌آقای یوزباشی‌را قلمی می‌شود ازقراریکه عالیجناب سلالة‌الاطیاب آقا میرمحمدعلی مذکورنمود اربابان مرزنکلائی و غیره در ملك چوبلانی عالیجناب معزی‌الیه نهر جدیدی در هذه‌السنه احداث‌کرده‌اند لهذا بآنعالیجاه قلمی میشود که خود رامأمور دانسته بقریهٔ چوبلانی‌رفته تحقیق ورسیدگی نموده هرگاه واقعاً نهرجدیدی‌کنده شده است از قرار همین تعلیقه نهر مزبور را پر نموده و قدغن نمائیدکه بعدالیوم مزاحم و متعرض نشوند البته از قراریکه قلمی شده است تخلف نکرده حسب‌المرقوم معمولداشته .

فی شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ .

[جای مهر][1]

۱ــ مهر بیضی‌بزرگ سلیمان‌خان‌با سجع :«عبده‌الراجی سلیمان».

۱۱۴

فرمان ناصرالدین‌شاه‌قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴) برای حاکم‌استراباد که یکصد خروارخانواری دیوانی عبدالصمدخان مقصودلو را جنسی و مابقی را از قرار خرواری یك‌تومان نقدی بدهند .

هو

عمدةالامراء العظاما برادرمهربانا شرحی ازمراتب جان‌نثاری عالیجاه‌عبدالصمدخان مقصودلو بعرض اولیای دولت قاهره رسانیده استدعا نمودید که خـانواری دیـوانـی مشارالیه که موافق معمول‌کلیه از قرار خرواری یك تومان مسعّـر است جنسی داده شود برحسب امر قدر قدرت همایون مقررگردیدکه‌یك‌صدخروارآن جنسی‌مرحمت و مابقی‌کمافی‌السابق از قرارخرواری یك‌تومان نقدی داده شود لهذا مرقوم می‌شود که ازهمین قرارمعمول داشته بخرج محاسبهٔ خود مجری دانید ومشارالیه را ازظهوراین مرحمت مطلع سازیدکه باکمال امیدواری مشغول تقدیم خدمات دیوانی و جان‌نثاری بوده باشد .

فی شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۹۰ .

۱۱۵

حکم‌حاکم استرابادکه طبق فرمان‌ناصرالدین‌شاه قراءگرجی‌محله و یساقی وکلاجان از محال سدن‌رستاق بغیر از بدهی نوکر که موافق معمول باید بدهند از عوارض و صادریات دیوان همایون معاف و مرفوع‌القلم باشند .

از قرار رعایت فرمان جهانمطاع شاهانه سرکار اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همیون شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران ولی‌نعمت کل روح‌العالمین‌فداه و فرامین دیگر از خاقان خلدآشیان مبرورالبسه[۱] حلل‌النور قراء گرجی‌محله و یساقی و کلاجان من‌محال سد[ن]رستاق بغیر از بدهی نوکرکه موافق معمول باید بدهند ازعوارض و صادریات دیوان همیون اعلی معاف ومرفوع‌القلم میباشد مانیزامتثالاً لامرالاعلی قراء مزبور را از صادریات و عوارض سوای بدهی نوکر معاف و مسلم داشتیم و مقرر میداریم عالیجاهان‌کلانتران‌حال واستقبال‌بلوک‌سد[ن]رستاق قراء مزبور ازعوارضات دیوانی معفو دانسته حسب‌المرقوم از مدلول رقم تخلف نورزیده در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۹۶ .

۱ــ ظاهراً کلمه «الله» در بالای فرمان بوده و در عکس نیامده است .

۱۱۶

فرمان ناصر الدین‌شاه‌قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) بـرای سلیمان‌خان - یوز باشی و کلانتر بلوك فخرعمادالدین-که قریهٔ چوپلانی‌را کمافی‌السابق ازصادرات وعوارضات و تحمیلات دیوانی معاف و مرفوع‌القلم بدانند .

عالیجاه عزت همراه سلیمانخان یوز باشی وکلانتر بلوك فخرعمادالدین را قلمی‌مرقوم میشود که چون از قرار فرامین سلاطین با عزتمکین و احکام حکام سابق استراباد قریهٔ چوبلانی که‌متعلق بآقایان‌سادات‌عالیدرجات‌است‌ازصادرات وعوارضات وتحمیلات دیوانی‌معاف ومرفوع‌القلم بوده‌است‌وجه ودیناری‌از صادرات‌دیوانی و حکومتی بقریهٔ مزبورحواله‌نمیشد لذامینویسد که قریهٔ مذکوره راکماکان ازجمیع صادرات‌دیوانی و حکومتی معـاف و مسلم داشتیم میباید در وقت صادر و عوارض و تحمیلات مزاحم و متعرض قریهٔ مزبوره نشده بگذاریدکه فارغ‌البال مشغولدعاگوئی وجود مبارك سرکار اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شاهنشاه‌جمجاه روحی و روح‌العالمین باشند و از مدلول این حکم تخلف نورزیده تمرد را مورد مؤاخذه دانند .

فی‌شهر شعبان‌المعظم توشقان‌ئیل خیرت‌تحویل ۱۲۹۶ .

۱۱۷

حکمی برای محمدابراهیم خان وسلیمان خان یوزباشی کـه آب قنات وشیوارسادات چوبلانی راکمافی‌السابق بایشان واگذارند و کمافی‌السابق که می‌بردند ، اکنون‌هم ببرند .

عالیجاها[ن] عزت‌همراهـان محمدابراهیـم خان وسلیمـان خان یوزباشی را قلمی میشود ازقراریکه آقایـان سادات چوبلانی اظهار داشتند آب قناة وشیوار متصرفی آنها را میبردند وموافق احکامات شرع وعرفی‌که دردست دارند شیوار وقناة متصرفی آنهاکمافی‌السابق‌که میبردنـد اکنون‌هم‌ببرند لهـذا مینویسدکـه بموجب این حکم بقنات وشیوار آنهـا رجوع نداشته واینهـا ازسادات اجله و خانه‌وادهٔ بزرگی هستند رعایت‌آنها برهرکسی لازم‌است البته ازقرارمرقوم تخلف نکنید .

تحریرا فی‌شهررجب‌المرجب سنه۱۲۹۷.

[برحاشیهٔ سمت راست این‌حکم با قلم دیگر این مطالب نوشته شده‌است :]

عالیجاهان

قطع دارم شما دونفرمرتکب اینگونه‌کارها نمی‌شوید بعضی‌ها ازشماها شاید بی‌قاعده رفتارنمایند ازقرارنوشتهٔ مرحوم‌مغفورآقاملامحمدرضای . . . .[1] طاب‌الله‌ثراه وحکم امیرالامراءالعظام صاحب‌اختیارمثل‌سنوات‌سابق متعرض‌آب سادات عظام[نشده]قدغن نمائید نسبةً بآب چوبلانی ابداً مداخله‌کسی نکند.

فی ۸ شهر رجب ۹۷ .

۱ ــ یك‌کلمه خوانده نشد .

۱۱۸

حکم حاکم استراباد برای سلیمان‌خان یوزباشی و کلانتر بلوک فخرعمادالدین که برحسب فرامین و احکام‌حکام قریهٔ‌چوپلانی که متعلق به‌سادات است ازسنهٔ قوی‌ئیل ومابعدها از صادریات و عوارض دیوانی معاف‌ومرفوع‌القلم بداند.

برحسب فرامین‌مطاع‌و احکام حکام قریهٔ چوبلانی‌که متعلق‌بحضرات آقایان‌سادات‌عظام است ازصادریات‌دیوانی‌وتحمیلات معاف‌بوده‌اند‌این‌جانب‌هم‌رعایتاً لهم در هـذاالسنهٔ قوی‌ئیل خیرت‌دلیل ومابعـدها قریهٔ مزبوره را ازصادریات وعوارض دیوانی معاف و مرفوع‌القلم نموده وبعالیجاه مجدت‌همراه سلیمــان‌خان یوزباشی وکلانتربلوک فخر عمادالدین مرقوم می‌شودکه حسب‌المقررمعمولدارد .

تحریرا شهررجب‌المرجب سنه ۱۳۰۰ .

۱۱۹

حکم حاکم استراباد برای کلانتران بلوك استرابادرستاق کـه قریهٔ دودانگه راکه متعلق به سادات است ازصادریات وعوارض دیوانی معاف و مرفوع‌القلم بدانند .

چون برحسب احکام حکام سابق استراباد که ملاحظه شد قریهٔ دودانگه که جزو بلوك استرابــادرستاق و متعلق بسادات عظام میباشد از کلیـهٔ صادریات و عوارض معاف و مرفوع‌القلم بوده است‌لهذاااینجانب‌هم محض رعایت حال سادات عالیدرجات ورعایای قریهٔ مزبوره و اشتغال بدعاگوئی ذات‌ملکوتی صفات بندگان‌اعلیحضرت اقدس‌همایون شهریــاری ارواحنافداه قریــهٔ دودانگه را معاف داشته مرقوم میدارد که عالیجاهان

کلانتران حال و استقبال بلوك استرابادرستاق قریهٔ مزبوره را معـاف و مسلم دانسته صادر و عوارض تحمیل آنها ننمایند .

فی شهر ربیع‌الثانی ۱۳۰۷ .

۱۲۰

حکم حاکم استراباد بـرای کـلانتران بلوك سدن‌رستاق کـه دهکده‌های یساقی و گرجی‌محله و کلاجان را که متعلق به حاجی آقامحمدحسن است ازجملهٔ صادریات وعوارضات‌دیوانی معاف و مسلم دانند .

ازقرار تعلیقجات و احکام حکام سابق استراباد که ملاحظه شد قراء یساقی وگرجـی‌ـ محله وکلاجان‌که متعلق بجناب‌مستطاب‌سلالةالسادات‌الاطیاب حاجی‌آقامحمدحسن‌از جملهٔ صادریات و عوارضـات معـاف و مسلم میباشند لهذا این‌جانب هم محض مزیـد دعاگوئی ذات مقدس‌صفات بندگان اعلیحضرت قدرقدرت اقـدس همـایون شاهنشاهی ارواحنافداه دهات فوق را از جملهٔ عوارضات وصادریات معاف داشته مـرقوم میدارد که عالیجاهان مجدت‌همراهان کلانتران حال و استقبال بلـوك سدن‌رستاق سه قـریهٔ مزبوره را معاف داشته متعرض نشوند و اهالی‌آنجا را آسوده بگذارند .

فی شهر ربیع‌الثانیه ۱۳۰۷ .

[درقسمت‌پایین حکم طرف راست، باسطوری‌که باکرسی سطورمتن تقریباً نود درجه اختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده است :]

انشاءالله از قراریکه مرقوم شد همیشه معمول باشد تا بدعاگوئی ذات‌خجسته صفـات اقدس‌همایون شاهنشاه ارواحنافداه اشتغال ورزند .

بتاریخ دوم جمادی‌الاول ۱۳۰۸ نصرالسلطنة .

۱۲۱

فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) برای میرزا فتح‌الله‌خان لشکرنویس که قریهٔ آزادمحله من بلوک سدن‌رستاق استراباد را که از قراء خالصه بوده بدو واگذارند که از ابتدای توشقان‌ئیل و مابعدها همه‌قسم تصرفات مالکانه در قریهٔ‌مزبور بنماید و جمع دیوانی آنجا را نیز بپردازد .

[بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز]

[محل مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون‌شد   ازآنجائیکه خاطر خطیرملوکانه متوجه‌آبادی و تعمیر اماکن مسکونه واراضی بائره است به‌تمهید اسباب‌آبادانی[2] ورعایت رعایا رأی حکمت‌آرای‌خسروانه چنین علاقه و اقتضا داردکه هریك از قراء خالصه را هریك‌از خدمت‌گذاران وچاکران دولت‌علیه استدعا نمایند جمع دیوانی‌آنرا بدون‌کسرو نقصان بدهند بآنها مرحمت و واگذار فرمائیم لهذا محض شمول مرحمت و عنایت در بارهٔ مقرب‌الخاقان میرزافتح‌الله‌خان‌لشکرنویس قریهٔ‌آزادمحله من‌بلوك سدن‌رستاق‌استراباد را بموجب این فرمان مهـرلمعان مرحمت‌نشان به‌ملکیت به مقرب‌الخاقان مشارالیه مرحمت‌و واگذارفرمودیم‌که ازابتدای‌هذه‌السنهٔ‌توشقان‌ئیل خیرت‌تحویل ومابعدهاهمه قسم‌تصرفات مالکانه‌ازنقل وانتقال و هبه وحبس و بیع‌وشری کیف‌شاء مثل‌املاك‌اربابی و ابتیاعی مجاز ومأذون باشد و جمع‌دیوانی‌آنجا را نیزبپردازد مقرر آنکه حکام‌حال‌و استقبال استرابادقریهٔ مذکوره راملك‌مشارالیه دانسته قلم وقدم راکوتاه دارند المقرر

۱ـ مهرچهار گوشهٔ‌کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه قاجاربا مشخصاتی که در ذیل فرمان شمارهٔ ۱۰۳ یاد کردیم .   ۲ـ جای صحهٔ ناصرالدین‌شاه .

مقربوالخاقــان مستوفیان عظــام شرح فرمان مبارك را ثبت و ضبط نموده در عهــده شناسند .

تحریرا فی شهررمضان‌المبارك ۱۳۰۸ . [۱]

۱۲۲

فرمان ناصرالدین‌شاه‌قاجار(۱۳۱۳-۱۲۶۴) برای واگذاری قریهٔ لله‌دوین به‌ملکیت حاجی سیدمحمدطاهر بنا به‌تقاضای نصر‌السلطنه امیرتومان و حکمران استراباد .

[جای‌مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][۲]

ازآنجاکه ترویج شریعت‌غرای اسلام بمساعی مشکورات علمای اعلام مربوط واعلای اعلام‌دین‌مبین‌حضرت خیرالانام علیه والهالصلوات‌والسلام بمحاسن اهتمامات مشایخ و مجتهدین‌کرام زادالله‌توفیقاتهم منوط میباشد رای‌آفتاب‌ضیای ملوکانه وهمت‌والابهمت خسروانه‌که در موجبات تشویق و ترقی عالمان عامل و در لوازم‌احترامات وآسودگی فضلای‌کامل مصروف است در هذاالسنهٔ مسعودهٔ توشقان‌ئیل خجسته‌دلیل ومابعدهاقریهٔ لله‌فین[۳] واقع دراستراباد را بموجب عرض واستدعای امیرالامراءالعظام معتمد دربار سپهراحتشام نصرالسلطنه امیرتومان و حکمران استراباد به‌ملکیت‌جناب شریعتمآب فضایل و فواضل‌انتساب زبدةالعلماءالمحققین و عمدةالفضلا المدققین وحیــد عصره و

۱ــ در ذیل سطر سوم متن فرمان چند قلم سیاق است‌که در سوادی که بعداً از ایــن فرمان نوشته شده بدین ترتیب‌آمده است : « مالیات نقدی و جنسی قریهٔ آزادمحله من‌محال استراباد موافق جزو جمع معمولی دفتر خانهٔ مبارکه مبلغ بیست و یکتومــان‌و شش‌هزار و پانصد و نود و دو دینار نقد ومقدار یکصد وبیست‌وپنج خروار وسی‌وهشت‌من شلتوك است.»

۲ــ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه قاجار با مشخصاتی‌که در ذیل فرمان شمارهٔ ۱۰۳ ذکر کردیم.

۳ــ ظاهراً : لله‌دوین‌صحیح است.

فرید دهره حاجی سیدمحمدطاهر مرحمت و عنایت فرمودیم که قریهٔ مزبوره را ملك طلق خود دانسته و هرگونه تصرفاتی درآبادی وخرابی‌آن نماید ازبیع وهبه و نقل و انتقال و غیره مجاز و مأذون بوده هشتاد و چهار تومان منال دیوانی را به قرار سایر املاك اربابی اداء ومهمسازی دارد مقرر آنکه حکام حال واستقبال استرابادبنحومقرر مرتب و معمول داشته مقربوالخاقان مستوفیان‌عظام وکتبهٔ کرام شرح توقیع‌رفیع‌همیونی را ثبت وضبط نموده درعهده شناسند .

فی‌شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۰۹.

۱۲۳

حکم حاکم استراباد برای عمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق که قراء یساقی وگرجی‌محله و انجیراب ملکی‌حاجی‌آقا محمد‌حسن‌مفیدی و بستگان اورا ازجمع‌صادروعوارض‌و قیمت‌کاه‌و کلش معاف ومسلم بدانند .

حکم عالی‌شد چون بموجب فرمان جهانمطاع همایونی و احکام‌حکام بااحتشام‌سابق استراباد قراء یساقی و گرجی‌محله و انجیراب ملکی جناب مستطاب سلالة‌الاطیاب حاجی‌آقا محمدحسن مفیدی سلمه‌الله و بستگان ایشان میباشد و از صادر وعوارض و دادن قیمهٔ‌کاه وکلش معاف و مسلم بوده‌اند لهذا بامضاء فرمان قدرتوأمان مبارك ومزید دعاگوئی وجود مسعودبندگان اعلیحضرت قدرقدرت اقدس‌همیون صاحبقرانی ارواح‌العالمین له‌الفدا بعمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق در طی این حکم مرقوم گردیده قدغن میشود که قراء مرقومه را از جمیع صادرات و عوارضات دیوانی مرفوع‌القلم داشته اهالی‌آنجا آسوده‌حال دعاگوی دوام دولت ابدمدت قاهره بوده مرفه باشند البته

از قراریکه مرقوم گشته تخلف نخواهندکرد .

شهر جمیدی‌الاولی ۱۳۱۰ .

[جای مهر][1]

۱۲٤

حکم عمیدالدوله ــ حکمران استراباد ــ به عمال ومباشرین بلوك سدن‌رستاق که قراء انجراب وکلاجان ملکی آقا محمدزمان مفیدی از جمیع عوارضات و صادرات و دادن قیمت‌کاه و کلش معاف ومرفوع‌القلم بدانند.

[جای‌مهر][2] چون ازقراراحکام‌حکام سلف‌قراء انجراب وکلاجان ملکی‌جناب‌مستطاب سلالةالسادات‌العظام‌آقا محمدزمان‌مفیدی رحمه‌الله‌تعالی‌همیشه‌ازعوارضات وصادرات‌و دادن قیمة‌کاه وکلش معاف و مسلم بوده است لهذا محض امضای آن احکام و ازدیاد دعاگوئی وجود مبارك‌اعلیحضرت اقدس‌شهریاری ارواح‌العالمین فداه بعمال ومباشرین بلوك سدن‌رستاق مرقوم‌میفرمائیم‌که قراء مرقومه ازجمیع عوارضات‌دیوانی‌مرفوع‌القلم فرمودیم‌که درکمال‌آسوده‌گی مشغول بدعاگوئی دوام دولت قاهره باشند .

فی شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۳۱۱ .

۱ــ مهرمربع شکل با سجع : «عبدالله‌بن‌محمد» .

۲ــ مهر چهارگوشه با نام «عمیدالدوله» .

۱۲۵

حکم عمیدالدوله ـ حکمران استراباد ـ برای‌عمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق که قراء یساقی و گرجی‌محله راکه ملکی آقای حاجی‌آقای مفیدی است، از قرار احکام حکام سابق از جمیع عوارضات دیوانی مرفوع‌القلم بدانند .

[جای‌مهر][۱] چون از قرار احکام حکام سابق قراء یساقی وگرجی‌محله ملکی جناب مستطاب سلالةالاطباب آقای حاجی‌آقای مفیدی سلمه‌الله تعالی ابن مرحوم حاجی‌آقا محمدحسن‌مفیدی رحمةالله‌علیه همیشه ازصادرات و دادن قیمة‌کاه وکلش معاف ومسلم بوده است لهذا محض امضای‌آن احکام و مزید دعاگوئی وجود مبارك‌اعلیحضرت‌اقدس صاحبقرانی ارواح العالمین‌فداه بعمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق مرقوم میفرمائیم که قراء مرقومه از جمیع عوارضات‌دیوانی مرفوع‌القلم داشته که بدعاگوئی دوام دولت‌قاهره اشتغال ورزند البته حسب‌المسطور معمول دارند و درعهده شناسند .

فی شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۳۱۱ .

۱ـ مهرچهارگوشه بانام «عمیدالدوله» .

۱۲۶

فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) برای برقراری بیست و پنج‌خروار شلتوك مستمری میرزا ولی راکه فوت‌شده است در حق سیدآقا بزرگ‌که برادرزادهٔ اوست .

[جای مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم‌همیون شد آنکه چون میرزاولی وسیدآقا بزرگ ورثـهٔ میرزا عباس فندرسکی جزو استراباد مقدار پنجاه خروار شلتوك[2] مستمری آنها منظور است میرزا ولی این‌اوقات برحمت ایزدی پیوسته برعایت احوال‌سیادت‌نصاب سیدآقابزرگ که از اجلهٔ سادات استراباد وعلاوه برشرافت‌نسب همواره درسرحدات‌مشغول‌خدمت و جان‌فشانی است لهذا مقدار بیست وپنجخروار شلتوك سهم میرزا ولی عموی او را در حق مشارالیه مرحمت و برقرار فرمودیم‌که همه ساله مقدار پنجاه خروار را از محل سابق خودشان اخذ و دریافت داشته مشغول خدمت و دعاگوئی باشد مقرر آنکه حکام حال و استقبال

شلتوك ۵۰ خروار

از بابت اختصاصی
۲۵ خروار

از بابت مستمری‌مرحوم میرزاولی‌عموی مشارالیه
۲۵ خروار

۱ ـ مهـر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه قاجار با مشخصاتی‌که درذیل فرمـان شمارهٔ ۱۰۳ یادکردیم . ۲ـ محل صحهٔ ناصرالدین‌شاه .

استراباد مستمری مشارالیه ....[1] وفرمان مهرلمعان را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند .

شهر ذی‌قعدةالحرام سنه ۱۳۱۲ .[2]

۱۲۷

حکم حاکم استراباد که مبلغ هشتاد و سه‌تومان مالیات قریهٔ للهدوین راکه متعلق به جناب آقای حاجی‌سیدطاهر است برحسب امر اعلیحضرت اقدس از ابتدای سنهٔ قوی‌ئیل و مابعدها به تخفیف ابدی بدیشان واگذارند .

ازآنجاکه حفظ مقامات شرع‌اطهر وپاس‌آسایش‌خاطر علمای اعلام همواره منظورنظر عنایت‌گستر خدیوانهٔ ارواحنا فداه میباشد علیهذا محض‌رفاه حال و فراغت‌خاطر جناب مستطاب شریعتمدار سیدالعلماءالعظام آقای حاجی‌سیدطاهر سلمه‌الله مبلغ هشتاد وسه تومان مالیات قریهٔ‌للهفن[3] راکه متعلق بجناب‌معزی‌الیه است برحسب امر قدر قدر بندگان‌اعلیحضرت قویشوکت اقدس‌همایونی ارواحنافداه از هذه‌السنهٔ مسعودهٔ قوی ـ ئیل ومابعدها به‌تخفیف ابدی واگذار نمودکه از این تاریخ به‌بعد تمام حکام بااحتشام استراباد خلف‌بعدسلف مبلغ مزبور راکه اصل و فرع مالیات قریـهٔ‌للهفن[4] است محض سلامتی وجود مقدس بندگان اقدس اعلی ارواحنافداه و اجرای امرقدر قدر به‌تخفیف مقرر داشته بهیچ اسم ورسم مطالبه نداشته‌که اسباب‌آسودگی مالك و رعیت‌شده بطور

۱ـ چندکلمه محوشده است. ۲ـ این فرمان‌مجدول وحاشیه‌بندی‌است واطراف مهر حاشیه و تزیین دارد . ۳ و ۴ـ ظاهراً : للهدوین صحیح است .

شایسته جناب‌معزی‌الیه ازعهدهٔ آبادی آنجا برآمده و بدعاگوئی دولت‌جاوید آیت‌قاهره مشغول باشد .

شهر شعبان ۱۳۱۳ .

۱۲۸

حکم حاکم شرع برای ملا عبدالرحیم ومالکین قریهٔ للەدوین که پس از وصول این نوشته خود را ممنوع از حفر قنات بدانند و تا ثبوت نزد حاکم شرع یا ابرازسند معتبر حق‌حفر و زرع ندارند .

هو

عالیجناب ملاعبدالرحیم ومالکین‌قریهٔ للەدوین را اظهارآنکه درباب حفرقناة جدید که مدعی شدیدکه مقر این قناة در ملك للدوین است بدون ثبوت و اثبات نزد حاکم شرع شرعی در مقام حفر برآمدید و بدفعات عدیده جناب مستطاب‌حاجی آقاسیدطاهر سلمه‌الله تعالی شماها را منع در حفرکرده و شماها ممنوع نشدید و بحضرت‌مستطاب اجل‌اکرم افخم اشرف‌والا آقای سردار معظم دام‌اقباله‌العالی اطلاع داده‌اند و مأمور داده‌اند وفرمودند مادامیکه مرافعه نکرده وسند شرع در دست نگرفته‌اید حق‌حفر و تعمیر ندارید و بعداز تشریف‌بردن ایشان‌بطهران عمدةالامراءالعظام حاجی‌عبدالصمد خان امیرپنجه نائب‌الحکومة حضرت مستطاب اجل‌اکرم اعظم اشرف والاآقای امیر-تومان دام‌اجلاله‌العالی دوسه‌دفعه مأمورداده‌اند اطاعت‌نکردید حضرت‌مستطاب حاجی آقاسلمه‌الله‌تعالی محفورهٔ شماها را طمّ نموده‌اندازقرارمذکور بازاین‌روزها دست‌تعدی دراز نمودید و در مقام حفر برآمدید البته‌بوصول همین نوشته خودرا ممنوع ازحفر دانسته وپس از ثبوت نزد حاکم شرع شرعی‌که مقر این قناة واقع درملك‌للەدوین‌است

آن وقت حق حفر وزرع دارید تا مادامیکه معلـوم نکـردهاید یا سند معتبر ابـراز نکردهاید حق حفر و زرع ندارید و باید خود را ممنوع بدانید .

فی ذی‌الحجةالحرام ۱۳۱۴ .

وبمضمون همین مراسلهٔ خطابیه که حکم شرع است بایدعمل نمائید تخلف خلاف و حرام و غیر جائز است .

فی ذی‌الحجةالحرام ۱۳۱۴ .

۱۲۹

فرمان مظفرالدین‌شاه قاجار (۱۳۲۴-۱۳۱۳) برای ساعدالدوله سردار ـ حکمران استراباد و یموت و گوکلان ـ که هشتاد و سه تومان تخفیفی راکه بابت‌قریهٔ للەدوین‌می‌دادهاندکمافی‌السابق عین آن تخفیف را به‌حاجی سیدطاهر که مالك آن قریـه است نیز بدهند .

[جای مهر مظفرالدین‌شاه قاجار][1]

جناب‌جلالتمآب امیرالامراءالعظام فدوی‌دولت ابد ارتسام ساعدالدوله‌سردارحکمران استراباد[و]یموت وگوکلان بمراحم‌خاطرخطیرهمایونی مستظهر ومباهی‌بوده بداند[2] ازقراری‌که بعرض رسید قریهٔ للەفن[3] ملکی‌جناب‌مستطاب سیدالعلماء حاجی‌سیدطاهر که از اعاظم علمای استراباد و دعاگویان دولت جـاویدآیت است بواسطهٔ خرابـی و شکستگی از عهدهٔ منال دیوانی‌آنجا نمیتوانـد برآید و همه‌ساله هشتاد و سه تومان

۱ـ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دار کوچك‌مظفرالدین‌شاه با سجع: «مظفرالدین‌شاه‌قاجار» و درکلاهك بالای‌آن «العزةلله».

۲ـ صحهٔ مظفرالدین‌شاه در انتهای سطر اول فرمان .

۳ـ ظاهراً : للەدوین صحیح است .

مالیات قریهٔ مرقومه را محض رعایت آسایش خاطر معزی الیه ازخودشان حکام استراباد بەتخفیف واگذار نموده و در مقام مطالبه برنمی آمدند چون بەملاحظهٔ حفظ مقامات شرع اطهر و پاس آسایش علمای اعلام باعلی درجه منظور نظـر عدالت گستر است به صدور این منشور قضادستور مبارك بفدوی دولتخواه نیز امـر ومقرر میفرمائیم که در این خصوص تأسی بحکام سلف نموده هشتاد و سه‌تومان تخفیفی را که از بابت مالیات قریهٔ مرقومه میداده‌اند عاید داشته و حـکام باستقلال استراباد نیز از همین قرار کـه معمول بوده است باید مدلول قضا شمول این ملفوفهٔ فرمان مبارك مجری‌داشته تخلف ننمایند و در عهده شناسند .

شهر رجب ۱۳۱۷ .

۱۳۰

حکم حاکم استراباد برای مباشرین استرابادرستاق ومأمورانی که برای فرستادن کاه به شهر رفته‌اند که مزاحم اهالـی قریـهٔ چوپلانی که متعلق بەسادات است نشوند.

مباشرین استرابادرستاق و مأمورینی‌که برای فرستادن کاه بشهر برای فروش بنوکر و سوار رفته‌اند ابداً بقریهٔ چوبلانی‌که متعلق بەآقایان سادات ذوی‌العزوالاحترام‌میباشد مزاحم‌نشوید و تعرض ننمائید بلکه بهیچ اسم و رسم عـوارضات ازآنها احدی نباید مطالبه‌کند و مأمورین هرکه باشد بدون زحمت مراجعت نماید .

شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۹ .

۱۳۱

فرمان مظفرالدین‌شاه قاجار (۱۳۲۴-۱۳۱۳) برای حاجی‌محمد - طاهر که ازابتدای سنهٔ اودئیل مقدارسی‌خروارشلتوك به‌صیغهٔ تخفیف از محل استراباد در حق مشارالیه برقراردارند .

[جای‌مهر مظفرالدین‌شاه‌قاجار] [1]

آنکه چون رعایت ترفیه حال و توسعهٔ معاش عموم سلسلهٔ جلیلهٔ علماء اعلام وسادات ذوی‌الاحترام‌که از دعاگویان مخصوص دولت جاویدبنیان هستند همواره [2] منظور نظر عنایت‌گستر همایون ملوکانـه است و مراتب زهـد وتقوی و دعاگوئی خالصانهٔ جناب مستطاب قدسی‌نصاب قدوسی‌انتساب حاجی سید محمدطاهر استرابادی سلمه‌الله نسبت بدوام دولت جاویـدمدت درپیشگاه مرحمت دستگاه حضور مهرظهور ملوکانه مشهود افتاد لهذا در هذه‌السنهٔ مسعودهٔ اودئیل مقدار سی‌خروار شلتوك بصیغهٔ تخفیف ازمحل استراباد درحق جناب مشارالیه‌مرحمت وبرقرارفرمودیم‌که همه ساله ازمحل‌استراباد اخذ و دریافت داشته مدد معاش خود نموده همت خودرا بترویج احکام شریعت‌حضرت ختمی مرتبت و دعاگوئی دوام دولت جاویدمدت مصروف نماید مقرر آنکه جنابـان مستوفیان عظام شرح فرمانمبارك را ثبت وضبط نموده درعهده‌شناسند .

شهر جمیدی‌الاولی سنه ۱۳۱۹ .

۱ــ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دار بزرگ مظفرالدین‌شاه باسجع :

«گرفت خاتم شاهی مظفرالدین‌شاه دمیدکوکب فتح و ظفر بعون‌الله»

و در کلاهك بالای‌آن «الملك‌لله» . ۲ــ جای صحهٔ‌مظفرالدین‌شاه در انتهای‌سطر اول .

[در حاشیهٔ سمت راست فرمان درامتداد سطر اول باسطوری‌که‌کرسی آن باکرسی‌متن نود درجه اختلاف دارد مطالب زیر با قلمی‌ریز نوشته شده است :]

فرمان وقتی زیارت شدکه بشرف صحهٔ همایونی ارواحنافداه موشح ومزین گردیده‌بود محل این سی‌خروارشلتوك‌که بتخفیف‌مرحمت‌شده ازاصل مالیات‌خواهد بود مستوفی و محاسبان‌استراباد فرمان مبارك را بازیافت و ثبت‌کرده ودر محاسبهٔ هذه‌السنهٔ‌اودئیل و دستورالعمل سنواة‌آتیه بخرج منظور دارند .

[و در زیر مطالب با همان‌کرسی وخط نویسندهٔ دیگر ،مطالب زیرخوانده می‌شود:]

مقدار سی خروار شلتوك بتخفیف جناب حاجی سیدمحمدطاهر استرابادی که بموجب این فرمان جهانمطاع‌مبارك ازاصل مالیات مرحمت شده درمحاسبهٔ هذه‌السنهٔ‌اودئیل و بخرج دستورالعمل سنهٔ‌آتیه بارس‌ئیل استراباد منظورخواهدشد .

۱۳۲

حکم حاکم استراباد برای کلانتران بلوك استرابادرستاق و فخرعمادالدین‌که قریهٔ چوپلانی را طبق فرامین جهانمطاع و احکام‌حکام سلف ازصادر وعوارض و تحمیلات دیوانی‌معاف و مرفوع‌القلم بدانند .

چون قریهٔ چوپلانی‌که متعلق است بسادات درازگیسو و برحسب فرامین جهانمطاع مبارك و احکام حکام با احتشام سلف ازصادر و عوارض و تحمیلات دیوانی معاف و مرفوع‌القلم‌اند لهذا محض‌رعایت حال‌ایشان وازدیاد دعاگوئی‌کلانتران حال واستقبال بلوك‌استرابادرستاق وفخرعمادالدین قریهٔ مزبوره را ازصادرات معاف دانسته ومتعرض آنجا نشوند حسب‌المرقوم معمول‌داشته تخلف نورزند.

شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۲۳ .

۱۳۳

فرمان محمدعلی‌شاه‌قاجار (۱۳۲۷-۱۳۲۴) برای علی‌اکبرخان پسر امیرالامرا اکرم‌الملک ایلخانی و اعطای لقب اکرم‌الملکی بدو .

[جای مهر محمدعلی‌شاه قاجار] [۱]

چون مراتب لیاقت و شایستگی و مدارج کفایت و خدمتگذاری عمدةالامراءالعظام علی‌اکبرخان پسر امیرالامراءالعظام [۲] اکرم‌الملک ایلخانی بتوسط جناب مستطاب اجل اکرم سردارمفخم حکمران استراباد و غیره در پیشگاه آفتاب دستگاه اقدس همایون ملوکانه مشهود افتاده ومستوجب شمول‌مکارم وعواطف شاهانه‌گردیده است‌لهذا بموجب این ملفوفهٔ فرمان قضانشان مبارک و تصویب جناب مستطاب اجل اکرم امجد اشرف افخم مهین‌دستور معظم فدوی دولتخواه مشیرالسلطنه وزیر اعظم مشارالیه را بلقب اکرم‌الملک ملقب ومفتخر وبین‌الاماثل والاقران قرین‌افتخار و مباهاتش فرموده مقرر میداریم باکمال‌امیدواری بخدمتگذاری اشتغال ورزد .

رجب ۱۳۲۶ .

۱- مهر کوچك‌چهار گوشهٔ کلاهك‌دار محمدعلی‌شاه بانام « محمدعلی‌شاه‌قاجار» و در کلاهك‌آن کلمهٔ « هو » .

۲- جای صحهٔ محمدعلی‌شاه در قسمت پایین انتهای سطر اول فرمان .

۱۳۴

فرمان محمدعلی‌شاه‌قاجار (۱۳۲۷-۱۳۲۴) برای حاجی سیدمحمد طاهر مجتهداسترابادی که هشتادخروارشلتوك که سابقاً درحق مشارالیه برقرار بوده و برگشت کرده بود مقدار مزبور را از محلهای ضبطی در بارهٔ مشارالیه برقرار دارند.

[جای مهرمحمدعلی‌شاه قاجار] [1]

چون مراتب دعاگوئی و دولت‌خواهی جناب‌مستطاب شریعتمدار حاج سیدطاهرمجتهد استرابادی‌که از دعاگویان[2] مخصوص است درحضور مهرظهور اقدس همایون ملوکانه سمت شهود یافته است لهذا بتصویب جناب مستطـاب اجـل اکرم اشرف امجد افخـم فدوی‌دولتخواه میرزااحمدخان صدراعظم درعوض هشتاد خروارشلتوك‌که سابقاًدرحق مشارالیه مرحمت شده و برگشت‌کرده بود مقدار مزبور را از محلهای ضبطی در بارهٔ جناب مشارالیه مرحمت فرموده مقرر میداریم همه ساله از استراباد دریـافت داشته بدعاگوئی اشتغال ورزد مقررآنکه جناب مستوفیان عظام شرح فرمان را ثبت نموده درعهده شناسند.

ذی‌قعده پیچی‌ئیل ۱۳۲۶. [3]

[درحاشیهٔ سمت‌راست این‌فرمان‌که مجدول است در جدولی جداگانه‌در امتداد سطر اول باسطوری‌که‌کرسی آن باکرسی متن‌نود درجه اختلاف‌دارد عبارات زیـر خوانده می‌شود:]

۱ـ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهك‌دار بزرگ محمدعلی‌شاه قاجار باسجع:

«محمدعلی خاتم پادشاهی — رقـم زد بعـون الهـی»

و درکلاهك بالای‌آن «الملك‌لله». ۲ـ صحهٔ محمدعلی‌شاه که اطراف‌آن مذهب‌ومجدول است. ۳ـ متن این فرمان مجدول است و حاشیه‌بندی دارد و اطراف مهرمحمدعلی‌شاه نیز حاشیه و تزیین دارد.

فرمان جهانمطاع بعد از صحهٔ مبارك زیارت شد از دفتر بگذرد .

[درسمت راست این‌عبارات که‌کرسی سطور آن نود درجه باکرسی نوشتهٔ متن‌اختلاف دارد مطالب زیر باقلمی دیگر نوشته شده است :]

. . . . [1] مقدار هشتاد خروار شلتوك ازمحلهای ضبطی درحق‌جناب مستطاب حاج‌سیدطاهر مجتهداسترابادی مرحمت و برقرارگردیده و بموجب‌این‌فرمان جهانمطاع مبارك مقدار مزبور بخرج دستورالعمل استراباد منظور خواهد شد .

۱۳۵

حکـم حـاکم استراباد برای محمدعلی‌خـان‌کلانتر که قـریهٔ چوبلانی را ازجمیع صادر وعوارضات دیوانی‌معاف ومرفوع‌ـ القلم بداند .

مقرب‌الخاقان محمدعلیخان‌کلانتر را قلمی میشود برحسب فرامین قدیم و احکام حکام سلف قریـهٔ چوبلانی از جمع صادر و عوارضات دیوانی معاف و مـرفوع‌القلم است دراینصورت شما چرامتعرض قریهٔ مزبوره میشوید البته بهیچوجه متعرض‌نشوید که اهالی‌آنجا آسوده‌حال‌باشند.

فی شهر رجب ۱۳۳۰ .

۱ ـ چند کلمه محو شده است .

۱۳۶

حکم حاکم استراباد برای کلانتر استراباد رستاق که از سنهٔ سیچقان‌ئیل کسی متعرض سادات ساکن قریهٔ چوپلانی نشده و از ایشان مطالبهٔ صادر و عوارض ننمایند .

برحسب فرامین سلاطین سلف و احکام حکام سابق استراباد قریهٔ چوپلانی که متعلق بآقایان سادات‌عظـام است و از تحمیلات و صوادر معاف و مسلـم و بهیچ اسم و رسم چیزی از آنهامطالبه نمیشده‌است علیهذامینویسم که کلانتر استرابادرستاق درهذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت تحویل قدغن نمایدکه کسی متعرض ساداة نشده و بهیچوجه از آنها مطالبهٔ‌صادر وعوارض ننمایند چنانکه سابقاً کاه وکلش ازآن محل‌مطالبه نمیشدحالیه هم‌کمافی‌السابق باید مزاحمت ندهندکه‌جمعی از ساداة بفراغت‌بال وآسوده‌گی‌مشغول دعاگوئی‌ذات ملکوتی صفات همیونی باشند .

فی شهر رجب سنه ۱۳۳۱ .

[جای امضاء][1]

---

۱ ـ امضایی که «صادق» خوانده می‌شود .

بخش دوم

احکام شرعی حکام شرع استراباد

۱

سواد حکم شرعی آقامحمدمهدی‌ولد شریعتمدارحاجی محمد-ابراهیم در باب وقفیت پنج‌دانگ قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی از بلوك استرابادرستاق .

بسم‌الله خیرالاسماء

براین خادم علمای محقق و ثابت شد بشهادت شهود معتبره و نوشته‌جات‌چندی از علمای‌که پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحلهٔ استرابادرستاق وشش‌دانگ‌چوپلانی‌معمول بوقفیت بوده و هست وآنکه موقوف‌علیه دراین‌عصر جنابان قدسی‌القابان سیادت‌مآبان آقا میرموسی وآقامیرمحمدتقی می‌باشند و تصرف غیرایشان درآن بغیر اذن ایشان غصب و عدوان وموجب سخط رحمن است وباید تخلیهٔ ید نماید یاآنکه تصرف‌نماید باذن من‌له‌الاذن شرعاً وکان ذالك‌فی‌الخامس والعشرین من‌شهر محرم‌الحرام من‌سنة ۱۲۵۱ [محل مهر سرکارآقائی مجتهدالعصر والزمانی آقامحمدمهدی ولد سرکار شریعةمدار ثقةالاسلام حجةالانام حاجی محمدابراهیم دام‌ظله‌العالی]

[بر بالای این حکم سطور و مطالب زیر نوشته‌شده است :]

بر قاطبه لازم است عمل بمقتضای این نوشته نموده باشند حرره خادم‌الشریعةفی‌ثالث شهرجمادی‌الثانیه سنه ۱۲۵۳. [محل مهر سرکار حجةالاسلام و قدوةالانام حاجی

سید محمدباقر دام‌ظلهٔ وزیدفضله و توفیقاته]

این دو نوشته مطابق‌با اصلند. [جای‌مهر][1]

هذا مطابق‌لاصله‌المخطوط بخط‌الشریف . [جای‌مهر][2]

تلك‌المقدمتان مع‌اصلهما سیّان حررهاالجانی. [جای مهر][3]

سواد مطابق‌با اصل است . [جای مهر][4]

تلك‌المقدمتان مع‌اصلهما سیّان بمقابلتی ایاهما وانا‌العبدالآثم. [جای مهر][5]

هذین‌السوادین مطابقان‌للأصل‌الممهوران بمهر همـاالشریفان و خطهماالشریفـان [جای مهر][6]

بسم‌الله تعالی‌شأنه نوشتهٔ‌که خط جناب شریعتمدار دام‌ظله وآقا محمـدمهدی است بنظر رسیده‌است واین‌سواد مطابق‌بآن‌است حررها. [جای‌مهر][7]

۱ــ مهرچهارگوشهٔ‌کوچك با نام : «محمدتقی» . ۲ــ مهرچهارگوشهٔ بزرگ‌با کلمات «الله محمدعلی کل‌عبده» که پراکنده خوانده می‌شود . ۳ــ مهر چهارگوشه با سجع: « عبده‌الراجی‌محمدالموسوی». ۴ــ مهرچهارگوشه باسجع:«عبده عباس علی» . ۵ــ مهربیضی باسجع : «عبده‌الراجی‌اسحق» . ۶ــ مهربیضی با حاشیهٔ تزیینی وسجع: «محمدبن‌آل‌احمد» . ۷ــ مهر بیضی‌که سجع‌آن خوانده نمی‌شود.

۲

سواد حکم شرعی آقامحمدمهدی در بارهٔ وقف بودن پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحله و ششدانگ مزرعهٔ چوپلانی واقعتان در استراباد و غاصب بودن عباس‌خان حاکم استراباد و تأیید نصرالله‌الحسینی ومحمدجعفر بن محمدابراهیم حکم مذکوررا.

مخفی نماناد برعلمای اسلام و مجتهدین والامقام هرکه عالم است و یا اقرار شنیده باشدکه این امضای حکم باین‌عبارت از سرکارثقةالاسلام قدوةالانام فخرالمجتهدین جناب حاجی محمدابراهیم اعلم‌عصر خود صادر شده درباب حکم جناب مهدی‌الامة وحیدالزمان مجتهد بالحق آقا محمدمهدی ادام‌الله عمرهما بخصوص وقف بودن پنج دانگ از قریهٔ میرمحله و ششدانگ مزرعهٔ چوپلانی واقعتان در استراباد و غاصب بودن عباسخان حاکم استراباد اما صورت امضای‌حکم درجواب استدعاء باین عبارت است‌چه‌میفرمایند سرکار ثقةالاسلام‌قبلةالانام فخرالمجتهدین حکمی‌جناب‌عمدةالعلماء مهدی‌الامة وحیدالزمان‌آقامحمدمهدی‌ادام‌الله عمره و توفیقه درباب مزرعهٔ‌چوپلانی و میرمحله واقعه در استرابادرستاق مخصوص وقفیت وموقوف‌علیهم‌بودن‌جمعی‌ازسادات و غصب نمودن حاکم استراباد عباسخان سرکار سیدالمجتهدین مرحوم جنت‌آرام‌گاه امضای حکم سرکار ایشان را نمودند و ازشاهنشاه عالم‌پناه و دیوانیان احکام صادرشد موقوف‌علیهم سه چهار سال قبل تصرف مالکانه نمود و بطریق وقفیت عمل‌نمودند حال بعد از فوت و مرحوم شدن سرکار حجةالاسلام میخواهند بدون ترافع تصرف درآن املاك‌کنند عباسخان اما سرکارشریعتمدار حجةالاسلام حکم ایشان‌را ممضی‌میدانندو از حکم و امضاء و تصرف اماتصرف بخواهد بکند عباسخان حاکم‌استرابادخلاف‌شرع انور است یا خیر وجناب مهدی‌الامة مجتهد بالحق جناب‌آقا محمدمهدی‌را سرکارت

مجتهد نافذالحکم میدانند یا خیر و هرگـاه احکامـات آنجناب و ایـن حکم سرکار مهدی‌الامة در باب وقف پنجدانگ میرمحله و ششدانگ مزرعهٔ چوپلانـی و غاصب بودن عباسخان قجر را واجب‌الاطاعه و امضای‌آن حکم را میفرمایند دوکلمـه بخط مبارك و مهر شریف امضاء بفرمائید والسلام اما امضاء و صورت حکم صحیح صدرعنّی والله‌العالم .

بلی هرحکمی‌که صادر شود از نورچشمی محمدمهدی‌نافذ ولازم‌الاتباع است وتخلف ازآن حرام است والرّادعلیه‌کالراد علی‌الله و هوفی‌حدالشرك بالله کمـاورد فی‌المقبول بین‌الطایفه ، بلکه مکرر گفته‌ام بعد از مرحوم سیدالفقها والمجتهدین اعلی‌الله مقامه مثل قرةالعینی محمدمهدی در فقه مطلع نمیباشم و او را از سایـرین اعلـم میدانم والله‌العالم [محل‌مهر جناب حجةالاسلام‌حاجی‌محمدابراهیم درسه‌جا مهرفرمودند]

اماصورت حکم جناب‌آقا محمدمهدی است :

بسم‌الله خیرالاسماء

بـرای خـادم علمـای دینیه محقق و ثـابت شد بشهادت شهود معتبره و نـوشتجات چندی از علمـای کـه پنجدانگ از قـریهٔ میرمحلـهٔ‌استرابـادرستاق و ششدانگ چوپلانی معمول بوقفیت بوده و هست وآنکه موقوف علیه در این‌عصرجنابان قدسی‌ـ القابان سعادت‌مآبان‌آقامیرموسی و آقامیرمحمدتقی میباشند و تصرف غیرایشان بغیر اذن ایشان غصب وعدوان و موجب سخط رحمن است و باید تخلیهٔ ید نماید یاآنکه تصرف نمایدباذن من‌له‌الاذن‌شرعاً وکان‌ذلك فی‌الخامس والعشرین‌من‌شهر محرم‌الحرام فی‌سنه ۱۲۵۱. [محل مهر جناب قدوةالعلماء جناب آقا محمدمهدی دام توفیقه]

[برحاشیهٔ سمت راست ، سطور زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌خیرالاسماء

آنچـه در ذیـل ورقـهٔ ثبت صـورت خـط عـالیجناب فـواضـل و فضـایل‌اکتساب

عمدةالفقهاء و زبدةالفضلاء مخدوم اجل آقا محمدمهدی است و آنچـه درفوق سئوال محرر شده است صـورت‌امضاء وحکم‌آنجناب است‌که والد ماجد ایشان سندالاسلام و حجـةالانام والد مـاجد ایشان نموده است نظـر به شهـادت اخوی اعزی عالیجناب فضایل‌اکتساب آقا شیخ‌جعفر و غیر ایشان و ظهورکون هـذه‌العبارة صحیح صدر عنّی خط والدکرام ایشان چنانکه مکرراً دیده شده

حرره العبدالجانی فی یوم‌الثالث من‌شهر ذی‌قعدةالحرام سنه ۱۲۶۰ .

[جای‌مهر][1]

[در حاشیهٔ سمت راست ، پایین سطور بالا، عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه

حکمیکه درآخر صفحه قلمی شده ازجناب مجتهدالزمانی قبله‌گاهی آقـامحمدمهدی اخوی صادر شده و اصل‌آن بخط و مهر ایشان است و این سواد هم مطابق است باآن اصل و از جناب‌مستطاب حجةالاسلام والمسلمین‌آیةالله فـی‌العالمین سمی حضرت ـ الخلیل والوالدالجلیل ادام‌الله تعالی ظلاله امضای حکم مسطور درعصر یوم جمعه ۱۶ شهر رجب‌المرجب سنهٔ ۱۲۶۰ صادر شد چنانچه سوادآن در این ورقـه ثبت است و مطابق اصل است و چون اصل امضاء بخط مبارك خود ایشان نبود در فوق آن بجهة اطمینان اهل ایمان بخط مبارك خود قلمی فرمودند صحیح صـدرعنّی والله‌العـالم و تمام مزّین بخاتم مبارك ایشان است وصورت سؤال هم‌که امضاء فوق‌آن قلمی شده این

۱ـ مهر بیضی بانام : «نصرالله‌الحسینی».

سواد مطابق با آن است .

حرره الاقل الاحقر .

[جای مهر][1]

[در پایین سطور بالا مطالب زیر نوشته شده است :]

بسم‌الله والحمدلله

برداعی محقق و ظاهر شد از شهادت شهود و سایر قراین آنچه عـالیجناب فضائلمآب نورچشم معظم آقاشیخ جعفر حفظه‌الله‌تعالی قلمی فرموده‌اند.

حرره الداعی فی‌شهر شوال‌المکرم من‌شهورسنه ۱۲۶۰.

[جای مهر][2]

والامر کمارقم زیدفضله فی‌الهامش حرره‌العبدالخاطی . [جای مهر][3]

صورت حکم خط و مهرجناب فخرالمجتهدین وآیةالله فی‌العالمین آقـا محمود بـن آقامحمدعلی‌بن‌آقامحمدباقر رحمه‌الله است . [جای مهر][4]

صورت حکم جناب آقامحمدمهدی است بااصل مطابق است. [جای دو مهر][5]

۱ــ مهر بیضی باسجع: « عبده‌الراجی محمدجعفربن محمدابراهیم » . ۲ــ مهر بیضی با سجع : «عبده محمودبـن محمـد علـی» . ۳ــ مهر بیضی کوچك ناخوانا . ۴ــ مهر بیضی‌کوچك ناخوانا . ۵ــ مهرکوچك بیضی با تزیین و سجع: «یا محمد». مهر بیضی بزرگتر با نام : «یا عبدالله» .

۳

تأیید حکم شرعی حاجی ملارضا در باب وقفیت میرمحله و چوپلانی و غاصب بودن عباس‌خان بیگلر بیگی استراباد .

عرض می‌شود چون در هفت‌ماه قبل عریضهٔ عالیجاه عباسخان بیگلربیگی بخاکپای مبارك اقدس همایون روح‌العالمین فداه نوشت‌که در باب وقفیت میرمحله وچوپلانی حرف وسخن شرعی دارم گوش بده حکم از اعیان علمای اسلام و دو امضای حکم دو ثقةالاسلام مرحوم سید و مرحوم حاجی‌محمدابراهیم کرباسی اعلی‌الله مقامهما نمیدهم باید طی سخن در خدمت جناب شریعت‌آداب علاّم‌آخوند ملامحمد اشرفی‌دراستراباد شود با عدم تمکین در اقدام و حضورآن جناب خیال‌گرفتن حکم از این‌جناب دیگر متصور نمی‌شود در ماه جمادی‌الاولی ۱۲۶۴ بازجسارت نموده عریضه بخاکپای قبلهٔ عالم دام اقبال‌هالعالی نوشتند و استدعاء که طی سخن در نزد سرکارعالی شود فرموده ونوشتهٔ‌جناب‌شریعت‌آداب‌را حکم‌الهی دانسته ممضی دارند ولهذا حکم‌شفاهی اقدس بردادن الزام و تعلیقه و قبول نمودن فرموده و ممضی دانستن حکم عالی‌را آیا سرکارخان مزبوراطاعت حکم خداوندقهار واطاعت حکم پادشاه رسمی اسلام احمد- مختار را نموده یاخیر و برسرکارت ظاهر شد و یقین شدکه حکم شرع‌الزامی الهی بروقفیت میرمحله و چوپلانی از مجتهد نافذالحکم استرابادی که خود عباس‌خان البته هزار حکم‌آن‌را نفوذ داده مجتهد نافذالحکم میداند حاجی ملامحمدرضا حکم فرموده و نقض حکم‌آن حرام است آنچه محقق ویقین شد قلمی باشدکه حقوق‌جمعی از اولاد پیغمبر خود ضایع نشود والسلام .

[بر بالای این استدعای‌صدور حکم شرعی، مطالب زیر نوشته شده است :]

بسم‌الله عزشأنه

بلی مرحوم جنت‌مکان حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه مجتهد جامع شرایط نافذالحکم در عصر خود بودند وثبوت وقفیت میرمحله و چوپلانی بنحو مسطور و حکم بآن از آنجناب صادر شده وآن حکم لازم‌الاتباع است و مخالف‌آثم است.

حرره الاقل بتاریخ بیستم جمادی‌الاخر ۱۲۶۴.

[مهری ناخوانا]

٤

حکم شرعی ممهور به مهر «عبده‌نصرالله» در تأیید حکم حاجی ملا محمدرضا و آقا محمدمهدی اصفهانی دربارهٔ وقفیت شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی بر ورثهٔ‌آقا میرموسی و آقامیرتقی.

واضح باشد شش‌دانگ قریهٔ معروفه بچوپلانی وقف برورثهٔ مرحمت مآبان‌آقامیر موسی وآقامیرتقی است اسلاف صالحین ایشان قریهٔ مزبوره را براولاد وقف نموده و این فقره نظر به اسناد معتبرهٔ کاالشمس رادالضحی به ثبوت و وضوح پیوسته ومناقشهٔ بعضی ازآقایان در دلالت عبارة صادره از بنان حضرت فردوس‌آشیان حاجی ملارضا عطرالله مضجعه باینکه‌کشف‌نمی‌کنداین‌عبارة ازصدور حکم از ایشان فسادآن‌حاجت به‌بیان ندارد اگر خود این عبارة را تعبیر می‌نمودند و دیگری چنین حمل می‌نمود البته برایشان‌گوارا نبود باآنکه در حکم صادره از شیخ‌الفقهاء آقا محمد مهدی کفایت است و قاطع عذر ورثهٔ مرحوم بگلربیگی است در دعوی صحة تصرف و باآنکه مرحوم شریعت‌مدار اشرفی در بعضی از نوشته‌جات اخبار فرموده‌اند به‌صدور

حکم ازحاجی مرحوم وانفاذ فرموده‌اندحکم مرحوم راملخص آنکه قریهٔمزبوره وقف برآقایان‌مشارالیهم‌است ودعوی ورثهٔ عباس‌خان‌بگلربیگی‌مرحوم ملکیهٔ قریهٔ مزبوره را فاسد است و اخلال‌کردن ایشان‌حرام است .

حررته لاربعته‌ایام بقیت من‌ربیع‌الاول ۱۲۸۰.

[جای مهر][1]

۵

حاجی ملامحمداشرفی حکم شرعی حاجی ملارضای‌استرابادی را در باب امـلاك وقفی سادات نـافذ و ممضی و لازم‌الاتباع می‌داند .

معروض سرکار فیض‌آثار وحیدالایام قبلةالانام جناب‌آقای حجةالاسلام دام‌فضله‌العالی میدارد‌که در باب لزوم ردّ املاك موقوفهٔ سادات استرابادکه در استشهادنامهٔ علیحـده تفصیل‌آن مسطور است مرحوم مبرور رضوانمکان حاجی ملا محمدرضای استرابـادی اعلی‌الله مقامه عبارتی نوشتند هذه عبارته جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبـوره داده‌اند و حکم شرع مطاع لازم‌الاتباع لزوم ردّ املاك مرقومه‌است‌بحضرات مرقومین اشهر آیـا سرکار حجةالاسلام چنین رقم فرخنده‌شیم آن جناب مرحمت‌مآب را از احکام قاطعهٔ لازمهٔ ایشان میدانندکه عمل بآن لازم و تخلف ازآن حرام است یـانـه استدعا آنکه آنچه رای‌مبارك سرکار است درحاشیهٔ اینورقه‌بخط و ختم‌شریف‌مرقوم و مختوم فرمایندکه تکلیف شرع در این‌باب معلوم شده باشد...

[برحاشیهٔ بالای این استدعای صدور حکم ، مطالب‌زیر نوشته شده است :]

1. مهرکوچك بیضی باسجع : «عبده‌نصرالله».

بسم‌الله تعالی شأنه

عبارت مسطوره ظاهر درحکم است اگرچه محض کتب حکم نیست بلکه کتابت حاکی از صدور حکم میشود غرض این است که احتمال بودن این نوشته فتوی بعیداست ظاهر این است که این کلام نوشته شد بعد از اقامهٔ بینه وصدور حکم کیف کان مناط معلوم شدن صدور حکم است بنحو معتبر شرعی پس اگر از نوشته و نحو آن معلوم شود صدور حکم ازمرحوم رضوانمکان خلدآشیان حاجی ملا رضای معروف استرابادی قطعاً نافذ وممضی ولازم‌الاتباع است بلکه شأن ایشان اجل از آن است که اینگونه عبارتها در حق ایشان گفته شود یا نوشته شود زیراکه آن مرحوم از اعیان فقهاء امامیه و از اساطین و اساتید فرقهٔ محقه است در هر واقعه‌که بنحو معتبر شرعی معلوم شودصدور حکم قولی ازآن بزرگوار البته ردّآن درحد شرك و ردّ کننده مردود خداوند جهان و مبغوض امام زمان خواهد بود.

تحریرا فی‌ربیع‌الاول من‌سنه ۱۲۸۰ ولقد حررته بیدی‌الجانیه وانا الجانی‌الفانی

[برحاشیهٔ سمت راست این تقاضا، مطالب زیر نوشته شده است:]

آنچه درمتن وحامش مرقوم است سواد مطابق بااصل‌است وبدقت تمام‌مقابله‌شده‌است و حامش‌که جواب‌از سؤال متن است ممهور است به مهرحجة‌الاسلام و قبلة‌الانام آقا کهف‌الحاج حاجی ملامحمداشرفی سلمه‌الله حررته فی‌لیله رابع عشرشوال ۱۲۸۴ .

[جای مهر][1]

ازقراریکه مشاهده و مقابله نمودیم با اصل ازحامش و متن مرّةً بعد مرتین مطابق یافتیم با آن که از جناب حجة‌الاسلام و قبلة‌الانام سرکار فیض‌آثار کهف‌الحاج و

۱ــ مهری بیضی‌شکل با سجع : «عبده‌الراجی محمدحسین».

المعتمرین‌حاجی آقاحاجی ملامحمداشرفی‌صادرشده و بمهرخود درآن مزّین‌فرمودند.

۱۷ ذی‌قعدةالحرام ۱۲۸۴ .

[جای مهر][1]

تطابق‌السواد والاصل تحریراً ۱۷ ذی‌القعدة ۱۲۸۴ . [جای مهر][2]

۶

حکم شرعی سه تن از حاکمان شرع در تأیید حکم حاجی ملا محمدرضا در باب وقفیت پنجدانگ قریهٔ میرومحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی .

چه میفرمایند در باب آنچه مرحوم حاجی ملامحمدرضا طاب‌ثراه برلزوم ردّ املاك موقوفهٔ سادات بسادات عالیدرجات مرقوم فرموده‌اند و هذه عبارت جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره داده‌اند و حکم شرعمطاع لازم‌الاتباع برلزوم ردّ املاك مرقومه است بحضرات مرقومین آیا این‌رقم فرخنده شیم‌آن جناب مرحمت‌مآب از احکام قاطعهٔ‌لازمهٔ ایشان است یانه وتجدید مرافعه جایزاست‌یاحرام بینوا . . .

[بر حاشیهٔ سمت‌راست این تقاضای صدور حکم‌شرعی،مطالب زیر با قلم متن نوشته شده است:]

هو

توضیح این سؤال‌آنکه این حکم شریف از جناب حاجی مرحوم در باب وقفیت نیمدانگ قریهٔ میرومحله و وقفیت ششدانگ قریهٔ چوپلانی واقعتان دربلوك استرابادرستاق بلدةالمؤمنین‌استراباداست برسادات عالیدرجات ومنهم مرحمت‌مآبان

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع : «یاامام محمدتقی» . ۲ــ مهری بیضی کوچك با نام : «صفی‌الله» .

آقامیرموسی وآقامیرتقی و باولاد ایشان که اکنون در بلدهٔ مزبوره درعیشند و اسامی سامیآنها مستغنی ازتحریر است صورت حالرا بیان فرمایند .

[بربالای این تقاضا عبارات زیرنوشته‌شده است :]

بسم‌الله تعالی شأنه

ایـن عبارة مزبوره صورة حکم شرع شریف است و حکـم صادر ازجناب مستطـاب فخرالفقهاءالاقطاب عمدةالمجتهدین الاطناب مرحوم‌رضوان‌ایاب حاجی‌حاجی ملارضای استرابادی اعلی‌الله مقامه‌نافذ وممضی و درموضوعیکه محل حکم ایشان است مرافعه کردن جایز نیست و تخلف و انحراف از حکم ایشان تخلف ازحکم امام‌عصرعجل‌الله فرجه ومخرجه است فعلیه‌حسب‌الحکم‌الصادر املاك مزبورهٔ موقوفه برسادات‌مزبورین است و باید برهمین منوال مجری‌شود والله‌العالم .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این تقاضای حکم مطالب زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

نظـر بحکم پنج‌نفـر از اهالـی شرعمطـاع لازم‌الاتبـاع که هـر یك قابل ولایقند من‌حیث‌العلم والعمل‌که متصدی امر شرع فتوی و حکومة وفصل‌الخصومات بموازین‌ـ القضاء در نزد ایشان بثبوت پیوسته شود پنجدانگ از قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ از قریهٔ چوپلانی واقعتان در بلوك‌استرابادرستاق دارالمؤمنین استراباد وقفست برسادات عالیدرجات‌که از جمله موقوف علیهم در این عصر عالیجنابان آقامیرزا ابوالقاسم و آقامیرزا محمدعلی وآقاسیداسمعیل میباشند واضح‌آنکه عبارت صادره ازخلدآشیان

۱ـ مهری بیضی‌باسجع : «عبده‌مصطفی‌العقیلی».

رضوان جایگاه حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه کاشفه از حکم شرع است نه فتوی و شهادت .

فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۸۰ .

[جای مهر][1]

قد صح‌مافی‌الفوق‌فی‌الربیع الثانی‌سنه ۱۲۸۰ . [جای مهر][2]

[ودر آخرین‌قسمت بالای این تقاضا عبارات زیر نوشته شده‌است :]

بسم‌الله تعالی

عبارتیکه از مرحوم رضوان‌مکان حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه در ورقهٔ مصححه نقل شده است و بنظررسیده است این‌است جمعی ازموثقین شهادة بمراتب‌مزبورداده‌اند و حکم شرع مطاع لازم‌الاتباع لزوم رد املاك مرقومه است بحضرات مرقومین و این کلام ظاهر کالصریح است در صدور حکم والزام از آن مرحوم بیان‌ذالك این است‌که حکم بر دو معنی اطلاق میشود الاول‌الالزام والایجاب والثانی‌اللزوم والوجوب الدین‌هواثرالالزام والایجاب والفرق‌بین‌المعینین‌اعتباری‌کالتأثیروالاثر اینجافرمودند که حکم شرع مطاع لزوم و وجوب‌ردّ است واین بی‌الزام وایجاب‌صورة نبنددازآنجا که تحقق اثر بی‌تأثیر غیرمعقول است علی‌ماتحکم به اوائل‌العقول فلم یجب‌ردالاملاك الموقوفه الی‌الموقوف علیهم الا بعدالزامه وایجابه قد ... ردهاالیهم پس کلام مثل صریح ونص‌است در صدورحکم والزام ازایجاب فعلی هـذا یجب‌اتباعه ویحرم‌نقضه .

حررته اقل‌الطلبه فی‌العشر الاخر من‌الشهر الثانی من ۱۲۸۰ .

[جای مهر][3]

---

۱ و ۲ ـ مهری بیضی باسجع : «اللهم صل‌علی محمد وآل‌محمد». ۳ ـ مهری بیضی باسجع : «عبده اسمعیل».

۷

تأیید حکم شرعی حاجی ملا محمدرضای استرابادی و آقا محمد مهدی اصفهانی به وسیلهٔ آقا محمدصادق عقیلی در بارهٔ وقف بودن پنجدانگ قریهٔ میرمحله و شش دانگ قریهٔ چوپلانی.

واضح باشد که بعد از شهادت شهود معتبره و موثقه و ملاحظهٔ احکام و نوشتجات جمعی از علمای اعلام و سادات ذوالعز والاحترام و ملاحظهٔ قراین واضحه و شواهد منضمه بر احقر عبادالله اعتقاد علمی قطعی یقینی حاصل شد که مرحومان مبروران جنت‌مکانان سندالاسلام حاجی ملا محمدرضای استرابادی رحمه‌الله وثقةالاسلام آقا محمدمهدی اصفهانی قدس‌سره در خصوص پنجدانگ‌قریهٔ میرمحله وشش‌دانگ قریهٔ چوپلانی واقعتان در بلوك استرابادرستاق که وقفند و موقوف‌علیهم مرحومان آقا میرمحمدتقی وآقامیر موسی‌الحسینی‌الاسترابادی و اولادشان میباشند حکم‌شرع‌مطاع لازم‌الاتباع صادر فرمودند و حکم برد و تخلیهٔ ید مرحوم رضاخان قاجار و عباسخان بیگلر بیگی و اولاد واحفاد ایشان نمودند واحکام ایشان‌لازم‌الاتباع‌است والرادعلیهما کالراد علی‌الله وهوعلی‌حدالشرك بالله وبعدمطالبةالامضا والانفاذ فقدامضیت‌وانفذت .

ولقدحررته بیدی فی شهرربیع‌الثانی ۱۲۸۰ .

[جای مهر][1]

[سوادی ازاین حکم‌شرعی مورخ ۱۲۸۰ه.ق. در دست است‌که برحواشی آن مطالب زیر نوشته شده‌است :]

این سواد مطابق اصل است که از جناب قبلـةالانامی سرکار فیض‌آثار خیرالحاج والمعتمرین حاجی‌آقاحاجی سیدصادق‌سلمه‌الله‌تعالی‌در باب‌شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی و

۱ــ مهر بیضی بزرگ با سجع : «عبده محمدصادق‌العقیلی» .

پنج‌دانگ قریهٔ میرمحله‌که وقف برآقایان مشارالیهم می‌باشد صادر شده و بمهر خود در آن مزین فرموده‌اند .

۱۷ ذی‌قعده ۱۲۸۴ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این‌حکم سطور زیر نوشته شده است :]

این سواد مطابق اصل است و ممهور است بمهر جناب قدوةالمجتهدین و زبدةالفقهاء العاملین وافخرالحاج والمعتمرین حاجی سیدصادق سلمه‌الله تعالی و بدقت تمام‌مقابله شده است .

حررته فی‌لیلة سابع‌عشر ۱۲۸۴ من‌شهرذیقعده .

[جای مهر][2]

توافق‌السوادوالاصل تحریراً شهرذی‌القعدة ۱۲۸۴ . [جای مهر][3]

۸

حکم شرعی ممهور به مهر «محمدجعفر» در باب وقف نمودن نصف‌آب رودخانهٔ قوچانی را ولی‌خـان خلف ملک‌کاظم برای سادات چوپلانی .

واضح باشد که در یوم دوشنبه هشتم نجومی شهر محرم‌الحـرام سنهٔ ۱۲۸۴ تقریباً قریب بدو ساعت از زوال‌گذشته بوده‌که اتفاقاً بمدرسهٔشفائیه‌رفتم عالیشأن‌عمدةالاقران ولیخان خلف مغفرت‌مآب ملک‌کاظم‌کراراً و مراراً درآنجا درآنوقت اعتراف نموده‌که

۱ـ مهرچهارگوشه با سجع : «یا امام‌محمدتقی ۱۲۷۸». ۲ـ مهـر بیضی بـا سجع : «عبده‌الراجی محمدحسین». ۳ ـ مهر بیضی‌کوچك ناخوانا .

نصف‌آب رودخانهٔ قوچانی مال مختص‌آقایان سادات عالیدرجات چوپلانی است و باحدی دخل ندارد و اینمعنی را بعبارات‌مختلفه‌که هریك‌صریح در اقرار بوده تعبیر نموده مثل اینکه سه دانگ ازآب قوچانی مال و ملك‌آقایان است و تنزیه میکرد نفس خود را از ادّعای ملکیّته و دعوی مالکیته این سه دانگ که در فوق بنصف تعبیر شد .

فی نهم تقویمی شهرالمزبور من‌السنةالمسطوره .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این حکم عبارات زیر نوشته‌شده است :]

قدسمعت‌الاقرار من‌ولی‌خان خلف مرحوم‌المرقوم علی‌النهج‌المرقوم کراراً ومراراً .

وانا‌الاقل‌الاثم . [جای مهر][2]

۹

حکمی شرعی که استدعای صدور آن همراه آن نیست و ظاهراً در جواب نامه‌ای جداگانه که به حاکم شرع نوشته‌اند صادر شده است . این حکم در باب وقفیت قریهٔ چوپلانی و ادعای ملکیت عباس‌خان بیگلر بیگی است و مهر و تاریخ‌ندارد .

هوالمستعان

عرض میشود که اولاً اینمطلب‌مخفی‌نماندکه‌داعی در فقرهٔ خوانین و سادات‌تاحین ۲۷ ماه ذی‌الحجةالحرام ازسنهٔ ۱۲۸۴ میباشد نه‌حکمی‌دادم و نه‌امضائی‌کردم لکن بعد از اینکه نوشتهای مرحوم‌آقای رئیس وآقای شریعتمدار وآقای حجةالاسلام رادیدم

۱ـ مهر بیضی بـا سجع : «عبده محـمد جعفر». ۲ـ ظاهراً مهری نظیر مهر اول است .

که در ید ورثهٔ مرحوم عباس‌خان بیگلربیکی بود هیچ‌گمان نکردم‌که در ید اینها نیز از آنها نوشتجات در بین باشد و خـودپارهٔ از مطـالب در خواطر داشتم و میدانستم راجح دانستم‌که آنچه را مطلع شدم بشما بنویسم مراسلهٔ عموماً نوشتم ملخص‌آن‌این است‌که‌در اینواقعه احقر انام حکم‌صادر ازمرحوم‌آقا محمدمهدی‌را معتبر نمیدانم‌اصل کیفیت‌رامیدانم و نوشتهٔ‌مرحوم‌آقای حجةالاسلام را من گرفتم در اینکه‌آن‌حکم‌معتبر و قاطع نزاع نیست بنده ابداً تزلزل وتشکیك نخواهم‌نمود امرمنحصر شد بنوشتهٔ‌مرحوم حاجی‌ملارضا اعلی‌الله مقامه واضح‌است‌که محض‌ظهور کتبی(؟)سند شرعی که‌بتواندرفع حکم ید معتبره‌کرد نمیشود باید صدور حکم معلوم شود ومفروض این است‌که‌مرحوم رئیس در اواخر بدست چپ‌بعد اززحمت زیاد نوشت‌که‌آن حکم معتبر نیست ومرحوم حاجی ملاتقی اعلی‌الله مقامه شرح مبسوطی نوشت‌که من فحص بسیار کردم واعتبارش معلوم نشد و ملك است و مرحوم شریعتمدار نوشتجات متعدده نوشت‌که‌آقاسیدفضل‌الله مستند تصرف او حکم مرحوم حجةالاسلام بوده و بس وآن بی‌اعتبارشد وصریح‌نوشت که چوبلانی ملك عباس‌خان است و از قدیم قبالجات متقنهٔ‌محکمهٔ مشتملهٔ برخطوط و خواتیم اعیان واکابر استراباد دربیع و شرا وایجار واستیجار دلخون اینقدر دارندکه انسان واله و حیران میشود بحق خدا بنظرم محال عادی‌آمدکه وقف با این تفصیلات ثابت و محقق شود ومسئلة هم نظرم همچه می‌آیدکه اگرصدور حکم نسبت به‌بعضی‌از ازمان سابقه معلوم شود ولکن وجه عمل نشدن معلوم نباشد . . . . برود که مانعی از نفوذ شرعاً داشت یا خلاف را معلوم‌کرده باشند یا مجوز بیع وقف بفتوای‌فقیه‌معتمدی موجود بود بااین احوال نمی‌توان‌حکم بوقف‌نمود اگربعد ازملاحظهٔ جمیع‌نوشتجات حضرات و التفات‌بجمیع مقدمات‌که‌ازجملهٔ‌آنها وجود جمع‌کثیری از معمرین‌معتبرین بود درآن ازمان و اعصار که دیگران میرسیدند بازمطمئن شدید جای سخنی باقـی نمیماند اولاً در همچه واقعه اصلاح اصلح است و همـان اصـلاحی‌که مرحوم رئیس

اعلی‌الله مقامه‌قرارداد زیادعلی‌الظاهر پیشرفت ندارد وبسیار دلم میخواست‌نصفی بکنم نه آقایان تمکین کردند نه‌آنهاگفتند آنها هم بعد از عاشورا با نوشتجـات بیایند در شهر استراباد بفرصت نوشتجات طرفین را ملاحظه نمائید بعد از تأمل تام در آنچـه نوشتیم آنچه یافتید خواهید فرمود از فقرهٔ حکم آقا محمدمهدی بگذرید آن قطعاً غیرمعتبر است بآن جمیع وجوه محتمل است جائز نباشد.

ادام‌الله‌افاداتکم والسلام.

اینقدر بدانیدکه‌داعی‌گرفتارم وچاره ندارم اگرگاهی‌گمان بتناقض برود یقیناً عمداً و اختیاراً نیست.

والسلام.

۱۰

سوادحکم شرعی‌آقامحمدمهدی‌اصفهانی دربارهٔ‌تعیین حدود و سامان مرزبانکلاته و چوپلانی و ملکیت آب قوچانی.

واضح‌باشد که‌چون‌درمابین‌سادات‌درازگیسو وسادات میرزاخانی شیرنگی‌درحدود و سامان مرزبانکلاته و چوپلانی و آب قوچانی منازعه بود بخواهش طرفین‌بدانجارفته با جمعی‌کثیر سادات درازگیسو ادعا نمودندکه حدود چوپلانی ومرزبانکلاتهٔ جنوبی از بند دوم قوچانی‌است که ازآنجا بزیرآب‌وملك مال‌ایشان ومتعلق بچوپلانی‌است و از جانب شمال‌که از جانب تحت مرزبانکلاته شصت‌نی‌دوازده ارش‌ازجرآنقریه‌بصوب شمال مال مرزبانکلاته والباقی مال‌ایشان و متعلق بچوپلانی است جمعی‌کثیروجمعی غفیرکه ادای شهادت حسیه وعلمیه و اصلیه و فرعیه وملکیه و تصرفه نمودندکه قریب به‌پنجاه نفر بودند اقامه نمودند براینکه حدود و سامان از قـرار مزبور است و آب قوچانی از زیر بنددوم آنچه زاینده شود مال ایشان و متعلق به‌چوپلانی است وچون

قلیلی از شهود از سفیددارکه پائین شصت‌نی است شهادت داده‌اند لهذا محقق و واضح شد بر اقل عبادکه سامان ازطرف شمال سفیددار است و ازجانب جنوب بحسب‌ملك و آب از بنددوم قوچانی است‌که از شهادت‌ثقه وغیرثقه از استفاضه وشیاع‌حاصله‌اینقدر مشخص و معلوم و محقق است ازآن قرار اطراف نزاع محکومند شرعاًکه معمول دارند و تخلف جایز نشمارندکه حکم شرع این است .

حررته بیمنای‌القاصره فی‌شعبان ۱۲۸۶ .

اعلی‌الله‌مقامه [جای‌مهر][1]

[بربالای این حکم شرعی با سطوری‌که‌کرسی‌آن نود درجه باکرسی‌متن‌سواداختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده‌است:]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

مافی‌المتن والحاشیة‌الدائرتین سوادمطابق‌لما فی‌المتن‌والحاشیتین الدائرتین حرره‌الاقل فی‌ثانی اربعین من ۱۲۹۵. [جای مهر][2]

[بر سمت چپ این سطور مطالب‌زیر نوشته شده است :]

نظر باین سند متقن واسناد چندی‌ازآقایان‌عظام‌مضمون مسطورقابل انکار نیست البته طرفین بمقتضای‌آن‌عمل‌نمایند وتخلف و تمرد ننمایند. فی شوال‌المکرم‌من۱۲۹۰.

[جای مهر][3]

۱ـ مهری بزرگ‌بیضی‌باسجع : «عبده محمدصادق‌العقیلی ۱۲۷۱». ۲ـ مهری بیضی با سجع : «عبده مصطفی‌العقیلی». ۳ـ مهرروئـویس شده بـا سجـع: «الراجی محمدبن محمدمهدی ۱۲۰۹».

[در زیر مطالب بالا با خطی خوش سطور زیر نوشته شده است :]

السواد مطابق لاصله‌الاصیل‌المعتبر المعتمد متناً وهامشاً مطابق النعل بالنعـل . حرره الاقل الاذل لاربعة ایام بقین من ربیع‌الثانی ۱۲۹۵ . [جای مهر][1]

[برحاشیهٔ‌سمت راست این حکم باسطوری که کرسی آن باکرسی متن صدوهشتاد درجه اختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده است :]

خطوط در این ورقه سواد خطوطی است که مرحتمآب حاج سیدصادق بیدخودش قلمی داشته بود و اختلافی در بین نیست و چهارسطر فوق هم مطابق است با اصله خود که آن اصل را سرکار آقای حجةالاسلام ادام‌الله بقائه قلمی داشته‌اند که بخط آن جناب است. حرره‌الاقل فی ۲۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۵. [جای مهر][2]

هذاسواد مطابق لاصله المعتمدالمختوم بخاتم المرحوم الحاج السیدصادق اعلی‌الله مقامه . [جای مهر][3]

این سواد مطابق بااصل مرقوم بخط مرحوم افخرالحاج حاجی سیدصادق اعلی‌الله‌مقامه است و حکم بمضمون آن ازآن طاب‌ثراه جاری شد و تخلف ازآن جایز نیست و فوق آن خط جناب حجةالاسلام و موضع مهر آن بزرگواراست. حررته فی‌رابع‌عشرین ربیع‌الثانی ۱۲۹۵ . [جای مهر][4]

هذاالسواد مطابق لاصله‌المعتبر المعتمدالمرقوم المـختوم بخاتـم المرحـوم‌المبرور الحاجی‌الحرمین‌الشریفین حاجی سیدصادق اعلی‌الله مقامه وفوق‌آن نیز امضـا سرکار حجةالاسلام است. حررة الاقل‌فی‌اولی‌الجمادیین ۱۲۹۵. [جای مهر][5]

۱ـ مهر کوچك بیضی با نام «محمدهادی». ۲ـ مهر بیضی با سجع: «محمدطاهر الحسینی ». ۳ـ مهر بیضی باسجع : «الهم‌اغفرصفی‌الله». ۴ـ مهر درست نگرفته است و دوکلمهٔ «محمدبن» روشن خوانده می‌شود . ۵ـ مهر چهارگوشهٔ ناخوانا .

۱۱

تقاضای صدور حکم شرعی از حاکم شرع در بارهٔ حدود و سامان‌ملك قریهٔموقوفهٔ چوپلانی وقریهٔمرزبانکلاته و حدود و سامان رودخانهٔ زایندهٔ قوچانی .

عرض واستدعا میشود درخصوص حدود وسامان ملك‌قریهٔ موقوفهٔ موسومه‌بچوپلانی‌و قریهٔ مرزبانکلاته و حدود و سامان رودخانهٔ زایندهٔ قوچانی‌که جناب مستطاب قبلة‌ـ الانامی سلمه‌الله بهمراهی جناب‌مستطاب‌قبلةالانامی وشریعتمداری حاجی‌آقاسیدصادق سلمه‌الله تشریف‌آورده‌بودید درقریهٔ چوپلانی وسادات عظام مالکین قریهٔ‌مرزبانکلاته هم حاضر بودند وبه مردان وریش‌سفیدان قرای متقارب قریهٔ مسطورهاکه اطلاع‌کامل داشتند در سرسامان جمع نمودیم وسرکارعالی‌تشریف داشتند وشهود هم خدمت‌سرکار عالی اقامهٔ‌شهادت‌خودنموده‌اندآنچه سرکارعالی دام‌اقباله‌معلوم شده‌درفوق‌عریضه‌مرقوم فرموده و بخاتم شریف مزین فرمایند که سند و اعیان و ذریهٔ حضرت‌رسول صلی‌الله علیه وآله بوده باشد انشاءالله مضایقه نخواهند فرمود و مشروحاً قلمی خواهندفرمود زیاده عرض و استدعائی ازآن قبلةالانامی ندارم باقی ایام عزت و افاضت مستدام باد برب‌العباد .

[بربالای این تقاضا و حاشیهٔ سمت راست‌آن مطالب زیرنوشته شده است :]

هوالمستعان

تفصیل واقعهٔ مرافعه‌وحقیقةرسی حدود قریهٔ چوپلائی[1] با قریهٔ مرزبانکلاته ازشمال مرزبانکلاته و همچنین حقیقةرسی‌مجرای قوچانی این است‌که آقایان عظام مالکین چوپلائی‌که مشهورند‌بسادات‌درازگیسو باآقایان عظام مالکین مرزبانکلاته‌که‌مشهورند

۱ـ منظور همان دهکدهٔ چوپلانی است .

بسادات شیرنگی مدعی شدند باینکه سامان و حد جنوبی ملك چوپلائی متصل‌است بملك و قریهٔ مرزبانکلاته بعداز وضع شصت‌نی دوازده ذراعی‌از خندق قدیم‌مرزبان‌ـ کلاته‌که در این زمان سمت جنوب مسجد قریهٔ مزبوره است بسمت شمال‌گذشته است که ملك قریهٔ مرزبانکلاته زیاده ازشصت‌نی بسمت شمال ملك ندارد و همچنین ادعا نمودند باینکه مجرای قوچانی‌که شمال‌آنرا خورد رودبار مینامندکه‌ازقدیم‌الی‌الآن زاینده‌است ملك‌چوپلائی‌است‌که مالکین مرزبانکلاته از فوق محاذی تپهٔ‌ابراهیم‌آباد بسمت‌شمال‌حقی ندارند انشاءمرافعه در محضر جناب مستطاب شریعتمدارکهف‌الحاج حاجی‌سیدصادق‌سلمه‌الله‌تعالی‌نمودند وجناب‌حاجی‌آقاسلمه‌الله قرارمرافعه واقامهٔ‌شهود را در سرسامان‌قریهٔ مزبوره فرمودند اقل‌عباد درآن اثنا درقریهٔ‌جلین‌آمدند جنـاب مستطاب حاجی‌آقا تشریف‌آوردند درجلین وفرمودندکه شماهم بمصاحبت‌ما بیائیددر قریهٔ چوپلائی عبدهم اطاعت‌نموده بمصاحبت‌آن‌آقا... رفتم وآقایان‌عظام جمع‌کثیری از اهل بلوك من‌جمله‌همهٔ‌مردان‌میرمحله‌وسرجان‌کلاته وجلین و دودانگه وآهنگرـ محله را جمع نمودند و حاضر شدند سرسامان جنوبی چوپلائی انشاء سخن نمودنـد قریب شصت‌نفرشهادت دادند اصالةً بلاواسطه و مع‌الواسطه بعض باقرار بعض بتصرف باینکه شصت‌نی دوازده ذراعی ازخندق قدیم مرزبانکلاته که مرقوم شد بسمت شمال رسید ملك‌و متصرفی مالکین چوپلائیست‌که سمت غربی‌آن متصل میشود بخندق‌قدیم که حال‌آب‌جاریست و شرقی‌آن متصل میشود بمجرای داربك‌آب وقریهٔ‌مرزبانکلاته زیاده از شصت‌نی موصوف‌بسمت شمال ملك نـدارد ولکن سه‌چهار نفر از پیرمـردان شهادت‌دادند باینکه متصرفی‌چوپلائی از درخت سفیددار است‌که سمت‌شمالی‌شصت‌نی واقع‌است بوده‌است ولذاازباب قدریقین و احتیاط حکم شرع‌اطهر جاری شد باینکه حد جنوبی قریهٔ چوپلائی متصل است بآن درخت سفیددارکه ازمحاذی‌غربی‌آن‌بخط مستقیم متصل میشود بخندقی‌که مجرای‌آب دیوان است و شرقی‌آن نیز متصل میشود

بمجرای داربك‌آب و تصرف مالکین مرزبانکلاته در زیاده ازآن مقدار خلاف شرع مطاع لازم‌الاتباع است .

حررته بیدی فی‌رابع ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ .

[جای مهر][1]

و اماحدوسامان رودخانهٔ قوچانی بعداز اقامهٔ‌آقایان شهود خود را درسامان جنوبی؟ و اجرای حکم بمصاحبت حاجی‌آقاسلمه‌الله وپیرمردان رفتیم‌سر رودخانه درآنجا دوبند نشان دادند یکی ازآن درمحاذی فوق‌تپهٔ ابراهیم‌آباد واقع‌بود و دیگری در محاذی تپهٔ مزبوره‌که از بندثانی‌نهری محفور است بسمت غرب سادات عظام مالکین‌چوپلائی ادعا نمودندکه ازآن بندثانی وازآن نهربسمت‌شمال ملك ومختص مااست‌که مالکین قریهٔ چوپلائی هستیم سادات عظام مالکین مرزبانکلاته منکرشدند مطالبهٔ ابینه از آقایان نمودند جمع‌کثیری از پیرمردان معتبرین و معتمدین شهادت برحقیقت‌آقایان مالکین چوپلائی دادند باینکه ازآن بند و نهر بسمت شمال در تصرف‌آقایان‌مالکین چوپلائی بوده و هست و این رودخانه از بند مزبور و نهـر مزبور بسمت شمال ملك موقوفهٔ قریهٔ چوپلائی است از شهادت ایشان علم قطعی حاصل شد باینکه‌آن‌رودخانه از بند مزبور ملك چوپلائیست و همچنین ازآن نهربزیر ملك موقوفهٔ‌آقایان درازـ گیسو است بقسمیکه بهیچ‌وجه‌احتمال‌خلاف راه نداشت ولذا حکم شرع‌مطاع لازمـ الاتباع جاری شد باینکه حـد جنوبی قریهٔ چوپلائی ازسمت شرقی داربك‌آب متصل است بند مزبور و از بند مزبورکه محاذی نهر مزبور است ازآن رودخـانـهٔ زاینده بسمت شمال ملك چوپلائیست وآقایان‌شیرنگ زیاده ازآن بند ثانی‌که تقریباً‌محاذی

۱ــ مهر بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین».

تپهٔ مزبوره و نهر مزبور است حقی و حظی ندارند چنانچه تصرف زیاده از حدین مزبورین نمایند تصرف ایشان غصب و خلاف شرع‌مطاع لازم‌الاتباع خواهدبود .

ولقدحررته‌بیدی فی رابع شهرربیع‌الثانی ۱۲۸۹ .

[جای‌مهر][1]

۱۲

حکم شرعی آقا محمدصادق‌العقیلی در بارهٔ صلح شرطی یك دانگ خانهٔ ابراهیم‌کربلایی نصیر در محلهٔ میدان استراباد .

عرض میشود سندی‌خیرالزائرین کربلائی‌علی پالان‌دوز داردکه مفادش این است‌که یك دانگ خانه‌موجه‌ابراهیم‌کربلائی‌نصیر‌حسب‌صلح‌شرطی مال‌کربلائی‌علی‌است ویك سندی دارد بی‌بی‌زینب زوجهٔ موجه ابراهیم مذکورکه مفادش این است‌که یك‌دانگ خانهٔ مزبوره مال اوست حسب بیع شرطی و در هر دو سند خط و ختم سامی است و بایع‌و مصالح در هردوسند ابراهیم‌کربلائی‌نصیراست باری فعلاً هردوسند ارسال‌خدمت شد در تقدم و تأخر هریك ملاحظه‌کنید و در فوق همین سؤال نویسیدکه کدام معتبر است و تاریخ هم‌گذارید .

تحریراً فی ۱۳ شهررمضان‌سنه ۱۲۹۱ .

[بربالای وسمت چپ‌این‌حکم شرعی مطالب زیرنوشته شده است:]

بیعشرط‌الضعیفه مقدم است اگر هر دو خانه‌که در اسانید نوشته یکی باشد ابدالظاهر

۱ــ مهر بیضی باسجع : «عبده‌الراجی محمد حسین».

شرع به بیعشرطالضعیفه محکوم مقدم است در صورتیکه خانهٔ مسطورة در یـد بایع همیشه بوده والا اگر در ید مشترین متناوبـاً و مرتباً بـوده البته ذی‌الیداخیر قولش مقدم چون احتمال نقل و فسخ و نحو ذالك قائم است در یدکاتب است واما سند هردو خط داعی‌و معتبراست ولکن فسخ‌اول و وحدت‌خانه وکیفیت‌ابدی متعاقبه رانمیدانم و حکم آنستکه اجمالاً تحریر یافت .

حررته فی شهر رمضان ۱۲۹۱ .

[جای مهر][1]

۱۳

حکم شرعی‌آقایان محمدحسن موسوی و محمـدمهدی موسوی در بارهٔ یك دانگ خانهٔ ابراهیم‌کربلائی‌نصیر واقع در محلـهٔ میدان استراباد .

عرض میشود خیرالزائرین‌کربلائی‌علی‌پالان‌دوز یکطغری‌سندی ممهور بمهرجمعی از آقایان عظام دارد از جملهٔ ایشان است سرکارعالی و خط و ختم سرکار درآن‌سند است و مفادآن سند این استکه ابراهیم‌کربلائی‌نصیر یك‌دانگ خانهٔ خودراکه واقع است در محلهٔ میدان بصلح شرطی منتقل نمود بکربلائی‌مزبور و دختراٍبراهیم‌مسطور که مسمات است به بی‌بی‌زینب نیزسندی دارداز ابراهیم مزبورکه والد اواست‌باینکه آن یك دانگ همان خانه ملك‌آن ضعیفه است و من‌باب بیع شرطی‌منتقل بـاو شده لکن تاریخ نوشته و سندآن ضعیفه پیش است ، غرض از زحمت این است که در فوق

۱ــ مهربیضی بزرگ با سجع : «عبده محمدصادق‌العقیلی» .

سؤال [بنویسید] که نوشتهٔ ضعیفه معتبر است و پیش چیزی نویسید و تاریخ هم گذارید.
فی ۱۴ رمضان ۱۲۹۱ .

[بر بالای این استدعای صدور حکم شرعی مطالب زیر نوشته شده است :]

تمسك کربلائی علی که یکدانگ خانهٔ خود را محمد ابراهیم خلف مرحوم کربلائی نصیر صلح شرطی بمشارالیه نموده صحیح ومعتبر و تمسك صبیهٔ محمدابراهیم مزبور مسماة به بی بی زینب که محمدابراهیم و زوجه‌اش سه‌دانگ خانهٔ بیع شرطی بمشارالیها نموده‌اند نیز معتبر و محل‌صلح و بیع همان خانهٔ مسکونهٔ محمد ابراهیم بوده شبهه نیست لهذا نظر بتقدم بیع شرط صبیه حسب‌ظاهر باید عمل باو نمود مادامیکه وجه صحیحی از جهت کربلائی‌علی معلوم نگردیده والله‌عالم بحقایق‌الامور.

حررته فی ۱۶ شهر رمضان ۱۲۹۱.

[جای مهر][1]

بلی خیرالزائرین کربلائی علی مذکور تمسکی دارد در باب یکدانگ خانهٔ ابراهیم و ابراهیم بصلح شرطی منتقل کرده است هکذا یك خانه را بکربلائی‌علی و در آن سند خط و خاتم احقر و معتبر است لکن سند عفت‌پناه بی‌بی‌زینب صبیهٔ ابراهیم که‌منتقل کرده است بقیهٔ خود سه دانگ از خانهٔ مسطوره را به بیع شرطی و معتبر هم هست بحسب تاریخ تقدم دارد برسندکربلائی‌علی‌لهذا سندکربلائی علی از درجهٔ اعتبار ساقط و هابط بملاحظهٔ تقدم تاریخ‌سند بی‌بی‌زینب و اعتبارش .

حررها الاقل والراجی فی ۱۵ شهر رمضان من‌شهور ۱۲۹۱ .

[جای مهر][2]

۱ــ مهربزرگ بیضی با سجع : «عبده‌الراجی سید محمدالموسوی» . ۲ــ مهر بیضی بـاسجع : «عبده‌الراجی محمدحسن‌الموسوی».

۱٤

سواد حکم شرعی حاجی آقا سیدصادق در باب حد و سامان ملك لله‌دوین و آزادمحله .

بسم‌الله خیرالاسماء

واضح باشد که ازقرارشرح‌شهادت‌جمعی‌کثیراز مؤمنین ازاهالی لله‌دوین و ورسن‌و تخشی‌محله و پیرمردان‌آنجاکه اسامی ایشان در ذیل ورقه مسطور است براحقرعباد معلوم ومحقق‌گردیدکه حد و سامان ملك‌لله‌دوین و آزادمحله از اول‌کتل‌دال است‌که ممتد میشود بطرف شرقی تپهٔ قنبران و ازآنجاگذشته متصل است بمیان‌دال‌کـه ممتد میشودبمرزی‌که فاصله است بین‌ملك‌آزادمحله و لله‌دوین وازآنجا ممتد است‌به‌پیشانی که مشهور است بلله‌پیشان و ازآن پیشان بخط مستقیم ممتد است بدارکلـه که اول صحرای دوستعلی‌کل است‌که سمت غربی حـدو سامان ملك مزبور مال مالـکین ملك لله‌دوین است دخلی بملك‌آزادمحله ندارد برزارعین و مالکین ملك‌آزادمحله بحکم شرعمطاع لازم‌الاتباع واجب و لازم است‌که ازآن حدود تعدی و تجاوز ننمایندکـه تخطی ازآن حد و تصرف درآنملك بدون اذن و رضایت مالکین لله‌دویـن خـلاف شرع انور و حرام است و حکم شرع‌شریف از اقل عباد برمراتب مسطوره صادر شدکه تخلف و انحراف خلاف قانون و میزان شرع است

اسامی شهود : مشهدی‌آقابابا ــ کربلائی‌قربان ــکربلائی‌صفی‌خان ــ ملاهاشم‌ــ محمد حسین ــ قربانعلی ــ مشهدی‌خدابخش ــ باقر ــ مشهدی‌رضا ــ مشهدی‌حیدرــ باباقلی‌ــ کربلائی محمدابراهیم‌آقاــ مشهدی شریف‌ــکربلائی ملارضا ــ مشهدی علی ورسنی‌ــ مشهدی‌تقی‌ورسنی ــ غلام‌ورسنی‌ــ مشهدی امیرورسنی‌ــ حیدرعلی‌آقاورسنی‌ــ مشهدی صالح‌ورسنی ــ مشهدی‌نورمحمدتخشی‌محله ــ مشهدی‌جمال‌تخشی‌محله‌ــمشهدی‌حیدر

تخشی‌محله ـ مشهدی قربانعلی‌ورسنی ـ ابراهیم‌ورسنی ـ کربلائی‌غلامرضا ورسنی ـ کربلائی محمد ورسنی ـ کربلائی‌رجبعلی‌ورسنی‌ـ‌مشهدی نجف‌ورسنی‌ـ‌آقاسیدحسین ورسنی ـ ملارحیم‌ورسنی ـ ملاابراهیم ورسنی ـ کربلائی حسین ورسنی ـ مشهدی حسن تخشی‌محله .

وکان ذالك محررا فی حادی عشر شهرربیع‌الاول من‌شهورالعربیه سنه ۱۲۹۲ .

[محل خاتم شریف حضرت حجةالاسلام خلدمکان آقاحاجی‌آقا سیدصادق عطرالله مرقده]

[بربالای این حکم مطالب زیر نوشته شده است :]

الامرکما زبروسطرفلیعمل بمقتضاه‌ولایتخلف عن‌مؤداه حررته فی‌الربیع‌الاول۱۲۹۲.

[محل خاتم‌شریف حضرت‌آقاشیخ عبدالرزاق رحمه‌الله‌تعالی]

جانب غربی حدّمسطور درمتن شرعاً محکوم‌است بملك ارباب للهدوین و شرقی متعلق به‌آزادمحله است فصح‌مافیه ولیعمل بمقتضاه. حررته فی‌الربیع‌الاول ۱۲۹۲ .

[محل‌خاتم‌شریف حضرت‌مستطاب‌آقاحاجی‌آقا سیدصادق‌العقیلی اعلی‌الله مقامه]

هذالسواد مطابق‌لاصله المعتبر. حررته بیدی‌القاصره فی‌شهرجمیدی‌الاولی ۱۳۳۲.

[جای سه مهر] [1]

هذالسوادمطابق‌لاصله الصحیح‌المعتبر طابق‌النعل‌بالنعل. حرره‌الاقل. [جای مهر] [2]

۱ـ هرسه‌مهر بیضی‌است . مهراول باسجع :« عبده‌عباسعلی‌العقیلی» . مهردوم باسجع: «جمال‌الدین‌بن‌محمدصادق‌العقیلی» . مهرسوم باسجع : «سرالله‌العقیلی » . ۲ـ مهری بیضی بانام · «محمدابن‌محمدجعفر ۱۳۳۱» .

هذاالسواد بعدمقابلة مع‌اصله‌المعتبر المعتمد وجدتهما سیان فی ۷شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۲ . [جای مهر][1]

معتبر ومتبع است.

[محل‌خاتم شریف حضرت حجةالاسلام آقاشیخ‌صفی‌الله دامت‌برکاته]

سواد مطابق اصل است. [جای دومهر][2]

[سواد دیگری از این حکم‌در دست است‌که پاره‌ای ازمطالب حاشیهٔ آن، بااین‌سواد اختلاف دارد . این‌مطالب ازاین‌قرار است :]

این سواد مطابق بااصل است فی ۴ ج ا/ ۱۳۳۲. [جای مهر][3]

هـو قدقوبل هذاالسوادمع‌اصله‌الاصیل وجدتهماسیّن حررته فی‌پنجم‌جمادی‌الاولی ۱۳۳۲. [جای دومهر][4]

این سواد مطابق با اصل معتبراست شرعاً ترتیب‌آثار برمؤدای آن لازم‌است تحریرا فی‌جمیدی الاولی سنه ۱۳۳۲ . [جای‌مهر][5]

[سواد سومی ازاین حکم در دست‌است‌که برحاشیهٔ‌آن آقا شیخ‌صالح مطالب زیررا نوشته است :]

چون ملك‌آزادمحله راکه واقعه است در بلوك سدن‌رستاق مرحوم مبرورآقامیرزامقیم

۱ـ مهری بیضی با نام : «یعقوب الحسینی» ۲ ـ مهری بیضی کوچك بانام : «محمدوالی»ومهری بیضی بزرگتر بانام : «سالاراشرف۱۳۳۰». ۳ـ مهربیضی بانام: «نصرالله‌الحسینی۱۳۲۵». ۴ـ مهربیضی بانام: «یعقوب‌الحسینی» ومهربیضی‌دیگر بانام: «محمدباقر» . ۵ـ مهربیضی باسجع : «عبده‌رحمت‌الله» .

لشکر نویس دیوان اعلی رحمه‌الله درحال حیات خــود متصرف بودند پس از وفات او وصی ثابت‌الوصیات ایشان که حضرت مستطاب اجل‌اکرم سردار امجد دام‌اقباله‌العالــی میباشند منتقل فرمودند بعمدةالعلماء والمجتهدین‌العظام سلیل‌الاماجدالکرام افتخار الحاج والعمار آقاحاجی سید طاهر سلمه‌الله تعالی دارائی وتصرف آنجا متعلق بآنجناب سلمه‌الله تعالی شد مزرعهٔ موسومه بدوستعلی‌کل راکه درتصرف‌اربابان لله‌دوین همیشهٔ اوقات سابقاً بوده و میباشد مدعی شد جناب مستطاب حاجی آقا سلمه‌الله تعالی برایشان که متعلق بآزادمحله میباشد و با اینکه قرار داشتند باینکه درتصرف‌اربابان لله‌دوین بوده و میباشد در مقام تحقیق و غوررسی این فقره راقم اجابت دعـوت نموده بدون شائبه و ملاحظه محض‌اعمال قواعد و موازین شرعیه برخی اززمان وکیل‌شرعی‌جناب مستطـاب حاجی‌آقاسلمه‌الله با بعض از اربابـان لله‌دوین و وکیل شرعی بعض‌دیگــر اگرچه بعض دیگرحاضر نبودند درمقام‌تحقیق این‌مطلب برآمده حدود دوستعلی‌کل‌را که‌تحدیـد نموده‌اند بحدودی که از خــارج در دست است ابــراز نموده مطالبهٔ بینهٔ شرعیه‌از وکیل شرعــی جناب‌مستطاب شرع‌مآب حاجی آقاسلمه‌الله شدکه از غیراهالی قلندرمحله و هاشم‌آباد بوده باشند ازآنجاکه بملاحظات خارجهٔ معلومه محل‌استماع شهادت‌آنها نبوده ازغیر آنجاها مطالبه شدتا این تاریخ دربوتهٔ تعویق مانده لذا قلمی میشودکه بمقتضای‌شرع انورمزرعهٔ دوستعلی‌کل بایدکماکان درتصرف اربابان‌لله‌دوین بوده باشد و مزاحمت ایشان نشود مگراینکه بمیزان شرع‌انورخلاف‌آن معلوم شود.

بتاریخ شهرشوال‌المکرم ۱۳۱۴ .

[محل مهر آقا شیخ صالح]

۱۵

حکم شرعی درباب سه‌خشت دیوار میان‌خانهٔ متقاضی صدور حکم وخانهٔ ورثهٔ حاج محمدمهدی .

عرض می‌شود دیواری که در خانهٔ جدیدالبناء حقیر واقع است یعنی خانهٔ حقیر و خانهٔ سرای ورثهٔ مرحوم حاج محمدمهدی‌که آخر آن دیوار وصل است باطاق بیرونی ورثهٔ مرحوم‌مزبور واول‌آن‌بکوچه‌ئی‌که عبورحقیرو ورثهٔ مرحوم مذکور درآن‌کوچه است‌که آن دیوار دیوار خانهٔ قدیم حقیر است‌که الآن آن خانه را برهم زدم و بنای جدیدکردم آیا تمامت‌آن‌که مقدار سه خشت بوده آیا مال حقیر می‌دانید یانه و ورثهٔ مرحوم حاج‌محمدمهدی‌لوفرضنا هرگاه بخواهند در مقام ممانعت برآیند تسلطدارند یانه آنچه نظر شریف‌شما رسیده و اطلاع دارید حکم شرع در فوق‌سؤال قلمی دارید نه غرض محض‌سؤال و جواب باشد بلکه مقصود بیان حکم شرع است.

فی ۸ذیقعده ۱۲۹۴ .

[بربالای این استدعای صدور حکم مطالب زیر نوشته شده‌است :]

حسب موازین و قواعد شرعیه آن دیوار مال‌جناب عالی است تالم‌یعلم‌الخلاف .
فی ذیعقدة من‌شهور ۱۲۹۴ . [جای مهر][1]

از قراریکه احقر خود ملاحظه نموده‌آثار تصرف شما را درآنجا دیده‌آن دیوارملك مختص شما است ونمیرسد احدی را منع شما تا اینکه خلاف معلوم شود. حرره اقل‌الطلبة‌لثمانیة‌ایام خلت من ذیعقدة‌الحرام ۱۲۹۴. [جای‌مهر][2]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «اللهم‌اغفرصفی‌الله» . ۲ــ مهری بیضی بانام: « محمدهادی » .

۱۶

حکم شرعی سه تن از حکام شرع درباب آب رودخانهٔ هشن که معروف است به آب قرن آباد که اهالی مرزبان کلاته باید پس از زراعت شلتوك به قراء چوپلانی و شمس آباد برسانند تا آبدنگ و آسیابهای ایشان به گردش در آید .

هو

مسئلة عرض میشود آب رودخانهٔ هشن که معروف است بآب قرن آباد و آهنگر محله همیشهٔ اوقات رسم وقانون چنین بودکـه هنگام زراعت شلتوك هرکس از اربـابان و مالکین قراء فوق هرمقدارسهم وحصهٔ که دارند ازفوق دهنه میگیرند و زراعت خودرا آب می‌دهند ولـی بعد از زراعت شلتوك که رفع محصول شلتوك است آب مذکور از دهات فوق می‌آید بتحت و هریك از اهالی قراء اکل شرب ایشان وگردش آبدنگ و آسیاء ایشان ازآب مذکور است و بهمین‌منوال از قدیم‌الایام الی‌زماننا بهمین طـور معمول بوده است ولی در هذه‌السنه آقایان و مالکین قریهٔ مرزبانکلاته بجهة بعض گفتگوهای ملکی در مقام نزاع و انقلاب برآمده آبیکه همیشه اوقات ازفوق‌می‌آمد بمرزبانکلاته و از مرزبانکلاته می‌آمد بچوپلانی و از قریهٔ چوپلانی می‌آمد بقریهٔ شمس‌آباد آب‌مزبور را نمیگذارند بطرف چوپلانی وشمس‌آباد بیاید و آبدنـگ و آسیاها را ازگـردش‌انداخته‌اند در اینصورت معروضهٔ آقا سلطنت دارندکه ممـانعت نمایند یاخیر .

[در حاشیهٔ بالای این استدعای صدور حکم مطالب زیر نوشته شده است:]

هو

ظاهر اینستکه سلطنت نداشته باشند ممانعت نمایند مگر خلاف آنرا معلـوم نمایند

والله اعلم و لقدکتبه‌العبدالمعتدی‌الایثم فی۷ جمادی‌الاخر سنه۱۳۰۸. [جای مهر][1]

درصورتیکه آب رود از قراء فوق خارج میشود و اهالی قراء سفلی سفلی در مجاری خود یا مجاری قراء فوق آسیا وآبدنگ دارندکه ملك ایشان است مالکین قراء فوق مسلط بـر منع نیست‌اند لاضرر ولاضرار فی‌الاسلام باید بطریق سابق مستمر باشد.

[جای مهر][2]

با عدم بمعلومیت انحصار به قری فوق باید آب بیاید قری‌سفلی که قریهٔ چوپلانی و قریهٔشمس‌آبادست مشروب شوند.

حرره‌الاقل ۱۳۰۸.

[جای مهر][3]

۱۷

حکم حکام شرع دربارهٔ واگذاری حق حاجی‌علی درحفرقنات چوپلانی ازقرارچهاردانگ ودودانگ به‌زارعین قریهٔمذکور.

حضور مبارك قبلةالانامان بشرف عرض میرساند نظر بقراردادنامچهٔ موجوده که از لحـاظ انورتان میگذردکه آقایان سادات درازگیسو اجازه بحاجی‌علی ساکن قریـهٔ شمس‌آباد داده بودند در حفر قنات ازقرار چهاردانگ و دو دانگ و حاجی مذکور همان اجازه را در حفر قنات شرکت‌کردند با مرحوم‌آقـاسیداسمعیل درازگیسو و در قرارنامچه قلمی است مالوجه زارعین قریهٔ چوپلانی حاجی مـذکور حق‌ندارد زرع قنات را بزارع غیر از قریهٔ مذکوره واگذار نماید بااین قرارداد وبودن و میل‌داشتن

۱ــ مهرچهار گوشه‌ای که‌این کلمات‌درروی‌آن‌خوانده‌می‌شود: «الراجی‌عبدالله‌علی کریم؟ ۱۲۷۲».

۲ــ مهری‌بیضی‌باسجع : «عبده‌الراجی‌حسین‌بن‌محمد».

۳ــ مهری بیضی باسجع : «تمسکه‌علی‌صراطحق ۱۲۸۰».

زارعین قریهٔ مسطوره و سکنا نداشتن ورثهٔ مرحوم حاجی مذکور در قریهٔ مذکوره آیا میتوانند خود ورثه ویا بزارع غیر از این قریهٔ واگذار نمایند وزارعین قریهٔ مذکوره را ممانعت نمایند یاخیر و هم آقایان سادات و مالکین آن ملك حق ممانعت کردن از زارعین غیر از رعیت چوپلانی را دارند یا خیر شرعاً استدعا است که حکم اشد مرقوم و مزین فرمایند محل حاجت است .

[برحواشی این استدعای صدورحکم مطالب زیر نوشته شده است :]

هوالمستعان برحسب القرارنامه که ملاحظه شده نمی توانند بغیرزارعین چوپلانی بدهند فی شهر جمیدی الاولی ۱۳۳۱.

[امضا محمد عقیلی]

بسم الله الرحمن الرحیم قرارنامهٔ آقایان را دیدم نمیتوانند بغیرزارع چوپلانی دهند. حرره الاقل جامع اهل العلم والعمل ۱۸ ج ا/ ۱۳۳۱. [جای مهر][1]

هو

قرارنامهٔ قنات مورد سئوال را دیدم در صورتیکه زارع ساکن قریهٔ چوپلانی که میل بزرع در رویهٔ قنات مزبوره داشته باشد بوده باشد حافرومن بحکمه حق دادن بغیر را ندارند. حرره الاحقر فی ۱۹ شهرالجمادی الاولی من شهور ۱۳۳۱. [جای مهر][2]

بحسب ملاحظهٔ قرارنامه درصورة مفروضه بغیر آن زارعین حاضر زرع نمیتوانند نمود. تحریراً فی التاسع من العشر الثانی من اول الجمادتین من شهور سنهٔ ۱۳۳۱. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمد طاهر بن محمد» . ۲ـ مهر بیضی با سجع : «عبده الراجی برات علی». ۳ـ مهری بیضی با سجع : « عبده کریم العقیلی» .

هو

خیرحق ندارند وآقایان حق منع را دارند. حرره‌الاقل. [جای‌مهر][1]

مطلب از قراری است که آقایان دامت برکاتهم مرقوم فرموده‌اند و ازهمین قرار باید رفتار و معمول داشت تخلف جائز نیست. حرره فی شهر جمیدی‌الاولی ۱۳۳۱. [جای مهر][2]

۱۸

حکم‌حکام‌شرع‌دربارهٔ وقفیت‌املاك ومزارع وقراء فندرسك و نافذ وممضی ولازم‌الاتباع دانستن احکام‌علما وفقهای سابق‌را.

مسئلت میشود از علماء اعلام و فقهاءکرام از بلدهٔ استراباد و بسطام در خصوص املاك ومزارع وقراء واقعهٔ درمعمورهٔ فندرسك که‌مرحوم‌مبرورجنت‌مکان‌آقامیرزابیکا و هم‌سلیل جلیل ایشان قدوةالفقهاءالعظام وعمادالعلماءالاعلام المرحوم‌المبرور آقامیرزا ابوطالب الموسوی‌الفندرسکی قراء و مزارع چندی وقف براولاد خودشان فرموده بودند و سالهای عدیده و سنوات متعدده اولادآن بزرگواران و بطون متعدده تصرف در املاك مزبوره داشته‌اند و بعنوان اجاره و استیجار متصرف در آن املاك بوده‌اند مضافاً برصدور فرامین از سلاطین صفویه رحمهم‌الله تعالی ونوشته‌جات موجوده که‌داله بروقفیت این املاك می‌باشدکه‌آقایان ازعلماء حکم بروقفیت فرموده‌اند و مقصود از سؤال آنستکه اولاً آقایانیکه صدور احکام در این باب از ایشان شده واجاره‌نامچهٔ

۱ــ مهری‌بیضی‌کوچك باسجع : «عبده‌محمدحسن». ۲ــ مهری‌بیضی‌باسجع : «عبده‌عباسعلی‌العقیلی».

املاك موقوفه ممهور و مزین فرموده‌اند چگونه اشخاصی بوده‌اند چون بعضی از آقایان داعی‌حق را لبیّك گفته و برحمت ایزدی واصل شده‌اند مستدعی آنکه معرفت خود را درحق آقایان دراینورقه مرقوم بفرمائید وبیان اسامی مبارکهٔ آقایان علماء شاهرود و بسطام و مضافات از قرار تفصیلی استکه در ذیل ثبت ونگارش می‌شود .

عمدةالعلماء الکرام وزبدةالفقهاءالعظام‌الغریق فی‌بحار رحمةالله‌الحاج‌شیخ‌عبدالحسین بسطامی طاب‌ثراه .

اسوةالمتبحرین ونخبةالمروجین المرحوم المبرور الحاج علی‌اکبر شاهرودی نورالله مرقده .

زبدةالعلماء و کهف‌الانام مرحمتمآب خلدنصاب‌الحاج شیخ‌الاسلام شاهرودی .

عمادالعلماءالفخام و مبیّن الاحکام جنت‌مکان جناب مستطاب آخوند ملاّحسین مدّرس شاهرودی .

ثقةالاسلام و زبدةالفقهاءالکرام المبرورالمغفور جناب آخوند مـلامحمدعلی کرمنی رحمةالله‌علیه .

مبین‌الاحکـام و ملاذالانام مرحـوم بغفران قـرین جناب‌آخوند ملاحاجی کرمنی .

اسماء محترمهٔ مبارکهٔ آقایان علماء و سادات بلدهٔ استراباد و معمورهٔ فندرسك حیّاً و میّتاً از قرار تفصیل ذیل است :

عمادالعلماءالکرام و سدادالسادةالفخام المرحـوم‌المبرور الحاج سیدمصطفی العقیلی طاب‌الله‌ثراه .

حجةالاسلام والمسلمین و آیت‌الله فـی‌الارضین آقای شریعتمدار آقاشیخ‌صفی‌الله مدّ ظله‌العالی .

ملاذالانام و مروج الاحکام و اسوةالسادةالفخام حاجی‌آقا حاجی‌سیدطاهر دامت برکاته.

عمدة‌العلماءالمحققین وزبدة‌الفقهاءالمدققین‌الخائض فی بحار رحمة‌الله‌المبرور المغفور آخوند ملا محمدهادی عطرالله مضجعه .

عمدة‌العلماء الراشدین و زبدة‌الفقهاء المکرمین المرحوم المبرور آقای آقاشیخ محمدصالح .

مروج‌الاحکام و غوث‌الانام‌المرحوم‌المغفور جناب‌آخوند ملامیرزاحسین .

و ثانیاً بلحاظ نوشتجاتی‌که دربین‌است از وقفنامه و اجاره‌نامچه و احکام صادره از آقایان‌آیا این‌املاك وقراء مسطورهٔ دراجاره‌نامچه را وقف براولادمرحومین‌مبرورین میدانید یا خیر و فعلاً ید غیرایشان چه عنوان دارد آیا محکوم به غصب و عدوان است یا خیر وصورت املاك و قراء و مزارع‌که در اجاره‌نامچه است از این قراراست یاخیر قریهٔ معینهٔ معروفه به شیرین‌آبادبالنصف مزرعهٔ معینهٔ معلومه به‌زرینگل و واکانو در فندرسك بالثلث قریهٔ معینهٔ موسومه بآتشباغ بالتمام قریهٔ معینهٔ معروفه بسیاه‌رودبار بالتمام قریهٔ معینهٔ تلنار واقعه در فندرسك بالثلث قریهٔ مشهورهٔ بابر من‌محال بلدهٔ‌بسطام بالثلث قریهٔ مدعوه بعشقی‌محله بالتمام قریهٔ‌معینهٔ معروفه بسهل‌محله بالتمام قریهٔ موسومه بحاجی‌کلاته بالتمام قریهٔ معروفه بتنارود بالثلث قریهٔ موسومه بتیرزان بالتمام قریهٔ معینهٔ معروفه بقنقرآباد بالتمام قریهٔ مدعوه بحکیم‌آباد بالتمام قریهٔ معینهٔ موسومه بمازدستان با اراضی علیا وسفلی بالتمام قریهٔ معینهٔ معروفه بسیاوستان مع‌ملحقات بقدرالحصه بالثلث قریهٔ معینهٔ معلومه بطالب‌آباد بالتمام طاحونهٔ معروفه بطفاردائره بیك‌سنگ واقعه‌دراصل‌قصبهٔ فندرسك قریهٔ‌معلومهٔ معروفه بقریهٔ ولنگه بالتمام بلکه مطلب دیگرهم ازاجاره‌نامچه‌استفاده فرموده‌اند وآن این است که‌حتی مزرعهٔ چرچنگ وخیمه‌بن ومزرعهٔ برزمهین و بعضی

از مزارع دیگر نیز ملك متصرف فیه مرحوم مبرور میر رحمةالله‌علیه بوده‌است.

[مطالبی‌که در حواشی این استدعای صدور حکم آمده‌است :]

هوالمستعان

. . . . [۱] از آنکه امثال حقیر وجوب اتباع و امتثال و انفاذ بنویسم مسلم‌است تردید احکام امثال ایشان درحدود شرك است الاحقر محمدمهدی‌الحسینی.

[جای‌مهر][۲]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم آنچه براقلام مبارکهٔ حجج‌اسلام و هدات انام‌کثرالله امثالهم فی‌شریعت‌الاسلام مانند ملاذالاسلام مولنا حضرت آقاشیخ صفی‌الله وقبلة‌الانام سیدنا سرکار آقا حاج سیدطاهر دام‌ظلهما وشریعتمداران مرحوم حاج شیخ‌عبدالحسین‌وسرکار حاجی‌شیخعلی‌اکبر قدس سرّهما و عمادالاعلام مرحوم آقاشیخ محمدصالح جاری گشته از بیان مطالعهٔ اصل باسواد یا وقوع و صحت اجارهٔ این املاك بعنوان الوقفیه یا حکم بوقفیت‌آن اعیان منع‌لاترد. فی جمادیةالاولی ۱۳۳۱. [جای‌مهر][۳]

هـو

امر موقوفات و تصدیق علماء اعلام بنحوی است که مرقوم شده متبع . . .

[جای مهر][۴]

هـو

مـاحرره الاعلام معتمد فی‌المقام. حـررته فی ۲۳ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۱ .

[جای دو مهر][۵]

اتباع ماصدرعن هولاء الاعلام‌المذکورین فی‌الورقه من‌لوازم‌الایمان والـرادعلیهم‌رادّ

۱ـ در حدود ده دوازده کلمه از میان رفته است. ۲ـ مهری‌بیضی‌کوچك‌بانام: «محمدمهدی‌الحسینی». ۳ـ مهری بیضی و ناخوانا. ۴ـ مهری‌بیضی باسجـع: «عبده محمدحسن». ۵ـ مهری بیضی بانام: «یعقوب‌الحسینی» و مهری دیگر بـا نام «محمدباقر».

لحجةالعصر روحی‌فداه فهو فی‌حدالشرك باللّه‌تعالـی فیجب ... بمؤدّی مـاصدرعنهـم فی‌الوقف والقبض والاجاره والتصرف ولیس لاحدٍ مخالفة احکامهم‌الشریفـه‌الساطعـه زادهم‌اللّه شرفاً. حرره‌الاحقر فی ۲۳ شهرالجمادی‌الاولی ۱۳۳۱ . [جای مهر][1]

بسم‌اللّه تعالی

وقفیت املاك مـرقـومـه بنحوی کـه در سواد وقـف‌نـامـچه و صـورت اجـاره و استجارهٔآنها بنابرآنچه‌بخطوط و خواتیم‌آقایان علماء عظـام‌کـه هر یـك در حقیقة ثقةالاسلام وملاذالانام بوده‌اند اظهرمن‌الشمس وابین من‌الامس‌است . حرره‌الاحقر.
[جای مهر][2]

بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم

هئولاءالعلماء الاعلام والفقهاءالعظام من بلدةالبسطام صانهااللّه عن‌الانهدام رجال‌صدقوا ما عاهـدوااللّه‌علیه لانهـم‌اعلی‌اللّه‌مقـامهم ورفـع‌فی‌الخلداعلامهم‌من‌الذین‌قاربواعصرنا اوقضوانجهم فی زماننا‌وهم‌ثقاةعدول وکانوافی‌العلم والعمل‌فی‌عصرهم‌من‌الفحول ولعمری تعالی‌شأنهم‌العالی‌عن‌ان‌ینالهم‌ایدی‌مدح‌مثلی‌اوامثالی ولاریب ولاشبهة فی‌تصحیح‌مایصح عنهم‌عن‌حکم‌اوفتوی‌اوغیرهما وبعدمالاحظنااحکامهم‌المتعقبه‌فی‌هذاالباب اعنی حکمهم قدس سرهم بوقفیة القری والمزارع‌کمافصل فی‌الورقه مضافاً الی‌مـااستفدنا مـن‌سواد الصحیح من ورقة تذکرة الوقف والفرامین‌الصـادرة مـن‌السلاطین و اوراق تذکرة ـ الاجارات من‌اولادالواقف‌السعیدالمبرور والقرائن‌الخارجیة والداخلیـه عـلمنا علماً قطعیاً بوقفیه الاملاك‌المزبوره علی اولادالمیرالمرحوم‌طاب‌ثراه و تصرف‌غیرهم‌بلااذنهم و رضاهم حرام‌بین . . . . التصرف فیها بلااجازتهم...المحوج الی‌ربه‌المتعالی‌الساکن فی‌کرمن من‌مضافات‌بسطام . [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی‌برات العقیلی ». ۲ـ مهری‌بیضی‌کوچك با سجع: «یا علی» . ۳ـ مهری بیضی‌کوچك بانام : «محمدحسین».

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ورقه مشتمل است بر سجلات وامهار اعلام علمای استراباد ازجمله مرحوم طوبی‌مقام آقای حاج شیخ‌محمدحسین استرابادی .... [جای مهر][1]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بلی اسامی آقایان عظام‌که در متن ورقه مرقوم شده غالب ایشانرا احقر میشناختم که وحید عصر خودشان و مراتب ایشان اعلی‌الله‌مقامهم همان‌طور است‌که‌آقای‌شیخ‌محمد حسین‌دامت‌برکاته مرقوم‌فرموده‌اند. حرره الاحقر الفانی زین‌العابدین .
[جای مهر][2]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

لاریب فی‌علو مقامهم و تصحیح مایصح عنهم و لزوم‌الاتباع فیما جرت علیه اقلامهم الشریفه فحکمهم بوقفیه‌القری المفصله فی‌الورقه والمزارع والاملاك المرقومه فیها متبعة ولایجوزالتخلف عن مؤدیه. حرره‌الاحقر عبدالحسین‌الرامیانی الاسترابادی فی‌العشرالثانی من‌جمادی‌الثانیه من‌سنه ۱۳۲۹. [جای‌مهر][3]

ذلك‌الكتاب لاریب فیه شهیر بآقا بزرگ. [جای مهر][4]

بسم‌الله الرحمن الرحیم تعالی‌شأنه عظم‌شأنهم وعلومقامهم علماً و عملاً ولزوم اتباع ماجرت علیه اقلامهم الشریفه غنّی عن‌البینة والبیان و اوضح من‌ان‌یفتقر الی‌اقامة

۱ ـ مهری بیضی و ناخوانا . ۲ ـ مهری بیضی با نام : « زین‌العابدین » .
۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «العاصی‌الراجی‌عبدالحسین». ۴ـ مهری‌بیضی بانام : «احمدالحسینی» .

البرهان. حرره‌الاحقر الجانی فی‌العشر الثالث‌من‌الربیع‌الثانی۱۳۲۹ . [جای‌مهر][۱]

بنا بر معرفت اغلب و فـرمودهٔ حضرات علماء اعلام مدظلالهم علی‌رؤس‌الانام در علو مقام و عظم شأن‌الحجج اسلام طاب‌الله‌ثراهم محل شبهه نیست انجمن‌ولایتی شاهرود بسطام. [جای مهر][۲]

هوالمستعان

اتباع ارقام حججاسلام ومروجین شریعت حضرت خیرالانام صلـوات‌الله علیه وآله از لوازم ایمان ومخالفت موجب‌غضب‌حق‌تعالی‌خواهد بود. حررته فی۲۳جمدی‌الاولی سنه ۱۳۳۱ . [جای دومهر][۳]

۱۹

حکم (فتوی) شرع دربارهٔ اینکه متصرف وذوالید را نمی‌توان با ابرازقبالهٔ دویست سال قبل غیرمعلومةالنسبة ، ذوالید را از تصرف منع نماید .

حجةالاسلاما چه میفرمائید دراین مسئلهٔ شرعیه زیدنامی ملکی‌را چندین‌سال است که متصرف و ذوالید است عمرونام یك قبالهٔ قدیمهٔ‌غیرمعلومه‌النسبة‌که تاریخ‌آن قباله دویست‌سال قبل است ابرازمیکند وبههمین قبالهٔ قدیمهٔ غیرمعلومه‌النسبة زید متصرف ذوالید را میخواهد از تصرف منع نماید آیا عمرو نام قبل از اثبات در محکمهٔ شرع حق دارد زید متصرف ذوالید رامنع از تصرف نمایدیا خیر مستدعی است آنچه‌حکم

۱ــ مهری‌بیضی‌باخط طغرا و سجع : «الراجی حبیب‌الحسینی ». ۲ــ مهری با نوشتهٔ «وانجمن‌ولایتی‌شاهرود بسطام» . ۳ــ دومهر بیضی‌کوچك ناخوانا.

شرع مطاع است در فوق عریضه مرقوم فرمایندکه محل حاجت‌است.

شهر رجب ۱۳۴۶ محمدهادی‌الحسینی‌طاهری.

[برحواشی این استدعای صدورفتوی مطالب زیر نوشته شده است :]

خیر نمی‌تواند او را منع از تصرف نماید مگر بعد از اثبات غصب. حرره الاحقر المسکین زاهدی‌فی ۶ شعبان ۱۳۴۶. [جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

متصرف‌کمافی‌السابق باید در ید اوباشد وشرعاً‌احدی حق‌مزاحمت وممانعت‌متصرف‌را ندارد و اسناد قدیمهٔ دویست سال قبل فی‌حد ذاته جلوگیر ازتصرف فعلی شرعاً نمیشود و بر بیشترآثار نباید بآن استناد داده شود و خارج ید باید بمیزان شرع‌دعوی خودرا اثبات نماید. والله‌العالم وهوالحاکم . [جای‌مهر][2]

هو

نوشتجات قدیمهٔ کهنه معارض باید و تصرف فعلی نیست بلکه مدعی غصب باید نزد حاکم‌شرعی غصبیت تصرف فعلی ذی‌الید را معلوم بنماید. والله‌العالم . [جای مهر][3]

آنملك بایدکماکان درتحت ید و تصرف مالك و متصرف فعلی باشد و مدعی خارج ید باید رجوع بمحکمهٔ شرعمطاع لازم‌الاتباع نماید تا دعوی او مطابق‌میزان شرع‌انور خاتمه پذیرد. حرره‌الاقل محمودالموسوی . [جای دومهر][4]

۱ـ مهری بیضی کوچك‌باسجع: « یا محمد والآل » . ۲ـ مهر کوچك بیضی با نام:« عبدالصمد » . ۳ـ مهری کوچك بیضی با سجع: « عبده‌الراجی برات‌العقیلی.

۴ـ مهر بیضی‌باسجع:«محمود الموسوی»ومهر بیضی بزرگتر باسجع:«محمدابن محمدجعفر».

هو

با تصرف فعلی نـوشتجات قدیمی را فاضر بوهاعلی الجدار. حـررتـه‌بیدی القاصره فی۶ شهر رجب‌المرجب ۱۳۴۶ . [جای مهر][1]

۲۰

حکم حاکم شرع در باب خانهٔ آقـا میرموسی‌الحسینی ملقب به درازگیسو وقـف بـراولاد است وموقوف‌علیهم در ایـن وقـت آقا میرموسی و میرمحمد تقی هستند و خانه مـن‌حیث‌الوقف اختصاص به مشارالیهما دارد .

بسم‌الله تعالی شأنه

غرض از ارتسام این ارقام شرعیةالانتظام آنستکه از شهادت عالیجنابان مقدس‌القابان فضایلمآبان قدسی‌انتسابـان کهف‌الحـاج حاجی‌سید فضل‌الله و آقـامیرزین‌العابدین الموسوی الحسینی و جمعی‌غفیر از رجال و نسا و اقرار میرزا محمدعلی هروی بـر وقفیت باغچه و خانهٔ مسکونهٔ عالیحضرت‌آقا میرموسی برداعی دوام دولت قاهـره علم قطعی حاصل‌گردیدکه خانه و باغچهٔ مسکونهٔ عالیحضرت ستوده‌خصلت سیادت منقبت آقامیرموسی‌الحسینی الملقب بدرازگیسو وقف اولاد است والحال موقوف‌علیهم آقـا میرموسی و میرمحمدتقی برادرش‌میباشند و خانه من‌حیث‌الوقف‌اختصاص بمشارالیهما دارد و احدی را درآنخانه دخلی نمیباشد بایـدکه موقوف علیهم‌بوقفیت عمـل‌نموده برهن ندهند و هبه ننمایند و بیع نکنند فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه العلم عندالله تعالی. [جای‌مهر][2]

۱ـ مهری بیضی بانام « سرالله‌العقیلی ».

۲ـ از این مهر کلمات « عبده‌محمد » خوانده می‌شود .

[بر حاشیهٔ سمت راست و چپ بالای این حکم مطالب زیر نوشته شده است:]

الحکم ماحکم والدی طاب ثراه وجعل الجنة مثواه العبدالجانی . [جای مهر][1]

هوالله تعالی شأنه نوشتهٔ مزبورخط ومهر والد ماجدم طاب ثراه است. [جای مهر][2]

نوشتهٔ مزبوره ... ومهر والد ماجدم طاب ثراه است. [جای مهر][3]

۲۱

تقاضای صدور حکم شرعی که نوشته شده و به نظر حاکم شرع نرسیده است .

قبلة الانام قراء استرابادکه بعض فوق بعض واقع‌اند که آب قریهٔ فوق بـا آب غیرکه داخل مجراء قریهٔ فوق می‌شود در غیر فصل زراعت آن آبها داخل مجراء قریهٔ تحت می‌شود و درآن قریه آسیا و آبدنگ است که ازآب مجراء فوق داخل در مجراء قریه می‌شود و داخل ده می‌شود و آسیا و آبدنگ آن گردش می‌کند و صاحب قریـهٔ فوق مجاری دیگر در ملك خود دارد و در فوق قریه دور ذیل آن‌که در فصل زراعت آب خود را درآنها جاری میکند بجهة زراعت آیا صاحب قریهٔ فوق می‌تواند درغیرفصل زراعت آبیکه ازقریهٔ آن خارج می‌شود و داخل در مجراء قـریهٔ ذیل می‌شودکه در آن مجراء و قریه آسیا و آبدنگ گردش میکرد بیندازد در مجراء دیگرخود ومانع شودکه داخل در ملك قریهٔ ذیل شودکه آسیا وآبدنگ قریهٔ تحت گردش نکند باآنکه مالك قریهٔ تحت آن مجراء را متصرف است و مدعی ملکیت آن است یـا شرعاً مسلط

۱ــ مهـری چهـارگوشهٔ بزرگ بـا تزیین و سجـع: «المتوکل علی‌الله محمدحسین الموسوی». ۲ ــ مهری چهارگوشه که کلمات: «علی‌الله محمدالموسوی» برآن‌خوانده می‌شود . ۳ــمهری چهارگوشه که کلمات: «الله‌محسن‌الموسوی» برآن خوانده‌می‌شود .

نیست باید بظاهر شرع آب ازآن مجراء درغیر فصل زراعت برود تا غصبیت را مالك قریهٔ فوق معلوم‌کند حکم‌شرع‌را بیان فرمایند حق بمنزلة الحق انشاءالله برسد .
زیاده‌عرضی ندارد والسلام .

۲۲

حکـم شرعی بدون مهـر و امضا در بـاب وقفیت پنـجدانگ میرمحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی .

مطاعاً سلمکم‌الله تعالی

آ نچه براین‌اقل داعی‌سر کارمعلوم‌است درخصوص حکایـة ومقامهٔ قریهٔ میرمحلـه و چوپلانی آ نستکه بعد از مراجعت ازسفراصفهان و عتبات‌که بجهة تحصیل رفته بودم قریب به‌پنجاه‌سال میشودکه از مرحوم جنت‌مکان‌حاجی‌ملارضارضی‌الله‌عنه شنیدم‌چون از جهات متعدده زیاد خدمت ایشان مشرف میشدیم میفرمودند و حکـم نمودند کـه پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحله و چوپلانی شش‌دانگ از قدماء جناب مرحوم جنت‌مکان آقامیرموسی و جناب مرحوم‌آقا سیدمحمدتقی اخوی ایشان وقف نموده‌اند براعقـاب خود از جمله جناب‌آقا مرحوم مذکور و اخوی ایشان و هکذا ماتوالدوا وتناسلوامن غیرها یا بهرنحو تحریر در . . . .
از...وصواب مقامهٔ مذکور بلکه جمعی از موثقین در این زمان نزد این احقر دعاگو هم شهادت دادند بر نحو مذکور لهذا در تمسّکات حضرات هم‌چیزی نوشتم در حقانیت حق آقایان سادات‌که حامل ۱۱ نوشته هستند چون مستدعی شدند عرض‌شد .

باقی‌ایام بکام والسلام

بخش سوم

وقفنامه‌ها

۱

وقفنامهٔ یساقی مورخ ذیحجةالحرام سنهٔ ۹۰۳ هـ . ق .
در این وقفنامه‌سیدشهاب‌الدین فضل‌الله قاضی‌قرای‌روشناباد و زینل‌آباد و سیاه‌دارستان واقع در بلوك سدن‌رستاق ولایت استراباد را با جمیع‌توابع ولواحق و مضافات و منسوبات و حقوق داخله و خارجه وقف براولاد ذکور خود ماتوالدوا و تناسلوا بطناً بعد بطن‌کرده است و شرایط وقف را درآخر وقفنامه یادنموده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله‌الواقف علی‌السرائر والسلام علی‌محمد وآله‌قدوة ارباب‌البصائر اما بعدبرضمائر ارباب بصیرت واضح‌است که انسانرا چنانچه در این حیات فانی احتیاج بمؤنت و ضروریات هست بمقتضی‌آیهٔ‌کریمهٔ خلق‌الانسان ضعیفاًدر آن حیات جاودانی‌که احتیاج ... بموجب فرمودهٔ فلتنظر نفس ماقدمت لغد و بحکم حدیث‌الدنیامزرعةالاخرةشك‌نیست‌که جمیع حوائج عالم‌آخرت را ازاینجامیفرستد و از مضمون قضیهٔ قطعیهٔ افضل‌ما یبقی للانسان بعدفوته‌الصدقةالجاریه و خصوصاً اذاكانت علی ذوی‌القربی چنان مستفاد میشودکه صدقهٔ جاریه برذوی‌القربی مرتبهٔ‌کمال دارد در فضل فلاجرم جناب صاحب‌نفس‌قدسیه جامع‌کمالات انسیه فخر آل‌ابوطالب ذخرالآباء فی . . . بنی‌غالب شمس فلك‌المعالی افتخارالاعاظم والاعالی قطب‌السماء السیادةمرکز دایرةالسعادة حامل لواءالشریعةالمصطفویه سالك‌مسالك طریقةالمرتضویه سید شهاب‌الدین‌فضل‌الله‌القاضی‌ابن‌السیدالکبیر الماضی . . . عنایت‌الرحمة والمغفرة سیدرضی‌الدین ابن‌السیدالمرحوم المبرور الواصل‌الی رحمةالملك‌الغفور سیدفضل‌الله القاضی ادام‌الله ظلال اقبال‌الخلف و رحم احسان‌السلف فحوای مقدمات مذکور را از کمال بصیرت ملاحظه فرموده در وقتی‌که درحق اولاد و احفاد خود ... مساء ...

می‌فرمرد امور مصالح فرداء ایشانرا مزیّن میگردانید وخواست‌که طریق معاش‌ایشان مضبوط ماند وقف کرد و تصدق فرمود حال صحته و ثبات عقله و نفـاذ جمیع تصرفاته من‌اشرف ضیاعاته و احسن عقاراته مما کان‌حقه و بملکه و فـی‌یده و تصرفه‌الـی حین هذاالوقف خالیاً عن حق‌الغیر و عما یمنع جوازالوقف و لزومه وآن همگی و تمامـی بوم و جمله قریهٔ روشناباد وزینل‌آباد وسیاه‌دارستان است ازتوابع روشناباد مذکور و متصل جانب شرقی اوست واقع در بلوك سدن‌رستاق من‌اعمال ولایت‌استراباد و تمامی قریهٔ مذکوره مع‌تابع مذکورآن براین وجه محدود است شرقیها بعضی متصل قـریـهٔ سرکلاته کـه وقف اولاد واقف مشارالیه است و بعضی متصل قـریهٔ جلاو که وقـف واقف مشارالیه و شرکاست و بعضی متصل قریهٔ اشکنجه‌که در تصرف عالیجناب‌متعالی مرتبت مرتضوی انتساب امیرسیدعمادالدین اجل ابن‌المرحوم سیدجمال‌الدین ابن ـ المبرور امیرسید زین‌الدین علی‌اجل است وبعضی متصل قریهٔ سیره‌دوین‌که درتصرف عالیجناب سیادت‌مآب مشارالیه و اولاد امیرسیدعلینقی ابن امیر سیدبهاءالدین است واحد منهم امـیرسیدعبدالله فـاصلهٔ‌کاریز مشهور جناب سیادت‌مآب مـرحوم امیرسید نظام‌الدین عبدالحق اشرف‌که داخل قریهٔ روشناباد مذکور است وازآنجامنتهی‌میشود بکنکرچی‌وال مشهور وبعضی متصل قریهٔ‌کسوان‌که درتصرف همان عالیجناب‌مشارالیه است فاصلهٔ کنکرچی‌وال مشهور مذکورکه ممتد میشود بجوی جرجان غربیها بعضـی متصل قریهٔ نامن‌که در تصرف سیادت‌مآب مرتضی‌زادهٔ‌اعظم امیرسیدعبدالعزیزبن‌السید المرحوم امیرسیدعزیزبن امیرسیدعزّالدین‌کردچمنی و بعضی متصل قریهٔ شاده‌کـه‌در تصرف شرکاست واحـد منهم ملـك‌شهاب‌الدین ابن‌ملك‌محمـدابن‌ملك شهاب‌الدیـن نوشیروانست و بعضی متصل قریهٔ ایمن‌آبادکه در تصرف امیر سیدنظام‌الدین عبدالحق ابن‌السیدالمرحوم امیرسیدکمال‌الدین اجل ابن امیرسید جمال مذکور است و بعضی متصل قریهٔ پیشین‌کلاته که‌در تصرف امیرسیدنظـام‌الدین عبدالحق مشارالیه است و

بعضی متصل قریهٔ کلاته نصیری که در تصرف ورثهٔ سید امیر محمد بن امیر سید رضی الدین مشارالیه واحد منهم ابنه میر سید کمال حسین جنوبیها بعضی متصل قریهٔ جلاو مذکور و دو بعضی قریهٔ شمشك که وقف اولاد سید زکی الدین محمد بن امیر سید عماد الدین است و در تصرف اولاد مشارالیه است شمالیها متصل جوی جرجان که مشهور است باجمیع توابع و لواحق ومضافات و منسوبات و حقوق داخله و خارجه از قنوات و ینابیع و مواضع طواحین و هرچه از بوم محدود مذکور دارند و شمرند شرعاً و عرفاً سوی المقابر و المساجد والطرق والحیاض و حقوق السعی المعلومة المسلمین و سوی آب چشمهٔ مزار متبرك مشهور روشناباد که اگرچه حقابهٔ قریهٔ روشناباد مذکور بوده اما واقف مشارالیه تقبل الله منه قبل از این وقف کرده است برمزار متبرك مشهور روشناباد مذکور ومسجد سید مشارالیه که متصل گنبد مزار مذکور در جانب شمال ساخته براولاد ذکور خود و اولاد اولاد ذکور خود واولاد اولاد اولاد ذکور خود ما توالد واو تناسلوا بطناً بعد بطن و بعدهم العیاذ بالله بر اولاد اناث اولاد ذکور خود علی الترتیب المسطور للذکر ضعف الانثی و بعدهن بر اولاد اناث خود واولاد اولاد اناث خود علی الترتیب المذکور للذکر ضعف الانثی و بعدهن اقارب وعشایر خود ذکراً کان او انثی که بینهم للذکر ضعف الانثی قسمت نمایند و بعد انقراض جمیعهم عوذاً بالله یکون وقفاً علی الفقراء المسلمین و محاویج المؤمنین الی ان یرث الله الارض و من علیها وهو خیر الوارثین وشرط کرد جناب واقف مشارالیه تقبل الله تعالی منه که وقف مذکور را بیع و هبه و استبدال نکنند و جمیع تصرفات که منافی وقفست اجماعاً اوعند البعض از وقف مذکور مرتفع شناسند و زیاده ازسه سال بیك کس اجارت ندهند لا بعقد واحد ولا بعقود متعدده و بمردم متقلبه و کسانیکه اخذ بدل اجارت از ایشان متعذر یا متعسر باشد باجارت ندهند ومتولی شرعی وقف مذکور جهت حق التولیهٔ خود عشر کامل ازمحصول وقف مذکور تصرف نماید وباقی را بموجبی که مشروحاً مذکور شده بعد عمارت ضروریه بموجب شرط واقف مذکور بمصارف

وجوب رسانـد و تولیت وقف مذکـور را جناب واقف مشارالیه بر نفس خـود مفوض گردانید مادام حیاته طال بقائه و بقصد تولیت مذکوره قبض شرعی کـرد و بعد خـود براصلح و اکفی و اکبر اولاد ذکور او علی الترتیب المذکور الاقرب یمنع الابعد و بعداز انقراض اولاده واقاربه و عشائره عوذاً بالله حاکم شرع بلدهٔ استراباد کسی را که صلاحیت این امر مذکور دانسته باشد متولی گرداند و ایضاً شرط کرد جناب واقف مشارالیـه تقبل الله تعـالی منه کـه از وقف مذکـور رسم الصـدارة نگیرنـد و ده و یـازده طلب ندارند و متولی عـام در وقف مذکـور مدخـل ننماید و نسخـهٔ جمـع وخـرج و ده نیم حـق السعی طلب ندارد و چـون واقف مذکـور بشرائط الشرعیه تمـام قضـاة اسلام این وقفیة بسجل شریف ایشان مکمل میشود در ضمن مرافعهٔ شرعیه و محاکمهٔ دینیه بشهادت شرعیه ثقات و عدول حکم کردند اولاً برصحت ثانیاً برلزوم وقف مذکور ثم حکموا علی وقفیة فی ضمن المرافعه العزّی ثم حکموا فی ضمن مرافعه اخری علـی ان هذالحکم حکماً شرعیاً علی کافة الناس فصار الوقف المذکور محکوماً بصحته و لـزومه علی الکافة فمن غیّر شرطاً من ذلك اوشطراً اوسطراً اوحرفاً وصرفاً غیرمصلح زللاً اودافعاً خللاً فقدباء بغضب من الله و حسبه جهنم و ساءت مصیراً.

وکان کل ذلك فی رابع عشر شهر ذی الحجة الحرام سنه ۹۰۳ ثلاث وتسعمائه.

[برحواشی وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

الحکم المذکور علی النهج المسطور صدرعنی بعدرعایة مایجب رعایته شرعاً علـی.

[محل مهر]

وانا العبدالفقیر... کمال الدین محمدشریف السنائی وفق الله خیرداریهما.

صدرالوقف المذکور بشرائط المسطورعنی واناالواثق بفضل الله الغنی فضل الله الموسوی حامداً الی الله ومصلیاً علی نبیه. [محل مهر]

شهد بمضمونه شاهمیر بن حسن تیرگر.

شهد بمضمونه سلطانحسین سرّاج .

شهد بجمیع‌مافیه عبدالخالق ابن‌طاهرحسین‌القاضی . [محل‌مهر]

من‌الشاهدین بمضمونه . حرره‌العبد حسین‌بن حاجی‌فخرالدین سهام‌کلاته‌بهجانی .

من‌الشاهدین بمضمونه. حرره‌العبدعلی‌بن‌زین‌العابدین‌اجل‌الحسینی. [محل‌مهر]

شهد بمضمونه حرره‌العبدکمال‌الدین محمود ابن‌محمدالحسینی‌احاط علمی‌بجمیع‌ما

فی‌المسطور وانا‌العبدالفقیر الی‌الله‌القوی زین‌العابدین‌ابن محمدبن‌نورالدین‌الحسینی

الرضوی بشهادة مولانا فخرالدین‌کفشگر .

من‌الشاهدین‌بمضمونه. حرره‌العبد علی‌المهیمن .

الواقف علی‌مضمون‌المسطور فی‌الصدر علی‌طبیب ابن حاجی‌حسین استرابادی .

[محل مهر]

بشهادة مولانا نظام‌الدین‌محب. [محل مهر]

شهدبمضمونه العبدالفقیر. [محل‌مهر]

شهد بمافیه. حرره العبدعبدالحق‌بن علی‌اصغراجل‌الحسینی. [محل مهر]

بشهادة خواجه حاجی‌عمادالدین‌کمانگیر روشنابادی.

الواقف والشاهد بمضمونه . العبدالضعیف محمدالطبیب الفارسی ابن‌محمود .

[محل مهر]

بشهادة خواجه روح‌الله مازندرانی‌کتب‌بیده . [محل مهر]

شهد بمضمونه‌اسدالله .

علیحافظ الشاهد بمضمونه .

حرره‌العبد علی‌بن‌الحسن‌الحسینی شهد بمافیه .

حرره کاظم‌ابن زکی‌الدین‌الحسینی .

فشهد بمضمونه محمدبن شیخ داود امضیت‌الحکم‌المذکور بعد رعایت مایجب رعایتها

شرعاً عالماً بمحل الخلاف و انا الحقیر الفقیر الی الله الحامی مجدالدین بن قوام الدین طارمی القاضی معسکر الکلیّه. [محل مهر]

بعدالتفکر فی مدلوله والتدبر فی منطوقه و ملاحظة الاتفاق والاختلاف اجریت الحکم المذکور وامضیة علی النهج المزبور مستغنیاً من الله التوفیق فی الامور وانا العبد الضعیف نظام بن حبیب الجرجانی. [محل مهر]

من المطلعین الشاهدین بمافیه فخرالدین تاج الدین درازگیسو الحسینی.

الواقف بمضمونه والشاهد بمدلوله عبدالرحیم بن محمد الحسینی.

شهد علی اقرار الواقف المذکور بمافیه عزالدین حسنعلی الحسینی. [محل مهر]

احاط علمی بمضمون المسطور وشهد بمافیه. حرره العبد الخالق الفنی النجفی النیابة .(؟) [محل مهر]

شهد علیه بالاعتراف ناصرالدین ابن علی. [محل مهر]

من المطلعین علی ذلك احمد بن تاج الدین. [محل مهر]

حسبی الله و نعم الوکیل. [محل مهر]

تأملت فی منطوقه و تدبرت فی مدلوله فوجدته موافقاً للشرع القویم والدین المستقیم و اجریت الحکم و امضیته مستمداً التوفیق من المهیمن العلیم وانا الفقیر علیمحمد ابورضا استرابادی عفی الله عنهما. [محل مهر]

مضمون المسطور صحیح شرعی و انا شاهد به کتبه الفقیر الی الله الباری عبدالکریم بن عبدالمجید انصاری غفر ذنوبهما .

قد وقفت بمدلوله وانا الفقیر محمد النامنی. [محل مهر]

احاط علمی بمضمون هذه الوثیقة الشرعیه و انا العبد المحتاج الی رحمة ربه الغنی حسین بن وطنابادی الغربی غفر ذنوبهما . [محل مهر]

[نوشیروانست و بعضی متصل قراء]ـ حسبی الله و نعم الوکیل ـ جواب مسئله هست

ولی‌والله اعلم کتبه محمدبن ابراهیم‌القاضی شاهداً علیه سؤال بیان فرمائید ائمه دین رضی‌الله‌تعالی عنهم اجمعین که این وقف بشرائط مذکوره صحیح وشرعی هست بشرطه یانه و رسد اجنبی راکه موضع موقوفهٔ مذکوره راکه حکم برکافه شده بملکیت خود برمتولی وقف مذکور دعوی نماید یانی یتمنا بذکره الاعلی.[1] [محل مهر]

شهد حکم‌الحاکم علی‌النهج هذاالوقف و اناالعبدالحقیر الفقیر الخاطی ـ تیمناً بذکره الاعلی حسبی‌الله و نعم‌الوکیل . [محل مهر]

رونوشت برابر اصل است دفتر دادگستری گرگان

رونوشت برابر اصل است و اصل که بشمارهٔ $\frac{۵۲۴}{۴۳/۳/۳۰}$ ثبت دفتر رقبات وقف شده و نیز درصفحهٔ ۱۳۶۷ کتاب موقوفات اوقاف مرقوم شده در نزد اینجانب حاج سید محمد مفیدی متصدی موقوفهٔ اولادی سادات یعنی مفیدی میباشد که هر موقع احتیاج باشد ادا نمایم .

امضاء سید محمد مفیدی

۱ـ مطالب بالا درهم ریخته وپراکنده است .

۲

وقفنامهٔ خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی مورخ۹۱۹ هـ . ق .
دراین وقفنامه سیزده رقبه ملك در ناحیهٔ کبودجامهٔاستراباد و دو رقبه در ناحیهٔ برزمهین رستاق و دو رقبهٔ در ناحیهٔ فخرعمادی و هشت‌رقبه درناحیهٔ استرابادرستاق‌و پانزده رقبهٔ ملیارستان و تودستان در سه دانگ قریهٔ نوده و پنج رقبه در بلوك نواحی و سی و چهار رقبه در بلوك سدن‌رستاق و هشت رقبه در بلوك انزان و دو سنگ و دو دانگ سنگ آب خواسته‌رود را بر اولاد خود ذکوراً و اناثاً نسل‌بعدنسل و بطن بعدبطن‌وقف کرده‌است و تولیت‌آن‌باخود واقف تازمان حیات و پس از او با اکفـی واصلح اولاد خود و پس از انقراض ایشان قاضی نافذالامر هرکسی راکه انتخاب کند متولی خواهدبود.

. . . .

. . . بکحل اعتبار در امور عالم فانی...مکحل‌گردانیده باشندبیشك بفکر صائب و نظر ثاقب دانندکه ذخائروحیوة دنیاء پرغرورکه محل زوال ...است و قرارگاهی کـه مکان ومحك‌عیار احوال‌نیکبختی‌جن‌وانس است...کماقال‌الله‌تبارك و تعالی‌انماالحیوة ـ الدنیا متاع و ان‌الاخرة هی‌دارالقرار و بحقیقت دانندکه تأئید نیك‌نـامی جز بتقدیم نیکوکاری میسر نشود و استحقاق طرف الطاف‌حضرت حق سبحانه و حصول نعم مقیم یزدانی‌جز باجتهاد در تأسیس خیرات بالصدقه والامر بالمعروف والنهی عن‌المنکر متصور نمیگردد . . . .
چنانچه کلام مجید ناطق برآنست لن‌تنالوا البر حتی‌تنفقوا ممـا تحبون ومـاعندکم ینفذوماعندالله‌باق‌پس‌ازین‌کلمات صادقه چنان‌مستفادشدکه جمیع‌حوایج عالم‌آخرت‌را

از همین‌جا باید فرستاد ومضمون قضیهٔ قطعیه افضل مایبقی‌الانسان بعدموته‌الصدقة الجاریه وخصوصاً اذا کانت‌علی‌ذی‌القربی چنان‌مستفادشده‌که صدقهٔ‌جاریه برذوی‌القربی درجهٔ‌کمال دارد مبنی برین‌مقدمات مذکوره‌که حروف او ظروف رحمت و رموز آن کنوز مغفرت است آنکه درین‌وقت و زمان بتوفیق‌الله‌المنان حضرت عالی‌جاه مملکت‌پناه‌معالی‌دستگاه‌حکومت‌شعار معدلت‌دثار محمدت آثار عضدالدولةالسلطانی عمدةللمملکةالخاقانی ملاذالاعاظم‌فی‌الافاق صاحب‌مسندالعظمة بالاستحقاق کفیل‌مصالح‌السلاطین فی‌الدوران مؤتمن اسرارالخواقین فی‌الزمان مربی‌الفضلاء والصلحا ملاذ‌الاغنیاء والفقرا ناصب‌اعلام‌الجود والاحسان ماحی‌اقسام‌البدعة والطغیان ذوالشرف‌الظاهره والنسب‌الباهره والحسب‌الطاهره‌المظفر علی‌الاعداء بالسیف‌القاهره‌المخصوص بعنایات‌الملک‌الاکبر خواجه سیف‌الدین مظفر خلدت ظلال عظمته و شوکته و هوابن عالیجناب رضوان‌مآب السعیدالشهیدالاعظم الاکرم‌المرحوم المبرورالمغفورالواصل روحه الی جوار رحمةالله‌المستعان‌الاحد خواجه فخرالدین احمدبتکچی ادام‌الله‌اقبال الخلف‌الکرام وبرّد مضاجع‌السلف العظام فحوی مقدمات مذکوره را ازکمال بصیرت ملاحظه فرمود درحال نفاذ تصرفات شرعیهٔ خود ... وقف‌کرد و تصدق‌فرمود حضرت مشارالیه تقبل‌الله‌تعالی‌منه آنچه در تحت تملک و قید تصرف او بود الی هذاالزمان و آن همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ مشهورهٔ شاه‌فسندست از تومان کبودجامهٔ[1] استراباد من‌اعمال جرجان محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل رودخانهٔ مشهورهٔ مرمد بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نسی‌دیرکه در تصرف حضرت واقف مشارالیه است فاصله علامات معینه و بعضی متصل قریهٔ وندخانی‌که درتصرف عالیجناب دولتمآب خواجه نظام‌الدین

۱ـ بر حاشیهٔ سمت راست : شاه‌پسند ، کبودجامه .

محمود بتکچی ولدخواجه‌فخرالدین احمدمذکوراست غربیاً پیوستهٔ موضع‌فیض‌آباد و سبلان که در تصرف عالیجناب دولتمآب سعادت‌ایاب کمال‌الملة والدین‌خواجه درویش حسین‌بتکچی ولد خواجه فخرالدین احمد مذکور است شمالیاً متصل قریهٔ سعدآباد که در تصرف جمعیست منهم دولتمآبی خواجه علی‌شاه پسندی‌بعضی و بعضی متصل رودخانهٔ مذکوره جنوبیاً بعضی پیوستهٔ‌قریهٔ بلوسیانه‌که متروکهٔ‌جناب مرحومی‌مغفوری خواجه منصور بتکچی است و بعضی پیوستهٔ قریهٔ لنجاباد که در تصرف خواجه نظام‌الدین محمود مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ موسومهٔ بیونه است واقع درتومان‌کبودجامهٔ مذکوره محدودبحدود اربعه شرقیاً پیوسته قریهٔ سینک‌که‌در تصرف‌حضرت واقف‌مشارالیه‌است ابدت‌ظلال‌عظمته‌فاصله‌علامات‌معینه‌بعضی‌و‌بعضی‌متصل قریهٔ‌آسیادیکان که‌معروف ومعلوم‌است غربیاً‌پیوستهٔ‌قریهٔ‌ورنه‌که متروکهٔ جناب‌مرحومی مغفوری خواجه شمساالدین محمدبن‌الاعظم المرحوم خواجه عبدالحق بتکچی است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ‌معروفهٔ‌دشت‌پیشانی که‌در‌تصرف‌مخدرهٔ صالحهٔ‌عفیفه‌مسماة‌بی‌بیچه‌جان سلطان‌بنت المبرورخواجه محمودافلاطون است جنوبیاً پیوستهٔ‌کوه‌معینهٔ‌بلامالک‌وایضاً همگی‌وجملگی‌سه‌دانگ ونیم‌کامل‌مشاع‌است‌ازمجموع‌شش‌دانگ‌قریهٔ‌مشهورهٔ معروفهٔ نورآباد واقع در تومان مذکوره محدودبرین وجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ دوین‌که‌متروکهٔ جناب فضائلمآب مرحومی مولاناشمساالدین علی‌منشی شاه‌فسندی است و بریک فاصله موضع سنگ‌سرو که معلوم‌و مشهوراست غربیاً‌متصل قریهٔ مشهورهٔ فتح‌آباد‌که‌متعارف است بعضی وبعضی پیوستهٔ‌کوه ایاوه‌که مشهوراست شمالیاً پیوستهٔ‌درهٔ ایمن‌آبادکشیده تا رودخانهٔ ورشیرکه متروکهٔ جناب مرحومی خواجه ناصرالدین محمد سیاوشکی است جنوبیاً بعضی پیوستهٔ موضع بلبان‌کشیده تا موضع پیش‌که داخل قریهٔ مذکوره

است و بعضی متصل سراگاه که این هردو موضع معروف و مشهورست و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ موسومهٔ کلاته بزرسکی است واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود به حدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ ساسفل که مشهورست غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دوده نیسك تموری که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است شمالیاً متصل نهر مشهور جرجان بعضی و بعضی پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره جنوبیاً پیوستهٔ بهی کلاته که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه ابوالقاسم بن الاعظم المرحوم خواجه درویش محمدافلاطون است... فاصله خندق معین که در جانب جنوب شهر بند شاسفان است بعضی و بعضی متصل جادهٔ عام که ممتد است بجانب جنوب شهر بند مذکور و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ رودبارفاقس است واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود بحدوداربعه شرقیاً بعضی پیوستهٔ مزرعهٔ باغك که از توابع اسفاجی است و معروف و مشهوراست و بعضی پیوستهٔ مزرعهٔ روج وگنج که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ کوندی که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ سنگین بنهٔ کفترخان که از متروکات جناب مغفرت‌مآب خواجه شمساالدین محمد بتکچی مذکورست شمالیاً پیوستهٔ قلهٔ کوه مشهورهٔ سراگاه که موات بلامالك است بعضی و بعضی پیوستهٔ اراضی قریهٔ نسك و نسکران و نشان که در تصرف حضرت واقف مشارالیه و شرکاست مشاعاً جنوبیاً متصل قلهٔ کوه شاهملك که مشهورست کشیده تا دهنهٔ لاوه وایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورست بفیروزقند واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل تل آهنین که متروکهٔ امارت‌مآب مرحوم امیرابوالحسن دولینی است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ مورجابادکه در تصرف حضرت واقف مشارالیه است فاصله علامات معینه شمالیاً متصل قریهٔ آق‌باری که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است فاصله علامات معینه جنوبیاً بعضی پیوستهٔ پشتهٔ موات

بلامالك و بعضی متصل قریهٔ لیاواتی که در تصرف جمعیست منهم جناب نتیجةالاعاظم والاعیان شیخ‌طاهر بن‌الاعظم شیخ‌قاسم کلعلایی و ایضاً همگی و تمامی دو دانگ کامل مشاع است از مجموع شش‌دانگ قریهٔ مشهورهٔ مهرانجمن واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود برین وجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ کلعلا که در تصرف جناب شیخزاد شیخ طاهر مذکورست و شریك غربیاً پیوستهٔ قریهٔ انفل که متروکهٔ خواجه زینل بن خواجه اسمعیل است فاصله النگ که مشهورست شمالیاً پیوستهٔ کوه مشهور خالدینی که موات بلامالك است بعضی و بعضی متصل کوه کومل کوکچه غزل ابدال که مشهور ومتعارف است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ کلعلا که مذکور شد وایضاً همگی وتمامی قریهٔ معروفهٔ باکیابادست واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود بحدودار بعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ رس‌دوین که متروکهٔ جناب مرحومی خواجه مسیب افلاطونست بعضی و بعضی متصل قریهٔ فسرك که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است فاصله علامات معینه غربیاً پیوستهٔ قریهٔ قانچی‌محله که مذکور میشود بعضی و بعضی پیوستهٔ قرانقاج که مشهور و معروف است جنوبیاً پیوستهٔ اراضی قریهٔ فسرك مذکوره بعضی و بعضی متصل قریهٔ وخلی‌کلاته که در تصرف حضرت واقف مشارالیه‌است فاصله علامات معینه شمالیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مشهورهٔ سبلان‌رود که مشهور و معروف است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ پنجور است واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ فارسك که معروف و مشهورست غربیاً متصل قریهٔ برات که در تصرف عالیجناب دولتمآب سعادت‌ایاب خواجه غیاث‌الدین علی بتکچی است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ فارسك مذکور بعضی و بعضی متصل قریهٔ برمهین که مشهور ومعروف است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ برات مذکور بعضی و بعضی متصل قریهٔ کلاته‌میر که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ معروفهٔ قانچی‌محله است واقع در تومان

کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ باکیاباد مذکوره غربیاً پیوستهٔ
موضع مشهور عمارت که متروکهٔ جناب مغفرت‌مآب خواجه‌درویش محمدبن‌خواجه‌کمال
محمود افلاطون است جنوبیاً متصل قریهٔ قراقاچك که در تصرف حضرت واقف‌مشارالیه
است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ علوی‌کلاته‌که ایضاً در تصرف حضرت مشارالیه است و ایضاً
همگی وتمامی قریهٔ موسومهٔ شنقان واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه
شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ بلاوشیان‌که در تصرف جناب دولتمآب فضائلمئاب‌خواجه محمدبن
الاعظم المرحوم خواجه‌علی بتکچی است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دشت‌بیشانی که درتصرف
حضرت واقف مشارالیه‌است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ ششك‌که ایضاً‌درتصرف واقف‌مشارالیه
است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ‌سرکلاته‌که‌ایضاً‌درتصرف حضرت‌مشارالیه‌است وایضاً‌همگی و
تمامی قریهٔ مشهورهٔ‌آرنجور است واقع در تومان‌کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه
غربیاً پیوستهٔ قریهٔ روشنه‌سر که متروکهٔ جناب دولتمآب سعادت‌اياب المرحوم السعید
خواجه قطب‌الدین احمد بتکچی است شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ ورنه که ایضاً متروکهٔ
جناب مغفرت‌مآب مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ جواهان‌که در تصرف حضرت
واقف مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ‌قریهٔ برمهین‌که درتصرف‌عالیجناب‌دولتمآب خواجه
درویش‌حسین بتکچی مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهوره در این
است‌واقع در تومان‌کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ‌درّهٔ معینهٔ‌مشهورهٔ
بتکین غربیاً پیوستهٔ‌درهٔ مشهورهٔ‌کوه ارقنو جنوبیاً پیوستهٔ‌کوه مشهورهٔ معروفهٔ‌کوه‌ارقنو
شمالیاً پیوستهٔ‌کوه نورآباد وفنجام‌که معروف ومشهورست بین اهالیها وایضاً همگی و
تمامی قریهٔ معروفهٔ ولفیج است واقع ببلوك برزمهین‌رستاق من‌اعمال استراباد محدود
برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ رزانه‌که در تصرف عالیجناب سیادتمآب سعادت‌ایاب
امیرسیدرفیع‌الدین‌حسین‌بن‌جناب سیادت‌پناهی مرحومی‌امیرسیدعمادالدین‌فندرسکی
است غربیاً متصل قریهٔ سنگه‌دوین که درتصرف ملك‌حسین‌ابن‌المرحوم ملك‌فخرالدین

کوشکـی است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ حکیماباد که در تصرف رفعت ایـابی امیرسید رفیع‌الدین حسین مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ‌قریهٔ سیاوشیان‌که متروکهٔ‌جناب مغفرت‌مآب مولانا زین‌العابدین عبدالرحیم است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سورمی کـه در تصرف امیرسید رفیع‌الدین‌حسین مشارالیه است بعضی و بعضی‌متصل قریهٔ حاجی‌کلاته کـه درتصرف سیادتمآب امیرسیدرفیع‌الدین مشارالیه است وایضاً همگی وتمامی‌قریهٔ معروفهٔ علیاباداست واقع ببلوك مذکوره‌محدود برینوجه شرقیاً‌متصل‌قریهٔ‌علیابادایمن‌آباد که در تصرف عالیجناب دولتمآب‌کمال‌الدین خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قـریهٔ اندرآبـاد‌که در تصرف جناب‌سیادت‌پناهی امیرسید فخرالدین‌بن‌السیدالکبیرالمرحوم امیر سیدباقرکیاوسری است وبعضی متصل قـریـهٔ قوسون‌اقاج که در تصرف امیرسید رفیع‌الدین‌حسین مذکورست غربیاً پیوستهٔ قـریهٔ قرانقاج کـه درتصرف عالیجناب دولتمآب سعادت‌ایاب جلال‌الملة والدین خواجـه آقامیرکفشگر است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ سوختهٔ‌انگور که در تصرف حضـرت واقف مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ قزل‌النگ که معروف و مشهورست وایضاً همگی و تمامی قریهٔ حاجی‌پایدارست‌واقع ببلوك فخرعمادی من‌اعمال استراباد محدود بحدود اربعه شرقیاً‌پیوستهٔ رودخانهٔ‌مشهورهٔ هارو نه‌رود بعضی وبعضی‌پیوستهٔ قریهٔ پیچاکی‌محله که در تصرف عالیجناب خواجه آقامیر مشارالیه است غربیاً متصل جوی‌قـراق‌که در تصرف جناب‌دولتمآب‌خواجه‌محمدبن‌الاعظم‌المرحوم خواجه‌مظفرکفشگراست‌جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ اندیجاباد‌که در تصرف‌جناب دولتمآبی خواجه‌ناصرالدین‌محمدبن‌خواجه قاضی‌کفشگر است‌بعضی وبعضی‌متصل قریهٔ شرفیان‌که درتصرف‌خواجه‌سلطان‌محمودبن خواجه‌حاجی‌محمدبن‌خواجه‌حاجی‌علاءالدین‌مسعوداست‌و‌بعضی‌متصل‌قریهٔ‌الارمن‌که‌در تصرف جناب صاحب‌اعظم خواجه‌گستهم‌بن‌الاعظم المرحوم خواجه مسیب‌کفشگراست شمالیاً‌پیوستهٔ قریهٔ‌آلوستان‌که معروف ومشهوراست بعضی وبعضی پیوستهٔ‌قریهٔ قوزلق‌که

مشهور است وایضاً همگی وتمامی یکدانگ کامل مشاع است ازمجـموع شش‌دانگ قریهٔ مرزانجوی‌که‌واقع است ببلوك فخرعمادی مذکور محدودبرینوجه شرقیاً پیوستهٔ موضع اوچ‌نوین‌که معروف و مشهورست غربیاً پیوستهٔ قریهٔ شیرنگـك کـه در تصرف عالیجناب سیادت‌پناه فضیلت‌دستگاه امیرسیدجمال‌الدین بن السیدالکبیرالمرحوم‌امیر سید عبدالله است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ آقمشهدکه در تصرف حضرت واقف‌مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قـریهٔ قزل‌النگ مذکور و ایضـاً همگی وتمامی قریهٔ مشهورهٔ گلپان است واقع ببلوك فخرعمادی‌مذکـورمحدود بـرینوجه شرقیاً‌پیوستهٔ قـریهٔ‌سیاوشیان و عابدآباد وآیش‌باغ‌که در تصرف عالیجناب سیادتمآب کمالات‌انتساب امیرسیدجمال‌ـ الدین‌بن السیدالکبیر امیرسید عبدالله مشارالیه است غربیاً متصل قریهٔ سروکلاتـه و کمال‌غریب‌که‌ایضاًدرتصرف‌حضرة سیادت‌پناه‌مشارالیه‌است شمالیاً‌پیوستهٔ‌قریهٔ‌آلوستان‌و مورجاباد‌مذکورکه مشهوراست جنوبیاً پیوستهٔ سرخان‌محله‌که معروف ومشهوراست و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ فوجرد است واقع ببلوك استراباددرستاق مـن‌اعمال استراباد محدود برینوجه شرقیاً بعضی متصل قریهٔ علوی‌کلاته‌که مذکور خواهد شد و بعضی متصل قریهٔ پستاهنگ‌که درتصرف عالیجناب دولتمآب خـواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است و شریك غربیاً پیوستهٔ قریهٔ‌مشهدی‌محله‌کـه در تصرف حضرت واقف مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ بالاندوین‌که در تصرف‌جناب‌دولتمآب سعادت‌ایاب جلال‌الملة والدین خواجه حاجی گرشاسف‌بن‌الاعظم‌المرحوم خـواجـه شرف‌الدین‌گرشاسف است جنوبیاً بعضی‌پیوستهٔ‌قریهٔ‌قاضی‌محله‌که ایضاً درتصرف‌خواجهٔ مشارالیه است و بعضی پیوستهٔ املاك متروکـهٔ مرحومی خـواجه شرف‌الدین علـی‌بن المرحوم خواجه عزالدین‌گرشاسف و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوده کـه محدود و مذکـور می‌گردد و بعضی پیوستهٔ نوده علوی‌کلاته‌که مذکور خواهد شد شمالیـاً پیوستهٔ قـریهٔ قورقانوکه معروف و مشهورست وایضاً همگی وتمامی قریهٔ نوده سابق‌آباد است واقع

ببلوك استراباد رستاق مذكور محدود بحدود اربعه شرقیاً بعضی متصل املاك قريهٔ شیرنگ که در تصرف جناب دولتمآب سعادت ایاب مکرمت انتساب امیر نوزر بن الاعظم الاکرم المرحوم نظام الدین شیخ باباعلی است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ گرماوه‌سرا که مذکور میشود شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سلطان‌دوین که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ گرماوه‌سراء مذکور جنوبیاً بعضی پیوستهٔ قریهٔ بهشتی‌کلاته که مذکور می‌شود و بعضی پیوستهٔ سرخانکلاته که ایضاً مذکور خواهد شد غربیاً پیوستهٔ قریهٔ انجیره‌بنی که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ دیمسك که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ سرخانکلاته است واقع ببلوك استراباد رستاق مذكور محدود برينوجه شرقیاً بعضی متصل قريهٔ سرتك مذكور و بعضی پیوستهٔ قریهٔ چوپالانی که مشهور و معروف است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دیمسك مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ کلخون که مذکور می‌شود و بعضی به بهشتی کلاته جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ اصفهانکلاته که در تصرف واقف مذکوراست بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ مرزبانکلاته که در تصرف جمعیست منهم ملك علی بن ملك محمد کیا شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام و بعضی به نوده وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ بهشتی‌کلاته است واقع ببلوك استراباد رستاق مذكور محدود برین‌وجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ مرزبانکلاتهٔ مذکوره بعضی و بعضی متصل قریهٔ سرتك مذکور غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دیمسك مذکور جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ نوده که مذکور شد و ایضاً[1] همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ اصفهانکلاتهٔ است واقع ببلوك استراباد رستاق مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ مرزبانکلاته مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ کلخون که محدود خواهد شد بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ جلابن که در تصرف جناب دولتمآبی امیر نوزر مذکورست جنوبیاً بعضی

۱ــ کاتب پس از کلمهٔ «ایضاً» با قلمی دیگر دربالا نوشته است: «سهواً نوشته شد».

پیوستهٔ قریهٔ اندرابادکه در تصرف عالیجناب دولتمآب امیر بابا حسین بن نظام‌الدین شیخ باباعلی مشارالیه است و بعضی پیوستهٔ قریهٔ امیرابادکه ایضاً در تصرف دولتمآب مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سرخانکلاته وکلخون مذکوران و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفه است به کلخون واقع ببلوك استرابادرستاق مذکورمحدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔقریهٔ اصفهانکلاتهٔ مذکوره وبعضی به‌سرجارکلام غربیاً پیوستهٔقریهٔجلابن مذکور شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ دیمسك مذکور جنوبیاً متصل قریهٔ جلابن مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔاصفهانکلاته و ایضاً همگی و تمامی قریهٔرستم‌کلاته است واقع ببلوك استرابادرستاق مذکورمحدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ دهمدابادکه در تصرف جناب فضائلمآب مولاناعلی‌طبیب است بعضی وبعضی پیوستهٔ قریهٔ فلخورجه‌که معروف و مشهورست غربیاً پیوستهٔ قریهٔ وکجابادکه در تصرف جناب دولتمآب سعادت‌ایاب شیخ باباخلیفه‌بن‌الاعظم المرحوم نظام‌الدین شیخ باباعلی مشارالیه است و شرکا بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔکلو که درتصرف عالیجناب دولتمآب کمال‌الدین خواجه درویش حسین‌بتکچی مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ کلو مذکور بعضی و بعضی متصل قریهٔ مفتوکلاته‌که درتصرف دولتمآبی شیخ باباخلیفه مشارالیه و شرکاست شمالیاً بعضی پیوستهٔقریهٔعلوی‌کلاته‌که مذکوره‌میگردد و بعضی متصل قریهٔ روستایی‌محله‌که در تصرف جمعیست منهم ملك‌ابرهیم‌بن ملك‌محمدرودیانی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ فلخورجه که مشهوراست و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ علوی‌کلاته است واقع‌ببلوك‌استرابادرستاق مذکورمحدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ پستاهنگ مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ فوجرد مذکور بعضی وبعضی متصل قریهٔ جلانی‌که مشهور بمتروکهٔ مرحومی خواجه شرف‌الدین علی‌گرشاسف مذکورست و در تصرف جمعیست منهم جناب دولتمآب امیر باباحسین مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ رستم‌کلاتهٔ مذکوره بعضی و بعضی متصل قریهٔ نجفی‌کلاته‌که‌ازمتروکات‌خواجه‌شرف‌الدین‌علی‌مذکورست‌شمالیاً بعضی‌پیوستهٔقریهٔ

فوجرد مذکور و بعضی پیوستهٔ قریهٔ پستاهنگ مذکور و ایضاً همگی و تمامی یکنصف کامل مشاع است ازمجموع قریهٔگرماوه‌سرا که واقع است ببلوك استراباد رستاق مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ حیدری‌محله که در تصرف دولتمآبی امیر- بابا نوزر مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ سلطاندوین که مذکور شده جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ نوده‌سابق‌آباد مذکور شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سلطاندوین مذکور وایضاً همگی و تمامی دو دانگ کامل مشاع است از مجموع شش‌دانگ قریهٔ سلطاندوین مذکور و بلاق پیوستهٔ یکدیگرند واقع ببلوك استراباد رستاق مذکور محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ واتیه که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ گرماوه‌سراء مذکور جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ نوده سابق‌آباد مذکور و بعضی بگرماوه‌سرا شمالیاً ...[1] و ایضاً همگی و تمامی یکنصف کامل مشاع است از مجموع قریهٔ معروفهٔ نوده واقع ببلوك نواحی من اعمال استراباد محدود برینوجه شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ فوجرد که مذکور شد شرقیاً پیوستهٔ قاضی‌محله که مذکور می‌شود[2] بعضی و بعضی متصل شارع- عام غربیاً متصل دارالسلام که در تصرف عالیجناب دولتمآب سعادت‌ایاب خواجه‌درویش حسین مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ ملیارستان مشهور درویش قبول که متعارف است بین‌الناس و ایضاً همگی و تمامی قطعات ملیارستان و تودستان است واقع در قریهٔ نوده مذکور اول یك قطعهٔ ملیارستان مشهور نورالدین زرگر محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قاضی‌محله که در تصرف دولتمآبی خواجه حاجی گرشاسف مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ املاك الیاس بن نظام بلاغ جنوبیاً پیوستهٔ ملیارستان مشهور فخرالدین زرگر که مذکور می‌شود شمالیاً پیوسته کالشرقی و دیگری مشهوراست بملیارستان فخرالدین زرگر محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قاضی‌محلهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ کاریز

۱ـ درمتن سفیداست. ۲ـ زیر کلمهٔ مذکور کلمهٔ «شد» نیز نوشته شده است.

الیاس بلاغ مذکور جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام شمالیاً پیوستهٔ باغ یوسف بن محمد زرگر و دیگری مشهور است بتودستان سه‌کوسه محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل ملیارستان متروکهٔ فخرالدین محمد زرگر غربیاً پیوستهٔ املاك محمد بن علی بلاغ جنوبیاً پیوستهٔ املاك الیاس بلاغ مذکور شمالیاً مثلی و دیگر دو قطعهٔ تودستان مشهور که موسوم است بیوسف زرگر و محمد زرگر پیوستهٔ یکدیگر محدود بر ینوجه شرقیاً پیوستهٔ خانهٔ الیاس بلاغ مذکور غربیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ احمد بن حسن زرگر جنوبیاً پیوستهٔ رودخانهٔ معینه شمالیاً پیوستهٔ خانهٔ متروکهٔ حسن شامیرك‌شکی و دیگر دو قطعهٔ تودستان مشهور احمد زرگر پیوستهٔ یکدیگر محدود بر ینوجه شرقیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ یوسف زرگر مذکور غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً متصل رودخانهٔ مذکوره شمالیاً پیوستهٔ زمین حسین بن حسن درزی و دیگر یکنصف شایع کامل از مجموع تودستان مشهور قوام‌الدین زرگر محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً پیوستهٔ زمین سادهٔ قریهٔ نوده مذکور شمالیاً پیوستهٔ کاریز که در تصرف حضرة واقف مشارالیه است و دیگر دو قطعهٔ تودستان مشهور علیجان دباغ و علی بابی پیوستهٔ یکدیگر محدود بر ینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ فوجرد مذکور غربیاً پیوستهٔ املاك سلطانعلی بن احمد زرگر و جنوبیاً متصل املاك سلطانعلی مشارالیه شمالیاً پیوستهٔ املاك رستم بن حسن بنان و دیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور بی‌بی گزیده محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ املاك مشهور متروکهٔ شیخ حاجی که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ املاك مشهور حسن شیرسوار که مذکور می‌گردد شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام و دیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور حسن شیرسوار محدود بر ینوجه شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ شیخ حاجی مشارالیه جنوبیاً پیوستهٔ املاك حضرت واقف مشارالیه شمالیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ بی‌بی گزیده محدود می‌گردد و دیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور حسن آهنگر محدود

برینوجه شرقیاً پیوستهٔ املاك حضرت واقف مذکور غربیاً پیوستهٔ املاك حسن آهنگر که مذکورشد جنوبیاً پیوستهٔ کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره ودیگر یك قطعه تودستان مشهور ناصرالدین محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ زمین سادهٔ مشهور الیاس‌ بلاغ که مذکور شد غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً پیوستهٔ املاك جناب سیادت‌پناهی امیر سیدزین‌العابدین صادق ودیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور بایزیدترك شرقیاً پیوستهٔ املاك حسن آهنگر مذکور غربیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره جنوبیاً پیوستهٔ املاك شیخ حسن مذکور ودیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور محمدداود شرقیاً متصل رودخانهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ املاك حسن بن محمد باسیان جنوبیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره و کذاالشمالی و دیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور علی بلاغ شرقیاً پیوستهٔ املاك حسن باسیان مذکور غربیاً متصل املاك حسن بن شمس‌الدین زرگر جنوبیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره شمالیاً پیوسته کالشرقی و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ شملم محله است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل قریهٔ بالاندوین مذکور بعضی و بعضی متصل قریهٔ مشهدی محله که محدود می‌گردد و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوده مذکور غربیاً پیوستهٔ قریهٔ عراقی محله که مذکور می‌شود جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ دارالسلام مذکور که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است و شرکا وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ عراقی محله است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ شملم محلهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ اوجابن که در تصرف عالیجناب سیادت‌پناهی نقابت‌دستگاهی امیر سیدعزالدین حسن نجفی است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ بهلول آباد که معروف و مشهور است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ مشهدی محله که مذکور می‌شود وایضاً همگی وتمامی قریهٔ معروفهٔ مشهدی محله است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ فوجرد که مذکورشد غربیاً پیوستهٔ قریهٔ اوجابن مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ شملم محله که مذکور شد جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ

عراقی محله که مذکور شد بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ شملم محلهٔ مذکوره شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ جنیدآباد که در حوزهٔ دیوان است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ نقیب‌آباد است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ باغ مشهور امیر قلدرویش که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ بچهارباغ مشهور امیر ولی‌بیگ که متعارف و معلوم است غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً املاك سید علاءالدین بن سیدعبدالله سبزمشهدی بعضی و بعضی متصل خانقاه متروکهٔ امیر قدم ترکمان شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ دارالسلام مذکور و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ خواسته‌رود است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود برینوجه شرقیاً متصل بکوه معین لامالك لها غربیاً مثلی وکذالجنوبی شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ پادشاه‌قیلجه که در تصرف عالیجناب دولتمآب سعادت‌ایاب خواجه غیاث‌الدین علی بتکچی است بعضی و بعضی پیوستهٔ شعبانی‌کلاته که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ تولی است واقع ببلوك سدن‌رستاق من اعمال استراباد محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ لله‌فن که محدود می‌شود غربیاً پیوستهٔ قریهٔ لله‌دوین که در تصرف جناب نتیجهٔ اعاظم السادات امیر سیدعلی بن السید المرحوم امیرسیدشمس‌الدین علی سعدالله است جنوبیاً پیوستهٔ بقریهٔ لیمسك که در تصرف سیادتمآبی امیرسیدحسن بن السید المرحوم امیرسیدعلی نقی است و شرکا شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ خیرآباد که در حوزهٔ دیوان اعلی است مع تمامی قطعات ملیارستان وتراشمانی که درین قریهٔ محدوده واقع است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ لله‌فن است واقع ببلوك سدن‌رستاق مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل قریهٔ لامیلنگ که مذکور میشود بعضی و بعضی پیوستهٔ بقریهٔ تاجراب که در تصرف عالیجناب سیادت‌پناهی امیر سیدعزالدین حسن مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ تولی که مذکور شد جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ لیمسك مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ اویس‌آباد که متروکهٔ خواجه شرف‌الدین علی گرشاسف مذکورست شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ خیرآباد که

مذکور شد و ایضاً همگی و تمامی یکنصف شایع از مجموع قریهٔ معروفهٔ یاجنواست واقع ببلوك سدن‌رستاق مذکور محدود برینوجه شرقیاً متصل قریهٔ جلاجن که در تصرف‌جناب‌دولتمآبی خواجه حاجی‌گرشاسف مشارالیه است بعضی و بعضی متصل قریهٔ سعدآباد که ایضاً درتصرف خواجه حاجی مشارالیه است‌فاصله پشتهٔ اناردوین ومرز معروف لانه‌چنار غربیاً متصل قریهٔ‌کلوکه در تصرف عالیجناب دولتمآب کمال‌الدین خواجه درویش‌حسین بتکچی مشارالیه است جنوبیاً بعضی پیوستهٔ توکل‌باغ‌که ایضاً در تصرف عالیجناب مشارالیه است و بعضی پیوستهٔ موضع سلیمانی‌کلاته که در تصرف خواجه حاجی‌مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ مزرعهٔ حسن‌کیا سیاه‌بال‌که در تصرف امیر سیدحسن‌تقی مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ موضع الوفن‌که در‌تصرف‌ملك‌ابرهیم ابن‌ملك‌قاسم نالینی وشرکاست وایضاً همگی وتمامی دودانگ‌کامل مشاعست‌ازمجموع شش‌دانگ قریهٔ زینل‌آباد واقع‌ببلوك سدن‌رستاق مذکورمحدود برینوجه شرقیاً‌متصل قریهٔ توسرك‌که محدود میگردد غربیاً‌پیوستهٔ قریهٔ مشهورهٔ سرکلاته‌که معلوم ومتعارف است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ کفشگیری‌که مشهور و معروف است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ اسفیدداروکه در تصرف جناب سیادت‌پناهی امیرسیدجمال‌الدین اجل است وایضاً همگی‌وتمامی‌پنجدانگ شایع‌کامل‌مشاع است ازمجموع‌شش‌دانگ قریهٔ توسرك واقع ببلوك سدن‌رستاق مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ معینه غربیاً پیوستهٔ قریهٔ زینل‌آباد مذکور جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ کفشگیری مذکوره شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ اسفیدداروکه مذکور شد و ایضاً همگی و تمامی قطعات ملیارستان و تراشمانی است واقع در قریهٔ مشهورهٔ لامیلنگ‌ازبلوك سدن‌رستاق‌مذکور اول یکقطعهٔ تراشمانی مشهوررستم‌ابوالحسن محدودبرینوجه شرقیاً پیوستهٔ بشارع‌عام غربیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ رستم مذکور جنوبیاً و شمالیاً کالغربی و دیگر یکقطعهٔ ملیارستان مشهور سیدشاهمیر شرقیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ عزالدین‌بن بایار غربیاً

پیوستهٔ املاك شیخ عزیز بن شیخ طاووس جنوبیاً پیوستهٔ اراضی قریهٔ مذکوره که در تصرف محمد بن شاه خواجه است شمالیاً پیوستهٔ املاك ملیارستان اسکندر بن جلال و دیگر یکقطعهٔ تراشمانی مشهور باملاك سیدرضی الدین شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ املاك یوسف بن بایار جنوبیاً کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ املاك حاجی محمد بن عبدالله مجاور و دیگر دو دانگ کامل مشاع از مجموع چهاردانگ مجاری میاه مشهور چاله کیاب شرقیاً پیوستهٔ املاك فخرالدین بن عبدالله ترك بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك صدرالدین ابن عبدالجبار ترك غربیاً پیوستهٔ اراضی سراجایگاه قوام الدین بن عبدالله ترك جنوبیاً پیوستهٔ سراجایگاه فخرالدین مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك جماعت یامچیان منهم شیخ درویش بن شیخ احمد یامچی و دیگر یکدانگ یکقطعهٔ تودستان مشهور حمزه غیاث شرقیاً پیوستهٔ اراضی حسین بن کمال غربیاً پیوستهٔ اراضی جمال الدین بن عبدالله کرم جنوبیاً پیوستهٔ اراضی سید شاهمیره مذکور شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام ودیگر یکدانگ تراشمانی مشهور املاك حسن نور شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً متصل املاك میراحمد بن عبدالخالق جنوبیاً کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ املاك حسین بن علی کوهی و دیگر یکدانگ یکقطعهٔ تودستان و ملیارستان موسوم باملاك حسین بن کمال پیوستهٔ یکدیگر شرقیاً پیوستهٔ املاك علاءالدین کرم مذکور جنوبیاً پیوستهٔ املاك ابرهیم حسنان بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك مهترشاه بن علیشاه یامچی شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام ودیگر یکدانگ قطعهٔ تودستان مشهور املاك خضر بن حسنان شرقیاً پیوستهٔ املاك بایزید بن ترك غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً کالغربی شمالیاً پیوستهٔ املاك یارعلی بن احمد یامچی ودیگر یکقطعهٔ تراشمانی مشهور املاك سیدشاهمیر شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ عمادالدین بن حسن عبا غربیاً پیوستهٔ اراضی سید نعمت الله بن سیدشمس الدین لامیلنگی جنوبیاً پیوستهٔ اراضی قاسم بن محمد سرخاب شمالیاً پیوستهٔ املاك سیدشاهمیر مذکور ودیگر همگی یکقطعهٔ تراشمانی مشهور سیدقاسم بن سیدزین العابدین شرقیاً پیوستهٔ املاك حسن بن علی بقرا

جنوبیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ حسین بن علی بقرا غربیاً پیوستهٔ اراضی امیرسید نعمت‌الله مذکور شمالیاً پیوستهٔ ملیارستان امیرسید نعمت‌الله مشارالیه و دیگر یکدانگ کامل مشاع از مجموع یکقطعهٔ تراشمانی مشهور املاك علی‌ترك شرقیاً پیوستهٔ بشارع‌عام غربیاً پیوستهٔ دره و سامان آلوباغ که مشهورست جنوبیاً پیوستهٔ بشارع‌عام شمالیاً پیوستهٔ املاك مولانا فخرالدین بن مولانا عبدالله بعضی و بعضی متصل اراضی سادهٔ محمد بن حسنان و دیگر یکدانگ یکقطعهٔ تودستان و ملیارستان مشهور حمیدحسنان شرقیاً پیوستهٔ بشارع‌عام غربیاً پیوستهٔ درهٔ معینه جنوبیاً متصل اراضی سیدمرتضی بن سیدمحمد شمالیاً پیوستهٔ املاك بایزید بن موسی و دیگر یکدانگ مشاع از مجموع یکقطعهٔ تراشمانی مشهور محمدشاه یامچی شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ کمال کرم مذکور غربیاً پیوستهٔ درهٔ چاله‌کیاب مذکور جنوبیاً پیوستهٔ چاله‌کیاب مذکور شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام و دیگر یکدانگ مشاع از مجموع یکقطعهٔ تراشمانی مشهور باملاك باباعلی یامچی شرقیاً پیوستهٔ املاك حمیدحسنان مذکور غربیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ امیرسید نعمت‌الله مذکور جنوبیاً پیوستهٔ املاك مولاناالیاس بن حسنان شمالیاً پیوستهٔ اراضی امیرسید نعمت‌الله مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك غلام‌علی بن جلال و دیگر یکدانگ تراشمانی مشهور سیدحسام‌الدین شرقیاً پیوستهٔ کاریز امیرسیدعلی بن امیرسیدشمس‌الدین سماکی غربیاً پیوستهٔ بشارع‌عام جنوبیاً پیوستهٔ املاك سیدمیرعلی بن سید جمال‌الدین شمالیاً پیوستهٔ اراضی امیرسید شرف‌الدین بن سیدبدرالدین و دیگر یکقطعه املاك مشهور سیدحسام‌الدین شرقیاً پیوستهٔ بشارع‌عام غربیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ مشهور رنگرز که معلوم و متعارف است جنوبیاً کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ املاك عبدالعلی بن عبدالله و دیگر یکدانگ مشاع از مجموع تراشمانی معین شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ امیرسید قاسم مذکور غربیاً پیوستهٔ کاریز رنگرز مذکور جنوبیاً پیوستهٔ املاك سید شرف‌الدین سماکی مذکور شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام و دیگر یکدانگ مشاع ازمجموع یکقطعه

املاك مشهور غلام‌علی‌جلال شرقیاً پیوستهٔ اراضیٔ سادهٔ قریهٔ مذکوره‌که در تصرف سید نعمت‌الله مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ سراجایگاه شمس‌الدین بن خضر جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك‌مشهورشاه‌میرمذکور شمالیاً پیوستهٔ سراجایگاه امیرسید نعمت‌الله مشارالیه و دیگر همگی یکقطعهٔ ملیارستان مشهور قطعهٔ رنگرز غربیاً پیوستهٔ بشارع عام شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ رنگرزکه مشهورست جنوبیاً کالغربی شمالیاً متصل املاك غیاث‌الدین بن‌عبدالله و دیگر همگی و تمامی یکقطعه تودستان مشهور اسکندرجلال شرقیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ عمادالدین شهریار بعضی‌و بعضی پیوستهٔ املاك حسین بن‌اسفندیار غربیاً پیوستهٔ دره‌که‌مشهور است جنوبیاً پیوستهٔ اراضی‌سادهٔ‌محمددرزی بن‌علی شمالیاً پیوستهٔ‌املاك واراضی‌متروکهٔ مولانامحمدبن‌مولانا لطف‌الله ودیگر تمامی یکدانگ‌مشاع‌است ازمجموع یکقطعه‌املاك مشهورشمس‌الدین خضر شرقیاً پیوستهٔ املاك غلام‌علی بن جلال مذکور غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً کالغربی شمالیاً متصل املاك امیرسیدنعمت‌الله مذکور و دیگر تمامی یکدانگ مشاع از مجموع مجاری میاه یکدرکاریزکه واقع ومشهورست‌بکاریز[ر]نگرز شرقیاً‌متصل شرقیاً پیوستهٔ[1] املاك امیرسیدقاسم‌سماکی مذکورغربیاً پیوستهٔ املاك‌سیدحسام‌الدین مذکور جنوبیاً پیوستهٔ گلباغ امیرسیدفخرالدین سماکی مذکور و دیگر یك سدس مشاع از مجموع یکقطعه املاك مشهور شیرزاد یامچی شرقیاً پیوستهٔ درهٔ چاله‌کباب مذکور غربیاً پیوستهٔ سراجایگاه بایزیدبن شیرزادیامچی‌جنوبیاً پیوستهٔ املاك بایزید مذکور شمالیاً پیوستهٔ املاك‌شمس‌الدین ترکمان ودیگر یکسدس‌مشاع‌ازمجموع یکقطعه تودستان مشهورجمال‌الدین‌طاقیه‌دوز شرقیاً متصل املاك سیدرضی‌الدین مذکور غربیاً پیوسته‌کالشرقی جنوبیاً املاك شمس‌الدین بن بایار شمالیاً کالغربی ودیگر یك‌ثلث‌مشاع از مجموع یکدرکاریز مشهور سیدحسام‌الدین شرقیاً پیوستهٔ املاك امیر بابارزی‌بن

۱ـ کاتب تعیین سامان شرقی را تکرار کرده است .

عبدالحی غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ امیر با بارزی مذکور و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ مشهورهٔ عادل‌آباداست واقع ببلوك سدن‌رستاق‌مذکورمحدود برین‌وجه شرقیاً پیوستهٔ موضع قراچه منکوش‌که در حوزهٔ دیــوان اعلـی‌است غربیاً متصل‌نیمردان‌که معلوم ومشهورست شمالیاً پیوستهٔ دریاء قلزم جنوبیاً پیوستهٔ خیرآباد که مشهور است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ آوه‌گودرز است واقــع ببلـوك سدن‌رستاق مذکورمحدود بر ینوجه شرقیاً پیوستهٔ جینیان‌که در تصرف‌جناب سیادت‌ـ پناهی امیرسیدزین‌العابدین‌صادق است غربیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مشهوره جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ‌آوه مشهورهٔ امیراجل‌که معلوم‌است شمالیاً کالغربی وایضاًهمگی وتمامی یکنصف قریهٔ مشهورهٔ روشناباد‌ست واقع‌ببلوك‌سدن‌رستاق مذکورمحدود برینوجه شرقیاً‌پیوستهٔ قریهٔ اسفیددارو و نودیچه‌که مشهور و معلوم‌اند غربیاً متصل قریهٔ‌پیشین‌کــلاته‌که در تصرف امیرسیدمحمدبن‌امیر سیدمحمد روشنابادی وشرکاست بعضی وبعضی پیوستهٔ‌قریهٔ ایمن‌آباد‌که مشهورست جنوبیاً متصل قریهٔ چلاوسرکلاته‌که در تصرف جناب‌سیادت‌ـ پناهی فضیلت‌دستگاهی امیر سیدرضی‌الدین قاضی است وشرکا فاصله شارع‌عام ساری شمالیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مشهورهٔ جرجان و ایضاً همگی و تمامی یکربــع کامل مشاع است از مجموع‌قریهٔ معروفهٔ سیاه‌جوی از بلوك انزان من‌اعمال استراباد‌محدودبحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ خندق خرابهٔ شهرکه مشهور است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ سرطـاق‌که مشهور است فـاصله زرداب‌کیلـه جنوبیاً پیوستهٔ قـریهٔ‌کارکنده و بهـادرکلاتــه که مشهور است شمالیاً پیوستهٔ بساحل دریاء قلزم و ایضاً همگی و تمامــی یك‌ثلث‌مشاع است از مجموع قریهٔ معروفهٔ‌نوکنده واقع ببلوك انزان مذکورمحدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ موضع جیپاکنده‌که محدود ومذکور می‌گردد غربیاً پیوستهٔ قریهٔ لوان معروف بدرودارگوران‌کشیده‌بخانهٔ محمدبن باباعلی وبخانهٔ فخرالدین پولکی وکیله‌جوین و تودستان لوده‌سرکیل تا بدریاء قلزم که معروف و مشهور است جنوبیاً پیوستهٔ بسامان

قریهٔ نوکنده که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ بسامان ابلیس‌کنده معروف بخاك انوشیروان تا پشتهٔ اوجا که معلوم و متعارف‌اند شمالیاً پیوستهٔ دریاء قلزم و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ ده‌گاه است واقع ببلوك انزان مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ جیپاکندهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ ابلیس‌کندهٔ مذکوره جنوبیاً بکوه مشهور انزان شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام ساری و ایضاً همگی و تمامی یکنصف کامل مشاع است ازمجموع جملهٔ قطعات معینه‌که در قریهٔ نوکندهٔ مذکور واقع است‌و معلوم و مشهورست و ایضاً همگی و تمامی پنجدانگ و یک‌طسوج است از مجموع شش‌دانگ مشاع قریهٔ معروفهٔ جیپاکنده واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ دشتی‌کلاته‌که مشهور است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ ده‌گاه مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوکندهٔ مذکوره جنوبیاً پیوستهٔ بشارع مذکور شمالیاً پیوستهٔ بدریاء مذکور و ایضاً همگی و تمامی سه‌ربع‌کامل مشاع است از مجموع قریهٔ معروفهٔ‌گز واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ جوجن‌نمرودی‌که مشهورست‌غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دشتی‌کلاته که مذکورمی‌شودجنوبیاً پیوستهٔ‌بشارع‌عام‌شمالیاً پیوستهٔ‌دریاءقلزم وایضاً همگی وتمامی یکربع‌کامل مشاع است از مجموع قریهٔ دشتی‌کلاته واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ اراضی‌کهنه‌گز که‌مشهورست‌غربیاً پیوستهٔ قریهٔ جیپاکنده که مذکورشد جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام‌شمالیاً پیوستهٔ دریاء قلزم وایضاً همگی وتمامی‌قریهٔ‌مشهورهٔ‌خشمری است واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ موضع مشهور وله‌افرا که معروف است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ‌گزمذکورجنوبیاً پیوستهٔ شارع عام‌مذکور شمالیاً پیوستهٔ دریاء قلزم و ایضاً همگی و تمامی مجری دو حجر و دو دانگ حجرآب است منشعب از رودخانهٔ مشهورهٔ خواسته‌رود ازبلوك نواحی مذکور و تمامی رودخانهٔ مذکوره بین‌الشرکامنقسم است از هیجده حجر و ببلوك مذکوره جاری و مزروع می‌گردد با جمیع ملحقات و مضافات و منسوبات این قری مذکوره از اراضی عامره و غیرعامره و میاه و عیون و

انهار و آبار و اشجار مورقه و غیرمورقه و مثمره و غیرمثمره و قنوات و مواضع ـ الطواحین و هرچه ملکیت را شاید و در تحت تملك و قید تصرف درآید مما ذکرفیه اولم‌یذکرسوی‌المستثنیات‌الشرعیة‌من‌المساجد والمقابر والطرق والسکك وسوی‌حقوق سعی‌المسلمین وسوی‌بقاع‌الخیر والاملاك‌الغیرالمتعارف بین‌اهالیها ∴ براولادکرام خود و براولاد اولاد خود و براولاداولاداولاد خودماتوالدوا وتناسلوا بطناً بعدبطن و قرناً بعدقرن از ذکور و اناث وبعد انقراضهم عوذاً بالله بر اقارب وعشایرخود الاقرب فالاقرب و بعدهم علی‌فقراء المسلمین و محاویج‌المؤمنین‌الی ان‌یرث‌الله‌الارض و هو خیرالوارثین وقفاًصحیحاً وصدقة صریحة نافذة لازمة . . . مخلدة محبوسة‌لافسادفیها ولارجعةلها للواقف فی‌شیء منها لاعلی‌سبیل تخییر ولاعلی مواضعة بل‌خالصاً لوجه‌الله تعالی و طلباً لمرضاته‌لایباع ولایرهن ولایتلف قائمة علی‌اصولها و شرط کرد حضرت واقف مشارالیه تقبل‌الله تعالی‌منه که حاصل وقف مذکور را بعد از عمارات ضروریهٔ‌آن و مؤنات و تکالیف و اخراجات دیوانی براولاد مذکورون بشرح و طریق مذکور للذکر مثل حظ‌الانثیین قسمت‌نمایند وجمیع تصرفات‌که منافی وقفست‌اجماعاً اوعندالبعض از وقف مذکور مرتفع شناسند و زیاده از سه سال باجارت ندهند لابعقد واحد ولابعقود متعدده و بمردم متغلبه وکسانی‌که اخذ بدل اجارت ازیشان متعذر و یا متعسر باشد باجارت ندهند وتولیت وقف مذکور راحضرت واقف مشارالیه خلدت ظلال عظمته برنفس نفیس‌خود مفوض‌گردانید مادام حیوته طول‌الله‌تعالی‌عمره بالسعادة والاقبال و بعده براصلح واکفی اولاد خود وبعدهم والعیاذبالله براصلح واکفی اقارب خودالاقرب فالاقرب وبعدانقراضهم عوذاً بالله قاضی نافذالامر استراباد هرکس‌راصلاح داند تعیین فرماید و حضرت واقف مشارالیه موقوفات محدودات مذکورات رابتولیت مذکوره متصرف شد فلماتم هذه‌الامور بکیفیة‌المزبور قداتصل‌بصحة هذاالوقف و جوازه و لزومه حکم قاضی‌الاسلام علی‌کافة‌الانام بعدالتخاصم والترافع‌لدیه و وجود

شرائط صحة الحکم و جواز القضاء عالماً بمحل الخلاف و ترجیح الاقوال الـذی ستوشح ذیل هذا المسطور بسجلة الشریف ادام‌الله ظلال معالیه فقد صار جمیع مالك محکومـاً بصحتها و لزومها فمن غیرشرطاً من ذالك اوشطراً اوسطراً بلاجهة شرعیه فقد باء بغضب من‌الله وحسبه جهنم وساب مصیرا .

وکان ذالك فی شهر ربیع‌الاول سنه تسع عشر و تسعمائه.

[برحواشی وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع الوقف المذکور کماشرح من جناب المشار الیه طال بقاه لدی وحکمت بصحته حکماً صحیحاً وانا العبد بهرام بن شمس‌الدین عفی عنهم . [جای مهر]

من الشهود بمافیه الداعی محمد بن علاءالدین الحسینی المشهدی.

من الشاهدین الفقیر الی الله الغنی هیبت‌الله بن فضل‌الله الملقب بخصال الحسینی ...

شهد بمافیه حرره العبد بهرام بن اسکندر الحسینی. [جای مهر]

من الشاهدین بمضمون المسطور فی الصدر وانا العبد عبدالقادر بن حکیم ... التـوفـی عفاه‌الله عنهما .

من الشاهدین. الفقیر الی الله الهادی... محمد بن عزالدین الطالب الاسترابادی.

[جای مهر]

و ماشهدنا الاماعلمنا. حرره العبد احمد سیفال .

الشاهد بمافی المسطور والواقف علی الوقف المذکور رفیع‌الدین حسن بن عمادی الحسینی.

[جای مهر]

وقفت بمضمونه . العبد افضل. . .

علی الوقف المـزبور علی الوجه المسطور عبدالعلی نصیرالدیـن.... [جای مهر]

وانا علی ذلك من الشاهدین. حرره الفقیر سدید بن مجدالدین مولده کرده‌چمن .

شهد بمافیه کمال الدین حسن بن محمد الحسینی روشنابادی . [جای مهر]

ولا تکتم الشهاده . حرره العبد عبدالمؤمن بن عبدالمطلب بهرام .

شهد بمافیه. حرره العبد نوزر. [جای مهر]

وانا علی ذلک من الشاهدین. حرره الحاجی ملک حسن بن ابوالحسن السماك .

اشهد بما اعلم. حرره العبد شرف الدین علی الحسینی الاسترابادی .

شهد بمضمونه. حرره حاجی میری(؟)

من الشاهدین. حرره زین العابدین الحسینی الاسترابادی .

ذلک کذلک. حرره ولی الاسترابادی .

شهد بمضمونه. عبدالله الاسترابادی.

شهد بمافیه. کمال ... [جای مهر]

شهد بمافیه. محمد... [جای مهر]

الشاهد بمافی المسطور والواقف علی الوقف المذکور. حرره حسام الدین بابالوری .

شهد بمضمونه. یعقوب بن محمد .

الشاهد بمافیه المسطور . محمد بن علی العقیلی .

وانا علی ذلک من الشاهدین . محمد بن عبدالمجید الاسترابادی.

شهد بمافیه . طاهر کلعلائی. [جای مهر]

شهد بمافیه. حسن بن علی نقی. [جای مهر]

شهد بمافیه شهمیر محمد ... [جای مهر]

شهد بمافیه. حرره العبد محمد نظام فارسکی. [جای مهر]

انا علی ذالك من الشاهدین. نظام بن ابوتراب النیسابوری .

من الشاهدین . صدرالدین محمدبن‌حسین الحسینی .

من الشاهدین . قاسم ابن جمال الدین الاسترابادی .

اشهد بمضمونه. حبیب‌الله‌ابن حبیب الاسترابادی .

الشاهد به. عمادالدین حسن بهرام .

یشهد بمضمون المسطور. العبدعلی‌طبیب الاسترابادی .

شهد بمضمونه. العبد محمدباقر بن حاجی گرشاسف الاسترابادی .

شهدبمضمونه. العبدهیبت‌الله‌بن نعمت‌الله عزالدین استرابادی

شهد بمضمونه. حرره الفقیر جلال الدین محمود بن قاسم سبزواری .

من الوافقین العبد شمس الدین علی...

من الشاهدین. علی... فخرالدین الحسینی . [جای مهر]

شهدبمافیه. نظام الدین بن جمال الدین. [جای مهر]

شهد بمضمونه. حرره ابوطالب کمال صوفی . [جای مهر]

شهد بمافیه. حرره العبد هیبت‌الله ساوری .

حرره العبدالفقیر محمدبن‌حسن الحسینی . [جای‌مهر]

شهدبمافیه مذکور مسطور . حرره العبدالفقیر محمدبن ملا نصر بن جعفرالحسینی .

هو

وقف مذکور بر نهج مسطور از من صادر شد والعبدالفقیر مظفر بن فخرالدین البتکچی غفرذنوبه . [مهر خواجه‌مظفر که بر آن «نادعلیاً مظهر الخ...مظفر فخرالدین بتکچی» خوانده می‌شود] .

ماسطر فی‌هذه‌المسطور بیان‌واقع و وقـف صحیح شرعی و اناعلی‌ذلك من‌الشاهدیــن الصادقین‌العبدالداعی نظام‌الدین . [جای مهر]

مضمون المسطور حق و صدق و بیان واقع وانا العبدالفقیرالی‌الله‌الغنی قاسم‌بن‌علی ... النجفی عفی‌الله‌عنهما .

شهدت علی‌اقراره دام‌ظله‌العالی‌فی‌طاعةالله مادامت‌الایام‌واللیالی. حرره‌الحقیرالفقیر الی‌عفو مولاه‌المتکل علیه لاعلی‌سواه علــی‌بن‌محمدبــن طی عفی‌عنهم وعــن‌المؤمنین والحمدلله رب‌العالمین. [جای مهر]

۳

وقفنامهٔ خواجه مظفربن فخرالدین بتکچــی مورخ ۹۲۰ ه. ق.

متن این وقفنامه‌که در هفتم ربیع‌الاول سنهٔ ۹۲۰ تنظیم شده با متن وقفنامهٔ مــورخ ربیع‌الاول سنهٔ ۹۱۹ ه. ق. از لحــاظ عبارات اختلافاتی دارد ولی رقبات موقوفات تا آنجاکه مقابله کــردیم یکسان است و واقف در وقفنامــهٔ مــورخ ۹۲۰ه. ق. تغییراتی در شرایط وقف داده است . اینك برای نشان دادن ایــن اختلافــات متن ایــن وقفنامه را از جایی‌که رقبات بلوك انزان را شرح می‌دهد تا آخر در اینجا می‌آوریم تا با سنجش این‌دو موارد اختلاف روشن شود .

. . . .

. . . .

و ازآنجمله است محدوداتی‌که واقع است ببلوك انزان منها همگی و تمامی‌ربع‌شایع کامل از مجموع قریهٔ معروفهٔ سیاه‌جوی محدود بحدود اربعه حــدشرقی‌آن متصــل

خندق خرابهٔ شهر که مشهورست حدغربی آن متصل قریهٔ سرطاق که مشهورست فاصله زرداب کیله حدشمالی آن پیوستهٔ بساحل دریاء قلزم حدجنوبی آن پیوستهٔ قریهٔ کارکنده و بهادرکلاته که مشهورست و منها همگی و تمامی ثلث مشاع از مجمـوع قریهٔ معروفهٔ نوکنده محدود بحدوداربعه حدشرقی آن پیوستهٔ موضع جیپاکنده که محدود ومذکور میگردد حد غربی آن پیوستهٔ قریهٔ لوان معروف بدرودارکوران کشیده بخانهٔ محمد بن باباعلی و بخانهٔ فخرالدین پولکی وکیله جوبن و توتستان لوده‌سر کشیده تا بدریاء قلزم که معروف و مشهورست حد شمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حـد جنوبی آن پیوستهٔ بسامان قریهٔ نوکنده که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ بسامان ابلیس کنده معـروف بخاك انوشیروان تا پشتهٔ اوجا که معلوم و متعارفند و منها همگی و تمامی قریهٔ معروفه بده‌گاه محدود بحدود اربعه حدشرقی آن پیوستهٔ موضع جیپاکندهٔ مذکوره حدغربی آن پیوستهٔ ابلیس کندهٔ مذکوره حدشمالی آن پیوستهٔ بشارع عام ساری حد جنوبی آن پیوستهٔ بکوه مشهور بابران ومنهاهمگی وتمامی پنجدانک و یکطسوج ازمجموع شش سهم شایع قریهٔ معروفهٔ جیپاکنده واقع بموضع مذکور حدشرقی آن پیوستهٔ قریهٔ دشتی کلاته که مذکور میشود حدغربی آن پیوستهٔ قریهٔ دیزگاه که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوکنده که مذکورشد حد شمالی آن پیوستهٔ بدریاء مذکور حد جنوبی آن متصل بشارع عام و منها همگی و تمامی سه‌ربع شایع کامل ازمجموع قریهٔ معـروفهٔ گز حدشرقی آن پیوستهٔ قریهٔ جوحسن نمرودی که مشهورست حدغربی آن پیوستهٔ قریهٔ دشتی کلاته که مذکورمیشود حد شمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حدجنوبی آن پیوستهٔ بشارع عام و منها همگی و تمامی ربع شایع کامل از مجموع قریهٔ دشتی‌ـ کلاته حدشرقی آن پیوستهٔ قریهٔ گز که مذکورشد حدغربی آن پیوستهٔ قریهٔ جیپاکنده که مذکور شد حدشمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حدجنوبی آن پیوستهٔ بشارع عام و منها همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ حسمری حدشرقی آن متصل موضع مشهور والهافرا

که معروفست حدغربی آن پیوستهٔقریهٔگز که مذکورشد حد شمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حد جنوبی آن پیوستهٔ شارع‌عام و منها همگی و تمامی مجـری دو حجرو دو دانگ حجر آب منشعب از رودخانهٔ مشهورهٔ بخواسته‌رودکه از غایت شهرت ووضوع محتاج بتعریف و توصیف نیست و تمامی رودخانهٔ مذکورهٔ بین‌الشرکا از هجده حجر منقسم است با جمیع‌ملحقات و مضافات و منسوبات آن محدودات مذکورات ومواضع وقف مذکورازعامره وغیرعامره ومیاه وعیون و آبار وانهار واشجارمثمره وغیرمثمره و قنوات و طواحین دایـره و غیر دایره و آسیاخانها و باغات و محوطات و عمارات و حمامات و دکاکین و هرچه ملکیت را شاید و در قید تصرف درآید ذکرفیه‌اولم یذکر داخلاً فیهااوخارجاًعنهاسوی‌المستثنیات‌الشرعیة من‌المساجد والمقابر والطرق‌وبقاع‌ـ الخیر وغیرها و وقف‌کرد حضرت واقف‌مشارالیه آن مواضع‌مذکور موصوفه راکلاً او بعضاً چنانچه معین شده براولادکبارموجودین‌خودکه اسامی شریفهٔ ایشان سابقاًمذکور شدو بلفظ وقفت هذه‌المحدودات قربةالی‌الله تعالی علی‌الاولاد المذکورین علی‌الشرح المسطور ثم‌علی‌الفقراء المسلمین بلفظ نمود و حال آنکه عـالم بمعنی آن بود و آن اولاد مذکورون چون کبار بودند قبول فرمودند و این حضرت واقف مشارالیه آن موقوفات مذکورات را تخلیه‌کرد و بتصرف آن اولادکبار که طبقهٔ اول موقوف علیهم بودند بازگذاشت و ایشان قبض آن نمودند فصار هذاالوقف وقفاً صحیحاً شرعیاً لازماً منجزاً مشتملاً علی‌الایجاب‌والقبول بالشرایط‌المعتبرة فلایباع ولایوهب ولایمهر ولاـ یرهن و لایملك بوجه من‌الوجوه و سبب‌من‌الاسباب وجعل‌حضرةالواقف آخرهذاالوقف لفقراء المسلمین الی‌ان یرث‌الله‌الارض و من‌علیها وهوخیرالوارثین وشرط‌کرد حضرت واقف مشارالیه‌که متولی‌آن موقوفات خود باشد مادام‌حیوته و هر نوع تصرفی که‌خواهد از ازدیاد و نقصان کسی را بروی ولایت اعتراض نباشد و چون مدت حیوة او منقضی گردد هرکس از اولاد اوکه اصلح واکفی باشد متولی‌باشد واگر همه در صلاح‌وکفایت

برابر باشند هرکدام‌اسن باشد متولی باشد و اگر جمعی از اولاد درجمیع صفات‌مذکوره مساوی باشند همه متولی باشند و حق‌التولیه میان یکدیگر علی‌السویه قسمت‌نمایندو اگر عیاذاً بالله تعالـی از اولادان واقف مذکور و اولاد اولاد او و اولاد اولاد اولاد او بطناً بعد بطن ذکراًکان اوانثی در هیچ بطن‌کسی نماند از اقارب او هرکدام اصلح و اکفی باشد متولی این وقف او باشد و اگر در صلاح برابر باشند همه متولی باشند و اگرعیاذاً بالله از اقارب حضرت واقف مذکور کسی نماند از اجانب هرکسی‌راکه‌قاضی نافذالامر بلدةالمؤمنین استراباد مصلحت‌داند و بجهة تولیت تعیین فرماید وی متولی باشد ومقررفرمودکه ازمحصولات‌موقوفات مذکورات‌ابتداکنند اولاً بمؤنات‌دیوانیّه و مطالبات سلطانیه و ثانیاً بعمارات این موقوفات و مرمت ثغورآن و اصلاح اخلال و فسادات‌که متوجه آن باشد و آنچه باقی ماند چون متولی خود باشد از بقیهٔ‌محصولات این موقوفات آنچه خواهد تصرف نماید و تتمه رامیان اولاد بهر نوع خواهد قسمت نماید و اگر متولی از اولاد باشد بعد از آنکه تکالیف دیوانیّه و عمارات ضروریه را مستخلص کرده باشد از بقیهٔ محصولات این موقوفات بجهة حق‌التولیه خمس گیرد و تتمه را میان خود و سایراولادللذکر مثل حظ‌الانثیین قسمت نماید و مقرر فرمود که هرکدام از اولادکه ودیعت‌حیوة بمتقاضی اجل‌سپرند اولاد او قائم‌مقام اوباشند وآنچه حصهٔ او بود میان یکدیگرللذکـر مثل حظ‌الانثیین قسمت نمایند واگر او را فرزند نباشد حصهٔ اورا سایر اولاد حضرت واقف میان یکدیگر بطریق‌مذکورقسمت نمایندو شرط فرمود حضرت واقف مشارالیه‌که‌اگرمتولی از اقارب باشد حق‌التولیه‌عشرگیرد و تتمه رابعد از مؤنات دیوانیّه وعمارات ضروریه میان یکدیگر بطریق مذکور قسمت نمایند واگر متولی از اجانب باشد بعد ازآنکه حقوق دیوانیّه را ادا نموده باشد و بعمارات ضروریهٔ‌آن موقوفات اقدام نموده باشد از بقیهٔ محصولات بجهة حق‌التولیه نصف‌عشرگیرد و تتمه را بوقوف حاکم شرع بلدةالمؤمنین استراباد بمسافران فقراکه

بزیارت مزارات ایمه معصومین علیهم الصلوة والسلام روند بنوعی که مصلحت باشد دهند و اگر بواسطهٔ فترات یاغیر آن کسی متوجه مزارات نباشد ثلثان محصولات این موقوفات را صرف سادات و فقرا و اهل صلاح فقرا که در استراباد باشند نمایند و ثلثی را صرف فقرا حفاظ کلام ملك علام و موالی که در مدارس استراباد باستفادهٔ علوم دینیه اشتغال داشته باشند نمایند و اگر میسر شود در ایام ولیالی متبرکه حفاظ مذکورین را در موضعی جمع کنند که از آیات قرآنیه آنچه توانند قراءت نمایند و نان وحلوا و آنچه میسر شود پزند و میان ایشان و فقرا که درمجلس باشند قسمت نمایند وفاتحه بروح واقف خوانند و شرط کرد حضرت واقف مشارالیه که آن محدودات موقوفات را بزیاده از سه‌سال باجارت ندهند نه بعقد واحد ونی بعقود مختلفه و بکسانی که استیفاء بدل اجارت از یشان متعذر یامتعسر باشد یا توهّم ادعای مالکیت باشد ندهند و شرط کرد حضرت واقف مذکور که صدور عظام و گماشتگان ایشان و هیچ یك از ارباب اقتدار درین محدودات موقوفات مدخل نکنند و نسخهٔ جمع و خرج از متولی آن نطلبند و از محصولات آن چیزی طمع نکنند و من‌غیر شیئاً مماذکر او شرطاً مماسطر فقدباء بغضب من‌الله و حسبه جهنم وسارت مصیرا و بعدذلك کله این اولاد امجاد مذکورون حضرت واقف مذکور آن محدودات موقوفات مذکورات را بتصرف حضرت واقف مذکور باز گذاشتند وآنحضرت من‌حیث‌التولیه تصرف نمود و حالا این محدودات مذکورات وقف صحیح شرعیست و بتصرف آن حضرت واقف بوقفیت است بنا بر تولیتی که شرعاً متعلق بایشان بود و بعدازحضرت واقف هرکس ازاولاد ایشان وغیرهم متصرف این محدودات موقوفات شوند من‌حیث‌الوقفیّه والتولیه خواهد بود فمن بدّله بعدما سمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع علیم.

وکان ذلك‌الوقف‌الصحیح‌الشرعی فی تاریخ سابع شهرربیع‌الاول سنهٔ عشرین‌وتسعمایه‌من‌الهجرة‌الحضرة‌النبویه‌علیه‌الصلوة‌والسلام‌والتحیه.

[گذشته از نامهای دهکده‌ها و نواحی و بلوك و رقبات موقوفه که عین آنها در متن وقفنامه دیده می‌شود مطالب و عبارات زیر درحاشیهٔ سمت راست و ذیل طومار وقفنامه نوشته شده است :]

بسمه سبحانه

ماقول علماء المؤمنین ادام الله برکاتهم اندر آنچه این صورت امر وقف نامه صحیح و شرعی هست یانی و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله المعصومین الثقة بالله تعالی وحده نسلی و هوسبحانه ...کتبه عبدالحی عبدالوهاب علی الحسینی عفی الله تعالی عنهم بمنّه وجوده .

اشهدنی حضرة الواقف المذکور ادام الله ظلاله العالی الی یوم الدین و انا العبد الفقیر المحتاج الی الله الغنی کانت هذه الوقفیه الصحیحه الشرعیه و التذکرة الدینیه محمد بن عبدالقادر بن عبدالوهاب بن حسن الهروی المدعو بنور القاضی . [جای مهر برسمت راست این عبارات][1]

اشهدنی حضرة الواقف المذکور تقبل الله منه بمافیه المسطور و انا العبد الفقیر الی الله الغنی حسین بن سیف الدین محمد الاسفراینی جعل الله تعالی خیر یومیه غده . [جای مهر گرد در وسط عبارات بالا]

المطلع علی ذلك. معین بن خصال الدین الحسینی .

من المطلعین علی مضمون المسطور. الفقیر احمد بن خصال الدین الحسینی .

فمن له الوقوف علی مضمون هذه المسطور . العبد نسیم الدین بن محمد بن جمال الدین الحسینی . [جای امضاء]

۱ـ مهر گرد حاشیه‌دار باخط نسخ بسیار ظریف درحاشیهٔ آن باکلماتی که‌دورمی‌چرخد: « نادعلیاً الخ» و در متن : « رب نور لناعلی السما العبد محمد بن عبدالقادر المدعو بنور قاضی و نایب ... القضا » .

من الواقفین علی مضمون ما ذکر فی هذه الصحیفة الشرعیه. العبد... اصباهانی.

الواقف بمضمون هذه المسطور. العبد نظاما الحسینی غفرعیوبه. [جای مهر]

من الواقفین علی مضمون ماذکر فی هذه الـوقفیه الشرعیه. العبد الفقیر الـی الله الغنی عطاالله بن فضل الله المشتهر بجمال الدین المحدث الحسینی عفاالله عنهما و الفقیر الی الله الغنی خصال الدین فضل الله الحسینی. [جای امضاء]

این محدودات مذکورات را من وقف نمودم بشرحی که مذکور شده و شرایط مذکوره از من واقـع شده. الفقیر الداعی مظفر بن فخرالدین البتکچی الاسترابادی عفی الله عنهما. [جای مهر گرد واقف]

شهادة العبد الداعی افضل الموسوی. [جای مهر][1]

وقف نمودم براولاد .... خود مجری دو حجر آب از رودخانهٔ فخام که مشهورست بـه چهل گزی.

اشهد فی الواقف علی مافی السطور وجعلنی من الواقفین علی الوقف المزبور. حرره الفقیر الحقیر. [مهر گرد ناخوانا]

یشهد بمافیه. حرره حاجی بن شرف الدین کرباسی. [جای مهر]

الشاهد بما فی المسطور والواقف علی الوقف المذکور. رفیع الدین حسن بن عماد الدین الحسیمی. [جای مهر]

انامن الشاهدین. العبد الاقل محمدی پروانچی. [جای مهر]

هو من الشهود علی صحت اقل عباد الله عطاالله غفر الله ذنـوبه وستر عیوبه [جای مهر]

هو یشهد بمافیه. حرره العبد صنیع الله بن اویس الاردبیل اللطیفی عفی الله عنه. [جای مهر]

۱ــ مهری گرد باسجع: «افضل الموسوی».

شهد بمضمونه .   میرسمرقندی.   [جای مهر]

شهد بمضمونه.   حرره‌العبد فخرالدین ...   [جای‌مهر]

شهد بمافیه.   حرره‌العبد بابانوزر.   [جای مهر]

شهد بمضمونه.   العبد طاهر کلعلائی.   [جای مهر]

یشهد بما یعلم.   حرره‌العبد شرف‌الدین‌علی‌الحسینی‌الاسترابادی.

من‌الشاهدین باقرارالواقف‌المذکور بمضمونها ذکرفی‌هذاالمسطور.   ابوالمعالی بن بدرالدین‌حسن‌الحسینی‌السماکی الاسترابادی .

من‌جملة‌الشاهدین حال اقرارالواقف‌المذکور بمضمون‌ماسطر.   حرره‌العبدعمادالدین استرابادی .

من‌الشاهدین باقرارالواقف‌المذکور بمضمون ماذکر فی‌هذاالمسطور .   زین‌العابدین حمزة‌الحسینی‌السماکی‌الاسترابادی .

شهد بمضمونه .   حرره ولی‌الاسترابادی .

الواقف‌علیه.   حرره‌العبد داودبن‌محمدالاسترابادی .

شهد بمضمونه.   محمدالامین‌بن‌ابرهیم‌الرضوی .

شهدعلی ذلك.   اسمعیل‌بن‌ابرهیم‌الاسترابادی .

وانا واحد من‌الواقفین سدیدبن‌مجدالدین مولده کرده‌چمن .

ما شهدناالابما علمنا وانا.   العبدالاحقرقاسم ... [جای مهر]

ما شهدناالا بماعلمنا.   حرره حسام‌الدین‌بن‌حسن کاردگر بابالوری.

واناواحدمن‌الواقفین.   محمدبن‌تاج‌الدین‌معلم‌الاسترابادی .

شهد بمضمونه .   محمدبن‌عبدالمجید الاسترابادی .

شهد بمضمونه. العبد صدرالدین بن فخرالدین الحسینی. [جای مهر]

شهد بمضمونه. هیبت‌الله بن حبیب الاسترابادی.

شهد بمضمونه. العبد محمد بن علی العقیلی.

شهد بمضمونه. قاسم بن جمال الاسترابادی.

شهد بمضمونه. العبد قاسمعلی باغبان. [جای مهر]

شهد بمضمونه. میرعلی بن سعدالدین لولی. [جای مهر]

شهد بمافیه. حرره ... [جای مهر]

شهد بمافیه. کمال‌الدین ... [جای مهر]

۴

وقفنامهٔ دنگلان مورخ ۹۲۳ ه. ق.

دراین وقفنامه خواجه‌حسن‌خان‌بن مرحوم خواجه‌محمدشریف‌خان دنگلانی، کل شش‌دانگ قریهٔ دنگلان من‌بلوك سدن‌رستاق دارالمؤمنین‌استراباد رابا توابع و لواحق وصحاری واراضی و عیون و چشمه‌سار و جداول وانهار و اشجار واثمار وشرب و مشارب وکافهٔ متعلقات اسلامیه را وقف بـر اولاد ذکـور خود کرده است و پس از انقراض ایشان بر اولاد انـاث و پس از انقراض ایشان بر آستانهٔ مطهرهٔ رضویه، و شرایط وقف را در آخر وقفنامه‌آورده است .

هوالواقف

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الواقف علـی‌الضمائر والمطلـع علی‌خفیات‌السرائرالـذی وقف عباده‌لانشاء خیرات وهدیهم‌الی‌الاتیان بالمبرات والصلوة والسلام‌علی‌اشرف‌رسله‌محمدٍ صاحب‌لواء المعجزات‌وعلی‌آله واولاده خیرالبنین‌والبنات امابعدبرضمایر خجسته‌مآثر ذوی‌الآثار روشن و مبرهن است‌که این دنیای غدار ناپایدار جای اقامت و مقر استقامت نیست و هرفردی از افراد بنی‌آدم را شربت فنا چشیدنیست و انتقال از دارغـرور دنیا بمقام سرور عقبی لابّد وضروری‌که انماالدنیا فناء لیس‌للدنیا ثبوت انماالدنیاکبیتٍ نسجته العنکبوت پس هرکسی راکه استطاعت بوده باشد وقوّت و قدرت داشته بـاشد بایدکه بقدر وسع خودآنچه‌تواند ومیسر شود ازکشتزار دنیاکه الدنیا مزرعةالآخرة جهة راه

آخرة که طریق پر خطر است تصدق فرماید کما قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله ارض القیامه نار ماخلا ظلّ‌المؤمن فانه فی‌ظل صدقته یوم‌القیامــه و افضل واکمل صدقــات صدقه‌ایست‌که براولی‌الارحام‌و ذوی‌القرابات بــاشد چنانچه در خبراست از حضــرت سیدالبشر علیه‌الصلواةالله‌الملك‌الاکبرکه الصدقه علی‌القرابة صدقة وصلة و هم از آن حضرت‌مروی است‌که الصدقة وصلةالرحم تزیدان الاعمار وتعمران‌الدنیا وکلام‌معجــز نظام حضرت علیم‌علام قل‌لااسئلکم‌علیه اجراً الاالمودة فی‌القربی دلالةعام بــراحسان ذوی‌القربی و ذوی‌الارحام دارد بناءً علی هذا توفیق‌ربانی وتأییدسبحانی شامل‌حامل حضرت صلاحیت و تقوی شعار عزت و سعادت آثــار خواجه‌حسن‌خــان‌ابن‌المــرحوم المغفور خواجه محمد شریف‌خان‌ابن‌المرحوم المبرورالمحتاج الی‌الله الغنی خواجه عبدالنبی دنگلانی شده ومضمون‌آیة وافی هدایة ماعندکم ینفذوماعندالله باق‌وحکم و انفقوا مما رزقکم‌الله ومنطوق وماتقدموا لانفسکم من‌خیرٍ تجــدوه عندالله را پیش‌نهاد خاطر خود نموده وقف‌کرد و تصدق نمود خالصاً لوجه‌الله وابتغاءً لمرضاتــه و جزیل ثوابه درحال‌صحة نفس و کمال عقل‌آنچه از شوایب غیرعاری بود و در تحــت تصرف مالکانهٔ خود داشت بلامانع و مزاحم وآن همگی و تمامی‌کل ششدانگ قریهٔ‌معروفهٔ مشهورهٔ موسومه به دنگلان‌که واقع است‌دردارالمؤمنین‌استراباد من‌بلوك سدن‌رستاق مستغنی از ذکر حد و وصف لغایةالشهرة و نهایةالمعرفة وانفرادالاسم محل‌الوقوع از توابع و لواحق و صحاری و اراضی و عیون و چشمه‌سار و جداول وانهار واشجار و اثمار و مشرب‌و مشارب وکافه متعلقات اسلامیه و موضع طواحــن از یکدانگه و دو دانگهٔ قنوات قدیماً وجدیداً داخلاً وخارجاً سوی‌المستثنیات الشرعیه عن‌المساجدو المقابر والطرق والحیاض وحقوق‌سعی‌المعلومة للمسلمین‌آنچه که‌در تحت تصرف و یدتملك او بود برذکور اولاد خود و بعد ازآن بر ذکور اولاد اولاد خود وبعد ازآن برذکوراولاد اولاد اولاد خود هکذا ماتعاقبوا و تناسلوا نسلاً بعدنسل وبطناً بعدبطن و

عقباً بعدعقب و بعد ازانقراض ایشان براولاد اناث خود و بعد از ایشان براولادایشان و بعداز ایشان براولاد اولاد اولاد ایشان و هکذا ماتعاقبوا و تناسلوا نسلاً بعد نسل وعقباً بعد عقب الی‌أن یرث‌الله الارض و من‌علیها و هوخیرالوارثین و بعد ازآن براولاد اناث و اولاد اولاد وهکذا [واگر] منقرض شوند وقف باشد برآستانهٔ منورهٔ مطهرهٔ معطرهٔ مشرفهٔ مقدسهٔ صدر مرتبهٔ رضیهٔ رضویهٔ حضرت‌امام همام ثامن‌ضامن واجب‌الطاعة مفترض الاطاعةامام‌الجن‌والانس‌امام‌الغریب‌المهموم،الشهیدالمغموم‌المسموم‌بدرالنجوم شمس‌الشموس انیس‌النفوس‌المدفون بارض طوس و تولیت وقف مذکور را واقف مشارالیه بر نفس خود مفوض‌گردانید مادام حیوته و بعده‌براصلح و اکفی واتقی واکبر اولاد ذکور او باشد و بعد ازآن باولاد اولاد ذکور او و هکذا وچون از اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور او العیاذ بالله کسی نماند و منقرض شوند تولیت ازآن اصلح واتقی اولاد اناث او باشد ماتعاقبوا و تناسلوا وچون اولاد اناث و اولاد اولاد اناث هکذا منقرض شوند تولیت متعلق باشد بمتولی‌آن آستان ملایك پاسبان و در متن عقد وقف شرط نمود واقف مزبورکه متولی مذکور بعد از وضع‌مؤونات زراعت وخراج‌سلطانیه و حقوق دیوانیّه عشرحاصل مؤونات‌را بحق‌التولیه‌فراگیرد و در وجه معیشت‌خودصرف نماید و تتمهٔ حاصل را میانهٔ موقوف‌علیهم بالسویه قسمت نماید و اگر از اولاد کسی نمانده باشد تتمهٔ حاصل را در مصالح‌آستانهٔ مقدسه از اطعام فقراء ومساکین وفرش و روشنائی صرف نماید وهی صحیح شرعی‌که نفروشند و نبخشند وتملیك و تملك جائز ندانند و مطلقاً هبه ننمایند و رهن نگذارند و برمردم متقلبه وکسانیکه اخذ بدل‌الاجاره از ایشان متعذر یا متعسر باشد باجارت ندهند و زیاده ازسه‌سال باجارت ندهند و صیغهٔ شرعیهٔ وقف موافق قانون شریعت مقدسه جریان یافت هذا ماعندنا الیه والعهدة فی‌الدارین علیه فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم.

کتب ذلك فی‌شهر شوال ختم بـالخیر والاقبال من‌شهور سنه ثلاث وعشرین وتسعمـائه من‌الهجـرة النبویه‌المصطفویه .

[برحواشی وقفنامه عبارات زیر نوشته‌شده است :]

هذا السواد مطابق‌لاصله و قد قابلته . [محل خاتم مرحمت‌قرار حاجی سیدمحسن طاب‌ثراه]

بسم‌الله تعالی شأنه

بعدالمقابله وجدت‌السواد مطابقاً‌لاصله‌المعتبر . حرره اقل‌الطلبه[محل مهر سید‌الفقهاء مرحوم آقا محمدآقا قوام‌الدین]

قد وجدت بعدالمقابله مع‌الاصل الاصیل الممهور سیان‌الآثم . [محل خاتم شریف شریعتمدار آقا ملااسماعیل ستون رحمة‌الله علیه]

[ایضاً‌محل‌خاتم‌مرحوم‌مبرور‌آقا سیدمحمد موسوی خلف مرحوم‌آقاسید محمدباقر].

هو

قد قابلت هذاالسواد مع‌اصله‌الذی قراءت علی‌متن‌اثق‌به‌المعتبرغایته الموثوق‌به‌منهاه(؟) الصحیح‌المصحح‌المستضح‌قصدیه‌المعمول‌مضمونه‌حسب‌السیره المعتبره مهذبه فوجدتهما سیین‌مطابقین‌غیـر متخالفین فهوفـی‌اعتباره‌کاصله‌الـذی‌وصفناه . حرره‌الاقل‌فی‌شهر شوال‌المکرم‌من‌شهور۱۲۸۵ . [محل‌خاتم‌شریف‌مرحمت‌قرار آقای آقاشیخ‌محمدصالح ابن‌آقای حاجی ملامحمدتقی عطرالله مرقده].

قد قابلت هذا مع اصله الاصیل و وجدتهما سیان و العمل فی هذا الزمان علی النهج المسطور فی الورقه حسب ماکان فی الازمان الماضیة بالنسبة الی الواقف و التولیه حررة فی ۶ شهر شوال ۱۲۸۵ . [محل مهر مرحمت‌قرار شریعتمدار آخوند ملاخلیل ایلواری نورالله مضجعه]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز

هذا السواد موافق لاصله و قدقابلته مع ثقه ولقدحررته [محل خاتم رضوان‌مکان فاضل میان‌آبادی] [محل خاتم جنت‌آرامگاه حاجی‌آقا سیدمحمد صادق‌مجتهد طاب تربته الشریف]

حررته بیدی شوال ۱۲۸۷. [محل خاتم فردوس‌مکان آقای ملا محمدباقر ستون]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز

وقدقابلته مع اصله الاصیل وجدتهما سیان ومطابقاً لاصله من المبدء الی التاریخ ولقد حررته بیدی فی شوال ۱۲۸۵ و اناالاقل . [محل خاتم خلدمکین حاجی محمدکاظم حاجی‌آبادی]

هذا السواد مطابق للاصل وقدشهدت عندالمقابلة والمطالعه وانا العقیلی. [محل خاتم مرحمت‌آیت سید حبیب‌الله واعظ]

وجدت بعدالمقابلة هذا السواد مع الاصل سیان وقدحررت فی ثانی من شهر شوال المکرم من سنه ۱۲۸۵. [محل خاتم شریف حجة‌الاسلام آقا ملاآقامحمد مجتهد]

هذا السواد مطابق لاصله فان... واضح باشد این ملك مزبور وقف است و عمل بوقفیت میشودوهذه فی ۳ شهر شوال المکرم ۱۲۸۵ . [محل خاتم مرحوم ملا محمدولی کردمحلی طاب ثراه]

بسم‌الله تعالی شأنه

اصل وقفنامه صحیح و معتبر واملاك مزبوره محکوم بوقفیت است و ایـن‌سواد بحسب آنچه خود مشاهده ومقابله نموده‌ام موافق و مطابق بااصل وقفنامه است حرره‌الاقل حفظةالشریعةالطاهره . [محل خاتم مرحوم مبرور مـروج‌الاحکام آقـای‌حاجی‌آقا سید مصطفی عطرالله مرقده‌الشریف]

هذاالسواد مطابق لاصله‌الذی لاحظته خطاً بخط و حرفاً بحرف بحیث‌لااحتمل‌الخطاء والسهو خفی‌فهذا مثله‌فـی‌الاعتبار والاعتماد ولقداثبته فی‌شهرشوال‌المکرم من‌شهور ۱۲۸۵ . [محل خاتم مرحوم شیخ‌الفقها آقا شیخ علی‌شمس‌العلماء و خلدمکین آقا سید احمدصدر]

بعد از ملاحظه و مقابلهٔ تام دراصل وقفنامچهٔ معتبره این سواد را فـرع مطابق لاصله الاصیل الذی وقف‌الواقف‌المرحوم‌القریةالتی الـمسماة بدنگلان علی‌اولاد الـذکور نسلاً بعدنسل وهکذا بعدالانقراض باولاده‌الاناث و هکذا ثم‌بعدالانقراض لامام‌الثامن حررته بیدالیمین. [محل خاتم‌مرحوم ملامحمدباقر مروی]

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

لایقری‌الشك‌والریب مع‌اتفاق هـولاءالنقباء من‌الفضلاء والامناء فی‌تطابق‌السوادمع ـ الاصل و حکم بعضهم بماحکموا حرره‌الاقل . [محل خاتم‌شریف و مهرمنیف حجةالاسلام ملا محمدنبی نوکندی]

السواد مطابق‌لاصله‌انشاءالله. [محل‌خاتم مرحوم‌آقاملا علی دنگلانی طاب‌ثراه]

و قدقابلته و وجدته مطابقاً لاصله‌الاصیل حرره الاقل. [محل خاتم‌مرحمت‌قرار آخوند ملا محمد نصرآبادی رحمةالله]

و قدعلمت ان السواد المنقوش فی هذه الورقه مطابقاً لاصله الاصیل وخال عن الارتیاب والتخیل و موافق بما استفیض فیه من عدم التغییر والتبدیل وکان فی ثالث شهر شوال المکرم ۱۲۸۵. [محل خاتم شریف مرحمت آیت آقا شیخ احمد علی کردمحلی] ، [محل مهر مرحوم ملاآقا باباپلنگ]

لایخفی علی المحسنین والاخوان السالکین الی الله . . . انی بعدان قابلت السواد مع اصله الاصیل وجدتهما سیان ومثلان والعمل به فی هذه الازمنه یکون کما کان بلازیاده و نقصان و بعدحرره الراجی الی رحمة ربه الرحمن فی ثامن و عشرین شوال ۱۲۸۵ یا امام زین العابدین . [محل خاتم مرحوم آقاشیخ زین العابدین] عبده الراجی عبدالرزاق [محل خاتم حجةالاسلام آقا شیخ عبدالرزاق] یاعلی [محل مهر آقا علی خلف مرحوم حاجی آقابزرگ]

سواد مطابق سوادمعتبر ممهور بمهر علماء اعلام سلف و خلف استراباد است که فعلاً در ید بنده موجود است ۹ خورداد ۱۳۰۵ محمد دنگلانی .

هوالمستعان بعدالمقابلة وجدته مطابقاً لاصله الاصیل المعتمد حررته فی اربعة عشر مضین من شوال سنهٔ ۱۳۴۴ الاحقر الجانی . [جای مهر][1]

قدقابلت هذاالسواد مع الاصل وجدتهما سیان والعمل فی العین الموقوفه فی هذالزمان علی الطریق المسطور فی الورقه کماکان فی الازمنه الماضیه قد حررها حرره الاقل الراجی فی شهر شوال من شهور ۱۲۸۵ عبده الراجی محمدحسن الموسوی. [محل خاتم مرحوم حاجی آقا محمدحسن سفیری رحمه‌الله]

السواد مطابق لاصله الملحوظ ا ح م د . [محل خاتم مرحمت قرار آقاسیداحمد بنی کریمی]

۱ــ مهری با سجع : «غلامحسین».

قدقابلت هذا مع اصله‌الاصیل و وجدتهماسیان‌والعمل فی‌هذاالزمان علی‌النهج‌المسطور فی‌الورقه حسب‌ماکان فی‌الازمان‌الماضیه‌بالنسبة‌الی الوقف والتولیة حررته فی شهر شوال ۱۲۸۵. [محل‌مهر مرحوم ملامحمدهزارجریبی] [محل‌مهر ملامحمددنگلانی]
سواد مطابق‌باسواد است ۹خرداد ۱۳۰۵ اسدالله اسفندیاری .
[مهر ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد]
۹ خرداد ۱۳۰۵ تلو ۳۸. در دفتر اوقـاف استرابـاد ثبت شد اسدالله اسفندیاری .
[مهر ادارهٔ معارف و اوقـاف استراباد]
در تاریخ ۲۴ دی‌تلو ۳۱ ثبت دفتر اوقاف شد . امین معارف واوقاف استراباد.



وقفنامهٔ سدن و فوجرد وآلوکلاته مورخ ۹۴۰ ه . ق.
در این وقفنامه امیرسید لطیف شاه‌الحسینی قـریهٔ سیدکلاتـه مشهـور بـه سدن از محـال روستاق استرابـاد وهمگی قـریهٔ فوجرد راباملحقات برزوار وابناءالسبیل زوار روضهٔ مقدسهٔ حضرت رسول‌اکرم وقف کرده است و همچنین دو دانگ از شش‌دانگ قریهٔ آلوکلاته(علوی‌کلاته) راباجمیع‌مایتعلق‌بهارا وقف برزوار وابناءالسبیل زوارمتبرکهٔ رضویه‌که اثنی‌عشری بوده باشندکرده است و شرایط وقف را درآخر وقفنامه ذکر کرده است .

هوالموفق تعالی شأنه

الحمدلله‌الواقف علی‌الضمائر المطلع علی‌السرائر الـذی وفـق‌عباده لانشاء الخیرات و هدیهم‌الی‌الاتیان‌بالمبرّات والصلوةوالسلام‌علی‌اشرف‌رسله محمدصاحب‌لواءالمعجزات‌و

علی اولاده و ابناءه خیر البنین والبنات و بعدچون دنیا محل فوات وزوال و مقام فنا و ارتحال است لهذا وقف کرد خالصاً لله تعالی شأنه حضرت سیادت منقبت حامد نبی الخاتم و هاشم وعبدمناف زین السادات والعلماء والاشراف امیرسیدلطیف شاه الحسینی همگی و تمامی قریهٔ سیّدکلاته مشهوره بسدن من محال روستاق استراباد را باجمیع متعلقات آن از میاه رودخانهٔ شصت کلاته متعلقه بآن و قنوات وغیرها را و همگی قریهٔ فوجرد مع الملحقات المتعلقة بها که از جهت تفرّد اسم و شهرت از تحدید مستغنی است بر زوار و ابناءالسبیل زوار روضهٔ مقدسهٔ حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله که اثناعشری بوده باشند و تمامی دو دانگ از ششدانگ علوی کلاته مشهور به آلوکلاته مع جمیع مایتعلق بها را بر زوار و ابناءالسبیل زوار آستانهٔ متبرکهٔ امام ثامن ضامن علی ابن موسی الرضا علیه الصلوة والسلام که اثنی عشری بوده باشند و شرط کرد واقف که زوارجهة ازدیاد عمر و دولت حضرت نواب پادشاه اسلام که اثناعشری بوده و استیصال اعدای او دعا و زیارت نموده باشند و تولیت موقوفات را بحضرت امیرمحمد امین الشهیر به آقا ملا نوادهٔ خود مفوض داشته و بعد از او بارشد و اصلح اولاد واولاد اولاد او و بعدهم بارشد و اصلح اولاد اقرب قرار داد و حق التولیه را سدس از منافع مقرر نمود.

وکان ذلك فی شهر رمضان المبارك سنة
اربعین وتسعمأئه من الهجرة النبویه سنهٔ ۹۴۰.

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

الفرع مع الاصل سیان ولقد حررته فی السابع من شهر رمضان المبارك ۱۲۸۹.
[جای مهر][1]

۱ـ مهری بیضی با سجع: «محمدابراهیم».

بعدالمقابله وجدت هـذا سواد مطابقاً للاصل المعتبر حـررته فـی سابع والعشرین من محرم الحرام ۱۲۹۰. [جای مهر][1]

هوالمستعان لاشك ولاریب فی مطابقه هذاالسوادلاصله حررته فـی شهر شعبان من شهور ۱۳۲۹. [جای دومهر][2]

سواد السواد سواداصله الاصیل المعتبر وهماكؤس رهان ورضینی لبان یتحاربان وانا العبد المعتدی الآثم عبدالکریم.

بسم الله تعـالی شأنه السواد مطابق لاصلـه و همـا معتبران فی اواننا هـذا ۱۲۹۲. [جای مهر][3]

هذاالسواد مطابق لاصله. [جای مهر][4]

هذا السواد بعدماقابلته مـع اصل الاصیل المعتبر وجدته مطـابقاً له طابق النعل بالنعل محمد زکی.

هو لاشك فی مطابقة هذاالسوادلاصله المعتمد حررته فی شهرمحرم الحرام من شهور ۱۳۳۳ ابوتراب العقیلی. [جای مهر][5]

هو مطـابق لاصله الاصیل حـررته فـی شعبان ۱۳۲۹ محمـدمهدی الحسینی. [جای مهر][6]

السواد مطابق لاصله المعتبر حررته فی شعبان المعظم ۱۲۸۹. [جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی با نام: «محمدحسین». ۲ـ هر دومهر بیضی: مهر اول با نام: «عباس العقیلی». مهردوم با سجع: «سرالله العقیلی». ۳ـ مهری باسجع: «عبده محمدنبی». ۴ـ مهری با نام: «سیدجمال عقیلی». ۵ـ مهری بیضی بـاسجع: «ابوتراب العقیلی». ۶ـ مهری بانام: «محمدمهدی الحسینی». ۷ـمهری بیضی کوچك بانام: «محمدولی».

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه السوادوالاصل‌متوافقان حررته‌بسبعة‌ایام‌مضین‌من‌رمضان فی‌السنه ۱۲۸۹ . [جای مهر][۱]

بسم‌الله‌تعالی‌شأنه هذاالسواد مطابق‌لاصله‌الاصیل المعتبر طابق‌النعل بالنعل حرره الاقل محمدابن قوام‌الدین‌الحسینی .

السواد مطابق‌لاصله‌الشریف وقد حررته بیدالجانی صراط علی حق نمسکه .

بسم‌الله‌تبارک‌و تعالی این سواد را با اصل معتبر مقابله کردم خلاف ندیدم حرره الاقل الطلبه الواثق‌الی‌الله الغنی عبده یاعلی‌نقی .

سواد مطابق لاصله‌المعتبر الصحیح لاریب‌فیه. [جای‌مهر][۲]

سواد مطابق لاصله‌کفرع من . . . و همامعتبران . . . عندی‌اقل‌حفظة‌الشریعة‌الطاهره مصطفی‌العقیلی .

السواد مطابق لاصله حررته فی‌شعبان ۱۲۸۹. [جای‌مهر][۳]

هــذا السواد مطــابقاً لاصله وقد قــابلناه حــرره الاقل فی‌شهر ذی‌قعده ۱۲۹۲ .

[جای مهر][٤]

هذاالسواد علی‌ماقابلته مع‌من‌اثق‌به‌مع‌اصله سیان متطابقان‌من‌غیراختلاف بینهماوالاصل معتبر متقن‌غایتها حرره الاقل فی‌شعبان ۱۲۸۹. [جای‌مهر][٥]

السواد لاحظته و وزنته وقابلته و وجــدته مطابقاً و موافقاً للاصل حــررته فی ۲۸ شعبان ۱۲۸۹. [جای‌مهر][٦]

۱ـ مهری با سجع : « اللهم‌اغفرصفی‌الله ». ۲ـ مهری بیضی با نام : «طاوس‌العقیلی».
۳ـ مهری بیضی با نام : « محمدصادق‌العقیلی» . ۴ـ مهری بیضی باسجع: «محمدطاهر الحسینی ». ۵ـ مهری بــا سجع : «یــا صالــح المبین». ۶ـ مهری با سجع : «علینقی‌الحسینی» .

سواد بااصل ملاحظه و مواجه شد مطابق و موافق بوده حرره الاقل الراجی فی‌سلخ شهرشعبان من شهور ۱۲۸۹. [جای مهر][1]
سواد مطابق اصل است. [مهر ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد]

۶

وقفنامهٔ شهر آشوب و کلاته‌نصری و نصف قریهٔ توشن[2] و تمامی ولاشکی و یك قطعهٔ ملیارستان مورخ ۹۵۰ ﻫ . ق .

در این وقفنامه امیر سیدجلال‌الدین‌محمد ولدامیر سیدلطیف‌ـ شاه همگی قریهٔ شهر آشوب واقع‌دربلوك نواحی و کلاته‌نصری واقع دربلوك استرابادرستاق را سوی‌مستثنیات شرعیه و نصف شایع از قریهٔ توشن و همگی و تمامی قریهٔ ولاشکی واقع در بلوك سدن‌رستاق و ایضاً بوم و عمله و اعیان قائمهٔ یك قطعهٔ ملیارستان واقع در بلوك استرابادرستاق معروف به باغ‌ملك علاءالدین گیلانی را وقف برزوار و ابناءالسبیل زوار ثامن‌ـ الائمه نموده است و شرایط وقف را درآخر وقفنامه یاد کرده است .

هوالموفق

الحمدالله الواقف علی‌الضمائر المطلع علی‌السرائر الذی وفـق عباده لانشاءالخیرات و هدیهم‌الـی‌الاتیان بـالمبرات والصلوة والسلام علی‌اشرف رسله محمد صاحب‌لواء ـ المعجزات وعلی اولاده و ابنائه خیرالبنین والبنات وبعد چون دار دنیا محل فوات و زوال و مقام فنا وارتحال‌است‌لهذا وقف‌کرد توفیق آثاری امیرسید جلال‌الملة والدین

۱ـ مهری‌باسجع: «محمدحسن‌الموسوی» . ۲ـ بفتح تا وسکون واو وفتح‌شین.

محمدبن سیدالمرحوم‌امیرسیدلطیف‌شاه خالصاً مخلصاً لله تعالی وطلباً لمرضاته همگی و تمامی قریهٔ‌مشهورهٔ شهرآشوب‌راکه واقعست در بلوك نواحی وکلاته‌نصری واقعه‌در بلوك استراباد سوی‌المستثنیات‌الشرعیه و حقوق سعی‌المسلمین‌که از جهة تفرّد اسم و شهرت از تحدید مستغنی است با جمله و تمامی یك نصف شایع وکامل از قریهٔ توشن‌که واقعست در بلوك سدن‌رستاق از قراء ولایت مذکوره‌که ایضاً از تحدید بجهة شهرت مستغنی است سوی‌المستثنیات المذکوره و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ ولاشکی را که واقعست در بلوك سدن‌رستاق مذکور ازولایت مذکوره سوی المستثنیات‌المذکوره‌که ایضاً آن از تحدید مستغنی است و ایضاً بوم و عمله و اعیان قائمهٔ یك‌قطعهٔ ملیارستان را که واقع است در بلوك استرابادرستاق از اعمال ولایت مذکوره‌که مشهوراست‌بباغ ملك علاءالدین‌گیلانی و لهذا مستغنی است ازتحدید برزوار و ابناءالسبیل زوار امام الجن والانس ثامن‌الائمه‌الاطهارالذی قال‌النبی صلی‌الله‌علیه وآله وسلم فی‌حقه من‌زار ولدی بطوس وجبت‌له‌الجنة‌الامام‌الهام علی‌ابن موسی‌بن‌جعفر علیهم صلوات‌الله الملك الاکبر و شرط‌کرد واقف مذکورکه زوار مذکوره درروضهٔ متبرکهٔ علیهٔ عالیهٔ زاکیهٔ مذکوره جهة ازدیاد عمر و دولت و جاه و حشمت حضرت‌نواب‌کامیاب واستیصال‌اعداء آن حضرت دعا نموده از معتکفان آن آستان عالیشأن استمداد فاتحهٔ فایحه نمایند و تولیت موقوفات مذکورات را بحضرت‌نتیجة‌المشایخ‌الکرام قدوة‌الاتقیاء العظام شیخ نورالدین عبدالصمدابن‌الشیخ العالم‌الفاضل الکامل الشیخ کمال‌الدین عبدالعلی نور تفویض نمود و لازم و متحتم‌گردانید و بعد از او برارشد و اصلح اولاد ذکور او و بعدهم بر ارشد واصلح اولاد اقرب باو وبعدانقراضهم العوذبالله هرکس متولی‌موقوفات روضهٔ متبرکهٔ مذکوره باشد بدین امر قیام نماید و شرط‌کرد واقف مذکورکه متولی مذکور یکدانگ ازشش‌دانگ محصولات موقوفات مذکوره را بجهة حق‌التولیة خود تصرف نموده تتمهٔ‌آن را بمستحقین زوارمذکوره بشرط مذکور قسمت نماید و متولی

مذکور قبول تولیت مذکور علی‌النهج‌المذکور نمود .

وکان ذلك فی‌غرهٔ شهر رمضان‌المبارك سنهٔ خمسین و تسعمائة‌الهجریة النبویة .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

قدصح‌السواد حسب‌المرقوم حررت فی‌الرجب سنهٔ ۱۲۹۰. [جای دومهر][1]

هوالمستعان

این سواد صحیح و مترتب‌الاثر است فی‌رابع عشرشهرشوال ۱۳۳۰. [جای‌مهر][2]

السوادمطابق لاصله‌وقدقابلته مع‌اصله وجدتهماسیان حرره الاقل الراجی فی ۹ شهر رجب‌من‌شهور ۱۲۰۹. [جای‌مهر][3]

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

السواد و مافیه من‌الکتب والمداد مطابق للاصل والمراد حرره‌الاقل خادم‌اهل‌العلم والعمل فی شعبان‌المعظم ۱۳۲۹. [جای مهر][4]

هو

هذاالسوادقطعی‌المطابقه لاصله‌حسب‌مازبر فی‌فوقه‌وذیله‌فیجب‌العمل بتمام‌فقراته‌وفصله. حرره الاحقر فی۲۲ شهر شعبان‌المعظم ۱۳۲۹. [جای چهارمهر][5]

السواد مطابق لاصلـه‌المعتبرالمعتمد بحذافیـره وعلیه‌العمل حرره فی شهر شعبان من‌شهور ۱۳۲۹. [جای‌مهر][6]

۱ـ مهراول بیضی با سجع : «اللهم‌صل‌علی‌محمد وآل‌محمد». مهردوم‌باسجع :«محمد اسمعیل». ۲ـ مهری بیضی بزرگ باسجع : «جمال‌الدین‌بن محمـدصـادق‌العقیلی » . ۳ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسن‌الموسوی». ۴ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمدطاهر بن‌محمد». ۵ـ سه‌مهر بیضی با سجع:«عبده‌الراجی‌ابو تراب‌العقیلی». مهرچهارم بیضی باسجع:«یعقوب‌الحسینی». ۶ـ مهری بیضی باسجع : «عبده عباس‌علی العقیلی» .

لاشك ولاريب فی مطابقة هذا السواد باصله المعتبر المعتمد بحذافیره و علیه العمل حررته فی شهر شعبان ۱۳۲۹. [جای مهر][1]

لقد قابلت السواد مع اصله وجدتهما سیین بحیث ما وجدت التفاوت علی قدر شعیر ما فی البین فی رجب ۱۲۹۰. [جای مهر][2]

السواد مطابق لاصله المطابق للعمل بعد المقابلة مع العادل بل الاعدل و قد حررته بیدی وانا العاصی الجانی .... فی رجب ۱۲۹۰. [جای مهر][3]

السواد مطابق لاصله المعتبر و قد قابلته بحذافیره فی احدی و عشرین من رجب سنۀ ۱۲۹۰. [جای مهر][4]

سواد مطابق لاصله وقد قابلته مع العدل حررته فی شهر رجب ۱۲۹۰.

[جای دو مهر][5]

هو

قابلت السواد مع اصله الاصیل المعتبر المعمول به الموثق المعول علیه فوجدتهما سیین متطابقة غیر مختلفین تحریراً فی منتصف شهر رجب ۱۲۹۰ الاثم.

[جای دو مهر][6]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «سر الله العقیلی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی عبدالرزاق». ۳ـ مهری بیضی بزرگ با سجع: «صراط علی حق نمسکه». ۴ـ مهری باسجع: «عبده الراجی طاوس العقیلی». ۵ـ مهر اول بیضی بزرگ باسجع: «عبده محمد صادق العقیلی». مهر دوم بیضی با نام: «قوام الدین محمد الحسینی». ۶ـ هر دو مهر بیضی کوچك است، مهر اول با سجع: «یا صالح المؤمنین» مهر دوم با سجع: «عبده نصرالله».

بسم‌الله تعالی شأنه

فرع من‌اصله فی‌بابه وفصله‌کوالد و نسله حررته بیمناه‌القاصر اقل حفظة‌الشریعه الطاهره فی‌رجب ۱۲۹۰ . [جای مهر][۱]

هوالمستعان

هذا السواد مطابق لاصله المعتبر ولقد حررته فی ربیع‌الاخر ۱۲۹۲ .
[جای مهر][۲]

السواد مطابق لاصله‌المعتبر و لقد حررته فی‌ربیع‌الثانی ۱۲۹۲ . [جای مهر][۳]

قدقابلت‌السواد مع‌اصله الاصیل‌المعتبروجدتهامطابقاً له کطابق‌النعل بالنعل حررته بیدی فی ۱۹ شهررجب‌المرجب ۱۲۹۰. [جای دومهر][۴]

هذا السواد بعد ماقابلته‌من‌البدوالی‌الختم وجدته‌مطابقاً لاصله‌الاصیل المعتبرالمعمول فی نوزدهم جمادی‌الاخر ۱۲۹۲ . [جای دومهر][۵]

بسم‌الله تعالی شأنه

هذا السواد مطابق للاصل الممهوربالامهار المعتبرة الکثیره حرره الاقل فی‌السنة ۱۲۹۲. [جای مهر][۶]

یجب‌العمل بمؤدیه ولایجوزالتخلف عنه حسب ماحرره الاساطین‌الاجله حررته فی‌شهر شعبان المعظم من‌شهور سنه ۱۳۲۹. [جای مهر][۷]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « عبده مصطفی‌العقیلی » . ۲ـ مهری بیضی با نام : « محمد طاهر الحسینی » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « محمدحسن الموسوی » . ۴ـ مهر اول بیضی باسجع : « قوام‌الدین محمدالحسینی » . مهردوم چهارگوشه باسجع : « یا امام محمد تقی ۱۲۷۸ » . ۵ـ مهراول بیضی کوچك باسجع : « محمد زکی » . مهر دوم بیضی باسجع: « عبده محمدبن محمد علی » . ۶ـ مهری‌بیضی کوچك باسجع: « عبده محمد » . ۷ـ مهری‌بیضی کوچك بانام : « محمدمهدی الحسینی» .

هذا السواد بحسب تصرف المتولی فی‌الاصل المسطوره فی‌هذاالورقه صحیح معتبر معتمد یجب‌العمل بمؤداه و لایجوزالتخلف عن مقتضاه حررته بسبع خلون من‌شهر رجب الاصم ۱۳۳۰. [جای‌دومهر][1]

رونوشت برابراصل است. [مهر ادارهٔ اوقاف گرگان]

۷

سواد وقفنامهٔ آقا میرروح‌الله‌الحسینی الاسترابادی مورخ ۹۵۲ ه.ق.

در این وقفنامه آقا میرروح‌الله حسینی استرابادی خلف امیر کمال‌الدین محمود یك باب خانه و اوطاق سفالپوش‌و دوباغچهٔ کوچك و بزرگ واقع در محلهٔ پای‌سرو استراباد و پنج‌دانگ از قریهٔ میرومحله از قرای بلوك استراباد‌رستاق وششدانگ قریهٔ چوپلانی و چهاردانگ نسرکان متصل به قریهٔ مزبوره را براولاد ذکور و اولاد ایشان‌بطناً بعدبطن و درصورت‌انقراض ایشان به‌ذکور اولاد اناث و پس‌از انقراض‌ایشان به طلبهٔ علوم دینیه وقف‌کرده و تولیت را به خود و اولاد خود وبعداز انقراض به علما و فضلا وصلحای شهر استراباد مفوض کرده و شرایط وقف را درآخر یادکرده است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌نستعین

الحمدلله الواقف علی‌الضمایر والمطلع‌علی‌الخفایا والسرایر والصلوة والسلم علی‌محمد صلی‌الله‌علیه وآله‌وسلم‌افضل‌القبائل والعشایر و علی‌آله واصحابه‌الذین هم ائمة‌الصغائر

[1] ۱ـ مهر اول بیضی باتزیین و سجع: «عبده محمد طاهربن محمد». مهر دوم بیضی با سجع: «سلام‌علی ابراهیم الحسینی».

والکبائر و بعدالحمد والصلوة والسلم برارباب بهیه و حجی واصحاب فطنت و ذکاء مخفی و مستور نخواهد بودکه هرکه حظی و نصیبی از عقل و ادراك و اندك بهرهٔ از شعور و دریافت دارد نظر بمضمون‌صدق مشحون‌الدنیا مزرعةالاخرة واجب و لازمست که درینجهان فانی تخم عملی‌که مثمر ثمرحصول باحوال‌آن جهان باقی شودکشته و چون نظر بمفاد حدیث شریف اذامات ابن‌آدم انقطع عمله‌الحدیث معلوم می‌شودکه بهترین‌اعمال‌صدقهٔ جاریه‌خواهد بود لهذاعالیجناب سیادت‌انتساب معلی‌القاب‌افادت و افاضت اکتساب عمدةالمحققین واسوةالمدققین خلاصةالساداتالکرام ونخبةالفضلا- العظام آقا میرروح‌الله‌الحسینی‌الاسترابادی مدظله‌العالی خلف مرحمت و غفران‌پناه جنت‌آرامگاه رضوانجایگاه امیرکمال‌الدین شمساً للفضیلة والسیادة والنقابة محمود طاب‌ثراه بتوفیقات یزدانی موفق و بتأئیدات سبحانی مؤید شده باکمال رغبت و رضا طلباً لمرضات‌الله تعالی یك‌باب‌خانه واوطاق‌سفالپوش با دوباغچهٔ کوچك وبزرگ واقع در محلهٔ پای‌سرو بلدهٔدارالمؤمنین‌استرابادکه‌هرچهار متصل‌بهم ومحدودبحدود ذیلند

شرقیاً	جنوبیاً
خانهٔ حاجی حسین‌مشهور بدراز و خانهٔ اوستاد محمدعلی آهنگر	خانهٔ حاجی ضیاءالدین و کوچهٔ خانهٔ او و کوچهٔ عام
غربیاً	شمالیاً
خانهٔ عالیجاه معلی جایگاه محمد- حسین‌خان قاجار بیگلربیگی	اوطاق عالیجاه مومی‌الیه

و تمامی پنجدانگ از اراضی رطبه و یابسه دایره و بائرهٔ عامره و غامرهٔ قریهٔ میرو- محله من‌قرای بلوك استراباد رستاق و ششدانگ قریهٔ چوپلانی وچهاردانگ نسرکان متصل قریهٔ مرقومه‌که از غایت شهرت مستغنی از تحدید و توصیف‌اند باآنچه تعلق باملاك مسطوره دارد از انهار و اشجار مثمره وغیرمثمره و عیون و قنوات و حقابهٔ

رودخانهٔ ترنگ خلاصه آنچه ملکیت را سزد و شاید و نفعی ازو حاصل شود بهر اسم و رسم که بوده باشد ذکر ام لم یذکر سمی ام لم یسم را براولاد ذکور و اولاد ایشان بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب و بعد انقراضهم بذکور اولاد اناث نسلاً بعد نسل هلم جرّا و بعد انقراضهم بطلبهٔ علوم دار المؤمنین استراباد مرقوم خواه اهل آنجا باشند و خواه غربائی که در آنولا بتحصیل علوم دینیه مشغول باشند باشد وقف صحیح مؤبد و حبس صریح مخلد نموده و تولیت آنرا مادام الحیوة بخود و بعد مماته باعلم واصلح اولاد ذکور اگر نباشند باکبر و ارشد ایشان و بعد انقراضهم باعلم و اصلح ذکور اولاد اناث اگر نباشند باکبر و ارشد ایشان و بعد انقراض السلسلتین العیاذ بالله بفقیه جامع الشرایط فتوی اگر نباشد بعلما و فضلا و صلحای بلد مزبور مفوض طریق رفتار آنکه مادامی که واقف خود متولی است بعد از جمع منافع مستغلات یکعشر آنرا صرف معیشت خود و نه عشر دیگر را بعد از وضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك موقوفه در میان اولاد ذکور بالسویه تقسیم و اگر متولی از دو سلسلهٔ اولی بترتیب مسطور الاول فالاول باشند بعد از جمع منافع یك عشر را بعنوان حق التولیة صرف معیشت خود و باقی را بعداز وضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك و بعد از آنکه هر ساله ده تومان آنرا در تعزیهٔ جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام صرف اطعام مؤمنین نموده و دوازده تومان آنرا باشخاصی داده کــه در عتبات عالیات نائب الزیارة واقف شوند میان موقوف علیهم که یکی هم خودش است بالسویه تقسیم واگر فقیه جامع شرایط فتوی متولی باشد بعد ازجمع منافع یکعشر رامدد معاش خود و بعد ازوضع عوارضات واخراجات مزبورین ثلث باقی راکتب فقهیهٔ استدلالیه واصول و تفسیر و حدیث خریده و بطلبه داده که بکار برند واز ایشان قبض گرفته که کتاب گم نشود و دو ثلث دیگر رامیان طلبه بالسویه تقسیم و اگر متولی از علماء و فضلاء غیرفقیه باشند بعد ازعشر حصهٔ خود و وضع عوارضات و اخراجات آنچه بماند کل را میان طلبهٔ علوم دینیه بالسویه تقسیم

نماید مقرر آنکه اگر شوهرهای اولاد اناث فقیر باشند متولی دو سلسلهٔ اول ایشان را داخل موقوف‌علیهم و بطریق للذکر مثل حظ الانثیین بایشان حصه بدهند ودرصورتیکه فقیه یا علما متولی باشند اناث را باطلبه مساویاً حصه بدهند وثانیاً آنکه اگر خانه و اوطاق بحادثه خراب شوند متولی‌چنانچه هست ازمال وقف بلکه به از آن ساخته اگر خود احتیاج داشته بنشیندوگرنه واضح است‌که‌کرایه ووجه‌اجارهٔ‌آن داخل‌منافع‌املاك موقوفه خواهد بود وثانیاً آنکه‌اگرمتولی‌خود نتواند متوجه زراعت وغیره‌بشودبهرکه اجاره میدهد زیاده ازسه سال ندهد وصیغةالوقف‌کمارقمت اجریت تغییر دهنده بلعنت خدا و نفرین رسول‌گرفتار شود .

تحریراً فی غرهٔ محرم‌الحرام سنهٔ ۹۵۲ .

[محل مهر واقف موفق رحمه‌الله تعالی وزید درجاته]

[بربالا وسمت راست این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

قد وقع‌الوقف المزبور کمارقم فیه‌لدی‌نمقه‌خاطی . [محل مهر مرحمت‌پناهان سید مفید و سیدمرتضی‌الموسوی]

اقر بمافیه‌لدی وانا‌الخاطی . [محل مهرملاآقابابا پیشنماز]

هذا السواد مطابق لاصله الاصیل الخاطی. [جای‌مهر][1]

السواد مطابق‌لاصله . [جای‌مهر][2]

ذا واصله بعدالمقابله سیان اناالعبدالجانی. [جای‌مهر][3]

ذا واصله سیان نمقه‌العبدالجانی. [جای‌مهر][4]

۱ــ مهری بیضی باسجع : « المتوکل علی‌الله عبده عیسی » . ۲ــ مهری بیضی باسجع : « جمال‌الدین‌بن علی الرضوی » . ۳ــ مهری چهارگوشه باسجع : « الهی بحق‌نبی [و] ولی ببخشا گناهان عباس‌علی » . ۴ــ دو مهر بیضی باسجعهای : « عبده‌الراجی محمدحسین » و « عبده‌الراجی محمدرضا » .

قدوقع الوقف مع جمیع ماشرط فیه عندی حرّره العبدالعاصی.

[جای مهر شیخ لطف‌الله قاضی]

بسم‌الله عزّ عزّه

ذاواصلة الاصیل سیّان و کتب الحقیر الضریر. [جای مهر][1]

وقع الوقف کماز برفیه لدی. [جای مهر ملامحمد مؤمن پیشنماز]

قدوقع الوقف مع جمیع ماشرط فیه لدی نمقه الجانی.

[جای مهر آقامیر زین‌العابدین پیشنماز]

ذاواصلة بعدالمقابلة سیّان انا العبدالجانی الخاطی. [جای مهر][2]

ذاواصلة سیان نمقه الجانی. [جای مهر][3]

ذاواصلة الاصیل سیان حرره الاقل الجانی. [جای مهر][4]

ذاواصلة الاصیل سیان حرره الاقل الجانی. [جای مهر][5]

السواد مطابق للاصل. [جای مهر][6]

و هذه السواد مطابق للاصل. [جای مهر][7]

بعداز ملاحظهٔ اصل السواد مطابق للاصل نمقه... [جای مهر][8]

السواد مطابق للاصل العبدالجانی الخاسر. [جای مهر][9]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «عبده مفیدالموسوی». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد صادق‌الموسوی». ۳ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده‌الراجی محمد نصیر موسوی». ۴ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده‌الراجی محمدزکی‌الموسوی». ۵ـ مهری چهارگوشه و مهری بیضی هر دو با سجع: «عبده محمدهادی موسوی». ۶ـ مهری بیضی با سجع: «بود نور چشم محمد حسن». ۷ـ مهری بیضی ناخوانا. ۸ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدهادی». ۹ـ مهری بیضی باسجع: «محمدابن محمدابراهیم».

السواد مطابق‌للاصل اقل‌عبادکربلائی محمد ولدمرحوم باباعزیز شهری نعلبندانی .
[جای مهر][1]

ذاواصلة الاصیل سیان نمقه‌الجانی الداعی الخاطی زین‌العابدین‌الحسینی .
[جای دومهر][2]

ذاواصلة میلان . [جای مهر][3]

هوالله تعالی شأنه

سوادالمزبور مطابق وموافق لاصله‌الاصیل محمدبن عباسعلی بن رضی‌الله.
السواد مطابق للاصل. [جای مهر][4]
السواد مطابق للاصل . [جای مهر][5]
بسم‌الله خیرالاسما ذاواصلة الاصیل‌سیان نمقه‌الجانی . [جای دومهر][6]
السواد مطابق‌لاصله نمقه‌الجانی. [جای‌مهر][7]

۱ــ مهری بیضی با سجع :«شاه سریر انبیا محمد (؟) ». ۲ــ مهری‌چهار گوشه با سجع : «عبده زین‌العابدین‌الحسینی» و مهری‌چهار گوشهٔ دیگری‌باسجع: «عبده‌محمدمهدی الحسینی». ۳ــ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «عبده‌هادی». ۴ــ مهری‌بیضی‌بانام: «محمدعلی» . ۵ــ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجی نصیرالحسینی» . ۶ــ دو مهر بیضی ناخوانا. ۷ــ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجی رحیم‌الحسینی».

۸

سواد وقفنامهٔ سادات شیرنگی مورخ ۹۸۹ هـ. ق.

در این وقفنامه تقی‌الدین‌محمد در محضر کمال‌الدین حسین‌بن غیاث‌الدین علی‌بهرام بعضی ازقراء استرابادرستاق راکه‌شامل: دابوکلاته، مجیب‌آباد، روشنائی‌محله، مرزبانکلاته، تلوکلاته، رباطو، امیرده، گشته، فریچمن، نصف‌قریهٔ‌گرمابه‌سرا، کناره، نفطو، ولاش باغ و پاره‌ای از قراء بلوك فخرعمادی را که شامل: شیرنگ، گاوانی‌محله، طوا، دوقبران، اشتاباد، پیچاکی‌محله، چهاردانگ قریهٔ کرائی‌محله. دو دانگ قریهٔ اندیج‌آباد، اندشیرآباد، اکره، الوستان، زرگران، سنگدوین، جلا، قراقاج، قراکول، گلین، ثورکلاته، بوانه، کمال‌غریب، حاجی‌پادار، سنگ‌چشمه را وقف بر اولاد ذکور خود بطناً بعدبطن کرده‌است وشرایط وقف‌را درآخروقفنامه‌آورده‌است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

صدرالوقف‌المزبور من‌حضرت‌الواقف‌المسطور بوجه یعتدبه شرعاً لدی وانا‌العبد کمال‌الدین‌حسین بن‌غیاث‌الدین علی‌بهرام.

[جای مهری‌لایقرء]

الواقف

عالیحضرت‌سیادت و نقابت‌منقبت هدایت وولایت‌مرتبت‌علامة‌العلمائی‌فخامة‌الحکمائی والاسلام ملاذ اکابرمعاذ جامع‌المعقول‌والمنقول حاوی‌الفروع والاصول‌السیدالسند الحسیب‌النسیب‌المستغنی ذاته‌الشریف عن‌الاطناب فی‌الالقاب تقیاً للسیادة و النقابة

والدنیا والدین محمدا ادام‌الله تعالی ظلاله فی‌العیش السعید والعمر الرغیب.

الموقوف‌علیهم

اولاده‌الذکور الموجودون و من سیوجد ثم‌الاولاد اولاد من‌الاولاد الذکور و هکذا بطناً بعدبطن ثم‌الاقرب بالاقرب‌الموجود فی‌انقطاعهم بولدمن‌الواقف المذکور و اولادهم ماتعاقبوا وتناسلوا.

الموقوف‌الاملاك‌المفصّلة

فی‌بلوك استرا بادرستاق

همگی و تمامی قریهٔ دابوکلاته همگی قریهٔ مجیب‌آباد همگی وتمامی قریهٔ روشنائی‌محله همگی قریهٔ مرزبانکلاته‌همگی وتمامی قریهٔ تلوکلاته همگی و تمامی قریهٔ رباطو همگی قریهٔ امیرده وگشته همگی قریهٔ فریچمن همگی‌نصف قریهٔ گرمابه‌سرا همگی قریهٔکناره همگی وتمامی قریهٔ نفطو و ولاش‌باغ حدجنوبی قریهٔ نفطو متصل است بقریهٔ امیرده و رباطو وحدغربی قریهٔ رباطو متصل‌است بقریهٔ مرزبانکلاته و حدشمالی قریهٔگشته متصل است با مشتنك قطب‌الدین و حدشرقی قریهٔ فریچمن متصل‌است بقریهٔ نفطو باجمیع متعلقات چون ولاش‌آباد وغیره.

فی‌بلوك فخرعمادی

همگی وتمامی‌قریهٔشیرنگ همگی و تمامی‌گاوانی‌محله همگی‌قریهٔطوا همگی‌و تمامی قریهٔ دوقبران همگی و تمامی قریهٔ اشتاباذ همگی قریهٔپیچاکی‌محله چهار دانگ قریهٔکرائی‌محله دو دانگ قریهٔ اندیج‌آباد همگی‌اندشیرآباد همگی قریهٔ اکره همگی قریهٔ الوستان همگی‌قریهٔ زرگران همگی قریهٔسنگدوین همگی قریهٔ جلا همگی قریهٔ قراقاج همگی قریهٔ قراکول همگی قریهٔ گلبن همگی

قریهٔ ثورکلاته همگی قریهٔ بوانه همگی قریهٔ کمال‌غریب همگی قریهٔ حاجی‌پادار و مزارع و توابع آن همگی قریهٔ سنگ‌چشمه .

الشروط

ان‌لایوجر اکثر من ثلث سنین اصلا لا بعقدٍ واحدٍ ولا بازید وایضاً شرط نمود عالیحضرت واقف مشارالیه بعض القابه که بجماعتی که قاصد تملّك و تصرف درامور ند اصلا اجاره ندهند و تولیت موقوفات مذکوره را بر نفس نفیس خود تفویض فرمـود واز محصولات رقبات موقوفهٔ مذکوره نیمدانگ و نیم را بجهت حق‌التولیهٔ خود مقرر نمود و بعد تولیت را متعلق باقرب‌اقرباء واولاد اولاد ایشان ساخت وسدس محصولات را حق‌التولیه قرارداد و پنج‌سدس باقی در میانهٔ تتمهٔ موقوف علیهم علی مافرض‌الله منقسم گردد وهکذافی جمیع المراتب وبعدانقطاعهم العیاذبالله وقف باشد براولاد اناث و اولاد اولاد اناث و هکذا و بعد فنائهم نعوذبالله وقف باشد برعلماء امامیه و بعدهم برفقراء امامیه الی‌ان‌یرث‌الله الارض و هوخیرالوارثین وقفاً صحیحاً صریحاً شرعیاً قطعیاً بحیث‌لایباع ولایـوهب ولایرهن ولایملك علی‌الخصوص ولایبدل بوجه من‌الوجوه فمن‌بدله بعدماسمعه فـانما اثمه علی‌الذین یبدلونه و بذلك‌کله وقع‌الاشهاد .

تحریراً فی‌العشر الثانی من‌ذی‌قعدة‌الحرام سنة تسع وثمانین و تسعمائه .

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

حرره شاهداً علی‌صدور الوقف منه ادام الله‌ظـلال بقائه عبده محمـداشرف‌الحسینی .

[محل مهری‌لایقرء]

وقفت الاملاك‌المذکورعلیهم وشرطت‌الشروط‌المسطوره وانـاالمفتقر الی‌الـرب‌الغنی تقی‌الدین‌محمدالحسینی. [محل‌مهری لایقرء]

شهد بمافیه العبدزین‌الدین‌علی.

من‌المطلعین علی‌صحة مضمون هذه‌الصحیفه العبدالاقـل‌عبدالغنی الحسینی المنصب الحلاعامله‌الله تعالی بلفظه‌الخطر(؟)

هـو قدصدرالوقف المزبورعلی‌النهج‌المسطور بمحضری نمقه عزالدین انصاری .

[محل مهری‌لایقرء]

شهد بمضمون‌المسطورالخ الاقل‌تقی‌الدین‌الحسینی‌السماکی. [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین بمضمون‌المسطور عبدال‌محمداحمد جبرئیل . [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین علی‌صدورالـوقف‌المـذکور حـرره العبدالاقـل نظام‌الدین علی .

[جای مهر][1]

وقف مذکـور علـی نهج‌المزبور واقـع شد بحضور العبدمحمدبن عبدالله‌الحسینی درب نظامی. [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین علی‌صدورالوقف‌المشروح حرره‌العبدالاقل‌اجل بن‌میرزا بیگ‌الحسینی عفی عنهما. [محل‌مهری‌لایقرء]

قد صدرالوقف من عالیحضرت‌الواقف المشارالیه مدظله‌العالی بمـافیه‌لدی حرره العبد محمدباقربن‌عبدالقادرالحسینی‌عفی‌عنهما . [محل‌مهری‌لایقرء]

صدرالوقف المذکورعلی‌النهج‌المسطورمن‌حضرت‌الواقف‌المزبور حفظ‌الله‌ذاته‌الشریف عن‌آفات والشرور بمحضری واناجلال‌الدین محمد عفی‌عنه. [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین‌علی‌صحته حرره‌عبدخالق‌الغنی نظام‌الدین‌الحسینی. [محل‌مهری‌لایقرء]

صدرالوقف‌المذکورمن‌الواقف‌الموفق‌المشارالیه‌دام‌ظله اقل‌خلق‌الله‌الغنی‌کمال‌الدین حسین‌الحسینی عفی‌عنه. [محل‌مهری‌لایقراء]

۱ـ مهر بیضی کوچك با نام : «نظام‌الدین علی».

سواد مطابق اصل است. اسدالله اسفندیاری ۱۰ اسفند ۱۳۰۵ .

شهود

اسمعیل مرزبانکلاته کربلائی‌مرتضی مرزبانکلاته حاجی محمدولی مرزبانکلاته حسین حاجیلرساکن مرزبانکلاته یوسف حاجیلر ساکن مرزبانکلاته نظرکربلائی یوسف ساکن قریهٔ دودانگه ملک‌محمدخان الوستانی ملک محمدعلی سنگدوین جماعت دودانگهٔ حاجی‌خان مولاعلی اسفندیار عباس‌بیگ ملک لطفعلی اسفندیار عالیحضرت ملک‌ابراهیم شاه‌ویردی .

بسم‌الله تعالی قدسودته فی‌سنة ۱۲۳۴ وقدکنت‌ابن‌سبع‌وعشرین‌سنه وانا العبدالخاطی زین‌العابدین‌ابن‌حاجی جمال‌الدین الحسینی. [جای‌مهر][1]

السوادمطابق‌للاصل. [جای دومهر][2]

السواد مطابق‌لاصله. [جای مهر][3]

السواد مطابق‌لاصله. [جای مهر][4]

السواد مطابق‌للاصل حرره‌العاصی. [جای مهر][5]

السواد مطابق‌لاصله [جای دومهر][6]

السواد مطابق‌للاصل نمقه‌الجانی. [جای‌مهر][7]

السواد مطابق‌للاصل العبدالغنی الخاطی. [جای‌مهر][8]

۱ـ مهری باسجع: «الراجی‌زین‌العابدین‌الحسینی». ۲ـ مهراول باسجع: «از جان و دل هستم غلام‌علی». مهردوم‌باسجع: «الراجی‌عبده‌ابن‌هادی». ۳ـ مهری‌باسجع: «اتوکل علی‌الله عبده‌حسینعلی» . ۴ـ مهری باسجع : «بود نورچشم محمدحسن» . ۵ـ مهری‌باسجع : «قربانی‌کوی وفا اسمعیل». ۶ـ مهراول بانام: «محمدعلی» . مهر دوم‌باسجع: «رشیداکبر» ۷ـ مهری باسجع : «المتوکل‌علی‌الله عبده محمدکاظم» . ۸ـ مهری بانام: «محمدرحیم» .

السواد مطابق للاصل العبد فخرالدين الحسينى. [جای مهر][۱]

هوالله شأنه السواد مطابق للاصل اناالجانى . [جای مهر][۲]

بسم‌الله‌العزيز تعالى قابلت و وجدت سواده مطابقاً لاصله بلازياده و نقصان نمقـه الجانى. [جای مهر][۳]

بسم‌الله تعالى شأنه قوبل‌ذامع اصله الاصيل فوجدته سيّة ومطابقاً له العبدالجانى الخاطى الفانى. [جای مهر][۴]

السواد مطابق للاصل العبدالجانى الخاطى كربلائى محمد. [جای دومهر][۵]

بسم‌الله تعالى شأنه العزيز السواد مطابق للاصل اناالعبدالجانى. [جای دومهر][۶]

السوادمطابق مع‌اصله الاصيل. [جای مهر][۷]

السوادمطابق للاصل ولاشك فيه. [جای دومهر][۸]

بسم‌الله تعالى شأنه قدصارت مطـابقةالسواد للاصل معلومة لدى الجانى الخاطى . [جای مهر][۹]

السوادمطابق السواداصل الاصيل نمقه العبدالجانى. [جای مهر][۱۰]

السواد مطابق للاصل العبدالاقل محمدشفيع هزارجريبى. [جای مهری ناخوانا]

۱ـ مهری با سجع: «نمقه‌الفقرفخری». ۲ـ مهری باسجع: «یاامام‌محمدباقر». ۳ـ مهری باسجع: «المتوکل‌علی‌الله‌عبده‌محمدباقر». ۴ـ مهری باسجع: «یاتی‌من‌بعدی اسمه احمدالعبدزین‌العابدین». ۵ـ هر دومهر باسجع: «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله». ۶ـ مهراول با سجع : «اللهم ارزقه‌شفاعة‌الحسینی» . مهر دوم با سجع : « لااله‌الاالله محمـد رسول‌الله». ۷ـ مهری با نام : «محمدقاسم». ۸ـ هردومهر با سجع : «المتوکل علی‌الله‌عبده‌محمدمهدی». ۹ـ مهری‌باسجع: «عبده‌الراجی حیدرعلی». ۱۰ـمهری با سجع: «یاصالح‌المؤمنین».

قابلته واصله الاصیل وجدته‌سیّان بالدلیل. [جای سه‌مهر][1]

السواد مطابق لسوادالاصل المعتبر العبدالجانی. [جای دومهر][2]

تعالی شأنه‌العزیز هذا مطابق للسواد المطابق للاصل . وانا العبـدالآثم .

[جای دو مهر][3]

هذا واصله سیّان انا العبدالقاصر الخاسر الحاسر الراجی برحمة ربه‌القـادر .

[جای مهر][4]

بسم‌الله شأنه‌العزیز هذا مطابق للسوادالمطابق للاصل وانا العبدالاقل زین‌العابدین .

السواد مطابق لاصله‌المعتبر حرره‌الجانی. [جای دومهر][5]

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز بعدمعاینةذلك سواد مع‌اصله وجدته ..... و مطابقـاً له نمقه‌الجانی‌الخاسر. [جای مهر][6]

هوالله الاعلی والاکرم مطابق هذا السواد مع‌اصله الاصیل بعـدالمقابله .

[جای مهر][7]

هذا مطابق لسواداصله وقدطابقته‌بالمقابله انا العبدالجانی‌الفانی. [جای مهر][8]

العبدمحمدصادق الحسینی‌الاسترابادی . [جای‌مهر][9]

۱ــ مهراول باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین». مهردوم باسجع : « عبده محمد تقی الحسینی». مهر سوم با سجع مهر دوم که یاد شد . ۲ــ مهر اول با سجع :«المتوکل علی‌الله عبده رضاالحسینی». مهردوم‌باسجع: «یاعلی». ۳ــ مهر اول‌بانام: «محمد کاظم». مهر دوم با سجع : «بود نور چشم محمدحسن ». ۴ــ مهری با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده محمدقادر». ۵ــ مهراول با سجع : «لااله الاالله‌الملك الحق‌المبین محمد الموسوی » . مهر دوم با سجع : «الراجی ابوطالب‌الموسوی» . ۶ــ مهری با سجع : «صل‌الله‌علی محمد». ۷ــ مهری‌باسجع: «عبده‌الراجی‌محمد». ۸ــ مهری باسجع: «عبده‌الراجی محمداسمعیل». ۹ــ مهری باسجع: «عبده محمدصادق‌الحسینی» .

بسم‌الله خیر الاسماء

قابلت‌السواد مع‌السوادالمطابق للاصل فوجدت مطابقاً له نمقه‌الجـانی .

[جای دو مهر][1]

هوالله‌تعالی‌شأنه‌العزیز السوادمطابق‌للاصل‌الاصیل العبد الجانی‌الفانی .

[جای مهر][2]

قدقابلت مع‌اصله‌الاصیل وجدته مطابقاً له نمقه‌الخاطی . [جای دو مهر][3]

السواد مطابق‌للاصل‌السواد المعتبر نمقه‌الجانی. [جای مهر][4]

هوالعلی‌الاعلی وبه‌اعتمد هذامطابق‌لسواداصله‌الاصیل و قابلته معه وجدته مطابقاً له حرره‌العبدالجانی‌الفانی. [جای‌سه‌مهر][5]

قابلته مع‌سواد فوجدته مطابقاً معه فی‌الظاهر والله هوالعالم. [جای مهر][6]

بسم‌الله تعالی‌شأنه قابلته مع‌سوادالاصل فوجدته‌معه‌سیان حـرره‌الجانی .

[جای دو مهر][7]

بسم‌الله‌خیر الاسماء ذامطابق‌لسواد اصله‌الاصیل حرره‌الجانی . [جای مهر][8]

۱ـ هردومهر با سجع: «عبده‌محمدحسین‌الحسینی». ۲ـ مهری باسجع : « عبده محمدحسین‌الحسینی». ۳ـ مهر اول با سجع :« پیرو دیـن‌نبی حسینعلی » . مهر دوم بیضی وناخوانا. ۴ـ مهری باسجع: «عبده‌عیسی‌الموسوی». ۵ـ مهراول‌باسجع: «عبده محمدهادی‌الموسوی». مهر دوم‌باسجع: « عبده‌الراجی‌محمدرحیم». مهرسوم باسجع : « عبده محمدصادق الموسوی» . ۶ـ مهری با سجع : « عبده‌الراجی محمدحسین » .
۷ـ مهری باسجع: «عبده‌محمدرحیم‌الموسوی». مهردوم‌باسجع:«عبده‌محمدحسین‌الموسوی».
۸ـ مهری‌باسجع: «افوض‌امری‌الی‌الله عبده محمدباقر الموسوی».

قابلته مع سوادالاصل فوجدته معه سیّان نمقه الجانی مفیدالحسنی الحسینی الموسوی عفی عنه. [جای دو مهر][1]

هوالله تعالی شأنه

لاحظت سواداً و وجدت هذا مطابقاً وموافقاً له حرره العبد الجانی الفانی الخاطی. [جای دو مهر][2]

هوالله تعالی شأنه السواد مطابق لاصله المعتبر حرره العاصی. [جای مهر][3]

۱ـ مهر اول با سجع: «عبده فضل‌الله الحسینی». مهر دوم با سجع: «صدرالدین ابن احمد الحسینی». ۲ـ مهری با سجع: «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد محسن الموسوی». و مهری باسجع: «عبده الراجی محمدرضا». ۳ـ مهری باسجع: «عبده الراجی محمدرضا الموسوی».

۹

وقفنامهٔ شیخ‌عزالدین محمدانصاری مورخ ۱۰۱۷ ﻫ . ق.

در این وقفنامه شیخ‌عزالدین محمد انصاری بن شیخ‌نظام‌الدین محمودانصاری چهاردانگ ونیم از قریهٔ چلکی وسه‌دانگ‌ونیم قریهٔ دونه‌بن از قراءبلوك سدن‌رستاق و شش‌دانگ قریهٔ بانعمان از بلوك نواحی را از مجاری میاه و قنوات و عیون و مواضع طواحین براولاد خود ذکوراً و اناثاً وقف کرده است وقاعدهٔ للذکر ضعف‌الانثی را نیز در نظـرگـرفته است و در صـورت انقراض نسل ایشان وقف براقارب برقاعدهٔ الاقرب فـالاقرب و در صورت انقراض ایشان وقف بر مسجـد جـامع دارالمؤمنین استراباد خواهد بود و درآخر وقفنامه شروط وقف را بادقت تمام شرح داده است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الواقف علی‌الضمائر المطلع علـی‌الخفیات والسرائرالـذی وفق عباده لانشاء الخیرات وهدیهم الی‌الاتیان والصلوة والسلام علی‌اشرف رسله‌محمد (ص) صاحب‌لواء المعجزات وعلی‌آله و اولاده‌خیرالبنین والبنات‌امابعد برضمایرمنیرهٔ‌ارباب خیرات و اصحاب مبرّات واضح ولایح‌است‌که این‌دنیای بی‌اعتبار جای اقامت و استقامت‌نیست‌و هر فردی از افراد بنی‌آدم را شربت‌فنا چشیدنی است و انتقال از دار غرور دنیابمقام سرور عقبی لابد و ضروری که انماالدنیا فناءلیس للدنیاثبوت انما الدنیاکبیت نسجته العنکبوت هر کسی را که استطاعت‌باشد و قدرت داشته باشد بایدکه بقدر وسع‌خود ازآنچه میسرشودازکشتزاردنیاکه الدنیا مزرعةالاخرة زادسفرآخرت‌که طریق‌پرخطر

است تصدق فرماید کماقال رسول‌الله‌صلی‌الله علیه وآله که ارض‌القیامة‌نارماخلا ظل‌المؤمن فان صدقته تظله یوم‌القیامه و افضل صدقه اینست‌که براولی‌الارحارم و ذوی‌القربات باشد چنانچه درخبر است ازحضرت سیدالشهداء و حضرت سیدالبشر علیه‌صلوات‌الله الملك‌الاکبر که‌الصدقه علی‌القرابته صدقة وصلة وهم از آنحضرت مرویست‌که صلة‌الرحم یزید فی‌العمر وکلام معجزنظام حضرت‌علیم علام که قل‌لااسئلکم علیه اجراً الا المودة فی‌القربی فآت ذاالقربی حقه‌دلالت تام براحسان و اکرام در حق ذوی‌القربی و ذوی‌الارحام دارد لهذا توفیق رفیق‌حال جناب افادت و افاضت‌پناه‌رفعت و معالی‌دستگاه حاوی‌الفروع والاصول شیخ‌عزالدین محمدانصاری خلف‌صدق مغفرت‌پناه رضوان دستگاه الواصل‌روحه الی‌جواررحمة‌الله‌الملك الباری شیخ‌نظام‌الدین محمودانصاری شده مضمون آیهٔ کریمهٔ مثل‌الذین‌ینفقون اموالهم فی سبیل‌الله ... الایه و اشارت بابشارت وماعندکم ینفذ و ماعندالله باقرا پیش‌نهاد خاطر خودگردانیده درحال‌کمال‌عقل و سلامت نفس تفویض و وقف‌کرد و تصدق فرمودآنچه از شوائب غیرعاری داشت الی زمان هذاالوقف و آن عبارت است از همگی و تمامی چهاردانگ ونیم قریهٔ مدعوه چلکی و سه‌دانگ ونیم قریهٔ دونه‌بن که واقعند دربلوك سدن‌رستاق و ایضاً واقف مذکورجزاك‌الله‌خیراً وقف‌کرد و تصدق فرمود خالصاًلوجه‌الله تعالی همگی وتمامی‌ششدانگ‌قریهٔ‌موسومهٔ بانعمان راکه واقع است دربلوك نواحی با جمیع مضافات و منسوبات آن شرعاً و عرفاً از مجاری میاه و قنوات وعیون و مواضع طواحین و غیرذلك مماذکر فیهااولم‌یذکر براولاد موجودین خود وآنچه‌موجود شوند علی‌طریق‌الارث‌کما فرضه‌الله تعالی للذکر ضعف‌الانثی ثم علی‌اولاد اولادثم علی اولاد اولاد اولاد بطناً بعدبطنٍ و نسلاً عقب‌نسلٍ وبعدفنائهم نعوذبالله وقف باشد براقارب واقف مزبورالاقرب فالاقرب والاقدم‌فالاقدم و بعد انقطاع الاقارب بالکلیه العیاذ بالله وقف باشد برمسجد جامع دارالمؤمنین استراباد و تولیت وقف مذکور را جناب

واقف‌مشارالیه بنفس نفیس خود رجوع و تفویض فرمود مادام‌که در زمرهٔ احیا باشد و چون از ساقی اجل که الموت کاس‌وکل‌الناس شاربه شربت موت نـوش کند و هرچه جز یاد مالك ملکوت تفرداً لبقا باشد فراموش‌کندتولیت وقف مزبور تعلق‌بارشداولاد ذکور او داشته و بعده نعوذبالله تولیت وقف‌مزبور تعلق بارشد اقارب واقف مومی‌الیه داشته باشد و بعدفنائهم العیاذبالله تولیت وقف مزبور مفوض باشد بقاضی اسلام نافذـ الحکم مرافع‌الیه بلدمذکورکه از شیعهٔ اثنی‌عشریه بوده باشد وحق‌التولیة دو دانگ موقوفات مزبورات را تعیین فرموده‌که بعد از وضع مالوجهات و حقوق دیوانی ونفقهٔ قنات و سایر ضروریات متولی مزبور تصرف‌نماید و چهاردانگ را میانهٔ موقوف‌علیهم علی مافرض‌الله تعالی قسمت نماید وچون متولی از جملهٔ موقوف علیهم باشد از چهار دانگ نیز حصهٔ خود بردارد و تتمه را قسمت نماید و بعد از انقطاع اولاد و اقارب بالکلیه حاصل موقوفات مذکورات را بعد از وضع آنچه مذکور شده صرف فـرش و روشنائی وسایرضروریات‌مسجدجامع نمایندوقفاً صحیحاً شرعیاً نافذاًلازماًجازماًمخلداً مؤبداً مشتملاً علی‌الشرائط والارکان بحیث لایباع ولایوهـب ولایورث ولایملـك و لایمهر ولایتلف ولاینقل بل‌تکون خاتمةً علی‌شروطها جاریةً علی وجوهـا ناصبة ابدالاباد الـی‌یوم‌التناد وقفاً صحیحاً شرعیاً عن‌النواقص والمفسدات عرفاً جاریاً علی وجوهه ناصباً مادامت‌السموات والارض و قامت‌السماء والارض واگرکسی درتغییراین وقف کوشد دین فروشد که فمن بدله بعدما سمعه فانّما اثمه‌علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع علیم.

وکان ذلك فی‌غرة شهرشوال ختم‌بالخیر والاقبال سنة‌سبع‌عشر والف.

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

حرره‌العبد... [جای مهر][1]

من المطلعین علی ذلك ... محمدعلی معلم عفی‌الله عنه .

لاشك فی ثبوت مضمون المسطور علی ذلك العبدالاقل محمدرضا ابن عبدالله.

[جای مهر][2]

شهد بمضمونه له العبد الاقل یوسف بن مصطفی کریم . [جای دو مهر][3]

الشاهد علی مضمون المسطور العبدالاقل عزالدین الحسینی. [جای مهر][4]

اماصدرالوقف المزبور علی النهج المسطور منی وانا العبدالاقل عزالدین محمدانصاری عفی عنه . [جای مهر][5]

شهد بمضمونه العبدالاقل محمدعلی بن گل‌علی ابن جعفر عفی عنهما.

شهد بمضمونه العبدالاقل شیخا بن قاسم الحسینی . [جای مهری ناخوانا]

ذلك كذالك وانا من الشاهدین بذلك حرره عبده‌الحقیر محمدحسین ملاحسن استرابادی. [جای دومهر ناخوانا]

هو شهد بمضمونه العبدالاقل محمدشریف ابن ابراهیم الحسینی الوهاب الاسترابادی .

علی مضمونة هذا الموقوفه من الاول الی آخر باعتراف حضرت الواقف المشار الیه الاجل بعون‌الله تعالی من التی کتب بیدالاقل محمدباقر الحسینی. [جای مهر][6]

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع: «محمدالاشرف الحسینی عفی‌عنه» . ۲ـ مهری بیضی با سجعی ناخوانا . ۳ ـ هر دو مهر بیضی : مهر اول بیضی وناخوانا . مهر دوم با سجع : «صح‌الاصل». ۴ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ با سجع : « الله محمد علی فاطمه حسن و حسین». ۵ـ مهری بیضی بـا سجع : « عزالدین‌محمد انصاری». ۶ـ مهری بیضی با نام : «محمدباقرالحسینی» .

قد صدرالوقف المذکور فی الکتاب و کما مسطورین من الحضرت الواقف المشار الیه عندی
وقفاً صحیحاً شرعیاً وانی العبدالاقــل حرره . . . . محمدباقر الحسینی .....

[جای مهر][1]

دیباچه توحید خدای متعال [دوسطر درحاشیه]. [جای مهری ناخوانا]

بسم الملك الکریم ذی الالطاف حرره کذاصح الاوقاف .

الحمدلله الواقف علی ضمایر الخلایق المطلع علی الخفایا والاسرار من الدیون و . . .

والصلوة علی شمس فلك بدرهما .... [بعضی کلمــات ناخوانا].

[جای مهر][2]

۱ــ مهری بیضی با نام : «محمدباقرالحسینی».

۲ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ با سجع: « یا امام محمدباقر» .

۱۰

وقفنامهٔ خواجه‌مرشد مورخ ۱۰۴۸ هـ . ق.

دراین وقفنامه خواجه مرشدبن خواجه‌سفیان دهکده‌های وطن و نرگس‌چال وقریهٔ رضی وسرخ‌دار وشش‌آب‌پلوردره، مازو، کلوادره وسیدکلاتهٔ علیا وسفلی و ترکان‌محله و تیلان‌چشمه و چمن‌رود و کله‌چنار و کفته‌رامیان و خارکلاته و قرق‌رضای‌عطارو بهررو و دودانگ قنات محمدکمالك ازبلوك رامیان را براولاد ذکور خود بطناً بعدبطن و در صورت انقراض براقرب اقارب و در صورت انقراض برزوار امام‌رضا علیه‌السلام وقف‌کرده‌و شرایط وقف را درآخر وقفنامه‌آورده است .

حمد وسپاس مرخالقی‌را جل‌جلاله وعم‌نواله که‌گنبدفیروزه‌فام‌طارم‌اعلی را بی‌دستیاری‌و مدد مهندس‌دانا برافراشت و شکر بی‌قیاس مرخالقی را که بید قدرت بی‌معماری بنای توانای زمین راگسترانیده بانواع چشمه‌سار و ریاحین و ازهار و اثمار و نباتات و زوایا و عمارات زیب و زینت هرچه تمامتر ارزانی داشت الله‌الذی خلق‌السموات و الارض‌ومابینهما وماتحت‌الثری رازقیکه‌ساعة‌فساعة خوان احسان بیدریغش‌در بقاع و منازل ارواح و اجسام‌علی‌تفاوت مراتبهم مشحون بنعم گوناگون گشته ومامن دابة فی‌الارض الاعلی‌الله رزقها هرلحظه کسوة انعام بی‌حسابش مزیّن باعطاف نامتناهی و مکلل بالطاف الهی برقامت اقتدار آفاق وانفس پوشانیده یا بنی‌آدم قدانزلنا علیکم لباساً یواری سوآتکم

ای بقدرت سنگ‌را العل بدخشان ساخته — ماه رامنجوق این فیروزه ایـوان ساخته
درضیافت‌خانهٔ‌لطف‌تو خوان‌سالار صنع — مهررا قرص و فلک‌را سفرهٔ‌نـان ساخته
بی‌نوایان چمن‌را قدرتت در مهر مـاه — از درخت جعفری برگ زمستان ساخته
خلعت‌خلقت کرامت کرده ابـراهیم را — وآتش نمـرود را بروی گلستان ساخته

طرف تحیات نامیات وظرف‌صلوات زاکیات نثارمرقد منور ومشهد مطهرمتولی‌کونین‌و صاحب بقعهٔ قاب قوسین مقصود ایجادکائنات و خلاصهٔ موجودات مسند نشین خانقاه و یطعمون‌الطعام علی‌حبه مسکیناً ویتیماً و اسیراً و زاویه‌گزین واماالسائل فلاتنهروااما بنعمة ربك‌فحدث خاتم‌انبیاء مکرم مجتبی محمدمصطفی علیه‌افضل الصلوات والثنا

حبیبی‌که مه‌تابی از روی اوست — شب تیره هندوی گیسوی اوست
شه ابطحی شمـع بیت‌الحـرام — مـه بـرج یثرب عـلیه‌السلام

هزاران روح و احسان و فصل و نعمت‌رضوان برآل‌کرام اوکه مقتدا و ائمهٔ دینند وبر اصحاب عظام‌اوکه‌اهل‌صدق‌ویقینند واصل ومتواصل‌باد اما بعد برضمائر خجسته‌مآثر ذوی‌الابصار روشن و مبرهن است‌که هیچ وسیلتی در عقبی خوشتر وشیرین‌تر ازمحبت‌و مودت آل‌عبا بمقتضای‌آیهٔ‌کریمهٔ منزله قل‌لااسئلکم علیه‌اجراً الاالمودة فی‌القربی. . . هر صاحب دولتی‌که از سر صدق‌نیت و از خلوص عقیدت اقتدا بکلام فـرخنده انجام حضرت نبوی‌که انی‌تارك‌فیکم‌الثقلین کتاب‌الله‌وعترتی‌واهل‌بیتی نموده قرآن مجید را قبلهٔ اعمال خود ساخته است ... در دامن اعتصام انمایریدالله لیذهب عنکـم‌الرجس اهل‌البیت ویطهرکم‌تطهیراً استوار نماید ازشقاوت ابدی خلاص یافته وبدولت‌سرمدی فائزگردد و ذلك‌فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء والله ذوالفضل‌العظیم

فرداکه هرکسی‌بشفیعی‌زنندست — مائیم و دست ودامن‌اولاد مصطفی

صلوات‌الله علیه‌وعلیهم اجمعین

بنابراین مقدمات جهت مزید درجات اخروی که رفعناه مکاناً علیاً شمه از نتایج آثار آنست واقفاً بمضمون آیهٔ وافی هدایهٔ ان احسنتم احسنتم لانفسکم توفیق حال حضرت رفعت و معالی دستگاه عزت و عوالی انتباه صاحب لوأ الکرم رافع رایات الفخر والشرف زید...فی زمان وخلاصه...المشخص بعواطف الملك المنان خواجه مرشد ابن مغفور مرحوم خواجه سفیان گردیده وقف کرد وقف دائمی و حبس نموده حبس اصلی از اطیب اموال و ازکی منال خود که در تحت تصرف داشت الی یوم هذا الوقف بلامنازعة منازع و بلامعارضة معارض خالصاً لله تعالی وطلباً لمرضاته العظمی همگی و تمامت محال رامیان که بدین موجب است قریه مرقومهٔ مفروضهٔ وطن و نرگس چال هر دو تماماً مع همهٔ متعلق به قریهٔ رضی تماماً مع همهٔ متعلق به قریهٔ سرخدار تماماً مع همهٔ متعلق به قریهٔ شش آب پلوردرّه تماماً مع همهٔ متعلق بهقریهٔ مازو مع همهٔ متعلق بهقریهٔ کلوادره تماماً مع همهٔ متعلق بهقریهٔ سیدکلاتهٔ علیا وسفلی تماماً مع همهٔ متعلق بهقریهٔ ترکان محله تماماً مع همهٔ متعلق بهقریهٔ تیلان چشمه تماماً مع همهٔ متعلق بهقریهٔ چمن رود تماماً مع همهٔ متعلق به قریهٔ کلده چنار تماماً مع همهٔ متعلق به قریهٔ کفته رامیان که متصل علوی محله است تماماً مع همهٔ متعلق بهقریهٔ خارکلاته کفته رامیان تماماً مع همهٔ متعلق به قرق رضای عطار تماماً مع همهٔ متعلق بهقریهٔ بهررو تماماً مع همهٔ متعلق بهدودانگ قنات محمد کمالك تماماً مع همهٔ متعلق به که بغل یکدیگرند براولاد ذکور خود وهم قاسم بیگ ومحمد معصوم وخواجه سفیان متعهم الله بالعمر والعیش وباقی اولاد که موجود شوند وبعدهم وقف است براولاد ذکور ایشان و اولاد اولاد ذکور ایشان وهکذا ما تعاقبوا وتناسلوا بطناً بعد بطن واگر عیاذاً بالله اولاد ذکور منقرض شوند وقف باشد براولاد ذکور ایشان علی الترتیب وبعد انقراضهم بر اقارب علی ترتیب الارث و بعدهم وقف است برزوار امام مفترض الطاعة واین واقف مومی الیه تولیت وقف را به نفس خود رجوع نمود

مادام‌حیوته که . . . حاصل را حق‌التولیه بردارد و بعداز او از اولاد ذکور هرکدام ارشد واصلح‌واتقی باشند متولی بوده باشند و بطریق وقف مزبورعمل نمایند و واقف مذکور شرط نمودکه محال مذکوره را اجاره باحدی زیاده از سه‌سال ندهند وبارباب مناصب مطلقاً اجاره ندهند وآنچه را لازمهٔ وقف است بجای‌آورند بحیث‌لایرهن و لایوهب ولایباع ولایتصرف بماینافی‌الوقفیه وکان‌هذاالوقف وقفاً صحیحاً شرعیاًمخلداً مؤبداً عازماً جازماً خالیاً ممایناقیه فمن‌بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی‌الذین‌یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم فعلی الله... نعمة‌الله والملئکه والنبیین اجمعین .

تحریراً فی‌اثنی‌عشر من‌شهررجب‌المرجب سنة‌ثمان و اربعین والـف مـن‌الهجرة‌النبویته المصطـفویـة .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

بنابرمضمون‌آیهٔ وافی‌هدایهٔ‌ان‌احسنتم أحسنتم‌لانفسکم وقع‌الوقف المسطورمن‌الواقف المزبورکمازبر نمقه‌العبدعبدالوهاب . [مهری ناخوانا]

اعترف‌الواقف بالوقف لاشك فی‌وقوعه اقل‌خلق‌الله ابن‌الحاج محمد جعفرالبکائی .

کذلك اعترف‌الواقف بالوقـف‌المسطور وبالاعیان‌الموصوفه لدی محمـدجعفرابـن یوسف‌البکائی. [مهری ناخوانا]

وقع‌الاعتراف‌من‌الوقف‌المذکور لدی‌الاقل. [مهری ناخوانا]

هو

هوالواقف‌علی‌الضمائرقدصدرالوقف‌المزبورمن‌جناب‌الواقف‌المسطورعلی‌النهج‌المزبور لدی ... فی‌الحقیقة . [مهری ناخوانا]

قدسمعت من الواقف کماسطر اقر واعترف الواقف بمضمونه ... لاشك ولاريب فيه وانا من الشاهدين بماسطر فی المتن. [مهری ناخوانا]

هو

بمضمون المسطور کماسطر فی هذه الصحیفة من اوله الی آخره العبدالاقل.

[مهری ناخوانا]

شهد بذلك ملك سلطان بابلی.

شهد بذلك ملك رستم بابلی.

مضمون مسطور بیان واقع است وخلافی ندارد ملك احمد ولد ملك محمدزمان رامیان.

شهدبذلك نظر الك .

شهد بمضمون المسطور مجملاً محمدحاجیلری استرابادی.

هوالواقف قد وقف خواجه مرشدقلیا علی النهج المحرر فیه من المبادیته الی نهایته بمحضری نمقه العبدالاقل ابن ابراهیم المسمی عبدالهادی کلبادی عفی عنهما .

برموجب نوشتهٔ وقف مذکور از بندهٔ کمترین مرشدقلی واقع شد طلباً لمرضاته هرباًلالیم عقابه. [مهری ناخوانا]

شهدبذلك سلطان قلی ماکان.

شهدبذلك نظر الك.

شهدبذالك جلال الدین الك.

مضمون مسطور بیان واقع است و خلاف نیست حرره العبد رضای کرابی .

[مهری ناخوانا]

شهدبمافیه حاجی محمدحسین استرابادی. [مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است زین‌العابدین اورسیجی بسطامی. [جای مهر][1]

گواهست براین مضمون ابراهیم ولدحاجی مراد استرابادی. [جای مهر][2]

شهدبمافیه امیرحسین ولد امیرموسی مازندرانی.

شهادت العبدمحمدامین صحبتی بسطامی. [مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و شاهـدم و خلافی ندارد خواجه‌مهدی ولد خواجه اسد ابری بسطامی. [جای مهر][3]

مضمون مسطور بیان واقع است وشاهدم خلافی ندارد خواجه معصوم ابری ...
[مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و شاهدم خلافی ندارد خواجه‌محمدامین بسطامی.
[مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد رفعت‌شاه سامتمش حاجلر.
[مهری ناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و شاهدم خلافی ندارد العبدیوسف ...
[مهری ناخوانا]

بطوریکه در متن قلمی شده بیان واقع است وخلافی ندارد العبدالداعی... گیوه‌باف من‌اعمال اسفراین. [مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد العبدالاقل حبیب‌الله دیلمی من‌اعمال اسفراین. [مهری ناخوانا]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «زین‌العابدین». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌محمد ابراهیم». ۳ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع: «دارد امیدشفاعت زمحمد امین».

مضمون مسطور بیان واقع‌است و خلافی‌ندارد. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه خواجه حیدرعلی‌حاجیلری.

شهد بمافیه بکولک‌سی‌آقا ولد یونس. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه خالدقلی‌آقا ولد حاج‌آقا. [جای دومهر][1]

شهد بمافیه نادرمسلم‌گرائیلی. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه محب‌علی ولد فردوسی‌بیگ‌گرائیلی. [مهری ناخوانا]

[چند شهادت‌دیگر هم‌هست که‌بدخط و ناخوانا است]

رونوشت برابراصل‌است واصل در ید ابرازکننده است.

این رونوشت‌برابررونوشت درپروندهٔ کلاسهٔ $\frac{۱}{۶۷}$-۳۴ شهرستان‌گرگان بایگانی‌است.

۱ـ هردو مهربیضی: مهراول لایقرء . مهردوم باسجع: «داردامیدشفاعت زمحمدخالد».

۱۱

سواد وقفنامهٔ آقا میر روح‌الله‌الحسینی‌الاسترابادی مورخ ۱۰۵۲ هـ . ق.

در این وقفنامه آقا میر روح‌الله‌حسینی استرابادی خلف امیر کمال‌الدین محمود یك‌باب خانه و اطاق سفالپوش با دو باغچهٔ کوچك و بزرگ واقع درمحلهٔ پاسرو دارالمؤمنین‌استراباد و پنج‌دانگ اراضی‌رطبه و یابسه قریهٔ میرمحله ازقرای‌استراباد‌ـ رستاق وشش‌دانگ‌قریهٔ چوپلانی باآنچه‌تعلق‌به املاك مسطوره دارد بر اولاد ذکور خود نسلاً بعدنسل و در صورت انقراض ایشان به ذکور اولاد و اناث و بعد از انقراض ایشان به‌طلبهٔ علوم دارالمؤمنین استراباد وقف‌کرده و شرایط‌وقف رادر انتهای وقفنامه یادکرده‌است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین

الحمدلله‌الواقف علی‌الضمائر والمطلع‌علی‌الخفایا والسرائر والصلوة والسلام علی‌محمد صلی‌الله علیه وآله والسلم افضل‌القبائل والعشایر وعلی آله و اصحابه الذینهم ائمة الصغایروالکبائر وبعدالحمد والصلوة والسلام برارباب‌بهیه وجحی و اصحاب‌فطنت‌و ذکا مخفی‌و مستورنخواهد بود که هرکه حظّی و نصیبی از عقل و ادراك و اندك بهره از شعور و دریافت دارد نظر بمضمون صدق مشحون الدنیا مزرعةالاخرة واجب و لازمست‌که دراینجهان فانی تخم عملی‌که مثمر بثمرحصول مأمول آن‌جهان باقی شده کشته و چون نظر بمفاد حدیث شریف اذامات ابن‌آدم‌انقطع عمله‌الحدیث معلوم

میشودکه بهترین اعمال صدقهٔجاریه خواهد بود لهذا عالیجناب سیادت‌انتساب معلی‌ـ
القاب و افاضل اکتساب عمدةالمحققین واسوةالمدققین خلاصةالسادات‌الکرام و نخبةـ
الفضلاءالعظام آقا میـر روح‌الله الحسینی‌الاسترابادی مدظله‌العالـی خلف مرحمت و
غفران‌پناه جنت‌آرامگاه رضوان‌جایگـاه امیرکمال‌الـدین شمساً للفضیلة والسیادة و
النقابة محمود طاب‌ثراه بتوفیقات یزدانی موفق و بتأییدات سبحانی مؤیدشده باکمال
رغبت و رضا طلباً لمرضاةالله تعالی یکباب خانه واوطاق سفالپوش با دو باغچهٔکوچك و
بزرگ واقع در محلهٔ پای‌سرو بلـدهٔ دارالمؤمنین استراباد که هر چهار متصل بهم و
محدودبحدودذیلند شرقیاً خانهٔ حاجی‌حسین مشهوربدراز و خانهٔ اوستاد محمدعلی
آهنگر غربیاً خانهٔعالیجاه‌معلی‌جایگاه‌محمدحسین‌خان‌قاجار بیگلربیگی جنوبیاً
خانهٔحاجی‌ضیاءالدین‌وکوچهٔخانهٔاووکوچهٔعام شمالیاً اوطاق عالیجاه مومی‌الیه و
تمامی پنج‌دانگ از اراضی رطبه ویابسه ودائره وبائرهٔ وعامره و غامرهٔ قریهٔ میرمحله
من‌قرای بلوك استرابادرستاق و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی متصل قریهٔ مرقومه که از
غایت‌شهرت مستغنی از تحدید وتوصیفند باآنچه تعلق به‌املاك مسطوره دارد ازانهارو
اشجار مثمره وغیرمثمره وعیون و قنواف وحقابهٔ رودخانهٔ ترنگ خلاصه‌آنچه‌ملکیت
را سزد و شاید ونفعی ازو حاصل شود بهراسم و رسم‌که بوده باشد ذکرام‌لم‌یذکر سمّی
ام لم‌یسم را براولاد ذکور و اولاد ایشان بطناً بعدبطن وعقباً بعدعقب و بعد انقراضهم
بذکور اولاد اناث نسلاً بعدنسل هلّـم جرّاً و بعدانقراضهم بطلبهٔ علوم دارالمؤمنین
مرقوم خواه اهل‌آنجا باشند و خواه غیره‌که درآن ولایت بتحصیل علوم دینیه مشغول
باشند وقف صحیح مؤبّد و حبس صریح مخلّد نمودند وتولیت‌آنرا مادام‌الحیوة بخودو
بعدمماته به اعلم و اصلح اولاد ذکور اگر نباشد به‌اکبر و ارشد ایشان و بعدانقراضهم
به‌اعلم و اصلح‌ذکور اولاداناث اگرنباشد به‌اکبر وارشد ایشان وبعدانقراض‌آنسلسلتین
والعیاذبالله بفقیه جامع‌الشرایط فتوی اگر نباشدبعلماء و فضلاء و صلحـای بلد مزبور

مفوض طریق رفتار آنکه مادامی که واقف خود متولی است بعد از جمع منافع مستغلات یکعشر آنرا صرف معیشت خود و نه‌عشر دیگر را بعد ازوضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك موقوفه در میان اولاد ذکور بالسویه تقسیم و اگرمتولی از دو سلسلهٔ اولی بترتیب مسطور الاول فالاول بعد ازجمع منافع یکعشررا بعنوان حق ـ التولیه صرف معیشت و باقی را بعد از وضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك و بعدازآنکه‌هر ساله ده تومان آنرا در تعزیهٔ جناب اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام صرف اطعام مؤمنین نموده دوازده تومان آنرا باشخاص داده‌که در عتبات نائب‌الزیارة واقف شوند میان موقوف‌علیهم که یکی‌هم خودش‌است بالسویه تقسیم واگرفقیه‌جامع‌ـ شرایط فتوی متولی باشد بعدازجمع منافع یکعشر را مدد معاش خود و بعد از وضع عوارضات و اخراجات مزبورین ثلث باقی راکتب فقهیهٔ استدلالیه و اصول و تفسیر و حدیث خریده و بطلبه داده‌که بکاربرند و از ایشان قبض گرفته که‌کتاب‌گم‌نشود و دو ثلث دیگر را میان طلبه‌بالسویه تقسیم واگرمتولی وعلماء و فضلاء غیرفقیه باشند از عشر حصهٔ خود و وضع عوارضات و اخراجات آنچه بماندکل رامیان‌طلبهٔ علوم دینیه بالسویه تقسیم نمایند مقرر آنکه اگر شوهرهای اولاد اناث فقیر باشند متولی‌دوسلسلهٔ اول ایشانرا داخل موقوف‌علیهم و بطریق للذکرمثل‌حظ‌الانثیین به‌ایشان حصه‌بدهندو درصورتیکه فقیه یاعلماء متولی باشند اناث را باطلبه مساوی‌حصه‌بدهند و ثانیاً آنکه اگر خانه و اوطاق بحادثه خراب‌شوند متولی‌چنانچه هست از مال وقف بلکه به‌ازآن ساخته اگر خود احتیاج داشته بنشیند وگرنه واضح است که کرایه و وجه اجارهٔ آن داخل منافع املاك‌موقوفه خواهد بود ثالثاً آنکه اگرمتولی خودبتواندمتوجه‌زراعت‌و غیره بشود بهرکه اجاره میدهد زیاده ازسه‌سال ندهد وصیغة‌الوقف کمارقمت اجریت

تغییر دهنده بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود .

تحریراً فی غرة محرم الحرام سنهٔ ۱۰۵۲ .

[جای مهر واقف]

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

هذا السواد مطابق لاصله الاصیل حرره الجانی الفانی. [جای مهر][1]

بسم الله تعالی شأنه السواد مطابق لاصله الاصیل حرره الجانی. [جای دو مهر][2]

السواد موافق لاصله الاصیل وکتب الجانی. [جای دو مهر][3]

السواد مطابق لاصل و قوبل. [جای مهری ناخوانا]

بسم الله خیر الاسماء وقع الوقف المزبور علی النهج المسطور مع جمیع الشرایط المذکوره لدی نمقه الجانی. [محل مهر][4]

بسم الله تعالی شأنه العزیز هـذا واصله الاصیل وجدته سیّان بالدلیل حـرره الداعی محمدرضا الحسینی الاسترابادی. [جای مهر][5]

هذا مع الاصل سیان. [جای مهر]

السواد موافق لاصله الاول للواقف الموفق اعلی الله مقامه وانا العبد الجانی .

[جای مهری ناخوانا]

اقر واعترف العبد الخاطی. [جای مهر][6]

وقع هذا الوقف کما زبر فیه لدی. [جای مهر][7]

۱ــ مهری باسجع: «عبده حسین الحسینی». ۲ــ مهر اول باسجع : «عبده محمد هادی الموسوی». مهر دوم باسجع: «عبده ابوجعفر الموسوی» . ۳ــ مهر اول با سجع : «عبده محمد صادق الموسوی». مهر دوم باسجع: «عبده مفید الموسوی». ۴ــ مهری باسجع: «میرزا باقر صدر». ۵ــ مهری باسجع: «لااله الاالله الملک الحق المبین محمد رضا الحسینی». ۶ــ مهری با نام: «ملا مصطفی». ۷ــ مهری باسجع : «ملا محمد مؤمن پیشنماز».

اقر بمافیه‌لدی وانا الخاطی. [جای‌مهر][1]

قد وقع الوقف مع جمیع ماشرط فیه‌عندی حرره‌العبدالقاضی. [جای مهر][2]

قد وقع الوقف المزبور بمارقم فیه لدی نمقه‌خاطی. [جای دومهر][3]

قراتهما تماماً و وجدتهمامطابقاً والله‌اعلم نمقه‌الخاطی. [جای‌مهری‌ناخوانا]

قد وقع الوقف مع جمیع ماز بر فیه‌لدی واناالعبد الآثم‌روح‌الله‌الحسینی.

[جای مهری ناخوانا]

قدوقع الوقف مع‌جمیع‌ماشرطفیه لدی نمقه. [جای‌مهر][4]

قد قوبل مع اصله فوجدته سیّان‌فی‌الظاهر نمقه‌الخاطی. [جای‌مهری‌ناخوانا]

السوادمطابق بالأصل‌الاصیل نمقه‌الخاطی‌الآثم. [جای مهری ناخوانا]

السواد مطابق لاصله و حقیر محمدهادی این‌را نوشته شکی در سواد نداردکه مطابق است مع اصله. [جای‌مهری ناخوانا]

ذالک‌کذلک اناشاهدبذلک نمقه‌الخاطی. [جای دومهر][5]

قد وقع الوقف مع‌جمیع ماشرطه فیه‌لدی نمقة. [جای‌مهر][6]

اقر الواقف لدی القاضی‌الانصاری شیخ ملانصیر.

ذلک‌الکتاب‌لاریب‌فیه وانا العبدالمذنب‌شریف.

السواد مطابق بالأصل‌الاصیل نمقه‌الجانی. [مهری‌ناخوانا]

شهد بمافیه العبدالاقل ملاخداداده.

۱ـ مهری‌باسجع: «ملابابای پیشنماز». ۲ـ مهری باسجع: «شیخ‌لطف‌الله‌قاضی». ۳ـ مهراول بانام: «سیدمفیدموسوی». مهر دوم بانام «سیدمرتضی‌موسوی». ۴ـ مهری باسجع: «میرزین‌العابدین‌الحسینی». ۵ـ مهری‌باسجع: «زین‌العابدین‌الحسینی» و مهردیگرناخوانا. ۶ـ مهری‌باسجع: «سیدزین‌العابدین‌الحسینی».

السواد مطابق بالأصل الاصیل. [مهری ناخوانا]

اقر الواقف بماز برفیه لدی نمقه آقامحمد الحسینی.

مراتب مزبوره را از واقف مومی الیه استماع نمودیم حرره العبد جانی ملا حاجی بابا ملا مرتضی قلی.

اقر واعترف الواقف بماز برفیه. [جای مهر][1]

بسم الله تعالی شأنه العزیز السواد مطابق بالاصل الاصیل نمقه العبد المذنب.

[جای مهری ناخوانا]

انا من الشاهدین علی ذلك العبد الاقل شریف.

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد وانا القاضی رفیع.

اعترف کماز برفیه لدی حرره الجانی ملامحمد رفیع.

ذلك الکتاب مطابق للصدق والصواب. [جای دومهر][2]

السواد مطابق بالأصل الاصیل نمقه. [مهری ناخوانا]

۱- مهری با نام: «مصطفی». ۲- مهر اول با نام: «عبدالعلی». مهر دوم با سجع: «عقیل».

۱۲

سواد وقفنامهٔ آقامیر روح‌الله حسینی استرابادی مورخ ۱۰۶۰ هـ . ق .

اصل وقفنامه در سال ۱۰۶۰ هـ . ق. و سواد آن در سال ۱۲۴۳ هـ . ق. نوشته شده‌است. دراین وقفنامه آقامیر روح‌الله‌حسینی استرابادی‌خلف‌امیر کمال‌الدین‌محمود چهاردانگ قریهٔ‌نسرکان از بلوك فخرعمادالدین را وقف بر اولاد ذکور خود کرده و شروط وقف را درآخر آورده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدالله الواقف علی‌السرائر والمطلع‌علی‌الضمائر والصلوة والسلام علی‌محمد (ص) افضل‌العشائر وعلی‌آله خیرالصغائر والکبائر اما بعدبرارباب عقل وذکاء و براصحاب فطن و بهاء مخفی‌نماندکه نظر بمضمون صدق مشحون‌الدنیا مزرعةالآخرة بر هرکه لازم‌است‌که‌دراین‌جهان‌فانی تخم‌عملی‌که مثمر ثمرحصول‌مأمول‌آن‌جهان‌باقی راسودمند آید کشته و بناءً علیه‌عالیجناب سیادت‌انتساب افادت وافاضت‌اکتساب‌عمدةالمحققین واسوةالمدققین خلاصةالسادات الکرام ونخبة الفضلاءالعظام آقـامیرروح‌الله‌الحسنی الاسترابادی مدظله‌العالی[۱] خلف‌مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه امیرکمال‌الدین شمساً للفضیله والسیادة والنقابه محمود طاب‌ثـراه بتوفیقات یزدانـی موفق آمـده در کمال‌رغبت ورضاطلباً لمرضات‌الله‌تعالی چهاردانگ قریهٔ موسومه به‌نسرکان واقعه در بلوك فخرعمادالدین‌استراباد قدصانهاالله عن‌التفرقه والفسادرا براولاد ذکورخود وقف

۱ــ مهری باسجع: «عبده روح‌الله‌الحسینی».

مؤبد وحبس مخلد نمود و عن‌آنچه ملکیت را سزد و شاید از قنوات دایره و بایره و عیون و رودآب و سنگ‌چشمه و غیرهم مماذکر ام‌لم‌یذکر در حدودی‌که مرقوم در ذیل است بهر اسم ورسم‌که بوده باشد

حد	حد	حد	حد
متصل بکولک‌تپه و ناورها باقریهٔ‌مرقومه است	متصل‌بقریهٔ‌شیرنگ	متصل با شکارکلاته	متصل بـه . . . . غیاث‌الدین که سهم‌القریه از قراء موقوفهٔ واقف معظم‌الیه است

و طریقهٔ وقف اینکه چنانکه واقف مادام‌الحیوة خود متولی است بعد از جمع منافع هریك از اولادکه متولیند یك‌عشر آنرا صرف معاش خود ونه‌عشر دیگر را بعد از عوارض‌دیوانی‌واخراجات وتعمیرملك موقوفه درمیان اولاد ذکوربالسویه‌قسمت‌کنند و ده تومان خرج تعزیت اباعبدالله‌الحسین ع نمایند ومقداری‌هم باشخاصی‌که‌درعتبات عالیات نایب‌الزیارة واقف باشند احقاق‌کنند و پس از اولاد ذکور باصلح اولادذکور از اناث و پس ازآنها نیز بفقیه جامع‌الشرایط و اگر آنهم نباشد متولی کسی است‌که سزاوار باشد و همان یك‌عشر را او نیزصرف خرج خودکنند .

تحریراً فی‌شهرذی‌حجةالحرام سنهٔ ۱۰۶۰.

[جای‌مهر][1]

۱ـ مهری باسجع : «عبده‌روح‌الله‌الحسینی».

[برحواشی این‌سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته‌شده است :]

قد وقع الوقف مع‌جمیع‌ماشرط‌عندی حرره‌العبدالعاصی . [جای‌مهر][1]

قد وقع‌جمیع ما زبر فیه‌لـدی. [جای‌مهر][2]

بسم‌الله خیرالاسماء قد وقع‌الوقف المزبور بشرائط المسطور لدی واناالجانی .
[جای مهر][3]

قد وقغ‌الوقف حسبما شرط فیه‌لدی. [جای مهر][4]

وقع‌الجمیع‌لدی اناالآثم. [جای پنج‌مهر][5]

هذالسواد مطابق للاصل‌المعتبر. [جای پنج‌مهر][6]

هذالسواد مطابق لاصله الاصیل المعتمدالمعتبر انا الاقل الاحقر فقد حررته فی‌سبع لیال‌خلون من‌الربیع‌المولود ۱۳۰۹. [جای مهر][7]

السواد مطابق لاصله‌المعتبر الصحیح و قدقابلتها و وجدتهما سین ولقد حررته بیدی فی‌شعبان‌المعظم ۱۳۱۳. [جای دومهر][8]

هذا مع‌اصله‌سیّان‌کفرس‌رهان حررته‌فی‌اول الربیع‌الاول ۱۳۰۹. [جای‌مهر][9]

۱ــ مهری با سجع: «عبده‌لطف‌الله‌بهرام» . ۲ــ مهری کوچك بانـام . «رحیم».
۳ــ مهری با سجع: «محمدرفیع». ۴ــ مهری‌باسجع: «عبده خداداد» . ۵ــ مهر اول با سجع: «یاصادق‌الوعد» و مهر دوم‌بیضی‌با سجع: «محب‌شاه‌دین سلطان‌محمد» و مهرسوم با سجع: «بنده‌شاه‌ولایت ندرقلی» و مهرچهارم باسجع: «دارد امیدشفاعت زمحمد رضا» ومهر پنجم باسجع: «عبده قاسم‌الحسینی». ۶ــ مهراول باسجع : «عبده‌محمداسمعیل». مهـر دوم باسجع: «محمد کاظم‌بن‌محمد». مهرسوم‌بانام: «محمدعلی بن مهدیقلی». مهرچهارم‌باسجع: «یامحمد». مهرپنجم بانام : «محمدحسین». ۷ــ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجـی ابوتراب‌العقیلی». ۸ــ هردو مهرباسجع : «صراط‌علی‌حق‌نمسکه» . ۹ــ مهری باسجع: «رزقنی شفاعة الحسین» .

وجدت هذاالسواد بعدالمقابلة مع‌الاصل مطابقاً له فی دوم ربیع‌المولود ۱۳۰۹.
[جای مهر][۱]

هذامطابق لاصله حرره‌الاقل فی‌رابع‌اول الربیعین‌عام‌تسع‌وثلثمائه بعدالالف ۱۳۰۹.
[جای مهر][۲]

مضمون‌این‌مواد مطابق با اصل وقفنامهٔ معتبره است. [جای سه‌مهر][۳]

قد اقرالواقف‌المعظم‌الیه لدی. [جای‌مهر][۴]

بسم‌الله وله‌الحمد

این‌سواد مطابق‌اصل است حرره‌الاقل فی‌۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۹. [جای مهر][۵]

بسم‌الله تعالی

ورقةالمسودة مطابق لاصلها المعتبر بالمقابلة عن‌الاقل حرره فی‌ثالث شهرربیع‌الاول ۱۳۰۹. [جای دومهر][۶]

هذاالسواد مطابق لاصله حررته فی‌۳ربیع‌الاول من‌شهور ۱۳۰۹. [جای مهر][۷]

سواد مطابق‌سواد مصدق بمهرعلماء استراباداست‌که درسطراول‌حاشیه کلمهٔ بین‌ذکورو قسمت پـاك شده است دفتردار صلح‌نامحدود استراباد. [جای مهر][۸]

۳۶ دفتر ۱۳

۱ــ مهری باسجع : «محمدزکی». ۲ــ مهری بـا سجع: «یاصالح‌المؤمنین» .
۳ــ مهری با سجع : «عبده محمدرحیم‌الرضوی». مهردوم بانام : «محمد اسمعیل». مهر سوم با سجع : «عبده ناصرالدین‌الموسوی». ۴ــ مهری‌چهارگوشه با سجع: «یا امام‌زمـان ادرکنی‌علی». ۵ــ مهری بانام : «محمدهادی» . ۶ــ مهری باسجع: «عبده‌محمد حسین‌الموسوی» . مهردوم باسجع:«عبده محمد»حسین. ۷ــ مهری بانام: «محمدطاهر الحسینی». ۸ مهری با سجع : «عبدالله استرابادی».

۱۳

وقفنامهٔ امیـرعلی المفضل الخادم‌الحسینی‌الاسترابادی‌بن‌امیـر ابوالمکارم المفضل‌الحسینی مورخ ۱۰۹۰ هـ . ق .
دراین وقفنامه یك نصف شایع‌از قریهٔ نومل استرابادرستاق را وقف براولاد ومزار خود ومزار والد ومزار ولد مرحوم خود کرده و تولیت شرعی‌آن‌را درزمان حیات به‌خود و‌پس ازمرگ بـه دخترش فاطمه خانـم واولاد او اختصاص داده و شرایط وقف را درآخر وقفنامه یادکرده است .

الحمدلله‌الواقف علی‌السرائر المطلع‌علی‌الضمائروالصلوة والسلام‌علی‌نبیه محمدالمبعوث علی‌الموافق‌والمخالف‌الحدّخرشفاعته‌لاصحاب‌الکبایروعلی‌آله واولاده زبدة‌العشایرو قدوة ارباب البصایر و سلم تسلیماً کثیراً کثیرا امـا بعد چون حضرت واهب‌العطایـا و رازق‌البرایا که واقف ضمائر و مطلع برسرایر است بنده‌ای از خواص خود راباعتبار عطای لطایف مواهب ازلی‌وبقای عـواطف سعادت لم‌یزلی مخصوص و ممتازگـردانید هرآینه همت بلند و ارادت خـاطر ارجمند او رابر آن میگمارد کـه در مزرعهٔ دنیا پیوسته تخم‌برّواحسان کارد که از موايد فوایدآن در دارآخرت بفحوای آیـهٔ کریمهٔ من‌جاء بالحسنة فله عشرامثالها‌حاصلی بردارد‌که ذخیرهٔ یوم‌لاینفع مال ولابنون تواند شد لهذا توفیق رفیق حال وشامل احوال حضرت ملکی طینت خجسته طویت سیادت و نجابت و معالی‌پنـاه نقابت و هدایت و عـوالی‌دستگاه دیانت و کمالات‌انتباه زبدة‌ـ الاعاظم‌السادات‌الکرام والنقباءالعظام وخلاصه اولادسیدالانام صاحب‌الاخلاق‌الرضیه و الاطوارالمرضیه حـاج‌الحرمین‌الشریفین و زایررسول‌الثقلین زیناً‌للسیادة والنجابة و النقابة والهدایة والعزّوالمعالی‌امیرعلی‌المفضل‌الخادم‌الحسینی‌الاسترابادی ابن‌سیادت‌و

مرحمت و غفران‌پناه امیرابوالمکارم المفضل‌الحسینی گردید در حالت صحت بدن که جمیع اقاریرشرعیه و اعترافات ملیّه ازو مسموع بود و بی‌مانع و منازعی در املاك متصرف‌فیه خودش انواع تصرفات شرعیه مینمود وقف مخلّد فرمود وحبس مؤبد نمود همگی و تمامی و جملگی یکنصف شایع کامل از کل قریهٔ نومل واقعه در بلوك استراباد رستاق من بلوکات دارالمؤمنین استراباد را که محدود است تمامی قریهٔ مذکوره از یکطرف بجبل معیّن مشاع فیمابین قریهٔ مزبوره و قریهٔ باباگل من و از طرف دیگر بجبل معیّن مشاع فیمابین قریهٔ مسطوره وقریهٔ مشهوره بخیرات وازجانب دیگر بسرچشمهٔ محل مذکور و جبلی که اتصال دارد بقریهٔ خواسته‌رود و مزرعهٔ قزلق و از سمت دیگر بخیابان شارع‌عام و قریهٔ ربیع‌کلا و قلعهٔ بوبك با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیّه از اراضی و صحاری و رودخانها و انهار و چشمه‌سارها سیّما چشمهٔ مشهوره بذاماکه آب قنات احداثی رعایای محل مذکور از آن جاری وبعنوان چهاردانگ و دو دانگ فیمابین رعایای مذکور ومالکین عمل میشود وطاحونهٔ دائره بآب قریهٔ مذکورهمختصه بمالکین‌محل‌مزبور بقدرالحصةالشایعة من‌القریةالمذکوره و تلال و جبال و توتستان‌ها و ملیارستانها و غیرذلك از آنچه شرعاً و عرفاً از محل مزبور دانند و ازجملهٔ آن شمرند قلیلاً کان اوکثیراً نقیراً کان اوقطمیراً‌سمّی‌ام‌لم‌یسم ذکراولم یذکربقدرالحصة الشایعةالمذکوره براولاد عظام خود واولادکرام خود ایشان بشرط ان‌یمنع‌الاقرب منهم‌الابعد و برمزار کثیرالانوار خود و والد و ولد مرحوم خودش و تولیت شرعیهٔ آنرا مختص خود گردانید مادام حیاً باقیاً و بعدازآن بصبیهٔ صلبیهٔ بالغهٔ رشیدهٔ خودش و هی علیا جناب سیادت و عصمت‌پناه طهارت و خدارت‌دستگاه زین‌العفایفة المستورات و تاج‌المخدرات المسماة فاطمه خانم که بعداز وضع مالوجهات و اخراجات و حصص اکرهٔ زارعین و رعایا آنچه از حاصل باقی‌ماند یك عشرآنرا بعلت حق‌التولیة خود متصرف شده از همهٔ محصولات وقف مزبور مبلغ سه

تومان عراقی نصفه یکتومان وپنجهزاردینارموصوف بمصارف مقررهٔ مزارات مذکورات فوق صرف نماید و مقرر دارد که دو نفر از صلحاءکه موصوف بصفت علم قرائت باشند هـرشبانه روزی صبح و شام موازی سه جـزو از کلام ملك‌علام در دارالحفّاظ آستانهٔ مقدسهٔ منوره درصفهٔ متصله بدرب شمشاد کـه مضجع سعادت و مـرحمت‌پناه میـرزا محمدشفیع ولد واقف مومی‌الیه است تلاوت نموده ثواب او را بالسویه بروح حضرت واقف و والد ماجد و ولـد مرحوم او قربت گردانند و در وقت تلاوت مذکور درصفهٔ مذکوره یکعدد پـرده گسترده و یکعدد شمع موم روشن نموده بتلاوت قیـام و اقدام نماید و شمع پیه نسوزند و تنخواه وظیفهٔ حفّاظ و روشنائی و قیمت پـرده بدینموجب است کـه وظیفهٔ حفّاظ که به صفت تدین و صلاح و علم قرائت موصوف بـاشند دونفر روشنائی و قیمت پرده که در عهدهٔ حفّاظ خواهد بود که هر پنجسال یکعدد پردهٔ نـو خریداری نموده در صفهٔ مذکوره بیندازند متولی امـر مزبور در مشهد مقدس تسلیم حفّاظ نماید و تتمهٔ حاصل را فیمابین خود وباقی اولاد کما فرضه‌الله تعالی للذکر مثل حظ‌الانثیین تقسیم نماید و بعداز فوت سیادت و عصمت‌پناه متولیهٔ مومی‌الیه اگـر از عالیحضرت واقف مشارالیه اولاد صلبی مخلف نگشته باشد هـر یك از اولاد متولیهٔ مذکوره اولاد مرحمت‌پناه میرزا محمدشفیع بـرادر اوکه اصلح وارشد باشند متولی واقف مذکور بشرح فوق خواهد بـود واولادیکه از متولیهٔ مذکورهٔ مشارالیها مخلف گردد و به صفت ذکوریت و صلاح موصوف بوده بـاشد امرتولیت مخصوص او خواهد بـود و همچنین هرگاه از صبایای برادر مرحوم مذکور اولادی بهم بـرسد و متصف بصفات ذکوریت و صلاح بوده باشد مقدم براناث در امـر تولیت مزبوره خواهد بـود قریباً کان‌اوبعیداً هـکذا بعد ماتوالدو او تناسلوا بطناً بعدبطن و قـرناً بعدقرن و اگر العیاذ بـالله اولاد واقف مشارالیه منقرض شود بعدانقراضهم متولی‌آستانهٔ مقدسهٔ منوره در هـرعصراز اعصار هرکس بـوده باشد و بآن شرف امتیاز داشته بـاشد متولی وقف

مزبوره بوده دستور فــوق بعداز وضع مالوجهات و اخراجات واکــرهٔ زارعین یــکعشر حاصل را بعلت حق‌التولیهٔ خود متصرف گردیده مبلغ سه تومان عراقی مزبور فوق را بشرحی کــه مقرر گردیده در مشهد مقدس تسلیم حفّاظ نماید که بوظیفهٔ خود و قیمت شمع و پرده بشرح فوق صرف وتلاوت اقدام نمایند وتتمهٔ حاصل را متولی‌جلیل‌القدر مذکور داخل مداخل سرکار موهبت آثار نموده بمستحقین زواراهل اطراف که‌بصفت استحقاق وصلاح موصوف باشند باین طریق‌که هر یك از زوار موصوف بصفت مذکور را زیــاده از مبلغ پنجهزار دینــار وکمتر از مبلغ یــکهزار دینار ندهند وقفاً صحیحاً شرعیاً لازماً مؤبداً الی‌ان‌یرث‌الله الارض و هوخیرالوارثین کــه نخرند و نفروشند و هبه ورهن ننمایند و اجاره زیاده برمدت پنجسال بعقد واحد یا بعقود متعدده ندهند و محصولات آنرا بسلف نفروشند وبجماعت متغلبه باجاره ندهند و وجه اجارهٔ متعده را بسلف نگیرند و صیغهٔ شرعیهٔ وقف کماهوطریقه فی‌الشریعةالمقدسة بعربی و فــارسی گفته شد و تفویض تولیت بشرح فــوق نموده فمن‌بدله بعدماسمعه فانمااثمه علی‌الذین یبدلونه والله سمیع علیم وتغییردهندهٔ وقف مزبور مستحق طعن ولعن خدا ورسول‌ص و ائمهٔ هدی علیهم صلوات‌الله‌الملك العلام خواهد بود .

وکان ذالك بتاریخ ثــامن عشر شهر محرم الحرام
مــن‌شهور سنة تسعین بعدالالف من‌الهجرةالنبویة
المصطفویة صلی‌الله علیه و آله‌وسلم سنة ۱۰۹۰ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

سواد مطابق بااصل است کــه اصل‌آن نزداینجانب ضبط است اقل‌الحاج سید جعفر مردمؤمن .

یاعلی مدد هوالله سبحانه وتعالی بشرحی‌که درمتن نوشته شده وقف مذکور از من

صادرگردیده موقوفات را بتصرف وقف باز گذاشتم و صیغهٔ شرعیه تلفظ نمودم حررة العبدالاقل علی المفضل الخادم الحسینی الاسترابادی . [جای مهر][1]

قداقر السیدالاجل دام ظله بماز برفیه لدی العبدالاقل ابوالفتح الموسوی.

[جای مهر][2]

اعترف الحضرت الواقف بجمیع ماز برفیه لدی حرره العبدالاقل محمدابراهیم.

[جای مهر][3]

قداعترف الحضرت الواقف بجوامع ماز برفی هذه الصحیفة الصحیحة عندی حرره العبد الاقل محمدعلی الاصفهانی . [جای مهر][4]

اعترف بمضمون المسطور عندی حررا العبدالاقل ابن محمدباقر شمس الدین محمد.

[جای مهر][5]

اعترف السیدالسند دام مجده بمانسب الیه فی هذه الصحیفة . حررها العبدابن خلیل الله الخادم نظام المفضل الحسینی والکتاب علی نسختین . [جای مهر][6]

قداقر السید السندالنجیب الواقف المشارالیه بجمیع مااسندالیه عندی و الکتاب علی نسختین حرره الاقل ابن محمدهادی محمدهاشم . [جای مهر][7]

قد اعترف السیدالسندالنجیب الحسیب الواقف دام مجده و معالیه بجمیع ماسطرفیه لدی العبد ابن فتح الله الحسینی الاسترابادی سید علی الخادم الحسینی . [جای مهر][8]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع : « میرعلی المفضل » . ۲ـ مهری چهارگوشه باسجع : « نصرمن الله و فتح قریب » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « واشهدبالله ابراهیم خلیلاً » . ۴ـ مهری چهارگوشه باسجع: « یامرتضی علی ادرکنی » . ۵ـ مهری بیضی باسجع : « عبده شمس الدین » . ۶ـ مهرچهارگوشهٔ بزرگ باسجع : « المتوسل علی الله الغنی نظام المفضل الحسینی » . ۷ـ مهری بیضی باسجع: « العبدمحمد هاشم » . ۸ـ مهری بیضی کوچك بانام :« علی الحسینی » .

مـن الشاهدین علی ذلك حررها العبد الاقل ابـو البقا النجیب الخادم .

[جـای مهری ناخوانا]

قداقر السید الحسیب النجیب الواقف المشار الیه بجمیع ما نسب الیه فی هذه الصحیفة لدی حررها العبد الاقل محمدهادی و الکتاب علی نسختین . [جای مهر][۱]

قداقر السید السند الاجل الـواقف سلمه‌الله تعـالی بجمیع مـا نسب الیه لـدی والکتاب علی نسختین حررها الاقل محمدشفیع الخادم الحسینی . [جای مهر][۲]

اعتـرف السید السند دام مجده بمـا نسب الیه فـی هذه الصحیفة لدی نمقه العبد اقـل شمس الدین محمد الحسینی والکتاب علی نسختین . [جای مهر][۳]

اعترف السید السند النجیب دام بقائه مااسند الیه فیه لدی . [جای مهر][۴]

قـد اعترف السید النجیب الحسیب بجمیع مـا فیه لدی حررها محمدکاظم الخـادم .

[جای مهر][۵]

اعترف السید السند النجیب الحسیب المشار الیه دام عزه بما نسب الیه فی هذه الصحیفة لدی العبد ابن محمدباقر الحسینی . [جای مهر][۶]

اقر السید السند اطال‌الله بقاءه و دام عزه بحضوری نمقه ابن حسن عسکری الشریف ابوتراب الحسینی. [جای مهر][۷]

اقـر السید السند المشار الی بعض اوصـافه فـی المجلد دام عـزه بتمام ورقه بمشهدی حررها الموسی الخادم الحسینی و الکتاب علی نسختین . [جای مهر][۸]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « العبد محمدهادی» . ۲ـ مهری بیضی باسجع : « یا شفیع المذنبین» . ۳ـ مهری بیضی باسجع : «شمس الدین الحسینی » . ۴ـ مهری بیضی با سجع : «و کفی بالله نصیراً » . ۵ـ مهری بیضی بانام : «محمدکاظم الخادم » . ۶ـ مهری بیضی کوچك بانام: « محمدالحسینی» . ۷ـ مهـری بیضی کوچك بانـام : « ابوتراب الحسینی » . ۸ـ مهری بیضی باسجع : « عبده الراجی عبده موسی » .

قد اعترف السید الجلیل النبیل دام عـزه ومعالیه بماسطرفیه لـدی خلیل‌الله المفضل الخادم الحسینی . [جای مهر][۱]

اعتـرف السید السند دام‌مجده بمانسب الیه فی هـذه الصحیفة لدی نمقه العبد دوست‌محمد الخادم الحسینی عفی‌الله و الکتاب علی نسختین . [جای مهر][۲]

اقر السید السند الحسیب الواقف الموفق بجمیع ماز بر فی هذه الصحیفة الصحیحة الصریحة من البدایة الی النهایة لـدی و الکتاب علی نسختین حرره العبد الداعی ابن عبدالوهاب محمدامین الخادم الاسترابادی . [جای مهر][۳]

اعترف السید السند الاجـل دام مجده بجمیع مانسب الیه بمحضری حـررها الاقـل ابوالحسن الحسینی. [جای مهر][۴]

اقر السید الاجل دام عزه بجمیع مانسب الیه فی هذه الصحیفة الصحیحة لـدی والکتاب علی نسختین وانا العبد المذنب الراجی ابن حسن رضا الخادم حسن عسکری الشریف. [جای مهر][۵]

اعترف السید السند النجیب الحسیب دام عزه بجمیع ماسطرفیه لدی الاقل محمد یحیی الخادم الحسینی. [جای مهر][۶]

قدصدر الاعتراف من الحضرت الواقف بجمیع مانسب الیه فی هذه الصحیفة لدی حررها العبد محمدفـاضل بن شیخ ابوجعفر الخادم والکتاب علی نسختین . [جای مهر][۷]

اعتـرف السید الجلیل دام مجده بمانسب الیه بمافیه لـدی العبد ابـن محمد مؤمن محمد مهدی الخادم . [جای مهر][۸]

۱ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك باسجع : « خلیل‌الله الحسینی » . ۲ـ مهری با سجع :«عبده محمد الخادم الحسینی » . ۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع:« محمدامین ». ۴ـ مهری بیضی باسجع : « ابوالحسن الحسینی » . ۵ـ مهری بیضی کوچك باسجع : «عسکری » . ۶ـ مهری با سجع :«محمدیحیی الخادم الحسینی». ۷ـ مهری بیضی کوچك با نام :«محمدفاضل ». ۸ـ مهری چهارگوشه باسجع:«محمدمهدی الحسینی » .

اعترف السید الحسیب النجیب بما زبر و نسب الیه فیه لدی حررها الکتاب علی الحسینی.
[جای مهر][1]

اعترف جناب الواقف الموفق بمضامین ما احتوی علیه هذه الصحیفة لدی وحررها محمود . [جای مهر][2]

اعترف الواقف الموفق لمطاوی ذلك الصحیفة لدی . [جای مهر][3]

قدصدر الاعتراف عن السید النجیب الواقف سلمه‌الله تعالی بجمیع ما زبر فی هذه الصحیفة الصحیحة من البدایة الی النهایة لدی حررها الداعی . [جای مهر][4]

قدعرض مضمونه صریحاً علی حده . [جای مهری ناخوانا]

سواد مطابق با اصل است ۱۶/۲/۱۳۰۹ . رحیمی

۱ـ مهری بیضی باسجع : « علی الحسینی » . ۲ـ مهری بیضی بزرگ با سجع : « قاضی محمود السلطان الفقیر محمود الفقیر » . ۳ ـ مهری بیضی باسجع : « معین الدین اشرف الحسینی » . ۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « سید تاج الدین ».

۱٤

سواد وقفنامهٔ میرزا بیگ مورخ ۱۰۹۲ هـ . ق .

اصل وقفنامه در سال ۱۰۹۲ هـ . ق . و سواد آن معلوم نشد در چه سالی نوشته شده است . در این وقفنامه امیرزا بیگ بن امیرزاشرف بن سیدجلال‌الدین بن‌میرزابیگ موسوی فندرسکی همگی و تمامی‌املاك خود را بعضی به عنوان وقف و بعضی به عنوان صیغهٔ مصالحه به قبضهٔ تصرف و تملك میرزا ابوطالب ـ فرزند خود ـ داده است و نامبرده هم قرار مذکوررا دربلوك فندرسك به این شرح : تمامی قریهٔ آیش‌خان ، ثلث قریهٔ تلنارود ، نصف قریهٔ شیرین‌آباد ، ثلث قریهٔ برزین‌کل ، ثلث قریهٔ داکانو ، تمامی قریهٔ سیاه‌رود و ثلث قریهٔ ابر از توابع بسطام که مجموعاً شش قلم می‌شود براولادصلبی خود ذکراناً و اناثیاً بالسویه (اما در طبقات بعد للذکر مثل حظ‌الانثیین را باید درنظر گرفته شود) و در صورت انقراض جمیع ایشان بر روضهٔ مطهرهٔ رسول‌اکرم وائمهٔ اطهاروقف کرده وشرایط وقف را درآخر وقفنامه یادکرده است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آب‌و رنگ‌گلستان سخن‌پردازی و گلگونهٔ بهارستان معنی طرازی وقف چهرهٔ دلارای شاهد حمد جهان پیرائیست که منظر رفیع نـه فلك پست‌ترین غرفه از ایوان ابداع اوست و کشور وسیع هفت اقلیم کمترین قریهٔ از شهرستان اختراع او واقف‌السرایری که هرگونه مکنون رازی در درج سینهٔ هیچ‌آفریـده مخزون نگشته که بمهرخازن

وقوف لم‌یزلیش نرسیده و عالم‌الضمایری که ریشهٔ نخل اندیشه در قعر ضمیر هیچ مخلوقی ندویده که مهر جهانتاب مشرق علم ازلیش بر او نتابیده شهنشاهی که از بیم دورباش انوار قاهر قهرمان خیالش نظر تیزرو عقل دانشوران از دورگردان سرادقات مشاهدهٔ جمال استواست و بپشت‌گرمی مسکین‌نوازی مرحمة بیزوالش پروانهٔ شکسته‌بال دل دردمندان در پرواز طواف شمع شبستان وصال او مالك‌الملکی که در تمامی دارالضرب ممالك وجود بشری نتوان یافت که سکهٔ ملکیتش نقش جبین نکرده باشد و ازمـاه تاماهی عـوالم غیب و شهود فلسی بدست نتوان آورد کـه خزانهٔ عامرهٔ قدرتش در تحت تصرف نیاورده باشد مزارع سبز آسمان اگر هفت است و اگـر هفتاد تمامی برشحهٔ از بحـرعطایش تا قیامت هم آغوش سیرابی و بساتین دلگشای جنـان اگر هشت است و اگر هشتاد همگی بقطرهٔ از ابرسخایش ابدالاباد دوش بدوش‌شادابی برآستان عزتش جبههٔ مذلت که سود که بکلاه کیانی سرفرود آورد و بخاك عبودیتش پهلوی مسکنت‌که نهادکه برمسند سلطانی پشت نکرد و سعادت دارین‌خانه‌زاد قدیمی بلند اقبال رضّی‌الفعالی‌که خان ومان دین ودل وقف رضای او ساخته و توفیق نشأتین رفیق صمیمی مبارك فال حمیده خصالی‌که سرمایهٔ مال و جـان درهوای او درباختـه تبارك‌الله این چه رحم و کرم بی‌منتهاست که هرانچه این بندگان قلیل‌البضاعة و این فرومایگان عدیم‌الاستطاعة‌کـه جمله را داغ عبداًمملوکاً لایقدر علی‌شیی‌ءٍ برجبین و همه را اقرارنامچهٔ العبد ومافی‌یده‌کان لمولاه درآستین است ازخزانهٔ رحمت بیدریغ او فرا گرفته و بجهة معـاش و معاد و بواسطهٔ تحصیل صلاح و سداد خـویش در سبل خیرات و وجـوه قربات اتفاق نموده‌اند همگی را باز برذمت همت لـه‌اضعافاً کثیرة سپرده و سبحان‌الله این چه لطف و احسان بیعد و احصاست که کردهٔ توفیق و تـأیید ازلی وآوردهٔ اعانت و امداد لم‌یزلی خویش را بنام مشتی درماندگان بیتاب و تـوان

کـرده و انعام من‌جاء بالحسنةفله عشرامثالها در وجه ایشان مقرر شمرده تعـالی ذاته عن‌ان‌یبلغ‌کنهها‌العارفون وان‌یحیط بوصفهاالواصفون وله‌الحمد والیه ترجعون وزیب و زیور پـریچهرگان محفل‌نکته پروری و حلی‌وحلل دوشیزگان انجمن عبارت‌گستری نامزد برا و دوش دلربای عروس نعت عالم‌آرائیست که بجز از بلبل دستان‌سرای وحی کسی را یارای آن‌نه کـه برشاخسار مدیحش بسراید و بغیراز طوطی شکرخای الهام دیگری را حد آن‌نه که بشهد توصیفش کام و زبـان بیالاید تقدس نـژادی کـه حلّهٔ روحـانیت طراز حقیقتش رادرکـارخانهٔ صنع ازل ازتـاروپود شعاع خـورشید ذات احدیت یافته‌اند وکسوت هیولائی‌نعت صورتش را سمن اندامان حجلهٔ ملکوت‌زادسای تجرد زکارخلقت خویش بصد پیرهن نازکتر یافته فاتحهٔ دیوان شفاعت وخاتمهٔ رسالت مودّت ذوی‌القرباش وسیلهٔ فتوح ومثل اهلبیته کمثل سفینة نوح قدرت نـامتناهی‌الهی درکار مشیّت خویش عبای عصمت بجهة قـامت دلارای او وآل بیهمال او مهیاساخته و بدست ارادهٔ خود ردای طهارت بردوش فلک‌سای او و اهل‌بیت او انداخته تاقیام قیامت سرابستان امـامت وقف اولادی اولاد اطهـار اوست و شهرستان ولایت ملک مـوروثی عترت اخیار او علیه و علیهم صلوات‌اللّٰه‌الملك الرؤف مادامت‌السور مقطعة بالحروف و الآیات مختمة بالوقوف اما بعدکامل نصابان نقودگنجینهٔ دانش و بینش وسرمایه‌داران متاع سفینهٔ آفرینش کـه برهنمونی تعلیم هل‌ادلّکم علی‌تجارة تنجیکم من‌عذاب‌الیم بنیك و بد معاملان دارین پی‌برده‌اند و بنفع و ضـرر معاوضات نشأتین وقـوف تمام پیدا کرده چندانکه برگرد سراپای بندروجود برآمده‌اند و طواف بحربرکشور هستی نموده بهیچگونه تجارتی ظفر نیافته‌اند و سررشتهٔ هیچ نحو معامله بدست نیاورده‌کـه بعین‌الیقین مشاهده نکرده بـاشند کـه در روز بازار رستخیز کـه محل ظهور رنج و خسران‌معاملات وهنگام‌پدیدآمدن‌فایده ونقصان تجاراتست بنقص‌فماربحت‌تجارتهم و

ماکانوا مهتدین مقرون است و بغبن ذلك هوالخسران‌المبین مغبون بغیرازینکه متاع مستعار انفس و اموال را که روزی چند از مقدر ارزاق و آجال بعاریت گرفته‌اند دفعةً واحدةً در معرض بیع‌ان‌الله اشتری من‌المؤمنین انفسهم واموالهم بان‌لهم‌الجنة درآورند و دربیع این بضاعت مزجاة که فی‌الحقیقه ملك طلق مشتریست ومع هذااز غایت لطف و کرم بصدگونه تلطف و دلداری باضعاف مضاعف آن خریداری مینمایند سروموئی مضایقه و مماکسه روا ندارند تابیوم میعاد که هنگام حلول‌اجل است بستان جنان را که ثمن این مبایعهٔ شرعیة الارکان است در تحت تصرف و تملك درآورده بفراغبال در مناظر دلگشای وهم فی‌الغرفات آمنون منزل گزینند و باستراحت تمام برچاربالش علی سرر موضونةمتکئین علیهامتقابلین تکیه زده بزم عشرت یطوف‌علیهم ولدان مخلدون باکواب وابـاریق وکاس‌من‌معین فروچینند و قالوا الحمدلله‌الذی صدقنا وعده و اورثناالارض نتبوء من‌الجنة حیث نشأفنعم‌اجرالعاملین وزارعان مزارع پیش‌بینی و حارثان ولایت عاقبت گزینی‌که گرد خرمن هدایت توتیای دیدهٔ بصیرت ساخته‌اند هرچند دراطراف و اکناف مزرعةالدنیا مزرعةالاخرة تکاپوی نموده‌اند کی‌درین دهکدهٔ فانی توانندکشت‌که ازآفات ارضی و سماوی عالم‌کون وفسادمأمون و از حوادث و سوانح صیفی و شتوی نشأة معاش و معاد بوده باشد جز اینکه بدست اخلاص دانهٔ انفاق در سبیل خیرات و طریق مبرّات بکارند و باب سرچشمهٔ خلوص نیّت و صفای طویت سرسبز و سیراب دارند تا بوقت گرمای روز نشور و موسم وزیدن صرصر نفحهٔ صورکه هنگام باددادن خرمن اعمال ومحل برداشتن کشتهٔ امانی‌وآمال است ریع مثل‌الذین ینفقون‌اموالهم فی‌سبیل‌الله کمثل‌جنةابنیت سبع‌سنابل فی‌کل سنبلة مائه حبّة والله یضاعف لمن‌یشاء بردارند و بوسیلهٔ آن در روزگار درازخالدین فیهامادامت السموات والارض وام‌عیش وشادمانی و فرض نشاط وشادمانی‌که دردوروزهٔ

حبس این سرای فانی برنمهٔ خاطر حزین مانده بگذارند و قالوا الحمدلله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا الغفور شکور بنا برین ارباب کرم و اصحاب همم کـه بانواع هدایات ازلی و اصناف سعادات لم یزلی ارجمندند پیوسته نصب العین خاطر حزین جز این نساخته‌اند که بقدر مقدور در انفاق و انفس و امـوال بواسطهٔ ابتغاء وجه ذوالجلال کمـر جهل برمیان بندند و همیشه مطمح نظر اندیشه غیر این نساخته‌اند که مهما امکن درصرف اعراض دنیوی بجهة افشای ذخایر اخروی بقدم سعی کوشش نمایند چنانکه درین ایام بمددکاری عنایات ربانی ورهنمونی توفیقات یزدانی عالیحضرت رفیع مرتبهٔ متعالی‌ـ منزلت سیادت و نجابت و نقابت نیاه نباهت ومتانت و مناعت دستگاه فضایل ومحامد و کمالات اکتناه حقایق و دقایق ومعارف آگاه جامع المعقول و المنقول حاوی الفـروع والاصـول عمدة السادات و النجباء العظام زبـدة العلماء والفضلاء الکـرام نتیجة عترت سیدالمرسلین سلالـة ذریّة ائمة المعصومین کهف الحاج والمعتمرین زایـر الـرسول و الائمة صلوات الله علیهم اجمعین علامی فهامی نظاماً للسیادة و النقابة و النجابة والسود والفضل والکمال والعزّ والاقبال میرزا ابوطالبا سلمه‌الله تعالی که والدمرحمت وغفران‌ـ پنـاه او و هـو امیرزا بیگ خلف صدق امیرزا شرف بـن سید جلال‌الدین میرزا بیگ الموسوی الفندرسکی همگی و تمـامی املاک خـود را بعضی بعنوان وقفیت بشرایط مخصوصه که از ضمن مستفاد میشود و بعضی بعنوان صیغهٔ مصالحه بقبضهٔ تصرف وتملك او داده بود والی الان در حیطهٔ تصـرف و تملك اوست و اینمعنی ثـابت ومحکوم بـه است چنانکه از دو طغرا وقف‌نامچه و صلح‌نامچهٔ کـه عنوان ومفاصل طومار وهر یك ازآن بمهرعالیجناب اسلام و اسلامیان ملاذی میـرزاعلیرضا شیخ‌الاسلام دارالسلطنهٔ اصفهان وشریعت و فضیلت‌پناه قاضیخان شیخ‌الاسلام ولایت ری وجمعی کثیر ازمعتبرین موشح و معتبر است و بنظـر رسیده و سواد هر یـك ازآن دو صحیفه در ضمن تفصیل

یافته نیز ثبوت شرعی آن ظاهر میشود و از دو طغری سواد طغرائین مذکورین که نواب مستطاب میرزا ابوطالب صدرخاصه و نواب مستطاب میرزا ابوصالح صدرممالك در مطابقه بین السواد والاصل تصدیق اعتبار آن دراصل نوشته و مهر کرده‌اند وبنظر رسیده ثبوت شرعی آن مؤکد میشود و رقم جهانمطاع شرعی نواب اشرف اعلی که بنابر تصدیق صدور و اهالی شرع درآن حکم صریح ثبوت شرعی وقف وصلح مزبورین موافق طغرائین مذکورین که سواد هردو درضمن مسطوراست اقرار واعتراف نموده بعدازآن تقریر نمود که چون ولد مرحوم بنابر شفقتی که باین فقیر داشتند همگی املاك خودرا بعضی را بعنوان وقف بموجب شرایط مسطورهٔ ضمن وبعضی را بعنوان مصالحه چنانکه در ضمن مسطور است باین فقیر ازرانی داشته و اورا باین شفقت اختصاص داده‌اند پس برین فقیر هم لازم‌است که قربةالی‌الله‌تعالی وطلباً لمرضاته وشکراً لنعماته بپاداش بعضی‌از حقوق ایشان کاری کنم که خاطرهیچ یك از فرزندان و فرزند زادگان ازیشان آزرده نشود وهمه را ازین املاك که موروثی والد مرحوم بوده فی‌الجمله نصیبی باشد لهذا بعداز فوت‌والد ماجد مرحوم بسالها قبل‌ازین جهة همشیرهٔ خویش وهی‌تاج‌ـ المخدرات زین‌المسترات سیدهٔ‌جلیلهٔ ستیرهٔ عفیفهٔ صالحهٔ‌نجیبهٔ شمس‌النساخانم از املاکی‌بموجب وقف وصلح مذکورین درحیطهٔ تصرف وتملك اوبودبخشی جداکرده از املاك مصالح عنهما قریهٔ موسومهٔ مدعوه بقریهٔ رزانراتملیك او نموده بتملك مالکانهٔ اوداد وازاملاك‌موقوفه منافع مزرعهٔ موسومه‌بمزرعهٔ طالب‌آباد باما لیهٔ‌قناة مشهوره‌بقناة سپردوزان بوضعی از اوضاع شرعیه که منافی شروط وقفیت نباشد مخصوص او ساخته باین طریق که بمدت سه سال باو بمبلغ دویست دینارکه عبارت از یکعباسی بوده‌باشد باجاره داده تعهد نموده‌ام که هر سه سال یکمرتبه تجدید عقد اجاره بمبلغ مزبور نمایم وتا حال باین وضع بوده وبرخود لازم ساخته‌ام‌که بعدازین هم باین وضع‌باشد و

غرض از اظهاران درین وقت آن است که اهالی شرع و عدول ایـن اقـرار را ازین فقیر بشنوند و درین صحیفه هم مرقوم نمایند که از اولاد خود بطناً بعدبطن التماس دارم کـه چون نوبت تولیت‌املاك بایشان رسد درباب مزرعهٔ مزبوره بـاقناة مذکوره نسبت بفرزندان همشیره همین شیوه را معمول داشته سال بسال حاصل و منافع آنـرا مخصوص ایشان شناخته درآن طمعی وتوقعی ننمایند والحال میخواهم که جهةاولاد و ذراری اناث خویش از املاك مصالح عنها نصیبی تعیین‌کنم که فی‌الجمله تدارك نصیب نبردن ایشان ازاملاك موقوفه نماید لهذا عالیحضرت معزی‌الیه همگی و تمامی حصص معینهٔ معلومهٔ املاك مفصلهٔ مرقومهٔ ذیل‌الکتاب را که مختص متصرف‌فیه است باجمیع توابع ولواحق شرعیه ومضافات ومنسوبات ملیّه از اراضی و صحاری وانهار وجداول و قنوات و عیون وآبـار و معلف و دهکده وباغات وغیـرذلك سیماالشرب والمشارب و مایتعلق بهاشرعاً سمّی‌اولم‌یسم‌قدیماً و جدیداً دایراً او بایراً داخلاً اوخارجاً

قریه	قریه	قریه
معلـومـهٔ معینهٔ واقـع در فندرسك موسوم بآیش‌خان باغ بالتمام	معینهٔ معلومـه تلنارود واقعه درفندرسك بالثلث	معینهٔ معلـومـهٔ معـروفـهٔ شیرین‌آبادواقع‌درفندرسك بالنصف

مزرعه	قریه	از حصه
معینهٔ معلومـهٔ برزین‌کـل و واکانـو واقع در فنـدرسك بالثلث	معینهٔ معلـومـهٔ معروفه بسیاه‌رودبـار واقـع‌در فندرسك بالتمام	معینهٔ معلومهٔ معـروفه بابر فی‌توابع بسطام بالثلث

شش قلم است براولاد صلبی موجودین خویش ذکراناً و اناثاً یعنی میرزا شرف خان محمد و میرزا ابوصالح ومیرزا محمداسمعیل ونجیبهٔ فخیره فخرالنساءخانم و براولادصلبی که انشاءالله تعالی بعدازین تشریف‌رسای وجودپوشیده بانجمن شهودآیند ذکراناً و اناثاً بالسویه یعنی حصهٔ هریك ازبنات باحصهٔ هریك ازبنین مساوی باشد وبعد ازآن براولاد اولاد ایشان و اولاد اولاد اولادایشان ذکراناً واناثاً ماتعاقبوا وتناسلوا نسلاً بعدنسل و عقباً بعدعقب بشرط تقدم بطن اعلاء بربطن اسفل علی مافرض الله یعنی بمقتضای آیهٔ وافی هدایت وللذکر مثل حظ الانثیین در طبقهٔ ثانیه و مابعدآن حصهٔ هریك ازبنات نصف حصهٔ هریك از بنین بوده باشد و هرگاه احدی ازبطن اعلی وفات یابد خواه درطبقهٔ اولی و خواه در طبقهٔ ثانیه و بعد از آن حصهٔ اومخصوص اولاد ذکور و اناث او بوده باشد بمقتضای وللذکر مثل حظ الانثیین فیمابین ایشان انقسام یابد و جمعی که با متوفی در مرتبهٔ تساوی باشند با وجود اولاد واحفاد متوفی در تمامی حصهٔ متوفی بهره نداشته حصهٔ او مخصوص اولاد ذکور واناث او بوده باشد وبا عدم اولاد حصهٔ او متعلق به جمعی باشد که متوفی در مرتبهٔ تساوی باشند اگر در طبقهٔ اولا باشد فیمابین ایشان بالسویه و اگر درطبقهٔ ثانیه ومابعدآن باشد بمقتضای وللذکر مثل حظ الانثیین انقسام یابد واگر العیاذبالله اولاد ذکور واناث واقف معزی الیه منقرض شوند حصص مزبوره وقف باشد براولادذکورواناث اولاد اناث والدماجد واقف وهوالمرحوم المغفورمیرزا بیگ ابن میرزا شرف ابن میرزا بیگ الموسوی الفندرسکی وفیمابین ایشان بمقتضای وللذکر مثل حظ الانثیین انقسام یابد و اگر العیاذبالله ذکور و اناث اولاد واقف و ذکور و اناث اولاد اناث والد واقف منقرض شوند چنانکه هیچکس از موقوف‌علیهم مزبورین باقی نماند حصص موقوفه وقف باشد برزوار مرقد انفس اسمی و قبهٔ سپهراعتلای حضرت سید الکونین ورسول الثقلین وخیرالنبیین المرسلین ورحمة للعالمین اعنی المصطفی الامجد

المحمود الاحمد حبیب‌الله‌العالمین ابی‌القـاسم محمـدصلی‌الله علیه وآلـه وسلم و
سدةالسنیه وعتبهٔ علیه حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتقین ابی‌الائمةالمعصومین قاتل
الکفرة والمشرکین الامام‌المطلق ولـی‌الله و وصی رسوله بالحق اعنی اسدالله الغالب و
مظهرالعجایب و مطلوب‌کل طالب ابی‌الحسن علی‌بن‌ابیطالب علیه‌الصلـوات والسلام و
عتبهٔ رفیعه وسدهٔ منیعهٔ بضعة خاتم‌النبیین المرسلین سیدةالنساء العالمین فاطمةالزهراء
علیهاالتحیة والثنا و زوار مرقد اسنا ومشاهداعلا حضرات‌ائمةالطاهرین وحجج‌الله علی
خلقه اجمعین و اوصیاء رسول رب‌العالمین و ورثهٔ علوم الاولین والآخریـن و خلفاء
الراشدون والائمةالهادون‌المهدیون اعنی الامامین‌الهمامین‌الحسن والحسین و امام ـ
الثقلین‌علی‌ابن‌الحسین والامام‌المطهر الطاهر ابی‌جعفرمحمدالباقر والامام الناطق اباـ
عبدالله جعفـرابن‌الصادق والامام المطهرابا ابراهیم مـوسی‌ابن جعفر والامـام الملقب
بالرضاعلی‌ابن موسی والامام‌الملقب بالتقی محمدابن علی والامام بالنصی‌الجلی ابی ـ
الحسن‌علی الملقب بالنقی و صاحب‌الجود والمنن‌الامام بالحق ابومحمدالحسن بمقام
صاحب‌الامروالزمان‌خلیفةالرحمن‌صلوات‌الله وسلامه وتحیاته علیهم اجمعین‌ازسکنه و
موطنین قصبهٔ فندرسك ومحال‌آن و بلدةالمؤمنین استراباد ومستحقین طلبهٔ علوم‌دینیه
ازقریهٔ ناجیه‌که تشبث بولای اهلبیت اطهارعلیهم‌السلام جسته‌اند خواه در فندرسك و
استرابادساکن باشندوخواه‌در بلدهٔدیگر که متولی وقت‌که درذیل‌تعیین شده بهریك‌ازین
دو صنف‌که اتفاق افتدکلاً اوبعضاً وهمچنین بهریك ازصنف اول‌که اتفاق افتدکلاً او
بعضاً وهمچنین بهریك ازصنف‌ثانی‌که اتفاق‌افتدکلاً اوبعضاً بدین موجب زایری مبلغ‌سه
تومان‌تبریزی وبهرطالب‌علمی مبلغ‌یکتومان وپنجهزاردینارتسلیم نمایند وتولیت حصص
موقوفه راعالیحضرت واقف‌امنه‌الله تعالی‌من‌فزع‌یوم‌الموقف‌اولاً رجوع بنفس‌نفیس‌خود
نموده‌مادام‌حیاً باقیاً ابقاه‌الله‌تعالی وبعدازآن بعالیحضرت میرزا شرفخان محمد که اسن
اولاد اوست و بعدازآن بارشد اسن اولاد ذکور صلبی خویش مـاتعاقبوا و تناسلـوا

بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب و اگر در مرتبهٔ از مراتب ارشدیة بـراسنیّت معارضه نماید ارشد متولی و اسن ناظر خواهدبود و اگرالعیاذبالله ذکور اولاد منقرض شونـد تولیت حصص موقوفه متعلق خواهد بود بذکور اولاد اناث واقف واگر عیاذاًبالله ذکور اولاد هم منقرض شوند تولیت حصص موقوفه متعلق باشد بذکوراولاد اناث‌والد واقف‌و اگرالعیاذبالله آنهم‌منقرض‌شود تولیت‌حصص‌موقوفه متعلق باشدبصدرزمان‌اما بیان‌شروط سابقهٔ درمتن عقدکه وقف بآن لازم ومتحتّم بوده باشد آنکه متولی وقت مادامیکه امر تولیت مخصوص عالیحضرت واقف بوده باشد بعد ازوضع نفقهٔ آن قنواة و بذرومصالح‌ـ الاملاك و سایر مؤنات زراعت و حقوق دیوانی و آنچه سلطان وقت بمقاسمه و خراج میگیرد یك‌نصف عشر حصص وتمامی موقوفه رابعلت حق‌التولیة تصرف خواهد نمود و یکنصف عشر را بشرح مزبور تسلیم زوار حضرات چهارده معصوم صلوات‌الله و سلامه علیهم وطلبهٔ علوم دینیهٔ مزبوره نموده ودرعشر تتمه‌فیما بین موقوف‌علیهم قسمت خواهد نمود و بعـد ازآنکه نوبت تولیت باولاد واقف رسد متولی بعد از وضـع موضوعـات مذکوره یکنصف عشر را بشرح مزبور تسلیم زوار و طلبهٔ‌علوم دین‌نمایـد و یکنصف عشر را بعلت حق‌التولیهٔ خود تصرف نموده و نه‌عشر دیگر را فیمابین خـود و سایر موقوف‌علیهم بشرح مسطور منقسم خواهد نمود و چون تولیة بصدر وقت متعلق گردد بعد از وضع موضوعات مسطوره یکنصف عشر رابعلت حـق‌التولیه تصرف نموده تتمهٔ حصص‌وتمامی مذکوره راکه‌نه عشرونیم‌است بشرح‌مسطور صرف‌زواروطلبهٔ‌علوم‌خواهد نمود واقف مشارالیه تمامی حصص موقوفه را از حیطهٔ تملیك خود بعد ازتکلم بصیغهٔ شرعیه بیرون‌کرده بتصرف وقف داد و اولاد ذکور و اناث مذکورون تصرف نموده بعد ازآن واقف بعنوان‌تولیت قبض‌نمود قبضاً صحیحاً شرعیاً ونیزواقف مشارالیه شرط نمود که حصص موقوفه را نخرند و نفروشند و هبه ومصالحه ومعاوضهٔ تملیك و تملك‌درآن جایز ندارند و باجارهٔ طویله ندهند وزیاده از سه‌سال‌باجاره ندهند وبارباب‌استیلاء و

متغلبه مطلقاً باجاره ندهند نه‌بعقد واحد و نه بعقود متعدده و ناظر برمتولی نگمارند و تعیین‌کنندهٔ این بغضب الهی و سخط رسول و نفرین ملائکه‌گرفتارشود فمن بدّله بعد ماسمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله‌سمیع‌علیم .

قدحرر ذلك في‌اليوم‌الثانی شهرربیع‌الاول‌من‌سنة
اثنين وتسعين بعدالالف‌من‌الهجرة‌النبوة‌المصطفوية
علیه وآله‌افضل‌الصلوة واکمل التحیات تمام شد.

[در دنبالهٔ وقفنامهٔ بالا، وقفنامهٔ زیر اضافه شده است:]

نحمد و نصّلی سعادات اخرویه‌کسی را میسر گردد که همگی اوقات فرخنده‌ساعات خـود را در تحصیل و تکثیر خیرات و مبرّات صـرف نموده تـولا بـولای اهلبیت سیدالمرسلین و اعتصام بمودّت ائمهٔ طاهرین و تشبث بحبل‌المتین نموده سعی‌موفور بتقدیـم رسانیده وکـرایم اموال خـود را ذخیرهٔ یوم‌لاینفع مال ولابنون‌سازد چون توفیقات ازلی وتأییدات لم‌یزلی قرین‌حال وکفیل امـانی و آمال عالیحضرت ستوده‌خصلت فرشته‌طینت قدسی‌فطرت سیادت ونجابت ورفعت‌پناه نقابت وفضیلت وکمالات‌دستگاه مناعت و حشمت و فضایل‌انتباه دقایق و عوارف ومتانت اکتناه خلاصة‌السادات والنجبائی سلالة الفضلاء النقبائـی مستغنی‌الالقابی رفیع‌الجنابـی للسیاده والنجابة و الفضیلة والمناعة والعوارف والدین میرزابیکاالموسوی‌الفندرسکی اصبح احواله واتم بالخیر والسعادةآماله وطول‌الله عمره وزادتوفیقه وغفرلعالیحضرت والدة الماجدالعالی میرزاشرف تغمده‌الله بغفرانه‌العزیز بعد از اطلاع بمعانی‌آیات بینات‌کلام معجزفرجام حضرت ملك‌علام و احادیث دررنظام حضرت سیدانام علی‌قایله‌الصلاة والسلام قال جل جلاله وعم نواله عندکم ینفذو ماعندالله باق و قال علی قائله‌الصلوة والسلام اذامات‌ابن آدم‌انقطع عمله الاعن ثلث صدقة جاریة و علم ینفع‌به و ولد صالح یدعوله همت عالی نهمت خود را به تحصیل مراتب جنات تجری من‌تحتها‌الانهار گماشته در نیکوتـرین

وقتی از اوقات وقف صحیح شرعی و حبس صریح ملی نمود تقرباً الی‌الله‌تعالی و طلباً لمرضاته همگی و تمامی حصص معینهٔ مشخصهٔ معلومهٔ مفصلهٔ ذیل‌الکتاب واقعه در محال فندرسك دارالمؤمنین استراباد هریك با جمیع توابع شرعیه ولواحق ملیّه وکافهٔ مضافات وعامهٔ منسوبات وقاطبهٔ متعلقات ازاراضی وصحاری وانهار وجداول وقنوات و عیون و آبار و قشقات و معلف و دهکده و باغات وقلاع و غیرذلك سیّماالشرب و المشارب وآلات وادوات جدیدیه و حجریة و خشبیهٔ طاحونهٔ ذیل و مایتعلق بهاشرعاً سمی ام لم‌یسم قدیماً و جدیداً دایراً و بایراً داخلاً و خارجاً بدین موجب

قریه	قریه	قریه
معینهٔ معلومهٔ مدعوه بعشقی‌محله بالتمام	معینهٔ معلومهٔ معروفه بسهی‌محله بالتمام	مشخصهٔ موسومه بحاجی ـ کلاته بالتمام

قریه	قریه	قریه
معینهٔ معلومهٔ موسومه بقنقرآباد بالتمام	معلومهٔ‌مدعوه‌بحکیم‌آباد بالتمام	معینهٔ معلومهٔ موسومه بمازورستان باکافهٔ ملحقات و منضمات اسلامیه بقدرحصه بالثلث

قریه	قریه	طاحونه
معینهٔ مدعوه‌بطالب‌آباد با عامهٔ متعلقات وبنه بالتمام	معینهٔ‌معلومهٔ‌مدعوه‌بقریهٔ دکلنه با کافهٔ منظومات بالتمام	معینهٔ مشهورهٔ بطفار دایره بیك سنگ دافعه در اصل قصبهٔ فندرسك بالتمام

که هـر یك در محل وقوع مستغنی‌الحـد و الوصف است از غایت شهرت و نهـایت معرفة مجموع حصص موقوفه ازقری به قلمست سوی طاحونه برفرزند اعزامجد ارشد سعادتمنـد خودش و هوحضرت سیادت و نجابت‌پناه فضیلت وکمالات‌دستگاه دقـایق و عـوارف‌انتبـاه متـانت و منـاعت‌اکتناه سلالةالسادات النجباء العظام کمالاً للسیادة و النجابة والفضیلة و العزّه والدین میرزا ابوطالب ذوی‌الفضل و المجد والاحترام لازال مـرتقیاً فی‌مدارج‌العلـوم والمعانی فـی‌ظل والده‌المعالی و بعدازآن حضرت اطال‌الله عمـره‌العزیز بـرذکوراولاد او اتحدا و تعدد و ذکور اولاد اولاد ایشان مـاتعـاقبوا و تناسلو نسلاً بعدنسل و عقباً بعد عقب بشرط تقدم بطن اعلابر بطن‌اسفل و اگرالعیاذـ بالله ذکور اولاد و ذکورذکور اولاد منقرض شوند وقف باشد برذکور اولاد اناث میرزا ابوطالبا مشارالیه وبعداز ایشان برذکور اولاداولاد ذکورایشان ماتعاقبواوتناسلوانسلاً بعدنسل وعقباً بعدعقب واگرالعیاذبالله اولاد ذکوراناث‌نیزمنقرض‌شوندوقف‌باشدبرذکور اولاد اناث عالیحضرت‌واقف صانه‌الله‌تعالی‌عن‌مصونات‌یوم‌المواقف وبعدازایشان‌برذکور اولاد ذکوراناث ماتعاقبوا وتناسلوانسلاً بعدنسل وعقباً بعدعقب وچنانچه‌اولاد اناث‌رادر هرمرتبهٔ‌ازمراتب اصلاً ومطلقاً بهره ومدخلیتی‌درحصص موقوفه‌نخواهد بود ودر جمیع مراتب شرط تقدم بطن اعلابربطن اسفل در متن عقد وقف شده و اگرالعیاذبالله ذکور اولاد واولاداولاد ذکوروذکوراولاداناث‌ازصلب حضرت میرزاابوطالب مشارالیه وذکور اولاد اناث از صلب واقف منقرض شوند چنانچه هیچ‌کس از مـوقوف علیهم مزبورون باقی‌نماند حصص موقوفه وقف بـاشد برزوار مرقدانفس اسنی وقبهٔ سپهراعتلاء و سدّهٔ سینهٔ غـایـت‌المنتهی حضرت امیـرالمـؤمنین و امـام‌المتقین و یعصـوب‌الـدیـن و قـایـدالعـزّ المحجلین و ابی‌الائمةالمعصومین و قـاتـل‌الکفـرة والمشرکین وخلیفه

سیدالمرسلین وحبیب‌حبیب آلـه‌العالمین و محیط علوم الاولین و الآخـرین ولی‌الله و وصی‌رسوله بـالحق و زوارعتبهٔ علیه و سدهٔ سینهٔ حضرت والارتبت امام‌الشهیدالمعصوم المظلوم‌ثالث‌ائمةالانام‌شمس‌المشرقین‌ونورالعینین وامام‌الکونین‌الذی‌قال‌رسول‌الثقلین الحسین منی و انـامن حسین‌اعنی امام العابد وزین‌الناس و المساجد و زوارسایرائمهٔ مدفونه در سرّمن‌رأی و ارض بغداد و زوار مشهد مقدس اعلـی و مرقدانفس‌اسنی امام مفـرّض‌الطاعـة واجب‌العصمة از سکنهٔ موطنین دارالمؤمنین استرابـاد و مستحقین و طلبهٔ علوم دینیه ازفرقهٔ ناجیه که تشبث بولایت اهلبیت اطهار علیهم‌السلام جسته‌اند و از سفینهٔ نجات از غرقاب هلاکت تخلف نورزیده‌اند خواه دراستراباد و خواه دربلدی دیگرساکن باشند متولی وقت‌که درذیـل تعیین شده بهر یك ازایشان مبلغ پنجتومان تبریزی خرجی راه و چـارواء سواری از حاصل و تمامی حصص مـوقوفه بعداز وضع آنچه در ذیل مستثنی شده داده ایشانرا روانهٔ راه نمایند و همچنین شرط نمود واقف موثق مشارالیه کـه اگر در مرتبهٔ از مراتب بطون سابقه یـا بطون لاحقه جمع شوند بطون سابقه تقدم داشته باشد برلاحقه و اگر احدی از بطن اعلی وفات یـابد حصهٔ او مخصوص اولاد ذکور اوبوده باشد و جمعی‌که با متوفی در مرتبهٔ مساوی باشند باوجود اولاد ذکور واحفاد متوفی درتمامی حصهٔ متوفی بهره نداشته باشند و حصهٔ او مخصوص اولاد ذکور او و ذکور اولاد اولاد او باشد بشرط تقدم بطن اعلی بربطن‌اسفل بـاعدم اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور احصهٔ اومتعلق بجمعی باشدکه بامتوفی درمرتبهٔ مساوی باشند و اناث اولاد اناث را در هیچ مرتبه از مراتب در اعداد موقوف‌علیهم نخواهند شمرد وتولیت حصص موقوفه راعالیحضرت واقف امنه‌الله‌تعالی و بعداز خودبعالیحضرت میرزا ابـوطالبا فرزند ارجمندش وبعدازو بارشد اسـّن ازاولاد ذکـور او مـاتعاقبوا و تناسلوابطناً بعدبطن وعقباً بعدعقب واگر العیاذبالله ذکور اولاد میرزا ابوطالب‌منقطع

شوند متعلق باشد بذکوراولاد اناث ازنسل حضرت میرزاابوطالب بشرط رشد اسنیت و بعدازآن بذکور اولاد و ذکور اناث و هلم‌جراً و اگر ایشان نیزمنقطع شوند امر تولیت مخصوص ذکور اولاد اناث از صلب عالیحضرت واقف مشارالیه بوده باشد و بعد ازآن بذکور اولاد اناث بطناً بعدبطن بشرط مذکور و اگر در مرتبهٔ از مراتب ارشدیت بر اسنیت تعارض نماید ارشد متولی باشد واسّن ناظر خواهد بود واگرالعیاذبالله مجموع اولاد ذکور درجمیع مراتب منقرض گردند چنانچه مطلقاً احدی از ذکور اولاد اولاد ایشان باقی نماند امــرتولیت متعلق بوده باشد بصدر زمان ومنوط برأی صوابنمــای‌او خواهدبودکه تمامی‌حصص بشرح مذکور زوار منقسم سازد امابیان‌شرط سابقه درمتن عقد وقف که عمل بآن لازم و متحتّم بوده باشد آنکه متولی وقف مادام‌که امر تولیت مخصوص‌عالیحضرت واقف و میــرزا ابوطالب بوده باشد بعداز وضع موضوعــات آتیه یکعشر محصول وتمامی حصص موقوفه را بعلةحق‌التولیة تصرف خــواهند نمود و بعد از ایشان یــك‌نصف عشرحاصل وتمامی حصص موقوفه را متولی بعد از وضع نفقهٔ آن قنوات و بذر و مصالح‌الاملاك و سایر مؤونات زراعت و حقوق دیوانی وآنچه سلطــان وقت بمقاسمه خراج میگیرد بعلت‌حق‌التولیة متصرف‌شده یکنصف‌عشررا بشرح‌مذکور تسلیم زوار موصوفهٔ ائمهٔ طاهرین نماید ونه‌عشر تتمه‌را میان خود و سایــر موقوف‌ـ علیهم حسب‌المسطور منقسم سازد مادام‌که تولیت در سلسلهٔ اولاد باشد و چون بصدر وقت متعلق‌گردد بعداز وضع موضوعات نصف‌عشر تمامی حصص موقوفه را بحــق‌التولیه تصرف وتتمه‌که‌نه‌عشرونیم است بشرط مسطور صرف زوارخواهد نمود وواقف مشارالیه تمامی حصص موقوفه را از حیطهٔ تملك خود بعد ازتکلم به‌صیغهٔ شرعیه بیرون کــرده بتصرف واقف داد و میرزا ابــوطالب موقوف‌علیه تصرف‌نموده بعد ازآن واقف بعنوان تولیت قبض‌نموده قبضاً‌صحیحاً شرعیاً ونیزواقف مشارالیه شرط‌نمودکه‌حصص‌موقوفه را

نخرند و نفروشند وهبه ومصالحه ومعاوضه وتمليك وتملك در آن جايز ندانند وباجارهٔ طويله ندهند و زياده از سه سال باجاره ندهند و بارباباستيلا و متغلبه مطلقاً باجاره ندهند نه بعقد واحد و نه بعقود متعدده وناظر بر متولى نگمارند و تغيير كنندهٔ اين بسخط و نفرين و غضب‌الهى و رسول و ملائكه گرفتار گردد فمن بدّله بعدماسمعه فانما اثمه على‌الذين يبدلونه ان‌الله سميع‌عليم .

وحرر ذلك فى ثامن شهر شوال ختم بالخير والاقبال سنة سبع وستين والف ۱۰۶۷.

[برحواشى اين سواد وقفنامه عبارات زير نوشته شده است:]

هو

بسم‌الله الرحمن الرحيم

وقع الاقرار والاعتراف الصحيح الشرعى من السيد الحسيب النجيب الفاضل العزيز المشار اليه بجميع ما اسند اليه من الواقف و تعيين المتولى كما سطر وزبر فى المتن والضمن من المطلع الى المقطع لدى نميقةُ العبد الاقل ابن ابوالقاسم ابوالفضل بهرام عفى عنهما .

[محل مهر شيخ ابوالفضل قاضى استرابادى]

وقفيت دو دانگ ازقريهٔ ابروكل ششدانگ برداعى ثابت و واضح است حرره العبد.

[جاى مهر][1]

بسم‌الله الرحمن الرحيم

وقع الاقرار والاعتراف الصحيح الشرعى من السيد الحسيب النجيب الفاضل العزيز المشار اليه بجميع مااسند اليه من الواقف و تعيين المتولى كما زبر وسطر فى المتن والضمن من المطلع والمقطع لدى الفقير المذنب الداعى للخلود الدولة السلطانيه .

[محل مهر قاضى شيخ قاضى قلعه مياكى سادات] .

۱ــ مهرى بيضى با سجع : «حسين منى وانا من حسين».

اقرار صحیح شرعی از جناب مقدس‌القاب عالیحضرت واقف مومی الیه بوقفیت املاك مزبوره من‌سیور مسطور صادر گردید. [محل‌مهر میرزا کاظم شیخ‌الاسلام مازندران].

قد وضح وصح مانسب الی الحضرة الواقف المؤید الموفق البارع الفاضل الحسیب اطال‌الله تعالی فی طی‌هذه الصحیفه عندی وانا العبدالاقل محمدابراهیم ابن زین‌العابدین النصربن الطوسی عفی‌الله عنه ... والوصی .

[محل مهر میرزا ابراهیم وزیر بیگلربگی استراباد]

قد صدر هذاالوقف المبارك المسطور .... الله تعالی و طلبا لمرضاته العظمی من الحضرت الواقف المؤید بتائیداته کمازبرو طی هذه الصحیفه . . . . . . المذنب محمدالمدعوه بالمحسن البیارجمندی. [محل مهر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

وقفیت سیزده قریهٔ مفصله درمتن بضمیمهٔ یکحجر آسیا ثابت ومحقق است واناالاحقر.
[جای مهر][1]

هذاالسواد مع اصولهما مطابق العبدعزیزالله الحسینی. [محل‌مهر]

هذاالسواد ان مع اصولهما مطابق و ... نموده العبدمحمد امین‌الموسوی .
[محل‌مهر]

هذاالسواد ان مع اصولهما مطابق العبدحیدرالحسینی. [محل مهر]

هذاالسواد ان مع اصولهما مطابق العبدابراهیم ابن بهرام. [محل‌مهر]

هذاالسواد ان مع اصولهما مطابق العبدابراهیم بهرام . [محل‌مهر]

هذاالسواد مع اصولهما مطابق العبدکمال‌الدین حسین بهرام . [محل مهر]

هذاالسواد مع اصولهما مطابق العبد بهرام ابن ابوالحسن بهرام عفی عنه. [محل‌مهر]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «حسین منی وانا من حسین».

۱۵

تصدیق دیوان صدارت مورخ ۱۰۹۷ هـ . ق .
دراین تصدیق‌نامچه قریهٔ بهلول‌آباد و هفت‌باب دکاکین جنب مدرسهٔ عمادیهٔ استراباد و دو دانگ حمام دربنو راکه تا این تاریخ جزء موقوفات موسعه به وظیفه مقرر شده بود، از موقوفات اختصاصی مدرسهٔ عمادیه دانسته است .

الله‌الغالب

ابوطالب بن‌محمدباقرالرضوی

چون از دفتر موقوفات ممالك محروسه تصدیق نمودند که تمامی قریهٔ بهلول‌آباد و هفت باب دکاکین جنب مدرسهٔ عمادیهٔ استراباد و دو دانگ حمام دربنو ازجملهٔ موقوفات مدرسهٔ مزبوره است و ازجملهٔ موقوفات موسعه نیست و قبل از این حاصل قریهٔ مزبوره بقیداینکه از موقوفات موسعه است بوظیفه مقرر شده و موافق شرع و حساب باید حاصل آن صرف موقوف علیه شده و در باب وجه اجارهٔ دکاکین وقف مدرسه‌که هر ساله مبلغ هجده هزاردینار تبریزی است و بموجب مثال لازم الامتثال دیوان‌الصدارة بتاریخ شهر محرم سنهٔ ۱۰۸۰ بوظیفهٔ ملاابوالحسن‌خطیب استرابادی مقرر بوده برطبق عرض طلبهٔ مدرسهٔ مزبوره تعلیقهٔ رفیعه بتاریخ شهرذیحجةالحرام ۱۰۸۶ صادر و از وظیفه تغییر ومقرر شده که صرف ضروریات مدرسه و طلبهٔ آنجا شود و نقض‌آن بدفتر نرسیده ودر این وقت طلبهٔ مدرسهٔ مزبوره بدیوان‌الصدارةآمده مجله درباب وقفیت محل مزبور بر مدرسهٔ مذکوره به مهر سیادت و مرحمت و غفران‌پناه میرمحمد مؤمن عقیلی وحضرات سیادت وفضیلت وافاضت‌پناهان سلالتی-

السادات والنجبا میرزا محمدرحیم و میرزامحمدنعیم خلفی مزبورکه بروقفیت حاصل محل مزبور شهادت‌قلمی و مرحمت و مغفـرت‌پناهان مولانا محمدباقـرالخراسانی و محمدعلـی‌استرابـادی . . . جمعـی از شهـود آن نمـوده بنظـر رسانیده در این باب استدعاء مثال لازم‌الامتثال نمودند ایجاباً لمسئولهم مقررشدکه ازابتداء بارس‌ئیل متولی و طلبهٔ مدرسهٔ مزبوره هرساله حاصل و مداخل موقوفـات مدرسهٔ مزبوره را ضبط و بازیافت نموده موافق شرع‌شریف و شرط واقف بمصارف‌ضروریهٔ مدرسه وطلبهٔ سکنهٔ آنجا مصروف دارند و جمعیکه از محال مزبوره وظیفه گـذرانیده‌اند وظایف خود را ازآنها مقطوع دانسته و بامثله واخطبه‌که دراین باب در دست داشته بـاشند مستندنشوند مباشرین وزارعین و مستأجرین محال مزبوره حسب‌المسطورمقرردانسته حاصل زراعت‌محل‌مزبور و وجه اجارهٔ مستغلات مزبوره راسال‌بسال بلاقصوروانکسار واصل و عاید متولی و طلبهٔ سکنهٔ مدرسهٔ مـزبوره نموده قبض دریافت نمایند کـه حسب‌المقرر صرف ضروریات مدرسه و وجه معیشت خود نموده بدعاگوئی دوام دولت بیزوال ابدی الاتصال اشتغال نمایند و در این‌باب اهتمام تمام لازم دانسته هـر ساله خطاب و مثال مجدد طلب ندارند.

تحریرا فی‌شهرربیع‌الثانی من‌شهور سنة ۱۰۹۷.

[جای مهر][۱]

۱ـ مهری بزرگ با سجع : «الراضی بقضاءالله الغنی ابوطالب‌الرضوی» .

۱۶

سواد وقفنامهٔ حاجی‌قاسمعلی‌الوفنی مورخ ۱۱۱۹ هـ . ق.

در این وقفنامه‌شش‌دانگ‌قریهٔ‌الوفن‌وشصت‌کلاته ودو دانگ‌و نیم یاجنو و یك‌دانگ‌و نیم توکل‌باغ وشش دانگ علیشقلو و شش‌دانگ عیسی‌محله و دو دانگ از دشتی‌کلاته و دودانگ استون‌آباد و دودانگ وطنا و نیم‌دانگ‌از یك‌باب سرای‌مشهور به‌کاروانسرای انارفروشان و سه دانگ یك‌باب دکان‌عصاری‌در میدان شور استراباد و سه دانگ دکان عصاری دیگر متصل به دکان سابق‌الذکر و دوباب خانه و سرای مسکونی خود و شش دانگ یك‌باب‌دکان‌بقالی درمحلهٔ‌کاسه‌گران و باغچه‌بسطو یکه؟ و انبارملکی خود را وقف‌براولاد ذکور خود و بعد از انقراض براولاد اناث خود و بعد از انقراض ایشان برزوار امام‌علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام و تولیت‌آن‌را در دوران‌حیات به‌خودو سپس به اولاد خود اختصاص داده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌نستعین

الحمدلواقف‌الخلایق والشکر لعالم‌الدقایق والصلوة والسلام علی‌اشرف‌الخلایق‌محمد صلی‌الله علیه وآله وعترته‌الدین‌فتح‌بهم ابواب‌المضایق وبعدباعث برتحریراین‌سطور شرعیة‌القواعد والارکان وسبب از تسطیر این زبورملیة‌المعاقد والبنیان آنستکه‌جناب رفعت و معالی‌پناه حمیده خصال نیکو فعال حاج‌الحرمین‌الشریفین حاجی قاسمعلی الوفنی موفق‌بتوفیق یزدانی ومؤید بتأیید سبحانی شده درحال صحت‌نفس وثبات‌عقل و جواز تصرف قربةً الی‌الله وطلباً لمرضاته همگی و تمامی املاك مفصلهٔ‌ذیل خود را

که الی یومنا هـذا در تحت تصرف و یدملکیت خود داشت وقف مخلد وحبس مؤبد بر اولاد ذکـور خود وهم ملاعبدالوهاب و ملامحمـد و ملاعبدالمغیث ومیرزاخـان و عبدالعظیم و عبدالغنی و آنچه بعد ازاین متولد شوند و همچنین براولاد اولاد نسلاً بعدنسلٍ و بطناً بعدبطنٍ املاك موقوفهٔ مشهورهٔ موسومه به

۱ـ الوفن همگی و تمامـی که بعبارةٍ آخری ششدانگ است و مع شش مزرعهٔ آب تسری دهنه .

۲ـ شصت کلاته وصیغهٔ وقف بر آن خوانده شد.

۳ـ یاجنو دودانگ ونیم ازجملهٔ ششدانگ است ازکل.

۴ـ موسومهٔ توکل باغ یکدانگ ونیم ازجملهٔ ششدانگ ازکل.

۵ـ علیشقلوچهاردانگ ونیم ازجملهٔ ششدانگ ازکل وایضاً همگی وتمامی یکدانگ و نیم زـ ـهٔمزبوره راکه درثانی بنحوی ازانحای شرعی مالك وصیغهٔ وقف بر آن ششدانگ خوانده شد .

۶ـ عیسی محله چهاردانگ و نیم از جملهٔ ششدانگ ازکل و ایضـاً همگی و تمامی یکدانگ ونیم قریهٔ مزبوره راکه در ثانی بنحوی ازا نحای شرعی مالك وصیغهٔ وقف براین خوانده شد .

۷ـ دشتی کلاته واقعه در بلوك انزان دو دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل مع همگی و تمامی یکرشته کیومه ؟ واقع است درقریهٔ مزبوره .

۸ـ استون آباد دو دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل مع همگی و تمامی یکرشته قنات که واقع است درقریهٔ مزبوره .

۹ـ وطنا دو دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل .

۱۰ـ همگی و تمامی نیمدانگ از جملهٔ ششدانگ ازکـل یکباب سرای واقعـه در

دارالمؤمنین استراباد مشهور بکاروانسرای انارفروشان که از زوجهٔ خود خریده و بعد از مهمسازی قیمت صیغهٔ آن گفته شد.

۱۱ـ ایضاً همگی وتمامی سه دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل یك باب دکان عصاری که واقع است در میدان‌شور بلدةالمؤمنین استراباد.

۱۲ـ ایضاً همگی و تمامی سه دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل یک باب دکان عصاری واقعه در میدان‌شور بلدةالمؤمنین استراباد و متصل بدکان سابق‌الذکر .

۱۳ـ ایضاً همگی و تمامی سه دانگ از جملهٔ ششدانگ از یك باب دکان‌عصاری‌متصل مذکوراست درقبل باجمیع توابع ولواحق.

۱۴ـ ایضاً همگی و تمامی دوباب خانه و سرای متصل بیکدیگر که واقف مرحوم در آنجا سکنا دارد.

۱۵ـ ششدانگ ازکل یکباب دکان بقالی واقعه در محلهٔ‌کاسه‌گران با جمیع توابع و لواحق .

۱۶ـ باغچه بسطویکه؟ وانبار واقف مزبور و فرعاً بعداصل ماتعاقبوا وتناسلوا بعد از انقراض اولاد ذکور وقف نموده براولاد اناث و العیاذبالله بعد از انقراضهم وقف است بر زوار امام‌الجن والانس‌علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌الاف‌التحیه والثناء و تولیت‌موقوفات مزبورات رامادام‌الحیوة بنفس‌خود وبعدفوته بارشد واصلح‌واتقی اولاد ذکور خود و هر یك از موقوف علیهم بصفات‌فوق متصف‌باشندتفویض ومقرر نموده‌که هرساله متولی مزبور عشرحاصل املاك موقوفه را بعوض حق‌التولیه وضع وباقی را بالسویه فیمابین موقوف‌علیهم‌منقسم‌نمایندوصیغهٔ شرعیه برآن جاری شده وازملکیت خودتخلیه‌نموده‌و بتصرف موقوف علیهم داد و درآنها تصرف نمود و خود تخلیه وتولیت بآنها نموده‌وقفاً صحیحاً شرعیاً لایباع ولایرهن ولایستجار الّا ثلثةسنین فمن بدله بعد ماسمعه فانما

اثمه علی الذین یبدلونه .

وکان ذلك رابع عشر ذی الحجة من شهور سنة
تسعة عشر ومأة بعدالالف من الهجرة النبویة
المصطفویة علیه الف التحیه والثناء سنة ۱۱۱۹.

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

چون نوبت تولیت املاك مذکورات رادر این جزء زمان بعالیشان عزت و سعادت نشان آقا رحیم ارباب که احفاد مرحوم حاجی قاسمعلی الوفنی تعلق یافته خواهشمند شدکه سوادی نوشته شودکه هرگاه بمرور دهور و تصاریف اعوام و شهور وقفنامچـۀ اصـل مندرس و مطموس گردد همین نوشته و سواد مطابق بااصل حجة شرعی باشد تحریر این صفحه صحت ترجمه درغرۀ شهررجب المرجب من شهور سنۀ ۱۲۴۴.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

این سواد مطابق است با سوادمطابق بااصل معتبـر معمول به حرره الاقل خادم اهل ـ العلم والعمل محمدابن محمدطاهر ۲۵ محرم الحرام ۱۳۳۲.

هذاالسواد مطابق لسواد المعتبر المعتمدالمطابـق لاصله المعتمد حرره اربعة ایـام بقین من محرم الحرام ۱۳۳۲ سلام علی ابراهیم الحسینی .

هذاالسواد مطابق للسوادالمطابق للاصل المعتمدالمعتبر بلاتفاوت حرره بیدی فی ۲۶ شهر محرم الحرام من شهور سنة ۱۳۳۲. [جای چهارمهر][1]

۱ـ هر چهارمهر بیضی است. مهر اول با سجع: «عبده الراجـی ابوتراب العقیلی» . مهر دوم با سجع: «عبده محمدالحسینی». مهرسوم با سجع: «عبده محمد ابن غلامعلی» . مهر چهارم با سجع: «عبده محمدالحسینی».

هذاالسواد مطابق للاصل المعتمدالمعتبر حرره فی محرم ۱۳۳۲. [جای دو مهر][1]

هو شهد بمافیه العبد لطیف الحسینی ... ولد مرحوم محمدزکی.

[جای دو مهر][2]

شهد بمافیه الی النهایه. [جای دو مهر][3]

شهد بمافیه العبد شمس الدین الحسینی. [جای مهر][4]

شهد بمافیه العبد حسین دشتکلائی ... مرحوم محمدزمان الحسینی دشتکلائی.

[مهری ناخوانا]

شهد بمافیه الخ. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه لدی العبد ... محمدصالح. [مهری ناخوانا]

اشهد بمافیه خواجه علی ولدمرحوم خواجه مشهدی محمد ساوری. [جای مهر][5]

شهد بمافیه الخ خواجه فتح‌الله ولدمرحوم خواجه ابوالقاسم ساوری. [جای مهر][6]

هو شهد بمضمون المتن العبدالاقل.

شهد بذلك ولد ملك فرامرز هزارجریبی. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه کمترین ... محمدامین ولدمرحوم امیرعمادانزانی. [مهری ناخوانا]

هو من الشاهدین علی ذلك العبدالاقل. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه الخ. [مهری ناخوانا]

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع: «جمال‌الدین محمدالصادق العقیلی» و مهردوم بیضی با سجع: «یاهادی المضلین». ۲ـ هردو مهر بیضی است. مهر اول باسجع: «الحسین دشتکلائی» و مهر دوم ناخوانا. ۳ـ هردو مهر بیضی است. مهر اول باسجع: «حسینقلی ساوری» و مهر دوم باسجع: «عبده حسینقلی». ۴ـ مهری چهارگوشه باسجع: «العبد شمس‌الدین الحسینی». ۵ـ مهری بیضی کوچك با سجع: «یامحمد یاعلی». ۶ـ مهری بیضی باسجع: «عبده خواجه ابوالقاسم».

هو اقر الواقف علی النهج المسطور لدی نمقه الاقل علی جزی .

[جای سه مهر ناخوانا]

شهدت بمافیه میرزا بیگ الموسوی نقیب. [مهری ناخوانا]

اقر الواقف علی النهج المسطور لدی نمقه العبد الاقل محمدعلی نوکندی .

[جای مهر][1]

شاهد ذلك محمدمقیم. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه لدی ابن محمدصالح ساوری .

اقر کماسطر فی المتن مهدی ابن اسمعیل . [جای مهر][2]

شهد بمافیه لدی محمدحسین ساوری . [مهری ناخوانا]

هو بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین بسم الله خیر الاسماء وقع الوقف المذکور بطریق المسطور من الواقف المزبور لدی وکنت نمقه . [مهری ناخوانا]

اقر الواقف المذکور علی النهج المسطور لدی العبد اسحق العقیلی .

[جای مهر][3]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «محمدعلی».

۲ــ مهری باسجع : «علی بن موسی الرضا».

۳ــ مهری بیضی باسجع : «المتوکل علی الله».

۱۷

وقفنامهٔ حاج اسفندیار کتولی مورخ ۱۱۳۲ ﻫ . ق.

در این وقفنامه نامبرده مقدار شش حجر از سی و سه حجر مجرای آب رودخانهٔ کتول کفشگیری را به انضمام شش دانگ خاک زیر کلاته را وقف بر اولاد ذکور خود و اولاد اولاد ایشان و پس از انقراض ایشان بر اولاد اناث خود و پس از انقراض آنان وقف بر مصرف تعزیه‌داری چهارده معصوم و شهدای صحرای کربلا کرده است و تولیت آن را در زمان حیات با خود و بعد از خود به دو نفر از اولاد خود که اصلح و اتقی باشند واگذار کرده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی الخفایا والسرائر والصلوة والسلام علی محمد و آله خیر القبائل والعشایر و بعد وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی اسلامی نمود اشرف ــ الاعیان والاخیار الحاج اسفندیار کتولی من طایفة بلنگک قربةً الی‌الله و طلباً لمرضاته همگی و تمامت مقدار شش حجر ازسی وسه حجـر از مجـرای آب رودخـانهٔ کتول کفشگیری با نضمام ششدانگ خاك زیر کلاته بحدود مفصله شرقاً متصل به‌تنور سروا(؟) غرباً متصل است بجهر بزرگ حاجیلر جنوباً متصل است بولیك تنگه شمالاً متصل است بگردشگاه نهر پیچاك محله بر اولاد ذکور و ذکور از ذکور از ذکور و هکذا علی النحو التشریك بمعنی آنکه هر که از اولاد ذکور که بر او ذکور از ذکور صادق است از این وقف سهیم است برادرزاده با عمو و پسر باپدر بنحو تساوی حصه و نصیب می‌برد و بقدر او بهره‌ور میباشد ما تعاقبوا و تناسلوا و برفرض انقراض العیاذبالله ذکور از ذکور اولاد اناث منتسب بواقف خواه از ذکور خواه از اناث بجای آنها باشند و در تقسیم بهم متساویند ولـو

دختر با وجود مادر و خواهر باوجودخاله وعمه‌زاده با وجودعمه برابرسهم‌برند بعداز انقراض اولاد اناث العیاذبالله وقف است برمصرف تعزیه‌داری چهارده‌معصوم وشهداء صحرای‌کربلا هرساله متولی وناظر عصر منافع‌ومنال‌ملك مزبور را جمع‌آوری نموده پس‌از وضع موضوعات موقوفه و وضع حق‌التولیه بموقوف علیهم درطبقات اولادی و بمصرف تعزیه‌داری درصورت اخیر برساند و قرار تولیت و نظارت آن‌را مادام‌الحیوة با شخص شخیص خود و بعد از خود بدونفرکه نسبت بسایرین اصلح واتقی باشند چه از طبقات ذکور و چه اناث و بعد از انقراض هما بدونفراعلم و اصلح واتقی از اهل بلوك کتول باشند که در هر طبقه از طبقات وقف دونفر متصدی امور موقوفه باشند یکی بعنوان متولی یکی بعنوان نظارت دخالت درامرموقوفه ووصول وایصال ومصرف بنمایند و قرار حق تولیت ونظارت راعشرازمنافع موقوفه‌که بینهما علی‌السویه تقسیم شود وصیغهٔ وقف عقداً و ایقاعاً بر نحومذکور جاری شد وقبض بعمل آمد فصاروقفاً صحیحاً لازماً بحیث‌لایباع ولایوهب ولایرهن.

وکان وقوع ذلك فی۲۰ شهررجب فی‌سنهٔ ۱۱۳۲ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

اینجانبان درمجلس وقوع حاضربودیم . [جای پنج مهر][1]

قداعترف‌الحاج‌المسطوربجمیع‌مارقم‌فی‌الورقه فی‌التاریخ ۲۳ رجب‌المرجب۱۱۳۲.

[جای دومهر][2]

۱ـ چهارمهر بیضی و یك مهر چهارگوشه است . مهر اول با سجع :« قوام‌الله » ومهردوم با سجع : « الموسوی » . ومهر سوم با سجع : « علی‌اصغر» و دومهردیگرناخوانا است .

۲ـ هردومهر بیضی است.مهراول با سجع : « محمدقلی‌ابن محمد زمان » . مهردوم با سجع: « همایون‌الموسوی » .

هوالواقف قد وقع جمیع مارقم فیه من الوقف والعمل فی عشرین رجب من شهور ۱۱۳۲ لدی الاقل. [محل دومهر][1]

هو ذلک الکتاب لاریب فیه فی التاریخ. [جای دومهر][2]

۱۸

وقفنامهٔ مورخ ۱۱۳۹ هـ. ق

در این وقفنامه حاجی محمد یوسف بیکا ناظر سابق بیوتات سرکار خاصه همگی و تمامی قریهٔ ربیع کلاته وقریهٔ سیاه‌بلو و قریهٔ حصن قاضی و قریهٔ دابوکلاته ومزرعهٔ عبدالغنی وقریهٔ سقال‌دوین واقع در بلوك استراباد رستاق و قریهٔ سعدآباد و قریهٔ نیملله وقنوات واقع در بلوك برزمهین‌رستاق را برطلبهٔ مدرسهٔ واقع در محلهٔ کاسه‌گران و سوخت مشهد حضرت رضا علیه‌السلام و اولاد خود ذکوراً و اناثاً وقف کرده و شرایط وقف‌را درآخر وقفنامه آورده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی السرایر والشکرلله المطلع علی الضمایر فنحمده حمداً یوافی نعمه و نشکره شکراً یکافی کرمه و هوالذی وقف العبادالمخلصین لایقاع الخیرات واکتساب المبرّات ذخیرة لیوم العرصات والصّلوة والسّلام علی سیّدالانبیاء والمرسلین محمد و آله المطهّرین المعصومین الواقفین لحقایق الدّین المبین اما بعد در اینوقت توفیق دارین و سعادت

۱ــ مهر اول چهار گوشه با سجع: «المتوکل علی‌الله المبین». مهر دوم بیضی با سجع: «عبده محمدقاسم بن نظام‌الدین». ۲ــ هردو مهر بیضی است. مهر اول با سجع: «عبده محمدتقی». از مهر دوم کلمات: «ان‌الله عبده» خوانده می‌شود.

نشئیتن شامل حال خیریّت اشتمال عالیقدر گرامی مقدار والاتبار ستوده فطرت حمیده طویّت ملکی سجیّت منیع مرتبت معلی منزلت مرضیة الاخلاق والاوصاف اعنی جامع صفات حسنه و حاوی عـادات و حالات مستحسنه عارج معارج توفیقات وراقی مراقی سعـادات بانی المبرّات بادی الخیرات کهف الحاج و المعتمرین ضیاء للرفعة و العزّه و المجد و الاقبال حاجی محمد یوسف بیکا دام عزّه ناظر سابق بیوتات سرکارخاصه گشته از روی کمـال رغبت و اختیـار وقف صحیح شرعی وحبس صریح ملی نمودند قربتاً الی الله و طلباً لمرضاته همگی و تمامی و جملگی املاك و مزارع و رقبـات مفصّلهٔ ذیل را که تا حین جریان صیغهٔ وقف درید تصرّف و قید تملك شرعی ایشان بوده

عن املاک

واقع در بلوك استرابادرستاق

قریـه

ربیع کلاته واقعه در بلوك ایضاً ازقنوات وزهابی وناورونیم حجر حقابهٔ رودخانهٔ حورولی چهاردانگ نیم ازشش دانگ ازکل با جمیع توابع ولواحق

قریـه

حصن قاضی که مقسوم شده با توابع و لواحق شرعیـه از نیم حجر حقـابهٔ رودخانه وغیره مع اراضی خرگوش بنه متصله بمزرعهٔ عبدالمؤمن بالتمام

قریـه

سیاه بلوسوای خانقاهه محصوره بحصارو باغات و قنات باغ مع اراضی مقسومهٔ قریهٔ هفتوکلاته بتوابعها ولواحقها از حقابهٔ رودخانه وغیره بالتمام

قریـه

دابوکلاته واقعه در بلوك ایضاً سه دانگ نیم ملکی مع حق الحفر قنـوات کـه بشراکت ورثهٔ موجود علی عزالدین لو دارد با جمیع توابع ولواحق شرعیه

مزرعه

عبدالغنی که متصل است بحصن قاضی و سیاه‌تلو بالتمام و سه دانگ از شش دانگ قریهٔ نومل باجمیع متعلقات آن

قریه

سقال‌دوین واقعه در بلوك ایضاً چهار دانگ مع‌حق‌الحفر قنواتی که واقعند در قریهٔ مذکوره و ناوریکه بشراکت آقاابراهیم موسوی در قریهٔ مزبوره واقع میباشد

عن املاک

واقعه در بلوك برزمهین‌رستاق

قریه

سعدآباد سه دانگ ملکی وازقنوات بدینموجب

قریه

نیملله یکدانگ‌نیم‌ملکی‌وازقنوات‌و ناو بدینموجب

قنوة	قنوة
دخیره العصا	شراکت میر
پنجدانگ حق	نقی و غیره‌ثلث از
حفر قنوة	پنجدانگ‌حق‌حفر

قنوة	قنوة
زمان دودانگ	شراکت‌ملاابراهیم
نیم ازپنجدانگ	ثلث ازپنجدانگ
حق‌حفر	حق‌حفر

قنـــوة	قنـــوة	قنـــوة	قنـــوة
بزرگ تلئبان از پنجدانگ حق‌ـ الحفر	جدید پنجدانگ حق‌الحفر	.... دودانگ‌نیم از پنجـدانگ حق‌الحفر	دو دانگ‌نیـم از پنجدانگ حق‌ـ الحفروسه دانگ ناور

برطلبهٔ مدرسهٔ رفیعهٔ واقعه درمحلهٔ‌کاسه‌گران که عالیقدر معلی شأن واقف مشـارالیه خود بانی آن است و برغیر آن‌ازمصارف شرعیّه بنهجی‌که درطی‌تفصیل مندرج‌می‌گرددو برسوخت سرکار فیض‌آثـارحضرت امام رضا علیه‌السلام و براولاد خود ذکـوراً واناثاً بطناً بعد بطن وعقباً بعد عقب وهکذا

مصارفـــــــــــــــــــه

مدرسه و سرکارفیض آثار و سایر

نقـــــد	جنـــــس		
۳۱ تـومـــان	بـوزن بلـــده ۱۵۳ خـروار		
	بوزن بلده	....	نفط
	۱۵۳ خروار	۲۴ من	۱۷۷ من

بطلبهٔ علوم دینیهٔ مدرسه و غیره

نقـــــد	جنـــــس		
۲۶ تومـــان	....	....	نفط
	۱۵۳ خروار	۱۴من	۱۷۷من

وظیفه

طلبه وغیره

نقد	جنس		
۲۳ تومان	۴۸ خروار		

طلبه		حق التدریس	
بیست حجره منهای حجره ...		شلتوک بوزن بلده	
.....	شلتوک	.....	۵خروار
۱۰تومان	۴۰خروار	۱۲تومان	

حق التلاوه	حق الراتبه
قاری مدرسه سوای وظیفهٔ حجره	سوای وظیفهٔ حجره
یک تومان	۳خروار

مواجب

جماعت مذکوره و غیره

نقد	جنس		
۳تومان	....	.....	نفط
	۵خروار	۲۴من	۱۷۷من

مواجب	روشنایی
مؤذن مدرسه وغیره	چهارچراغ و یک مشعل بقرار ماهی بوزن بلده بدین موجب

نقـــــد جنـــــــس ــــــــ ــــــــ نقـد جنس

۲۴ هزاردینار شلتوك بـوزن بلده چـراغ دادن چراغ‌گلدستهٔ ۲خروار

۵ خروار مدرسه مدرسه

مؤذنـــــان خـــــادم مدرسه عدد ۲۰ عدد ۲۰

مدرسه‌و غیره بوزن وجه نقـــد ــــــــ ــــــــ

بلده ۱۲هزار دینار چـراغ صفهٔ چراغ خلای

۵ خروار مدرسه مدرسه

چـــــــراغچـی .... عدد ۲۰ عدد ۲۰

چهارچراغ‌ویك‌مشعل نقد جنس نقـــــــــــد

وجـه نقـــد ...بجهةچهار بجهة یکمشعل‌که دروسط

یازده هزار دینار چراغ مذکور مدرسه نصب خواهد شداز

... سالانـــه قرار ۲۰ماهی۱۵تومان...

۲۴ تومان ۱۷۷ تومان

فتیـــــله سوخـــــــــت

بجهـــة مشعل جهـــة سرکارفیض‌آثـــار و

چهـــارچراغو غیره

یك مشعل از ۷۲ خـــروار

قرار ماهی‌پنج

من شش هزار ــــــــ ــــــــ

دینار سوخت‌سرکار اجرت ...

۶۰ خروار ۱۲ خروار

المصارف

نقد	جنس
۲ تومان	شلتوک ۲۶ خروار
حمامی	**وظیفه**
سیاه‌تلو مقرر باشد هرساله مقدار مذکور را بحمامی داده‌که حمام را دایر داشته از توابع و ساکنین آنمحل اجرت‌حمام مطالبه ننماید هر سالی بوزن بلده سوای یکرشته کاریز حمام ۵ خروار	معلم سیاه‌تلوهی سالی بوزن بلده ۶ خروار
حمامی	**وظیفه**
دو رویه مقرر آنکه هرساله‌مقدار مذکور رابحمامی داده‌که حمام‌را دایر داشته‌از مسلمانان ساکنین آنمحل و توابع‌اجرت حمام مطالبه ننماید هر سالی بوزن بلده شلتوک ۵ خروار	معلم قریهٔ نیملله مقرر آنکه بهمین وظیفه اطفال‌مسلمانان‌آن‌محل را تعلیم‌درس‌نماید هر سالی ۲ تومان
مؤذنان	**حق‌التولیه**
سیاه‌تلو بقرار سالی ۷ خروار	سوی .... کل نقد — جنس ۳ تومان — ۶ خروار

بشرط آنکه املاک موقوفه را نخرند و نفروشند و مرهون نسازند و باجارهٔ شخص غیرمتدین نداده وزیاده از سه سال باجاره ندهند ومحصولات آنها را بسلف نفروشند و تولیت وقف مزبور را واقف معظم‌الیه بنفس نفیس خود تفویض نموده مادام حیاته و بعد ازوفات خود بارث اولاد ذکورخود و اگر اولاد ذکور واقف معزی‌الیه العیاذ بالله منقرض شود تولیت وقف مزبور متعلق باشد باصلح و ارشد اولاد ذکوراناث‌هکذا بطناً بعد بطن و اگرالعیاذبالله اولاد واقف منقرض شود تولیت وقف مزبور تعلق داشته باشد بطالب علم اصلح ارشد متدین که دربلادالمؤمنین استراباد متوطن باشد مقرر آنکه‌هر ساله بعد از وضع خراج سلطانی و حقوقات ملکی و تنقیهٔ قنوات و غیره اخراجات بنحو مقرر حق‌الطلبه را از نقد و جنس و حق‌التدریس وحق‌الریاسه وسایراخراجات روشنایی و سوخت سرکار فیض‌آثار ومواجب مؤذن و حمامی ومعلم را چنانچه درفوق تفصیل یافته تسلیم و از باقی حق‌التولیه خود را از نقد و جنس بازیافت نموده تتمهٔ مداخل‌آنچه باقی‌بماندرمیان ورثهٔ واقف‌معزی‌الیه‌کمافرض‌الله للذکرمثل‌حظ‌الانثیین قسمت نماید و اگر العیاذبالله مداخل اعیان موقوفه باعتبار نزول تسعیرات یاقلت زراعت کسر نماید کسرآنرا در جمیع حقوقات مفصله و مصارف مرقومه موافق حصّهٔ شرعیه منظور ورسد بهمهٔ رسد رساند وقفاً صحیحاً شرعیاً مؤبداً مخلّداً فمن بدّله‌بعد ماسمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم

وکان ذلك فی‌تاریخ عشرین‌شهر ذی‌قعدة‌الحرام‌من شهور
سنة‌تسع‌وثلثین وماة‌بعدالالف‌من‌الهجرة‌النبویة‌المصطفویة
علیه و آله‌آلاف الاف‌من‌السلام والثناء والتحیه وصیغهٔ
شرعیهٔ وقف مزبور کما وقع فی‌الشریعة‌المقدسة الرفیعه
بالعربی والفارسی‌واقع‌گردید . سنهٔ۱۱۳۹.

[جای مهر واقف]

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

هو

واگر العیاذبالله موقوف‌علیهم منقرض شوند موقوفات مزبوره وقف خواهد بود بر فقراء زوّار ائمّه انام علیهم‌الصلوة والسلام و واقف مزبور دامت توفیقاته موقوفات مزبوره را بتصرف موقوف‌علیهم مزبورین متن داده من‌بعد تصرف او درااملاك مزبوره بعنوان تولیت است و تعمیر مدرسهٔ مزبوره مقدمست برسایر مصارف و صدور و سایر عمال‌دیوانی‌را بهیچ‌نحو دخلی درموقوفات مزبوره نخواهد بود وبشرح مصالحه‌نامچهٔ علیحده متصرفین قریهٔ نومل مزبور متن را حق‌الارض در بعضی از اراضی ناور قریهٔ ربیع‌کلاته مزبور متن بود و بموازی دوازده خرواربوزن بلده شالی مصالحه شده بود باید متولی مزبور ازجمله منافع ناور مزبور مادامی که ناور مزبور وآنچه بوده باشد مال‌المصالحه را مقدم‌برسایرمصارف بمتصرفین‌ششدانگ قریهٔ مزبوره علی‌قدرحصصهم برساند وبنهج مسطور صیغهٔ شرعیه خوانده شد .

تحریرا فی تاریخ‌المتن .

[جای مهر واقف]

السواد مطابق‌للاصل نمقه‌الجانی‌محسن‌الحسینی‌بن محمدهاشم . [جای مهر][1]

ذلك الکتاب لاریب فیه هدیً للمتقین .... الحسینی محمدکاظم . [جای مهر][2]

بسم‌الله‌تعالی شأنه

احقرعباد این‌سواد راکه چهاروصله می‌باشد مقابله‌کردم با سواد دیگرکه ممهوراست

۱ــ مهری بیضی با سجع : «عبده محسن‌الحسینی» . ۲ــ مهر بیضی که کلمات : «الله، محمد و علی » درآن خوانده می‌شود .

بامهار جمعی از موثقین و معتمدین بر تطابق آن سواد با اصل وقف‌نامه موافق یافتم

حرره‌العبدالاذل . [جای دومهر][1]

السواد مطابق للسواد . [جای مهر][2]

السواد مطابق للاصل . [جای مهر][3]

السواد مطابق للسواد . [جای مهر][4]

۱۹

سواد وقفنامهٔ حاجی فولاد خلف حاجی محمدصالح استرابادی مورخ ۱۱۴۸ ﻫ . ق .

دراین وقفنامه سه دانگ قریهٔ ساور کلاته من اعمال فخرعمادالدین و یك سنگ و نصف حجر از رودخانهٔ سرخان‌محله را بر اولاد ذکور واناث خود و پس ازانقراض ایشان براقارب خود و پس‌از انقراض ایشان برطلاب علوم دینیه وقف کرده است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی واقف علی السرائر والمطلع علی الضمائر والصلوة والسلام علی محمد وآله‌هم خیرالقبایل والعشایر امابعدالحمدوالتصلیه باعث بر تحریراین سطورخالی از قصور آنست که چون دنیا محل ارتحال و مطابق حدیث صحیح الدنیامزرعة الاخرة انسانرا ضرور که قبل‌ازارتحال ازاین‌دارغرورتوشه برای‌سفرپرشور برداشته زاد راه‌خود نموده

۱ــ هر دو مهر بیضی . مهراول بیضی بزرگ با سجع : «افوض امری‌علی‌الله عبده عبدالله» . مهر دوم بیضی‌کوچکتر با سجع : «عبده‌الراجی حبیب‌الله‌الموسوی» . ۲ــ مهری‌بیضی بزرگ با سجع : « عبده‌الراجی محمدالحسینی » . ۳ـ مهری بیضی با سجع : « عبده محمدتقی‌الحسینی » . ۴ــ مهری چهارگوشهٔ ناخوانا .

باشد لهذا وقف صحیح شرعی قطعی اسلامی مخلّـد نموده و حبس دائمی مؤبد کرد عالی‌حضرت ستوده‌خصلت نیکوسیرت کهف‌الحاج والمعتمرین حاجی فولادخلف صدق مرحمت‌پناه حـاجی ملا محمدصالح استرابادی همگی و تمامـی سه دانگ ازکل ششدانگ قریهٔموسومهٔ معروفهٔبساورکلاته‌من‌اعمال فخرعمادالدین رامع یك سنگ و نصف حجراز همگی رودخانهٔ سرخان‌محله باجمیع توابع ولواحق‌شرعیهٔ‌آن‌ازجنگل تراش ویورت ماه بکه وقنوات دایره و بایره وآنچه انتفاع درآن‌متصور گردد براولاد ذکور و اناث خودبطناً بعدبطن والاقرب فالاقرب للذکرمثل‌حظ‌الانثیین وبعدانقراضهم العیاذبالله وقف براقارب واقف‌بوده وبعدهم وقف برطلبهٔ علوم دینیه وواقف‌موفق‌تولیت موقوفه را مفوض بنفس‌نفیس خود داشته حق‌تولیت‌رااخماساً قرارداد نمود وبعدتولیت موقوفه رابراکبرواصلح‌اولاد خودذکوراً مفوض‌داشته ضیغهٔوقف جاری واقباض‌شرعی و شروط وقف بعمل‌آمـده وقفاً صحیحاً شرعیاً اسلامیاً فمن‌بدلّه بعد ماسمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدّلونه .

وکان‌ذلك فی‌شهرجمادی‌الثانی ۱۱۴۸ .

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

السواد مطابق‌للاصل‌الاصیل‌المعتبر العبدالجانی محمد طبیب .

[جای سه مهر][1]

السواد مطابق‌للاصل‌الاصیل‌المعتبرها العبداقل‌ابوالقاسم طبیب . [جای دومهر][2]

ذاواصله‌سیّان العبدالجانی . [جای مهر][3]

۱ــ دومهر بیضی‌باسجع:«عبده ابوالقاسم» ومهری چهارگوشه با سجع: «اللهم‌صل‌علی‌محمدوآل‌محمد». ۲ــهردومهربیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی‌ابوالقاسم». ۳ــمهری بیضی با سجع : « عبدالمطلب‌الحسینی » .

السواد مطابق للاصل کتبه العبد الاثم . [جای مهر][۱]

السواد مطابق للاصل . [جای مهر][۲]

السواد مطابق للاصل الاصیل والاصل مختوم بخاتم جدی کتب الجانی الراجی آقا مصطفی ولد مرحوم آقامحمد رفیع استرابادی . [جای مهر][۳]

السواد مطابق للاصل المعتبر کتب الجانی. [جای دومهر][۴]

السواد مطابق لاصله العبد الجانی ملامحمدباقر منجم . [جای دومهر][۵]

السوادمطابق لاصله الاصیل نمقه العبد الجانی ملاحسن بهشتی. [جای مهر][۶]

السوادمطابق للاصل الاصیل نمقه العبد الجانی الذلیل مجتهد العصری حاج محمدشفیع. [جای دومهر][۷]

والسوادمطابق لاصله الاصیل الجلیل المعتبر لدی الاحقر الجانی الراجی ملاآقا محمد پیشنماز عبده محمدبن یوسفعلی . [جای دو مهر][۸]

هذا مطابع للاصل . [جای دومهر][۹]

۱ـ مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی محمد حسین » . ۲ـ مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی محمد هادی » (آقامحمدهادی استرابادی) . ۳ـ مهری بیضی با سجع « عبده الراجی مصطفی الموسوی ». ۴ـ هردومهر بیضی است. مهراول با سجع : «عبده الراجی محمدجعفر»(ملاجعفر امیر کلائی)ومهر دوم باسجع: «عبده الراجی جعفر الحسینی» (آقامیرجعفر قاری) . ۵ـ هردومهر بیضی است . مهراول با سجع : « المتوکل علی الله عبده محمدباقر » و مهر دوم با سجع : « عبده الراجی محمدحسین الحسینی » (آقا میرمحمد حسین خادم) . ۶ـ مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی محمدحسن » . ۷ـ هردو مهر بیضی با سجع : « عبده الراجی محمد شفیع » . ۸ـ مهر اول چهارگوشهٔ بزرگ با سجع : «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد جعفر»(آقاجعفر بریحان) و مهر دوم بیضی با سجع : «عبده الراجی محمداسمعیل» (ملااسماعیل عبادی) . ۹ـ هر دو مهر بیضی با سجع : «اللهم صل علی محمد وآل محمد » .

در تاریخ ۱۴/۹/۱۳۰۶ تلو نمرهٔ ۲۰ ثبت دفتر اوقاف شد . امین معارف و اوقاف استراباد.
۲۳ اردی بهشت ۱۳۰۶ تلو نمرهٔ ۴۲ دردفتر اوقاف استراباد ثبت شد . اسدالله اسفندیاری.

[مهر ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد]

۴۰

سواد وقفنامهٔ آقاعبدالله ولد حاجی شیخ لطف‌الله قاضی بلدة ـ المؤمنین استراباد مورخ ۱۱۹۰ هـ . ق .
دراین وقفنامه تمامی نه‌سهم از یکصد و بیست سهم قریهٔ شمشك با توتستان واقعه درآن با حقابهٔ رودخانه و یك دانگ ازجملهٔ ششدانگ یك باب آبدنگ واقعه در خارج دروازهٔ بسطام را بر دختر خود فاطمه و دخترزاده‌اش خیرالنساء و اولادایشان ذکوراً واناثاً برقاعدهٔ للذکر مثل حظ الانثیین وشروط وقف را در آخر وقفنامه یادکرده است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی الخفیات والسرائر فالصلوة والسلام علی سیدالانام محمد و آله افضل القبائل والعشایر و بعدالحمد والصلوة بنا بر مضمون صدق مشحون حدیث نبوی صلوات‌الله وسلامه علیه حبس الاصل وسبل الثمرة و خبر خیر اثر خیر المآل ما انفق فی سبیل‌الله وقف مؤبد وحبس مخلّد نمود حسبةً لله وطلباً لمرضاته عالیجناب ستوده‌مآب گرامی انتساب نجابت واصالت‌پناه آقاعبدالله خلف ارشد مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌ـ جایگاه حاج الحرمین الشریفین حاجی شیخ لطف‌الله قاضی بلدة المؤمنین استراباد صانها ـ الله عن التفرقه والفساد درحال صحت نفس و ثبات عقل وادراك شعور وسداد رأی و نفاذ امر برعصمت‌پناه فاطمه صبیهٔ خود ومسماة خیرالنساء دخترزادهٔ خود که موجودند درزمان

وقف و برمن سیوجدمن الحضرت الواقف و بر اولاد ایشان واولاد اولاد ایشان بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل ذکوراًکانوا اواناثاً ماتوالدوا و تناسلوا و تعاقبوا علی طریق الارث فللذکر مثل حظ الانثیین کما قرّه الله تعالی فی کتابه الشریف همگی و تمامی نه سهم از یکصد و بیست سهم از کل قریهٔ معروفهٔ مشهورهٔ شمشك مع مزرعهٔ توتستانی واقعه در آن مع حقابهٔ رودخانهٔ متعلقه بمزرعه وقریهٔ مزبوره عن آنچه انتفاع توان برد و ملکیت را شاید و سزد و اراضی عامره وغامره من القلیل والکثیر و همگی و تمامی یکدانگ از جمله ششدانگ یکباب آبدنگ واقعه درخارج دروازهٔ بسطام که بشراکت عالیحضرت ...... آنچه تعلق بآن دارد وبقید تملّك درآید وشروط سابقهٔ واقعهٔ درآن آنکه مادام بقاء بطون ذکور و اناث واقف مشارالیه بطریق ارث از منافع املاك موقوفه بعد از وضع اخراجات ملکی و عوارضات مفصلهٔ ذیل بهره میبرند و بعد انقراضهم العیاذبالله وظیفهٔ ثانیه وثالثه و هکذا بمثل طبقهٔ اول سهیم درمنافع اعیان میباشند و هریك از ذکور و اناث برحمت ایزدی واصل شوند حصهٔ او بوارث اوکه اولاد اوست تعلق خواهد داشت علی طریق الارث و شرط دیگر در ضمن عقد آنکه هرساله بعدازاخراجات ملکی و عوارضات دیوانی وحق التولیهٔ متولی شرعی مبلغ ششهزاردینار وجه نقد ازمنافع اعیان موقوفهٔ مرقومهٔ متولی اعیان مزبورهٔ موقوفه وضع نموده بشخصی که کمال قراروقابلیت در تلاوت کلام مجید ربانی داشته باشد داده هر یومی نیم جزو از کلام الله را برسرقبر یا غیرقبر واقف تلاوت نموده که درسالی شش ختم ازقاری مزبور صدوریابد و ثواب آن را بروح واقف مزبور تفویض نماید و تولیت اعیان موقوفه را واقف مزبور بنفس نفیس خود مادام الحیوة مفوض داشته و بعد ازممات باصلح و اعلم و افضل ازاولاد واقف و هرگاه موقوف علیهم متصف بصفات مزبوره نبوده باشند باصلح واعلم وافضل بلدهٔ مزبوره بوده بعد از اخراجات دیوانی و عوارضات ملکی مادام الحیوة الواقف آنچه از منافع اعیان موقوفه بماند عشر از منافع اعیان موقوفه تعلق بموقوف علیهم و نه عشر دیگر

تعلق بواقف معزی‌الیه داشته باشد و بعدموت‌الواقف نه‌عشر ازمنافع اعیان موقوفه بعد از اخراجات ملکی و عوارضات دیوانی تعلق بموقوف‌علیهم داشته‌که فیمابین ایشان منقسم و یک‌عشرحق‌التولیه تعلق بمتولی شرعی داردکه صرف معیشت خود نماید و هرگاه خدانخواسته موقوف‌علیهم بالمرة منقرض گردندکه احدی ازایشان باقی‌نماند و لوکان‌بعیداً منافع‌اعیان‌موقوفه تماماً بعداز وضع اخراجات ملکی‌ودیوانی وحق‌التولیه تعلق .... بطلبه و محصلین‌بلدهٔ مزبوره‌که همگی همت خود را مصروف بتحصیل‌علوم دینیه داشته‌اندخواهد داشت‌که بینهم‌علی‌السویه تقسیم‌نمایند وشرط دیگرآنکه اعیان موقوفه را نباید برسه عام تمام باجاره بدهند نه‌بعقد واحد ونه بعقودمتعدّده فمن بدله بعدماسمعه‌فانّما اثمه علی‌الذین‌یبدّلو نه وقفاً صحیحاًشرعیاً .

وکان‌ذلک‌فی‌غرهٔ شهرربیع‌الثانی من‌شهور سنهٔ ۱۱۹۱ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیرنوشته شده است :]

اقرالواقف‌الموفق بجمیع مارقم‌فیه‌لدی حرره .

اقرالواقف‌الموفق بجمیع مارقم‌فیه‌لدی حرره . [جای دومهر][1]

قدوقع‌الوقف‌کمازبرفیه‌فی‌المتن‌والحواشی نمقه‌العبدعلی‌نقی‌ابن‌حسنعلی‌الاسترابادی مشهورببالو . [جای مهرمرحوم بالو]

بسم‌الله‌الواقف‌علی‌السرائر قدسمعت‌من والدی‌الامجدسلّمه‌الله‌وابقاه ان‌السوادمطابق للاصل‌والاصل‌واقع عنده‌دام‌مجده وانااقل‌العبدعبده مفیدالموسوی .

[مهری ناخوانا]

۱ــ مهراول چهارگوشه با سجع : « افوض‌امری‌الی‌الله عبده حاجی‌علی » و مهر دوم بیضی با سجع : « عبده سیدرضا » .

بسم‌الله تعالی شأنه

قدسمعت من والدی وخانی رحمهما الله بالوقفیه علی النهج المسطور و هـذا السواد مطـابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی عبده محمدحسین الموسوی .

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز السوادمطابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی الخاطی.
[جای دومهر][1]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز السواد مطابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی.
[جای مهر][2]

بسم‌الله جل شأنه ذاکاصله المعتبر سیان نمقه العبدالخاطی . [جای دومهر][3]

بسم‌الله خیرالاسماء ذاکاصله المعتبر سیان نمقه الجانی . [جای دومهر][4]

بسم‌الله خیرالاسمـاء وقع الوقف المذکور علی النهج المسطور مع شرایط من المبدء الی المقطع بمحضری . [جای مهر][5]

بسم‌الله جل شأنه قد وقع الوقف من الواقف المعزی الیه کما ز بر و سطر فی المتن و الهامش بمحضری نمقه الجانی . [محل مهر ساحت و غفران پناه رضوان جایگاه آقا محمد کاظم الموسوی و عالیجناب مقدس الالقاب فضائلتمآب قدوة السـادات العظـام آقا محمد الموسوی دام عزه]

۱ـ هردومهر بیضی است . مهراول با سجع : « عبده محمد رفیع الموسوی » ومهردوم با سجع : «مصطفی الحسینی» . ۲ـ مهری چهارگوشه با سجع : «عبده الراجی اسمعیل الموسوی» . ۳ـ هردومهر بیضی است. مهراول با سجع: «عبده الراجی نصرالله الموسوی» و مهر دوم با سجع : « عبده علی نقی الموسوی » . ۴ـ مهری چهـار گوشه بـا سجع : « عبده الراجی محمدرضا .....» و مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی احمد الموسوی » .
۵ـ مهری با سجع : « احقرعباد احمدبن محمدرفیع الموسوی » .

بسم‌الله خیر الاسماء ذاکاصله الاصیل المختوم بخاتمی نمقه الخاطی [جای سه مهر][1]

السواد مطابق للاصل والاصل الاصیل عندی نمقه الجانی المتوکل علی الله .

[جای مهر][2]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز السواد مطابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی .

[جای مهر][3]

۲۱

سواد وقفنامهٔ علی‌محمد آقا خلف محمودخان دولوی قاجار مورخ ۱۲۰۴ هـ . ق .

دراین وقفنامه یك سهم ازچهارسهم از یك ربع از یکدانگ از کل ششدانگ قریهٔ شموشك را بر گلدستهٔ مسجد جامع استراباد وقف‌شده است که آنچه مداخل آن یك سهم می‌شود به مؤذن آن گلدسته داده شود .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی الضمائر و المطلع علی السرائر والصلوة
والسلام علی محمّد و آله خیر القبائل والعشایر امّا بعد

چون توفیق الهی شامل حال و کافل احوال خیریّت مآل عالیجاه معلی جایگاه عزت و سعادت‌پناه عمدة الاعاظم والاعیان و نتیجة الافاخم والارکان سرکار علی‌محمد آقا خلف علیّین‌

۱ـ دومهر بیضی ویکی چهار گوشه. مهر اول با سجع: « عبده زین العابدین الموسوی». مهر دوم با سجع : « عبده محمد کاظم الموسوی » و مهر سوم با سجع : « عبده محمدعلی الموسوی » . ۲ـ مهری بیضی کوچك با سجع : « عبده هادی » . ۳ـ مهری بیضی با سجع : « عبده محمدمهدی الموسوی » .

آرام‌گاه محمودخان دولوی قاجار گردید و وقف مؤبد و حبس‌مخلد نمود همگی و تمامی یك‌سهم ازچهارسهم از یکربع از یکدانگ ازکل ششدانگ ازقریهٔ شموشك را با جمیع متعلقات‌آن بر گلدستهٔ مسجد جامع دارالمؤمنین استرابادکه‌آنچه‌مداخل آن یك سهم مزبوره شود بمؤذن آن‌گلدسته داده شودکه خرج وصرف مدد معاش‌خود نماید مخفی نماندکه مادامیکه عالیجناب ملاابراهیم خادم حیوة دارد اولویّت دارد بردیگران و بعداز او ملازین‌العابدین پسراو و بعد اولاد دیگر ملا محمّدابراهیم اولویّت دارند برسایرین و تولیت بنفس نفیس سرکار واقف موفق است و صیغهٔ وقف جاری‌گردید وعمل بوقفیت شده فمن بدله بعدماسمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم وقفاً عاماً صحیحاً شرعیاً .

وکان بتاریخ سنهٔ ۱۲۰۴ .

[دربالای این سواد عبارات زیرنوشته شده است :]
الفرع مع‌الاصل‌المعتبر مطابق وموافق فی‌جمادی‌الاولی سنهٔ ۱۳۰۶ .

[جای مهر][۱]

عبارت‌متن مطابق‌است با اصل معتبر و عبارت‌هامش از هوالمستعان تا والسلام مطابق است‌نیز با اصل‌که خط وخاتم‌شریف‌مرحمتمآب خلدنصاب‌فردوس‌ایاب‌آقای‌شریعتمدار ملامحمدعلی اشرفی طاب‌ثراه است فی‌الربیع‌الاخرعام ۱۳۰۶ .

[جای دومهر][۲]

۱ـ مهری بیضی‌شکل با سجع : « اللهم صل‌علی‌محمد وآل‌محمد » . ۲ـ دومهر چهارگوشه . مهربالایی با سجع : « یا صالح‌المؤمنین » و مهر زیر آن باسجع : « الراجی الی‌الله‌عبده کریم » .

هوالمستعان

در روز بیست‌وششم جمادی‌الاخر از سنهٔ هزاردویست شصت هشت واقف موفق‌اعتراف بروقف مز بوردر تاریخ مسطور نموده والسلام . [محل‌خاتم شریعتمداراعلی‌الله‌مقامه]

بسم‌الله تعالی شأنه

هذاالسواد مطابق‌لاصله‌الاصیل‌المعتمدالمعتبر تطابق‌النعل‌بالنعل متناً و هامشاً حرره الاقل فی ۲۵ جمیدی‌الاولی ۱۳۰۶ . [جای مهر][1]

السواد مطابق‌لاصله‌المعتبر المعتمد من‌المتن والهامش ولقدحررته بیدی‌فی‌جمادی‌ـ الاولی ۱۳۰۶. [جای دومهر][2]

۲۲

وقفنامهٔ آقامحمد خان قاجار مورخ ۱۲۰۶ ه . ق .

دراین وقفنامه تمامی عمارات واقعه در دارالمؤمنین استراباد بالواحق و مضافات و منضمات که خود بنا کرده‌اند بر ائمهٔ اثنی‌عشری وقف کرده و تولیت آن‌را به‌عهدهٔ صادق‌سلطان کردمحله‌ای تفویض نموده‌است .

هوالواقف

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

آقا محمدخان قاجار

حمدوثنا شایستهٔ ذات سلطان‌لامکانی است‌که عمارت دلگشای وسیع‌الفضای گردون‌را

۱ـ مهری‌بیضی‌کوچك باسجع: «محمد هادی».

۲ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «اللهم‌اغفرلمصطفی» و مهری چهارگوشهٔ ناخوانا.

بنای قدرتش بی‌آب وگل بنـا نهاده و فلك قمر را مهتـابی‌آن قرار داده آفتـاب را شمسة‌الطاق نموده و پرتو مهر و خطوط شعاعی را شادروان و طنابهای آن دیوان‌عالی رواق فرموده ازماء وطین‌منظر خوش‌منظر انسانی ساخته وقلوب مؤمنین را برای خلوت خاص خویش از غیرپرداخته الحمدلله‌الذی خلق‌السموات والارض فی‌ستّة‌ایام ثم‌استوی علی‌العرش یغشی‌اللیل‌والنهار یطلبه حثیثاً والشمس والقمر والنجوم مسخّرات‌بامره ـ الاله‌الخلق والامر تبارك‌الله رب‌العالمین و درود غیر محدود بر رسول محمودی بادکه محرم خلوتسرای حضرت‌الله و برجانشینش‌که مولد شریفش بیت‌الله است صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم وبعد پوشیده نماندکه چون در این‌عالم خاك وآب تاکسی برای‌خیرخشتی پای کار نیارد و در قصور جنان منزل نگزیند ودراینجهان پرانقلاب تا احدی بجهت تعمیر لباس‌نیکوکاری برنخیزد ودر عرفات‌آمنین ننشیندهرکه حلقه‌کوب درسعادت‌نشد ابواب ثمان هشت بهشت بررویش مفتوح نگردید وآنکه زال‌گران‌مهر بی بهردهر را طـلاق نـدادشاهد گشاده‌روی حورعین را تنگ در برنکشید بناءً‌علیه خالصاً لوجه‌ـ الله و طلباً لمرضاته وقف صحیح مؤبد وحبس صریح مخلّد فرمودند بانی‌بنای قربات و واضع اوضاع خیرات سریرآرای مسند عدالت‌گستری و زینت‌فزای دیوان داد دهی و رعیت‌پروری نوشیروان‌وش که در بـازار سنجیدگی میزان عدالتش صعوهٔ سبك‌قدر با شاهین‌گران‌سنگ هم‌ترازواست وسپهکشی‌که در عهد مردانگی وشجاعتش زال‌ضعیف با رستم دستان قوی چنگ هم‌باز و از گلهای بوستان دولتش رایحهٔ باغ ارم می‌آید و از رزمگاه صولتش بوی خون سیاوش و رستم بمشابهت شمشیر عالم‌گیرش ماه نوشهرهٔ هر شهر وانگشت‌نمای آفاق است و از رأی عالم‌آرای وفاق اقتضایش‌آب و آتش‌چون تیغ تیزش بیك‌جا درمقام اجتماع و اتفاق کامکارنامدارجمشیدقدرسکندر اعتبارصاعد مصاعد عزّت وبزرگواری وعارج‌معارج‌شوکت وشهریاری متخلق باخلاق ربّانی‌متحقق باوصاف اشراف انسانی مالك ممالك احسان و البسالة و سالك‌مسالك‌الایمان والعدالة

سلطان السلاطین ورأس الخواقین المؤیّد بتأییدات الملك الغفار ابو المظفر المؤید المنصور ادام‌الله ظلال رأفته علی مفارق العباد و خلدالله دولته فی جمیع الامصار والبلاد. تمامی عمارات جنت‌بنیاد واقعه در دارالمؤمنین استراباد را با جمیع لواحق و مضافات و منضمات و شوارع را که بانی آنها بندگان ظل اللهی وواضع آنها اعلیحضرت سلطنت‌پناهی‌اند برائمهٔ اثنی‌عشر صلوات‌الله الملك الاکبر تا ثواب وقفیت عاید روزگارفرخنده آثار نواب خاقانی وواصل ایام سعادت‌فرجام قاآنی گردد وتولیت آنرا بعالیشان‌مصلی‌مکان سمّو المنزلة والشأن عمدة‌الاعاظم والاعیان صادق سلطان کردمحلهٔ و بعد باصلح و ارشد اولاد او بطناً بعدبطن و نسلاً بعدنسل مفوض فرمودند وخراب‌کننده وتغییردهندهٔ آن بلعنت خدا و ائمه‌هدی گرفتار باد فمن بدّله بعد ماسمعه فانّما اثمه‌علی الذین یبدّلونه .

وکان ذلك فی سادس شهرجمادی‌الثانیه من‌شهورسنهٔ ۱۲۰۶ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله تعالی شأنه

قدوفق و وقف دامت ایام دولته‌العلیه‌العالیه جمیع مارقم فی‌الورقه‌کمارقم‌لدی .

[جای مهر][1]

هوالواقف‌علی‌الضمائر والسرائر قدوقف‌الواقف‌الموفّق‌المؤید بتأییدالله‌الملك‌المنان للأئمة‌الاثنی‌عشر علیهم‌السلام جمیع‌مارقم فیه وفوض‌التولیه الی‌صادق‌سلطان لدی و کنت‌الداعی‌لدوام‌الدوله . [مهری ناخوانا]

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده محمدحسین »

۲۳

وقفنامهٔ کربلائی محمدشفیع مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق .

در این وقفنامهٔ کربلائی محمد شفیع خلف آخوند ملا اسماعیل زیارتی تمامی سه‌دانگ مشاع از کل ششدانگ از هریك ازهر دو باب خانهٔ بزرگ و کوچك متصلتان به‌یکدیگر مسکونتان واقف وسه قطعه زمین مزارع خشکه‌کاری واقعه درخارج قریهٔ زیارت خواسته‌رود به‌شرح بین سطور متن با یك قطعه زمین باغچه واقعه درجنب‌قریهٔ مزبوروقف کرده است برعموم تعزیه‌داران خامس آل‌عبا و بر تعزیه‌داران‌خاتم‌الانبیاء که صرف اکل و شرب اهل تعزیه‌ازچای وقهوه وقلیان وشربت وطعام به‌اقتضاء زمان نمایند و تولیت‌آن‌را به‌خود و ارشد و اصلح اولاد ذکور خود واگذارد .

الحمدلله الواقف‌علی‌السّرائروالمطلع علی‌الضمائروالصّلوةوالسّلام علی خیرخلقه و مظهر لطفه محمّدوآله خیرالقبائل و العشائر و لعنةالله علی معاندهیم و مخالفیهم الی یوم تبلی‌السّرائر و بعد بر واقفان موافق توفیق ظاهر و روشن و برپیشگاه باطن اهل تحقیق ثابت و مبرهن است‌که این دنیای غدّار ناپایدار جای اقامت و محل استقامت نیست و انتقال از دارغرور بمقام سرور لابد و ضرور است انّماالدّنیا فناء لیس‌للدّنیا ثبوت انماالدّنیاکبیت نسجته‌العنکبوت بمفادالدّنیامزرعةالاخرة و بمضمون برگ عیشی بگورخویش فرست کس نیارد زپس‌توپیش‌فرست افشاندن تخم راستکاری سبب ادراك ربیع رستگاری است کما قال‌الله تبارك وتعالی وماتقدّموالانفسکم من‌خیرتجدوه‌عندالله هرکه در ربیع حیوة تخم عملی افشاند درخریف ممات اورا بسرمنزل‌جنّات تجری‌من

تحتها الانهار رساند علی‌هذا موفق بتوفیقات یزدانی گردید عالیحضرت رفیع‌المنزلت خیرالزوار پسندیده‌اطوار کربلائی محمّدشفیع خلف صدق‌مرحمت‌مآب آخوند ملا اسماعیل زیارتی که‌حسبةً للّه وطلباً لمرضاته وقف صحیح مؤبّد شرعی و حبس‌مخلدملی اسلامی نمود ذخیرة لیوم‌النّشور و ودیعة لدارالسّرود همگی و تمامی سه‌دانگ مشاع از کل‌ششدانگ‌ازهریك ازهر دوباب‌خانهٔ بزرگ‌وکوچك متصلتان بیکدیگر مسکونتان واقف‌موفق زید توفیقه واقعتان درمحلهٔ دربنو که درخارج مشخصه و معیّنه‌اند باکافهٔ متعلّقات شرعیه و منضمات عرفیّه و عادیهٔ آن مع انضمام سه‌قطعه زمین مزارع‌خشکه‌کاری واقعه در خارج قریهٔ زیارت‌خواسته‌رود ازقرار تفصیلی‌که اسامی هریك ومقدار سهم واقف‌که وقف نموده بین‌سطور مذکور می‌گردند

زمین‌چسب‌گاه‌تمامی‌حصه‌و رسد واقف که در خارج معلوم است	زمین‌سرتخته‌معینهٔ‌درخارج حصه و رسد واقف‌که در خارج معلوم است	زمین‌جوزستان‌که‌درخارج مشخصه است تمامت شش دانگ

و باضمیمهٔ‌یکقطعه‌زمین‌باغچه واقعه در جنب‌قریهٔ مزبوره‌متصله‌بقریه‌تمامی‌ششدانگ با جمیع توابع ولواحق آنها ازآنچه قابل انتفاعند من‌تخوم‌الارض الی‌عنان‌السماء برعموم تعزیه‌داران خامس‌آل‌عبا گلگون قبای عرصهٔ‌کربلا ثالث‌الائمة‌النجباء والنّقباء حضرت ابی‌عبدالله علیه وعلی‌ابنائه‌الطاهرین وعلی‌اصحابه الف‌آلاف‌التّحیّة والثناء وبر تعزیه‌داراران حضرت‌خاتم‌الانبیاء ووصیه وزوج‌ابنته‌وابن‌عمّه‌اسدالله‌الغالب‌علی‌المرتضی‌و الصدیقة‌الطّاهرة فاطمة‌الزهراء والمظلوم‌الممتحن المجتبی‌المقتول بسمّ‌الحفاء و سایر ائمهٔ هدی و مصابیح دجی علیهم و علی‌اصحابهم و اتباعهم‌آلاف‌التحیة والثناء که همه ساله منافع و مداخل اعیان موقوفه بعد از تعمیر لازم صرف شود درمصارف اکل‌وشرب اهل تعزیه ازچای و قهوه و قلیان و شربت واطعام باقتضاء زمان بهر قسمیکه متولی

صلاح داند و باید اقامهٔ تعزیه در خانهٔ واقف درپای منبری که فعلاً درآنخانه حاضرو موجود است برپا شود و نیزحق‌ذاکر ازمنافع موقوفه داده شود و قرارداد تولیت اعیان موقوفه را با خود و بعد بااصلح و ارشد اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور خودنسلاً بعد نسل و بطناً بعدبطن ماتعاقبوا و تناسلوا و هکذا الی ان یرث‌الله الارض و من‌علیها و حق‌التولیه را عشر از منافع مقرر نمود که متولی در هر عصری اخذ و دریافت نماید صیغهٔ وقف عقد اوایقاعاً کماقررت فی‌الشّریعة‌الطاهرة بوکالت حضوریه از واقف موفق سمت جـریان پذیرفت و قبض و عمل تحقق یافت فصارالوقف لازماً بحیث‌لایباع و لایوهب و لایرهن فمن بدّله بعدماسمعه‌فانمااثمه‌علی‌الذین یبدلونه ان‌الله‌سمیع‌علیم، این چندسطر برسبیل وقف‌نامچه قلمی‌گردید که عندالحاجة سند و مستند بوده باشد.

کان وقوع ذلک‌فی‌شهر ربیع‌الثانی من‌شهور
سنة‌خمس‌وثلثمأة‌بعدالالف‌من‌الهجرة‌النبویّة
المصطفویه‌علی‌هاجرهاالثناء والتحیة‌۱۳۰۵.

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیرنوشته شده است:]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

واضح‌باشد جناب‌حاج‌حسین رنگ‌محلهٔ مازندرانی وحاج‌محمدابراهیم‌رنگ‌محلهٔ مازندرانی سه دانگ مشاع ازکل‌ششدانگ ازخانهٔ بزرگ‌مرحوم‌کربلایی‌محمدشفیع که واقع است در محلهٔ دربنوکه ازمرحومهٔ عمه‌اش‌که مسماة است‌به بی‌بی‌زهرا زوجهٔ موجه مرحوم‌کربلایی‌محمدشفیع بوده‌است‌که‌بحسب‌الارث‌تعلق‌گرفته‌بودبه‌مشارالیهماو مشارالیهما این سه‌دانگ را وقف نمودند مثل آن سه‌دانگ دیگرکماً وکیفاً وتولیة عین موقوفه با خود واقفین مادام حیات وبعد باصلح اولادذکور ایشان نسلاً بعدنسل‌و

صیغهٔ وقف‌جاری شد .

وکان‌ذلك فی۱۸ شهر جمادی‌الاولی‌سنهٔ ۱۳۶۴ هجری .

[جای دومهر][1]

قد وقع‌الوقف‌المرقوم والعمل به‌مافیه کمافیه‌لدی الاثم فی‌التاریخ. [جای مهر][2]

قد وقع‌مارقم فیه‌من وقف سه‌دانگ خانه وزمین‌جوزستان‌خواسته‌رود فی‌التاریخ .

[جای مهر][3]

هو صحیح و مترتّب‌الاثر است تحریراًلتسعةایام خلون من‌شهر ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ .

[جای دومهر][4]

بسم‌الله تعالی شأنه

بعد ماثبت وقف مافیه کمافیه منه رحمه‌الله حال‌حیوته‌والعمل به‌لـدی الاحقر اقر عموم‌الورثه بعد وفاته بمافیه کمافیه‌لدی‌الاحقر. [جای دو مهر][5]

هو وقف صحیح لازم قداقل‌الورثه‌به وبالعمل به‌لدی‌الاقل حررته. [جای مهر][6]

بی‌بی‌زهراء زوجهٔ موجهٔ مرحوم کربلائی محمدشفیع‌اعترفت بمافیه‌لدی الاقل‌وکان فی‌شهر ربیع‌الثانی هزار وسیصد و هجده ۱۳۱۸. [جای مهر][7]

۱ـ مهری کوچك بیضی باسجع : «محمداسمعیل‌الحسینی» و مهری کوچك بیضی‌دیگر با سجع: «یاحسین». ۲ـ مهری کوچك‌بیضی باسجع : «ادرکنی یا اباالقاسم» .
۳ـ مهری بیضی‌کوچك با سجع: «عبده‌الراجی محمدعلی». ۴ـ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی ابراهیم‌الحسینی» ومهری بیضی کوچك باسجع « عبده‌الراجی...الحسینی » .
۵ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع : «عبده‌الراجی‌محمدالرضوی» و مهری چهارگوشه‌با سجع : «اللهم ارزقنی شفاعةالحسین». ۶ـمهری‌کوچك‌بیضی با سجع : « عبده‌محمدحسن » .
۷ـ مهری‌کوچك بیضی با سجع : « محمد طاهرالحسینی ».

۲۴

وقفنامهٔ آقامیرزا علی‌نقی‌خان فندرسکی مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق.

دراین وقفنامه آقامیرزا علی‌نقی‌خان‌فندرسکی معروف به سرتیپ‌خان عوائد سه دانگ از قنات از دارونکهٔ کلوکن بالمزارع والتوابع و سه‌دانگ قنات باقرآباد و سه دانگ‌قنات شراکتی عباسقلی‌بیگ[1] را وقف کرده است برکافهٔ مؤمنین و عامهٔ متشرعین دین محمدی و مذهب جعفری‌که در خانهٔ واقف در شهر استراباد درمحلهٔ نعلبدان برای تعزیه‌داری خامس آل‌عبا گردآیند و تولیت آنرا ابتدا به‌خود و پس‌از ممات به ارشدو اتقی اولاد ذکور برگذارکرده و شرایط وقف را در آخر وقفنامه ذکر کرده است .

باعث تحریر ورقهٔ تحریر رقبه و تقریر حدقه و تفجیر غدقه به اجراء صدقه‌ایست بیان‌حال آنکه سیادت و سعادت مساعدت و توفیق و مراتب مرافقت و موافقت‌نموده است‌حضرت سیدالخوانین العظام نتیجةالاطایب‌الکرام الحسیب‌النسیب‌الماجد النجیب سلالةالسادات‌النجباء والأعیان‌مقرب‌الخاقان‌سرکارذی‌اقتدارسرتیپ‌خان‌اعنی آقامیرزا علینقی‌خان [2] فندرسکی اطال‌الله بقاه وزاد فی‌علاه که طلباً لمرضات‌الله و قربةً الیه وقف‌مؤبد عام‌لازم وحبس‌مخلد تام جازم نموده‌اند این هفت‌قلم اعیان املاك مفصلهٔ مکتوبه بین‌السطور بطن‌المسفور را

۱ـ پس از این سه‌رقبه ، به‌علت‌تاخوردگی سند و عدم توجه هنگام عکس‌برداری چهار رقبهٔ دیگر محو شده است.

۲ـ زیر اسم علی‌نقی‌خان مهری بیضی‌کوچك‌است با سجع : «علینقی‌الموسوی ۱۲۷۲».

سه دانگ از قنات ازدار ونکهٔ کلوکن بالمزارع و التوابع	سه‌دانگ قنات باقرآباد	سه دانگ قنات شراکتی عباسقلی بیگ

. . . .

بر کافهٔ مؤمنین و عامهٔ متشرعین متشیعین دین‌محمدی و مذهب جعفری اثنی‌عشری صلوات‌الله و سلامه علی‌اولهم الی آخرهم در مصرف مخصوص عموم وجوه مخارج تعزیه‌داری‌شاه‌عرش مکین‌ماه‌آسمان‌تمکین‌غبطهٔ ملائکهٔ مقربین صرفهٔ‌انبیاء و اوصیا و شهداء و صالحین ریحان رسول‌الله خاتم‌النبیین کلید در بهشت‌برین مطاف‌الثقلین الامام‌الهمام والبدرالتمام ابی‌عبدالله‌الحسین ارواح‌الجن والانس‌فداه وغیره من‌الائمة والانبیاء والشهداء وغیرهم‌ممن یلحق به‌علیه‌السلام فی‌الذکر عرفاً وعادتاً در دههٔ‌عاشورا درخانهٔ کاشانهٔ خود واقف‌معظم‌الیه‌که نشانهٔ روضهٔ رضوان و بهانهٔ‌کسب درجات‌جنان‌و در شهر استراباد درمحلهٔ نعلبندان واقعه است ازمخارج صرف‌نهار در ده روز عاشورا به هروجه و هر کیفیت‌که سزد و شاید و هرچه خواهد بروفق قاعده و تعارف وازقبیل تعارف روضه‌خوان هرچه و هر قدر لایق و گنجایش باشد بروجه متعارف و از قبیل وجه قند و چائی و تنباکو و شمع و امثال اینها حتی فقراء سائلین پای منبر و ازقبیل فرش اطاقها و رواقها و دورهٔ حسینیه و هرچه هرجالازم است و از قبیل ظروف‌مس‌و اشباه این اسبابها و چنانکه منافع اعیان براین محاویج لایقه‌زاید آید ایضاً در ماه صفرالمظفر تعزیه‌داری نمایند مه محرم و ماه‌صفر بهم یاروز ... بهم رسیده دو شهری عزا دارند . . . .

و تولیهٔ وقف را به نفس نفیس خالی ازشائبهٔ سمعه و تلبیس‌خود واگذاردندو بعد ازخود بهمهٔ اولادذکور خودیعنی باتفاق واستحضاریکدیگر دارائی‌اعیان‌موقوفه‌و

اعمال آنها و صرف محصول بر وجـه مقرر نمایند بااطلاع و استحضار یکی ازعلماء محلهٔ نعلبندان که در مسجدجامع پیش‌نمازی‌هم‌داشته باشند والا فعندالانفراد منفرداً مع‌العالم الموصوف و نظارت موقوفه را واگذاردند بجناب مستطاب‌آقا آقا بزرگ‌بن مرحوم‌آقا عبدالجواد رضوی . . . .
و حق‌المتولی مع‌الاجتماع والانفراد . . . . وصیغهٔ وقف عقداً و ابقاعاً بقسمیهاالعربیة والفارسیة مع‌حضورالواقف‌المعظم‌الیه‌المزبور قدجرت فـی‌اول الرّبیعین من‌السنة‌الخامسة من‌العشر للاول من‌المأة‌الرابعـة من‌الالف‌الثانی من‌الهجرة الهاجرة بمباشرة منی محررالحروف‌النائرة مجری‌الکلمات الباهرة اقل‌حفظة‌الشریعة الطاهرة علی‌صادعها‌الصلوات‌الزاهرة مادامت‌السماوات دائره والنجوم سائره .

[جای دو مهر][1]

[برحاشیهٔ این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده‌است:]

بوقفیت مفصلهٔ مزبوره اعتراف نمود مقرب‌الخاقان سرتیپ ادام‌الله توفیقاته بآنچه در ورقه مسطور است بلاشك مـوافق با مقصود ایشان است حرره‌الاحقر .

[جای دومهر][2]

قداقر حضرت‌الواقف زیدتوفیقاته و تأئیداته و عزه و شوکته بمافی‌الورقه من‌الوقف والصدقه الحارثه علی‌الکشفیة‌المرقومه و وقع جعل‌قبضه ویتصرفه قبض‌الوقف من‌حیث التولیه فی‌غرة ربیع‌الثانی ۱۳۰۵ لدی الاحقر حررته. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی کوچك با سجع: «علینقی‌الموسوی ۱۲۷۲» و مهری بیضی با سجع: «عبده مصطفی‌العقیلی». ۲ـ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدرحیم‌الرضوی» ومهری چهارگوشهٔ با سجع: «العبد سیدمحمدرضی». ۳ـ مهری مربع با سجع« اللهم ارزقنی شفاعة‌الحسین».

در مجلس وقف از متن و حاشیه حاضر بودیم بوکالت سرکارخان سرتیپ دام‌توفیقاته اجرای صیغهٔ وقف فرمودند. [جای مهر][1]

عرض میشود قرارداديم‌که برای نورچشم مکرم آقابزرگ عشر دریافت‌شود و بزحمت آنچه ... بردارد و ازروی‌حساب‌عشررا دریافت دارد همیشهٔ اوقات مادام‌الحیات فی‌شهر ربیع‌الاول ۱۳۰۵. [جای مهر][2]

بسم‌الله تعالی شأنه

ایضاً وقف شده برتفصیل مزبور در ورقه این اسباب مذکوره

مس ساختهٔ ولایتی از دیگ وغیره‌که متعلقات و لوازم طبخند وزناً مساوی چهل‌وپنج من بلدی استرابادی مجموعه شصت عدد هریك مشتمل برپنج پرکاله ظرف مس یزدی آفتابه‌لگن یزدی شش‌دست نوشته شد تا معلوم‌باشد وفق‌الله واقفه‌الموفق حرره‌الاقل الراقم. [جای دومهر][3]

در تاریخ ۱۶ـ۵ـ۵ تلو نمرهٔ ۷۵ دردفتر ثبت اوقاف استراباد ثبت‌شد ... اسفندیاری. [جای مهر][4]

در تاریخ ۱۳/۹/۱۶ مجدداً تلو نمرهٔ ۱۵ بدفتر اوقاف ثبت شد.

۱ـ مهری بیضی کوچك که کلمهٔ «الحسینی» برآن‌خوانده می‌شود. ۲ـ مهری‌بیضی کوچك با سجع: «علینقی‌الموسوی». ۳ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده مصطفی‌العقیلی» و مهری بیضی دیگرباسجع«علینقی‌الموسوی». ۴ـ مهری بیضی‌که برآن «ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد» نقر شده است.

۲۵

وقفنامهٔ میر سعدالله ایلخانی حکمران فندرسك ومضافات مورخ ۱۳۲۱ هـ. ق.

در این وقفنامه نصف دانگ ازکل ششدانگ یك رشته قنات و مجری‌المیاه دارالحکومهٔ شیرآباد را بـر مجالس جماعت نسوان در تعزیه‌داری ابوعبدالله‌الحسین علیه‌السلام که در دههٔ عاشورا در منزل واقف برقرار است وقف کرده است و تولیت آن‌را به علیامخدره والدهٔ آقا سیدحسین‌خان و پس‌از او برارشد واتقی ولد ذکور خود از نسل علیامخدرهٔ مزبور واگذاشته و شرایط وقف را درآخر وقفنامه ذکر کرده است.

هوالمالك بالاستحقاق

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به‌نستعین

الحمدلله‌الذی وقف علی‌ضمائر عباده واطلع‌علی‌کائنات بلاده والصلوة والسلام علی‌خیر خلقه وسیدانبیائه خاتم‌المرسلین‌العظام محمدالمبعوث علی‌الخاص والعام وعلی‌آله‌العزّ المیامین‌الکرام سپاس فزون از وهم وقیاس وقف مزرعهٔ جناب رب‌الاربابی است‌که دهکدهٔ عالم جبروت را بلامساهمت غیری مالك است وملك ملکوتش منزه ازاشتراك سهم و مشارکت است وکونین برای رهروان طاعت او توشهٔ‌کرمخاك از اراضی‌شوکتش قطعه زمینی است که از جوی بحارفضل او مشروب‌گردیده و رقبات انام ازخاص وعام در ید ملکیت و اقتدار او است و املاك ششدانگ جهات ستّهٔ عالـم امـکان در تحت تصرف و اختیار اواست واحداث قنوات‌علوم بی‌پایان دراراضی صدور انبیاء و اولیاء و هادیان سبل فرموده

مراو را رسد کبـریا و منـی   که ذاتش‌قدیم‌است وملکش‌غنی

و درودیکه خوشه‌چین ناطقه درکشت‌زار بنان درویده باشد لایق شأن‌خواجهٔ کائنات‌و خلاصهٔ موجودات اعنی محمدمصطفی‌که مقصد اصلی از بنای مزرعهٔ جهان حصول ذات پاك اواست وصلوات زاکیات متوافره وتسلیمات نامیات متکاثره برآل اطهار و اصحاب اخیار او باد اما بعد برواقفان موافق توفیق مخفی و پوشیده نماناد آنکه در سرزمین زندگی‌که بمقتضای حدیث الدنیا مزرعةالاخرة دنیا زراعتگاه عقبی است نشاندن درخت نیکوکاری مثمر انواع اثمار برخورداری از آرزو و املها است و در این دنیاکه مزرعهٔ آخرت است افشاندن تخم رستگاری سبب زیادتی دروی عملها علیهذا وقف‌مؤبدملی وحبس مخلّداسلامی نموده حضر تمستطاب جلالتمآب صفوةالامراء العظام اسوةالعظماءالاشراف الفخام مفخر السادات الاطیاب الانجاب‌سرکاراکرم الملك‌آقای میرسعدالله ایلخانی حکمران فندرسك و مضافات دام اجلاله العالی نصف‌دانگ ازکل ششدانگ یکرشته قنات و مجری‌المیاه واقعه در قریهٔ دارالحکومه و محیاة جناب واقف معظم‌له موسوم بشیرآباد با جمیع توابع ولواحق شرعیه و عرفیهٔ‌آن ازاراضی و انهار و غیرها را برمجالس‌جماعت‌نسوان درتعزیه‌داری جناب امام‌الکونین‌سیدالثقلین ابی‌عبدالله‌الحسین‌السبط‌الشهیدارواح‌العالمین له‌الفداء علیه‌من‌الصلواةالزاکیات‌انماها‌و من‌التحیات‌النامیات ازکیها در عاشوری از دههٔ اول‌ماه‌محرم‌الحرام تا دوازدهم آن‌که تمامت منافع سنهٔ نصف دانگ قنات مزبوره بعد ازوضع مصارف و مخارج‌لازمهٔ قنات مزبوره و رفتار و سلوك بازارعین آن بنحویکه بالنسبه بسایر سهام و حصص آن قناة معمول میشود صرف و خرج‌مجالس‌زنانهٔ‌تعزیه‌داری در دههٔ عاشوری در منزل وحیاط جناب واقف معظم‌الیه بشود درکمیت خرج و کیفیت صرف‌ازقهوه وچای واطعام‌طعام‌و دادن بذاکر و روضه‌خان متولی مخیر و مختار است لیکن باید‌تمامت منافع نیم‌دانگ موقوفه را در یك سنهٔ‌کامله بعد از حصول‌آن تماماً در محرم بعدازحصول صرف‌شود و ثواب‌آنرا مفوض نمود بروح پرفتوح ولدمرحوم خود جنت‌مکان خلدآشیان مغفور

مبرور شیرافکنخان طاب‌ثراه و تولیت ونظارت آنرا موکول و مقرر و واگذار نمود بحلیلهٔ جلیلهٔ خود علیاجناب ناهیدنقاب خورشیداحتجاب سیدهٔ نبیله و علویهٔ جلیله والدهٔ ماجدهٔ جناب جلالمتاب فخامت‌نصاب آقا سید حسینخان دام عزهالعالی و بعد از وفات علیا مخدرهٔ معظمه تولیت مقرر است از برای ولد ارجمند و نخل برومند او سرکار مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان آقا سید حسینخان زیدمجدهالعالی و بعد ازوفات‌ایشان تولیت‌آن واگذار است‌برارشد واتقی ولدذکور جناب‌واقف‌معظم‌الیه از بطن جلیلهٔ علویهٔ مخدرهٔ سابق‌الذکر نسلاً بعدنسل و بطناً بعدبطن‌وبرتقدیرانقطاع برارشد واتقی ذکور اولاد واقف از سایر نسوان وبرانقطاع نسل واقف العیاذبالله‌من‌الذکور والاناث تولیت آن مقرر است از برای ارشد واتقی ذکور اولاد والد مرحوم جناب واقف و برتقدیرانقطاع‌آن نیز براعلم واتقی‌بلوك وقری فندرسك الی‌ان‌ورث‌الله الارض و صیغهٔ وقف وکالةً‌عن‌الواقف علی‌الوجه المفصل‌المرقوم کماورد فی‌الشریعة الطاهرةالمطهرة المصطفویه علی‌شارعها آلاف آلاف سلام و تحیة فارسیاً و عربیاً سمت ایقاع و وقوع یافت و متولیهٔ مخدره باذن‌الواقف عمل بمضمون و مقتضای وقف مزبور نمود و منافع نیم‌دانگ عین موقوفه را درسال اول وقف‌در مصارف‌مقررهٔ‌مفصله مصرف فرموده علیهذا وقف عین مرقومه از طرف واقف لازم و جازم‌گردید و از حیطهٔ جواز خارج‌گردیدکه‌قابلیت‌جوازوخیار وفسخ‌راشرعاً دارا نیست فمن بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه.

وکان ذالك‌وقوعاً فی غرة شهر ذی‌الحجةالحرام من‌شهور سنة ۱۳۲۱ یکهزار وسیصد وبیست ویك هجری‌قمری احد وعشرین‌و ثلثماة‌بعدالف‌سنة‌من‌الهجرةمقدسه‌النبویه.

[جای مهر][1]

۱ــ مهری‌بیضی با سجع: «عبده‌العاصی‌الراجی‌الحسین ۱۳۱۲».

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارت زیر نوشته شده‌است :]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

نعم‌قد وقع‌الوقف علی مازبـرو حصل‌القبض وتم‌الوقف صحةً و لزومـاً فـی‌التاریخ ۱۳۲۱ واناالمذنب‌الاحقر. [جای مهر][1]

[سوادی از این وقفنامه در دست است‌که تاریخ‌آن با تاریخ اصلی یکی‌است وعبارات زیر را اضافه برمتن اصلی دارد :]

هوالمستعان

مفاداین وقفنامه‌که بموجب تصدیق جناب مستطاب شرعمآب آقا آقا شیخ عبدالحسین سلمه‌اله تعالی مطابق با اصل‌است لازم‌العمل و مرتب‌الاثراست و تخلف از مؤدای آن حرام و مخالف شریعت مطهرهٔ خواهد بود حررته فی‌شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۳۳۴ .

[جای دومهر][2]

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

قد طابقت هذه‌النسخه‌لاصله مضموناً طابق‌النعل للنعل وهوفی‌غایة‌الاعتبار والمتانةوانا الاحقر. [جای مهر][3]

هوالمستعان

محقق‌الوقوع‌صحیح ولازم‌است حررته‌بیدی. [جای مهر][4]

۱ــ مهری‌بیضی با سجع: «عبده‌العاصی‌الراجی‌الحسین۱۳۱۲» . ۲ــ مهری‌بیضی باسجع: «محمدباقر» و مهردیگربیضی باسجع: «محمدمهدی‌الحسینی». ۳ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌العاصی‌الراجی‌الحسین ۱۳۱۲». ۴ــ مهری‌بیضی‌بزرگ‌باسجع : «جمال‌الدین‌بن محمدصادق‌العقیلی».

بخش چهارم

اسناد اجاره و استجاره

۱

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۰۲۵ هـ . ق.

دراین سند ملک‌محمد کوهی و ملک‌قربان گیل همگی و تمامی حاصل و مداخل و منافع نقدی و جنسی چهار سهم از جمله پنج سهم قریهٔ چوپلانی را از ابتداء سیچقان‌ئیل ۱۰۲۵ لغایت یك سال به‌مقدار یکصدوبیست‌وچهار خروار شالی و گندم از میرکمال‌الدین محمد اجاره نموده‌اند.

باجاره‌و مقاطعهٔ شرعیه قبول نمودند سعادت‌نصابان ملک‌محمد کوهی[۱] وملک‌قربان گیل از سعادت و نجابت‌پناه میرکمال‌الدین‌محمد ولد مرحوم میرغیاث‌الدین‌محمدهمگی و تمامی حاصل و مداخل و منافع نقدی و جنسی چهارسهم ازجمله‌پنج‌سهم قریهٔمعروفهٔ موسومهٔ چوپلانی راکه موجر مزبور نمودکه حق و ملك من است وواقع استدربلوك استرابادرستاق و ازکثرت شهرت وتفرد اسم از توصیف و تحدید مستغنی است باجمیع مضافات و منسوبات و ملحقات‌آن ازآبحصه و بومحصه ومالکانه و توتستان‌وملیارستان‌و قنواة و طواحین دایره و بایره و جریبی و ابریشمی وفاضلاب ونحوذلك بهراسم ورسم که بوده باشد از ابتداء سنهٔ‌سیچقان‌ئیل ۱۰۲۵ لغایت یکسال کامل بمقدار یکصد و بیست‌وچهارخروار شالی وگندم برینموجب مقرر و مشروط آنکه مستأجران

شـــــــالی	گنـــــــدم
۱۲۳ خـــروار	۵۰ مـن

مذکوران بدل‌اجاره را دررفع محصول خرمن بخرمن بسنگ معمول وتسلیم‌محلمزبور

۱ـ زیرنام «ملك‌محمد» مهری‌چهارگوشه باسجع : «عبده محمد» زده شده‌است.

مهمسازی‌موجر مسطور نموده بعلت آفت ارضی و سماوی چیزی قاصر ومنکسر نگردانده اخراجات وعوارضات بهراسم ورسم که بوده باشد بعهدهٔ موجر مشار الیه‌است ومستأجران را رجوعی نیست.

ذلك فی ۲۲ شهرجمادی‌الاولی سنهٔ ۱۰۲۵.

[بربالای این‌سند عبارت زیر نوشته شده است:]
وقع قبول الاجاره‌المزبوره کماسطر وزبرعندی. [جای مهر][1]

۲

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۰۵۰ هـ. ق.

در این سند میرمحمدصالح همگی و تمامی دوسهم ازجمله پنج سهم قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی را از ابتداء محرم‌الحرام لوی‌ئیل سنهٔ ۱۰۵۰ تا شش سال کامل به مبلغ سی‌وشش تومان‌رایج‌عراق به میرغیاث‌الدین‌محمد و میرزا شاه‌بیگ و میرمیران به‌اجاره واگذار کرده است.

به اجارهٔ مقاطعهٔ شرعیه‌داد سیادت ونقابت‌پناه میرمحمدصالح ولـد مرحوم میرکمال‌ـ الدین محمود به‌جناب سیادت و نجابت‌پناهان عزت‌دستگاهان میرغیاث‌الدین‌محمـد ولد سعادت‌پناه مرحوم میرکمال‌الدین‌محمود مزبور و میرزا شاه‌بیگ ولـدسیادت و نجابت‌پناه عترت‌دستگاه میرمیران همگی وتمامی دوسهم ازجمله پنجسهم ازکل‌قریه موقوفهٔ موسومهٔ چوپالانی راکه واقع‌است‌دربلوك استرابادرستاق‌من‌اعمال‌دارالمؤمنین استرابـاد با جمیع مضافات و ملحقات آن از آبحصه وبومحصه و مالکانـه و قنوات و

۱ـ مهری بسیار بزرگ گرد با سجع: «ذلك‌فضل‌الله یؤتیه‌من‌یشا والله‌ذوالفضل‌العظیم».

طواحین و غیــر ذلك آنچه ملکیت را شاید و درتحت تصرف وتملیك درآید مماذکر فیه اولم یذکر از ابتداء غرهٔ شهرمحرم‌الحرام لوی‌ئیل سنهٔ ۱۰۵۰ خمسین‌الف لغایت شش سال‌کامل‌که انتهای تخاقوی‌ئیل بوده باشد بمبلغ سی‌وشش‌تومان رایج عراق نصفه بیاناً‌له هجده تومان رایج مذکور مقرر و مشروط بوده باشد مستأجران مزبوران سال بسال هرسال یکتومان رایج عراق از بابت وجه اجارهٔ مزبوره در وجه میرمحمدصالح مذکور جوابگو است و مبلغ سی تومان دیگررا در حین عقد اجارهٔ مزبوره بمعرفت مستأجران مذکوران واصل سیادت‌پناه میرمحمدصالح مذکور شد که من‌بعد مــوجر مشارالیه را سوی یکتومان کــه سال بسال باز یافت خواهد نمود طلــب‌دیگــری بر مستأجران‌مومی‌الیهماباقی‌نماند مبلغ‌دوتومان خراسانی‌که بسیورغال میرمحمدصالح‌و شرکاء او مقرر است حصهٔ محمدصالح مذکور درعهدهٔ اوست و اخراجات دیوان اعلی بهراسم ورسمی که بوده باشد درعهدهٔ موجراست و آنچه ازدیوان عالی‌حواله واطلاق شود در عهدهٔ مستأجران مزبوران است مخفی نماند که چهاردانگ عین موجره تعلق بسیادت‌پناه میرغیاث‌الدین‌محمود مذکوردارد و دو دانگ ازسعادت‌پناه‌میرزاشاه‌بیگ است تا واضح بوده باشد اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه مشتمل علی‌الایجاب والقبول‌الشرعی .

وکان ذلك‌غرهٔ شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۱۳۵ .

[بربالا و حاشیهٔ سمت‌راست این اجاره‌نامچه عبارات زیر است :]

جرت‌الاجاره‌المسفوره‌کماسطرت لدی العبد. [جای مهر][1]

ذلك‌کذلك ولاریب‌فی‌ذلك العبدالاقل محمدرضا طبیب‌الحسینی. [جای مهر][2]

مضمون مسطوربیان واقع است العبدالاقل ابوالحسن‌بهرام. [جای مهر][3]

۱ــ مهری گرد بزرگ و ناخوانا . ۲ــ مهری گلابی‌شکل باسجع: «عبده‌محمد‌رضاالحسینی». ۳ــ مهری بیضی باسجع «عبده ابوالحسن بهرام» .

ذلك‌کذلك واناشاهد بذلك العبدالاقل محمدیوسف عقیلی. [جای مهر] [1]

شهد بمضمونه المسطور نمقه العبد. [جای‌مهری بیضی وناخوانا]

شهد بذلك العبدعبدالخالق. [جای مهر] [2]

شهد بمافیه العبدالاقل آقابیگ. [جای مهر] [3]

شهد بمضمون‌المسطور العبدالاقل علی دوست‌امیر. [جای مهر] [4]

شهد بمافیه العبد محمدصالح بهرام. [جای مهر] [5]

حرره الاقل محمدشریف عفاعنه. [جای مهری بیضی وناخوانا]

باجاره دادم الخ میرمحمدصالح. [جای مهری ناخوانا]

۱ــ مهری گلابی‌شکل باسجع: «عبده‌محمدیوسف‌العقیلی». ۲ــ مهری‌چهارگوشه باسجع: «عبده عبدالخالق». ۳ــ مهری‌چهارگوشه باسجع: «الله محمد علی حسن حسین». ۴ــ مهری بیضی باسجع: «عبده‌علی‌دوست». ۵ــ مهر گردباسجع: «عبده محمدصالح».

۳

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۶۱ هـ . ق .

در این سند سیدرضا و سیدعماد و خواهران ایشان سه ربع از اعیان مشروحه را که عبارتند از کل یك رشته قنات معروف به چشمه‌سرك واقع در قریهٔ مرزبانکلاته از قرار یکدانگه و همگی قنات معروف به بالمقطع واقع در آن قریه از قرار یکدانگه و همگی چشمه‌سار شواردارکیاب از قرار دودانگه در قریهٔ چوپلانی و همگی قنات معروف به حسنعلی تبلیکی در همان قریه از قرار یکدانگه و همگی قنات‌نو ازقراریکدانگه‌و همگی شوار دباغ از قرار دودانگه و همگی شوارکودار از قرار دودانگه در همان قریه و همگی شوارکمانگر از قرار یکدانگه درقریهٔ مرزبان‌کلاته از مستدرك ئیلان‌ئیل لغایت پانزده سال به مبلغ هفت تومان و هزارو هشتصدو پنجاه دینار تبریزی نقد وموازی یکصدو چهل‌و دوخروار وبیست من شالی به محمدقاسم بیکا به‌اجاره داده‌اند .

باعث برتحریر این سطور شرعیه آنستکه باجاره و مقاطعهٔ شرعیه قبول نمود عالیشان معلی‌مکان محمدقاسم‌بیکا ولدارشد عالیجاه معلی‌جایگاه‌امیرخان عزالدینلو ازسیادت‌و نجابت‌پناهان سلالةالسادات ملا سیدرضا و ملا سیدعماد ولدان مرحوم میرفرج‌الله و عفت وعصمت‌پناهان نجیبه‌فاطمه بنت‌مرحوم‌مزبورو نجیبه بدرالنساء وصبیهٔ‌مسماةمسطوره همگی و تمامی سه‌ربع ازعیان مفصله را که کل به نهجی‌که تفصیل یافته موجرین مالك و متصرف بوده‌اند و آن عبارت است از همگی و تمامی‌کل یکرشته قنات دایرهٔ مشهور بچشمه‌سرك واقع در قریهٔ مرزبان‌کلاته و از قرار یکدانگه است و همگی و

تمامی کل قناة دایـرۂ مشهوره به بالمقطع واقع در قریۂ مزبوره که از قرار یکدانگه است و همگـی چشمه سار مشهوره بشوار دارکیاب که از قرار دودانگه است واقـع درقریۂچوبلانی‌است وهمگی قنات مشهورۂبحسنعلی‌تبلیکی‌که واقع درقریۂ مزبوره و از قـرار یکدانگه است و همگی قنات مشهوره بنو که از قرار یکدانگه وواقع در قریه ایضاً است وهمگی شوار مشهوره بدباغ که از قـرار دودانگه و واقع درقـریۂ مزبوره است و همگی شوارمشهور بکودار که ازقرار دودانگه و درمحل مزبوراست‌و همگی وتمامی شوار کمانگر کـه از قرار یکدانگه و واقع در قـریۂ مرزبان‌کلاته است و ده سالـه در اجارۂ آقاحسین ولـد حاجی‌هادی بوده است کـه هفت سال آن گذشته و سه سال آن باقیست و وجه اجـارۂ آن هرسال دوخروار شالی است کـه در عرض مدت باقیه باید مستأجر معزی‌الیه حال از مستأجر سابق اخـذ نماید و بعد از انقضاء مدت سه‌سال عین مستأجره را اخذ و تصرف نماید و همگی و تمامی ده سهم از بیست و پنج سهم ازکل قریۂ معروفۂ موصوفۂ چوبلانی را بـاجمیع توابع و لـواحق شرعیۂ آن از یکدانگه و دودانگه و حقابه و تـوتستان و ملیاراستان وآبـدنگ و غیرذلك عن آنچه‌انتفاع تـوان برد وموجرین‌در تحت تصرف خود داشته‌اند و انتفاع میبرده‌اند از مستدرك ئیلان‌ئیل‌لغایت پانزده سال که عبارت از رفع پـانزده محصول بوده باشدبمال‌الاجارةالمعین مبلغ‌هفت‌تومان‌و ششصدو پنجاه‌دینار تبریزی نقدوموازی یکصدو چهل‌دو خروار بیست‌من شالی بوزن‌بلده مقرر آنکه وجه‌نقد را حال تسلیم و مقدار مزبور را بقسط سنوات اجاره که هرسالی موازی نه خروار و بیست‌من‌شالی‌رسد سه ربع اعیان‌مستأجره میشود مستأجر تسلیم موجرین نماید و مالوجهات و اخراجات عوارضات دیوانی بهراسم ورسمی‌که حواله شود تعلق به مستأجرمعزی‌الیه دارد ولاویۂ قنوات و خرابـی به شوارات همه سالـه درعرض مـدت اجـاره بامستأجـر است و

موجرین‌را رجوع نخواهد بود .

تحریرفی‌شهرذی‌الحجهٔ سنهٔ ۱۱۶۱ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این اجاره‌نامچه عبارات زیر نوشته شده است :]

جری مضمون‌الکتاب‌بمحضری العبد . [جای مهر][2]

چون از ابتداء مستدرك سیچقان‌ئیل . . .اجاره نموده بود وثانیاً مرحوم ربع ازکل‌را بمرحوم میرزا حسن بموجب . . . و بعد فوت حاجی بحسب ورثهٔ او سه‌ربع اعیان مستأجره را که دراجارهٔ ایشان باقی بود فسخ نمودند و . . . . و یکربع‌که دراجارهٔ مرحوم میرزاحسن بود مدت اجارهٔ آن باقیست باید ورثهٔ او هرساله وجه اجارهٔ آنرا حسب‌الحوالهٔ ورثه .... تسلیم موجرین . . . .

مخفی‌نمانادکه بنای اجارهٔ مجموع اعیان‌متن بر دوازده خرواراست که سه‌ربع آنهارا به نه خروار و بیست من شالی صیغهٔ اجاره واقع شده و دو خروار و بیست من‌دیگر درازاء یکربع‌باقی‌است‌که هرگاه باجاره عملی شودموجرین هرسال‌مستحق‌دوخروار و بیست من خواهند بود والا مستحق حاصل یکربع اعیان متن خواهند بود .

[جای مهر][3]

من‌الشاهدین. [جای مهر][4]

شهدبمافیه العبد ملامحمدامین . [جای مهری چهارگوشهٔ کوچك و ناخوانا]

شهد بمافیه . [جای مهری چهارگوشه و ناخوانا]

۱ـ مهری چهارگوشه‌که‌کلمات «لااله‌الاالله‌الملك‌الحق‌المبین» برآن‌خوانده می‌شود.

۲ و ۳ ـ مهری چهارگوشه باسجع : « افوض امری‌الی‌الله عبده محمدقاسم » .

۴ـ مهری چهارگوشه باسجع : « دارد ز محمدامید شفا محمدرحیم » .



اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۴۱ هـ . ق .

در این سند آقامیر کمال‌الدین و آقامیر غیاث‌الدین همگی و تمامی شش دانگ قریهٔ علوی کلاته و سه دانگ ازشش دانگ قریهٔ چوپلانی را به‌مال‌الاجاره موازی شصت خروارشالی خوب سیراب که هرسال بیست خروار تحویل موجران نمایند به امیرخان و محمدعلی‌خان عزالدینلوی قاجار به‌اجاره داده‌اند.

باجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیه قبول نمودند عالیجاهان رفیع‌جایگاهان عمدةالخوانین العظام امیرخان و محمدعلی‌خان‌الشهیر.... عزالدینلوی قاجار از عالیجنابان مقدس‌القابان سلالةالسادات‌العظام‌الکرام آقا میر کمال‌الدین و آقا میرغیاث‌الدین خلفان مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه جنة‌آرامگاه آقا میرروح‌الله الحسینی‌استرابادی همگی و تمامی‌کل شش‌دانگ قریهٔ موقوفهٔ علوی کلاته و سه‌دانگ ازکل ششدانگ قریهٔ موقوفهٔ متصرف قریهٔ خودکه معروفه‌بچوپلانی است‌که واقع‌اند دربلوك‌استراباد-رستاق مع‌توابع ولواحق شرعیه و عامهٔ حقوق‌ارضی و قنوات دائره و بائره وشیوارات در مدت سه‌عام تام بمال‌الاجارهٔ موازی شصت‌خروار شالی‌خوب سیراب بوزن بلده که هرعامی موازی بیست‌خروار در رفع خرمن هما نعام مهمسازی مؤجران مذکوران نمایند و مقرر و مشروط برآنکه مالوجهات و عوارضات از دیوان اعلی و اعالی بهر اسمو رسمی‌که حواله و اطلاق میشود برعهدهٔ مستأجران مزبوران است ومخفی نماناد که سه‌دانگ دیگر از قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی که داخل در اجاره نیست مستأجران موی‌الیهما زراعت نمایندوحاصل راتسلیم‌موجران نمایند وموجران را بمالوجهات و

عوارضات دیوانی بهیچوجه من‌الوجوه رجوعی نباشد و صیغهٔ اجاره و استجاره بطریق شرع انور جاری شده .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاولی من‌شهور سنة ۱۱۴۱.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این‌سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌خیرالاسماء وقع قبولها بشروطها لدی العبدالجانی. [جای مهر][1]

هو اقرا بالقبول کماز برفیه لدی العبدالخاطی. [جای مهر][2]

هو وقع قبولها بشروطها لدی نمقه‌العبدالاقل. [جای دو مهر][3]

اقرا بالقبول بما رقم‌فیه‌عندی الخاطی. [جای دومهر][4]

اقرا واعترفا بالقبول نمقه‌الجانی . [جای مهر][5]

شهد بمارقم فیه العاصی‌الانصاری. [جای مهر][6]

۱ـ مهری بزرگ بیضی باسجع: «افوض امری الی‌الله عبده محمدباقر» . ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌مفیدالموسوی». ۳ـ مهری بیضی باسجع : «عبده‌مرتضی‌الموسوی»و مهری بیضی دیگر با سجع : « عبده محمد مؤمن». ۴ـ مهری چهارگوشه با سجع : « یا امام زین‌العابدین ادرکنی» و مهری بیضی با سجع :«عبده زین‌العابدین‌الحسینی » . ۵ـ مهری‌چهارگوشه که کلمات«مصطفی‌خاك و۱۱۳۸» برآن‌خوانده میشود. ۶ـ مهری بیضی باسجع:« نعم‌المولی ونعم‌النصیر».

۵

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۷۶ ه. ق.
در این سند میرزا محمدعلی اصالةً از قبل خود و وکالةً از قبل ورثهٔ میرروح‌الله ده‌سهم از بیست و پنج سهم‌قریهٔ چوپلانی را به مال‌الاجاره شصت وشش خروار شالی هرسال بیست و دو خروار به مدت سه‌سال به‌حسین‌آقای قرخلو به اجاره داده است.

باجارهٔ شرعیه داده عزت ومکرمت دستگاه میرزامحمدعلی اصالةً از قبل‌خود و وکالةً ازقبل ورثهٔمرحمت‌پناه میرروح‌الله استرابادی همگی و تمامی ده‌سهم ازجمله بیست و پنج سهم‌کل قریهٔ چوپلانی را مع‌جمیع ملحقات ومنضمات ازمیاه قناة مفصله وچشمه‌سار و آبکام وخوشکام وشالی و غلکی

قنات	قنات	چشمه‌سار
مشهور بند	مشهور بالمقطع	مشهور بتلیکی	چشمه‌سار دارکیا
پنجدانگ	ششدانگ	پنجدانگ	پنجدانگ

شوار کمانگر	انجیربنی	نودرک چشمه
پنجدانگ	پنجدانگ	پنجدانگ

هرآنچه ملکیت را شاید و سزد بعالیقدر معلی‌مقدار حسین‌آقای قرخلو بمال‌الاجاره شصت‌و شش خروارشالی بوزن بلده که هرسالی مقدار بیست ودو خروار موصوف است بمدت سه سال کامل‌الشهور مقرر آنکه وجه اجاره را مستأجر مشارالیه در رفع حاصل

هر سال مهمسازی موجر مزبور نموده بعذری موقوف ندارد و شرط شد اینکه آنچه عوارضات دیوان از مالوجهات و اخراجات و سیورسات که حواله شود در عهدهٔ مستأجر است و هرگاه انقلاب عام شود که زراعت بعمل نیاید موجر مزبور اسقاط وجه اجاره ننموده مطالبهٔ وجه اضافه ننماید و یکدانگه و دو دانگه ... باما لکان محـل مزبور است و صیغهٔ اجاره‌نامچه قلمی شد برشروط مزبوره .

وکان ذالك فی شهر شعبان المعظم من شهور سنة ۱۱۷۶ .

[جای مهر][1]

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقر بالاجاره کما زبرفیه لدی... [جای مهر][2]

وقع القبول علی الشروط المرقومة لدی نمقه. [جای مهر][3]

هو

وقعت الاجاره وجریان الصیغه علی الشروط المرقوم لدی. [جای مهر][4]

[سندی دیگر با همین مشخصات مورخ ۱۱۹۲ در دست است که اختلاف دو متن زیاد نیست].

۱ـ مهری بیضی که کلمات «رب . . . . محمد وعلی ۱۱۱۶» برآن خوانده می‌شود .

۲ـ مهری چهارگوشه باسجع : « اگر نگاه باوکس کند چو از ره بیم (؟) غلام شیعهٔ آل‌علی چو ابراهیم . ۳ـ مهری بیضی باسجع: « محمدصادق » . ۴ـ مهری چهارگوشه با سجع : « سلام علی ابراهیم » .

۶

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۰۹ هـ . ق.
در این سند محمدحسین کافردوینی همگی و تمامی زمین عباس‌آباد را ازقریهٔ چوپلانی‌به مدت یکسال به‌مبلغ یك‌تومان وجه فضی ازسید ابوالقاسم قبول اجاره‌کرده است.

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیقدر محمدحسین خلف مرحوم میرزای‌کافر-دوینی سرخونکلاته ازآقایان موقوفه‌علیهم قریهٔ چوپلانی‌که سلالةالاطیاب آقا سید ابوالقاسم باشد همگی وتمامی مساحت یکقسمت زمین از اراضی عباس‌آباد از قریهٔ مزبوره‌که حدی متصل است بمر سفندار یا بدیوان (؟)و سمتی متصل است بخیابان شمس‌آباد و جهتی متصل است بعباس‌آباد خرابه در مدت یکسال‌کامل بمال‌الاجاره مبلغ یکتومان وجه فضی رواجی بیست‌شش نخودی وصیغهٔ اجاره و استجاره بینهما واقع و جاری‌گردید .

وکان ذلك نهم شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۲۰۹ .

[بر حاشیهٔ بالا و راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]
هو قد اعترف بمافیه‌لدی الاقل حرره. [جای مهر][۱]
قداعترف بمارقم فیه‌لدی . [جای مهر][۲]
اقر بمافیه لدی. [جای مهر][۳]

۱- مهری چهارگوشه‌با سجع : « یاصالح‌مؤمنین » . ۲- مهری چهارگوشه‌که کلمات « علی‌صراط‌مستقیم » بر آن خوانده‌می‌شود . ۳- مهری بیضی‌با سجع: «احمدبن زین‌العابدین ۱۱۸۲».

قد اعترف بجمیع مارقم. [جای مهر][1]

قدوقع . [جای مهر][2]

الشهود کربلائی عیسی.

اعترف بجمیع مافیه محمدمهدی.

اقرواعترف بجمیع مارقم. [جای مهر][3]

اقر بما رقم فیه‌لدی. [جای دو مهر][4]

اقر واعترف. [جای مهر][5]

شیخ محمدتقی ولد استاد میرزابابا. [جای مهر][6]

قد وقع بمافیه لدی . [جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی‌باسجع : « محمدتقـی‌الحسینی » . ۲ـ مهری گرد بـا سجع: « میـرحسین‌الحسینی » . ۳ـ مهری گردکه‌کلمهٔ « علـی » بر آن خوانده می‌شود . ۴ـ هر دو مهربیضی‌با سجع: « عبده ابوالقاسم‌الحسنیی » . ۵ـ مهری بیضی باسجع : « پیرو دین محمد عیدی » . ۶ـ مهری بیضی با سجع : « یا امـام محمـدتقی » . ۷ـ مهری چهارگوشه‌با سجع: «یا امام‌محمدتقی ۱۱۷۸»وحرف « راء »نیزدر این مهردیده می‌شود .

۷

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۴۲ هـ . ق .
در این سندآقا سید رضی چهل‌قسمت اراضی و بوم چوپلانی‌را به مدت هفت سال هلالی موازی یکصد و پنج خروار شلتوك به وزن بلده که‌سالی‌پانزده‌خروارمی‌شود ازحاجی‌محمدرضاخان قوانلوی قاجار قبول اجاره کرده است .

باجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ جزمیهٔ‌قطعیه درحالهٔ صحة نفس و ثبات عقل قبول‌نمود سیادت و نجابت‌پناه آقاسیدرضی خلف مرحمت‌پناه‌آقاسیدرضاالحسینی ازعالیجاه رفیع‌جایگاه شوکت و اقبال‌همـراه ابهت وبسالت‌انتباه عوالی و مناعت‌اکتناه عمدةالاعاظم والاکابر خیرالحاج والعمار بندکان ذیشوکت و شأن حاجـی محمدرضا خان قوانلو قاجار بر همگی و تمامی مساوی و مقدار چهل‌قسمت اراضی و بوم چوپلانی‌را بمدت هفت‌سال هلالی بموازی یکصد وپنجخروار شلتوك بوزن بلدهٔ استرابادکه هرسالی پانزده‌خروار بوقر بلـدهٔ مزبوره بوده باشد و هر قسمت پانزده‌من بوزن بلده باشد مشروط برآنکه هرگاه مستأجر مشارالیه زرع در بوم مزبور نماید بقدر بوم مسطور یا زاید برآن ام ناقص از آن قسمت پانزده من را بدهد و هرگاه بهیچ وجه من‌الوجوه زرع نشود و یا شود بعلت شورش وانقلاب یابعلت‌آفة ارضی وسماوی بعمل نیاید مستأجروجه‌اجاره‌را ندهد و هر سالی که مزروع‌گردید موجـر معظم‌الیه استحقاق وجه‌اجاره داشته باشند والا فلا وصیغهٔ اجاره و استجاره موافق شرعمستطاب جاری و واقع گردید.

وکان ذلك فی ۲۰ شهر صفرالمظفر ختم‌بالخیر والظفر سنهٔ ۱۲۴۲ .

[بر حواشی این سند عبارات زیر است :]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

قد اعترف‌سیدرضی بماز بر ورقم‌فیه‌لدی حرره‌الداعی محمدرضاالحسینی‌الاسترابادی.
[جای مهر][1]

اقر واعترف‌بالقبول‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][2]

اعترف بالاستیجار المرقوم فیه‌لدی کتب‌الخاسرالجانی. [جای مهر][3]

اعترف بالقبول‌کما فیه‌لدی حرره‌الجانی . [جای مهر][4]

اعترف بما زبر ورقم فیه‌لدی نمقه. [جای مهر][5]

اعترف بالقبول بمارقم وزبرفیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][6]

اعترف بالقبول بما زبرفیه‌لدی حرره‌الجانی. [جای مهر][7]

اقر واعترف‌بالاجارة‌المسطورلدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][8]

اقر بالاستجارالمرقوم فیه‌لدی. [جای مهر][9]

اقر واعترف بالقبول کما فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][10]

۱ـ مهری بیضی کوچك با سجع: «عبده‌محمدرضاالحسینی» . ۲ـ مهری چهارگوشه‌با سجع: « المتوکل‌علی‌الله محمدحسین‌الموسوی » . ۳ـ مهری بیضی‌با سجع : « عبده‌مفیدالموسوی » . ۴ـ مهری چهارگوشه‌با سجع : « عبده‌الراجی‌محمدهادی». ۵ـ مهری چهارگوشه‌با سجع : «یهدی‌الله‌للحق‌عبده‌محمدمهدی » . ۶ـ مهری چهارگوشه‌با سجع : « عبده محمدشفیع‌موسوی » . ۷ـ مهری بیضی بـا سجع : « عبده‌الراجی‌سیدمحمدموسوی » . ۸ـ مهری بیضی‌با سجع : «عبده‌محمدمحسن‌الحسینی » . ۹ـ مهری بیضی‌کشیده‌با سجع : «عبده ابوجعفرالموسوی » . ۱۰ـ مهری‌بیضی بـا سجع : «عبده سیدعلی‌موسوی» .

اقر بالقبول کما رقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی عباس‌بن‌ملا رجبعلی. [جای مهر][۱]

اقر بالقبول بمارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۲]

اقر واعترف بالقبول لدی. [جای مهر][۳]

اقر واعترف بالقبول کما رقم فیه لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۴]

اقرالمستأجر بالقبول بمافیه‌لدی. [جای دو مهر][۵]

اقر بما رقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][۶]

اقر بمافیه‌لدی. [جای مهر][۷]

۱ـ مهری چهارگوشه‌با سجع : « لااله الاالله الملك الحق‌المبین» . ۲ـ مهری بیضی بـا سجع : «قنبر بغـلامی علی می‌نـازد ۱۲۴۰ » . ۳ـ مهری بیضی کشیده با سجع : « افوض‌امری الی‌الله عبده محمدبـاقر » . ۴ـ مهـری بیضی بزرگ با سجع : «عبده‌الراجی محمدشریف‌الموسوی » . ۵ـ دومهر چهارگوشه یکی‌با سجع: «اللهم‌صل علی‌محمدوآل‌محمد» وکلمات « اسمعیل وفا »بـر دیگری خوانـده‌می‌شود . ۶ـ مهری بیضی‌با سجع: «عبده محمدحسن‌الحسینی» . ۷ـمهری بیضی‌با سجع: «عبده‌محمدحسن» .

۸

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ هـ . ق .

در این سند ملاعیدی ده قسمت زمین خشکه‌کاری از قریهٔ چوپلانی را یکساله از تاریخ تحریر به مال‌الاجاره یکمن گندم و صددینار پول سیاه از آقا میرزا محمد وزیر و آقا سیدابوالقاسم حسینی قبول اجاره کرده است .

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیحضرت معلیمرتبت ملاّ عیدی[1] ازجناب جلالتماب فراست و درایت‌ایاب آصف‌جائی مقرب‌الخاقان آقامیرزا محمد وزیر دام اجلاله ـ العالی و عالیجناب سیادت‌انتساب آقا سیدابوالقاسم‌الحسینی همگی و تمامی مساحت ده قسمت زمین خشکه‌کاری از قریهٔ چوپلانی را از حالتحریر تا انقضای مدت یکسال که عبارت از یک محصول صیفی باشد بمال‌الاجاره یکمن گندم بوزن بلده وصددینار پول سیاه عددی یک‌شاهی ریالی در هزار دینار و شرط درضمن عقدآنکه هرقدری از آن زمین‌ها زرع شود از قراری خرواری پنج من بوزن بلدهٔ استراباد بموجران معظم‌الیهما بدهد از محصول آن .

وکان ذلك بتاریخ یازدهم شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۷۷ .

[جای مهر][2]

[بربالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

اقر واعترف‌المستأجر المشارالیه بمافیه لدی القاضی. [جای مهر][3]

بسم‌الله تعالی‌شأنه اقرالمستأجر بجمیع ماز برفیه‌لدی وانا الجانی . [جای مهر][4]

۱ـ زیر کلمهٔ ملاعیدی مهری بیضی با سجع : «پیرودین‌محمد عیدی » . ۲ـ سجع این مهرعین‌مهر بالا است . ۳ـ پایین مهر نگرفته وبالای آن کلمات « الله‌محمد» خوانده می‌شود . ۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع : «یااحمد» .

۹

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ هـ . ق.

دراین سند احمد نویسندهٔ اجاره‌نامچه ، شش‌دانگ حمام شاه‌با باغچهٔ پیش‌روی آن‌را از تاریخ تحریر لغایت سه‌سال به‌مال‌الاجاره مبلغ پنجاه‌وچهار تومان به‌استادعباس به‌اجاره بر گذار کرده‌است.

باجاره دادم اقل الطلبه ومسود ورقهٔ احمد[1] همگی وتمامی کلّ ششدانگ‌حمام شاه‌را مع باغچـه واقعه در پیش روی آن‌را مـع جمیع مایتعلـق بهما ازآنچه ملکیت را سزد وشاید بعالیقدر استاد عباس از سال‌تحریر لغایت سه سال هلالی‌آتی بمال الاجاره پنجاه‌و چهارتومان وجه‌نیم‌ریال سیزده‌نخودی و شرط درضمن‌عقدآنکه وجه اجاره را سه مـاه به سه ماه بدهـد و شرط دیگر آنکه هـرزمانیکه عباس در این ظرف مـدة بد سلوکی و بد رفتاری باهل‌گذر بـاغشاه نماید خیار فسخ در اجاره از بـرای داعی بوده باشد .

وکان تحریراً هیجدهم شهر محرم‌الحرام‌سنهٔ ۱۲۷۷ .

[جای مهر][2]

۱ـ زیر نام «احمد» مهری بیضی کوچك باسجع : «یا احمد» است . ۲ـ سجع این‌مهرعین مهر بالا است.

۱۰

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ هـ . ق .

دراین سند آقاسیدحسن ساکن قریهٔ مرزان‌کلاته یك قسمت زمین از اراضی موقوفهٔ چوپلانی را از تاریخ تحریر به مدت شش‌ماه به‌مال‌الاجاره ده‌من کنجدخوب ازسیدابوالقاسم و آقامیرمحمد-علی وسیداسماعیل وسیدجواد قبول اجاره کرده است .

[جای مهر][1]

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود سیادت‌مآب آقاسیدحسن ولد مرحوم آقـامیراکبر ساکن قریهٔ مرزانکلاته از آقایان عظام موقوفه‌علیهم قریهٔ چوپلانی‌که جناب‌آقا آقـا سیدابوالقاسم وجناب‌آقاآقامیرمحمدعلی وسیادت‌مآبان آقاسیداسماعیل‌وآقاسیدجواد بوده باشند همگی وتمامی مساحت یك‌قسمت زمین ازارض موقوفهٔ چوپلانـی را کـه واقع است در جهت جنوبی قریهٔ مزبوره‌که جنوبیاً اتصال دارد بنهربند قـوچانی‌کـه محاذات تپهٔ‌ابراهیم‌آباد است وغربیاً اتصال دارد بنهر مزبوربخط مستقیم بـرمیخورد بجوزدرخت علی‌اکبرآقا ازحال‌تحریر الی انقضای مدت ششماه بماه‌الاجاره موازی ده من‌کنجد خوب وشرط درضمن عقدآنکه‌احیانـاً ازمساحت مـزبوره زیـاده الی یك قسمت دیگراز ارض مزبوره را زرع نماید ازقرارمتعارف مالیه‌بدهد .

وکان ذلك ششم شهرصفر سنهٔ ۱۲۸۷ .

۱ـ مهری چهارگوشه‌با سجع : «عبده محمدمهدی الرضوی» .

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد اعتراف آقاسیدحسن مذکور حسب مارقم مع اداء شرط بعدستة اشهر فی ۱۴ سنهٔ ۱۲۸۷ .

[جای مهر] [1]

قد وقع ماز بر فیه لدی الراجی فی التاریخ . [جای مهر] [2]

قد اقر بمافیه من المبدء الی المقطع لدی . [جای مهر] [3]

۱۱

اجاره نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ ﻫ . ق.

در این سند مشهدی محمدحسین کتولی الاصل یک قسمت زمین اربابی مفروز محدود به حدود هامش از اراضی قریهٔ چوپلانی را به مدت شش ماه از حال تحریر به مال الاجاره بیست من شلتوك سرده کردهٔ خوب دهقان پسند از آقا سیدابوالقاسم و آقاسید محمدعلی و آقاسیداسمعیل و آقاسید جواد قبول اجاره کرده است .

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمه نمود درحالت استجماع جمیع شرایط صحت و لزوم عالیقدر مشهدی محمدحسین کتولی الاصل مرزبانکلاتهٔ المسکن از آقایان عظام فخام موقوف علیهم قریهٔ چوپلانی وهم جناب سلالة الاطیاب آقا سیدابوالقاسم و جناب سلالة الانجاب آقا سیدمحمدعلی و آقایان عظام آقاسیداسمعیل و آقاسید جوادهمگی و تمامی مقدار ومساحت یك قسمت زمین اربابی مفروز معین محدود بحدودهامش از

۱ــ مهری بیضی بزرگ باسجع: «اللهم صل علی محمدو آل محمد ۱۲۵۴» . ۲ــ مهری بیضی بزرگ با سجع: «عبده الراجی احمدالحسینی» . ۳ــ مهری چهار گوشه با سجع : «یا امام محمدتقی» .

اراضی قریهٔ چوپلانی معروفـهٔ موقوفه را ازحال تحریر الـی مضی مدت ششماه هلالی به مال‌الاجاره موازی بیست مـن شلتوك سرده کردهٔ خوب دهقان‌پسند مسلم درقـریهٔ چوپلانی مزبوره از اول‌عقرب هذه‌السنه الی‌آخر عقرب بوقر استراباد مشروط برآنکه چناناً‌علاوه بریکقسمت مزبوره الی یکقسمت دیگر از اراضی قریهٔ‌مزبوره متصل‌بعین مستأجرهٔ مزبوره مستأجر مزبور بخواهد زرع نماید مختار باشدکه ازهرقسمتی علاوه نماید که در این صورت از قرار مزبور علاوه برعین‌مستأجره وبدل‌الاجاره رانیزمالیه بدهد به نهج مزبور وصیغهٔ اجاره و استجاره کمازبر جاری شد.

بتاریخ نوزدهم شهر صفرالمظفر ۱۲۸۷ .

[برحاشیهٔ سمت راست سند:]

حـــــــــــــــــــــــدود عیـن‌مستأجـــــــــــــــــــره

حـــــــــدی حـــــــــدی حـــــــــدی حـــــــــدی

دال متصل بـه بند سـردار یـــك آب زیر نهرقوچانی‌متصل اراضی‌قریهٔ‌چوپلانی

قوچانی بدرخت جوزعلی‌ـ

اکبر آقا

لایخفی آنکه این یکقسمت زمین طرف جنوبی قریهٔ مزبوره واقع شده است درازی سامان چوپلانی تا واضح باشد .

[برحاشیهٔ بالای‌سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

قدجرت الصیغة کما سطر فی‌تاسع عشرصفرالمظفر ۱۲۸۷ لدی . [جای مهر][1]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع : «یا صالح‌المؤمنین».

اقر بمافیه لدی ۱۹ صفر ۱۲۸۷. [جای مهر][1]

قد اقر بمراتب مسطوره بتمامها لدی الاقل ۱۹ شهرصفر ۱۲۸۷. [جای دومهر][2]

اقر بمافیه لدی. [جای مهر][3]

۱۲

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۸ھ . ق .

در این سند مشهدی‌حسین ساکن قریهٔ چوپلانی ششدانگ قنات مشهور به‌قنات‌عباسخانی‌را واقعه درملك‌ابراهیم‌آباد ازمتعلقات قریهٔ چوپلانی به مدت‌هفت‌ماه کامل به مال‌الاجاره موازی پنج‌خروارشالی سرده کردهٔ دهقان‌پسنداز آقاابوالقاسم اجاره کرده است .

قبول‌باجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیقدر مشهدی‌حسین‌که ساکن‌قریهٔ چوپلانی‌است ازسلالة‌الاطیاب والانجاب‌العظام الفخام‌الکرام آقاآقاسیدابـوالقاسم همگی وتمامـی کل ششدانگ قنات مشهور بقنات عباسخانی راکه واقعه درملك ابراهیم‌آبـاد است و مجرائی راکه واقعه درملك ابراهیم‌آباد است وملـك ابراهیم‌آبـاد ازمتعلقات قریـهٔ چوپلانی است درمدت هفت‌ماه‌کامل‌بمال‌الاجاره موازی ومقدار پنج‌خروارشالی‌سرده‌کردهٔ دهقان‌پسند بوقر بلدهٔ استراباد ومسلم درقریهٔ چوپلانی وصیغهٔ اجاره واستجـاره واقع‌گردید .

وکان‌ذلك بیست‌وچهارم شهرمحرم‌الحرم سنهٔ ۱۲۸۸ .

۱ـ مهری‌بیضی‌وناخوانا. ۲ـ هردومهرچهارگوشه وباسجع: «یاامام‌محمدتقی».

۳ـ مهری بیضی بزرگ با سجع : «یا علی ادرکنی».

[برحاشیهٔ بالای این‌سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قداستجار المشهدی‌حسین من‌آقاماسطر بماسطر نظراً الی اقراره بماز بر لدی الجانی .

[جای مهر][1]

قد اقر المستأجر المعظم علی مارقم وذکر فی‌المتن لدی الاحقر. [جای مهر][2]

قد اقر واعتراف بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر][3]

واضح شد . [جای مهر][4]

۱۴

سند توریهٔ اجاره یا استجارهٔ قریهٔ چوپلانی مورخ ۱۲۹۱ه .ق . دراین سندآقاسیداسماعیل یادآورشده‌است که اجاره یا استجارهٔ اوقریهٔ چوپلانی را محض توریه و توریهٔ‌محض‌است ومضمون‌را قصد ندارد .

غرض ازتحریراین کلمات واضحه‌الدلالات این است که درتاریخ ذیل ورقه ومابعدآن من‌الازمنته‌الآتیه‌هرگاه اجاره‌یا استجاره درباب قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی فیمابین این اقل‌السادات که‌آقاسیداسماعیل می‌باشم که معروف ازطایفهٔ سادات درازگیسو هستیم با آقای نظام‌العلماء سرکارشاهزاده عبدالله‌میرزا و کهف‌الحاج والعمارحاجی‌آقاعلی واقع شود محض‌توریه‌وتوریهٔ‌محض است وهمان محض صورت است ومضمون راقصدنداریم.

وکان‌ذلك فی‌هفدهم شهرجمادی‌الاخری موافق‌تاریخ ۱۲۹۱ .

۱ـ مهری چهارگوشهٔ‌ناخوانا . ۲ـ مهری بیضی‌با سجع : «المتوکل‌علی‌الله اسدالله‌الحسینی» . ۳ـ مهری‌بیضی‌بزرگ با سجع : «عبده‌اسمعیل ۱۲۸۲» . ۴ـ مهری بیضی‌با سجع : «احمدبن‌زین‌العابدین ۱۲۸۲» .

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

آقای بزرگوار آقاسیداسمعیل مزبوردریوم دوشنبه بیست‌هفتم ماه‌جمادی‌الثانی ۱۲۹۱ اقرار نمود که هرگاه سهم مشارالیهما رامن بعدازاین ازقریهٔ چوپلانی اجاره واستجاره نمایم ازبابت توریه است که اگراجاره نکنم ملك من بمعرض تلف میافتد لهذا اجـارهٔ من ازایشان بابت توریه است که اصلاً قصدندارم محض لفظ است کـه معنی دارد حسن ابن ابوالحسن.

آقای بزرگوار آقاسیداسمعیل مزبوردریوم دوشنبه بیست‌هفتم ماه جمادی‌الثانی ۱۲۹۱ اقرارنمودکه هرگاه سهم مشارالیهما را من بعدازاین ازقریهٔ چوپلانی اجاره واستجاره نمایم ازبابت توریه است که اگراجاره نکنم ملك من بمعرض تلف میافتد لهذا اجـارهٔ من از ایشان بابت توریه است که اصلاً قصد ندارم که محض لفظ است که معنی ندارد.

[جای مهر][1]

جناب سیادت مآب آقاسیداسمعیل اقراواعتراف نمود دریوم دوشنبه بیست‌هفتم جمادی‌ـ الثانی نزدیك غروب آفتاب بتوریهٔ اجاره یااستجاره لدی الاحقر بتاریخ سنهٔ ۱۲۹۱.

[جای مهر][2]

اقرار و اعتراف نمودجناب آقای معظم بمراتب مسطوره اعنی التوریه فـی ۲۷ جمادی‌ـ الثانی سنهٔ ۱۲۹۱. [جای مهر][3]

قداقر باالتوریة فی التاریخ المزبورلـدی الاقل ۱۷ جمادی‌الاخری ۱۲۹۱.

[جای مهر][4]

۱ـ مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی ابوالفضل ۱۲۳۲». ۲ـ مهری بادامی شکل باسجع: «یاامام‌حسین». ۳ـ مهری هشت گوشه وناخوانا. ۴ـ مهری چهارـ گوشه با سجع: «یاامام محمدتقی».

قد اقر بالتورية في التاريخ المزبور لدى الاقل جمادی‌الاخرای سنهٔ ۱۲۹۱ سیدمحمود کتولی. [جای مهری ناخوانا]

جناب آقای آقاسیداسماعیل در یوم شنبه بیستم ماه جمادی‌الثانی اعتراف نمودند که هرگاه او ... صلحی یا اجاره واقع شود وبابت ..... میانهٔ من وسرکارشمارا ...وفقیر آقاعلی محصول ... تورية است. [جای مهر][1]

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع : «عبده رحیم».

دستور تحریر رقمها و احکام انتصاب طبقات مختلف دیوانی ومطالب دیگر[1]

۱ـ این رساله در بنیادخاورشناسی فرهنگستان لنینگراد روسیهٔ شوروی بهشمارهٔ B.2280 موجوداست .

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

رقم خلافت سیادت پناه سیدمیرک

الحمدلله الذی غسّل ذنوب التائبین بمیاه التوبه وصقّل مرآت قلوب العارفین بمصاقل الطاعات والاذکار وجعل صدور الذاکرین منورةً بانوار المعارف والاسرار وصلی الله علی خیر خلقه و مظهر حقه الصادع بأمرالله والناشر لدین الله نبی الرحمة و کاشف الغمة المبعوث علی الخافقین والمبعث علی الثقلین حبیب اله العالمین وخاتم الانبیاء والمرسلین محمد المصطفی و علی اسدالله الغالب غالب کل غالب و مطلوب کل طالب مظهر العجایب و مظهر الغرایب امیرالمؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین وخلیفة رسول رب العالمین علی بن ابی طالب واولاده المعصومین اما بعد بر رأی ارباب الباب واصحاب آداب پوشیده و مخفی نماناد که نصب خلفای دین‌دار هدایت‌شعار در هر قطری از اقطار و مصری از امصار جهة هدایت ارباب ضلالت و اصحاب جهالت برذمّهٔ همت والا سمت خسروانه واجب و لازم است لهذا درینوقت که سیادت ونجابت وخلافت[1] گردانید استدعای شجرهٔ

۱ـ در متن یک‌سطر تمام افتادگی دارد .

تأکیددر باب‌خلافت...[۱] وغیره‌که بموجب شجرهٔ مبارکهٔ علیحده به اومفوض‌است نمود ایجاباً لمسئولــه خلافت . . .[۲] مذکوره را بدستوری که با اجداد او بوده بخلافت‌پناه مومی‌الیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم‌که طالبان‌خود را بعدازتحقیق‌حال‌و تنقیح استحقاق و استیهال تاج وهّاج حواله نموده بدوام ذکر و توحید و احیای ...[۳] شریفه و طاعات و عبادات وامر بمعروف و نهی از منکرات و سایرمایکون‌من‌هذاالقبیل مأمور و مشغول‌گردانند طریق و سبیل طالبان مومی‌الیه آنکه اورا خلیفهٔ خود و نصب کردهٔ نواب‌همایون ما دانند ایلات والوسات واحشامات ساکـن استراباد مومی‌الیه را خلیفهٔ بالاستقلال‌مطلق‌العنان‌خوددانسته‌ازسخن وصلاح شرعی‌وحسابی‌او بیرون‌نروندو اعزاز واحترام‌خلافت‌پناه‌مشارالیه‌را برخودلازم‌دانسته‌هرساله‌شجرهٔ‌مجدده‌طلب‌ندارند.

صورت ارقام ارباب مناصب و غیره بیگلربیگی استراباد که‌از دفترصاحب‌توجیه نوشته شده

[رقم] وزیر

آنکه مقرر است‌که چون غرض از تفویض امور مهام دولت‌ابدمدت بمــا غلامزادگان قدیمی غیر ازین‌نیست‌که اوضاع سپاه منتظم واحوال رعایا مرتسم وبدین اهتمام دست اعادی دین مبین ودولت‌سنین از اذیال مسلمین کوتاه‌گردد وجمهور برایا درمهدأمن‌و امان‌آسوده وغنوده‌بدعاگوئی‌دوام‌دولت‌قاهرهٔ باهره وکسب وتجارات...[۴] اشتغالنمایندو خــرام...[۵] مدعیان ...[۶] مکمن قویت بوسعت‌سرای فعلیت بدون تعیین جمعی کــه با

۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- یکی دوکلمه محو شده است .

نیکی ذات بحسن‌صفات مکتسبه وتدابیر صائبه محلی باشند صورت‌پذیر نیست وتصویر
این مطلوب مرغوب از صفحهٔ حال صدق اسلوب وزارت و رفعت و معالی پناه آصفی
دستوری شمساً للوزارة والرفعة والمعالی‌میرزامحمدرفیعا لایح وهویداست بنابروصول
مدعا ازابتداء نهماهٔ‌لوی‌ئیل منصب‌وزارت سرکارعالی‌بامبلغ یکصد وهفتادویکتومان‌و
هشت‌هزاروسیصد دینار خراسان مواجب حکمی و رسومات مقررمعمول مستمرمختصهٔ
منصب مزبور بوزارت ورفعت ومعالی‌پناه مشارالیه مفوض ومرجوع شدکه‌کماینبغی و
یلیق بلوازم منصب مزبـور قیام نموده مواجب مقرر و رسومات معمول امر مزبور را
مختص خود دانسته سال بسال بازیافت کند ارباب مناصب وعمّال خجسته اعمال‌سرکار
عالی‌خصوصاً وارباب ورعایاء استراباد وبسطام‌وبیارجمند ودامغان[وسمنان]وغلامان و
تفنگچیان‌نصرت‌نشان عموماً وزارت ورفعت ومعالی‌پناه مشارالیه‌را من‌حیث‌الاستقلال
والانفراد وزیرسرکارعالی دانسته نوشته و مهر اورا برعنوان احکام و ارقام و بروات و
شرطنامجات و سایر نوشتجات مختصه بمنصب وزارت اعتبار واعتماد نمایند ومواجب و
رسوم امر مزبور ر[ا] بدستور مقرر معمول واصل و عایدگردانند وهرساله رقم‌مجدد
موقوف ندارند و درعهده شناسند.

رقم استیفا

آنکه مقرر است چـون دربن عهد فرخنده بتحریك قلم مستوفیان دفترخانهٔ افلاك و
تربیت ولطف بیکران مظهرلطف ایزدپاك عـزّاسمه که جان ما غلام‌زادگان فدای نام
نامیش بادبربتهٔ‌ایالت‌الکاءدارالمؤمنین استراباد وبسطام ودامغان و بیارجمندسرافرازو
ممتازگشته لایق‌آنست‌که در تمشیت ونظم اموراین ثغور بروفق رضای‌قبلهٔ جهانیان‌که
متضمن صلاح دین ودولت وآراستگی سپاه وآسودگی رعیت ومنتج‌خیریت دنیاودین‌و
آخرتست کوشش بلیغ مبذول گردد پرواز اینمرام از مکمن قویّت بقضاء فعلیت بدون

نصب برخی از معتمدان راستی‌کیش و کارآگاهان عاقبت‌اندیش بمقر عرضه از مقولهٔ امکان وجود عنقاست و تمثال این معنی صورت حال فرخ فال سیادت و نجابت منقبت سلالة‌السادات والفضلاءالعظام میرمحمد مؤمن‌حسینّیا است‌که با قطع‌نظر از کمالات حسبی و نسبی نقد وجنس حاصل اوقات زندگی‌را از اندازه افزون خرج راستی‌افعال و درستی اعمال‌کرده غیر ازین شیوهٔ مرضیه دخلی نداشته و درینکه ازعلم‌وعمل حساب زیاده از باقی اکفّا فاضل است چه حرف بنا بر حصول مآرب نشأتین از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب استیفاء سرکارعالـی با مبلغ پنجاه تومان خراسان مواجب حکمی و رسومات مقررهٔ معمول مختصهٔ منصب مزبور بسیادت و نجابت‌منقبت مشاراليه مفوض و مرجوع شدکه چنانچه سزاوار فطرت وشایستهٔ فطنت اوست بلوازم منصب مزبور قیام نموده مواجب مقرر و رسومات[1] معمول امر مزبور را مختص[خود] شناخته سال‌بسال بازیافت‌کند ارباب مناصب وعمال خجسته اعمال سرکارعالی خصوصاً وارباب[ورعایاء استراباد و بسطام و بیارجمند و دامغان و سمنان] وغازیان ظفـر توأمان و غلامـان و تفنگچیان نصرت‌نشان...[2] سرکارعالی‌عموماًسیادت‌ونجابت‌منقبت‌مومی‌الیه‌را‌من‌حیث‌ـ الاستقلال والانفراد مستوفی سرکارعالی دانسته خط ومهراورا برعنوان احکام وارقام و بروات وشرطنامجات و سایـر نوشتجات متعلقهٔ بمنصب استیفا اعتبار واعتماد نمایند و مرسومات معمول منسوبهٔ امـر مزبور را واصل و عاید گردانند وهر ساله برقم مجدد موقوف ندارند و در عهده شناسند .

رقم لشکرنویس

آنکه مقرر است که چون همواره خاطرخطیر متعلق بآنست‌که‌بمیامن تأییدات الهی‌و عواطف تأکیدات شاهنشاهی که جانم فدای نام نامیش باد امـورکلی و جزوی متعلقهٔ

۱ـ در اصل : رسمات .　　۲ـ دوسه‌کلمه محوشده است.

بلشکر نصرت‌اثر در غایت اتقان منتظم ومنتسق ومرتسم باشد تاموجب آراستگی سپاه ظفر [نشان]وهراس مخالفان[1] دین‌ودولت آستان‌عرش‌اشتباه گردد وحصول اینمقصداسنی و مطلب عظمی از مکمن فضای قوّت بجلوه‌گاه شهود فعلیت منوط و مربوط بوجود مردم...[2] خردپیشه و فهمیدهٔ درست‌اندیشه‌ایست‌که عیار قابلیت واستعدادشان بخلاص امتحان...[3] پس برآمده باشد و تمثال این مثال صورت‌حال سیادت و نجابت‌پناه جامع فنون‌الحیثیات‌سلالة‌السادات والنجبا نجیباً للسیادة والنجابة میرعبدالعالیاست‌که بزیور دریافت‌رسا وپیرایهٔ دانش وذکاآراسته وپیراسته وفایزگشته بنابرتحقیق حصول اینمرام از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل بمنصب لشکرنویسی سرکارعالی با مبلغ بیست‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی ورسوم‌مقررمعمول مستمرمختصهٔ منصب مزبور بسیادت‌مآب و نجابت‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ دقت‌طبع وجودت ذهن اوست بلوازم منصب مزبور قیام نماید ارباب مناصب و آقایان و غازیان ظفرتوأمان و غلامان وتفنگچیان وعملهٔ بیوتات‌سرکارعالی سیادت و نجابت‌پناه مومی‌الیه رامن‌حیث‌ الاستقلال والانفراد لشکرنویس سرکارعالی دانسته خط و مهر اورا برعنوان احکام و ارقام و بروات و اسنادمنتسبهٔ منصب مزبور[4] رامختص مومی‌الیه شناخته واصل وعاید گردانند مستوفی وکتاب سرکار عالی سال‌بسال وجه مواجب حکمی مقرر خدمت مزبور رابدستور معمول ازمداخل‌الکاء استراباد وتوابع‌تنخواه داده موقوف برقم‌مجدد ندارند و درعهده شناسند .

رقم صاحب‌توجیه

آنکه مقرر است‌که چون پیوسته ملحوظ خاطرخطیر آنستکه بتأیید خالق اشیاء و

۱ــ دراصل: مخالفت. ۲ــ۳ ــیك کلمه محو شده است . ۴ــ یك سطر افتادگی دارد .

تأکید قبلهٔ دین ودنیا که جانم فدای نام‌نامیش‌باد احقاق حقوق‌منتسبان و ملازمان از آنچه حسب‌الفرمان قضا جریان در خور منصب و خدمت و ملازمت هریك مقرر شده باشد بنحوی از قوه بفعل‌آیدکه مزیدی بر آن متصور نباشدتا موجب براءت ذمّت و نیکنامی دنیا و آخرت گردد و غرض واضعان علم‌سیاق ازقـواعد حساب وترتیب دفتر توجیه برین‌نسق‌که درین زمان متداول و معمول است غیرایـن مطلب اسنی نبـوده و فعلیت این مرام منوط و مربوط است بنصب نویسندهٔ امین متدین‌که از وصمت‌طمع و خطا و زلال‌مبرّا و منفرد باشد ومصداق این‌مقال صورت‌حال رفعت ونجابت‌پناه شمساً للنجابة والرفعة میرزا محمدشفیعاست که لیاقت وقابلیت رجوع اینقسم خدمات دارد بنـاءً علیه از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل نجابت ورفعت‌پنـاه مشارالیه را صاحب‌توجیـه سرکار عالی و مبلغ پانزده تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم مقرر معمول مستمر مختصهٔ منصب‌مزبور در وجه او مقرر نمودکه چنانچه شایسته ولایق جودت‌طبع اوست بمقتضیات منصب مزبور قیام نماید اربابِ‌مناصب وعمال خجسته‌اعمال وغازیان‌و ملازمان نصرت‌نشان سرکارعالـی رفعت و نجابت‌پناه مومی‌الیـه را من حیث‌الاستقلال والانفراد صاحب توجیه سرکارعالی دانسته خط ومهـر اورا برعنوان احکام وارقـام و بروات واسناد منتسبهٔ او اعتبار نماینـد مستوفی وکتاب سرکارعالی وجه مواجب مقرر منصب اورا سال بسال بدستورمعمول ومستمر تنخواه دهند وبرسوم مقرر معمول‌مستمر امر مزبور را بمشارالیه واگذارند وهـر ساله برقم مجدد موقـوف ندارند و درعهده شناسند .

رقم اوارجه‌نویس

آنکه مقرراست‌که‌چون همواره مکنون خاطر خطیرآنست کـه بتأیید خالق ارض و سماء وتأکید قبلهٔ دین و دنیاکه جانم فدای‌نام‌نامیش‌باد اخـذ واستیفاء حقوق‌دیوانـی

محال تیول وهمه سالهٔ الکاء استراباد از ارباب و رعایا هرجاکه بروفق حق و حساب و دستورالعمل دیوان اعلی بنحوی‌که نقیر و قطمیری زیاده از بـرآورد مـأخوذ مقرر معمول و مستمر حواله و اطلاق نشود میشده باشد تا منشأ شغل ذمّت ووخامت‌عاقبت و یأس رعیت و بازخواست‌آخرت نگردد وغرض حکماء اقدمین ازوضع قواعدوقوانین حساب وترتیب دفتر اوارجه برین نسق‌که درین زمان متداولست جزحصول اینمقاصد نبوده و فعلیت اینمرام موقوف بتعیین نویسندهٔ امین متدین وصاحب وقوف است‌که از وصمت طمع و خطا و زلال مبرّا و معرّا باشد و سیاق این مقال صورت حال رفعـت و نجابت‌پناه شمساً للرفعة میرزامحمدمقیما استرابادیست‌که ازعنفوان‌شباب جوانی بشغل اوارجه‌نویسی الکاء مزبوره قیام و ممتاز است و مهارت تمام در امر مزبـور و معرفت اشخاص رعیت وسپاه حاصل نموده بناءً علیه‌از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب اوارجه‌ـ نویسی سرکارعالی با مبلغ پانزده تومان رایج خراسان مواجب حکمی ورسوم مقـرر معمول مستمر مشخصهٔ منصب مزبور برفعت و معالی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ‌کاردانی اوست بلوازم امر مزبور قیام نمایـد ارباب مناصب وعمال خجسته‌اعمال و غازیان ظفـر توأمان وغلامان و تفنگچیان و سایـر ملازمـان سرکار عالی‌رفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد اوارجه‌نویس محـال تیول و همه سالهٔ استراباد وتوابع‌دانسته خط اورا برعنوان اسناد منتسبهٔ منصب‌مزبور اعتبار نمایند مستوفی وکتاب‌سرکارعالی وجه مواجب مقرر اوارجه‌نویسی را سال‌بسال بدستور معمول و مستمر تنخـواه دهند و رسوم مقررمعمول مستمر مزبوررا بمشارالیه واگذارند و هرساله برقم‌مجددندارند و در عهده شناسند .

رقم ناظر

آنکه مقرر است که چون درین عصر همیون بارادهٔ ایـزد حی‌توانا و خالق و نـاظر

اشیاء منظور نظـر نوازش و مرحمت برگزیدهٔ رب‌الارباب رب‌النوع عالم‌اسباب کـه جانم فدای نام نامیش بـاد برتبهٔ والای ایالت استراباد مفتخر و سرافرازگشته ضـرور است که نظر بنظام‌کارخانهٔ ابداع و مقتضیات اینمرتبهٔ عظمی امورکلی و جزوی‌بغایت متقن و محکم باشد تا موجب اتلاف مال و افراط و تفریط نشده تأسی جزو بکل‌واقع شده باشد و بروز این امر غریب وتوقع عجیب از تنگنای کمون قویت بوسعت سرای شهور فعلیت نادر اتفاق می‌افتـد و شاهد این مأمول صورت و معنی نظارت و رفعت و معالی‌پناه اعالـی‌آثار نظاماً للنظارة والرفعة والمعالی امامقلی بیکا را شاید که قامت قابلیتش شایستگی خلاع مهمات عظیمه دارد بنابـر ظهور لیاقت و قابلیت و استعداد رجوع امور مهم ازابتداء نهماههٔلوی‌ئیل منصب نظارت‌کل بیوتات سرکار عالی بامبلغ سی‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم معمول مستمرمختصهٔ منصب مـزبور بنظارت و رفعت و معالـی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد اربـاب‌مناصب و عمـال خجسته‌اعمـال و صاحبجمعان و تحویلداران و عمله وفعلهٔ کل بیوتات سرکار عـالی نظارت و رفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد ناظر سرکارعالی دانسته مشرفان روزنامجات‌را بمهراو اعتبار واعتماد نمایند مستوفی وکتاب‌سرکارعالی وجه مواجب حکمی مومی‌الیه را سال بسال تنخواه دهند وهرساله برقم‌مجدد موقوف ندارند .

رقم انشاء

آنکه مقرر است که چون بمقتضای تحریرکلك [الهی] وتربیت و نوازش منشیان پایهٔ سریرخلافت مصیر که جانم فدای نام همیونش باد برتبهٔ ایالت استراباد سرافراز گشته نـاگزیر است که تأسی بصراط مستقیم ولینعمت حقیقی امـور کلی و جـزوی منتظم و منتسق باشد تا مهمات سپاه و رعیت از خطا و زلال مصون گردد وبدین‌اهتمام

اوضاع الکاء مضبوط و دست اعادی دین و دولت کوتاه شود و حصول اینمعانی منوط و مربوط بوجود جمعیست که با وجود استعدادات ذاتی بکمالات وعوارضات کسبی فایز گشته باشند و مصداق اینمرام ذات رفعت و معالی‌پناه نتیجةالاکابر والنجباء میرزا محمدطیب خلف مرحوم‌مبرورمیرزا محمدطاهروزیرسرکارعالی‌حضرات‌عالیات سدره‌مرتبات‌عرش‌درجات چهارده معصوم صلوات‌الله علیهم اجمعین تواندبودکه بصفات حسنه آراسته و پیراسته است بنابر حصول مقدمات مسلمه از ابتداء نهماهۀ لوی‌ئیل منصب انشاء سرکارعالی با مبلغ سی‌تومان رایج‌خراسان مواجب حکمی و رسوم معمول مستمر مختصۀ منصب مزبور برفعت و نجابت‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که بلوازم منصب مزبور قیام نماید ارباب مناصب وعمال خجسته اعمال وقاطبۀ ملازمان و کارکنان و ارباب و اهالی تیول و همه ساله سرکار عالی رفعت و معالی‌پناه مشارالیه‌را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد منشی سرکارعالی دانسته رسوم معمول مستمر مختصۀ منصب [و] امر مزبور را واصل و عاید گردانند مستوفی وکتاب سرکار عالی وجه مواجب حکمی مشارالیه راسال بسال بدستورسایر ارباب مناصب تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم طبیب

آنکه مقرر استکه چون بمقتضای حکمت بالعزو ومشیت کاملۀ حضرت‌آله‌عزّاسمه و تربیت و نوازشات قبلۀ حقیقی جهان‌پناه روحی‌فداه بندۀ درگاه برتبۀ والای ایالت استراباد بهره‌مند و فایض گشته و طبابت و مداواء امراض و علل جسمانیه لازمۀ طباع‌بنی‌نوع از متحتمات و ضروریاتست از ابتداء نهماهۀلوی‌ئیل منصب طبابت سرکار عالی با مبلغ سی‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی مختصۀ امر مزبور بحکمت و طبابت و حذاقت‌پناه افادت و افاضت انتباه فضیلت و کمالات اکتناه

جامع‌الحیثیّات حاجی‌الحرمین‌الشریفین سراجاً حکیم محمدقاسما خلف مرحوم‌مبرور حکیم ابراهیم استربادی که از عنفوان سن شباب در دارالمؤمنین [استراباد] بامر طبابت مشغول است وتجربهٔ تمام در معالجات اهالی‌آن مرز وبوم حاصل کرده مفوض‌و مرجوع شدکه چنانچه سزاوار دانش و بینش اوست بمعالجات اشتغال نماید مستوفی‌و کتاب سرکارعالی حسب‌المسطور مقـرر دانسته سال بسال وجـه مواجب مشارالیه را بدستور باقی ارباب مناصب سرکار عالـی تنخواه داده هرساله رقم مجدد نطلبند و در عهده شناسند .

رقم مهتر و مهردار

آنکه مقـرر است که چون مشیت فرمانروای کل بدین نحو تعلق گرفته است کـه ممکنات کائنات عالم علی مراتب طبقاتهم در افاضهٔ خیرات اعالی اسباب ترقیات ادانی باشند تاتشبّهی بمبدأحقیقی احسان وجود درست‌گردد و رعایت اینمرتبهٔ عظمی تأسی ولینعمت حقیقی‌که جانم‌فدای نام نامیش باد برذمت همت ماغلامزادگان امریست‌لازم بل متحتم خصوص دربارهٔ [کسانی] که بزیور خلوص عقیدت و پـاکی طینت محلی باشند و مصداق این مقـال صورت حـال رفعـت و معـالی‌پناه شمساً للرفعة والمعالی محمدباقر بیـگ غلام قدیمی است که دراکتساب رسوم عادات بین‌الاقران امتیاز دارد بنابر حصول وتحقق مقدمات مسلمه ازابتداء نهماهٔلوی‌ئیل منصب مهتری رکابخانه و دواتداری سرکار عالی با مبلغ سی‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم مقرر معمول مستمر مختصهٔ منصب مزبـور برفعت و معالی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ خرد اوست بخدمات مرجوعه قیام نماید مستوفی وکتاب سرکار عالی سال بسال وجه مواجب او را از محال تیول و همه سالهٔ الکاء استراباد و توابع تنخواه دهنـد عمال خجسته‌اعمال و مباشرین مهمات و ملازمان سرکار عـالی رسوم

مقرر معمول مستمر منصب مزبور واصل و عاید گردانیده هرساله برقم مجدد موقوف ندارند و در عهده شناسند .

رقم سفره‌چی

آنکه مقرراست کـه چون مطمح نظر بلندپایهٔ غیرازین نیست‌که پیوسته خوان‌نعمت بیدریغی که از درگاه واهب‌الخیر بصدقهٔ ولینعمت حقیقی‌که جانم فـدای نام نامیش باد نصیب شده بر زیردستان عالم عنصری و فروماندگان طبیعت بشری گسترده باشد تا تشبّهی بکاهل عالم وجود ونسبتی بمبدأ حقیقی احسان وجود درست گـردد و تکلف آنست که منتسبان و کارکنان سرکار نیز رعایت این موهبت عظمی میکرده باشند از جمله سفره‌چـی که رعایتش درحصول این مدعا دخلی عظیم میدارد بنـا برانتساق و انسباق اینمطلب از ابتـداء نهماههٔ لوی‌ئیل سفره‌چیگری سرکارعالی با مبلغ دوازده تومـان رایج خـراسان مواجب حکمی مختصهٔ منصب مـزبور برفعت و معالـی‌پناه نظاماً للرفعة اللّهویردی‌بیـگ غلام مفوض ومرجوع شد که چنانچه شایستهٔ‌خرد اوست بلوازم امـر مزبور قیام نماید مستوفی و کتاب سرکارعالی سال بسال وجـه مواجب مشارالیه را از وجوهات تیول و همه سالهٔ الکاء استراباد و توابع تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم اشراف

آنکه مقرر است‌که چون‌آثار امانت ودیانت از ناصیهٔ حال رفعت ونجابت‌پناه میـرزا نجفخان مشهدی و عـزت‌ایاب محمدمحسن لایح و هویداست و بظهور پیوست کـه مهارت تمام در فن اشراف حاصل نموده‌اند از ابتداء نهماههٔ لـوی‌ئیل منصب اشراف بیوتات و اصطبل و شترخان سرکار عالی با مبلغ هیجده تومان رایج خراسان مواجب

حکمی و رسوم مقـرر معمول مستمر مختصهٔ خدمت مـزبور بالمساوات بمشارالیهما مرجوع شدکه بمشارکت یکدیگرروزنامجات جمع وخرج صاحبجمعان وتحویلداران سرکار عـالی را حسب‌الواقع قلمی و محاسبه مفـروغ نمایند نـاظـر و صاحبجمعان بیوتات و عمله و فعلهٔ سرکارعـالی مشارالیهما را مشرفان سرکارعـالی دانسته روز-نامجات جمع و خـرج خود را بخط مومی‌الیهما اعتبار نمایند و رسوم مقرر معمول مستمر اشراف را واصل و عاید گـردانند مستوفی و کتاب سرکار عـالی وجه مواجب حکمی مشارالیهما را سال بسال از مداخل الکاء استراباد تنخواه داده موقوف برقـم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم صاحبجمعی صندوقخانه

آنکه مقرر است که چون وجههٔ همت والاجز این نیست که همواره متاع دنیا که از کارخانهٔ غیب‌بصدقهٔ ولینعمت حقیقی‌که‌جانم فدای نام‌نامیش باد بدستیاری‌کرکیراقان مبصراسباب ابوابجمع سرکار است واناًفاناً انفاق مینمایند بر فرومایگان بقعهٔ امکانی‌و پست پایگان طبیعت بشری ایثار شود تا منتج مبرّات و خیرات گردد و شایسته آنست که صاحبجمعان ایـن متاع فانی اعتنائی بآن نداشته در داد و دهش‌بـذل جههٔ مرعی دارند بناءً علیه از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب صاحبجمعی صندوقخانهٔ سرکارعالی بامبلغ ده تومان رایج خراسان مـواجب حکمی و رسوم مقـررمعمول مستمر مختصهٔ منصب مزبور برفعت و معالی‌پناه نظاماً للرفعة او... بیک‌غلام قدیمی مفوض‌ومرجوع شد که بمقتضیات منصب مزبـور قیام نمایـد مستوفی و کتاب سرکار عـالی سال بسال مواجب حکمی مشارالیـه را از وجوهات تیول و همه سالهٔ الکاء استراباد و تـوابع تنخواه دهند ناظـر و صاحبجمعان بیوتات و سایر تحویلداران و مؤدیان سرکار عالی رسوم مقرر معمول مستمر امر مزبور را مختص او دانسته واصل و عاید گردانـنـد و

هرساله برقم‌مجدد موقوف ندارند .

رقم توشمال

آنکه مقرر است که چون وجهۀ ارادۀ خاطر [همیون] آنست که همیشه خوان‌نوال نعمتهای الوان که بصدقۀ ولینعمت حقیقی که جانم فدای نام‌نامیش باد کرامت و مهیا شده بـرمشتهیان فروماندۀ طبیعت انسانی گسترده باشد تا تشبه بمبدأ حقیقی خود درست گردد و تمشیت این مطلب موقوف بتعیین توشمال امین متدین است که بزیور نزاهت و نظافت آراسته و ماصدق این حال وجود رفعت و معالی‌پناه ضیاءً [للرفعة] محمدیوسف بیگ غلام تواند بود که درکسب رسوم عادات امتیاز دارد بناءً علیه از ابتداء نهماهۀ لوی‌ئیل منصب توشمالی مطبخ سرکار عالی با مبلغ هشت تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم مقرر معمول مستمر خدمت مزبور برفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شاید و باید بلوازم‌امر مزبور قیام نماید مستوفی و کتاب سرکارعالی سال بسال وجه مواجب مشارالیه را از وجوهات تیول و همه سالۀ الکاء استراباد و توابع تنخواه دهند ناظر بیوتات سرکار عالی رسوم مقررمعمول‌خدمت مزبوررا بمشارالیه مختص داند و هرساله موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم امیر آخور باشی

آنکه مقرر است که چون درین قرن سعادت‌قران بتأیید ملك علام منان و نرم لگامیهای کمیت‌خوشخرام‌دوران‌شمول نوازشات وعنایات‌شاهانه‌که جانم‌فدای‌نام‌نامیش باد [سر] افراز و برتبۀ بلند ایالت استراباد ممتاز گشته روشن آنست که نظر بنظام کل امور جزوی نیزمنتظم و منتسق باشد تا مورد مذمّت افراط و تفریط نگردد و توسن خنگ این مدعا [از] پردۀ خفا بوسعت‌سرای شهود جلوۀ بروزی کند و

ماصدق این مضمون صورت خیرمشحون رفعت ومعالی‌پناه شیخ‌الطایفه شیخ محمدبیکاء رایض‌عرب تعلیم دهنده‌است‌تواندبود که در تأدیب و تعلیم وتفرس مهارت تمام‌حاصل نموده‌بنا برسبق خدمات پسندیده ازابتداء نهماههٔ‌لوی‌ئیل منصب امیرآخورباشیگیری سرکار عالی بـامبلغ دوازده تومان رایج خراسان مواجب حکمی برفعت و معالی‌پناه مومی‌الیـه مفوض و مرجوع شد کـه چنانچه شاید وباید بلوازم منصب مـزبور قیام نماید وکـلاء سرکار عالی رفعت و معالی‌پناه مـومی‌الیه را امیر آخـورباشی دانسته عملهٔ اصطبل اوامـر ونواهی او را که هرآینه متضمن صرفه و غبطهٔ سرکار عالی‌باشد مطیع ومنقادبوده تخلف‌نورزند مستوفی وکتاب سرکارعالی وجه‌مواجب اوراسال‌بسال از وجوهات الکاء [استرابـاد و توابع] بدستور مقـرر معمول تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم امیرشکارباشی

آنکه مقـرر است که چون پیوسته مالك رقابان شکارگاه عظمت واقبـال و یکه‌تازان صیدگاه حشمت و اجلال درپهن‌دشت سلطنت و فرمانفرمائی بـاز بلندپـرواز نظر را بطیران درآورده هر یك از دلاوران شیرشکار و چابکدستان نامدار را کـه پهله‌سان دست اطاعت و انقیاد برمیان خدمتکاری و فرمان‌بـرداری داشته نخجیروار سر بحلقهٔ فتراك عبودیت از خلوص عقیدت درآورده دیده‌اند بچنگل شاهین‌قبول ربوده درسایهٔ بال همای‌دولت خود جای‌داده بخدمات‌شایسته ومناصب‌لایقه چون کبک‌دری‌خندان و مانند تذرو رنگین و نمایان داشته‌اند و درین ایام فرخنده انجام کـه بفرّهٔ ایزدی و لطف شهنشهی‌ولینعمت عالمیان‌که‌جانم‌فدای‌نام‌نامیش‌باد برتبهٔ بلندایالت‌دارالمؤمنین استراباد سرافراز و ممتاز گشته پیروی شیوهٔ مرضیه و آداب خیرمآب‌آباء رعایت این مرتبت را با منتسبان بر ذمت همت والانهمت لازم میدانـد بنابرشفقت عالی دربـارهٔ

رفعت و معالی‌پناه زبدةالاقران بدرخان بیگ ولد شاهسوار بیگ‌قراموسی‌لومنسلك در کشیك زیادلو که شایستگی‌خدمات نیکو دارد در سه ماههٔ آخر لوی‌ئیل هنگام ورود بقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی‌پناه مشارالیه رابرتبهٔ منصب امیرشکارباشیگری سرکار عالی وریش‌سفیدی جماعت قراموسی‌لو و سرکشیکی‌کل جماعت کشیك زیادلو معزّز گردانیده مبلغ دوازده تومان رایج خراسان بر ینموجب مواجب در وجه

اصل	اضافه
بدستور زمان حاکم سابق از ابتداء نهماهه دوازده تومان	از ابتداء سه ماهه سه تومان

مشارالیه مقرر شد که چنانچه شایستهٔ فطنت و فطرت اوست حسن سعی و نیکوخدمتی خود را بمنصهٔ ظهور رساند امیرشکاران وقوشچیان و دستکشان و صیادان و سایرعملهٔ متعلقه بامر مزبور مشارالیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد امیرشکارباشی سرکارعالی دانسته اوامرو نواهی مختصهٔ منصب او را مطیع باشند و رسوم مقرر معمول مستمر منصب مزبور را بدستوری‌که دروجه امیرشکاران سابق مقرر بوده مختص اودانسته واصل سازند مستوفی و کتاب سرکار عالی شرح این رقم را در دفاتر ثبت نموده در لوی‌ئیل رسد نهماههٔ اصل و سه‌ماههٔ اضافه و از ابتداء ئیلان‌ئیل مبلغ دوازده تومان اصل و اضافه را بدستور سایر اقران و امثال سال بسال تنخواه داده هرساله رقم مجدد طلب ندارند و چون رقم بمهر عالی رسد اعتبار و اعتماد نمایند .

رقم علمدار

آنکه چون صاحب لوایان معرکهٔ فتح وظفرو نصرت‌پناهان جنگ فیروزی‌اثر که از مهچهٔ علم فتحشان جلوهٔ انافتحنالك فتحاًمبیناً ظاهر و از شقهٔ بیدق نصرنشان مصدوقهٔ

اذاجاء نصرالله والفتح باهر بوده هريك از ثابت‌قدمان ميدانگاه مردانگی وشجاعت و يكه‌تازان جولانگاه جوانمردی وجلادت علم حرب‌نمايان نبردآزمای صاحب‌نهيب و طنطنه‌پردازان بشارت نصـرمن‌الله و فتح قريب كه ماننـد قلب برجناح سفر جرأت و جانسپاری و چون كوه پابرجای عرصهٔ خدمت‌گذاری ديده‌اند قامت قابليت ايشانرادر ميان دلاوران علم ساخته بارجاع خدمات شايسته بمثابهٔ درفش‌كيانی‌معزّز وسربلند و چون شقهٔ لوای ارغوانی سرخ‌روی و ارجمند داشته‌اند و چون دريـن عهد خجسته‌ـ فرجام بارادهٔ ملك علام و شفقت ولينعمت عالميان كه جانم فدای نام ناميش بادبرتبهٔ والای ولايت دارالمؤمنين استراباد فايـز وسرافراز گشته تأسی بسنن‌آباء رعايت‌اين مرتبت را با منتسبان برذمت همت لازم ميدانند بنابر توجه خاطرعالی دربارهٔ رفعت و معالی‌پناه نوروزبيگ‌ينكچری منسلك در مسلك ملازمان كشيك تفنگچيان ازابتداء نهماههٔ‌لوی‌ئيل خدمت‌علمداری بامبلغ‌دوازده‌تومان‌رايج‌خراسان مواجب‌اصل واضافه نيزبموجب‌بمشاراليه‌مفوض‌ومرجوع‌شدكه‌چنانچه‌شايستهٔ‌فطرت‌وعظمت‌اوست‌بمقتضيات خدمت مذكـوره سعی نموده حسن‌خدمت خود را بمنصهٔ ظهور رساند مستوفی وكتاب سركارعالی تا آخر .

رقم قورچی تیر و کمان

آنكه مقرراست‌كه چون پيوسته صاحبان يرليق‌كشور فرمانروای وقدراندازان معارك مبارزات و زورآزمای هريك ازدلاوران‌وغازيان‌شيرشكاروراست‌كشان‌معركهٔ‌افتخاررا كه در عرصهٔ نامـداری و ميدان مردانگی بنشانهٔ خدنگ نظـر امتحان سرخ‌رويـی قبول داده‌اند بخدمات لايقه ومناصب‌شايسته همچوسوفـارخندان وچون پيكان ثابت قدم كيش‌بندگی و حق خدمت‌گذاری داشته‌اند و درين عهدهمايون كه بفرّه ايزدی و

لطف شاهنشهی ولینعمت عالمیان که جانم فدای نام‌نامیش باد این بندهٔ درگاه برتبهٔ بلند ایالت استراباد ممتاز و سرافراز گشته پیروی بآداب خیر مآب آباء رعایت ایـن مرتبت را با منتسبان بر ذمت همت والانهمت لازم میداند بنابر ظهور انوار این معانی از ناصیهٔ حال رفعت ومعالی‌پناه زبدةالاقران ارس بیگ زیادلو قاجار درسه‌ماههٔ آخر لوی‌ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی‌پناه مشارالیه را برتبهٔ منصب قـورچیگری تیروکمان معزّز گردانیده مواجب اورا بمبلغ ده‌تومان رایـج خراسان بـرینموجب مقرر نمودکه چنانچه شایستهٔ مرتبت اوست بمقتضیات منصب مزبـور کماینبغی ویلیق قیام واقدام نماید مستوفی وکتاب الی آخره .

رقم قورچی ترکش

آنکه مقرراست وملازمان غیرت‌اندیش را درمعرکهٔ جانسپاری چـون کمان کمر بسته حق خدمت‌گذاری دیده‌اند مانند هدف رود چون ترکش پهلو داده‌اند بریك غنچهٔ سوفار در چمن سرخ‌روی پیوسته شکفته خاطرش داشته‌اند و درین عهد همیون کـه بمیامن الطاف بیکران الهی واشفاق نمایان شاهی که جانم فدایش باد برتبهٔ ایالت استراباد فایز گشته رعایت اینمرتبت را با منتسبان بر ذمت همت لازم میداند بنابر وفور قـابلیت و شایستگی خدمت وخلوص عقیدت رفعت و معالـی‌پناه زبدةالاماثل مصطفـی بیگ ولد بـرجعلی بیگ روملو منسلك درکشیك خورده اویماق در دوماههٔ لوی‌ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد منصب قورچیگری ترکش بامبلغ ده‌تومان خراسانی مواجب اصل و اضافه برینموجب برفعت و معالی‌پناه مشارالیه مفوض ومرجوع شدکه چنانچه وقادت ذهن ونقاوت آگاهی اوست درخدمت مذکور نهایت حسن سعی و نیکوخـدمتی بمنصهٔ ظهوررساند مستوفی وکتاب سرکارعالـی در لـوی‌ئیل رسد نهماهـهٔ اصل ودوماهـهٔ اضافه وازابتداء ئیلان‌ئیل اصل واضافه مواجب مشارالیه‌را از سویت مداخل مـوجود

موافق شرح رقم اشرف تنخواه داده هر ساله رقم مجدد نطلبند وچون رقم بمهر عالی رسد اعتبار واعتماد نمایند .

رقم قورچی تفنگ

آنکه مقرراست که بنا بر توجه عالی درباره رفعت ومعالی پناه فریدون بیگ غلام که بزیور خلوص عقیدت بسبق خدمت آراسته وپیراستهٔ قابلیت مناصب شایسته دارد از ابتـداء نهماههٔ لوی ئیل رفعت ومعالی پناه مشارالیه را برتبهٔ منصب قـورچیگری تفنگ معزز گردانیده مبلغ دوازده تومان رایج خراسان مواجب دروجه مشارالیه مقرر شد که چنانچه شایستهٔ فطرت اوست بمقتضیات منصب مزبور قیام واقدام نموده حسن سعی و نیکوخدمتی بمنصهٔ ظهور رساند مستوفی وکتاب سرکار عالی مشارالیه را بریش سفیدی رفعت ومعالی ــ پناه کمالاً للرفعة والمعالی حقنظر بیگ غلام سرکار خاصهٔ شریفه درسلك تابینان رفعت و معالی پناه شاهوردی بیگ یوزباشی سرکار عالی منتظم ومنسلك داشته شرح این رقمرا در دفاتر ثبت نموده وجه مواجب اورا سال بسال بدستور سایر اقران وامثال تنخواه داده هر ــ ساله رقم مجدد نطلبند ودرعهده دانند وچون رقم بمهر عالی رسد اعتبار واعتماد نمایند.

رقم قورچی زره

آنکه مقرراست که چون مسندنشینان ظفرسپاه وسپهبدان نصرت پناه وفرماندهان کشور سلطنت وسرافرازان وسادهٔ عظمت هریك از سلاح پوشان معرکهٔ شجاعت وجـلادت و صلاح کیشان عرصهٔ اخلاص وعبودیت راکه در میدان جانفشانی همهٔ تن چون زره حلقه بگوش اطاعت وچشم براه فرمان برداری دیده اند همواره قامت قابلیت ایشان را بخلعت زیبای منصبی محلّـی ساخته بمعاضدت توجهات ومظاهرت نوازشات چون دعای جوشن معزز وچون درع داودی مطرّز داشته اند ودرین عهد خجسته که بارادهٔ حاکم علی الاطلاق و

اشفاق ولینعمت عالمیان که جانم فدای نام نامیش باد بر تبهٔ والای ایالت دار المؤمنین استراباد مباهی وسرفراز گشته اتیان بشیوهٔ مرضیهٔ آباء رعایت این مرتبت را با منتسبان برذمّت همت لازم میدانند بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت ومعالی پناه زبدةالامثال قلیچ بیگ ولد یوسف بیگ زنگنه منسلك درسلك کشیك اکرادخورده او یماق که لیاقت خدمات شایسته دارد درسه ماههٔ آخر لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد مشارالیه را درسلك قورچیان یراقا انتظـام داده منصب قورچیگری زره با مبلغ نه تومان رایج خراسان مواجب برینموجب بمشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ اوست بمقتضیات خدمت مزبوره قیام نموده حسن سعی ونیکوخدمتی بمنصهٔ ظهوررساند مستوفی الی آخره .

رقم قورچی سپر

آنکه مقرر است که چون نصرت پناهان صاحب ظفر وگردون شکوهان خورشیدسپر که بمساعدت بخت بلند ودولت ارجمند چون تیغ بندان پی سپر خط استوا و سر از قبهٔ فلك ترسی گذرانیده اند هریك ازغازیان پرهنر وتیغ بندان پی سپر راکه درعرصهٔ گیرودار سینهٔ سپر ساخته درسپری ساختن عدوچون سپر همه تن رو وچون گلمیخ ثابت قدم میدان رزمجویی دیده اند بگردآوری احوالشان پرداخته سپر آسا بمظاهرت توجهات ومعاضدت نوازشات همواره صاحب شأن ونیکوشان داشته اند وچون درین اوان سعادت توأمان که بمیامـن الطاف ایزدی واشفاق شهنشی ولینعمت عالمیان که جانم فدایش باد برتبهٔ والای ایـالت دارالمؤمنین استراباد فایز وسرافراز گشته پیروی بسنن آباء رعایت این مرتبت را بـا منتسبان برذمت همت لازم میدانند بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت ومعالی پناه صفی-قلی بیگ قیناق منسلك درکشیك شام بیاتی درسه ماههٔ لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد منصب قورچیگری سپر وریش سفیدی جماعت قیناق با مبلغ ده تومان خراسانی مواجب اصل واضافه برینموجب مفوض ومرجوع شد که چنانچه شایستهٔ دریافت دانش

اوست بمقتضیات خدمات مذکوره سعی نموده دقیقهٔ فوت وفروگذاشت ننماید مستوفی الی آخره.

رقم قورچی شمشیر

آنکه مقرراست که چون همواره دولت‌پناهان گردون‌سریر وقدرقدرتان قضا شمشیر هریك‌ازغازیان شیرشکارصاحب‌برشان تیغ‌گذاررا که درمعرکهٔ کارزارازغلاف برآمده بصوربندگی تیغ‌آفتاب سرگرم‌جانفشانی دیده‌اند پیکار بلارکوار درمیان‌همگنان‌معزز و ارجمند وبنوازش خدمات‌لایقهٔ سرخرو وسربلند داشته‌اند ودرین عهدنیکوکه بحکم ملك‌منّان وفرمان‌فرمایی جهانیان‌که جانم فدایش‌باد برتبهٔ ایالت استراباد مباهی گشته پیروی این شیوهٔ مرضیه را وجههٔ همت ساخته حفظ این مرتبت رابا منتسبان لازم و متحتم‌میدانند بنابرظهورتوجه‌خاطرعالی‌دربارهٔ رفعت ومعالی‌پناه محمدزمان‌بیگ‌وارگرگین‌بیگ غلام سرکارخاصهٔ‌شریفه درسه‌ماههٔ‌آخرلوی‌ئیل منصب‌قورچیگری‌شمشیر بامبلغ ده‌تومان خراسانی مواجب بدینموجب اصلاً واضافه‌بمشارالیه مفوض ومرجوع شدکه چنانچه شایستهٔ دریافت‌اوست درخدمت مذکوره سعی‌جمیل بمنصهٔ ظهور رساند مستوفی الی[آخره].

رقم قورچی نیزه

آنکه مقرراست که چون پیوسته مالکان ممالك دین و دولت و نیزه‌داران معارك مبارزت وشجاعت در معرکهٔ سرافرازی وعرصهٔ یکه‌تازی رمح مصقول شعاعی نظررا بجلوه‌درآورده هریك ازمبارزان دین‌دار وغازیان شیرشکاررا که باامعان‌نظرسنجیده و پسندیده‌اند قامت قابلیت ایشانرا درنخلستان حق‌شناسی بخدمات شایستهٔ نهال ساخته بآب شفقت وآفتاب مهرومحبت پرورش داده بمرتبهٔ نمورسانیده‌اند ودرین عهدخجسته

که بمیامن الطاف ایزدی و نوازش قبلهٔ حقیقی که جانم فدای نام نامیش باد برتبهٔ ایالت استراباد مفتخر ومباهی وسرافراز گشته تأسی بسنن آباء رعایت این مرتبت را بامنتسبان برذمت همت والا لازم میداند بنا برظهور شاهد این معانی ازصورت حال رفعت ومعالی پناه عمدة الاماثل الغ خان بیگ ولد ظاهر بیگ سپانلو ینگی قاجار منسلك درکشیك زیادلو در سه ماههٔ آخر لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی پناه مشارالیه را برتبهٔ قورچیگری نیزه معزز گردانیده مواجب او را بمبلغ نه تومان رایج خراسان برینموجب مقرر نمود که چنانچه شایستهٔ مرتبهٔ اوست بمقتضای منصب مزبور قیام نماید و چون حسب الحکم جهانمطاع عالم مطیع مقرر شده که جمعی از ملازمان وغازیان که دربیرون قلعهٔ مبارکه منازل دارند دراندرون سکنی نمایند مقرر آنکه مشارالیه در اندرون قلعه خانه ساخته سکنی نماید وازفرموده تخلف نورزند که موجب بازخواست و مسترد مواجب خواهدشد مستوفی الی آخره .

رقم قوریساول باشی

آنکه مقرراست که بنا بر توجه خاطر عالی در بارهٔ رفعت ومعالی پناه درویش محمد بیگ ولد حسین قلی احمدفقهلو منسلك درکشیك شام بیاتی که بزیور حسن سلوك آراسته بین الاقران ممتاز وشایستهٔ خدمات لایقه است درسه ماههٔ آخر لوی ئیل منصب قوریساول باشیگری و ریش سفیدی جماعت احمدفقهلو بامبلغ هشت تومان رایج خراسان بدینموجب دروجه مشارالیه مقررشد که در صف آرایی وآراستگی سپاه ظفر پناه وامور متعلقهٔ بخدمات مزبوره سعی جمیل بمنصهٔ ظهوررساند مستوفی الی آخره .

رقم صحبت یساول

آنکه مقرراست که چون درین ایام خجسته فرجام باراده حضرت ملك علّام و شفقت

ولینعمت حقیقی که جانم فدای نام‌نامیش باد برتبهٔ ارجمند ایالت استراباد سرافراز و ممتاز گشته ملحوظ خاطر ادب کیش وخواهش ضمیر آداب اندیش آنست که بدأب اکابر سلف درمحفل قدرشناسی ادب بمؤدای کریمهٔ بعضکم فوق بعض هر کس فراخور قابلیت و استعداد درمأمن مرتبهٔ خود قرار گرفته سررشتهٔ این حزم از کف عزم بیرون نرفته پیوسته ضابطهٔ این نسق مربوط و منسّق باشد وجلوهٔ شاهد این مدعا ازپردهٔ خفا بساحت ظهور ایستاده بتعیین جمعی است که بصلابت فراست حاشیه‌نشینان مجلس شریف وبار-یافتگان محفل منیف را که مظهر ضابطهٔ نظام نزدیکان ومصدر طریقهٔ انتظام دور-دستانست بقصد اشارهٔ بجابجای خودنشانند و فعل این مقال ازقوه‌حال رفعت ومعالی‌پناه نظاماً زینل بیگ خلف نظارت ورفعت‌ومعالی‌پناه عوالی واعالی آثار نظاماً للنظارة‌والرفعة امامقلی بیگ که بزینت ذکا وفهمیدگی وزیورجودت ذهنی ودانستگی مزّین ومحلی و باشفاق درازاء حسن‌سعی ونیکوخدمتی بین‌الاقران ممتازاست چون جرأت ازشیر وتندی ازشمشیر هویدا وظاهر است بناءً علیه ازابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب یساول صحبت سرکارعالی با مبلغ دوازده‌تومان رایج خراسان مواحب بمشارالیه مفوض ومرجوع شد که چنانچه شایستهٔ وقارت فطنت ونقاوت فطرت اوست بمقتضیات خدمت مزبور قیام و اقدام نموده دقیقهٔ فوت وفروگذاشت ننماید مجلس نشینان وبازیافتگان محفل سامی و سایر نزدیکان مشارالیه رایساول صحبت سرکارعالی دانسته اوامرو نواهی مختصهٔ منصب اورا مطیع باشند مستوفی الی آخره .

رقم ایشیك‌آقاسی

آنکه مقرر است که چون دربن جزو زمان ازعنایت حضرت ملك منان و تربیت فرمانفرمای‌جهانیان که جانم فدای نام نامیش باد برتبهٔ ارجمند ایالت الکاء استراباد فایز گشته و همواره دواعی خاطر عالی در امور کلی وجزوی متابعت رسوم آداب

عادات مرغوب طبع ولینعمت حقیقی است و قاعـدهٔ مجالست کبار و صغار در اعالی و اوسط واسافل محفل آداب بحسب رتبه و قابلیت ذاتی و عارضی هرکس علی مـراتب طبقاتهم امریست کلی و رعایت این معنی متعلق است بایشیك آقاسی باشی قدرشناس که بفحوای مصدوقهٔ بعضکم فوق بعض هرکس‌را درخوراستعداد درمأمن رتبهٔ خودجادهد تاسررشتهٔ این حزم ازکف عزم بیرون نرفته همیشه این نسق مضبوط باشد و شاهداین معانی صورت‌حال رفعت ومعالی‌پناه کمالاً للرفعة والمعالی اسلمش بیگ ترکمان‌است که سالها بمنصب مزبور قیام‌نموده عارف بمراتب‌احوال سادات عظام وارباب مناصب و اصحاب واعیان این ولایت شده استحضار تمام دارد بناءً علیه ازابتداء نهماههٔ‌لوی‌ئیل منصب ایشیك آقاسی‌باشیگـری و ریش‌سفیدی جماعت ترکمان وسایر اویماقات جزو کشیك چهارم بامبلغ دوازده تومان رایج خراسان مواجب برفعت ومعالی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ دریافت اوست بلوازم مناصب مـذکوره قیام نماید قاطبهٔ باریافتگان محفل منیف و مجلس شریف و غازیان کشیك چهارم ومطلق ملازمان سرکارعالی رفعت ومعالی‌پناه مشارالیه‌را من‌حیث‌الاستقلال والانفرادایشیك‌ـ آقاسی‌باشی و ریش‌سفیدی غازیان مزبور دانسته اوامـر و نواهی او را که هرآینه در امور متعلقه بمناصب مزبوره گوید مطیع باشند ورسوم مقرر معمول ایشیك آقـاسی‌ـ باشیگری را مختص او شناسند مستوفی و کتاب سرکار عالی سال بسال وجه مـواجب مشارالیه را بدستور امثال از مداخل الکاء استراباد و توابع تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و درعهده شناسند.

رقم کشیکچی‌باشی

آنکه مقرر است‌که چون درین عهدمیمون باارادهٔ حی‌آگاه لاتاخذه سنة ولانوم‌وشفقت شاه عالم پناه روحی‌فداه برتبهٔ بلند ایالت دارالمؤمنین‌استراباد مباهی و سرافرازگشته

همواره مکنون خاطـرخطیر و منظور نظر بی‌نظیر آنست که در محارست و محافظت این مرزوبوم‌که مورث رضای‌طبع ولینعمت حقیقی و باعث هراس مخالفین واعداءدین مبین و مؤسس اساس جمعیت حواس مؤالفین ومسلمین است نهایت حزم و دقت ونسق ملحوظ و مرعی باشد با جمهور رعایا و برایا کـه ودایع حضرت آفریدگار جل‌شأنه درمهاد أمن وامان و بستر راحت مرفه‌الحال غنوده بدعاگوئی دوام دولت ابدمدت قاهرهٔ باهره وکسب تجارات و زراعات اشتغال‌نمایند ظهوراین مدعاازپردهٔ خفابساحت شهود موقوف بآگاهی وبیداری وطلایه‌داری غازیان و ملازمان هوشمند است‌که هرشبانگاه قطع‌نظـر از خواب چون ثوابت و سیّار تا صبح بیدار بـوده برگرداگرد مقـراقبال و سرادق اجلال‌که برنظام دور ونزدیك اهل این حدود نسبت نفس‌ناطقه بابدان‌مردمان دارد چون مژگان بدور چشم پاس داشته چشم برهمزدنی غافل نباشند و طلوع‌نیّراین اراده نیز از مشرق توفیق بتجلی‌تعیین هوشیار خبرداریست‌که چون صبح صادق‌بصفای طینت وجلای طویب مصفّی وبه حلیهٔ خلوص عقیدت وحسن خدمت محلی بوده تمامی شبهاهمگی‌اوقات‌خودرامصروف‌بخدمت‌کشیکچی‌باشیگری‌که‌ازجملهٔ‌مهمات‌عمده‌است داشته واقف و عارف بچگونگی کشیك داشتن هر یك از غازیان و ملازمان که‌بعداز اخبـار و اشعار مصدر انعامات و ازدیاد توجهات دربارهٔ هـر یك علی‌مراتب طبقاتهم خواهـد بود بوده در مقتضیات مزبور دقیقهٔ فوت و فروگذاشت ننماید وگلگونهٔ ایـن مقاصد ازچهرهٔ این حال رفعت و معالی‌پناه قلیجان‌بیگ ولد محمد آقا قوانلوینگی‌ـ قاجار منسلك در کشیك زیادلو وفور ظهور دارد بناءً علیه در سه ماههٔ آخر لوی‌ئیل هنگام‌ورودمسعودبقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی‌پناه مشارالیه رابرتبهٔ منصب‌کشیکچی‌ـ باشیگری معزز و مواجب او را بمبلغ هشت تومان رایج خراسان برینموجب مقـرر نمود که در خدمت مرجوعه چنانچه شایستهٔ فطرت وآگاهی اوست مراتب حسن‌سعی‌و

نیکوخدمتی بمنصهٔ ظهور رساند آقایان و غازیان و ملازمان و تفنگچیان و قاطبهٔ کشیکچیان سرکار عالی مشارالیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد کشیکچی‌باشی کل ملازمان اویماقات هفت کشیك وسایر ملازمان قدیمی و جدیدی دانسته اوامرونواهی مختصهٔ منصب او را که هرآینه باعث خیراندیشی و مصلحت دولت بوده باشد مطیع بوده تخلف نورزند وچون فرمان قضاجریان واجب‌الاذعان شرف نفاذ یافت که جمعی از ملازمان و غازیان کذایی در اندرون قلعه خانه ساخته سکنی نماید و از فرموده تخلف نورزد که موجب بازخواست و[مواجب]مستردخواهد شدمستوفی الی‌آخره.

رقم قراسوران

آنکه مقرر است که چون درین اوان بمقتضیات مشیت قادر مختار و تربیت برگزیدهٔ کردگار که زمام اختیار ونظام امور کلی و جزوی اهالی این ثغور بعهدهٔ اهتمام‌این غلامزادهٔ قدیمی آستان ملایك پاسبان مقرر و شفقت شده وهمگی همت والاوجملگی نهمت علیا مصروف و معطوف برآنست که جمیع امور بروفق رضای الهی بنحوی منتظم و منتسق گردد که مزیدی برآن متصور نباشد و درینولا که به نیروی الطاف شاهنشاهی ورود مسعود بدارالمؤمنین استراباد اتفاق افتاد حضرات سادات عظام و ارباب و اهالی آنجا از تعدی و ستم دزدان اکراد چمشگزك و احشامات غریبه که در میان هرطایفه متفرقند وترکمانان که بوسیلهٔ تجارت در اینحدود میکردند تظلم نمودند و دفع و قلع وقمع این طایفهٔ بی‌عاقبت که خارراه مسلمانانند اهم اموعظیمه است و تمشیت صدور این نسق منوط و مربوطست بنصب و تعیین قراسوران کاروان خیراندیش عارف باحوال متقلبه و اوباش و اجامره و پاطاق دزدان و طریق بدست آوردن و دفع ایشان و مصداق این مقال صورت‌حال رفعت و معالی‌پناه عزت وعوالی‌ـ دستگاه شمساً للرفعة و المعالی میرزا محمدبیگ قاجارقورچی‌باشی سرکارعالیست که

بمرور ایام اطلاع تمام براوضاع دزدان وپاطاق ایشان حاصل نموده بناءً علیه درمعاملهٔ لوی‌ئیل منصب قراسورانی کل بلوکات واحشامات دارالمؤمنین استراباد از حد قریهٔ کلبادتا حدگرایلی منصب مزبور موافق معمول دستور سابق برفعت و معالی‌پناه مشارالیه مرجوع شد که بواجبی بامر مذکوره ولوازم‌آن و دفع دزد و قطاع‌الطریق کوشیده نوعی نماید که مترددین بی‌خوف وخطر از شوارع اینحدود عبور و آمد و شد نمایند کـه غرامت آنچه در ایام قیام او بمنصب مزبور ازامـوال مترددین در شوارع اینحدود دزدند درعهدهٔ اوست و دراخذ وجوهات حاصل منصب مزبور از دستور معمول تخلف نورزد و در آخر سال نسخهٔ براسامی رعایاء بومی و غریبه و کدخدایان هر محل و مجرمین و قدر جرایم که دو دانگهٔ اموال مسروقه متمیز باشد بمهرخود در[د]ست داشته بحضور آورد که بعدازملاحظه بدانچه‌مقررشود معمول و مرتب گردد و قضایائی کـه در بلوکات سانح شود سوی قضایای اربعه وامـور عظیمه پرسش نموده بعـداز ظهور گناه جریمهٔ فراخور تقصیر وقدر استطاعت مجرم بازیافت نماید و امور معظمه را بدیوان عالی معروض دارد کـه موافق قانون عدالت غوررسی شود و جمعی راکه پاطاق دزد باشندگرفته بدیوان عالی فرستدکه مورد تنبیه وسیاست گردند ریش‌سفیدان ایلات و احشامات و کلانتران و کدخدایان و رعایـا و جمهور متوطنین‌بلوکات ازحدقریهٔ‌کلباد الی‌حدگرایلی رفعت و معالی‌پناه قورچی‌باشی مشار‌الیه رامن‌حیث‌الاستقلال والانفراد قراسوران خود دانسته اوامر و نواهی مومی‌الیه را که هرآینـه متضمن خیریت برایا و امنیت طرق و شوارع بـوده باشد مطیع ومنقاد بوده باشند و جمعی را که درهرمحل وهرحشم پاطاق دزد باشند بمشارالیه سپارندکه بدیوان عالی فرستد داروغگان و ریش‌سفیدان هرحشم وهرمحل مجال تمرد احدی‌از مضمون مسطور نداده تخلف نورزند که موجب بازخواست عظیم خواهـد شد ودرین باب قدغن دانسته در عهده شناسند.

کتابت

پیوسته گلگون دولت و اقبال بعنان‌داری تأیید ذوالجلال رام وصهبای حشمت وجلال بجرعه‌پیمای داور متعال درجام مرام وایام بسطت و اجلال بمددکاری فیوض مهیمن متعال مخلد و مستدام‌باد برب‌العباد. . . . . بعداز اتحاف گلدسته دعائی که عطر نوشکفتهٔ گلهایش حریم اجابت را چون خلوت‌انس قدوسیان معطر نماید و اهدای شمامهٔ ثنایی‌که شمیم روانبخش حلوت قبول را بعبیر سرورآراید مکشوف رای انورو ضمیر منیر فیض‌گستر میگرداند که حقیقت اشتیاق و آرزومندی ادراك ملاقات وافی مواهب عالی‌که اقتضاء مقصد مخلصان است نه‌امریست که بامداد کلك مشکین سواد نیرنگ‌زدهٔ صفحهٔ اظهار تواند شد و از احوال خیرمآل سعادت اشتمال نیز مدتی [است] که اطلاع حاصل نیست و قبل ازین که درباب استخبار کیفیت شکارگاهها و اینکه در هرمقام‌که بهم میرسد و وقت شکارکی است و کدام شکارگاه شکار بیشتردارد بخدمت عالی عرض‌شده بود وازآن خبری نرسیدبنابرین درین وقت رفعت ومعالی‌پناه عزت و عوالی‌دستگاه اعزی‌کمالا حقنظر بیگ غلام خاصهٔ شریفه را روانهٔ خدمت عالی‌گردانید یکعدد رأس‌کرهٔ عربی که لایق سواری ملازمان عالی میدانست از روی اخلاص واتحاد روانهٔ ملازمت عالی‌گردانید مقررخواهند داشت‌که حقیقت شکارگاهها را وکلاء عالی قلمی نموده تا اوان ادراك ملازمت ...

کتابت

حضرت حق‌سبحانه و تعالی ذات ستوده‌صفات کثیرالبرکات عالیحضرت رفیع‌منزلت عوالی‌خلت مقدس‌طینت رفعت و اقبال‌پناه ابهت و جلالت دستگاه‌خلت و محبت و مکرمت‌اکتناه شفقت وملاطفت‌شعار مؤالات و مؤاخات دثار عالیمقداری شمساً للرفعة

والمحبة والمودة والعز والاقبال محمدبیکا سلمه‌الله تعالی همواره موارد قوافل فیض بداراد و ملاقات شریفش را بدوستکامی بمخلصان آرزومند روزی کناد بمحمدوآله الامجاد بعداز اظهار اشتیاق یکجهتی منهی رای انور میگرداند که درینوقت بعضی مطالب ومدعیات خودرا بخدمت دیوانیان اعلی‌قلمی نموده‌نزد رفعت ونجابت ومعالی پناه قواماً للرفعة میرزاجعفرامنشی ارسال گردانید مطموع آنست ازتوجه در حصول آن مطالب دریغ نفرموده شرایط مهربانی که لازمهٔ ذات والاصفاتست بظهورآورند و پیوسته خدمتی که درینحدود بوده باشد باعلام وانجام‌آن منت نهند تاحسب‌المقدور درین معنی آثار یگانگی واتحادبظهوررساند ظل‌عالی‌لایزالی‌باد .

کتابت

رفعت ومعالی‌پناه عزت وعوالی‌دستگاه محمدت‌اطواری مصادقت‌شعاری‌حاج‌الحرمین‌الشریفین‌نظر . . . . . الباقیارا بعد ازرفع دعوات واظهارخواهشمندی آنهامیگرداند که درینوقت فرزندی برخورداری باباخان بیکارا سی‌چهل تومان‌بجهة مواجب خدمتکاران و بعضی اخراجات احتیاج و در بایست است توجه نموده مبلغ مزبور را بعنوان مساعده بایشان داده قبض بازیافت نمایدکه ازقرارقبض وجه مزبوردرینحدود مهمسازی‌میشود البته درین‌باب لوازم صداقت بظهور رسانیده نوعی نمایند که بزودی مهمسازی ایشان‌شود چون مدتی شدکه برین‌حدود نیامده‌اند چنانچه ارادهٔ‌آمدن‌نموده امتعهٔ‌که‌باب‌باشد همرادبیاورند خالی‌ازنفعی‌که درخاطر گذرانده‌اند نخواهدبود وآنچه بیاورند سرکاراینجانب وملازمان برمیدارند در باب جیقه مکرر بایشان سفارش نموده چنانچه آمدن باینصوب اتفاق‌افتد جیقهٔ مرحوم مغفوریادگار بیکا را بجهة اینجانب قیّمت مشخص ساخته همراه خواهندآورد که ازین معنی‌بسیار مسرور میگردد زیاده مبالغه واطالت نمی‌نماید .

کتابت

بآشناروی نگاه چشم شهلا و بخون گرمی دل محبت آشنا و بمشعله افروزی شمع آه و به سحر خیزی نالهٔ واشوقاه و به ثبات عهد محبت جاوید و بیکتادلی و پاکدامنی دیدهٔ بینش محمد سعیدقسم که آنچه بوالهوسان بادهٔ نارسائی گوشزدهوش نموده‌اند درحوصلهٔ وقوع گنجایش ندارد مرحبا اهلاً وسهلاً باریکی خیالات اگر لاف نزاکت زنند اشارات دلفریب کشمیری [چشمان] بزبان ابروگویند سلّمنا وآوازهٔ رنگینی عبارات اگر بگوش کلدستهٔ سوسن اززبان بیزبانی اززبانش وکیل است که سمعنا واطعنا ترك آشنائی وقطع علاقـهٔ محبت و دوستی فیمابین شما وما هرآینه دعوی مالی ونه مخالفت مذهبی واقع است واقع چـه واقع شده که من مخلّی بطبع می بودم وعنان اختیار بدست اراده ومرادخود میدیدم طی مسافت خدمت چنانکه همیشه می نمودم مینمودم که مرا میسر نیست شماراهست شکر کنید ودرجستجوی رضای دوستان بقدریك شعله وارآه حیرت بهمرسانیده ازژولیدگی دلهای بیدلان بترسید وبسلام ونامه باعث تسکین خاطر اخوان فی‌الله گردید اگـر عذر خواهید گفت که فصل بهارصاحب شوریم ودرفصل پائیزدل ازمیوه‌های الوان وآبهای یخ فراوان ونسیم محلهٔ کوسان برنمیتوانیم داشت وزمستان سرد وکفش سفردریا فراخ است پس دنیا خودبیوجوداین چهارفصل وموسم نمی‌باشد بهمه‌حال حقیقت احوال وحالات را بلافاصله ایام قلمی نمایند چون خاطرمشوش ودوات وقلم حاضروبسبب تخیلات مفسده فاسده نمیدانم دماغ کجابود.[1]

۱ــ متن بسیار در هم وآشفته است .

کتابت

شوق و آرزومندی بادراك ملاقات گرامی خدام والامقام رفعت ومعالی پناه عزت ومکرمت و عوالی دستگاه عطوفت و رأفت وصداقت انتباه محبت ومودت وخلّت اکتناه محمـدت اطواری عالیقدری نظاماً للرفعة والعزّة والمکرمة والعطوفة والرأفة والصداقة والمعالی اسفندیار بیکا زیاده ازمنتهای متصوراست ان‌شاءالله تعالی حصول این مطلب بروفق مدعا مقدرومرزوق باد بعداز اظهارمراتب خواهشمندی منهی‌رای مصادقت انتما میگرداندکه دربنوقت رفعت ومعالی‌پناه نجابت و کمالات انتباه محمدت‌اطواری قواماً للرفعةوالعز والمعالی میرزا محمدجعفراءمنشی رابجهة تنقیح محاسبات مرحوم جلالاکبراء وزیر سابق‌خراسان ودیگرمطالب روانهٔ اردوی گردون‌شکوه نمود که‌بعنایت‌الله تعالی و بیمن توجه دوستان مهام مزبوره راصورت وانجام دهد چون درتمشیت اکثـر مهمات محب توجهات‌نموده‌شیوهٔ‌اتحاد ویکانکی مسلوك‌داشته‌اند مأمول‌آنکه‌دراین موردنیز طریقهٔ صداقت‌رامرعی داشته‌تجویزمغایرت‌و بیکانکی ننمایند و بامدادواعانت که‌درهر باب‌لازم باشد پذیرای منت دانند زیاده اطناب‌ننموده مترصداست‌که هرگونه خدمتی ورجوعی که دراین حدود داشته‌باشند بمقام اعلام درآورندتا حسب‌الامکان بتقدیـم رسانیده شود ایام‌بکام دوستان‌باد .

کتابت

خدام ذوی‌الاحترام رفعت ومعالی‌پناه عزت ومکرمت و عوالی دستگاه شهامت ومناعت اکتناه صداقت ورأفت شعار محمدت‌اطوارعالیقدری شمساً للرفعة والمکرمة والصداقةو الرأفة والعزوالتمکین محمدقلی بیکارا بعد از اتحاف دعوات زاکیات محبت علامـات مـرفوع رأی موالات انتما میگرداند کـه مبلغ شصت تومان تبریزی کـه از رفعت و

معالی‌پناه عمدةالاکابر سلطان مسعوداءکلانتر جام بموجب سند طلب داشتند ومحب دو کلمه بایشان‌نوشته قبول مهمسازی‌آنوجه نموده بود که در هنگام رفتن باردو ....را فرستاده کتابتی در باب مهمسازی وجه مزبور قلمی نموده بود همان وقت که کتابت‌و فرستادهٔ خدام رسید مبلغ مزبور را بالتمام و کل تسلیم و قبض بـازیافت نموده ازآن تاریخ تا حال سند نزدایشان مانده نفرستاده‌اند و درین وقت بـآن احتیاج است توقع آنکه در روز متوجه شده سند مزبور را برفعت و نجابت و معالی‌پناه عـزت وکمالات اکتناه کمالاً للرفعة و النجابة میرزا محمد جعفرا تسلیم نمایند که مشارالیه بزودی روانه گرداند و تا هنگام ملاقات کاری و خدمتی‌که درین حدود داشته باشند بمنصهٔ اعلام درآورند تا حسب‌المرام صورت انتظام داده شود.

کتابت

ذات محمدت‌کیش و وجود خیراندیش خدام والامقام لازم‌الاحترام عالیحضرت‌سامی‌ـ رتبت مقدس‌طینت والامرتبت متعالی‌منزلت رفعت وعظمت و اقبال‌پناه دولت وشوکت‌و اجـلال دستگاه شهامت و بسالت و مناعت انتباه محمدت و منقبت و مکـرمت اکتناه اشفاق والطاف شعار محبت و مودت مدار کریم‌الاخلاقی عالیجاهی غنی‌الالقابی‌رفیع‌ـ الشأنی منیع‌المنزلة والمکانی عظیم‌القدر . . . الاحسانی رفع‌شأنـه العالی ازآلام‌ایام درحفظ وحمایت حافظ حقیقی‌بوده همیشه دوستکام باشند بعدازتبلیغ لوازم دعاگویی‌و تبیین مراتب اخلاص و یکجهتی مشهود ضمیر منیر بیضا نظیر میگرداند که درینوقت چون‌بعضی ازادن بیکیان عمدهٔ ترکمان‌سالور نزد محب‌آمده ازاخبار وسوانح اورگنج مطلع بوده حرفی چند مذکور ساختند لهذا اخبار مزبوره را بـا بعضی مراتب دیگر عریضه مشتمل بردو سه فصل نوشته بپایهٔ سریر خلافت مصیر فرستاد کـه بیمن توجه

خدام ان‌شاءالله تعالی درمحل مرغوب بعرض حجاب بارگاه‌گردون اشتباه رسیده بحلیه‌و خلعت جواب مزین گـردد توقع از لطف عمیم چنانست که در مراتب دوست‌نـوازی چنانچه مستلزم ذات ستوده صفات است توجه دریغ نداشته نوعی فرمانید که باهتمام توجه خدام مطالب مخلص بحصول اقتران یابد کـه هرآینه این معنی موجب انفـاذ موادالفت واتحاد خواهد بود زیاده مصدع نشد مترصد رجوع‌خدمات است‌که درانجام آن شرایط اخلاص و بندگی بظهور رساند ایام عظمت و جلالت واقبال مخلد باد .

کتابت

قوافل دعوات وافیات اجابت قرین و رواحل تسلیمات زاکیات مخالصت‌آئین مجدداً ارسال محفل‌گلشن شمایل برعالیجناب پسندیده‌آداب رفعت و معالی و اقبال‌پناه‌عزت‌و جلالت و محمدت انتبـاه خلت و رأفت‌وحفادت اکتناه محبت و مودت‌آگـاه فتوت و مکرمت شعار ملاطفت و احسان‌مدار کریم‌الاخلاق عالیمقداری شمساً للرفعة والعزة و الجلالة والمحمدة‌والخلة والاقبال محمدبیکاضاعف‌شانه‌گردانیده همواره‌بتذکارمحامدو انتشارمناقب‌رطب‌اللسان وعذب‌البیان می‌باشد امیدکه‌ذات‌ملکی صفات ازآفات‌وبلیات درحفظ وحمایت حافظ حقیقی‌بوده بمقتضای خواهش دوستان باشند بعداز تبلیغ‌دعای معراازریاکه شیوهٔ دائمی‌محبان صادق‌الولااست مشهود ضمیرمنیر بیضا تنویرمیگرداند کـه الحمدلله والمنة مجاری احوال محب بحسب دلخواه دوستانست و امری‌که‌کلفت‌ افزای خاطر احبا بوده باشد بجز مفارقت خدمت گـرامی سانح نیست چون درینوقت پیشکش سرکـار خاصهٔ شریفه را انفاذ درگاه فلك بارگاه گردانیده یقین حاصل است که در هرباب مقتضی مودت جبلی را منظور نظر موالات اثر خواهد ساخت و تجویز مغایرت نخواهد فرمود لهذا بتنویر صحیفة الوداد اقدام نمود که محرك سلسلهٔ الفت و یگانگی و وسیلهٔ‌یادآوری بوده باشد توقع چنانست که تا زمان ادراك صحبت اکسیر

خاصیت سامی درافتتاح ابواب مکاتبات و مراسلات که بهجت افزای قلوب مشتاقانست توجه دریغ نداشته بلاحایلهٔ یگانگی خدمتی و رجوعی که درین حدود داشته باشند بمقام اعلام درآورند تا در تمشیت آن بعنایت‌الله تعالی مراسم جهتمندی بظهوررساند ایام بکام دوستان باد .

[کتابت]

ایزد بیهمال ذات‌ستوده خصال‌بندگان سموالقدر والاشأن عالیحضرت‌سامی‌رتبت‌قدسی‌ـ طینت نواب مستطاب مقدس‌القاب رفیع‌قباب فلکجناب خورشید اشتهارگـردون وقار سپهر اقتدار را از اصابت عین‌الکمال مصون و محروس داشته بمقتضی خواهش‌دوستان حقیقی و مخلصان صمیمی برمسند دولت و اقبال و وسادهٔ عظمت و اجـلال متمکن و مخلد بداراد بمحمد وآله‌الامجاد بعداز طی ادعیه و افیه واثنیهٔ زاکیه مصدع ومضیع اوقات فرخنده ساعات که ضمان حصول مراداتست میگردد که درینوقت ازاخبار این حدود که بوساطهٔ امارت و رفعت‌پناه قنبرعلی سلطان علی‌آملی بمخلص حقیقی رسیده بوده بپایهٔ سریر خلافت مصیر روانه نمود که ان‌شاءالله مضامین‌آن در مجلس بهشت‌ـ آئین بسمع شریف خواهد رسید مـن‌بعد نیز آنچه رو دهد بعرض میرساند مترصد و مترقب از مکارم اخلاق جبلی‌آنست‌که توجه و شفقت مرعی داشته نوعی نمایند کـه عریضهٔ مذکور بزودی بخلعت جواب مزین گردد و هرگونه مهمی و رجوعی‌که دراین حدود داشته باشند و مخلص راقابل انجام آن دانند مرجوع سازندکه بعنایت‌الله‌تعالی لوازم بندگی وحسن عقیدت بظهور رساند چون غرض‌منحصر بود زیاده‌اطالت واطناب نرفت بدعای بیریا که شیوهٔ مخلصان دائمی قدیمست اختصارمینماید سایهٔ بلند پایه‌بر مفارق کافهٔ احباب و مخلصان الی‌یوم القیام مستدام باد .

کتابت

تاسیمرغ زرین جناح ملمع بال وشاهباز بلندپرواز همیون‌فال را نشیمن وسیرودور بر قلهٔ قاف چهارم طارم‌است شاهین‌لازم التمکین عزت ورفعت‌معالی‌پناه‌عزت وعوالی دستگاه محامداطوار رفیع‌مقداری بال‌افشان اوج‌عرصهٔ‌کامروائی بوده طعمه‌یاب ازصید مقصود بادبمحمدو آله‌الامجاد مکاتبة محبت‌طرازعطوفت تضمین وشاهین و. . .جـلادت‌آئین که درینولا بدستیاری رفعت‌پناه قوجه‌بیک به‌پروازگاه ارسال درآورده بودندازمطالعهٔ آن مسرّتی تازه وملاحظهٔ این‌انبساط بی‌اندازه دست‌داد الحق‌که قوشی غریب ودالـی عجیب‌است وشاهین‌باین رسائی وطعمه‌ربائی و بال‌بدست‌کشی بدست هیچکس از میر- شکاران‌عدیم‌المثال تعلیم فارغبالی نگرفته چنانچه ازچنگال عقاب اجل رهائی یابد میتواندبودکه‌پا دربندحیات باشد بطریق دست‌انداز هرگزگزندی از ناخن ومنقاربی- آزاران عنقاشکار بجانوری نرسد و بمضمون اصابت مشحون‌کلام صداقت انتظام مقبول راطالع سخنوران حاضروغایب . . . کـه‌بی‌مگس هرگز نماند عنکبوت رزق‌راروزی رسان پر میدهد لاجرم سر بتماقهٔ قناعت‌کشیده و بر نشینهٔ توکل قرارگرفته مطلقاً بـال جستجو باندازهٔ‌جورکه‌وتیهو باز نکرده هـمواره شاهین‌نظر برآستان دست و بهله‌قوشچیان طعمه‌آور خواهد داشت طایرمحبت و وداد کالشمس فی‌السما در پروازگاه بـی‌تکلفی سیّار باد .

کتابت

مکاتبهٔ محبت‌نواز ومفاوضهٔ تفقد طراز که درینولا نگاشته قلم متعین رقم خدام‌ذوی- الاحترام‌عالیحضرت‌رفعت ومعالی‌پناه‌عزت ومکرمت واجلال‌دستگاه شهامت و مناعت- انتباه محمدت و منقبت اکتناه محبت و مودت‌آگاه عالیقدری مرضیة الاطواری غنّی-

الاوصانی شمساً للرفعةوالعزة والمکرمةوالشهامة والمحمدة والاقبال‌محمدزمان بیکاشده مصحوب شاطر برخوردارسمت ارسال یافته بود دراسعدازمنه‌پذیرای فیض ورودآن گشته مطالعهٔ مضمون الفت مشحونش ایفاد محبت واعتقادگردید وعبارات دلگشایش گلستان ارتباطراطراوت بخشید امیدکه همیشه‌این‌شیوهٔ مرضیه رامنظورومسلوك داشته ازخاطر محو نسازد وبارسال مکاتبات‌که‌نعم‌البدل ملاقات است‌بهجت‌افزای خاطرمشتاق‌گردیده بلاحایلهٔ مغایرت خدمتی که درین‌حدود داشته‌باشند بمنصهٔ پیغام واعلام درآورند تا حسب‌المرام بعنایت‌الله‌تعالی صورت انتظام داده شود چون غرض ظاهر بود اطناب‌ننمود شرح‌حـاشیه‌آنکه حضرت والارتبت رفعت ومعالی‌پناه عوالیجاه محبت ومـودّت انتباه محمدت وخلّت اکتناه اقبال‌آثاراعزی‌کمالاً للرفعة والاقبال نجفقلـی‌بیکا زید قدره درحاشیهٔ مخاطبهٔ شریف‌بدوکلمه یادآوری‌ساخته‌بودند امیدکه‌بسلامت‌بوده دوستکام‌و مقضی‌المرام باشند ورجوع خدمات‌لایقه اشاره دریغ ندارند .

عریضه

بموقف عرض میرساند که الحمدلله‌والمنة مجاری احوال اینحدود برنهج خیروصواب مقرون ومصروفست وامری‌که خلاف رضای خاطراولیای دولت‌بیزوال‌ابدی‌الاتصال‌بوده باشد واقع وسانح‌نیست درینوقت پیشکش سرکـار خاصهٔ شریفه مهماامکن تـرتیب و سامان داده‌وانفاد درگاه‌گردون‌اشتباه خلایق‌آرامگاه‌گردانیدکه انشاءالله‌تعالی بتجویز ملازمان وبیمن‌توجه وشفقت‌عمیم‌آنخدایگان‌بنظرمبارك‌بندگان‌نواب‌کامیاب‌قمررکاب اشرف‌اقدس‌همیون‌اعلی‌که صدهزار جان‌گرامی قربان نام نامیش باد در آید مستدعی چنان است‌که کمترین‌راازجملهٔ بندگان‌منسوبان‌تصور فرموده‌پرتوالتفات‌ازساحت‌بندهٔ صادق‌البال دریـغ نفرمایند وبرجوع خدماتی‌که قابل انجام ومشیت‌آن دانند مفتخرو سرافراز سازندتاحسب‌الوسع والامکان بعنایت‌الله‌تعالی مراسم سعی واهتمام وشرایـط

بندگی بظهور رسانیده مباهات نماید انشاءالله سایهٔ مرحمت عالی بر مفارق بندگان حقیقی پاینده ومستدام باد بمحمدو آله الامجاد .

حکم

ایالت‌پناه محراب‌خان بیگلر بیگی استراباد بالقایه بشفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که یکدست طیفون ویازده چرغ و بحری که درینولا بدرگاه جهان‌پناه فرستاده بود بنظر کیمیا اثر رسیده خلعت فاخره بآنعالیجاه شفقت‌فرمودیم بتوجهات شاهانه مستمال بوده پیوسته حقیقت اخبار اینحدودرا معروض داشته درعهده‌شناسند .

عریضه

عرضه‌داشت کمترین دعاگویان بموقف عرض باریافتگان سرادقات جاه وجلال‌میرساند که الحمدلله والمنة بنیروی اقبال بیزوال ابدی‌الاتصال امنیت اینحدود بحسب خواهش اولیای قاهره است و امری‌که قابل‌عرض اشرف وخلاف مدعای احباء دولت ابدمقرون بوده‌باشد بوقوع نیامده وسانح نیست انشاءالله همیشه اعدای دین‌ودولت ازصفحهٔ روزگار نیست و نابود گردند درینوقت یکدست طیفون تولك با یازده‌دست چرغ و بحری که‌درینولا صیادان استراباد صیدنموده‌آورده‌بودند انفاذ درگاه گردون اشتباه‌گردانید امیدکه در محل مرغوب بنظرکیمیا اثراشرف درآید امرءاعلی .

کتابت

مکتوب مرغوبی‌که مضمون میمونش بقواعد محبت ووفا مشحون بود درینولا ازجانب خدام ذوی‌العزوالاحترام رفعت واقبال‌پناه ابهت ومکرمت‌دستگاه خلّت وصداقت‌اکتناه محبت ومودت‌آگاه قابلیت وکمالات‌شعار محمدت ومنقبت‌اطوار رفیع‌مقدار مستغنی‌ـ

الاوصافی بوساطة رفعت ومعالی پناه مرضیة الصفات شمسا محمدی بیگ رسیده انواع بهجت و حبور رسانید حقا که شوق و آرزومندی بادراك سعادت ملاقات وفیض مقالات نه بدرجه و مثابه‌ایست که خامهٔ دوزبان متحمل تحریر شمهٔ ازآن تواند گردید امید که مسبب حقیقی وسیلهٔ که متضمن حصول آن مطلب عظمی بوده باشد عنقریب روزی و نصیب کناد بحق محمد وآله الأمجاد بعداز بیان حکایت شوق آرزومندی واظهار مراتب خصوصیت و یك جهتی مشهود رای قمر انجلا میگرداند که چون درینولا سیادت و نجابت پناه عوالی آثاری میر نظاما علیّا بجهت عرض وانجام بعضی مطالب ومدعیّات متوجه اردوی کیهان بوی گردیده متوقع است که بنحوی که نتایج مکارم افعال ومآثر ذات محاسن آمال است در مراتب اعانت ومظاهرت ملازمان امقرر فرمایند که بعون عنایت وحسن حمایت مومی الیه را مشمول ذرّه پروری ومحمول احسان گستری شمرده گوشهٔ خاطر ازآن . . . دریغ نفرمایند که بیمن توجهات شاهانه مبتهج گردد چون یقین بود که در باب ازدیاد مخالطت واستحکام روابط مخالصت کوشیده مفتح ابواب مراسلت خواهد بود مترقب است که از ارجاع خدمات معینه و ابلاغ مرجوعات مبینه خودرا معاف ندارند .

کتابت

همواره ظلال عواطف واقبال وشادروان مواهب و اجلال بندگان سموالمکان منیع ـ الشأن عالیحضرت گرامی رتبت سامی درجت پسندیده وستوده خصلت مکارم و مجامد جبلّت ابهت وکرامت واقبال پناه شهامت ومناعت و اجلال دستگاه عطوفت ورأفت وفتوت خصال محمدت و موهبت ومحاسن فعال رضیة الاخلاق مرضیة الاشفاق رفیع مقدار بلنداقتدار کریم العزّ والوقار عالیجاهی مقرب الحضرت العلیة العالیة خاقانی ذوی الاجلال والاعتدال مستخدم الاشراف والعطایا(؟) برفرق خواص وعوام ورؤس جمهور وانام گسترده غباری از نهج حادثات ازمنه واعصار وشرری از نوایر عارضات لیل ونهار بمخایل بزرگی و

بلنداقتداری و نواحی سر بلندی راهبر نگشته مقضی المرام درحفظ حمایت ملك وهّاب و حصن حـراست رب الارباب باشند بفضله و عنایته مجدداً بوسیلهٔ ارسال صحیفهٔ اخلاص مصدع اوقات فرخنده ساعات بندگان عالیحضرت سامی رتبت متعالی منزلت ایـالت و شوکت واقبال پناه حشمت وعظمت و جلالت دستگاه نصفت ومعدلـت ومکرمت انتباه شهامت وبسالت اکتناه محبت ومودت آگاه اشفاق والطاف شعار محمدت ومنقبت اطوار عالیجاهی مؤمن الدولة العلیة العالیة الخاقانی والاشانی منبع القدر والمکانـی کثیر الجـود والاحسانی گردیده مرفوع رای مهر انجلا میگرداند که قبل ازین حقیقت بعضی اخبار سانحهٔ اینحدود آمدن ریش سفیدان وادن بیکیان تکه و گرایلی سالور راکه رفعت پناه قنبرعلی بیگ تالیق علی ایلی واسطه بود بپایهٔ سریر خلافت مصیر عرضه داشت نموده بـود درینوقت نیز عریضهٔ مشتمل بر آمدن منگلی سلطان . . . . تکه و اخبار اورگنج که مشارالیهما تحقیق نموده مذکور ساختند بدرگاه خلایق پناه فرستاد که انشاءالله مضامین آن درمجلس بهشت آئین بسمع عالی خواهد رسید ملتمس ازمکارم اخلاق چنانست که درحصول مطالب مخلص توجه والتفاتی که مستلزم ذات با برکاتست دریـغ نداشته ازحواشی خاطر انور محو نفرمایند وتازمان ادراك شرف ملازمت سامی هرگونه خدمتی ورجوعی که درتمشیت وانجام آن شرایط اخلاص ویکجهتی بظهور رساند چون غرض ظاهر ومنحصر بود زیاده جرأت اطالت ننمود ایام ایالت وشوکت وعزت بماناد بالنبی وآله الامجاد .

عریضه

عرضه داشت کمترین غلامان محراب بذروهٔ عرض حجّـاب درگاه عرش اشتباه میرساند که درینولا امارت پناه قنبرعلی سلطان آملی بعدازمعاودت ازدرگاه خلایق پناه بصدقهٔ فرق مبارك اشرف اقدس ارفع همیون اعلی که جانهای ماغلامان قربان نام نامیش بـاد گردید

چون رفعت‌پناه‌پهلوان‌قلی بیگ برادرمرحوم‌مز بورقابلیت‌وشایستگی‌آن داردکه‌مشمول شفقت وعنایت بیغایت ولی نعمت گردیده‌بجای برادرمنصوب ومتمکن بوده‌ازروی‌اطمینان قلب دربنحدود بخدمات وجانفشانی قیام نماید واین معنی مقرون بصلاح دولت روز- افزون وباعث ازدیاد اعتقاد وامیدواری‌ترکمانان وظهورخدمات وجانسپاری‌آنجماعت است لهذا واجب ولازم دیدکه بموقف عرض باریافتگان سرادقـات‌جاه وجلال رساند امرهاعلی.

کتابت

شوق صحبت موفورالمسرت خدّام رفعت و معالی‌پناه قابلیت وکمالات انتباه محمدت و مکرمت اکتناه خلّت وصداقت‌آگاه محبت ومودّت شعارمرضیةالاطواری تـاجاً للرفعة والمحمدةوالمکرمةوالعزّوالمعالی‌قاضی‌حسنازیدقدره‌نه‌بدرجه ومثابهٔاست که در حیّز بیان‌امکان‌گنجائی‌داشته‌باشد صدق‌این‌معنی‌را رجوع بوجدان ضمیر عکس‌پذیر نموده منهی رای عطوفت اقتضا میگرداندکه دربنوقت بوضوح محبت‌که عالیحضرت ستوده- خصلت ایالت و شوکت‌پنـاه عظمت و جلالت‌دستگاه عالیجاهی نظاماًللایاله والشوکة والجلالة والاقبال دوست‌علی‌خانارا باغوای بیگلربیگی هراة بدرگاه خلایق‌پناه طلب فرموده‌اند عالیجاه بیگلربیگی معظم‌الیه‌بنابرعناد وعداوت دربنوقت‌کمال خفّت و بی- اعتباری نسبت‌بمنسوبان عالیحضرت معزی‌الیه‌که درمشهدمقدس معلّی بوده‌اند رسانیده بدستوردرمقام‌آنندکه‌بیشترخفت‌میرسانیده‌باشند چنانچه خدام‌والامقام رفعت ومعالی‌و اقبال‌پناه عالیقـدری اخوی نظاماًللرفعة والعزّوالتمکین محب‌علی‌بیکا حقیقت سلوك ایشانرا حسب‌الواقع بخدمت اظهارخواهد نمود و چون فیمابین محب وعـالیحضرت مشارالیه طریقهٔ الفت واتحاد ویگانگی بمرتبه‌ایست که مغایرت وجدائـی بهیچوجه منظورنیست لهذاکتابتی دربنموادبخدمت‌بندگان نواب مستطاب‌فلکجناب معلی‌القاب

خورشیدقباب عالیجاه وزارت وعظمت وشوکت‌پناه امیدگـاهی صاحبی نـوشته ارسال گردانید توقع آنکه درمحل مرغوب بنظر آنعالیجادرسانیده درینمواد شرایط محبت‌و اتحاد رابظهور آورندکه محب‌ازین معنی‌بسیارممنون خواهدبود زیاده مبالغه واطناب ننموده‌مترصداست‌که‌تا اوان‌ادراك ملاقات‌گرامی همیشه ازچگونگی احوال خیرمآل مخبرو برجوع خدمات مسرورسازند تاحسب‌المرام بعنایت‌الله‌تعالی صورت انجام‌یابد .

[فرمان برقراری مبلغ چهار تومان وهفت‌هزارو پانصدو هفتادو شش‌دینارو چهاردانگ‌و نیم‌از بابت مالوجهات ووجوهات محال ضمن استراباد برای استاد محمدتقی تیرگر]

فرمـان همیـون شد آنکه درینوقـت بنابرعنایت بیغایت شاهانه دربـارهٔ رفعت‌ـ مآب استاد محمدتقی‌تیرگر ازابتداء چهارماههٔ یونت‌ئیل مبلغ چهارتومان وهفت‌هزارو پانصدو شش‌دینار وچهاردانگ‌و نیم ازبابت مالوجهات ووجوهات محال مذکورهٔ ضمن استرابادکه به‌تیول‌ومواجب‌همه‌سالهٔ‌مرحوم‌حاجی‌محمدتقی‌تیرگرولدحیدربیگ‌استر ـ ابادی مقرربوده وبعدازفوت‌مرحوم‌مزبورازابتداءئیلان‌ئیل بهمه‌سالهٔ یوسف‌زرنشانگرو غیرهٔ عملهٔ قورخانه برینموجب مقررشده‌بود بدستورتیول همه‌سالهٔ رفعت‌پناه مشارالیه شفقت ومرحمت‌فرموده ارزانی داشتیم رعایاءمحالمزبورهٔ ضمن مومی‌الیه را ازتاریخ مذکورتیولدار وهمه‌ساله‌دارخوددانسته سال‌بسال‌مالوجهات وحقوق‌دیوانی رسدتیول‌و همه سالهٔ اورا موافق دستورالعمل دیوان واصل ساختهٔ چیزی موقوف ندارندوقضایاء سانحهٔ محل تیول‌راسوی قضیهٔ خون . . . . . که‌بفیصل‌رسانند وزراء وعمال وحکام و تیولداران ومتصدیان‌مهمات دیوان خراسان خصوصاً حکام‌وتیولداران ولایت‌استراباد بهیچوجه من‌الوجوه‌بخلاف‌حکم وحساب‌دخل درمحل‌تیول وهمه‌سالهٔ‌مشارالیه ننموده قلم و قدم کوتاه وکشیده دارند وبعلت مالوجهات ووجوهات ومنافع تیولداری وفـرع

تحصیلداری ورسوم داروغگی وپرسش قضایا سوی قضیّهٔ خونکه بدیوان متعلق است و اخراجات مسدودةالابواب ازعلفه وعلوفهوالام والاغوبیگاروشکاروطرحودستاندازو پیشکش وسلامانه وعیدی ونوروزی وسایر تکالیف خلاف‌حکم وحساب بمراسم ورسم که‌بوده‌باشد طلب وتوقعی ننماید درین باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد نطلبند و درعهده شناسند .

[حکم انتصاب محمدزمان ولد ابراهیم به کلانتـری جماعت فیوج‌الکاء استراباد ازابتداء قوی‌ئیل]

چون پیوسته صاحبان دین ودولت ومالکان ملك وملّت زمـام مهام جمهورانام وکـافهٔ خواص وعوام رادرکف‌کفایت کارآگاهان‌پسندیده وکاردیده‌واگذاشته‌اندتاامورجزوو کل منتظم و مهام خاص و عام مرتسم‌باشد لهذا بنابرتوجه خاطرعالی دربارهٔ سعادت و عزت‌آثار زبدةالعشایرمحمدزمان ولدابراهیم‌که‌باوجود حداثت سن‌آثـار فهمیدگی و کاردانی ازناصیهٔ احوال اوهویدا وازچهرهٔ‌آمال اوپیداست ازابتداء قوی‌ئیل کلانتری جماعت فیوج‌الکاء استراباد رابمشارالیه مفوض ومرجوع شدکه بواجبی بامرمزبورو لوازم‌آن قیام واقدام‌نموده بنحوی باجماعت مزبوره سلوك نمایدکه‌باعث تحصیل‌دعای خیر بجهة ذات اقدس بندگان ولینعمت‌عالمیان که جان جهانیان فدای سم ستورانش باد و سبب رفاهیت جماعت مزبوره بوده‌باشد کدخدایان وریش‌سفیدان‌جماعت‌مزبوره مشارالیه را من‌حیث‌الانفرادکلانترخود دانسته ازسخن وصلاح حسابی اوکه درهرباب گوید تجاوز ننمایند وتوجیه وتخصیص‌که درمیانهٔ ایشان واقع شودموافق‌قانون حساب ازقرارتجویز اومعتبردانند ورسوم مقررمعمول امرمزبور راسال‌بسال واصـل مشارالیه گردانند ودرین‌باب قدغن دانسته هرساله رقم مجدد نطلبند وچون رقم بمهرعالی رسد اعتمادنمایند .

[حکم انتصاب مشهدقلی بیگ ریش‌سفید غازیان ینگجری نرلو از ابتداء چهارماههٔ یونت‌ئیل به ترخانی مجلس عالی]

مقرراست که چون‌مسندآرایان بارگاه‌شوکت واقبال واورنگ‌پیرایان سراپردهٔ عظمت‌و اجلال در محفل عیش و نشاط ومجلس فرح وانبساط شاهد مرغوب‌نظر فیض‌اسلوب را بجلوه درآورده هریك ازلطیفه‌گویان‌شیرین‌مقال و بذله‌سنجان رنگین‌خصال رامشغول سخن‌سازی وسرگرم‌نکته‌پردازی دیده‌اند روضهٔ‌آمال و آمانی وحدیقهٔ‌عیش وکامرانی اورا بباران سحاب مرحمت‌وتربیت آفتاب‌مکرمت‌سرسبزوبرومندگردانیده از نسیم‌لطف‌و احسان و شمیم جود وامتنان چون‌گل درتبسم وچون‌بلبل درترنم داشته‌اند لهذا بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت ومعالی‌پناه زبدةالاماثل‌والاقران مشهدقلی بیگ‌ریش‌سفید غازیان ینگجری‌نرلو که ماصدق این مقال نامه‌ایست‌بنام او وجامه‌ایست بر اندام اواز ابتداء چهارماههٔ یونت‌ئیل ترخانی مجلس‌عالی ومحفل متعالی بمشارالیه مرجوع ومواجب اوبمبلغ ده‌تومان خراسانی اصلاً‌واضافه برینموجب مقررشد غازیان نصرت‌نشان وغلامان‌وتفنگچیان ظفرتوأمان وسایرملازمان وقاطبهٔ‌منسوبان‌سرکارعالی مشارالیه رابصفت مزبور موصوف شناسند.

[دستور تحریر حکم انتصاب تحویلدار مالومنال]

مقرراست که‌بنا برراستی وکم‌طمعی وکاردانی فلان در معاملهٔ قوی‌ئیل تحویلداری مالومنال فلان محل بمومی‌الیه مفوض و مرجوع شد که بلوازم آن قیام واقدام نماید کدخدایان‌وصاحب‌نهران وزارعان‌آنجا رفعت‌پناه مومی‌الیه راتحویلدارمالومنال سنهٔ مزبورهٔ خوددانسته نوشتجات بمهر مومی‌الیه را معتبر دانسته مهمسازی نمایند طریقهٔ رفعت‌پناه مومی‌الیه آنکه موافق طومار ضبط بحقیقت مالیهٔ هر یك از زارعان و

صاحب‌نهران بوقوف صاحب‌نهر رسیده حسب‌الواقع آنچه متوجه رعایا وزارعان بوده باشد تنخواه ارباب‌طلب‌نماید و نوعی نماید که زیادتی بر احدی از زارعان نشده تحصیل دعای خیر جهت ذات اقدس ارفع همیون‌اعلی حاصل‌شود مستوفی وکتاب سرکارعالی حسب‌المسطور مقرر دانسته بعد از تنقیح محاسبهٔ‌ جز وزارعان اسناد و نوشتجات دفتری را تحویلدار مزبور بدفترخانهٔ سرکارعالی آورده محاسبهٔ خودرا مشخص نماید ودرعهده شناسد .

[عرضه داشت میرزین‌العابدین دربارهٔ قریهٔ گرزانکلاته که از قرارهست و بود با اوعمل شود]

مقرراست که چون درینوقت‌سیادت‌پناه میرزین‌العابدین بعرض رسانیدکه مواضع‌عبد-الکریم مشهور بقریهٔ گرزانکلاته ملك اوست ومحصول آن وفا بمالوجهات نمیکند و استدعا نمودکه ازقرارهست وبودبا اوعمل‌شود وبرطبق عرض واستدعاء خودپروانچهٔ مطاعهٔ خاقان فردوس مکانی‌علیین‌آشیانی که‌بتاریخ شهررجب ۱۰۳۸ باسم مرحوم خسروخان‌حاکم‌استراباد عزّصدوریافته ابراز نمودخلاصهٔ‌مضمون آنکه هرگاه ملك‌قریهٔ مزبوره از عهدهٔ جمع قانون‌خود بیرون‌نیاید ازقرارهست وبودبااوعمل نمایند وتفاوت جمع‌قانونی الی‌مدت‌هست‌و بود رامنظور ندارند وادعا نمودکه پروانچهٔ مزبوره بامضاء مبارك اشرف‌اقدس رسیده وازتصدیق اوارجه‌نویس سرکار عالی مستفاد شدکه درایام حکومت عالیجاه قولارآقاسی از قرارهست و بودبااو عمل شده بنا بروقوع مقدمات مذکوره مقررداشت‌که ازابتداء سه‌ماههٔ یونت‌ئیل مالومنال قریهٔ مزبوره راسال بسال ضبط وموافق‌هست‌وبود رسد دیوان راباز یافت‌نماید مستوفی وکتاب سرکارعالی‌حسب-المسطورمقرردانسته درعهده شناسند .

[حکم انتصاب ارس بیگ زیادلو ـ قورچی تیروکمان ـ به داروغگی احداث وضبط مالیهٔ فیوج دارالمؤمنین استراباد و مایتعلق بها]

مقرراست که بنابرظهورکاردانی رفعت ومعالی‌پناه ارس‌بیگ‌زیادلو قورچی تیروکمان درمعاملهٔ قوی‌ئیل‌داروغگی احداث وضبط مالیهٔ‌فیوج‌دارالمؤمنین‌استراباد ومایتعلق‌بها بمشارالیه مرجوع شد که بلوازم امر مزبور قیام و اقدام نموده مالیهٔ مقرر معمول مستمر فیوج را موافق مأخون دستورالعمل سابق ضبط و بازیافت و ازجمله حاصل داروغگی مزبور مبلغ پانزده تومان خراسانی دروجه انعام خود . . . .[1] مشخصه بر اسامی‌هرطایفه وقدر آنچه بهمه جهت موافق مأخون معمول مستمر از ایشان بازیافت خواهد نمود در آخر سال بدفترخانهٔ سرکار عالی آورد کدخدایان و ریش‌سفیدان و غیرهٔ جماعت‌فیوج رفعت ومعالی‌پناه مومی‌الیه‌را داروغه وضابط متوجهات‌سنهٔ مزبوره خود دانسته آنچه موافق مأخون معمول ومتوجه هر یك بوده باشد بقبض مشارالیه مهمسازی نمایند وقضایایی‌که درمیانهٔ ایشان سانح شود سوی قضایای اربعه بمشارالیه رفع نمایندکه بعداز پرسش جریمهٔ فراخور جرم وقدر استطاعت مجرم بازیافت‌نماید مستوفی و کتاب سرکار عالی حسب‌المسطور مقرر دانسته از حاصل داروغگی و مالیهٔ فیوج مبلغ پانزده تومان خراسانی دروجه انعام مشارالیه و تتمه را ابوابجمع وتنخواه ارباب حوالات‌نمایند داروغگان وکلانتران هرمحل مجال تمرد احدی‌را ندهند ودر عهده شناسند و چون رقم بمهر عالی رسد اعتبار و اعتماد نمایند .

---

۱ ــ دوسه کلمه ازمتن محو شده است .

[دستور تحریر اسناد مبایعهٔ شرعی]

الحمدلله الذی احل البیع والشری وحرم الغصب والربوا وصلی الله علی سیدالوری محمدو آله مصابیح الدجی وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا اما بعد باعث ازین تحریر سطور شرعیة القواعد والاحکام آنست که بفروخت به بیع بات ثابت جازم لازم صحیح شرعی قطعی یکبارگی در حال صحت نفس و ثبات عقل اختیاراً لااجباراً و اکراهاً جناب زید بـه عمرو همگی و تمامی کـل یکباب خـانه و سراء سفالپوش معینهٔ واقعهٔ [در محلهٔ] میدان من محلات دارالمؤمنین استرابادکه محدوداست بحدود اربعه برینوجه باجمیع مضافات

شـرقیاً غـربیاً جنـوبیاً شمـالیاً

که پیوستهٔ ملك فلان متصل بملك فـلان ملحق بملك فـلان ملصق بملك فلان

و منسوبات آن ازآبگذر وراهگذر و اشجار وجدار وحوض وانبار و مطبخ وطویله و غیرذلك از هرچه ملکیت را سزد وشاید من القلیل والکثیر والنقیر والقطمیر مماذکر فیه اولم یذکـر و سطرفیه اولم یسطر بثمن مقررمعین یوم البیع المبلغ فلان نصفه فـلان بخرید مشتری مذکور همگی وتمامی مبیع محدودموصوف مذکور رابثمن مزبور وتمام ثمن را ایفا نمود و بایع مذکور اخذ و استیفاء تمـام ثمن مسفور نموده مبیع محدود مذکور از ملکیت خود تخلیه نموده بتصرف مشتری مذکور گذاشت ومشتری مشارالیه قبض ملکی وتصرف شرعی نموده باسایراملاك خود منضم گردانید بینهما قبض واقباض و تسلیم وتسلم شرعی دربدلین مذکورین واقع شد ودانسته اسقاط جمیع خیارات نمودند سیّما خیارالغبن ولوکان فاحشاً بیعاً صحیحاً شرعیاً قطعیاً وکان ذلك [فی] شهرفلان.

[دستور تحریر سند اجاره]

باجاره و مقاطعهٔ شرعیه دادند زبدةالاشباه والاقران فلان بفلان همگی و تمامی کـل یکباب خانه و سراء سفالپوش معینهٔ واقعه در محلهٔ فلان کـه محدود است برینوجه شرقیاً پیوستهٔ فلان غربیاً متصل بفلان جنوبیاًملحق بفلان شمالیاًملصق بفلان باجمیع مضافات و منسوبات و ملحقات آن از هرچه ازو انتفاع توان یافت از ابتداء غرهٔ شهر فلان سنهٔ ۱۰۷۷ لغایت مدت یکسال کامل بمبلغ فلان دینارتبریزی مقرر بینهماآ نکه مستأجر مذکور وجه اجارهٔ مزبوره را در انتهاء مدت مسفوره [کـارسازی] مـوجر مشاراليه نموده بعذر غیرشرعیموقوف و معطل ندارد تحریرا فیشهر مذکور فوق .

[دستور تحریر سند بیع‌سلم]

بفروخت به بیع سلم بشرط یکساله و خیار سه روزه زبدةالاشباه فلان بفلان از جنس شالی خوب دنکوب‌پسند بوزن بلـدهالمقدار ده خروار نصفه پنج خـروار و پنج‌مـن بثمن مقررمعین یوم‌البیع‌المبلغ یکتومان رایج‌تبریز نصفه پنجهزار دینار رایج‌مذکور . . . الشارط المذکور رادرایام خیار سوی مشتری مومی‌الیه مهمسازی نماید مسلط برفسخ بیع بوده باشدوالابیع بات ثبات شرعی بوده محتاج به بیع جدید نبوده باشد . تحریرا فی شهرفلان

[دستور تحریر سند وکالت]

حسبنالله و نعم‌الوکیل نعم‌المولـی ونعم‌النصیر و بعد باعث از تحریر ایـن سطور شرعیة القواعد والارکان آنست‌کـه وکیل مطلق و نایب مناب محقق خـود گردانید فلان فلان را درباب اخـذ قبض مبلغ یکتومان تبریزی که نمود از فلان طلب دارد

وکیل مزبور اخذ وقبض مبلغ مذکور بعداز ثبوت و لزوم شرعی نموده مبلغ مذکوره را بموکل خود تسلیم نماید و وکیل مزبور مأذون ومرخص است فی جمیع ما یتعلق به الوکالة توکیلاً صحیحاً شرعیاً تحریراً فی شهر فلان.

[دستور تحریر بیع بات]

الحمدلله الذی احل البیع و الشری و حرم الغصب والربوا و صلی الله علی سیدنا محمد و آله النجباء و بعد باعث از تحریر این کلمات شرعیة القواعد و الاحکام آنست که بفروخت به بیع باب ثابت جازم لازم شرعی قطعی جناب فلان بفلان بیکبارگی همگی و تمامی نصف ازکل حق الحفر یکباب قناة دایرهٔ جاریه واقعه در چارنای مسکررا که حق الارض اربابی از نصف مذکور موافق . . . .[1] تنخواه مالك داده میشود از پشت و پیشان و غیر ذلك وآنچه انتفاع توان یافت و ملکیت را سزد وشاید مماذکرفیه بثمن مشخص معین یوم البیع المبلغ یکتومان تبریزی نصفه پنجهزار دینار رایج مذکورفضی جدیدالضرب صاحبقرانی خالی ازخلل و عاری از فساد مشتمل بر تمام شرایط شرعیه من الایجاب والقبول[2] او را بقبض و الاقباض والتسلیم والتسلم والمعرفة و الردیة و ضمان درك بموجب شریعت مطهرهٔ منوره ثابت و محکوم به است و از غبن الفاحش اوالافحش ابراکرد وتبرّا نمود وتمام ثمن درحین عقد مبایعه نقداً واصل بایع مذکور شد وملك مذکور را ازملکیت خودتخلیه نموده بتصرف شرعی مشتری[مشار]الیه داد و او تصرف شرعی و قبض ملکی نموده با سایر املاك خود منضم گردانید بیعاً صحیحاً شرعیاً قطعیاً وکان ذلك .

۱ـ دوسه کلمه درمتن محو شده است .	۲ـ ظاهراً افتادگی دارد .

[دستور تحریرسند واگذاری اجارهٔ مالومنال نقدی و جنسی قریه‌ای ازقرای خالصه]

بعداز آنکه رفعت‌پناهان ملك‌شاهقدم میان‌بلوکی و دوراق‌خان آقاء قزانجیلو ودمقلی آقـاء وعلیقلی‌آقاء حاجیلر ازخدمت وکلاء نواب مستطاب‌خانی عظیم‌الشانی‌استدعای استیجار مالومنال نقدی و جنسی قریهٔ جهانما و غیـرهٔ محال خالصهٔ میان‌بلوك نموده بودندوحسب‌الامرالعالی برطبق‌تصدیق اوارجه‌نویس سرکارعالی مالومنال‌قریهٔ‌جهانما و غیرهٔ محال خالصهٔ مذکوره بمبلغ بیست‌وچهارتومان وفلان دینارنقد خراسانی‌وموازی یکهزار و پنجاه و پنج خروار اجناس بوزن بلده و سه من ابریشم بوزن سمسارباجارهٔ مشارالیهم مقرر شد که‌کتاب سرکارعالی بعداز اخذتمسك معتبرشرطنامچه بقیودلازمه نویسند .

حاضر شدند رفعت‌پناهان ملك‌شاهقدم میان‌بلوکی و دوراق‌خان آقاء قزانجیلو ودمقلی آقاء و علیقلی‌آقاء حاجیلر و قبول اجارهٔ مالومنال نقدی و جنسی قریهٔ جهانما وغیره بشرح فوق بمدت سه سال که عبارت از قوی‌ئیل و پیچی‌ئیل و تخاقوی‌ئیل بوده باشد بمبلغ بیست‌و چهار تومان و فلان دینار نقـد خراسانی و موازی فلان خروار اجناس بوزن بلده وفلان من ابریشم بوزن سمسار نمودند که سال بسال وجه اجاره راتنخواه ارباب حوالات نموده موقوف ندارند و هر یك از مشارالیهم‌که حی‌وحاضر بوده‌باشند از عهدهٔ کل وجه اجاره بیرون آمده چیزی بعلت رسد غیبت و متوفی موقوف و معطل ندارند ودر ضمن‌العقد شرط شرعی نمودندکه بارعایا وزارعین موافق مأخوذ ومعمول سنواة نموده رسم محدث جایز ندارند .

[دستور تحریر قبول اجارهٔ شارع نردبان]

بعداز آنکه رفعت‌پناه محمود ولد رستمعلی و سلیمان ولد حسنعلی چناشکی تابینان رفعت و معالی‌پناه صفی‌قلی بیگ یوزباشی ملازمان چناشکی ازخدمت وکلاء اجلای نواب‌مستطاب خدایگانی استدعای استیجار وجوه شارع‌نردبان نموده بودند وحسب‌ الامرالعالی برطبق تصدیق اوارجه‌نویس سرکارعالی وجوه شارع مزبور بمبلغ هشتاد تومان خراسانی موافق‌اجارهٔ یونت‌ئیل پهلوان عباس وغیره تفنگچیان چناشکی بمبلغ چهار تومان خراسانی باجارهٔ مومی‌الیه مقرر شد که بعداز اخذتمسك معتبر بضامنی یوزباشی شرطنامچه بقیود لازمه نویسند.

حاضرشدند مومی‌الیهما وقبول وجه اجارهٔ شارع مذکوربمبلغ هشتاد تومان خراسانی درسنهٔ قوی‌ئیل نمودندکه در عرض یکسال بموجب حوالهٔ وکلاء سرکارعالی‌مهمسازی نمایند و هریك از مستأجران مذکور حاضر باشند از عهدهٔ وجه اجاره بیرون آیند بعلت رسد غیبت چیزی‌موقوف ندارند و رفعت و معالی‌پناه صفی‌قلی بیگ‌چناشکی ضامن وجه اجاره شده بصیغهٔ شرعیه تلفظ نمود ضامن شرعی.[1]

[تعیین وظیفه برای شیخ محمداءانصاری استرابادی]

وظیفهٔ افادت و افاضت‌پناه فضیلت وکمالات‌دستگاه نتیجةالمشایخ الکرام شمساً للافادة والافاضة شیخ محمداءانصاری استرابادی که حسب‌الفرمان نواب خاقان خلدآشیان صاحبقرانی‌مورخه بتاریخ شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۰۲۷ ازبابت مالوجهات محال‌رعیتی دارالمؤمنین استراباد بتغییرتیول بیگلربیگی در وجه مشارالیه مقررگشته بقیدآنکه

۱ـ دستور تحریر این سند ناقص رونویس شده است و از متن افتاده است.

سال‌بسال وجه مزبور را بلاقصوروواصل وعوض‌آن‌ازبابت وجوه چوپان‌بیگی سبزوار و اسفراین بازیافت شود و درینولا حسب‌الامرالعالی از قـرار نوشتهٔ وزارت و رفعت و معالی‌پناه آصفی‌دستوری برطبق سواد پروانچهٔ مبارك اشرف وقبض برضمن واستدعای مؤظف مزبور تنخواه داده میشود وسند در سرکار اوارجه ضبط است .

[حکم داروغگی محل فندرسك جهت عوض‌خان‌بیگ نجرلو]

مقرراست که بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت و معالی‌پناه عوض‌خان‌بیگ نجرلو در معاملهٔ قـوی‌ئیل داروغگـی محل فندرسك برفعت ومعالی‌پناه مومی‌الیه مفوض و مرجوع شد که بلوازم آن قیام و اقدام نماید اربابان ورعـایای محل مذکور رفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد داروغهٔ خود دانسته قضایائی‌که در میانهٔ ایشان سانح شود [سوی] قضایای اربعه برفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه یا بداروغهٔ مومی‌الیه رفع نمایند که در حضور اربابان آنجا موافق حق و حساب پـرسش نموده بعداز ثبوت ولـزوم گناه استطاعت مجرم بازیافت نمایند طـریقهٔ رفعت و معـالی‌پناه مشارالیه آنکه در پرسش احداث رعـایت رضـای الهی و تحصیل دعـای خیرجهت ولینعمت حقیقی نموده ازجملهٔ سی‌وسه تومان و هشت هزار و هشتصد دینار خراسانی حاصل داروغگی‌مبلغ شانزده‌تومان خراسانی بموجب‌برواة دفتری دروجه‌انعام‌جماعت مـذکورهٔ ذیـل رسانیده تتمه‌که مبلغ شانزده تـومان و هشت هزار و هشتصد دینـار خراسانیست دروجه انعام خود مقرر دانسته بریتموجب مـذکورات بهمرسانیده بنظر وکلاء عالی رساند والا وجه مزبوره ابوابجمع و تنخواه ارباب حوالات شود ودرآخر سال‌نسخهٔ منقّحهٔ مشخصه برعملکرد وحـاصل داروغگی بمهراربابان در دست داشته بحضور یا بدفترخانهٔ سرکار عالی آورده کـه هرگاه زیاده از وجه مقطعی حاصل شده

باشد موافق مضمون حکم‌جهانمطاع که درآن باب صادر شده بعمل وآنچه‌ازحیوانات غایبی در مسفور بهمرسد بخدمت عالیقدر نایب سرکارعالی فرستد که هرگاه صاحبان بهمرسند بـدیشان سپرده شود و چنانچه ظاهر شود کـه چیزی از حیوانات غایبی را تصـرف نموده بـاشند طلـب و بازخـواست آن خـواهـد و کتاب سرکـار عـالـی حسب‌المسطور مقرر دانسته در دفاتر ثبت یا عملنمایند و چون رقم بمهرعالی رسد اعتبار و اعتماد نمایند و در عهده شناسند.

نمیدانم که روزگار ناپایـدار و دوران ستمکار بامن بیقرار خاکسار پریشان‌روزگار دور از یارو دیار چکار دارد که هرلحظه از آتش مفارقت احباب داغی برسویدای دل دردمند و هـر لمحه از رهگذر . . . . بوصول اسباب باری بـردوش خـاطر مستمند میگذارد ونه بیداد ایام را نهایتی و نه حالت شکری ونه یارای شکایتی خدمات چون عبادت اصنام جامده و تعظیمات چون رکوع در حالت قیام زایده باری‌الله یار وعلی یاورت بـاد الهی از خدا خواهـد نجاتی در هنگامی کـه روانهٔ صوب مقصود بودند مقرر داشتند که بنده بخدمت ایشان قیام نماید و رسومات ایشانرا خود متصرف شود قبل‌ازین در چهار باغ . . . . . آنجناب را از بنده بـازیافت وبـرآن صوب ارسال فرمودند چون اوضاع را میدانند هرگـاه اراده دارندکه بنده بخدمت ایشان‌مشغول باشد دوکلمه درباب رسومات چنانچه درایام‌حضور فرموده بودند قلمی وارسال‌دارندو اگر نحوی دیگر بخاطر میرسد در باب خدمت معلومه باسم هرکـه خواهند نـوشته ارسال گردانند که بخدمت مزبوره قیام نمایند گمان نرسید باآنکه تیرآه ازگردون گذشت مدتیست که از احوال سلامتی‌آن عزیز خبر ندارم بوسیلهٔ اظهار اخلاصمندی خود را مذکور بحرمقاطرراه یافتگان محفل سامی گردانیده پیوسته . . .. حشمت جلالت دستگاه . . . . . . دارالمؤمنین‌استراباد بعنایت‌شاهانه سرافرازگشته بداندکه

قادر بحق وکریم مطلق جلت آلائه و عمت نعماءهٔ بمقتضای حکمت بالغه و عنایت شامله تشنه‌لبان بادیهٔ امکانی یعنی . . . . . . مرتبهٔ رفیع‌الشانی انسانی را بی‌سابقهٔ استحقاقی از تیه نیستی وظلمات عدم بمعمورهٔ هستی و شهرستان بشریت رسانیده آب حیات برایشان پیموده و ابواب معرفت از اعطای حواس بر چهرهٔ . . . . گشوده در خلوت هردل و کاخ هردماغ از نور عقل چراغی که مقتبس ازانوار آلیست افروخته وخلایق را طریق صیانت این شمع خردضیاء آموخته بنت‌العنب را کهام‌الخبائث لقب داردبنابر محرمی بیت‌المعمور دلو دماغ انگشت‌نما ساخته و پردگیان از غیوب مکتومه‌اش بتحریك انفاس و حس‌اساس سیدالمرسلین و خاتم‌النبیّین‌خلاصة‌الماء والطین‌انداخته بنابرین طریقهٔ انیقهٔ سلاطین‌عدالت‌گزین و پادشاهان شریعت‌آئین آنست که بفحوای طینت حضرت رحمن و پاسبانی شعور ملل و ادیان افراد انسان را که درظل‌حمایت ایشان‌آسودگی دارند هرچه موجب خسران دارین و نقصان نشأتین بوده باشد . . . نمایند وچون ذات کامل‌الصفات نواب کامیاب همیون ما ازنور نبوت و ولایت منشعب‌گشته بر ذمت همت خداشناس بیشتراز سایر شاهنشاهان واجب و لازم است[۱] که دررعایت این امر اهم باقصی‌الغایاتش . . . . .

. . . .

و هدایت توفیق ربّانی مقرر فرمودیم‌که من بعد همگی مسکرات خصوصاً ثالث عنقا و کیمیا بوده در هیچیك ازمداین و امصار وقری اثری از آثار آن مطرود کردگار و رسول مختار وآل اطهار نبوده باشد می‌بایدکه درشکستن خمها وریختن شراب قدغن سکان آنجا از ارتکاب آن سعی موفور بظهور رسانیده هریك از اجامره و اوباش و غیرهم که مرتکب این امرشود آن شخص را بنوعی تنبیه و سیاست نماید که موجب

۱ــ متنی آشفته و پریشان است .

عبرت سایر متمردین بوده باشد و مقرر دارد که امراء تابین آن عالیجاه نیـز بشرح مسطور عملنماید و درین باب قدغن عظیم لازم دانسته در عهده شناسند .

[قسمتی از دستوری که به جعفرقلی‌آقا حـاکم استراباد داده شده است]

حکم جهانمطاع شد آنکه ایالت وشوکت‌پناه حشمت وجلالت‌دستگاه عالیجاه‌قواماً للایالة والشوکة والاقبال جعفرقلیخان حاکم استراباد بتوجهات شاهانه سرافراز گشته بداند کـه چون سنت سنیه و طریقهٔ مرضیه سلاطین‌جم . . . . . این سلسلهٔ علیه آن بود که درحین جلوس براورنگ سلطنت والاواتکاء برچهاربالش‌کبری‌که درحقیقت نوروز فیروز عالمیان و بهار عالم‌افـروز پیر و جوانست لباس نام نامی و اسم سامی‌را مـانند رخت نوروزی تجدید فرموده‌اند و اینمعنی درخـاطـر والا وضمیرآسمان‌سا مذکور بـود تادرین هنگام که آفتاب جهان‌تاب ببرج حمل تحویل نموده و ابـواب شکفتگی وانبساط برروی خلوت‌نشینان اکناف اکمام گشوده زمین و آسمان .... چون ازلباس....آمیز مبراست امیدکه بدوستکامی مقرر باد بعدازطی‌وادی‌بندگی مشهود رای خورشیدضیاء میگردانند که درباب سید میرزا جان متولی دامغانی که‌در زمان حضور عالیحضرت گرگین بیکا سفارش فرموده بودند بنده همه وقت محصل بوده درینوقت که نواب عالی بدامغان تشریف‌آورده بـودند بزیارت آستانه رفته درآنجا سید اظهارشده‌بود موازی سه خروار گندم بوظیفهٔ همه سالهٔ مومی‌الیه شفقت فرمودیم استدعا چنان است که‌مخلص خود را ازگوشهٔ خاطر الطاف‌مآثر محو نفرموده خدماتی که ملازمان ذی‌شان رابنده باایشان‌روی‌دهد اشارهٔ عالی‌دریغ نفرمایند ظل‌ظلیل‌ابدی التظلیل بادعالیحضرت‌غنی‌الاوصافی‌مخدوم‌رازکی‌آقا...ازجملهٔ‌مخلصان‌ومشتاقان‌دانند.

دارائی الجـــه چیت‌قلمکار قصب،ابرهٔ زیرجامه اطلس مخمل
طاق عددوثوب .... عـــــدد طاق قد

لندره لجام تبرزین زره یخدان یاقوت
ذرع دست قبضه عدد وقر قطعه

فیروزه الماس لعل یاقوت زبرجد یمنی کمان‌چله نکرده
قرص قطعـــــه عدد حلقه

کمان‌چله کرده تیر قتلار بانجاق قمه
قبضه سهم ..... عدد طاق‌فردزوج

هلای بهلای باشلق دملقه گزکه کیم‌دونی سپر
عدد عدد عدد عدد عدد ثوب قبضه

زرگا بندق بنجیقهٔ مرصع نساج نباش تاجه‌بند
عدد عدد عدد بافنده کاوندهٔ‌قبر زوج‌فرد

بارانیه پایند عوامل جوارح صندوق عدل کلاه
برشت عدد فرد دست عدد .... عدد

مندیل شال جبه‌قبا ارخالق چکمه پرده دماغه
عدد عدد ثـــــوب زوج باب عدد

قالی قالیچه نمدکپنك پایچی گوسفند آهو
فرد فرد عدد .... رأس رأس

گاوکوهی	قاطراسب	شتر	مرغ وقرقاول	قاز
رأس	رأس	نفر	قطعه	قطعه

تخم	پر برمثل بال‌ودم
بیضه	اجنحه

رزاز دنگ‌کوب	لواف	موتاب	دباغ	حصاد
دروگر	غزاز ابریشم فروش			

مکتوب مرغوب مصادقت اسلوبی که‌فلانی بارسال آن مسرت‌افزای دوستی و .... موالات مظاهر گردیده بود از مضمون صداقت مشحون مؤالفت مقرون آن‌که......... برسلامتی ذات بابرکات بودگلهای نشاط ولالهای انبساط ازغنچهٔ دل‌الفت‌حاصل‌صورت شکفتی یافت و قواعد اتحاد ولوازم وداد از نوتازگی پذیرفت ویادبودی که‌ارسال داشته بودندرسید خاصه‌دیوان‌خدابرکت‌وافزونی کرامت فرماید طریقهٔ خلت وارتباط مقتضی آنست که‌پیوسته افتتاح‌ابواب مراسلات فیما بین منظور بوده از احوال‌یکدیگر اطلاع‌و آگاهی حاصل‌گردد مترقب آنکه این شیوهٔستوده ورویهٔ مرضیه رامرعی و خلوت قلوب محبت‌اسلوب‌را بلوامع‌شبچراغان گنجینهٔ فطانت‌وذکا منورداشته همواره‌برضریت‌احوال خجسته‌مآل آگاهی‌داده مهمات ومرجوعاتی که‌درینصوب باصواب‌روی‌دهدلاتکلفانه بمقام انهاء واعلام درآورندکه حسب‌المقدوروالامکان‌صورت انجام یابدباقی‌ایام دوستکامی‌و اقبال‌ونیکنامی‌واجلال بادرج‌حاشیه‌ایکه دررقیمهٔ والا اشعاری شده بودکه‌اگررجوعی درآنصوب باصواب روی دهد باعلام‌آن مبادرت رود بقسمیکه قواعد یگانگی‌منوط و مربوط برآنست که مرجوعاتی‌که دوستان را اتفاق افتدلاتکلفانه‌بموقف آنها درآورند چنانچه امری داعی این مراتب گردد بدین شیوه اقدام خواهد رفت ذات بابرکات عالیحضرت رفیع‌منزلت ستوده‌خلقت ملکی‌طینت اعاظم ومفاخم‌جاه مناقب ومراسم‌آگاه

عالیقدری رفیع‌لقدروالشانی.... الدولةوالعزوالاقبال‌فلانی‌مقرون‌بتأییدات‌جناب‌اقدس الهی و محفوظ توجهات اعلیحضرت سپهرمنزلت نواب شهنشاهی بوده کامیاب مطـالب نشأتین وکامروای مقاصد . . . . باشند بعد از طـی تکلفات‌و ابتدای قـوافل دعوات مصادقت الفت مشهود رای خلّت اقتضا میگـردد که چون مـدتی بود که از احـوال خیرمآل. . . . . . وخاطرمودت ذخایرمدام درمقام استطلاع کیفیت‌حالات‌سعادت‌مآب بوده لهذا رفع رقعهٔ فلانی که از خوردسالی همهٔ ایام با این خیرخواه برآمـده بود روانهٔ خدمت نمود که . . . . نشان‌بلوازم خدمت‌صوری قیام‌نماید وازجزئیات احوال اگر در مقام استفسار باشد رجوع بعرض و تقریر مشارالیه نمود بزوایدااطناب تصدیع نمیدهد ایام و اسباب نیك‌بختی وشادکامی موافق خواهش احبا مقرون بازدیاد مواد شفقت ومرحمت‌نواب‌کامیاب ولینعمت حقیقی وقبله‌گاهی بوده خوشحال وفرح‌بال باشد مشتاق خدمت فیض‌موهبت‌کامروایی ونیکوسرانجامی دوستان و برادران‌بختیار را از واهب‌العطیات مسئول است ملازمت باسعادت بروجه مرغوب میسرباد از وصـول مکتوب مودت‌اسلوب. . . .مرتبهٔ‌آشنائی و مراعات درجهٔ خلّت ودوستی ومشعر برصحهٔ مزاج کثیرالابتهاج بوده است انبساط خواطـر موالات‌مظاهر و سرمایه نشو و سرور و باعث حصول مسرت و حبورگردید و طریقهٔ آشنائی و مسلك دوستی مختص اینست‌که همواره فاتح‌ابواب مودت ووداد بوده هرگونه مهمی‌که اتفاق‌افتد درضمن اظهاراحوال حاضرین بمقام اعلام و ایضاح درآورد .

[فرمان انتصاب فتحعلی‌خان به‌بیگلر بیگیگری استرَاباد]

حکم جهانمطاع شد خورشید. . . . سپهراعلاجملگی بهمت‌گردون‌رفعت عدالت‌ـ اقتضا بآسایش عماد وآرامش بلادوسد ثغور اسلام و استعداد عساکرظفرفرجام مصروف

بوده و می‌باشد وحصول اینمرام میمنت فرجام منوط بتعیین جمعی است که قصب‌السبق خدمت از عشایر والکاء بوده نهال قابلیتشان در شارستان عظمت و اجلال این خاندان جلالت واقبال نشو ونما نموده اباً عنجدٍ بخلوص‌داد وحسن‌اعتقاد باین‌درگاه هدایت و ارشاد سعادتیات مهمات ...مراتب‌والا بوده‌باشند آئینهٔ این مقال‌چهره‌گشای صورت احوال مخالصت‌اشتمال‌ایالت وشوکت‌پناه حشمت وجلالت‌دستگاه شمساً للایالة والشوکة والجلالة والاقبال فتحعلی‌خان است بنابرین . . . . . . مراحم بی‌انتهای شاهانه و قطرهٔ از ابرمدار مکارم بیحدواحصای پادشاهانه نصیب گلشن امانی و آمال عالیجاه مشارالیه فرموده از تاریخ فوت مرحوم محمدخان‌بیگلربیگی‌سابق استراباد که‌ایالت وبیگلر بیگیگری الکاء مذکورسوی ایالت‌خوار وسمنان وتوابع که‌بدستوری با مرحوم مرتضی‌قلی‌خان سعدلو بوده و بایالت و شوکت‌پناه نظاماً للایالة والشوکة ساروخان سعدلو شفقت شده بعالیجاه مومی‌الیه شفقت و مرحمت‌فرموده ارزانی‌داشتیم که بواجبی بحفظ و حراست و نظم ونسق الکاء مزبور وآراستگی قشون ورفع‌اعادی و رفاهیت عباد وامنیت طرق وشوارع وبلاد ورفع قطاع‌الطریق و منع‌اجامره و اوباش‌ـ جام والواط نموده نوعی نماید که همگی وتمامی ....[1]

۱ـ اکثرمطالب صفحات آخر این متن ناقص وآشفته است و بیشتر آنها هنگام رونویسی افتادگی پیدا کرده و پاره‌ای براثر آب‌دیدگی از میان رفته است .

اسنادی که در تابستان ۱۳۵۲
به‌دست آمد

فرمان - حکم - امر - تعلیقه - عرضه‌داشت

۱

فرمان سلطان محمدبن شاه طهماسب (۹۹۵ - ۹۸۵) مورخ ۹۹۰ هـ . ق .

دراین فرمان قریهٔ رستم‌کلاته از اعمال بلوك استرابادرستاق استراباد که ملك متصرف‌فیه خاصه بوده ومال‌آن به سیورغال‌و محصول‌آن به‌وظیفهٔ کمال‌الدین‌حسین- شیخ‌الاسلام استراباد- مقرر بوده به بیع شرعی قطعی درمعاملهٔ پیچی‌ئیل به‌او برگذار شده است .

یا محمد یا علی

[جای مهر سلطان محمد][1]

فرمان همیون شرف‌نفاذ یافت آنکه چون همگی‌همت والا وجملگی نیت خورشید اعتلا مصروف ومعطوفست برفاه حال وانجاح امانی وآمال سادات عالیدرجات که‌ثمرهٔ

۱- مهری گلابی شکل که در تاج آن « الله محمد علی » و در حاشیهٔ اطراف دو بیت شعر و در وسط آن « غلام شاه ولایت سلطان محمدبن طهماسب » .

شجرهٔ نبوت و امامت و دوحهٔ ریاض رسالت و ولایت‌اند خصوصاً جمعی که با وجود علو نسب و سمو حسب وزیور صلاح و سداد همیشه اوقات خود را صرف علوم دینیه و معارف تعلیمیه وخیراندیشی مؤمنان نموده پیوسته بدعاگوئی دوام دولت قاهره قیام نموده باشند چون درین اوقات فرخنده ساعات که ایالت و دارایی و حکومت و امیرالامرائی مملکت استراباد و دامغان و بسطام و هزارجریب وآنحدود را بایالت و حکومت پناه شوکت و جلالت دستگاه عالیجاهی عمدة الامـرایی مبارزاً للایالة والحکومة والاقبال مرتضی قلی‌خان پرناك عنایت فرموده‌ایم بعرض رسانید که سیادت و نقابت پناه افادت و افاضت دستگاه عمدة السادات والاشراف کمالاً للسیادة والافادة والافاضة والدین حسینا شیخ‌الاسلام استرابادکه درمضمار دولتخواهی ومیدان اخلاص ویکجهتی گوی مسابقت از اکفاواقران ربوده مجدداً نهایت خلوص عقیدت وصفای طویت نسبت باین دودمان ولایت نشان بظهور آورده کمال همراهی باخان عالیشان مشارالیه و غازیان ظفر نشان در باب دفع و رفع مخالفان نموده بنـابرین شمهٔ از عنایت شاهانه وشرذمه از مـرحمت پـادشاهانه شامل‌حال و کافل امانی و آمال سیادت و نقابت‌پناه مشارالیه فرموده قـریهٔ رستم‌کلاته من‌اعمال بلـوك استراباد رستاق کـه ملك متصرف فیه خاصهٔ شریفه بـود و مـال آن بسیورغال ومحصول بوظیفهٔ سیادت و نقابت‌پناه مومی‌الیه مقرر بـود ببیع شرعی‌قطعی درمعاملهٔ پیچی‌ئیل بدو مبیع فرمودیم چنانچه مجلهٔ معتبره بمهر مهرآثار در آن‌باب علیحده مرقوم و مسطورگردیده سادات عظام کرام دارالمؤمنین مذکور و کلانتران و ارباب کل ولایت استراباد و کـدخدایان و رعایا و مزارعان قریهٔ مـذکوره سیادت و افادت‌پناه مشارالیه راماالك‌مزرعهٔ مزبوره دانسته بملکیت بتصرف‌او گذارند مستوفیان عظام دیوان اعلی‌حسب‌المسطور مقرر دانسته قریهٔ مزبور را باربابی او در دفاتر ثبت نموده مال‌آنرا بدستور بسیورغال آن سیادت‌پناه دردفاتر عملنموده منال آنرا ازجمع اخراج نمایند وقیمت ملك مذکور را از ابتداء پیچی‌ئیل و مـا بعدها هرساله مـوافق

مبلغی که ازمنال و محصول قریهٔ مذکور دروجه وظیفهٔ او مقرر بود اعتبار نموده بخرج حساب نمایند کـه دانسته قیمت ملك مـذکور را بعداز تصرف شرعی درآن بـوظیفهٔ سیادت و نقـابت مشارالیه شفقت فرموده ارزانی داشتیم حکام و عمال و کـلانتران و متصدیان مهمات دیوانی مملکت مذکور حسب‌المسطور مقرر دانسته از فرموده در ـ نگذرند و بعلت مالواخراجات حکمی و استصوابی بهراسم و رسم کـه باشد اطلاق و حوالتی برقریهٔ مزبوره و مزارعان آن ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و قریهٔ مذکوره را ازنتیجهٔ مالواخراجات و وجوهات موضوع ومستثنی دانند وفی‌کل‌الابواب اعزاز و احترام و رعایت و مراقبت سیادت‌پناه مشارالیه و ملازمان وکارکنان ورعایاء اوبجای‌آورده شکروشکایت سیادت‌پناه مشارالیه‌را عظیم مؤثردانند دربنابواب‌قدغن دانسته‌ازفرموده درنگذرند و ازمخالفت‌که موجب مؤاخذه است... نمایند وازجوانب برینجمله روند و حکم مجدد طلب ندارند .

تحریرا فی شهرشعبان‌المعظم

[برحاشیهٔ سمت راست این‌فرمان عبارات زیر نوشته شده است :]

مستوفیان مشارالیهم‌قریهٔ‌مزبوره‌بمبلغ شصت‌تومان رایج‌خراسان‌که بسیادت وافادت‌پناه مشارالیه بیع شده دردفتر جمع نموده بوظیفهٔ آن نقابت‌پناه بموجب متن عمل‌نمایند .

[جای مهر][1]

۱ـ مهری گـرد باسجع :

« دارد مهـر حیدر بـر خلـق پیرو دین سلطان محمدبن طهماسب‌شاه غازی» ۹۹۱ .

۲

سند مبایعهٔ مورخ ۹۹۲ هـ . ق .

دراین سند وکیل شاه‌سلطان محمدصفوی موسوی حسینی (۹۹۵ ـ ۹۸۵ هـ . ق .)همگی و تمامی کل قریهٔ موسومه به‌رستم‌ـ کلاته از بلوك استراباد رستاق رابه مبلغ شصت‌تومان تبریزی اشرفی یك مثقالی به کمال‌الدین حسین‌بن امیرعبدالرحیم استرابادی به بیع قطع فروخته است .

المظفرسلطانمحمد پادشاه الصفوی الموسوی‌الحسینی

[جای دو مهر][1]

بدایع حمدی‌که سرابستان ارباب عزت وجلال بنورآن منور و روشن گردد و اراضی قلوب و مزارع جنان ارباب فضل وکمال اززلال افضال آن سرسبز و خرم شود ولوامع شکرکه تاج باابتهاج سعادت‌ابدی و خلعت دولت‌سرمدی‌از خزانهٔ رحمت ایزدی درتن سلاطین جهة ترویج دین محمدی پوشاند مالك‌الملکی‌را سزاوار است که ملك او ازو سمت نقصان و زوال مبراست وسلطنت او از وصمت انتقال معرا کریمی‌که از خزانهٔ فضل و مکرمتش مایحتاج هرفقیر و محتاج بیش‌از حاجت داده رحیمی‌که سحاب لطف و مرحمتش تشنه‌لبان بیابان حرمان را از برکهٔ نوال رحمة ایزدی به برکت شفاعت نبوی زلال‌افضال و مرحمت پیش‌از طلب فرستاد و بلبلان خوش‌الحان گلستان محمدتش در سرابستان معرفت ذاتش آوای ثنای لااحصی

۱ـ مهری گلابی‌شکل که درتاج آن : « الله محمد علی » ودر حاشیه دوبیت شعر ودر وسط آن : « غلام شاه ولایت سلطان محمدبن طهماسب » و زیرآن مهری گرد که کلمهٔ « دیوان » برآن خوانده می‌شود .

ثناء علیك برکشیده مبارزان میدان فصاحت را دروصف جمالش مجال عبارت تنگ و ساکنان عرصهٔ بلاغت را درتعریف جمالش پای اشارت لنگ

آنجا که کمال کبریای تو بود　　عالم نمی از بحر عطای تو بود
مارا چه حد حمد [و] ثنای تو بود　　هم‌حمد [و] ثنای تو سزای تو بود

و جواهر زواهر صلوات تحیات نثار مشهد معطر و مرقد منور حضرت سید بشر شفیع روز محشر شمع جمع انبیاء صدر صفهٔ صفا بدر خطهٔ وفا گوهر درج اجتبااختر برج اصطفاابوالقاسم محمد مصطفی صلوات‌الله و سلامه علیه و بر آل امامت مآل خورشید مثال آنحضرت‌که بعصمت وطهارت ازلی‌مخصوصند و درسرابستان امامت و ولایت‌کانهن بنیان مرصوص خصوصاً برسلطان الاولیا و برهان الاصفیامقتدی فرقهٔ اخیار راهنمای زمرهٔ ابرار بلبل خوش‌نوای وسبّح‌بالعشی‌والابکار شهسوار معرکهٔ لافتی شهریارمملکت انما شاهنشاه آشیان انت‌منّی بمنزلة هارون من‌موسی ودرشأن امامت او انامدینةالعلم و علی بابها صاحب ولایتی که هرکه تولا بولای اوکرد بمقصود رسید و هرکه از دایرهٔ محبت واطاعت اوانحراف ورزید روی خیروبهبود ندید اعنی علی‌ابن ابی‌طالب علیه‌الصلوة والسلام و بعد غرض ازتحریر این قباله و مقصود از تسطیر این رساله آنست که بفروخت وکیل نواب کامیاب سپهررکاب اعلی‌حضرت شاه دین‌پناه سایهٔ لطف‌آله ملك خیل فلك اشتباه فریدون فرّسکندرجاه خسروخواقین نامدار تاج‌بخش سلاطین گردون‌اقتدار السلطان‌ابن السلطان و الخاقان‌ابن‌الخاقان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی‌العالمین عدله و احسانه بجناب سیادت و افاضت‌پناه رفعت ومعالی‌دستگاه افتخارالسادات والنقبا کمالاً لسیادة والافاضةوالنجابة والدین حسینابن‌سیادت ومغفرت‌پناه امیرعبدالرحیم‌استرابادی تمامی وهمگی‌کل‌قریهٔ موسومه برستم‌کلاته بلوك استرابادرستاق من‌اعمال استراباد باجمیع توابع و لواحق و مضافات ومنسوبات از اراضی و صحاری‌آبی و دیمی وکلمایتعلق بذلك ذکر اولم‌یذکر

مستغنی از تحدید و توصیف لغایةالشهرة و نهایةالمعرفة بقیمت معین معلوم قـدر آن مبلغ شصت تومان تبریزی اشرفی یك مثقالی رایج‌الحال نصفه تـأکیداله و تـوضیحاً للمبلغ سی‌تومان موصوف مقبوض وخرید سیادت‌پناه مـومی‌الیه تمامی مبیع مـذکور بمبلغ موصوف و بنیهما عقد مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ جامع‌شرایط ملیه ازایجاب وقبول‌و قبض و اقباض و تسلیم وتسلم و تملیك و تملك جاری و واقع شد و وکیل نواب‌کامیاب اعلی اخذ تمامی ثمن معقود علیه نمود پس بموجب مبایعهٔ مذکوره قریهٔ مذکورحق و ملك سیادت‌پناه مومی‌الیه گردید و مشتری مذکور راست تصرف درآن نمودن هر نوع تصرفی‌که خـواهد واراده نماید کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم واسقـاط جمیع خیـارات سیّماخیار غبن و لوکان فاحشاً نمود .

وکان ذلك فی عشرین شهر شعبان‌المعظم سنه‌اثنی و تسعین و تسعمایه هجریةالنبویة المصطفویة صح (؟)

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این سند عبارات زیر است :]

هو ما نطق به‌الکتاب وشهد به‌الخطاب من‌البیع والشری عرض‌علی‌ووضح‌بین‌لدّی‌علی وجه لالعتریه به‌الاشتباه والارتیاب فرتبت علیه مقتضی‌شریعة افضل من‌أوتی‌الحکمة و فصل‌الحظاب و انـا‌العبدالداعی لابودالسلطنة القاهرة المشتهرةبین سلاطین‌الآفـاق بعلوالقدر و سموّالجناب ابده‌الله علی‌ارائك‌السلطنةالی‌یوم‌المآب.

[جای مهر][2]

۱ــ مهری مستطیل که درکلاهك آن : «هوالولی» و درمتن : «ثبت فی.... المحکمة العلیه‌الناجیة . . . . الممالك المحروسه والعساکرالمنصوره» . ۲ــ مهری گرد که بالای‌آن : « حسبی‌الله» و سجع آن : «شمس‌الدین محمدالحسینی» است .

هوالوالی

صح لدی مضمون الصحیفة الاسلامیة الشارقة عن مشارق الخلافة والسلطنة ظل الله فی الارض وغب جریانها حسبما نطق بها الکتاب المستطاب رتبت علیها مقتضها. . . . ایام الدولة القاهره الی یوم الدین وانا العبد ابوالولی بن شاه‌محمود انجو.

[جای مهر][1]

۳

فرمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ ـ ۹۸۹) مورخ ۹۹۶ ﻫ . ق .
دراین فرمان مبلغ چهارتومان و هشت هزاردینار تبریزی رایج خراسان مالوجهات قریهٔ رستم‌کلاته را مجدداً از ابتدای سیچقان‌ئیل به سیورغال ابدی امیرکمال‌الدین حسین ارزانی داشته‌اند .

[جای مهر شاه‌عباس][2]

فرمان همایون شد[3] آنکه چون مبلغ چهارتومان و هشت‌هزار دینار تبریزی رایج خراسان مالوجهات قریهٔ رستمکلاته که ملك سیادت و نقابت‌پناه افادت و افاضت‌دستگاه فقاهت و نجابت انتباه نقاوة السادات و العلما امیرکمال‌الدین حسین است و حسب‌الحکم حضرت خاقان جمجاه جنت‌مکان بسیورغال شیخ نورالهدی مقرر بوده و بعداز فوت مشارالیه امضای خاقان سکندرسپاه باسم سیادت و نقابت‌پناه مشارالیه گذشته مجدداً ازکمال شفقت و مرحمت بیغایت شاهانه[4] دربارهٔ سیادت و افادت‌پناه

۱ـ مهری گرد بزرگ که آیهٔ ۶۲ سورة المائدة ۵ بر آن حك شده است.
۲ـ مهر گرد شاه‌عباس که برحاشیهٔ آن که دور می‌چرخد صلوات برچهارده معصوم ودر وسط « بندهٔ شاه‌ولایت عباس » خوانده می‌شود . ۳ـ این توقیع با آب‌طلا نوشته شده است . ۴ـ کلمهٔ « شاهانه » باآب‌طلا نوشته شده است .

مشارالیه ازابتداء سیچقان‌ئیل بدستور بسیورغال ابدی واحسان سرمدی نقابت‌دستگاه مومی‌الیه عنایت فرموده ارزانی داشتیم می‌باید که حاکم وتیولدار و عمال ومتصدیان مهمات و امور دیوانی بلدةالمؤمنین استراباد قریهٔ مذکوره را از حشوتیول مـوضوع دانسته ازنتیجهٔ اخراجات حکمی‌که درآنولایت واقع شود واستصوابی سوی ومستثنی دانسته و یکدینار و یکمن بار حواله ندارند قلم و قدم کـوتاه و کشیده دارند درین ابواب قدغن دانسته از فرموده تخلف نورزند و همه ساله حکم مجدد نطلبند .

تحریـرا فـی‌شهر شوال ختم بالخیر
والاقبال ست‌وتسعین وتسعمایه ۹۹۶.

۴

فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی‌دوم) (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷) مورخ ۱۰۷۷ ﻫ . ق .

در این فرمان مالومنال قریهٔ رستم‌کلاته را که به سیورغال و وظیفهٔ سیدعبدالکریم و سایر اولاد میرعبدالله مقرر بود به دستور به سیورغال و وظیفهٔ میرمحمد مقیم و باقی اولاد میرعبدالله مرحوم ارزانی داشته‌اند.

شاه طهماسب علیه‌الرحمه

شاه سلطانمحمد نورالله مرقده

[جای مهرشاه سلیمان اول][1]

شاه‌عباس اعلی‌الله فی‌الخلدمقامه

جد بزرگوارم طاب‌ثراه

فرمان همایون شد[2] آنکه چون از تصدیق مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی معلوم و مستفاد شد که بموجب ثبت پروانچهٔ نواب خاقان رضوان‌مکانی بتاریخ شهر ذی‌حجهٔ - سنهٔ ۱۰۴۱ شرف صدور یافته مالومنال قریهٔ رستم‌کلاته را و املاك واقعه درملایر که سابقاً بحضرت متولی رد نموده ارزانی نمودیم درزمان شاه جنت مکان علیین - آشیانی ∴ بسیورغال و وظیفهٔ اولاد مرحوم شیخ علی‌نور و بعد ازایشان در زمان سکندرشان ∴ دروجه مرحوم‌امیر کمال‌الدین‌حسین‌استرابادی و بعدازمومی‌الیه‌درزمان نواب‌گیتی‌ستان‌فردوس‌مکان ∴ در وجه مرحمت‌پناه‌امیرعبدالله ولدمیر کمال‌الدین‌حسین

۱- مهر گرد شاه‌صفی‌که درحاشیه صلوات‌کبیر ودر متن : «بندهٔ شاه ولایت صفی» .
۲- این طغری با آب طلا نوشته شده است .

مقررشده بودحسب‌الاستدعای مرحوم سید عبدالکریم‌وسایراولادمیرعبدالله برینموجب

دوازده تومان‌و سه هزارو هفتصدوپنجاه‌و چهار دینار

نقـــــد	جنـــس
پانزده هزار و صد و هشتاد و پنج دینار	ده تومان وهشت هزار وپانصد و شصت و نه دینار
مـــــال	منـــــال
هشت تـومـان و هفت هزاردینـار	هفت تومان و پنج قـران و هفتصد و پنجاه دینار

بسیورغال و وظیفهٔ سید عبدالکریم وسایر اولاد میرعبدالله مزبور مقرر شده دریئوقت سیادت و نقابت و نجابت‌پناه صلاحیت‌دستگاه شمسامیرمحمد مقیم و سایر اولاد مرحوم میرعبدالله مزبور بدرگاه جهان‌پناه آمده بعرض رسانیدند که سیدعبدالکریم مـزبور فوت شده و استدعاء امضاء نواب کامیاب همایون ما[1] درباب سیورغال و وظیفهٔ مزبور باسم اولاد مرحوم میرعبدالله مـزبور نمودند و سیادت وصدارت‌پناه هدایت و نقابت‌دستگاه افاضت و نجابت‌انتباه عالیجاه اسلامیان‌ملاذی نظاماً للسیادة والصدارة والنجابة والعزوالاقبال میرزاابوطالب‌الرضوی صدرخاصه تحریرنموده بنـابرین شفقت بیغایت شاهانه[2] شامل‌حال میرمحمد مقیم وباقی‌اولاد مرحوم میرعبدالله مزبور فرموده مالومنال محل مزبورراکه مبلغ دوازده تومان سه هزار و هفتصد وپنجاه چهار دینار وجه رایج نقداً جنساً بتفصیل فوق میشود و بسیورغال و وظیفهٔ اولاد مـرحوم امیر عبدالله مزبور

۱ـ کلمهٔ «ما» با آب‌طلا نوشته شده است. ۲ـ کلمهٔ «شاهانه» با آب طلا نوشته شده است.

مقرر بوده بدستور بسیورغال ووظیفهٔ میرمحمدمقیم وباقی اولاد مرحوم مزبورشفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم کدخدایان و رعـایاء قریهٔ رستم‌کلاته مالومنال محل مزبور را بدستوری کـه به اولاد مـرحوم مزبور جواب میگفته‌اند سال بسال دروجه سیورغال و وظیفهٔ میرمحمد مقیم وباقی اولاد مرحوم امیرعبدالله مـزبور مقرر دانسته رسانند وتغییر وتبدیل بقواعدآن راه ندهند عمال دارالمؤمنین استراباد اصلاً ومطلقاً بخلاف حکم و حساب بهیچوجه من‌الوجوه حواله و اطلاقی برمحل سیورغال ووظیفهٔ مشارالیهم‌ننموده قلم وقدم‌کوتاه وکشیده دارند حکام‌کرام ولایت مزبور حسب‌المسطور مقرر دانسته بعلت اخراجات و عوارضات سیماسلامانه و پیشکش و ساوری و عیدی و نوروزی والام و الاغ و بیگار و شکار و طرح و دست انـداز و سایـر تکالیف ممنوعه بهراسم و رسم‌کـه بوده باشد متعرض احوال رعایاء محل مزبور نشده طمع و تـوقعی ننمایند وقلم و قدم کوتاه وکشیده دارند و رعایت و مراقبت احوال و اعـزاز واحترام سادات عظام بتقدیم رسانند دربنباب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد طلب ندارند و چون پروانچه بتوقیع رفیع وقیع منیع اشرف اقدس ارفع همیون اعلـی مزین ومحلی گردد اعتبار و اعتماد نمایند.

تحریرا فی ذی‌حجة‌الحرام سنة ۱۰۷۷ .

۵

حکم باباخان مورخ ۱۱۹۰ ه . ق .
دراین حکم باباخان سید حسن را به‌توجهات خاطرخود دل‌گرم ساخته و به او دستور داده است که قریهٔ رستم‌کلا را بـه حیطهٔ آبادی درآورد .

حکم عالی شد آنکه عالیحضرت سلالةالسادات آقاسید حسن بتوجهات خاطرخطیر عالی مستظهر و امیدوار بوده بداند درین‌اوقات بافواهی بعرض عالی رسیدکه عالیشان مهدی‌خان‌آقا وهادی‌خان‌آقا اخلالی‌درامور بعالیحضرت میکنند درین اوقات شرحی جداگانه بخصوص‌سفارش‌آنعـالیحضرت بعالیجاه رفیع‌جایگاه شوکت وجلالت‌دستگاه محمدرحیم خان مرقوم ساخته‌که درهرقسم متوجه حال ومراقب احوال اوبوده احدی شلتاق و دست‌انداز باو نکنند باید بحصول آگاهی برمضمون تعلیقهٔ عـالی درکارهای خود مردانه بوده قریهٔ رستمکلا رابحیطهٔ آبادی درآورده در توفیر وتکثیر زراعت و فلاحت مساعی جمیله بعمل آورده حسن اخلاص‌شعاری خود را ظاهر و مبرهن‌سازند دریننخصوص قـدغن لازم دانسته در عهده دانند .

تحریرافی جمیدی‌الاولی ۱۱۹۰ .

[جای مهر][1]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع . « گل گلشن دین باباخان » .

۶

عرضه داشت رعایای آهنگرمحله و اصفهان‌کلاته مورخ ۱۲۱۸ ه . ق .

دراین عرضه داشت رعایای دوقریهٔ مزبور استدعا کرده‌اند که قریهٔ آهنگر محله به جای هفت سرشمار پنج سرشمار وقریهٔ اصفهان کلاته به جای پنج سرشمار سه سرشمار قرار کنند و دستور دهند تا بیگلر بیگی استراباد ازایشان زیادتی نخواهد.

عرضه داشت کمترین بندگان قدیمی

رعایای آهنگرمحله و اصفهان‌کلاته تراب‌آستان‌معدلت آشیان‌را

کحل‌الجواهر دیدهٔ امیدواری خود ساخته بموقف عرض باریافتگان محفل جنت. . . . . والا و مقیمان بزم حضور معدلت دستور وگنجوربندگان سکندرشان . . . . . اقدس ارفع امجد والا روحنافداه میرسانند که قربان خاك پای طوطیاآسای سم‌ستور مبارکت‌گردیم در عصر خاقان جنت مکان علیین آشیان قرارداد کمترینان قدیمه از قراری کـه قبل‌ازین بوده است‌آهنگرمحله هفت سرشمار بوده و قرارداد گـردیده به پنج سرشمار و اصفهان‌کـلاته پنج بنیچه سرشمار قـرارداد به سه‌سرشمار گردید و این کمترینان بی‌اوضاع و بی‌حال بسیار از دست در رفته بـاین قرارداد خوشحال گردیده وحال زیادتی می‌شود که باعث فرار کمترینان است فقرا... بندگان اقدس آورده مرفه‌الحال بودیم استدعا از مراحم بی‌کران خسروانه چنان‌است که فرمان مبارك مطاع آفتاب‌شعاع از مصدر جاه وجلال شفقت و عنایت بکمترینـان دعاگوئی. . . عالیجاه رفیع‌جایگاه بیگلربیگی استراباد که ازقرارشش‌سرشماردیگر زیادتی نشود که مرفه‌الحال و فارغ‌البال بدعاگوئی دوام دولت ابدمدت سلطان جمجاه

ظل‌الله مشغول بوده‌که عندالله و عندالرسول ضایع نموده نشود امرکم‌الاعلی الامرکم الاعلی .

تحریرا فی ربیع‌الاول ۱۲۱۸ .

[تعلیقهٔ زیر برحاشیهٔ بالای این عرضه‌داشت نوشته شده است:]

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

آنکه چون صاحبان‌عریضه بشرح متن‌عرض ودرمقام استدعا برآمده‌اند عالیجاه معلی‌ـ جایگاه دولت وافادت‌پناه شوکت و اجلال‌دستگاه اخلاص وارادت‌آگاه عمدة‌الخوانین العظام امامقلی‌خان بیگلربیگی‌استراباد بزیارت فرمان مهرلمعان مطاع وملاحظهٔ شرح عریضه ازقرارقرارداد سرشماری شودکه مرحوم رضاخان نموده است ومتوجهات دیوانی صاحبانعریضه موافق سرشمار . . . قبل مینموده است لذا همان قرارداد سابق . . . . و عوارضات . . . . . و حوالجات دیوانی را موافق سرشمار حواله و اطلاق نموده بعلت زیادتی وشلتاق و بیحساب متعرض ومزاحم صاحبانعریضه نشوند و درعهده شناسند .

تحریرا فی شهرربیع‌الاول ۱۲۱۸ .

۱ـ مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه باسجع :

« گرفت خاتم‌شاهی زقدرت ازلی قرار درکف شاه زمانه فتحعلی »

ودرکلاهك بالای‌آن: « العزة‌لله » .



۷

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۲۸ ه . ق .
در این فرمان فتحعلی‌شاه به محمد قلی‌میرزا صاحب‌اختیار استرابادومازندران دستورداده‌است که ازتفرقهٔ رعایاجلوگیری کند و متفرق شدگان را کوچانده به محل اصلی خود آورد .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد[2] که قرهٔ باصرهٔ دولت بهیه وغرهٔ ناصیهٔ شوکت سنیه فرزند نامدار محمدقلی میرزا صاحب‌اختیار استراباد و مازندران بتوجهات و عنایات شاهانه معزز بوده بداند که چون درینوقت بعرض اقدس شهریاری رسیدکه بعضی‌از اهالی محال نور متفرق و باید تفرقهٔ محال مزبور جمع‌آوری شود و درموطن و محل خود ساکن شوند لهذا بآن فرزند کامکار مسعود امرو مقرر میفرمائیم‌که بعداز حصول افتخار بزیارت حکم‌اشرف بعهدهٔ احدی قدغن نماید که تفرقه‌ساکن و قدیمی محال‌مزبور درهر کجاکه رفته‌اند و باشندهمگی‌را کوچانده بوطن خودکه محال‌مزبور است آورده بعالیجاه رفیع‌جایگاه مقرب‌الخاقان میرزا محمدتقی سپرده قبض‌بگیرد و باید آنفرزند کامکار برحسب حکم اشرف معمول داشته تخلف وعدول از مدلول‌حکم مبارك جایز ندارد و قدغن بلیغ نمایدکه تفرقهٔ محال مزبور را درهرجا که هستند

۱ــ مهرفتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶ ازآن یادکردیم .

۲ــ این توقیع با آب طلا نوشته شده است .

جمع‌آوری نموده درمحل خـود ساکن نماید ودرین بـاب قدغن لازم دانسته درعهده شناسند .

تحریرا فی شهرصفرالمظفر سنهٔ ۱۲۲۸.

۸

عرضه داشت محمد قلی دولو مـورخ ۱۲۳۰ هـ . ق . بـه دربـار فتحعلی‌شاه‌که حکم شاهی دربارهٔ وصول مطالبات او از قـریهٔ درا و اجازهٔ کوچ دادن‌آدمهای او از قریهٔ مزبوره صادر شود.

عرضه داشت کمترین غلامان جان‌نثار تراب آستان مروت ارکان‌را

محمد قلی‌دولو

کحل‌الجواهر دیدهٔ امیدواری ساخته بموقف عرض ایستادگـان پـایـهٔ سریرخلافت مصیرعـرش نظیـر بندگـان سکنـدرشان دارادربـان قیصر پـاسبان ملـك آستـان اقدس امجد ارفـع والا روحی‌فـداه میرسانندکـه چون قریهٔ درا من قـراء مازندران حسب‌الامـرقـدرقـدرت اعلـی‌حضـرت ظـل‌الهی بـه تیـول والـد مـرحـوم‌ایـن غلام جان‌نثار بود که منافع او را ضبط و صرف معشیت خود مینمود چون والـد این غلام از تقادیر مالك علام مرحوم و تصدق فرق فرقدان‌سای حضرت قاآنی گردید قریهٔ مذکوره را امتثالاً لامره‌الاقدس امنای دولت دوران عدت قاهره ازاین غلام استرداد و ضبط نمودند چون بعضی‌مطالبات این جان‌نثار در نزد مردم میباشد ودو نفرازآدمهای کمترین موسوم به یعقوب و علی‌محمد نام که باکوچ درآن جاتوطن داده بـود توقف دارند و بدون حـکم همیون نه مطالبات‌کمترین را میدهند و نه میگذارند که‌آدمهای خود را باکوچ برداشته در پیش خود بیاورد چون این جان‌نثار ملتزم رکاب ظفرآثار

پادشاهی و بامر خدمت گذاری اشتغال می‌دارد استدعا و امیدواری آن است کـه حکم همیون بعهدهٔ عالیشان نورمحمد بیگ شرف اصدار یابد که مطالبات ایـن کمترین‌را گرفتـه تسلیم و کوچهای مذکوره را بلامانع بدست آدم این‌کمترین داده که‌برداشته بنزدکمترین بیاورد چون مراتب مسفوره ازلوازم بودجرأت بجسارت عرض این‌مطلب نمود امرالاعلی مطاع .

[بربالای این عرضه‌داشت، حکم زیر نوشته شده است :]

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی‌حکم‌همیون شد آنکه عالیشان‌اخلاص وارادت بنیان نورمحمدبیگ غلام وضابط ساری وآمل بحقیقت رسیده چنانچه مطالبات صاحبعریضه درنزد رعایای مذکور باشد وموافق قانون شرع انورباثبات رسد بعداز ثبوت شرعی‌از ایشان‌استردادو تقدیم صاحبعریضه نموده رفع ادعـا را بنماید و دو خانوار کوچ را نیز هرگاه از... مشارالیه باشد ورعیت دیوانی نباشد تسلیم او نموده روانه نمایند .

تحریرافی شهر جمیدی‌الاولی سنة ۱۲۳۰ .

۱ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهک‌دار فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که در فرمان شمارهٔ ۶ ازآن یاد کردیم .

۹

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق .

در این فرمان فتحعلی‌شاه بـه مهدیقلی‌خان قـاجار، بیگلر بیگی استراباد دستور داده است که متفرقهٔ دهات جعفرقلی آقا را که مرحوم امامقلی‌خان بتدریج کوچانده و بدهات خود برده‌است و مبلغ چهار تومان نقد و سی‌خروارشالی که از این رعایا گرفته و بازیافت نموده به جعفرقلی آقا ردکنند و رعایا را به‌محل اصلی خود ساکن سازند .

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی‌حکم همیون‌شد[2] که عالیجاه رفیع‌جایگاه مجدت و نجدت وجلالت‌ـ دستگاه فخامت و مناعت ونبالت همـراه اخلاص و ارادت و عقیدت‌آگاه امیرالامراء العظام مهدیقلی‌خان قاجار بیگلر بیگی‌استراباد بتوجهات خاطراقدس پادشاهی معززو مباهی بوده بدانند که سابقاً از قرار فرمان جهانمطاع مبارك بخصوص متفـرقهٔ دهات عالیشان عمدةالاعیان جعفرقلی‌آقای ولد حاجی رحیم‌خان کـه مرحوم امـامقلی‌خان بتدریج کوچانیده بدهات خود برده است و مبلغ چهار تومان نقد و مقدار سی‌خروار شالی را ازرعایای دهات مشارالیه بازیافت نموده ودرمقام اضرار اوبوده حکم‌همایون شرف‌نفاذ یافته بودکه مرحوم مزبور متفرقهٔ دهات اورا که ازقرارتفصیل است بانضمام نقد و جنس مزبوره رد نموده بهیچوجه در مقـام اضرار و مزاحمت بـر نیامده لازمهٔ

۱ـ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه با مشخصاتی که درفرمان شمارهٔ ۶ شرح دادیم.

۲ـ این توقیع با آب طلا نوشته شده است .

سلوك ورفتار راباایل وطایفه منظور دارد درینوقت ازقراریکه بعرض اقدس‌شهریاری رسید هنوز متفرقهٔ مزبوره را با نقد وجنس مزبوره

از بابت متفرقهٔ آهنگـرمحلـه

قـاسم ولـدکربلائی صالح ساکـن قلعـه	محمدعلی ولـد کلبعلی ساکـن قلعـه	طـالب ساکن محلـــه
کـربـلائی رحیـم ساکـن قلعـه	ابـراهیـم خیـاط ساکـن قلعـه	

از بابت اصفهان کلاته

محـمدصـالـح ساکـن قلعـه	شریـف و قربـانعلی ساکـن سنـگ دوین

رد ننموده است بآنعالیجاه ارادت‌آگاه مقررمیشود که بحصول آگاهی برمدلول حکم جهانمطاع پادشاهـی بحقیقت رسیده متفرقهٔ مزبور را از قرار تفصیل فوق از ولدان مرحوم مذکور گـرفته بدست عالیشان جعفرقلی‌آقای سپارد و نقد وجنس مزبـور را نیز موافق حساب‌گرفته عاید سازد و درحوالهٔ صادریات رعایت عالیشان مشارالیه را منظور دارد که از روی آسودگی بـامر زراعت و خدمت اقدام نماید باید آنعالیجاه حسب‌المقرر معمولداشته تخلف وعـدول جایز ندارد و در عهده شناسد .

تحریرا فی شهرمحرم‌الحرام سنة ۱۲۳۲ .

۱۰

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق .
دراین فرمان به میرزا یوسف دستور داده شده است که چند خانوار کوچ آهنگرمحله و اصفهان‌کلاته‌را که به قلعه رفته و سکنی کرده‌اند اگر در زمان حکومت امامقلی‌خان کوچیده‌اند ایشان را برگرداند و به دست جعفرقلی‌آقا بسپارد .

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه عزت و مناعت‌اکتناه اخلاص وارادت‌آگاه مقرب‌الخاقان میرزا یوسف قدیمی بتوجهات خاطر خطیر پادشاهی معزز ومباهی بوده بداندکه از قراری که درینوقت بعرض‌اقدس شهریاری رسید چند خانوارکوچ ازقرارتفصیل ازطایفهٔ تمسکنی از آهنگرمحله و اصفهانکلاته بقلعه رفته سکنی کرده‌اند بآنعالیجاه مقرر میشود که بحقیقت رسیده

محمد حسن ولد قاسم   اسمعیل ولدکاظم   محمدعلی ولد کلبعلی

بهرام ولد قراخان   محمدحسین ولدحاجی‌کله   محمدعلی ولد ساروخان

هرگاه خانوار مزبور سابقاً درایام حکومت رضاخان از آهنگرمحله واصفهانکلاته رفته باشند ازعالیجاه نتیجه‌الامراءالعظام عباس‌خان دانسته متعرض نشوند و چنانچه

۱ـ مهرفتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که درفرمان شمارهٔ ۶ یادکرده‌ایم .

دراوقات حکومت امامقلی‌خان ازآهنگرمحله واصفهانکلاته بقلعه رفته باشندآنهارا کوچانیده بدست عالیشان رفیع‌مکان اخلاص و ارادت‌نشان جعفرقلی‌آقا سپارد و قبض بازیافت دارد و قدغن نمایدکه ازین بعد احدی متعرض‌کوچهای مزبوره نشده و از روی فراغت درآهنگرمحله و اصفهانکلاته بزراعت و رعیتی خود [مشغول]باشند بایدآنعالیجاه برحسب امر همایون پادشاهی معمولداشته تخلف وعدول ازحکم قضا-شمول جایز ندارد و درعهده شناسد .

تحریرا فی شهر جمادی‌الاول سنة ۱۲۳۲ .

۱۱

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۲ ه . ق.

دراین فرمان‌به مهدیقلی‌خان بیگلربیگی‌دارالمؤمنین استراباد دستور داده شده است که چند خانوار کوچ آهنگرمحله و اصفهانکلاته اگرپس‌از حکومت رضاخان کوچیده‌اند به محل اصلی خود بازگردانند .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم‌همیون شد[2] که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه فخامت و مناعت اکتناه شهامت وبسالت انتباه اخلاص و ارادت‌آگاه امیرالامراءالعظام مهدیقلی‌خان قاجار بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد بعنایات خاطر اقدس معزز و

۱- مهرچهارگوشهٔ کلاهک‌دار فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که درفرمان شمارهٔ ۶ شرح داده‌ایم . ۲- این توقیع با آب‌طلا نوشته شده است .

مباهی بوده بداندکه ازقراری‌که بعرض شهریاری رسید چندخانوار کوچ ازآهنگر-
محله و اصفهانکلاته

محمد حسن ولد قاسم	بهرام ولد قراخان	محمد علی ولد کلبعلی
محمدعلی ولد ساروخان	محمدحسن ولد حاجی	اسمعیل ولد کاظم

درقلعه سکنی کرده‌اند بآنعالیجاه مقررمی‌شود که‌بحصول سرافرازی برمدلول‌فرمان همایون پادشاهی بحقیقت رسیده چنانچه خانوارمزبوره دراوقات‌حکومت رضاخان‌از آهنگرمحله واصفهانکلاته بقلعه رفته باشند بهیچوجه متعرض‌نگردیده بازدرهمانجا ساکن باشند وچنانچه بعداز حکومت مشارالیه رفته‌باشند قدغن نماید که آنها را کوچانیده‌آورده درآهنگرمحله واصفهانکلاته ساکن‌نموده قبض ازعالیشان رفیع‌مکان عزت وسعادت‌نشان اخلاص و ارادت‌بنیان جعفرقلی‌آقا بازیافت دارند باید آنعالیجاه برحسب مقررمعمول‌داشته قدغن‌نمایدکه‌ازهمین قرارعملنموده تخلف وعدول‌نورزیده بهرطریقی‌که قرارگرفت احدی دیگر متعرض و مزاحم نشود و در عهده شناسد .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاول سنة ۱۲۳۲ .

۱۲

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۶ هـ . ق .
در این فرمان به مهدیقلی میرزا ـ والی دارالملك طبرستان ـ دستور داده شده است که برای رفع دعاوی اعیان ایل قاجار هریك از مدعیان و مدعی‌علیهم در محضر آقا محسن و حاجی ملارضا به مرافعهٔ شرعیه اقدام نمایند و از هرقرار که ایشان قرارداد نمایند تخلف و عدول جایز ندارند .

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه قاجار] [1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد [2] که فروزان اختر آسمان خلافت و شهریاری و تابان گوهر عمان سلطنت و تاجداری خجسته فرزند مسعود محمدقلی میرزا والی دارالملك طبرستان بعواطف مترادف شاهانه سرافراز بوده بداندکه چون درینوقت‌که موکب ملك آرا در چمن خوش ییلاق توقف مینمود بعضی از اعیان ایل جلیل قاجار . . . . . . بعضی مواد با عالیجاه مصطفی‌خان و با یکدیگر گفتگوئی میداشتنند و دعاوی خود را هریك بموجب تفصیل ذیل معروض پیشگاه شهود شهریاری داشتند لهذا این فرمان مبارك صادر و بآنفرزند مسعود

بـــــــــــــــا بـــت

ادعاهای موسی آقای قوانلو بامصطفی‌خان استرابادی

۱ـ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶ ازآن یادکردیم. ۲ـ این توقیع با آب‌طلا نوشته شده است .

سه سال است کـه مصطفی‌خان شانزده خروار شلتوك ازقاسم نـام‌کدخدای‌من بازیافت‌نمـوده و رد نکـــرده

مصطفی‌خان در جواب معروضداشت که شالی رامن ازقاسم قرض کردم و باو رد کردم قرار چنین شده است‌که بعداز رفتن باسترا باد قاسم نام‌راحاضر نمایند اقرار آورده در حضورشرع انـور که شالی را مـن از مصطفی خـان گرفته ندادم ازعهده‌بر آید والانگرفته‌است و مصطفی‌خان‌هم نداده موافق حکم شرع انور ازعهده بر آید

که‌ازقریهٔ ضرب‌آبادمحله موازی دوازده خانوار کوچ کوچانیده بده‌خودش برده است مصطفی‌خـان می‌نماید که کوچ مزبـور سادات وخوش‌نشین بوده‌انـد و علاوه فرمانـی دردست دارم کـه آنچه سادات که‌دربلوکات استراباد ساکن‌بوده برضایت خودشان‌آمده درقـریهٔ‌خیرآباد ویرانق ساکن شونـد و الآن خودشان راضی هستند که درقریهٔ مزبور ساکـن بـاشند وشرط‌چنین شد که‌آنفرزند‌بعد ازرفتن‌باسترا باد به حقیقت برسد

دوهزار و دویست دانه پالانه که بجهة قنواة ساخته‌بودند درپیش استاد پالانه‌ـ ساز بوده است وقیمهٔ‌آن سی‌وسه‌تومان‌و پنجهزار است بـروایت مصطفی خـان برده است قرارداد چنین شدکه‌بعداز رفتن‌آنفرزند باسترا باد استادپالانه‌پز را

حاضـر سازند اگـر مصطفی خان قیمة
پالانه را داده است و برده است قیمة را
پالانه‌پز رد نمـاید والابزور برده‌استو
تنخواهانه برده است البته موافق شرع
مصطفی‌خان ازعهده برآید

بـــــا بـــــت

ادعای مصطفی‌خان دولو با مصطفی‌خان استرابادی که مشارالیه انکاری دارد که اصلاً
من ازین معامله خبر ندارم قـرارداد چنین شد کـه مصطفی‌خان دولو موافق شرع
اثبات چنانچه‌موافق شرع ازاثبات عاجز باشد و نداده باشد موافق‌شرع تمام شود

بـــــا بـــــت	بـــــا بـــــت	بـــــا بـــــت
شالـــــی	جـامیـش‌نروکـوچـك	گاو بـزرگ وکـوچـك
۲۳۰ من	۱۰۰رأس	۲۰۰ رأس

بـــــا بـــــت

ادعای فغانعلی‌خان دولو بامصطفی‌خان استرابادی

آب قریهٔ یالوی رسد مرا قطع کرده‌اند
که حاصل آن بعمل نیامده‌است که ضرر
کلی‌است ومصطفی‌خان انکاری دارد
قرارداد چنین‌شد کـه در استراباد در
حضور آنفرزندموافق‌شرع انورطی‌شود

که موازی بیست رأس گاو من در نـزد
غلامعلی‌نام آدم مصطفی‌خان‌است و به‌من
نمی‌دهد قرارداد چنین شد که بعداز
رفتن باستراباد غلامعلی نام را حاضـر
نمایند ودرحضورشرع انور طی‌ادعا شود

که شش‌دانگ قریهٔ الودر راکه موروثی
من واقوام‌من است ومصطفی‌خان انکاری
داشت قـرارداد چنین شد که هرگاه
فغانعلی‌خان وکالت‌نـامچهٔ معتبر شرع‌ـ
پسند ابراز نمایـدآنوقت مـوافق‌شرع
دعوا را با مصطفی‌خان تمام نماید

بـــــــابـــــــت

ادعای عباسقلی‌آقای عزالدین‌لو در خصوص حـاصل املاك موروثی‌خود بامصطفی‌خان استرابادی آنفرزند قبول کرده است کـه از بابت هشت قسمت زمین کـه بابت دورهٔ مشارالیه منتقل‌و بعلت نداشتن آب زراعـت نمی‌شد قـرار داده‌اندکـه دورهٔ سرکار آنفرزند زراعت شود و درعـوض حق‌الماء درهذه‌السنهٔ ئیلان‌ئیل مقدار پنجاه خروار شالی باو بدهد و درخصوص هجده خـروار شالی‌کـه ازملك دیگر که با مصطفی‌خان دعوی داشت قرارداد چنین شد که هرگاه اجاره‌نامچهٔ شرعی ابـراز نماید وثبوت شرعی نماید مصطفی‌خـان ازعهده بـرآید
صد و چهارده خروار وبیست من

بـــــــابـــــــت	بـــــــابـــــــت
شالـــــــــی	قـریـــــــــه
۹۶ خروار و ۲۰ من	۱۸خروار

بـــــــا بـــــــت

ادعای محمدابراهیم‌خان سپانلو وحاجی کلبعلی‌خان بامصطفی‌خان‌استرابادی درخصوص فقرهٔ شلتوك قراردادچنین‌شد که موافق اجاره‌نامچهٔ سه سال‌قبل‌که دردست مشارالیه است محاسبه شودآنچه قبض وسندکه در دست مصطفی‌خان است حساب نماید وهرچه باقی است کارسازی نماید و در هذه‌السنهٔ ئیلان‌ئیل نیزموافق سنوات سابق وجه اجاره را کارسازی نماید و درخصوص غلهٔ قریهٔ نوشاباد قراردادچنین شدکه هرگاه باثبات شرعی رسد و اهالی‌شرع تصدیق نمایند درحضورآنفرزند تمام شود

بـــــــا بـــــــت	بـــــــا بـــــــت
شالـــــــی	غلـــــــه
۴۰ خروار	۶۰ خروار

بـــــــا بـــــــت

ادعای نیازقلی‌خان قاسملو از بابت رسدی ملك قریهٔ قلعهٔ خودشان که به‌آقاحسین کدخدای استراباد بتوسط مصطفی‌خان که آقاحسین کدخدا مال‌الاجاره را نمی‌دهد قرارداد چنین شد که موافق اجاره‌نامچهٔ که در دست نیازقلی خان است چنانچه آقاحسین قبض وبراتی دردست ندارد آن فرزندموافق ضابطه به‌حقیقت رسیده ازآقا حسین گرفته تسلیم نماید

شالی ۱۳۳ من

بـــــــا بـــــــت

ادعای محمد ولی‌آقای شامبیاتی بامصطفی‌خان‌استرابادی در خصوص پنجاه خروار شالی قرارداد چنین شد که در حضور اهالی‌شرع‌انور محمدولی‌آقا اثبات کرده‌مصطفی‌خان‌ازعهده برآید ودرخصوص‌رعایائی‌که ازقریهٔدرودمحله کوچانیده و بقلعهٔ میرزاخان برده‌است قراردادچنین‌شدکه هرگاه مصطفی‌خان موافق‌فرمان شاهی

کوچانیده باشد و حرف حسابی درمقابل داشته باشدبا حضور آنفرزند قطع وفصل شود وبقیه از ده خرواری که اقرارشده جاری نماید

بابت	بابت
شالی سوای ده خروار پولی	رعایائی که از قریهٔ درود محله
چهل خروار	کوچانیده به قلعهٔ میرزاخان برده است

بابت

ادعای ورثهٔ محمد رضا آقای شامبیاتی بامصطفی‌خان استرابادی که محمدولی‌آقا وکالت کرده ازبابت سه ربع قریهٔ شاه‌ده قرارداد چنین شد که در حضور اهالی شرع انور هرگاه ثابت شود که مصطفی‌خان در ملك‌حضرات بدون حق و حساب دخل وتصرفی کرده است ازعهدهٔ حق‌الارض هشت ساله برآید

بابت

ادعای عباسقلی‌خان کرلو بامصطفی‌خان استرابادی قرارداد چنین شد که عباسقلی خان‌اجاره‌نامچه رااابراز کرده وبعدازاثبات شرعی‌مصطفی‌خان‌ازعهده برآید

بابت	بابت
شالی	قیمة ملبوس که بسلیم داده است
۲۴ خروار	۸ تومان

بابت

ادعای محمدقلی‌خان ومحمدویردی آقای کهنه‌لو بامصطفی‌خان استرابادی

بـــــــــابـــــــــت

اجارهٔ آب تخت‌میرزا از قریهٔ شمشك
قرارداد چنین شدکه‌هرگاه حجت‌شرعی
دردست دارد واثبات نماید مصطفی‌خان
از عهده برآید
شالـی ۴۵ خــروار

بـــــــــابـــــــــت

دوخـانـوار رعیت از قـریـهٔ شمشك
کوچانیده برده است قـرارداد چنین
شدکه‌آنفرزند به حقیقت‌برسد هرگـاه
مصطفی‌خان بدون مستمسك وجهة برده
است ردنماید دوخانوار

بـــــــــابـــــــــت

در خصوص ده خـروار گندم قرار-
داد چنین شدکه گندم هذهالسنهٔئیلان-
ئیل را مصطفی‌خان بایشان رد نماید و
بعد هرگاه صاحب ملك خواسته باشدبه
مصطفی‌خان یابدیگـری اجاره بدهـد
مختـار است
گنـدم ۱۰ خــروار

بـــــــــابـــــــــت

ادعای رضاقلی آقای کهنه‌لو به‌مصطفی
خان‌استرابادی که دو تخته‌فرش‌باو‌داده‌ام
قرارداد چنین شد که در حضور اهالی

بـــــــــابـــــــــت

ادعای طایفـهٔ کهنه‌لو بـا مصطفی خان
استرابادی که‌ازحیدرآباد رعایای‌متعلق
ما را کوچانیده به قلعهٔ میرزاخان برده

شرع به حقیقت رسیده هرگاه اثبات شود
مصطفی خان ازعهده برآید
شالی ۷ خروار

است مصطفی خان در حضور آنفرزند
معروض داشت که رعایای مزبور سادات
بودند موافق فرمان شاهی و رضایت
خود جماعة سادات کوچانیده بردهام که
قلعهٔ میرزاخان سرحداست متوجه شوندو
آنفرزند به حقیقت مدعای شان رسیده
قطع وفصل نماید

بـــــابـــــت

ادعای محمد ومیرحاجی آقای کهنه لو
بامصطفی خان استرابادی که حاصل ملك
مرا بدون جهة و سبب برده است و
مصطفی خان انکاری داشت قرارداد
چنین شد که درحضور اهالی شرع انور
استرابادبه حقیقت رسیده شود
شالی ۳۰ خروار

بـــــابـــــت

ادعای عبدالله خان قراموسی لو باnقد
علی خان کتول درخصوص آب محال
فخرعمادالدین وکفشگیری وحکم محکم
پادشاهی چنین شده است که بهروصفی که
زمان شاه مرحوم مغفورمبرور قرارداد
شده بود و معمول میداشته اند حالا هم
بهمان طریق معمول دارند و قرارمجدد
نخواهد شد

امر و مقرر میشود که بعد از وصول فرمان مبارك وحصول آگاهی برمضمون
قرارداد قدغن نماید که هریك از مدعیان ومدعی علیهم نزد عالیجنابان مقدس القابان
فضایل وفواضل مآبان حقایق ومعارف انتسابان عمدتی الفضلاء العظام آقامحسن و حاجی
ملارضا بمرافعهٔ شرعیه اقدام وازهرقرارکه عالیجنابان مشارالیهما ازمصالحه ومقاسمه و

غیره میانهٔ ایشان قـرارداد نمایند و شرعاً لازم آیدآنفرزند مسعود قدغن نمایدکه‌از همان قرار معمول داشته تخلف و عدول جایز ندارند که بالمره رفع دعاوی هریك‌از یکدیگر شده باشد و نیز مقرر میشودکـه مطلقاً هرگونه سخن وگفتگوئی‌کـه میانهٔ قاجاریهٔ ساکن استراباد با یکدیگر باشد یا آنها را با اهالی استراباد گفتگو وسخنی درمیان‌آید آنفرزند موافق قراری‌که در عهد خاقان خلدمکان طاب‌الله ثراه داده شده قدغن نماید که از همانقرار عمل نمایند و اگر ازآنقرار در امری از امـور تغییری روی نموده باشدآنفرزند درمقام تحقیق برآمده موافق حساب و قاعده قراری دهدکه دیگر ایشان را حاجت عرض مطالب و دعاوی خود بدربار جهانمدار نباشد و قـاعده درمیانهٔ آنها متداول و مستمر باشد و در عهده شناسد .

تحریرا فی‌شهر شوال‌المکرم سنة ۱۲۳۶ .

۱۳

حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق .

دراین حکم‌دستور داده شده است‌که رعایای قریهٔ رستم‌کلاتـهٔ اربابی متعلق به اسماعیل‌خان شامبیاتی و رستم‌کـلاتهٔ خـالصه تیول آقامحمدحسین شیخ‌الاسلام را فیمابین‌ایشان تقسیم‌کنند.

[جای مهر بدیع‌الزمان میرزا][1] حکم‌عالی‌شد آنکه چون رقم‌قضاشیم درباب رعایائیکه درقریهٔ رستم‌کـلاتهٔ اربابـی متعلقه بعالیجاه رفیعجایگاه عـزت و سعادت‌همـراه شهامت و بسالت‌انتبـاه ارادت و عقیدت‌آگاه عمدة‌الخـوانین العظـام اسمعیل‌خان شامبیاتی‌سکنی دارند وفیمابین قریهٔ مزبوره و رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ دیوانی

۱ـ مهرچهارگوشهٔ بدیع‌الزمان میرزا با سجع :
«برومند نخلی مصون از خزان نـژادشهنشه بدیع‌الزمـان» .

که اکنون تیـول جناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات‌اکتساب حقایق و معارف‌انتساب آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام مقرر است مشترك میباشد وفیمابین‌مشارالیهما واینجانب گفتگوئی واقـع شده و برای رفع مایقال صادر ومقررگردیده کـه رعایای مزبوره‌را فیمابین مشارالیهما تقسیم‌نموده کـه عالیجاه اسمعیل‌خان رعیت رسدی خود را که‌از قرارتفصیل میباشدودرقریهٔ مذکوره سکنی دارند مواظبت نموده بامرزراعت وادارد و جناب مشارالیه

بـــــــا بـــــــت

رعایای بومی‌الاصل رسدی عالیجاه مشارالیه سوی هفت نفر رسدی شیخ‌الاسلام‌که رقم علاحده صادر شد

شش نفـر

عبـدالله ولـد محمـد	محمـد سعیـد مـع‌ولـد	غـلامعلـی
نفـر	دو نفـر	نفـر
عـوض بهـرام نـوکـر	قـربـانعلی ولـد علیقلی	
نفـر	نفـر	

بـــــــا بـــــــت

ساکن‌نشین‌که بعداز ابتیاعی ازخارج آمده‌اند وحسب‌الامرمتعلق بعالیجاه مشارالیه و شیخ‌الاسلام را رجوعی نیست

۱۱ نفـر

الله‌قلی قاجار
نفر

شاه محمد
نفر

محمدقلی ولد تیمورخان
نفر

زین‌العابدین
نفر

محمد حسن
نفر

محمد مهدی
نفر

ولدان هادی
دو نفر

محمد حسین
نفر

رمضان مهدی
نفر

آقا محمدرضا
نفر

رعیت رسدی خود را از آنجا کوچانیده برده در قریهٔ رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ تیولی‌خود سکنی داده درمقام آبادی‌آنجا برآمده باشد بنابر امتثال امر حضرت سپهر منزلت اشرف ملك‌آرا نواب صاحب‌اختیار نیز مقرر میفرماید که عالیجاهان رفیع مکانان کتاب دفترخانهٔ مبارکه حسب‌المقرر عمل و اسامی اشخاص را که رسدی عالیجاه مشارالیه میباشد در دفاتر ثبت نموده که ازین پس گفتگوئی فیمابین مشارالیهما واقع نشود و درین باب قدغن لازم دانسته درعهده شناسند .

تحریرا فی شهر ربیع‌الاول سنة ۱۲۴۳ .

۱٤

حکم ملك آرا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق .
دراین حکم رعایای قریهٔ رستم‌کلاتهٔ اربـابی و رستم‌کـلاتـهٔ خـالصهٔ دیوانی را فیما بین اسمعیل‌خـان قـاجـار شامبیاتی‌و آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام به تـرتیب تفصیل در متن تقسیم کرده است .

[جای مهر ملك‌آرا] [1] حکم والاشد که چون رعایائی که‌در قریهٔ‌رستم‌ـ کلاتهٔ اربابی متعلقه بعالیجاه رفیعجایگاه عزت و شهامت همراه شهامت و بسالت‌انتباه ارادت و عقیدت‌آگاه عمدة‌الخوانین العظام اسمعیل‌خان قاجار شامبیاتی سکنی دارند فیما بین قریهٔ مزبوره و رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ دیوانی‌کـه اکنون تیول جناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب حقایق و معارف‌انتساب سلالة‌الساداة العظام آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام مقرر است مشترك می‌باشد و فیما بین مشارالیهما دریَنباب گفتگوئی واقع شده برای رفع مایقال مقرر داشتیم کـه رعایای مزبوره را فیما بین مشارالیهما تقسیم نموده که عالیجاه اسمعیل‌خان رعیت رسدی خود را که از قرار تفصیل میباشند و در قریهٔ مذکوره سکنی دارند

بـــــابـــــت	بـــــابـــــت
رعایای بومی‌الاصل رسدی عالیجاه مشارالیه سوای هفت نفر رسدی شیخ‌الاسلام که رقم علیحده صادر شده	ساکن‌نشین کـه بعداز ابتیاعی ازخـارج آمـده‌اند وحسب‌الامـر متعلق بعـالیجاه مشارالیـه وشیخ‌الاسلام را رجوعی نیست

---

[1] ــ مهر چهارگوشهٔ ملك‌آرا با سجع :
« مهین پور شهنشاه فلك‌جاه بملك آرا ملقب آمد از شاه » .

عبداله ولد محمد سعید غلامعلی الله قلی قاجار شاه‌محمد محمدقلی ولد
محمد مع ولد نفر نفر نفر تیمورخان
نفر دو نفر نفر

عوض بهرام نوکر قربانعلی ولد علیقلی زین‌العابدین محمد حسن محمد مهدی
نفر نفر نفر نفر نفر

ولدان هادی محمدخان رمضان مهدی
دو نفر نفر نفر

آقا محمد کرد
نفر

مواظب بوده بامر زراعت وا دارد و جناب مشارالیه رسدی خود را از آنجا کوچانیده برده در رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ تیولی خود سکنی داده در مقام آبادی آنجا بر آمده باشد امر و مقرر میشود که عالیجاهان رفیعجایگاهان مقربی‌الحضرة مستوفیان کرام اسامی اشخاص مزبوره را که رسدی عالیجاه مشارالیه می‌باشند در دفاتر مرحمت ذخائر ثبت نموده که ازین پس گفتگوئی فیما بین مشارالیه واقع نشود مقرر آنکه رعایای مزبورهٔ خود را متعلق بعالیجاه مشارالیه دانسته بتقدیم خدمات او اقدام نمایند و تخلف نورزند و در عهده شناسند.

تحریرا فی ربیع‌الثانی سنة ۱۲۴۳ .

۱۵

حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ۱۲۴۴ هـ . ق .
دراین‌حکم بدیع‌الزمان میرزا پس‌ازرسدکردن‌قریهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی و خالصه و کوچ دادن رعایای رستم‌کلاتهٔ اربابی به سلطان‌آباد یك باب سرشمار و دو نفر نوکر آنجا را به تخفیف مقرر داشته است .

[جای مهر بدیع‌الزمـان میرزا][1] حکم عالی شد آنکه چون قـریـهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی وخالصه از یکدیگر موضوع گردیده ورسد خالصه‌که متعلق‌بجناب سعادت‌مآب آقاحسین‌شیخ‌الاسلام‌بود علی‌الحساب بحسب‌الاجاره تعلق‌به سرکارصاحب‌اختیار یافته و برای استیفاء منافع و مداخل آنجا رعایای رسد خالصه را بالتمام بـا کوچ و بند از آنجا کوچانیده بسلطان‌آباد سرکاری برده و درآنجا جـا و مسکن از برای آنها مقرر داشته‌ایم و یکباب سرشماری که از برای قریهٔ مزبور و با چهار نفر ملازم دیوان مشخص ومقرر بود بعداز بردن رعایای خالصه فوق طاقت رعایای‌اربابی بود دربنصورت رعایت وجانب‌داری‌اربابان ورعایای قریهٔ مذکوره لازم‌رای مرحمت‌پیرای سرکار آمده بنـابرین یکباب سرشمار و دو نفرنـوکر آنجـا را بتخفیف مقرر داشته‌ایم که رعایای آنجا درکمال خاطر جمعی مشغول کاسبی و رعیتی حسابی خـود بـوده بدعاگوئی سرکار اشتغال داشته باشند مقرر آنکه عالیشانان رفیع مکانـان کتاب دفترخانه و ضابطان و کدخدایان و ریش‌سفیدان بلـوك استرابادرستاق حسب‌المقـرر

---

[1] ــ مهر چهارگوشهٔ بدیع‌الزمان میرزا باسجع :
« برومند نخلی مصون ازخزان نـژاد شهنشه بـدیع‌الزمان »

عمل نموده یکباب سرشمار آنجا راجزو تخفیف دانسته در حین حواله واطلاق‌رعایت رعایای قریهٔ مزبوره را منظور داشته گذارندکه بدعاگوئی اشتغال داشته باشند درین باب قدغن لازم دانسته تخلف جایز ندارند و دو نفر نـوکر بیشتر مطالبه ننمایند در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر شوال‌المکرم سنة ۱۲۴۴ .

[برحاشیهٔ سمت راست این حکم عبارات زیر نوشته شده است :]

مقرر آنکه قربان نام‌که ازجمله رعایای خالصه بود او را ردکردیم‌که جناب مقدس‌ـ القاب زبدةالسادات آقامهدی بشغل ملازمت دیوان اعلی وا دارد و عبدالله نام را بدل او بسلطان‌آباد بفرستد باید درین باب احدی متعرض قربان نام مذکور نشود و بـاید بنوکری مشغول باشد .

[حکم دیگری از بدیع‌الزمان میرزا مورخ شوال ۱۲۴۴ دربارهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی و خالصه در دست است که با متن بالا کمی اختلاف عبارت دارد .]

۱۶

حکم حاکم مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق .

در این حکم به علی‌اصغرخان دستور داده شده است که از قریهٔ رستم‌کلاته بعلت ناخوشی وبا و طاعون وشکستگی‌احوال، بیش از یك نفر نوکر مطالبه ننماید .

حکم عالی شد که عالیجاه رفیعجایگاه عزت و سعادت‌پناه علی‌اصغرخان بداند کـه چون قریهٔ رستم‌کلاته برای ناخوشی وباوطاعون وبعضی‌ازشکستگی احوال وپریشانی اوضاع نمیتوانند نوکرمستمری خود را ازعهده برآیند لهذا بآنعالیجاه مقررمینمائیم

که ازقریهٔ مذکور یکنفر نوکر بیش مطالبه ننماید وبعلت صادریات وخدمات دیوانی احدی مزاحمت باحوال ایشان نرسانند میباید از قراری کـه مقرر شد معمول داشته در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر شوال سنة ۱۲۵۱ .

۱۷

فرمان محمدشاه (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق .
دراین فرمان محمدشاه قاجار بنابر استدعای آصف‌الدوله مبلغ یکصدتـومان نقد از بابت مالیات مازندران بصیغهٔ مـواجب در وجه جعفرقلی آقای قاجار برقرار نموده است .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهرمحمدشاه قاجار] [1]

الملک‌لله تعالی حکم‌همیون شد که چون سابقاً برحسب استدعای حـال فـرخنده ـ فال‌آصف‌الدوله مبلغ یکصدتومان نقد از بابت مالیات مازندران‌بصیغهٔ مواجب دروجه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه مجدت و نجدت‌انتباه اخلاص و ارادت‌آگاه عمدةالاعاظم جعفرقلی‌آقای قاجار برقرار فرموده بودیم وفرمان مبارك نیزشرف‌اصدار یافته بود ازقراریکه معروض افتادآن فرمان مفقود شده مجدداً این منشور قضادستور پادشاهی صادر و مقرر میداریم که هرساله عالیجاه مشارالیه مبلغ مزبور را از بـابت

۱ـ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار محمدشاه قاجار باسجع :
« محمدشاه غازی صاحب تاج و نگین آمد شکوه ملك و ملت رونق آئین و دین آمد »
و درکلاهك آن« الملك‌لله » .

مالیات مازندران بـازیافت داشته صرف مخارج خـود نماید مقـرر آنکه عـالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همـراه مجدت و نبالت‌انتباه اخلاص و ارادت‌آگاه مقرب الحضرت‌الخاقانیه فضلعلی‌خان حاکم مازندران حسب‌المقرر معمول داشته ازهذه‌السنهٔ قوی‌ئیل ومابعدها مبلغ یکصدتومان رامهمسازی عالیجاه مشارالیه دارد و تخلف جایز ندانسته تعلل نورزد وعالیجاهان رفیع مکانان کتاب خیریت‌اکتساب دفاتر خلود شرح فرمان مبارک را ثبت نموده درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر ذی‌القعدةالحرام سنهٔ ۱۲۵۱ .

۱۸

حکمی بامهری ناشناخته مورخ ۱۲۵۴ هـ . ق .
دراین حکم آقامیرمؤمن را مأذون دانسته که مقدار سی و پنج خروار شلتوك از قرای رستم‌کلاته و آلوکلاته بفروشد .

حکم عالی‌شد که عالیجنابان مستحفظین سرحدات بدانندکه عالیجناب مقدس‌القاب حقایق و معارف‌اکتساب قدوةالساداة آقا میرمؤمن را مأذون فرمودیم که مقدار سی و پنج خروار شلتوك ازقرای رستم‌کلاته وآلوکلاته بفروشد اصلاً ومطلقاً احدی مزاحم نشده . . . . در عهده شناسند .

شهر رمضان سنهٔ ۱۲۵۴ .

[جای مهر][1]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع : « افوض امری الی‌الله عبده قلی » .

۱۹

تعلیقهٔ محمدناصر مورخ ۱۲۵۶ ﻫ . ق .
دراین تعلیقه از اواخر سیچقان‌ئیل تحمیلات و عوارضات ثلث یك‌نفر سرشمار دفتری قریهٔ رستمکلاته را بـه‌آقـاسید مهدی به تخفیف دائمی برقرار نموده‌اند .

حکم عالی شد که نظر برعایت جانب ساداة عالیدرجات دراواخر معاملهٔ هذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت تحـویل تحمیلات وعوارضات ثلث یکنفر سرشمار دفتری قـریهٔ رستمکلاته را که متعلق بعالیجناب سلالة‌الساداة النجبائی‌آقاسید مهدی است بتخفیف دائمی برقرار فرمودیم که از حالصدور تعلیقه عوارضات یکنفر سرشمار که عبارت از سه ثلث باشد یـك ثلث را بتخفیف سید معزی‌الیه مستمر دانند و دو ثلث کـه رسدی شرکای دیگراست درعوارضات شراکت نمایند مقررآنکه عالیجاهان مستوفیان بعداز این ثلث رسدی سید معزی‌الیه راموضوع ودو ثلث رسدی باقی‌شرکا را در حواله‌جات داخل نمایند المقررآنکه ریش‌سفیدان رستمکلاته یك ثلث رسدی سید معزی‌الیه را موضوع و دوثلث و رسدی شرکای دیگر را در عوارضات و حواله‌جات داخل دانند و درعهده شناشند .

تحریرا فی‌شهر شوال سنة ۱۲۵۶
[جای مهر][۱]

۱ـ مهری چهار گوشه‌که برحاشیه سورهٔ اخلاص و درمتن «عبده محمدناصر۱۲۳۹» حك شده است .

۴۰

حکم ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) مورخ ۱۲۸۲ هجری قمری .

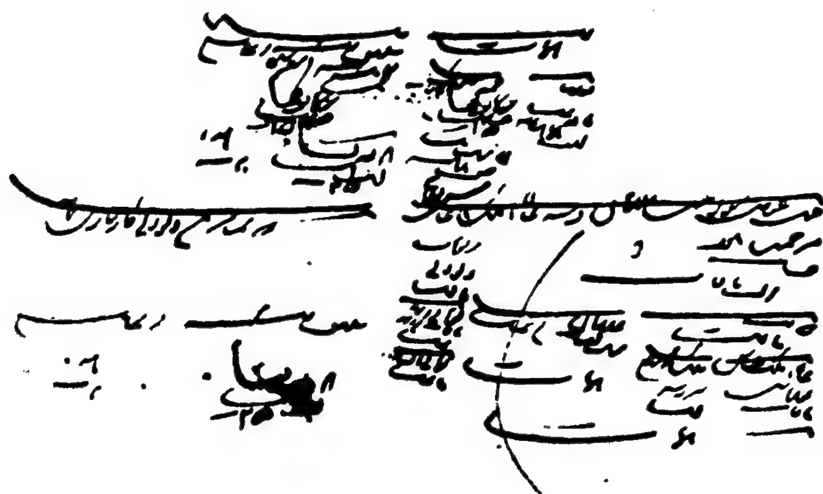
در این حکم قریهٔ میرمحله واقعه در استراباد را از ابتدای اودئیل و سالهای بعد در عوض مواجب ملك عباس یوزباشی غلامان استرابادی و غلامان ابوابجمعی او واگذار شده است .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر ناصرالدین شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که نظر بظهور مراتب خدمت و قابلیت عالیجاه عزت و سعادت همراه ملك عباس یوزباشی غلامان استرابادی درهذه‌السنهٔ اودئیل و ما بعدها قریهٔ میرمحله واقعه در استراباد را بدینموجب در عوض مواجب مشارالیه و غلامان ابوابجمعی او مرحمت و واگذار فرمودیم که ضبط و زراعت نموده

۱ — مهری محرابی شکل که در بالای آن « الملك‌لله تعالی » و در متن: « تاکه دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت صیت داد و معدلت ازماه تا ماهی گرفت » حك است . اطراف مهر تزهیب ونقش و نگار دارد .



متوجهات ومنافع‌را دریافت ودرعوض مواجب خود وغلامان ابوابجمعی خودبرساند و بلوازم خدمت مرجوعه اقدام نماید مقرر آنکه حکام ومباشرین حال واستقبال استراباد قریهٔ مزبوره را بتیول مقرر دانسته واگذار نمایند و مبلغ مزبور را در جزو مواجب نوکراسترابادی بخرج مجری دانند المقرر مقربوالخاقان مستوفیان عظام ولشکر ـ نویسان کرام شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت نموده ازشوایب [تغییروتبدیل مصون دانند] .

تحریرا فی شهر . . . . سنة ۱۲۸۲

۲۱

فرمان شاهی مورخ ۱۳۱۱ هـ . ق .
دراین فرمان به امامقلی‌خـان بیگلر بیگی استراباد دستور داده شده است رعـایـای عثمان‌کـلاته و آهنگرمحله را کـه متفرق شده‌اند طبق صورت متن جمع‌آوری و در محلهای اصلی خود جای دهد .

بسم‌الله تعالی شأنه

[جای مهر][1]

حکم جهانمطاع شد آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه دولت و اقبال‌پناه عظمت و جلالت دستگاه امیرالامراء العظام امامقلی‌خـان بیگلر بیگی‌دارالمؤمنین استراباد بتوجهات خاطر مرحمت‌پناه امیدوار بوده بدانند که چون بعرض واقفان حضور اقدس رسیده که رعایای عثمان‌کلاته وآهنگرمحلهٔ عالیجاه حاج‌الحرمین المحترمین حاجی‌رحیم‌خان مدتیست متفرق‌شده‌اند بنابرشمول مرحمت خاقانی دربارهٔ عالیجاه مشارالیه امرومقرر میگرددکه بوصول فرمان همیون والا وحصول آگاهی برمضمون آن

بـــا بـــت

متفرقه . . . . عثمانکلاته . . . .

علـــی‌محمـــــد	محمـــد علــــی	رمضـــــــان	خانعلـــــــی
نفــر	نفــر	نفــر	نفــر

---

[1]ــ مهری چهارگوشهٔ کوچك که درکلاهك آن « الملك‌لله » و درمتن « افوض امری الی‌الله عبده محمد » .

کربلائی رجبعلی نفر	جعفر نفر	ولدان تمسکنی نفر	خداداد ولد عبدی نفر
جعفر ولد نوری نفر	ولدان محمد علی ساکن رستمکلاته دو نفر	[خوانده نشد] نفر	محمدعلی‌خان... دو نفر

باب ت

متفرقهٔ آهنگر محله

رجبعلی	امیرقلی	معصومعلی	کربلائی مهدی
کربلائی قاسم	کرمعلی	محمدعلی	ساروخان
محمدعلی	محمد ولی	ولدان محمدحسین جعفر ولدان تمسکنی	کاظم تمسکنی مرزن ـ کلا

. . . . . را تعیین که رعایای مزبوره را جمع‌آوری و برده درجا و مکان اصلی خود ساکن سازد ودرین مواد اهتمام تمام مرعی داشته کوتاهی جایز ندارد درعهده شناسد.

تحریرا فی‌شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۳۱۱ .

۲۲

دستورالعمل مورخ ۱۳۲۸ هـ . ق .
دراین دستورالعمل به عبدالله بیگ فراش‌عدلیه مأموریت داده شده است که آب انگرن را از قرار معمول چهار تقسیم نماید .

نمره ۲۰۴ / ۲۰۷	نمره ۵۸ / ۱۳۲۸

۲۰ جمادی‌الاولی

عالیجاه عبدالله بیگ فراش عدلیه را قلمی میشود شما مأمورید آب‌انگرن‌را از قرار معمولی سنوات سابقه چهار تقسیم نموده و از حضرات ساداة چغری و کربلائی شعبان

میان دره	الوار	حقابه
دو قسمت	یک قسمت	یک قسمت

التزام بگیرید که تخلف ننمایند چنانچه برخلاف این قرارداد معمولی رفتار نمایند مورد مؤاخذه خواهند بود هرگاه سادات چغری و کربلائی شعبان حرفی دارند بیایند در شهر گفتگو نمایند البته از قرار دستورالعمل رفتار نمائید

[برحاشیهٔ سمت راست این دستورالعمل عبارات زیر نوشته شده است :]

و بمسعودالسلطان نوشته شدکه اگرلازم باشد دراجرای این‌حکم ازشما تقویت نماید.

احکام شرعی حکام شرعی استراباد

۱

تقاضای صدور حکم شرعی .

قبلةالاناما عرض میشود زیدنامی ملکی را اجاره داد بعمرونامی بعد خواست عمرو تصرف نماید معلوم شد که آنملك دریدبکر نامی است وسالهای زیادی است که بکر مالك و متصرف است وعمرو هم هیچ تصرفی نکرد اجاره را فسخ همکرد آیا دراجاره مالك بودن موجر و قبض و اقباض عین مستأجره شرط است یانه ودر صورت معروضه که قبض نداده و عین مستحقة للغیر برآمده و فسخ هم کرده آیا موجر مزبور حق مطالبهٔ مال‌الاجاره ازمستأجر شرعاً دارد یاحق مطالبه ندارد وعرض دیگر آیا اینقسم اجاره خط وقبول اجاره‌های بی‌مورد از برای طرفین قانوناً اعتباری دارد یابکلی باطل و بی‌اعتبار است .

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این تقاضا مطالب زیر نوشته شده است :]

هو

اگرچه اجاره و استجاره باشد صحت دلیل دوباره تصرف و ملکیت است که

بعداز ثبوت عدم ملکیت و استحقاق غیریقیناً اجاره بـاطل و براستجار اثـری نیست شرعاً حررته بذکره . [جای مهر][1]

بسم الله الرحمن الرحیم

تسلیم عین مستأجره برای استیفاء منافع شرط است ابتداءً لامحاله اگر نگوئیم استدامةً هم شرط است وملکی را که مدعی ملکیت بکسی اجاره داد و نتوانست تسلیم مستأجر کند حق مطالبهٔ مال الاجاره ندارد چه رسد بآنکه بعد معلوم شود که موجر مالك هم نبوده حرره اقل خادم اهل العلم و العمل . [جای مهر][2]

هو المستعان

در صحت اجاره مالك بودن موجر یا ماذون ازمالك بودن شرط است و در صورتی که چنین نباشد و مالك هم اجازه ننماید و رد کند عقد اجاره باطل است و صورت اجاره خط دراین حال معلومست که آن مدرکیت ندارد ودراین زمینه حق مطالبهٔ بدل الاجاره غلط است والله العالم . [جای دومهر][3]

۱ـ مهر کوچك بیضی با سجع : « عبده محمدحسن» . ۲ـ مهری بیضی باسجع: « عبده محمدبن محمدطاهر » . ۳ـ مهـری بیضی که کلمات : « محمد باقر » بر آن خـوانده می‌شود و مهری بیضی دیگر بـا سجع : « عبده عباس العقیلی » .

۲

تقاضای تأیید حکم شرعی حاجی ملامحمد رضا.
در این ورقه متقاضی خواسته است بداند حکم حاجی ملارضا دائر بررد املاك موقوفهٔ سادات به ایشان ازاحکام قاطعه ولازمه است یا نه و تجدید مرافعه پس‌ازاین حکم جایز است یانیست .

چه میفرمایند در باب آنچه مرحمت‌مآب حاجی ملامحمدرضا طاب‌ثراه بر لزوم رد املاك موقوفهٔ سادات بسادات عالیدرجات مرقوم فرموده‌اند و هذه عبارته جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره داده‌اند وحکم شرعمطاع لازم‌الاتباع برلزوم رداملاك مرقومه است بحضرات مرقومین آیا این رقم فرخنده شیم آن جناب مرحمت مآب از احکام قاطعهٔ لازمهٔ ایشان است یا نه وتجدید مرافعه حرام است یا جایز بینواتوجروا.
[برحاشیهٔ سمت راست و پایین این ورقه تأیید حکم شرعی مطالب زیر نوشته شده است :]

مع‌ان‌الاصل عدم‌القرینه ، پس‌از این حمل عبارت مسطوره براین که شخص بزرگوار حاکی از غیر باشد یعنی از فقیه حی یا میت باشد ، چنانچه این حکایت از غیردر صورتی است‌که مجتهدی در ولایة نباشد و در جاهای دیگر هرگاه باشد متعذر و یا متعسر باشد واین شأن‌کسانی است‌که عبارت فقهاء رضوان‌الله علیهم را بفهمد یا آنکه درولایة اهل مرتبه بودند و درجاهای دیگر متعذر ومتعسر نبود لهذا متعرض ومتوجه شدن مرافعه بنحو حکایت جواز شرعی ندارد واین معنی را نسبت بایشان دادن عین غلط وغلط است و رجوع خلق هم بآنمرحوم نیزجواز ندارد این مستلزم تضییق‌است و این نسبت بایشان بداست سهل است نسبت به پستر از ایشان بسیار بسیار بیجا و غلط است بلکه در عصر خود خصوصاً در اینولا اعلم از ایشان نبود پس از این ایشان را

ضعیف شمردن وامثال‌طلاب فرض نمودن وحمل عبارت ایشان رابرحکایات واخبارات نمودن باآنکه متبادر ازامثال این عبارت ازاین اشخاص دراین موارد مخصوصه معنی انشاء حکم‌است واین‌تبادر دلیل برحقیقة است ولااقل دلیل است براراده‌ٔ معنی‌مجازی ظاهر و این ظاهر متبع است بلاخلاف پس ازاین مرافعه را تجدید نمودن خصوص با عدم تراضی خصمین حرام است و جواز شرعی ندارد والسلام و تطویل محتاج است بآنکه زمانی را وسعت داده باشید و هرگاه خواسته باشید بفرمائید . [جای مهر] [۱]
[برحاشیهٔ بالای این ورقه عبارات زیر نوشته شده است :]

هوالعالم بحقایق احکامه

بلی این نوع عبارت که صادر شود از اشخاصیکه صاحب مرتبهٔ اجتهاد باشند خصوصاً ازچنین بزرگوار که در عصر خود یا عدیل ونظیر نداشت و هرگاه داشت بسیار بسیار قلیل ونادر بود صاحب تصانیف و تألیفات بسیار خوب میباشد خصوصاً فقه را دال برانشاء معنی حکم است و محمول است برانشاء معنی حکم خصوصاً باانضمام قرائن من حضور خصمین ومطالبهٔ شهود معتبره و با وجود حاکم شرع در ولایة ویا درجاهای دیگر رجوع بایشانها ممکن بود ومتعذر و متعسر نبود و معذلك خصومة ودفع ورفع خصومة رجوع بایشان شد و آن مرحوم اعلی‌الله مقامه متعرض و متوجه مرافعه شد و قطع نزاع طرفین باسباب معتبره نمود و باین الفاظ مذکوره قطع نزاع نمود و این الفاظ ظاهراست درانشاء معنی حکم واین ظاهر یامعنی حقیقی است و یامعنی‌مجازی است و هریك‌که باشد باید این ظاهر مراد باشد بجهت‌آنکه ارادهٔ خلاف ظاهر یاعدم نصب قرینه برخلاف قبیح است و اغواء بجهل است .

۱ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع : « افوض امری‌الی‌الله عبده محمدباقر » .

وقفنامه

۱

سواد وقفنامهٔ مورخ ۱۲۷۳ هـ . ق .

در این سند جعفرقلی‌خان همگی و تمامی کل ششدانگ یك در-
بند دکان واقع در بازار نعلبندان از محلات استراباد را وقف
بر تعزیه‌داری حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام کرده‌است.

الحمدلله الواقف علی‌الضمایر و المطلع علی‌السرائر

و الصلوة والسلام علی‌خیرالعشایر والقبایل

محمدٍ وآله‌اجمعین

غرض از تحریر این حروف شرعیه آن است که وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی نمود درحال اختیار بدون شائبهٔ اکراه واجبار عالیجاه معلی‌جایگاه نتیجةالخوانین عمدةالاعیان و الاشراف جعفرقلی‌خان خلف علیین آرامگاه غفران‌پناه رضوان‌جایگاه عبدالله‌خان قرموسی‌لو قاجار همگی و تمامی کل ششدانگ یکدربند دکان واقعه در بازار نعل‌بندان من محلات دارالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقة والفسادباجمیع

تـوابع و لواحق شرعیهٔ آن من غیر آن یستثنی‌منه شیء که شرقیاً متصل‌است بشارع بازار مقابل بمسجد جامع غربیاً متصل بزمین محمدناصرخان جنوبیاً متصل است بدکان آقاسید حسین شمالیاً متصل است بدکان کربلائی کاظم‌آقا برسرکار فیض آثار ابـاعبدالله الحسین صلوات‌الیه و سلامه علیه و علیهم اجمعین باسائرائمهٔ هدی و سایر شهدای صحرای کربلا که آنچه مداخل و منافع دکان مـزبوره بشود اولاً درتعمیر و آبادی دکان مزبوره اخراجات نمایند وعلاوه از خرج دکان نصف آنرا درخانهٔ واقف دردههٔ عـاشورا صرف شربت وطبخ و آش و سوخت و سایر ضروریـات نمایند ونصف مداخل را بذاکرین آن بزرگواران که در تکیهٔ سرپیر [انـد] بدهند وتولیت‌آنرا مفوض نمود بنفس نفیس خود و بعد باولاد اکبر خود نسلاً بعدنسل و بطناً بعدبطن و بعدالانقراض العیاذاً بالله باعلم و اصلح اهـل محلهٔ سبزمشهد میباشد وعشر از منـافع بعداز اخراجات همان دکان‌بامتولی‌میباشد و صیغهٔ وقف بقانون شرع‌انور جاری شد و عمل بوقفیت واقف نمود واین چند کلمه برسبیل یادداشت قلمی‌گردید تا عندالحاجة حجت شود .

وکان ذلك فی‌غرة شهر رمضان‌المبارك من‌شهور سنة ۱۲۷۳ .

[جای مهرجعفرقلی‌خان واقف]

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

قداعترف الواقف المرقوم بالوقف والعمل بنحوالمرقوم‌لدی الجانی‌فی۱۲ شهرشوال ۱۲۷۳ . [محل خاتم مرحوم آقاملا آقا محمد طاب‌ثراه]

قداعترف الواقف المعظم الیه‌المزبور بالوقف والعمل بـه علی نحو مـا زبرفیه‌لـدی الاحقر فی۱۲ شهر شوال المکرم هزارو دویست وهفتاد و سه .

[محل خاتم مرحمتمآب آقا ملا محمد ولی]

عالیجاه جعفرقلی‌خان اقرار بمراتب مزبوره نمودند . [محل خـاتم شریف مرحوم آقاسید تقی عبده محمد تقی‌الحسینی . محل خـاتم مـرحوم حاجی آخـوند حـاجی ابوالحسن طاب‌ثراه]

بسم‌الله تعالی

سواد مطابق مع‌اصله‌المعتبر المعتمد معمول بـه فی‌سنوات عدیده [جـای مهر][1]
جناب آقاشیخ هادی سرپیری است .

بسم‌الله تعالی شأنه

هذاالسواد مطابق لاصله المعتمد حرره‌الاحقر الجانی ۱۳۳۶ . [جـای مهر][2]
جناب آقای شیخ علی دیاجاقی است .

جناب آقاشیخ محمد مقیم است . [جای مهر][3]

سجع مهر واذکر فی‌الکتاب اسمعیل .

سجع مهر تاج سرانبیا محمد.

محل مهر کربلائی عباسعلی . [پیرو دین محمد عباس]

اقرو اعترف الواقف المرقوم بجمیع مارقم فیه لدی الخاطی. [سجع مهر بندهٔ‌آل محمدکـاظـم]

قد اقر بجمیع ما زبرفیه لدی. [محل خاتم جناب آقا ابراهیم]

قد اقرالواقف کما زبرفیه لدی ۱۲۷۳. [سجع مهر عبده آقابابا]

۱ــ مهری بیضی باسجع: « عبده‌الراجی محمدهادی» . ۲ــ مهری بیضی‌باسجع: « علی‌بن محمدنبی » . ۳ــ مهری بیضی باسجع : « عبدالصمد » .

هوالمستعان

هذه‌السواد مطابق لاصله‌المعتبر حررته فی ۱۵ شهر محرم ۱۳۳۶ . [جای مهر][1]
آقاشیخ رضاسلطان العلما با بلکانی است .

السواد مطابق لاصله . [جای مهر][2] جناب آقا سید نجم‌الدین .

سواد مطابق است بااصل . [جای دومهر][3] عباس‌خان قاجار ، غلامحسین‌خان قاجار .

هذاالسواد مطابق‌لاصله‌المعتبر المعتمد. [جای مهر][4] آقاشیخ هادی‌فرزند حضرت آقای آقاشیخ حسن مجتهد .

محل مهر مرحوم کربلائی رحیم‌خان اولاد واقف است .

محل مهر اللّٰه‌قلی‌خان قاجار .

سواد مطابق است با اصل معتبر وقفنامه فی‌التاریخ هادی سررشته‌دار دارائی استراباد . [جای مهر][5]
الشهود کربلائی حسین‌خان و عباس‌دائی .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

سواد مطابق اصل صحیح معتبر معتمدعلیه و معمول‌به است حرره‌الاقل ۱۴ محرم ۱۳۳۶. [جای مهر][6]

۱ـ مهری بیضی باسجع: « سلطان‌العلماء» . ۲ـ مهری بیضی‌باسجع: « نجم‌الدین الحسینی » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « عبده عباس » و مهری بیضی باسجع : « عبده غلام‌حسین » . ۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « محمدهادی » . ۵ـ مهری بیضی حاشیه‌دار باسجع : « محمدهادی » . ۶ـ مهری بیضی باسجع : « عبده محمدبن محمدطاهر » .

هذاالسواد مطابق لاصله الاصیل المعتبر المعتمد بحیث لااختلاف بینهما بعد مقابلتهافی یوم . . . احدعشر یوماً خلون من محرم الحرام ۱۳۳۶. [جای مهر][1] جناب آقاسید ابراهیم شریعت.

۲

وقفنامهٔ مورخ ۱۳۰۵ ه . ق .

دراین سند ام کلثوم خانم تمامی حصه و رسد وسهم خود را از قریهٔ النگ از توابع سدن رستاق استراباد وقف بر تعزیه و عزاداری و عزاداران گلگون قبای صحرای کربلا اباعبدالله الحسین علیه السلام و خاتم الانبیا و امیرمؤمنان و صدیقهٔ طاهره و باقی ائمهٔ هدی کرده است .

بعدالحمدوالتصلیه بمصداق آیهٔ وافی هدایهٔ کل نفس ذائقةالموت برهر فردی ازبنی نوع انسان را لازم و متحتم که شربت ناگوار مرگ را نوش جان نماید واز این سراچهٔ دنیای ناپایدار غدار نقل بسرای عقبی که دارابدی وسرای جاوید سرمدی است نماید بناءً علیه برساکنین مکلفین این نشأة فانی لازم است که چند صباحی دراین عالم منزل نموده برخود واجب ولازم دانسته که توشه و زاد و راحله جهة سرای باقی ابدی خود تحصیل نمایند که دستگیر و عاید ایشان گردد درروز فزع اکبر و درعالم برزخ نظر بکلام مجید علام وماتقدموا لانفسکم خیر تجدوه عندالله ونظر باخبار واحادیث مخبرین صادقین از حضرات انبیاء و مرسلین و اولیاءالصدیقین خواجه حضرت خاتم-النبیین وائمهٔ طاهرین صلوات‌الله وسلامه علیهم اجمعین که برهر فرد افراد انسانی را لازم که قیام و اقدام در عبادات واجبه و مستحبه و صدقات و خیرات و مبرات جد و

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع : « سلام علی ابراهیم » .

جهد نمایند و توسل به انوار خمسهٔ طیبهٔ طاهره واولاد طیبین طاهرین ایشان نموده و تولای بایشان وتبرای بدشمنان ایشان نمایند ودوستی وخدمتگذاری بذراری ایشان و دوستان و شیعیان و محبان ایشان نمایند خواهد بذل مال درراه ایام سرور وایام حزن ایشان نمایندکه موجب سرافرازی دنیا وآخرت ایشان خواهد بود ودرزمرهٔ ملازمان و خدمتگذاران ایشان محسوب خواهد [شد] و وسیلهٔ نجات از یوم فزع اکبر وداخل دارالسرور و نعمت جاویدانی ابدی خواهند رسید فلهذا موفق و مؤید شد بتوفیق و تأئید سبحانی عفت‌مآب قمر نقاب ام‌کلثوم خانم صبیهٔ مرضیهٔ مرحوم مبرورخانجان آقا قاجار زوجهٔ دائمهٔ بودهٔ مرحمت‌مآب خانلرخان خلف مرحمت‌مآب خلد نقاب جعفرقلی‌خان قاجارکه وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمود حسبةً لله همگی و تمامی حصه و رسد و سهمیکه مرحومهٔ مزبوره داشت ومالك و متصرف بود از قریهٔ معروف بهالنگ من توابع سدن‌رستاق استراباد را با جمیع توابع شرعیه و لواحق عرفیهٔ آن‌که حصه و رسدی عصمت‌مآب مزبوره در خارج معین است از اراضی عامره و غامره و مزارع و مراتع و جنگلستان و ملیارستان و توتستان و آسیای و آبدنگ و حمام و محل خانقاهه و قنوات دائره و بائره و چشمه‌سار و شیوار و ناور و غیر ذلك ازآنچه ملکیت را سزد وشاید ونفع توان برد بدون استثناء شیء برتعزیه و عزاداری وعزاداران گلگون قبای صحرای کربلاجناب اباعبدالله الحسین روح‌العالمین له‌الفداء وحضرت خاتم‌الانبیاء و وصی بلافصل‌آن بزرگوار امیرمؤمنان وصدیقهٔ طاهرهٔ زکیه و باقی ائمهٔ هدی و شهدای دشت کربلا و شهدای بدرو احد وغیرذلك‌که حاصل منافع و مداخل عین موقوفه را متولی هرطبقه بعداز موضوعات ملکی و حق‌التولیه‌که عشراست در خانهٔ مرحمت‌مآب جعفرقلی‌خان قاجارکه موقوفات مرحمت‌مآب راصرف مینمایند در همانجا و در همان خانه در دههٔ ایام عاشورا صرف تعزیه‌داران از قبیل اکل و شرب و شربت و چای و روضه‌خوانی بهر نحوکه متولی صلاح داند نمایند و

تولیت عین‌موقوفه را واقف مزبور بنفس‌خود مفوض داشت و بعداز اوبعالیجاه مجدت‌ـ همراه کربلائی رحیم‌خان واگذار نمود و بعداز او باکبر اولاد ذکور مـرحمت‌مـآب جعفرقلی‌خان قاجارمفوض داشت‌که بهمان‌نحویکه مرحمت‌مآب دروقف‌نامهٔ موقوفات واقعه در خانهٔ خود متولی قـرار داده است واقف مزبوره نیز قرار داده است و حق ـ التولیه غیرالمنافع است کـه حق متولی هرطبقه است و صیغهٔ وقف بعربی و فـارسی ایجاباً و قبولاً بوکالـة شفاهیه از واقفهٔ مزبوره واقع شد و قبض و اقباض کـه متحتم وقف است بعمل آمده فمن‌بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه .

وکان وقـوع ذلـك الـوقف فـی‌احـدی عشرمـن شهـر صفرالمظفر من‌شهورسنة خمس‌وثلثمائه‌بعدالف‌سنة۱۳۰۵.

ثم‌بعد ذلك‌الوقف واقفهٔ مزبوره من‌حیث التولیه تمامت عین موقوفه ازقریهٔ مزبوره را باتوابع شرعیه و لـواحق عرفیهٔ آن بخود اجـارهٔ صحیحهٔ شرعیه داده است درمـدت معین‌که در قبول اجارهٔ خارج مندرج است ببدل معین و صیغهٔ اجـاره و استجاره نیز واقع و جاری شد .

فی۱۱ شهرصفر ۱۳۰۵.

[برحاشیهٔ سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد وقع الوقف من‌الواقفه الموفقه والاستجار حسبما رقم فیه‌لدی الاقـل‌فی۱۱ صفر ۱۳۰۵ . [جای مهر][1]

قد وقع بمافیه لدی . [جای مهر][2]

قد وقع بمافیه لدی [جای مهر][3]

۱ــ مهری بیضی باسجع : « عبده جعفرالحسینی » . ۲ــ مهری بیضی باسجع : « علی‌بن رضاقلی » . ۳ــ مهری بیضی با سجع : « عبده نظرعلی » .

قد اقر. [جای مهر][1]

نسخهٔ دیگری از این وقفنامه دردست است که عبارات آن بامتن این وقفنامه اختلاف دارد و ظاهراً دردو محضر جداگانه تنظیم شده‌اند و رونوشتی از این سند نیز دردست است .

۳

وقفنامهٔ مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق .

دراین سند بهرام علیخان حسب وصیت والد خود ـ آقاجان دائی ـ همگی و تمامی نصف مشاع از قریهٔ اتراچال که سهم آن مرحوم از نیم‌دانگ و نیم‌ربع مشاع بوده است وقف بر تعزیه ـ داری وسوگواری ختمی‌مرتبت و ائمهٔ طاهرین واصحاب کبار راشدین کرده است .

الحمدلله الواقف علی‌الضمایر

والمطلع علی‌الخفایا والسرائر

والصلوة علی محمدوآله خیرالعشایر

و بعد وقف صحیح شرعی و حبس صریح مخلد ملی اسلامی نمود حسبةً لله تعالی و طلباً لمرضاته عالیشان عزت‌نشان بهرام‌علیخان خلفمرحوم آقاجان‌دائی وهوخلفمرحوم فتحعلیخان قاجار قراماسانلوی حسب وصیت والد ماجد خود و هوآقاجان دائی‌مزبور مضافاً الی‌اعتراف الواقف الوارث المنحصر بالوصیة المذکوره همگی و تمامی نصف مشاع از تمامت آنچه را که مرحوم والد ماجدش آقاجان دائی از قریهٔ اتراچال

۱ـ مهری بیضی باخط طغرا که‌کلمات «محمدرحیم» برآن‌خوانده می‌شود.

مالك ومتصرف بوده‌که عبارت است تمامت سهم آنمرحوم از نیمدانگ ونیمر بع‌مشاع حسب ماقبل از قریهٔ اتراچال با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیهٔ متعلقهٔ بآن از مجاری‌المیاه و مزارع و مراتع و غیرها کان ماکان برمصرف تعزیه‌داری و سوگواری حضرت مستطاب ختمی‌مآب و ائمهٔ طاهرین و اصحاب کبار راشدین ایشان سلام‌الله علیهم اجمعین کـه حاصل مداخل و منافع عین موقوفه را متولی عین موقوفه بعداز تعمیرات لازمهٔ عین موقوفه تنصیف نموده نصفی درتکیهٔ سر پیر در دههٔ عاشورا ازغرهٔ نجومی محرم‌الحرام تادوازدهم شرعی و نصف دیگر را درخانهٔ بزرگ مرحوم جعفرـ قلی‌خان که منبر دارند عندالامکان دردههٔ عاشورا بشرح مزبور درصورت تعذر تاسلخ شهر صفر بهر نحوکه صلاح داند از هدیهٔ روضه‌خوان و صرف چای و شربت و قهوه و غلیان و اطعام وغیرها صرف و خرج نماید و مقرر گردید تولیت عین موقوفه مادام ـ الحیوة بابهرامعلیخان واقف و بعده باعالیجاه عزت همراه نظرخان آقایوزباشی و بعده با بزرگتر و رشیدتر از اولاده وجعفرقلیخان قراماسانلوی و بعدانقراضهم باعالم محلهٔ سرپیر و درصورت نبودن عالمی با چهار نفر پیرمرد گذر سرپیر و حق‌التولیه عشر از منابع بعدالتعمیر وقرارشد در تعمیرات عین موقوفه از قنوات و غیرها و درمصارف تعزیه‌داری ازصلاح وصوابدید عالیجاهان‌کربلائی رحیمخان‌آقا ونظرخان‌آقا خارج نشود و صیغهٔ وقف عقداً و ایقاعاً بوکالت شفاهیه وعمل بوقفیت درهردوموضع وقوع و جریان پذیرفت .

وکان ذلك تحریراً فی‌هشتم شهرصفرالمظفر سنة ۱۳۰۷.

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است :]

الباقی مـن‌الحصةالمرحوم المذکور من‌القریة المرقومه مـع‌تـوابعها محکوم بملکیة

الوارث تحریرا فی صفر سنهٔ ۱۳۰۷ . [جای مهر] [1]

قداجریت صیغة لذلك کذلك قدکنت جالساً فی المجلس العمل بالوقف کان فی المحرم تحریراً فی صفرسنهٔ ۱۳۰۷. [جای دومهر] [2]

قداقر بالوقف و القبض لدی فی عاشر صفر ۱۳۰۷ . [جای مهر] [3]

قداعترف الواقف الموفق کمافیه لدی الآثم فی ۹ من صفر المظفر ۱۳۰۷ . [جای دومهر] [4]

قد حضر الواقف الموفق واعترف بالوقف و القبض لدی فی شهر ربیع الاول ۱۳۰۷ . [جای مهر] [5]

قد اقر الواقف بوقف مافیه و قبضه بعدالوقف لدی الاحقرفی ۳ ربیع الاول ۱۳۰۷ . [جای مهر] [6]

قد اعترف بالوقف والعمل کما رقم فیه لدی . [جای مهر] [7]

حضر الواقف الموفق و اعترف بالوقف المزبور والقبض لدی حرره الاقل فی ۱۱ صفر ۱۳۰۷ . [جای مهر] [8]

قداعترف الواقف المزبور بالوقف و العمل لدی الآثم فی شهر صفر ۱۳۰۷ . [جای مهر] [9]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « اللهم صل علی محمدوآل محمد » که دوبار زده شده است.
۲ـ مهری بیضی باسجع : « اللهم صل علی محمدوآل محمد » و مهر بیضی دیگر باسجع : « نصرمن الله محمدولی ۱۳۰۱ » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « محمد هادی » .
۴ـ مهری بیضی کوچك بانام: « محمدحسین» ومهربیضی بزرگتر باسجع: « عبده محمدتقی ۱۲۹۲ » . ۵ـ مهری بیضی باسجع : « عبده الراجی ابراهیم الحسینی » .
۶ـ مهری چهارگوشه باسجع: «ارزقنی شفاعة الحسین» . ۷ـ مهری چهارگوشه باسجع : « نمسك صراط الحق قلی » . ۸ـ مهری چهارگوشه باسجع:« یاامام محمدنقی» .
۹ـ مهری بیضی باسجع:« عبده غلامعلی » .

قد اقر الواقف الموفق بالوقف والعمل لدی الاقل فی‌احد عشر صفر المظفر ۱۳۰۷.
[جای دومهر بیضی ناخوانا]
اعترف‌الواقف بالوقف و العمل لدی الاقل‌فی ۱۲ شهرصفر ۱۳۰۷. [جای مهر] [1]
اعترف‌الواقف بالوقف المزبور والقبض المرقوم‌لدی الاقل حررته فی‌عاشر شهرصفر ۱۳۰۷ . [جای مهر] [2]
ثبت دراین ورقه خلاقی ندارد فی‌تاریخ سنهٔ ۱۳۱۲ . [جای مهر] [3]

٤

وقفنامچهٔ مورخ ۱۳۱۰ هـ . ق .

دراین سند شهربانو سه دانگ کامل مشاع از کل ششدانگ خانهٔ مسکونی‌خودرا واقع درگذر بنی کریم من مضافات محلهٔ میدان بلدهٔ استراباد بر عزاداری و تعزیه‌داران خامس‌آل عبا وسایر شهدای کربلا وقف کرده و شرایط وقف را در آخر وقفنامچه آورده است .

بسم‌الله تعالی شأنه الحمدلله الواقف علی‌السرائر و المطلع علی‌البواطن والضمائر و صلی‌الله علی‌محمدالمبعوث علی‌الثقلین صاحب المناقب والمقابر وخیرالقبائل‌والعشائر امابعدالحمد والتصلیه برالواح‌ارواح زاکیه وصفایح‌اذهان‌منیعهٔ مستقیمه می‌نگاردکه غرض ازتحریر این زبور مبری از خلل و قصور وباعث ازبنیان این قواعد مرصوصة‌ـ البیان آنستکه برواقفان مواقف توفیق ظاهر و روشن و درپیشگاه بـاطن اهل تحقیق ثابت ومبرهن است که این دنیای غدار ناپایدار جای اقامت و محل استقامت نیست و

۱ـ مهری چهارگوشه وناخوانا . ۲ـ مهری بیضی با سجع : « محمد طاهر ـ الحسینی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدصادق‌بن احمد».

انتقال از دار غرور دنیا بمقام سرور عقبا لابد و ضرور است کـه انما الدنیـا فناء لیس للدنیا ثبوت انما الدنیا کبیت نستجته العنکبوت و بمفاد الدنیا مزرعة الاخرة و بمضمون برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد زپس تو پیش فرست کماقال الله تعالی و ماتقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله و بمفاد حدیث شریف نبوی اذامات ابـن آدم انقطع عمله الاعن ثلث صدقة جاریه او علم ینتفع به او ولد یستغفر له جمیع مکلفین را لازم است که بقدر مقدور و امکان درامورات که موجب رضای خدا وائمهٔ هدی باشد ساعی باشند سیمانظر بمضمون مـن اشتاق الی الجنة سارع الی الخیرات و در سرزمین زنـدگی نشاندن درخت نیکوکاری مثمر اثمار بـرخورداری از آمـال‌هـا است و در زراعت‌گاه دنیا افشاندن تخم رستگاری سبب ادراك ربع رستگاری دروقت عمل‌حصاد عملهاست بناءً علیهذا برهرفردی ازافراد بنی‌نوع انسان بمقتضای آیهٔ وافی هدایهٔ لیس للانسان الاماسعی تهیهٔ زاد معاد لازم ومتحتم لهذا تـوفیق وسعادت رفیق شدمرعفت و عصمت‌پناه خدارت‌مآب شهربانو بنت مرحمت‌پناه آقا محمدحسن شهری زوجهٔ بـودهٔ مرحمت و غفران‌مآب خلدنصاب فردوس‌ایاب آقا سید اسحق خاندوزی‌الاصل که وقف صحیح شرعی مؤبد و حبس صریح ملی اسلامی مخلد نمود همگی و تمامت سه‌دانگ کامل مشاع ازکل ششدانگ ازیکباب خانهٔ ملکی متصرفی مسکونة الحال خود را که واقعه است درگذر بنی‌کریم من مضافات محلهٔ میدان من بلدهٔ دارالمؤمنین استرابـاد خلیت عن التفرقة والفساد که محدوداست بحدود اربعه شرقیاً اتصال‌دارد بخانهٔ توفیق آثارملازکی اسبو غربیاً اتصال دارد بکوچهٔ خاص جنوبیاً اتصال‌دارد بعضی بخانهٔ خیر ـ الزوار کربلائی علی‌اکبرایلواری و بعضی بخانهٔ کربلائی مهدی بن مرحوم جعفر وشمالیاً اتصال‌دارد بعضی بخانهٔ سلالة الاطیاب والانجاب آقامحمد سعدآبادی و بعضی بخانهٔ رفیع بن مرحوم ملانوروزعلی اسبو و به یك قطعه زمین محوطهٔ معینهٔ مفروزهٔ واقعه درطرف شمالی خانهٔ ملکی متصرفی مسکونة الحال کـربلائی علی‌اکبرالمزبورکه از جزء حیاط خانهٔ

مزبوره‌وخارج ازحیاط است‌وفعلاً مطبخ‌خانهٔ مزبوره است‌که‌آنقطعه زمین‌معینهٔ خارج ازآن ششدانگ خانه‌است وداخل درسه دانگ موقوفه نیست‌که زمان وقوع وجریان صیغهٔ وقف‌آن سه دانگ ازخانهٔ مزبوره‌آنقطعه زمین‌مستثنی شده است باکافهٔ ملحقات شرعیه ومنضمات عرفیه و مضافات عـادیه و سایر از متعلقات آن از حیاط و حیاض و انهار و اشجار و بیوتات وجـدار ومماا‌علق علیه بابها و احـاط به جدرانها عن آنچه ملکیة را سزد و شاید و نفع درآن متصور شود مـن تخوم‌الارض الی‌عنان‌السماء‌کائنةً ماکانت من دون استثناء شیء من‌التوابع و المنافع و الحقوق من‌بیت‌المزبور کـه در خارج آنخانه مشخص و معین است و از غایهٔ شهرت و تفرد مستغنی از توصیف زیاده است وقف است برعزاداری و تعزیه‌داران خامس آل‌عبا گلگون قبـای عـرصهٔ نینوا شافع‌یوم جزا سیدالشهدا حضرت ابی‌عبدالله الحسین روحنا و روح‌العالمین لـه‌الفداء صلوات‌الله وسلامه علیه و علی اولاده واصحا بـه وسایر شهدای‌کرب‌وبلا وائمهٔ هدی و حضرت رسول خدا و فاطمهٔ زهرا علیها سلام وحمزه سیدالشهدا وجعفر طیار ومسلم‌بن عقیل واولاد او وشهداء بدر و احد سلام‌الله علیهم‌اجمعین‌که ثـواب‌آن عاید بروزگار مرحمت‌مآب خلدنصاب آقاسید اسحق خـاندوزی الاصل و مـرحومهٔ مغفوره صبیه‌اش عفت و عصمت‌پناه خدارت مآب اقلیمابیگم گردد و از قرار دستورالعمل ذیل انشاءالله تعالی متولی حال و استقبال معمول بدارند که همین دستورالعمل موافق است با عمل واقفهٔ موفقه واماکیفیت عمل بـدین دستورات مادامیکه ملك و عین موقوفه حـاجت بتعمیر واصلاح داشته و مخارج لازمه داشته باشد متولی از منافع آن عین موقوفه را تعمیر و اصلاح و صرف و خرج نماید حاصل که تعمیر واصلاح ملك و عین مـوقوفه مقدم است برهمهٔ مراتب وبعداز تعمیر ووضع عشر از باقی از منافع بجهة حق‌التولیهٔ بقیه از منافع را متولی مختار است در هرسالی در دوماه ازآنسال که ماه محرم وصفر بوده باشد در مسجد واقعه درگذر بنی‌کریم که تعلق به آقایان سادات دارد صـرف و

خرج مجلس‌تعزیه وعزاداری حضرت‌امام سعید شهید سیدالشهدا روحناله‌الفداه‌نمایند از اجرت ذاکرین و چائی و قهوه وقلیان بلکه طعام مؤمنین در صورت وفا وصلاح متولی بجمع میان مخارج مرقومه و یا تبدیل چائی و قهوه را با طعام مؤمنین حسب صوابدید خود متولی و در صورت اطعام مختارند قبل از ذکر مصیبت و بعد از آن و در صورت امکان و عدم ضیق برمتولی اقامت عزا ومخارج درهمان مسجد بنی‌کریم‌که محل خرج و صرف منافع موقوفه است نماید و درصورت عدم امکان بواسطهٔ عروض عوارضات متولی هرعصری مختار است که در هرمکانی ازامکنه که ممکن شود اقامت مجلس عزا نماید و در صورتیکه منافع عین موقوفه کفایت در تعزیهٔ مجلس مردانه نکند مجلس مردانه را تبدیل بمجلس زنانه نماید ونیز متولی هرعصری درصورتیکه درایام عاشورای محرم‌اقامت مجلس‌تعزیه نماید ومنافع موقوفه را درآن دهه خرج و صرف‌کند بایدآن متولی مبلغ پنجهزار وجه رایج سلطانی ازمنفعهٔ عین موقوفه‌بدهند باشخاصی‌که در شب عاشورا درآن مسجد خرج میدهند خرج دهنده درشب عاشورا یك نفر باشد و یا زیاده که لازم است بر متولی هرعصری از قرار مرقوم عمل نمایدو قرارداد واقفهٔ موفقه تولیت عین موقوفه را مادام‌الحیوة بنفس نفیس خود و بعدازفوت خودش تولیت عین‌موقوفه باعالیجناب سلالةالسادات العظام الکرام آقا محمد سلمه‌الله تعالی خلف مرحمت‌پناه خلدنصاب فردوس ایاب‌آقا آقاکوچك‌بن مرحمت‌پناه آقاکاظم از طایفهٔ بنی‌کریم و بعداز فوت اوخدای نخواسته تولیت عین موقوفه با اصلح و ارشد از اولاد ذکور او وذکور ازاولاد ذکور اوهکذا بطناً بعد بطن و نسلاً بعدنسل و بعدالانقراض العیاذاًبالله تولیت عین موقوفه با اصلح وارشد از اولاد ذکور و ذکور از اولاد ذکور از طایفهٔ بنی‌کریم وبعد از انقراض آنطایفه العیاذاًبالله تولیت عین‌موقوفه بااعلم و اصلح واتقی ازعلمای محلهٔ میدان و دربنو وحق‌التولیه بعداز وضع مخارج لازمهٔ عین موقوفه عشر از منافع است‌که در ظرف دوماه محرم وصفر بوده باشد متولی

مختار است که در آن دوماه هرزمانی بخواهد لیلاً و نهـاراً تمامی آن منافع را در مجلس تعـزیه خرج و صرف نماید حسب قـرارداد واقفهٔ موفقه و صیغهٔ وقف صحیح شرعی لازمی بالعربیة و الفارسیة علی‌ماهوالمقرر فی‌الشریعة النبویه بوکالة الحضوریه عن‌الواقفة الموفقة المزبوره بشرایطها صدرمن‌اهله و وقـع فی‌محله سمت جـریان و تحقق پذیرفت قبض وعمل بوقف که شرط لزوم است نیزحاصل‌گردید و واقفهٔ مزبوره تخلیه از عین مـوقوفه نموده و بتصرف وقف داده وعمل بـوقف نموده و از منفعة آن عین موقوفه مجلس عزا و مصداق تعزیه بعمل آورده و بسایراز املاك مـوقوفهٔ مسجد مزبوره منضم نموده فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً ملیاً اسلامیاً لازماً فمن بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه .

وکان وقوع و جریان صیغةالوقف فی‌چهارم
شهر جمادی‌الثانیه منشهورالعربیة من‌سنة
هزاروسیصد و ده هجری نبوی سنة ۱۳۱۰.

[بردوحاشیهٔ بالا وسمت راست این‌وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

قدجرت ووقعت صیغةالوقف حسب جمیع‌ما نمی‌الیه بوکالة الشفاهیه من‌الواقفة الموفقة المزبوره من‌اقل خادم‌الشریعه وقدوقع‌العمل بالوقف‌المزبورلدی الاحقرفی‌التاریخ.

[جای مهر] [۱]

قد وقع بما رقم . [جای مهر] [۲]

قد وقع الوقف والعمل بما رقم فیه لدی الجانی. [جای مهر] [۳]

۱ــ مهری بیضی بزرگ باسجع : « عبده‌الراجی محمد رفیع‌الحسینی » . دومهر بیضی دیگر پهلوی این مهر است که سجع یکی : « عبده غلامعلی » و دیگـری « عبده‌الـراجـی محمدالحسینی » است . ۲ــ مهـری بیضی بـاسجع: « عبـده‌الراجی محمدالحسینی».
۳ــ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدالحسینی» .

قد وقع الوقف والعمل به لدی الآثم فی‌التاریخ . [جای مهر] [۱]

اذا وقعت الواقعه . [جای مهر] [۲]

قد وقع الوقف و العمل به لدی الآثم . [جای مهر] [۳]

قد وقع الوقف و العمل به لدی الجانی فی‌التاریخ . [جای دو مهر] [۴]

وقعت الواقعه لیس لوقعتها کاذبه . [جای مهر] [۵]

قد وقع مارقم فیه لدی الآثم فی‌التاریخ . [جای مهر] [۶]

۵

وقفنامهٔ مورخ ۱۳۲۶ هـ . ق .

در این سند کربلائی مهدی سه دانگ مشاع از کل ششدانگ خانهٔ خود را بر تعزیه‌داران حضرت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام و سایر شهداء دشت کربلا وقف کرده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله‌الواقف علی‌الضمایر المطلع علی‌السرائر والصلوة والسلام علی افضل الاوائل والاواخر و علی‌آله‌الطاهرین و بعدقال‌النبی صلی‌الله علیه و آله اذامات المؤمن انقطع عمله‌الامن ثلثة و لدصالح یدعوله و علم ینتفع به بعد موته‌و صدقة جاریة وقف مؤبد صریح صحیح شرعی نمود توفیق آثار خیرالزائرین کربلائی‌مهدی خلف مرحوم جعفر ساکن شهراستراباد فی‌محلهٔ بنی‌کریم‌همگی‌وتمامی

۱ــ مهری بیضی باسجع: «عبده علی‌الحسینی» . ۲ــ مهری‌بیضی کوچك‌باسجع: «عبده‌احمدالحسینی». ۳ــ مهری‌بیضی که کلمات«الله‌الراجی‌محمدالحسینی» بر آن‌خوانده می‌شود. ۴ــ مهری بیضی باسجع: «عبده عباس‌الحسینی» و مهری چهار گوشه که کلمات « میرکریم‌الحسینی» بر آن خوانده‌می‌شود . ۵ــ مهری‌بیضی‌باسجع: «یارب ببخش مرا محمدعلی». ۶ــ مهری گلابی‌شکل باسجع : « صح عباسعلی ۱۲۹۶ » .

سه دانگ مشاع از کل ششدانگ خانهٔ خود را که واقع است در گـذر بنی‌کریم در جنب خانهٔ مشهدی علی‌اصغر بن مرحوم غفورکه سه دانگ خانهٔ مزبوره را کـربلائی مهدی مزبور از ملامحمدرحیم‌بن کربلائی کـریم ابتیاع نموده بـود بـر تعزیه‌داران حضرت اباعبدالله الحسین ؑ روحنا لهالفداه و سایر شهداء دشت کربلا که متولی عین موقوفهٔ مزبوره منافع و اجارهٔ آن را دریافت دارد بعداز تعمیر لازمه نصف آن را در مسجد بزرگ بنی‌کریم که واقع درسمت شرق است ونصف دیگر را در مسجدکوچك واقع در سمت غـرب و تکیهٔ فوق دروازهٔ کاروانسرای جناب مستطاب آقائی آقـاعلی بالمناصفـه صرف و خرج نمایند براطعام وچای وقهوه و وجه روضه‌خوان ازاول‌شهر محرم الی‌آخر صفر و قرارداد واقف مزبور تولیت عین موقوفهٔ مزبوره را مادام‌الحیوة از برای نفس خود بعداز فوت و موت خود برآقایان سادات اجلهٔ بنی‌کریم‌که متصدی امور سایر موقوفه‌های مسجد مزبورند و قرارداد واقف مزبور حـق متولی را عشر از منافع واجاره وصیغهٔ وقف مزبور بنحو مسطور علی‌الوجه الصحیح واقع وجاری‌گردید ثم‌بعد قبض و اقباض و عمل بوقف هم شد .

وکان ذلك فی هشتم شهررجب‌الاصم‌من‌شهور
سنة هزار و سیصد وبیست وشش‌سنهٔ۱۳۲۶ .

[برحاشیهٔ بالا وسمت‌راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

اعترف الواقف بجمیع مافیه لدی الاقل حررته فی‌دوازدهم ۱۲ شوال‌المکرم هزار و سیصد و بیست و شش ۱۳۲۶ . [جای مهر] [1]

۱ـ مهری بیضی کوچك با سجع : « محمدطاهر الحسینی » .

قـد وقـع جمیع مـارقم فیه من الواقف و القبض و العمل لدی الاقل فـی التاریخ .

[جـای مهر] [1]

قـداقـر و اعترف بجمیع مارقم فیه مـن الواقف والقبض و التـولیة لدی الـآثـم .

[جـای مهر] [2]

قد وقع الوقف و العمل ما رقم فیه لدی الآثم فی التاریخ . [جای مهر] [3]

قدوقع مارقم فیه . [جای مهر] [4]

قد اقر الواقف بما رقم فیه لدی . [جای سه مهر] [5]

۱ـ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدبن غلامعلی» . ۲ـ مهری بیضی با سجع : « محمدرحیم الحسینی » . ۳ـ مهـری بیضی با سجع : « عبده محمدالحسینی » . ۴ـ مهری بیضی باسجع : « هاشم بن محمدالحسینی» . ۵ـ مهری بیضی باسجع: «وهاب الحسینی » و دومهر دیگر بیضی و ناخوانا .

اسناد اجاره و استجاره

۱

قبول اجارهٔ مورخ ۱۲۵۹ هـ . ق .
دراین سند حاجی محمدحسن همگی و تمامی مجرای دوسهم و نیم از حقابهٔ سه دانگ قریهٔ نوش‌آباد را به مدت ده ماه بمال‌ـ الاجاره ده خروار شالی ازحیدرقلی‌آقا قبول اجاره کرده‌است.

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیشان معلی‌مکان حاجی‌الحرمین‌الشریفین حاجی محمدحسن ملازم سرکارنواب شاهزاده کامران میرزا از عالیجاه عزت وسعادت‌دستگاه حیدرقلی‌آقا خلف مرحمت‌پناه حاجی کلبعلی‌خان سپانلو همگی وتمامی مجرای دو سهم‌نیم از حقابهٔ سه دانگ قریهٔ نوش‌آباد که تعلق بعالیجاه موجر دارد و دوسهم‌ونیم آب مزبور از یکصدو دوازده سهم از رودخانهٔ خاسته‌رود است که حقابهٔ سه دانگ ملك موجر است درمدت ده ماه بمال‌الاجاره ده خروار شالی سردهٔ رزازپسندکه بعداز انقضای مدت شش‌ماه مهمسازی نماید وبعذری از اعذار غیر مشروعه تأخیر نیندازد .

کان‌ذلك فی‌ثامن والعشرین شهر ربیع الاول من‌شهور سنة ۱۲۵۹ .

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیرنوشته شده است :]

قد وقع مافیه لدی واناا‌قل الطلبه و خادم‌الشریعه . [جای مهر] [۱]

قد وقع مافیه لدی الجانی . [جای مهر] [۲]

قد وقعت‌الاجارة و قبولها‌لدی نمقه‌الجانی . [جای مهر] [۳]

اناشاهد بذلك عبدالجانی کربلائی مؤمن .

اناشاهد بذلك آقاسید حسین مرزاحسابی. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

۲

سواد قبول اجارهٔ مورخ ۱۲۷۳ ه . ق .

دراین‌سند عیسی‌خان همگی و تمامت شلتوك‌زار و مجری‌المیاه چهارسهم از دوازده سهم از کل شش‌دانگ قریهٔ کلاجان را بانضمام دودانگ از شش‌دانگ از قنات حاجی‌محمد آقائی را بمال‌الاجاره موازی صدوچهل و یك خروار شالی در مدت سه سال که اجارهٔ هر سال چهل‌وهفت خروار و سیزده من می‌شود ازحیدرقلی‌آقا اجاره کرده است .

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیه نمود عالیشان عزت‌بنیان عیسی‌خان‌آقاخلف مرحوم محمد ولی‌آقا قاجار از عالیشان عزت و نجابت بنیان ملا حیدرقلی‌آقا خلف مرحوم حاجی‌کلبعلی‌خان قاجارهمگی‌و تمامت مزارع شلتوك زاری ومجری‌المیاه چهارسهم و شیء بالا ازدوازده سهم ازکل شش‌دانگ قریهٔ کلاجان مشهوره بحاجی مشهد بانضمام دو دانگ از ششدانگ ازقنات حاجی محمدآقائی از مال خود را بمال‌الاجارهٔ معلوم

۱ــ مهری بیضی باسجع : « المتوکل علی‌الله محمدعلی » . ۲ــ مهری بیضی باسجع : « عبده رضاقلی‌بن فتحعلی » . ۳ــ مهری بیضی باسجع : « عبده‌الراجی محمد اسمعیل » .

مقدار و مـوازی یکصدو چهلو یك خروار و سیو نه من شالی بوصف کـرده سردهٔ رزازپسند مسلم بیعیب بوزن بلدهٔ دارالمؤمنین استراباد درمدت سه سال تمام‌که وجه اجاره را از قرار قسطالسنه که سنهٔ چهل هفت خروار وسیزده من بوده بـاشد از اول عقرب هرسنه الی آخرقوس‌آنسنه تسلیم وکارسازی موجر درقریهٔ کلاسنگیان نمایدو صیغهٔ اجاره من‌الطرفین ایجاباً و قبولاً سمت جریان پذیرفت .

وکان عقدالاجاره فی‌ثانی عشرمن شهر
جمیدی‌الاولی من شهور سنة ۱۲۷۳ .

[برحاشیهٔ پایین و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

مقرراً درضمن‌العقد ضامن مال‌الاجارهٔ مسطورهٔ متن عالیشان آقاعلی‌اکبـر خلفمرحوم حاجی‌محمدمهدی استرابادی‌گردیدکه از عهده برآید تاواضح باشد. (عبده‌الراجی محمد مهدی‌الحسینی) انت‌المحسن وانا‌المسمی .

مراتب مسطوره بطـریق صلح واقع شد. (عبده‌الـراجی محمـد مهـدی‌الحسینی) انت‌المحسن وانا‌المسمی.

قد وقع مافیه بصیغة الصلح وضمانة آقاعلی‌اکبر المزبور باذن‌المصطلح حسبما فیه‌لدی فی‌التاریخ . (محمدرضا)

هوالمستعان

سواد مطابق با اصلی است که ممهور بمهر وخط مرحمتمآب خلدنصاب‌آقاملا محمدـ رضا رئیس شهیدسعید عطرالله مرقده و بعضی از محتـرمین است الاحقرالجـانـی .
[جای سه مهر] [1]

۱ــ مهری بیضی باسجع : « محمدباقر » ومهر بیضی دیگر باسجع : « عبده محمدبن محمدطاهر » و مهری بیضی کوچکتر باسجع : « غلام‌حسین » .

اسناد مبایعه و بیع شرط

۱

سواد مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۱۷۳ هـ . ق .

دراین سند کربلائی‌شفیع و محمدشریف و محمدرضی یك دانگ از کل ششدانگ قـریهٔ مارانکلاته را کـه مشترك است فیمابین آقامحمدحسین‌ملك سرکشیك زیادلو وملامیرزا محمد کمانگر-محله‌ای به مبلغ سی‌وچهار تومان عراقی‌فضی بـه ملك ایمـانی کفشگیری به بیع بات جازم فروخته است .

هو

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی احل‌البیع والشری وحرم الغصب والربا وصلی‌الله علی‌سیدنا محمد وآله النجبا امابعد غرض از تحریراین کلمات شرعیة القواعد والاحکام آنستکه بفروختند به بیع‌بات جازم و لازم صحیح وشرعی قطعی و یکبارگی درحالت‌صحت نفس وعقل و اختیار توفیق آثار کـربلائی شفیع و عزت آثاران محمدشریف ومحمدرضـی ولدان مرحومان محمدعلـی و کربلائی سردار علم‌شاهی همگی و تمامی یکدانگ از کـل

ششدانگ قریهٔ مارانکلاته و مشترك است در فیمابین عالیقدر آقا محمدحسین ملك سرکشیك زیادلو و ملا میرزا محمدکمانگر محلهٔ وغیره برفعت ومعالی‌پناه ملك‌ایمانی کفشگیری بمبلغ سی‌وچهار تومان عراقی‌فضی . . . . . النصف تـأکید و بیان‌للاصالة مبلغ هفده تـومان مذکور ازآب دیوانی و قنوات و ناور و ملیارستان و تـودستان و غیره از آنچه ملکیت را سزد و شاید و توان انتفاع یافت‌که متصل است بحدود اربعه شرقیاً قارلق و غربیاً کاوانی‌محله جنوبیاً دوقبران وشمالیاً شارع عام مشهور بشارع آق‌مشهد و باعیان مذکوران تخلیهٔ ید نمودند از یـد تصرف بتصرف مشتری مشارالیه دادند و مشتری مذکور نیز تصرف نمود و با سایر املاك منضم و ملحق ساخته و صیغه بعربی درمجلس اخذ ثمن جاری وجریان شد ودعوی غبن‌عن‌غبن را بمبلغ هزاردینار صلح نمودند و ضامن درك شدند بایعان مذکوران‌که عندالخروج از عهده بیرون‌آمده موقوف نورزند .

وکان ذلك تحریـرا فی‌التاریخ هفتم شهرصفرختم بالخیروالظفرسنة هزارویکصدوسی‌وهفت۱۱۳۷ .[۱]

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند عبارات زیر است :]

الشهود ملـك ابـدال‌کفشگیری حاجی مرادکفشگیری شاهوردی جهانکلولی مشهدی قربان علمشاهی شمس‌الـدین محمد کفشگیری .

شهد بمافیه العبد اسفندیار کفشگیری .

شهد بمافیه محمدکاظم حاجی پاداری .

شهد بمافیه معصوم علمشاهی.

این سواد مطابق بااصل است . [جای دومهر][۲]

۱ـ باعددسیاق هم سال۱۱۳۷ نوشته شده‌است. ۲ـ مهری بیضی‌باخط طغرابانام: « عبدالغنی » و مهری بیضی دیگر باسجع: « عبده‌الراجی محمد ......» .

این‌سواد مطابق بااصل‌است مقابله شده . [جای مهر][1]

بسم‌الله تعالی السواد مطابق لاصله‌المعتبر . [جای مهر][2]

[و یکی دوشهادت دیگر] .

۲

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ ه . ق .

دراین سند سلطان‌حسین میرزا و اردشیرمیرزا پسران محمد ــ قلی‌میرزا ملقب به ملک‌آرا وصایةً از جانب پدرشان یکدانگ مشاع از چهاردانگ که فروخته‌اند به چهار نفر ازکل‌ششدانگ قریهٔ شوکت‌آباد رابه مبلغ دویست و پنجاه تومان ریال‌مسکوک ناصرالدین شاهی از قرار دانه‌ای بیست و هشت نخود وزن و یکهزار دینار رواج به ملک اصغر فرزند ملک محمد علی استرابادی فروخته‌اند .

هوالمالک بالاستحقاق

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به ثقتی

الحمدلله مالک‌الاملاک مسخرالافلاک خالق‌الارض‌والسماک وصلی‌الله علی‌محمد وآله فبعد موجب تحریر وتسطیر این سطور شرعیة الدستورآنستکه سرکاران عظمتمداران نوابان مستطابان فلکجنابان شاهزادگان‌اعظم افخم اردشیر میرزاوسلطان حسین‌میرزا زید عزهما خلفان مرحمت و غفران‌پناه جنت و رضوان‌آرامگاه محمدقلی‌میرزاملقب بملک‌آرا وصایةً از جانب مرحوم پدرشان بیع‌کردند و بفروختند به بیع لازم صحیح

۱ــ مهری‌بیضی با سجع : « عبده محمدبن محمدطاهر » . ۲ــ مهری بیضی با سجع : « الراجی محمدهادی » .

شرعی اسلامی ملی به عالیشان رفیع مکان عزت نشان ملك اصغر خلف مـرحوم مغفور ملك محمدعلی استرابادی همگی وتمامی یکدانگ مشاع ازچهار دانگ که فروخته‌اند بچهارنفر کـه ملك اصغر یکی از آن چهار نفر است بموجب قبالهٔ علیحده از همگی و تمامی کل شش‌دانگ قـریهٔ مشخصهٔ معینهٔ معلومهٔ موسومه بشوکت‌آبـاد مـن قـرای دارالمؤمنین استراباد که معروفه است بحسین‌آباد که مستغنی از تحدید است با کافهٔ متعلقات و منضمات شرعیه آن از اراضـی دایـره و بـایره و شلتوك‌کار وخشکه‌کار و ملیارستان و توتستان ومحل دهکده‌ها و قلعه‌ها از مخروبه و آباد وکهنه‌و نو وقدیم و جدید و مجری‌المیاه قنوات دایـره و بایره ومجری‌المیاه رود آب و غیره وطاحونه و آبدنگ وآمش‌دنگ‌ها و بـالجمله آنچه ملکیت را سزد ومـالکیت را شایـد سمی ام‌لم‌یسم و ذکر ام‌لم‌یذکر بدون وضع و استثناء چیزی از آن یکدانگ بقـدرالحصة الشایعه‌کائناً ماکان بمال‌المبایعه معلوم القدر والمقدار مبلغ دویست‌وپنجاه تومان پول ریال مسکوك بسکهٔ مبارکهٔ ناصرالدین شاه خلدالله ملکه از قرار دانـهٔ بیست وهشت نخـود وزن یکهزار دینار رواج وآنمشارالیه قبول مبایعه نمود علـی‌نهج المسطور و صیغهٔ مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه‌بینهما بالفارسیة والعربیه جاری وواقعشد مشتمله‌برایجاب‌و قبول و بـرکل مـالابدمنه شرعاً از قبض و اقبـاض و تسلیم و تسلم کـل ثمن منعوت فی‌المجلس لابرسم‌القباله مختومه بر اسقاط‌کافهٔ خیاراتیکه شرعاً متصور شود ازغبن و غبن در غبن بالغاً مابلغ و کائنا ماکان فاحشاً بـل‌افحش وغیره و علی سبیل‌الاحتیاط بجهة مراتب مسطوره صیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه بینهما بالفارسیة والعربیة جـاری شد و بایعان معظم الیهما از مبیع موصوف تخلیهٔ ید ملکی نمودند وبتصرف مـالکانهٔ مشتری مذکور دادند و او نیز تصرف مالکانه نمود کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم بناءً‌علیها گردید تمامت یکدانگ قریهٔ مسطوره بامتعلقات شرعیهٔ آن بقـدرالحصة الشایعه حـق صدق وملـك طلق مشتری مـذکور و سرکار نـوابان

شاهزادگان معظم‌الیهما در ضمن عقد خارج لازم شرعی بطریق شرع نبوی صلی‌الله بر خود لازم نمودند بنوعی که تخلف از آن نتوانند و درصورتیکه فسادی دراین‌معامله ظاهر شود و مبیع مستحقاً للغیر برآید و از جانب اولاد مرحمت‌پناه ملک‌آرا باشد آنها را مجاب نمایند و درصورتیکه نتوانند آنها را مجاب‌کنند از عهدهٔ مال‌المبایعهٔ مأخوذی وتضررات وارده برمشتری حتی‌اجرةالمثلی‌که‌بعد بمشتری واردآورد برآید و خود را معاف نتوانند داشت و صیغهٔ شرعیه براین مطلب نیز جاری شد .

وکان ذلك فی‌تاریخ یوم دویم شهرجمادی‌الثانی من
شهور سنة یکهزار دویست شصت شش سنهٔ ۱۲۶۶ .

[برحواشی بالا و سمت راست این مبایعه‌نامچه عبارات زیـر نوشته شده است :]

توضیح اینکه یکدانگ ازچهاردانگ ازجانب شاهزادگان عظام بعقد مستقل انتقال بخود مشتری‌یافته است نه بصیغهٔ واحده تـا واضح بوده بـاشد فی‌شهر متن ۱۲۶۶. بشیاع و شهادت بعضی از . . . . مبایعهٔ مسطوره شد فـی‌المتن خلافی ندارد حرره الآثم . [جای مهر] [1]

بیان واقع است و خلافی ندارد . [جای مهر] [2]

اناشاهد اسماعیل بهرام .

[و در حدود دوازده تن شهود دیگر] .

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « عبده‌الراجی حسن . . . . » . ۲ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك باسجع : « عبده هاشم حسینی » .

۳

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق .

در این سند حاجی‌قاسم پسر ملك عبدالحسین استرابادی نیم‌دانگ از چهاردانگ مشاع از کل ششدانگ قریهٔ موسومه به شوکت‌آباد معروف به حسین‌آباد را به مبلغ یکصد و پنجاه تومان پول ریال از قرار دانه‌ای بیست و هشت نخود وزن یکهزار دینار رواج به کربلائی محمدهادی فروخته است .

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنستکه عالیشان رفیع مکان طایف بیت‌الله الحرام حاجی‌قاسم خلف مرحوم مغفور ملك عبدالحسین استرابادی بیع کرد و بفروخت به عالیشان رفیع‌مکان کربلائی محمدهادی خلف مرحوم مغفور کربلائی محمدابراهیم استرابادی همگی و تمامی نیم‌دانگ جدیدالابتیاع خود را مشاعاً از چهار دانگ مشاع ازکل ششدانگ قریهٔ مشخصهٔ معینهٔ معلومهٔ موسومه بشوکت‌آباد المعروف بحسین‌آباد من توابع دارالمؤمنین استراباد که مستغنی از تحدید و توصیف است عنداهالیها با کافهٔ متعلقات ومنضمات شرعیهٔ آن ازاراضی دایره و بایره و خشکه‌کارو شلتوك‌کار و مجری‌المیاه قنواة دایره و بایره و مجری‌المیاه رودخانه و آمش دنگها و آبدنگ‌ها وطاحونه ومحل قلعه ودهکده وبالجمله آنچه ملکیت را سزد ومالکیت را شاید از کهنه و نو و مخروبه و آباد که شوکت‌آباد و حسین‌آباد بر آن صادق آید بدون وضع و استثناء چیزی از آن نیمدانگ بقدرالحصة الشایعه‌کائناً ماکان وهمگی و تمامی نیمدانگ مشاع از کل ششدانگ مزرعهٔ موسومه به مزرعهٔ میان‌آباد من‌محال بلوك فخرعمادالدین من توابع دارالمؤمنین استراباد باکافهٔ متعلقات ومنضمات شرعیهٔ آن از اراضی دایره و بایره و مجری‌المیاه قناة ومجری المیاه رودآب و محل زراعت

شلتوك‌کاری و خشکه‌کاری و بالجمله آنچه ملکیت را سزد و مالکیت را شاید بدون وضع واستثناء چیزی از آن نیمدانگ کائناً ماکان و موازی و مقدار پنجاه خروار به سنگ استراباد شلتوك رزازپسند کلاً وطراً بمال‌المبایعه مبلغ یکصد وپنجاه‌تومان پول ریال از قرار دانهٔ بیست و هشت نخود وزن یکهزار دینار رواج که تمامت آنرا ازید مشتری مذکور اخذ و بازیافت نموده واز برای خود شرط شرعی نمود بایعمزبور تسلط برفسخ فعلی و رجوع نمودن بعین مبیع‌های موصوف را در صورتیکه بعداز انقضاء مدت و زمان یك سال کامل هلالی ابتداء بتاریخ ذیل در ظرف مدة و زمان هیجده یوم ومثل ثمن منعوث نماید بسوی مشتری مذکور والالزم البیع وسقطالخیارو او نیز قبول مبایعه نمود علی‌النهج المذکور و صیغهٔ مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه بینهما بالفارسیة والعربیة جاریشد و غب ذلك مشتری مذکور صلح صحیح شرعی نمود بابایع مزبورحق تصرف درمبیع موصوف را درمدة مذکوره بمال‌المصالحه مبلغ پنجاه تومان پول ریال موصوف و او نیز قبول مصالحه نمود علی‌النهج المسطور و صیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه بینهما بالفارسیة والعربیة جاری شد ومال‌المصالحه را باید... نماید.

وکان ذلك فی یوم بیست و دویم شهرجمادی الثانیه
من‌شهور سنة یکهزار و دویست شصت شش سنهٔ ۱۲۶۶ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این‌سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هو

غرض از تحریر آنکه چون بیع لازم شد و تماماً حق و ملك این جانب شده بود این جانب هم‌بعداز لزوم صلح لازم منجزشرعی‌نمودم بجناب افتخارالحاج حاجی‌الحرمین

۱ــ مهری چهار گوشهٔ کوچك باسجع : « عبده قاسم » .

الشریفین حاجی آقا محمد خلف مرحوم مبرور حاجی قاسم ببدل معین معلوم مقبوض در مجلس عقـد صلح مـذکور و صیغهٔ عقد صلح و قبض بدل واقع و جاری گـردیـد بتاریخ دوم جمیدی‌الثانیه ۱۲۶۸ .

قد وقعت المبایعه الی نصفی سدس القریتین مع اخذ الثمن و ضمان الدرك لدی العبد الجانی . [جای دومهر][1]

قداعترف البایع المسطور بجمیعما رقم لدی . [مهری چهارگوشه و ناخوانا]

اعترف مارقم فیه لدی الجانی . [جای مهر][2]

اعترف البایع الشارط بماز برفیه لدی اقل الطلبه . [جای مهر][3]

قد وقع ماز برو رقم فیه لدی الاقل الجانی . [جای مهر][4]

اعترف بجمیعما رقم وسطر فیه لدی اقل الطلبه. [جای مهر][5]

اناشاهد بذلك حاجی سید جعفر استرابادی. [جای مهر][6]

لبیان خیر الحاج حاجی محمد قـاسم مرقوم متنی اعتراف به مـراتب سطور متن نمود

اقل خلقه غلامعلی . . . . . [جای مهر][7]

الشهود آقا مهدی صراف. [جای مهر][8]

[درحدود ده شاهد دیگر با مهرهای مختلف] .

۱ـ مهری بیضی باسجع : « نصرالله الحسینی » ومهری بیضی کوچك دیگر که کلمات: « عبده الراجی محمد» بر آن خوانده می‌شود . ۲ـ مهری هشت ضلعی باسجع: «مهدی الحسینی » . ۳ ـ مهری بیضی باسجع : « حسن‌الله ناطلی » . ۴ـ مهـری بیضی کـه کلمـات : « عبده محمد بـاج » بـر آن خـوانده می‌شود . ۵ـ مهری بیضی با سجع : « بنـدهٔ خلیل اسمیل » . ۶ ـ مهری چهارگوشه بـا سجع : « عبده جعفر بن قـاسم الحسینی » . ۷ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « غـلامعلی » . ۸ـ مهری بیضی کوچك با سجع : « عبده محمدمهدی » .

٤

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق .

در این سند ملک غلام رضا و ملک اصغر و ملک تقی تمامی و جملگی سه دانگ و نیم شایعه از چهاردانگ مشاع از کل ششدانگ قریهٔ شوکت آباد معروف به حسین آباد را به مبلغ سیصد وسی تومان وجه از قرار ریال بیست و هشت نخودی به کربلائی ربیع تاجر همدانی فروخته‌اند .

بتاریخ بیست‌و دویم شهرجمادی‌الثانیه حاضرشدند عالیشان رفیع‌مکان ملك غلام‌رضای فرزند سعادتمند عمدةالاشراف ملك‌کاظم استرابادی‌الاصل وعالیشان عزت‌نشان ملك اصغر خلف مرحوم ملك‌محمدعلی استرابادی و عالیجاه سعادت‌نشان ملك تقی فرزند سعادتمند ملك‌محمدحسین استرابادی بالطوع و الرغبة و فروختند بمبایعهٔ شرعیهٔ خیاریه بعالیشان معلی‌مکان عمدةالتجار والاعیان کربلائی محمدربیع تاجر همدانی تمامی وجملگی سه دانگ ونیم شایعه از چهاردانگ مشاع ازکل شش‌دانگ قریهٔ معلومهٔ مدعوه بشوکت آباد معروفه بحسین آباد در بلوك دارالمؤمنین استراباد ابتیاعی خودشانرا از قرار حصه هر یك

بابت	بابت	بابت
حصهٔ ملك غلام رضا	حصهٔ ملك تقی	حصهٔ ملك اصغر
یك دانگ	یك دانگ ونیم	یك دانگ

مع جمیع توابعها ولواحقها من‌الاراضی والصحاری والبراری دایره وبایره وخشکه‌کار و شلتوکزار و مجری‌المیاه و القناة دایره و بایره والانهار والجداول ورودآب و ملیارستان و طاحونه وآب‌دنگ وحمامها بقدرالحصهٔ الشایعه قدیماً و جدیداً بدون

وضع و اخراج و استثناء چیزی از آن ذکر امل‌یذکر وصف امل‌یوصف وسمی‌امل‌یسم بمال‌المبایعه مبلغ سیصدوسی‌تومان وجه ازقرار ریال ۲۸ نخودی وزن عددی یکهزار دینار رواج که بقدرالحصه هریك ازقرار تفصیل ذیل مقبوض شده است وصیغهٔ مبایعهٔ صحیحهٔ خیاریه بالفارسیة والعربیة

بـــــابـــــت	بـــــابـــــت	بـــــابـــــت
وجه مقبوض ملك غلامرضا ۱۰۰ تومان	حصهٔ ملك تقی که مقبوض است ۱۶۰ تومان	حصهٔ وجه ملك اصغر کـه مقبوض است ۷۰ تومان

ایجاباً و قبولاً علی‌قانون‌الشرع الشریف وقوع یافته‌است وضمن‌العقد شرط شرعی شد درصورتیکه‌بایعان درظرف سه ماه‌بعدازانقضای مدت چهارماه تمامی قمری خودشان‌و یامن یقوم‌مقامهم ردتمام ثمن‌المثل‌نمایندبسوی مشتری دررأس‌موعدکه زمان خیارسه ماه بعداز چهار ماه باشد مختار بر فسخ مبایعه بوده باشند هریك بقدر حصهٔ خودشان مستقلاً والاخیـار ساقط و بیع لازم و بعد ذلك بایعون قبول مصالحهٔ شرعیه نموده‌اند براینکه منافع‌حصهٔ هریك درمدت مسطوره ازبرای خودشان بوده بعوض‌مبلغ یکصدو پانزده تومان وپنجهزار دینار وجه موصوف وصیغهٔ مصالحه

بـــــابـــــت	بـــــابـــــت	بـــــابـــــت
وجه‌المصالحهٔ ملك غلام‌ـ رضـــا سی‌و	وجه المصالحهٔ ملك نقـــی	ملك‌اصغـــــــــــــــر . . . .

. . . .

. . . .

باقیه را خود وکیل باشندکه خودشانرا بری‌الذمه نمایند وصیغه بنحو مرقوم جاری گردیده است .

وکان ذلك فی ۲۲شهرجمادی‌الثانیه سنة ۱۲۶۶ .

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده‌است :]

بسم‌الله والحمدلله

اعترف‌البایعون الشارطون کمارقم و سطرفیه فی ۲ شهر جمادی‌الثانیه ۱۲۶۶ .

[جای مهر][1]

قد اعترفوا بما رقم فیه لدی . [جای مهر][2]

هوالله تعالی

قد وقعت الواقعه بما سطرفیه حرره ۱۲۶۶. [جای مهر][3]

[وبر حاشیهٔ سمت راست درحدود بیست مهر شهود دیگر است] .

۱ــ مهری چهارگوشه با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده عبدالرحیم » .

۲ــ مهری بیضی با سجع : « عبده محمدمهدی‌الحسینی » . ۳ــ مهری بیضی کوچك که کلمات « عبده محمد » برآن خوانده می‌شود .



مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۸ هـ . ق .
در این سند گوهرخانم سهام و حصه‌های خود را از قرای اتراچال و جولابی و لمسك به مبلغ نوزده تومان وجه رایج سلطانی به برادر خود جعفرقلی‌خان فروخته است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هوالمالك بالاستحقاق

غب‌الحمد والصلوة غرض از تحریر این سطور شرعیه آنستکه فروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمه بدون اکراه والاجبار خالیة من شوائب الطوریة والمؤاطات علیا جاه عفت و عصمت‌پناه محترمهٔ مکرمه گوهر خانم بنت مرحمت و غفران‌پناه رضوانجایگاه عبدالله‌خان‌قاجار من طایفهٔ غرمصالو به برادر خود عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه نتیجة الخوانین العظام الکرام جعفرقلی‌خان قاجار سلمه‌الله الملك الجبار همگی و تمامی دوسهم نیم از یازده سهم از یك سهم از شش سهم از چهاردانگ از کل ششدانگ از قریهٔ اتراچال و همچنین دوسهم نیم از یازده سهم از یکسهم از شش سهم از چهار دانگ از کل ششدانگ قریهٔ جولابی کذلك دو سهم نیم از یازده سهم ازسه ربع ازیکدانگ ازکل ششدانگ از قریهٔ لمسك با جمیع توابع و لواحق شرعیه از هریك از سه قریهٔ مزبوره از قنوات دائره و بائره و اراضی عامره و غامره و جناکل ومراتع‌ومزارع وازمجری‌المیاه رودخانهٔ شصت‌کلاته‌عن‌آنچه ملکیت راسزدو مالکیت را شاید وانتفاع درآنها متصور شود ذکر ام‌لم یذکر وسطر اولم یسطر وسمی ام‌لم یسم محدود بحدود ظهر بمال‌المبایعه مبلغ نوزده تومان مقبوض فی‌المجلس وجه رایج سلطانی هرریالی وزناً دربیست‌هشت نخود ودر ده عدد یکتومان رواجاً درهزار

دینار نصفه بیاناً لاصله و توضیحاً اپاه مبلغ نه تومان وپنجهزار وجه موصوف ودر ثانی مصالحه نمود بایعهٔ محترمه غبن درغبن مبایعهٔ مزبوره راولوکان فاحشاً بل افحش بمال ـ المصالحه مبلغ ده عدد ریال وجه موصوف تسلیم وتسلم در بدلین مزبورین واقع وجاری شد و بایعهٔ مکرمه تخلیهٔ ید ملکیت راازسه قریهٔ مزبوره نموده و بتصرف مشتری معظم الیه داده ومشتری معظم الیه ملصق به سایر املاك خود نموده وله التصرف فیهم کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوالحقوق فی حقوقهم بالخیر والبرکات و صیغهٔ مبایعه و مصالحه و اسقاط جمیع خیارات بقانون شرع رسول ص من الطرفین جاری گردید .

وکان ذلك المبایعه فی دوازدهم من شهر
رجب المرجب من شهور سنة ۱۲۶۸ .

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

حـــــــدود
قریـــــــهٔ لمسك واقع درسدن رستاق استرابـــــــاد

حـــــــد جنوبی
بشارع عـــــــام

حـــــــد شمالـی
متصل بقلندرمحلـــــه وللهفـــــن

حـــــــد شرقـی
متصل بعیسی محلـــــه

حـــــــد مغربـی
متصـل بـــــــه ورس

حـــــــدود قـریهٔ اتـراچال

حـــــــد جنوبی
متصل بفـوجـــــــرد خـالصه

حـــــــد شمـالی
متصل بهالـــــــوکلاته وایلخی چی
مشتری مزبور

حـــــــد مشرقی
متصل بجـــــــولابـی

حـــــــد مغـربی
متصل بآهن تپه الـــــــی سیاه آب

حـــــــدود قــريهٔ جولابی

حـــــد جنوبی	حـــــد شمـالـی
متصل بکماس وفـــوجـرد	متصل بـــــه الـوکلاتـه
حـــــد مشرقی	حـــــد مغـربی
متصل بولیـــــك آباد	بملك اتـــــراچال

اقرت بما فیه لدی . [جای مهر] [۱]

اقرت بما رقم فیه . [جای مهر] [۲]

قد اقرت بما رقم فیه لدی الجانی. [جای مهر] [۳]

قد وقع جمیعما رقـم فیه واخذ تمام ثمن و اسقاط خیارات لـدی حـرره الاقـل .
[جای مهر] [۴]

۱ــ مهری بیضی با نام : « محمد صادق » . ۲ــ مهری بیضی که کلمات : « عبده احمد » بـرآن خـوانده مـی‌شود . ۳ــ مهری بیضی بـاسجع : « مـرتضی قلـی » .
۴ــ مهری بیضی که کلمات : « الواثق القاضی استراباد عبده محمد » برآن خوانده می‌شود.

هبه‌نامه و مصالحه‌نامچه

۱

قبول مصالحهٔ مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق .
دراین‌سند عباس بیگ منفعت یکسالهٔ همگی و تمامی مجرای دو سهم و نیم از یکصد وده سهم‌آب ازمجرای مزرعهٔ نوش‌آباد را بمال‌المصالحه مقدار هشت خروار شالی از حیدر قلی آقا قبول مصالحه کرده است .

قبول‌مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمه‌نمود عالیشان عزت وسعادت‌نشان عباس‌بیگ ازجناب مستطاب شامخ‌الالقاب ملاحیدرقلی‌آقا منفعت یکسالهٔ همگی وتمامی‌مجرای دوسهم و نیم از یکصد وده سهم آب ازمجرای مزرعهٔ نوش‌آباد را که از سهام آب رودخانهٔ خاسته‌رود منشعب میشود از ابتدای هذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت دلیل الی ابتدای سنهٔ اودئیل بمال‌المصالحه مقدار وموازی هشت خروار شالی دهقان‌پسند که درزمان رفع محصول‌که مدت پنجماه است‌کارسازی‌نماید وبعذریکه خلاف شرعمطاع بوده باشد موقوف و معطل ندارد .

کان ذلك فی‌خامس والعشرین شهر صفرالمظفر سنهٔ ۱۲۵۶ .

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هو

لقد وقع المصالحه المسطوره لدی وانا العبدالجانی یوسف . . . . [جای مهر][1]

قد وقع مافیه لدی . [جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «پیرو دینِ نبی یوسف».

۲ـ مهری بیضی باسجع : «المتوکل علی‌الله محمدعلی» .

تعلیقات و تصحیحات

۱۲/۱۸ ــ ظاهراً «تحقق پذیرفته» صحیح است .

۶/۲۰ ــ رعایاء متفرقه صحیح است .

۳/۲۳ ــ میر رفیع‌الدین محمد صدر خلیفه . برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این مرد نگاه کنید به کتاب « مثال»های صدور صفوی تألیف سیدحسین مدرس‌طباطبائی، ص ۱۶و۱۷ .

۹/۲۳ ــ کلانتران صحیحتر به نظر می‌رسد .

۱۱/۲۷ ــ محمدمهدی صدرممالك محروسه . برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این مرد نگاه کنید به «مثال»های صدورصفوی تألیف سیدحسین مدرس‌طباطبائی، ص۱۹ .

۱۹/۳۰ ــ ظاهراً «کلانتران» صحیحتر است .

۱۶/۳۴ ــ احتمال دارد کلمهٔ «نسخه» در اصل «نتیجه» باشد وما آن‌را اشتباه خوانده‌ایم.

۹/۴۱ ــ ظاهراً «درویش حسین رقاب» صحیح است . نگاه کنید به ص ۱۰/۴۲ که درویش اللّهداد رقاب و در همین صفحه سطر ۱۳ درویش حسین ودرویش اللّهداد رقاب آمده است وهمچنین در ۱۲/۴۹.

۲۱/۴۲ ــ اصلاً و مطلقاً بخلاف حکم وحساب صحیح است .

۱۰/۴۸ ـ عبدل‌آباد صحیح است .

۹/۵۷ ـ میرزاحبیب‌الله صدر فرزند میرسید حسین حسینی کرکـی خاتم‌المجتهدین است. برای اطلاع بیشتر دربارهٔ این مردنگاه کنید به‌کتاب «مثال»های صدور صفوی تألیف سید حسین مدرس‌طباطبائی، ص ۱۸ .

۱۱/۵۷ ـ ابوطالب‌رضوی صدرخاصهٔ شریفه فرزند میرزامحمدباقر ازدودمان رضوی مشهد. برای اطلاع بیشتر دربارهٔ این‌مرد نگاه‌کنید به‌کتاب «مثال»های صدور صفوی تألیف سیدحسین مدرس‌طباطبائی ، ص۱۹ و۲۰.

۵/۵۸ ـ میرزامحمدباقربن سیدحسن‌حسینی صدرخاصهٔ شریفه. برای اطلاع بیشتردر بارهٔ این‌مرد نگاه‌کنیدبه‌کتاب«مثال»های‌صدور صفوی تألیف سیدحسین‌مدرس طباطبائی،ص۲۱.

۸/۵۹ ـ ظاهراً «قیصروال» صحیح است .

۱۲/۶۴ ـ میرغیاث‌الدین مسعودبن میرکمـال‌الدین‌محمـود درص۳/۶۶ به‌نـام میر غیاث‌الدین‌محمد خوانده شده است . نام اصلی او معلوم نشد .

۱۷/۷۳ ـ «ازحشو» صحیح است .

۷/۷۴ ـ «میرزا بیگ» صحیح است .

۹/۹۲ ـ ظاهراً «مسدودةالابواب» صحیح است .

۷/۱۰۰ ـ «بنحو مقرر معمولداشته درعهده دانند» درست است .

۱۴/۱۱۴ ـ محمدعلی میرزا غلط ودرست آن «محمدقلی‌میرزا» است .

۹/۱۳۷ ـ ظاهراً: قاضی وناظم مهام شرعیات دارالمؤمنین استراباد .

۱۸/۱۳۷ ـ ظاهراً : قاضی وناظم مهام شرعیات دارالمؤمنین استراباد .

۱۰/۱۳۸ ـ نقطهٔ کلمهٔ «جمع» افتاده است .

۱۱/۱۴۰ ــ «محمدالحسینی» صحیح است .

۲/۱۶۶ ــ اخذاقصر نموده (؟)

۳/۱۷۰ ــ علاهده در اصل چنین‌است و«علیحده» صحیح است .

۱۰/۱۷۴ ــ و علی‌رشیدخان (؟)

۱۸/۱۷۴ ــ ظاهراً مجتهدالزمان صحیح است .

۱۸/۱۷۵ ــ شریعه‌غلط وصحیح آن«شریفه» است.

۲/۱۷۸ ــ معنی کلمهٔ «بوده» روشن نشد .

۱۴/۱۷۹ ــ «آثم» صحیح است .

۱۰/۱۸۶ ــ «خواقین جنت‌مکین» صحیح است .

۱۵/۱۸۶ و۱۷ ــ واگذار صحیح است .

۷/۱۹۱ ــظاهراً «شرعی»صحیح‌است .

۱۷/۱۹۱ ــ «نسبة» با تاء گرد بدون تنوین‌صحیح است .

۷/۱۹ ــ «رعایةً» باتنوین صحیح است .

۶/۱۹۵ــ ظاهراً «لله‌فین یا لله‌فن»صحیح است .

۶/۱۹۵ ــ ظاهراً «لله‌فن یا لله‌فین» صحیح است ولله‌دوین دهکدهٔ دیگری است .

۶/۲۰۰ ــ لله‌فن به‌جای «لله‌دوین» صحیح است .

۱۹/۲۰۱ ــ کلمهٔ «شرعی» ظاهراً زیاد است .

۱۰/۲۰۲ ــ لله‌فن به جای «لله‌دوین» صحیح است .

۱۴/۲۰۲ ــ «ساعدالدوله سردار وحکمران» صحیح است .

/۲۰۷ ــ سطر دوم‌حاشیه،رقم‌زدبعون‌الهی وزن‌ندارد ظاهراًکلمه‌ای خوانده نشده‌است.

۱۴/۲۲۰ ــ کاالشمس رادالضحی (؟)

۱۸/۱۵/۱۴/۲۲۲ ــ حامش در اصل چنین است وصحیح آن‌هامش باهای هوز است .

۱۸/۲۲۳ ـ ظاهراً پنج‌دانگ صحیح است زیرا تاحال پنج‌دانگ قریهٔ میرمحله وقف بوده است نه نیم دانگ آن .

۱۰/۲۲۸ ـ الآثم صحیح است.

۱۷/۲۳۰ ـ جر(بفتح جیم وسکون راء) خندق‌اطراف شهر یـا دهکده ، نهری نسبةً عمیق که برای زه‌کشی یا ممانعت عبور و گذر چهارپایان حفر کنند .

۱۷/۲۳۰ ـ ارش(بفتح اول‌ودوم وسکون‌سوم»که «الش»بالام هم‌می‌گویند ازسرانگشت میانین‌تا انتهای آرنج است و باذراع عربی یکی‌است .

۲۱/۱۹/۱۶/۱۳/۱۱/۶/۱/۲۳۴ ـ چوبلائی دراصل چنین است ظاهراً «چوپلانی» یا «چوپالانی» بانون صحیح است .

۱۲/۲۳۴ ـ ظاهراً «سرخانکلاته» صحیح است .

۱۷/۲۳۴ ـ «داریك‌آب» صحیح‌است ونقطهٔ یاء افتاده‌است. این‌نام به شکل«تاریك‌ـ آب» نیز دیده می‌شود .

۱/۲۳۵ ـ ظاهراً «داریك‌آب» صحیح است .

۱۰/۲۳۵ ـ نام درست این دهکده «چوپلانی» یا «چوپالانی» است .

۱۷/۲۳۵ ـ نام این موضع «داریك‌آب » یا «تاریك‌آب» است .

۸/۷/۲۳۹ ـ وال با واو صحیح است .

۱/۲۴۵ـ الاثیم باتقدیم‌حرف ثاء بریاء صحیح‌است.

۱۷/۲۴۵ ـ زارعین قریهٔ چوپلانی وحاجی مذکور شکل درست جمله است .

۱۷/۲۴۶ ـ جمادیین‌با دو یاء صحیح است.

۱۱/۲۴۹ ـ آتش‌باغ ودر ص ۲۷۵/۸:آیش‌باغ . ظاهراً وجه دوم صحیح است .

۱۶/۲۴۹ ـ مازوستان با زاءمنقوط صحیح‌است .

۱۴/۲۶۵ ـ «عمادالدین کمانگر» درست است .

۶/۲۶۶ـ ظاهراً «فخرالدین بن تاج الدین» درست است .

۹/۲۶۶ـ «العبدالخالق الغنی» صحیح است.

۲۱/۲۶۶ ـ حسین وطنابادی (وطن آبادی) درست است .

۱۰/۲۸۹ ـ خاندان بتکچی که بزرگ ایشان خواجه فخرالدین احمد بتکچی است، ظاهراً سه فرزند به نامهای: خواجه سیف الدین مظفر و خواجه نظام الدین محمود و خواجه دوریش حسین داشته است. از این خاندان افراد زیر نیز در این کتاب یادشده است :

خواجه منصور بتکچی و خواجه شمس الدین محمد بتکچی و خواجه عبدالحق بتکچی و خواجه غیاث الدین علی بتکچی .

۲۰/۲/۲۷۶ ـ نوذر معمولاً با ذال معجمه است نه با زاء .

۱/۲۸۴ ـ ظاهراً حسن بن علی بقرا صحیح است چنانکه در ص ۲۸۳/ ۲۲ آمده است .

۱۳/۲۸۹ ـ باید «عفی الله عنهما» باشد .

۱۲/۲۹۳ ـ ظاهراً «انزان» صحیح است. نگاه کنید ص ۲۸۷/ ۵ .

۱۷/۲۹۳ ـ ظاهراً «جوجن نمرودی» صحیح است. نگاه کنید به ص ۲۸۷/ ۱۲.

۱۸/۲۹۳ ـ «دشتی کلانه» صحیح است .

۲۲/۲۹۳ ـ ظاهراً «خشمری» صحیح است. نگاه کنید به ص ۲۸۷/ ۱۶ .

۱۵/۲۹۸ ـ نام صحیح این مرد رفیع الدین حسین است. نگاه کنید به ص ۲۷۳/ ۲۱ و ص ۲۷۴/ ۲ .

۱۶/۲۹۸ ـ حسینی صحیح است نقطهٔ نون افتاده است .

۶/۳۱۷ ـ این وقفنامه باحذف چندرقبه یعنی میر و محله و چوپلانی و نسرکان در ص ۳۴۴ نیز آمده است .

۱۱/۳۲۳ ـ گلبن با باء صحیح است. نگاه کنید به ص ۳۲۴/ ۲۰ .

۶/۳۳۷ ـ «خارکلاتهٔ کفتهٔ رامیان» صحیح است .

۲/۳۴۴ ـ این وقفنامه با اضافه کردن چند رقبه درص ۶/۳۱۷ نیز آمده است .

۸/۳۶۲ ـ قرار اشتباه وقراء جمع قریه به جای آن صحیح است .

۱۱/۳۶۲ ـ ظاهراً «واکانو» صحیح است . نگاه کنید بهص ۱۱/۲۴۹ .

۲/۳۶۷ ـ میرزا ابوصالح رضوی صدرممالك فرزند میرزا محمدمحسن از خاندان رضوی مشهدکه درسال ۱۰۷۷ ازطرف شاهسلیمان صدرعامه شده است . برای اطلاع بیشتر ازاحوالات این مرد نگاه کنید به کتاب «مثال»های صدور صفوی تألیف سیدحسین مدرس طباطبائی، ص۲۰ .

۱۰/۳۷۳ ـ سهی‌محله ظاهراً «سهل‌محله» است . نگاه کنید به ص ۱۴/۲۴۹ .

۷/۳۸۹ ـ ظاهراً «سیاه‌تلو» درست است .

۱۲/۳۹۰ ـ شکل صحیح کلمه ظاهراً «سیاه‌تلو» است .

۱۱/۳۹۱ ـ «ناور» درست است .

۲/۳۹۴ ـ دادن غلط چاپی است و«دالان» صحیح آن است .

۱۲/۴۲۶ ـ میرزا شاه‌بیگ‌بن میرمیران صحیح است .

۱۱/۴۴۵ ـ ظاهراً «وال» با واو درست است .

۱۶/۴۶۱ ـ «حکمت بالغه» صحیح است .

۱۰/۴۷۲ ـ «ولد» صحیح است .

۴/۴۸۱ ـ بوالهوسان در اصل چنین است . ظاهراً «بلهوسان» درست است .

۶/۴۹۰ ـ «مؤتمن‌الدوله» صحیح است .

۸/۴۹۰ ـ ظاهراً «گرایلی وسالور» (؟)

۹/۴۹۰ ـ آملی به جای ایلی درست است .

۱/۴۹۴ ـ ینگچری باحرف چ صحیح است .

۴/۵۱۹ ـ ابوالولی بن شاه‌محمود انجو برادر امیرا بوالمحمد واز سادات حسینی‌حسنی شیرازی است. برای شرح حال این مرد نگاه‌کنید به کتاب «مثال»های صدور صفویه تألیف سیدحسین مدرس‌طباطبائی، صفحات ۱۴ و۱۵ و۱۶ .

۳/۵۳۵ ـ ظاهراً محمدقلی میرزا به جای مهدی‌قلی‌میرزا صحیح است .

۱۱/۵۴۸ ـ کوچ وبند اشتباه وکوچ وبنه درست‌است .

/۵۵۳ ـ سطر دوم حاشیه ـ تذهیب با ذال صحیح است .

۷/۵۸۴ ـ اسم فاعل از مصدر«بیع» بایع است نه باعی که‌آن‌را به شکل باعیان جمع بسته است .

۱۸/۵۸۴ ـ محمدکاظم حاجی‌باداری ظاهراً «حاجی‌آبادی » است. نگاه کنید به ص ۱۲/۳۰۵ .

۱۶/۵۹۵ ـ ورس ظاهراً غلط و ورسن بانون صحیح‌است . نگاه کنید به‌ص۲۳۹/۵.

ابو النصر سام میرزا سوزومز

حکام و عمال [illegible] الکاء [illegible] عموماً [illegible] سلطنه

امیر المؤمنین [illegible] السلام [illegible] علیه [illegible] بر موضعی که

عالیجاه [illegible] سلاطین عظام کرام خصوصاً صاحب [illegible] ما کارکنان

[illegible] صلی الله علیه [illegible] و الذی

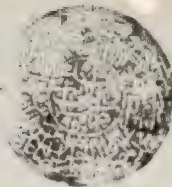
بر عالم علم و کمال و فضل و افضال [illegible] [illegible] لازم [illegible] سادات [illegible]

[illegible]

بفضائل و معالی [illegible] الحسب الطاهر النسب [illegible] الحسینی [illegible] [illegible] علی [illegible] الله [illegible]

فرمان شاه اسماعیل صفوی مورخ ۹۲۸ ه . ق . ص ۵ و ۶

فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۳۸ هـ . ق . ص ۸ و ۹



آنکه چون معروض شد که یونس زرگر قریب چهل سال است که در [illegible] جوبالالی

ساکن است و در قریه الحمرونی چیزی که حقوق دیوانی بر آن لازم آید ندارد و [illegible] او در [illegible]

موضع جوبالالی جمع است و [illegible] احکام و وزرا [illegible] مرحوم [illegible] که

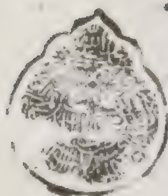
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۵۰ هـ . ق . ص ۱۰ و ۱۱



فرمان همایون شد [illegible]

سادات عالیدرجات [illegible]

[illegible]

فرمان سلطان محمدبن طهماسب مورخ ۹۹۰ هـ . ق . ص ۵۱۳ — ۵۱۵

ابو المظفر سلطان محمود شاه
الصفوی الموسوی الحسینی

[illegible] که بوستان [illegible] جلال [illegible] کرده و از آن [illegible] ارغوان [illegible]

[illegible] افضال [illegible] شکر [illegible] سعادت ابدی [illegible]

[illegible] رحمت ایزدی [illegible] حمد [illegible] محمدی [illegible] الله [illegible]

[illegible] نقصان [illegible] کرامی که از خزانه فضل [illegible]

[illegible] حاجت [illegible] لطف [illegible]

[illegible] رحمت ایزدی به برکت شفاعت نبوی [illegible] افضال و رحمت [illegible] گلستان [illegible]

[illegible] لا احصی ثناء علیک [illegible]

[illegible]

عالم [illegible] تو بود [illegible] شاه [illegible] تو بود [illegible] تو بود

[illegible] شفیع روز [illegible]

[illegible] اصطفا ابو القاسم محمد مصطفی [illegible]

[illegible] آل [illegible]

[illegible] سلطان الاولیاء و برهان الاصفیاء [illegible]

[illegible] شاهنشاه [illegible]

[illegible] انا مدینة العلم و علی بابها صاحب [illegible]

[illegible] از دایره محبت و اطاعت او [illegible]

علی بن ابی طالب [illegible]

[illegible] حضرت شاه [illegible]

[illegible] السلطان [illegible] و الخاقان [illegible]

[illegible] علی العالمین [illegible]

والنقباء السيادة والامامة والنجابة والحسب والنسب سيادت و معرفت پناه امیر عبدالرحیم [illegible]

[illegible] کلاته طولکسا استرآباد رستاق من اعمال استرآباد بجمیع توابع و لواحق و مضافات و منضمات

از اراضی و مزارع [illegible] و کل ما یتعلق به [illegible] ذکر او لم یذکر مستغنی از تحدید بتوصیف لغایة الظهور بما [illegible]

المعروف [illegible] معلوم [illegible] مبلغ شصت تومان تبریزی شرعی [illegible]

نصفه تاکید [illegible] المبلغ سی تومان [illegible] سیادت پناه [illegible] فی مجلس [illegible]

بیعا [illegible] صحیحا شرعیا جامعا شرایط [illegible] از ایجاب و قبول [illegible] و ایقاع [illegible]

و [illegible] ابواب [illegible] صحت [illegible] نمود [illegible]

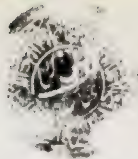
سیادت پناه [illegible] از خواص و ارباب [illegible]

[illegible] فی الملکیة و اسقاط جمیع خیارات سیما خیار [illegible] و لو کان [illegible]

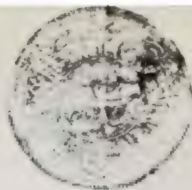
ذلک فی [illegible] شهر شعبان المعظم سنة اثنی و تسعین و تسعمائه [illegible]

۹۹۲

سند مبایعهٔ سلطان محمد صفوی موسوی مورخ ۹۹۲ هـ . ق . ص ۵۱۶ — ۵۱۹

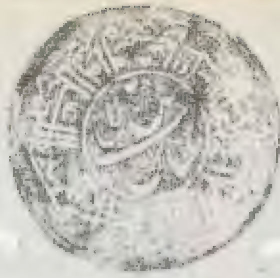


فرمان شاه عباس اول مورخ ۹۹۶ هـ . ق . ص ۵۱۹ و ۵۲۰



فرمان شاه‌عباس اول

مورخ ۱۰۰۰ هـ . ق . ص ۱۷ و ۱۸



فرمان شاه عباس اول مورخ ۱۰۰۷ هـ . ق . ص ۱۹

مثال صدرالدین محمد الموسوی الحسینی
مورخ ۱۰۲۷ هـ . ق . ص ۲۱ و ۲۲

فرمان شاه عباس ثانی
مورخ ۱۰۶۹ هـ . ق . ص ۲۵ — ۲۹



فرمان شاه‌عباس ثانی
مورخ ۱۰۷۱ هـ . ق . ص ۲۹ ــ ۳۱



فرمان شاه سلیمان اول مورخ ۱۰۷۷ هـ . ق . ص ۵۲۱ — ۵۲۳

فرمان شاه سلیمان اول

مورخ ۱۰۸۴ ه . ق . ص ٤٤

فرمان شاه سلیمان اول

مورخ ۱۰۸۹ هـ. ق. ص ۴۹ و ۵۰

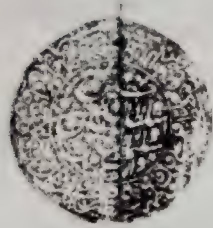
حکم فتحعلی‌خان قاجار مورخ ۱۰۹۱ ه . ق . ص ۵۰ و ۵۱



حکم شاه سلیمان اول

مورخ ۱۱۰۲ ه . ق . ص ۵۲ و ۵۳

شاه طهماسب نور الله مرقده
جد بزرگوارم طهماسب شاه
شاه ... [illegible]



فرمان همایون شد آنکه چون سیادت و نجابت و افادت پناه ... السادات العظام میر ... [illegible]

فضل الله اولاد میر ... استرآبادی و ... میر ابوالفوارس ... بعرض رسانیدند ... [illegible]

در استرآباد ... از مال البیعات ... مذکور سیورغال ... مشار الیه مقرر و مستمر شده ... [illegible]

... ایشان ... و درین وقت خواجه صالح نام شخص ... عرض ... سیورغال ... [illegible]

خود ... و بر طبق ... و مجلد ... نمودند که حکم اشرف ... سیورغال ... [illegible]

فوت ... مشار الیه صادر ... مزبور سیورغال ... شفقت ... [illegible]

... مال البیعات محال استرآباد که در زمان ... [illegible]

اولاد سید ... میر ظهیر الدین ابراهیم و میر نظام الدین محمد باقر مقرر بوده ... خراسان ... [illegible]

ظهیر الدین ابراهیم و میر نظام الدین محمد باقر خصوصا میر زین العابدین و میر محمد ... و بعد از فوت میر زین العابدین ... [illegible]

میر محمد شریف ولد میرزا ابراهیم ... عرض ... میر زین العابدین و میر محمد وارثی نماند ... [illegible]

... مال البیعات ... سیورغال متوفیان ... مشار الیه مقرر شده ... میر ابوالفوارس ... [illegible]

... در دیوان الصدارة العلیه العالیه ثابت نمود که از اولاد میر زین العابدین ... [illegible]

... و میر محمد شریف ولد میر ابراهیم خلاف عرض ... بعد از ... [illegible]

بر موجب سیورغال امیر ابوالفوارس ولد میر زین العابدین و ... میر محمد ... مقرر شده بعد از آن که میر ابوالفوارس ... [illegible]

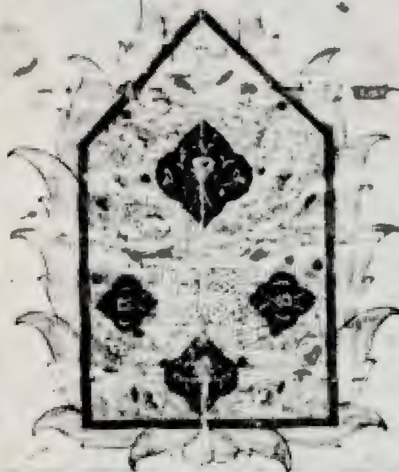
... رمضان المبارک ...

[illegible]

[illegible]

فرمان شاه سلطان حسین مورخ ۱۱۰۸ ه . ق . ص ۵۵ — ۵۸

فرمان شاه سلطان حسین ص: ۵۹ — ۶۱



فرمان شاه سلطان حسین مورخ ۱۱۱۱ هـ . ق . ص ٦١ و ٦٢



فرمان شاه طهماسب ثانی مورخ ۱۱۳۷ هـ . ق . ص ۸۹ و ۹۰

فرمان شاه طهماسب ثانی مورخ ۱۱۳۸ هـ . ق . ص ۹۱ و ۹۲

حکم باباخان مورخ ۱۱۹۰ هـ . ق . ص ۵۲٤

عرضه‌داشت رعایای آهنگر محله و اصفهان کلاته مورخ ۱۲۲۸ هـ . ق . ص۵۲۵ و۵۲۶

حکم محمدقلی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۲۹ هـ . ق . ص ۱۱۳ و ۱۱۴



عریضه دولتخواه کمترین غلامان [illegible]

[illegible]

عرضه‌داشت میرمحسن موسوی مورخ ۱۲۳۵ هـ . ق . ص۱۱۷–۱۱۹

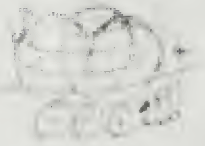
→ عرضه داشت محمدقلی دولو مورخ ۱۲۳۰ هـ . ق . ص ۵۲۸ و ۵۲۹.



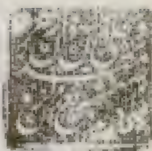
قسمتی ازفرمان فتحعلی شاه قاجار

مؤرخ ۱۲۳۶ هـ . ق . ص ۵۳۵ ــ ۵۴۳





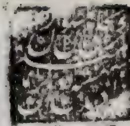
فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۴۰ ه . ق . ص ۱۲۳



حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق . ص ۵۴۳ ــ ۵۴۵

حکم ملک‌آرا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق . ص۵۴۶ و ۵۴۷





حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ١٢٤٤ هـ . ق . ص ٥٤٨ و ٥٤٩

←

فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ ١٢٤٧ هـ . ق . ص ١٢٨ — ١٣٠



حکم [illegible]

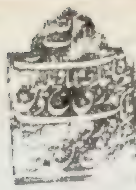
[illegible]

چون [illegible]

[illegible]

دولت [illegible]

[illegible]

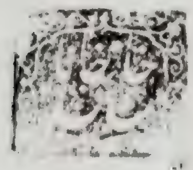


فرمان محمد شاه قاجار مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق . ص ۱۴۳ و ۱۴۴

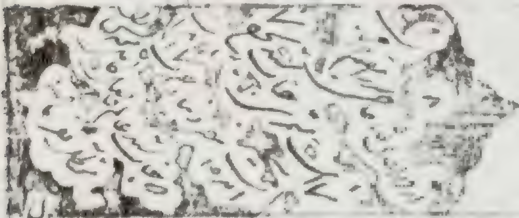
حکم حاکم استراباد مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق . ص ۵۴۹ و ۵۵۰

حکم حاکم استراباد

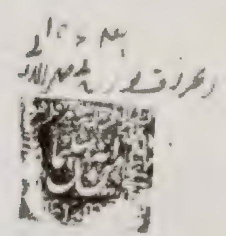
مورخ ۱۲۵۲ هـ . ق . ص ۱۵۰



حکم خان‌خانان مورخ ۱۲۵۵ هـ . ق . ص ۱۵۸



فرمان محمدشاه قاجار
مورخ . . . ص ١٦٦ ـ ١٦٨



حکم سلیمان‌خان خان‌خانان ــ حاکم استراباد ــ مورخ ۱۲٦٤ ه . ق . ص۱۷۰ و ۱۷۱

حکم شاهزاده ملك‌آرا مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق . ص ۱۸۱ و ۱۸۲



فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورخ ۱۲۸۲ هـ . ق . ص ۵۵۳ و ۵۵۴

فرمان ناصرالدين شاه قاجار مورخ ۱۳۰۹ هـ . ق . ص ۱۹۵ و ۱۹۶

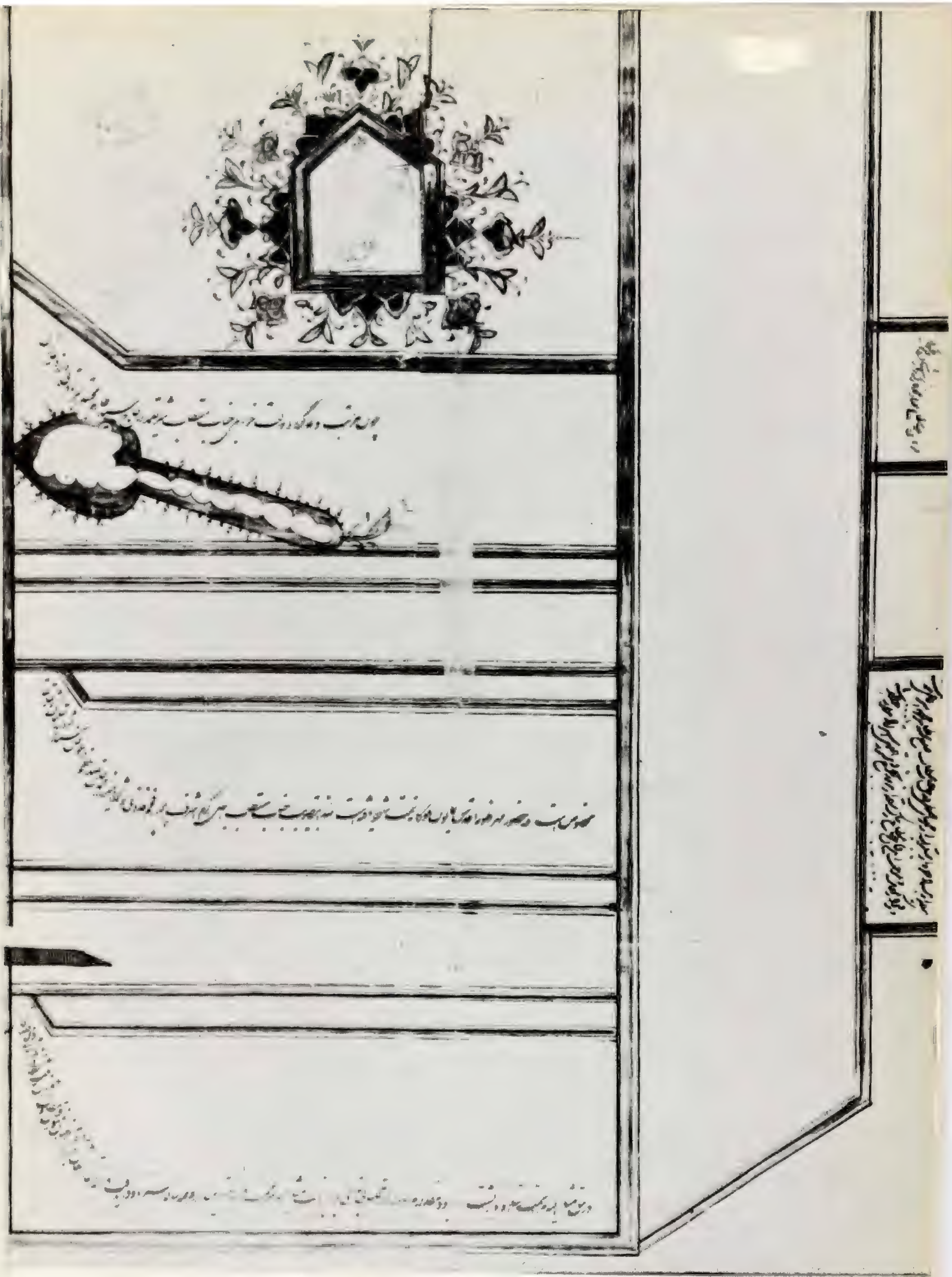


فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورخ ۱۳۱۱ هـ . ق . ص ۵۵۵ و ۵۵٦



فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق . ص ۱۹۹ و ۲۰۰

فرمان مظفرالدین شاه قاجار موزخ ۱۳۱۹ هـ . ق . ص ۲۰۴ و ۲۰۵



فرمان محمدعلی شاه قاجار مورخ ۱۳۲۶ هـ . ق . ص ۲۰۶

تأیید حکم شرعی حاجی ملارضای استرابادی مورخ . . . ص ۲۲۱ — ۲۲۳

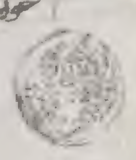
سواد حکم شرعی آقامحمد مهدی اصفهانی مورخ ۱۲۸۶ هـ . ق . ص ۲۳۰ — ۲۳۲

حکم شرعی سه تن از حکام شرع مورخ . . . ص ۲۴۴ و ۲۴۵

حکم شرعی حکام شرع استراباد مورخ . . . ص ۲۴۷ ــ ۲۵۳

حکم حاکم شرع در باب خانهٔ آقامیرموسی حسینی مورخ . . . ص ۲۵۵ و ۲۵۶

سواد وقفنامهٔ آقامیر روح‌الله حسینی استرابادی مورخ ۹۵۲ ه.ق. ص ۳۱۷–۳۲۲



قسمتی از وقفنامهٔ خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی مورخ ۹۱۹ ه . ق . ص ۲۶۸—۲۹۲

قسمتی ازآخر وقفنامهٔ خواجه مظفربن فخرالدین بتکچی مورخ۹۱۹ هـ.ق. ص۲۶۸–۲۹۲

قسمتی از آخر وقفنامهٔ خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی مورخ ۹۲۰ ه.ق. ص ۲۹۲–۳۰۰

السواد مطابق للاصل ... [illegible]
۱۲۴۳

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواقف علی السرائر والمطلع علی الضمائر والصلوة والسلام علی محمد افضل العشائر وعلی آله خیر الصغائر والکبائر اما بعد بر ارباب عقول و ذکا و بر اصحاب ... [illegible] نماند که نظر بمضمون صدق مشحون الدنیا مزرعة الآخرة بر هر کس لازم است که در این جهان فانی تخم عملی که ثمره حصول با سعادت آن جهان باقی را سود مند آید و بنابر علیه عالی جناب سیادت انتساب افادت و افاضت اکتساب عمدة المحققین و اسوة المدققین خلاصة السادات العظام و نخبة الفضلاء العظام آقا میر روح الله الحسینی الاسترابادی ... [illegible] مد ظله العالی خلف مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه امیر کمال الدین شمس الفضل والسیادة والنقابة محمود طاب ثراه بتوفیقات یزدانی موفق آمده در کمال رغبت و رضا طلباً لمرضات الله تعالی تمامی ... [illegible] مشهوره ببندرگان واقعه در بلوک فخر عماد الدین استراباد قد صانها الله عن التفرقه والفساد بر اولاد ذکور خود وقف شرعی و حبس مخلد نمود که ... [illegible] ملکیت ... [illegible] در شاید از قنوات دائره و بائره و عیون و دو لوله آب و سنگ چشمه و غیره هم ... [illegible] که در حدود ... [illegible] مرقوم در ذیل ... [illegible]

حد ... [illegible] حد ... [illegible] حد ... [illegible] حد ... [illegible]

متصل ... [illegible] متصل ... [illegible] متصل باشکار ... [illegible] متصل ... [illegible]

و طریقه وقف آنکه چنانکه واقف مادام الحیوة خود متولی است ... [illegible] بعد از جمیع منافع ... [illegible] متولیه یک عشر آنرا صرف معاش خود و ... [illegible] دیگر را بعد از ... [illegible] دیوانی و اخراجات و تعمیر ملک موقوفه در میان اولاد ذکور ... [illegible] تعزیت اباعبدالله الحسین علیه السلام نمایند ... [illegible] واقف باشند احقاق کنند و پس از اولاد ذکور ... [illegible] اولاد ذکور از اناث و پس از آنها نیز بنفقه جامع الشرایط ... [illegible] یک عشر ... [illegible] صرف کنند تحریراً فی ... [illegible] محرم الحرام سنه ۱۰۶۰

سواد وقفنامهٔ آقامیر روح‌الله حسینی استرابادی مورخ ۱۰۶۰ ه‍.ق. ص ۳۵۰ـ۳۵۳

اجازه نامچهٔ مورخ ۱۰۲۵ ه‍ . ق . ص ۴۲۵ و ۴۲۶

اجازه نامچهٔ مورخ ۱۲۴۲ ه. ق. ص ۴۳۸ — ۴۴۰

اجازه نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ هـ . ق . ص ٤٤١

مبایعه نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق . ص ٥٨٥ — ٥٨٧

فهرست اعلام

الف

پ

چ

ح

خ

د

ر

ش

غ

ف

ك

گ

ل

ن

و

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثار ملّی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد ــ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه در بارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (از محمدعلی فروغی و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت‌جمشید (نوشتهٔ پروفسور هرتسفلد)	بهمن‌ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن‌ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر دراحوال وزندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی‌سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو درفلورانس	اسفندماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکترمحمود نجم‌آبادی)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ‌نبض‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای سیدمحمد مشکوةاستاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح‌آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکترموسی عمیداستاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله‌ای درحقیقت وکیفیت سلسلهٔ موجودات (به‌تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت‌ابن‌سینا (ازآقای دکتر غلامحسین‌صدیقی)	ـ
۱۹	معراج‌نامهٔ ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	ـ
۲۰	رسالهٔ‌تشریح‌اعضاء ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکترغلامحسین‌صدیقی)	ـ
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب بابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ
۲۲	ظفرنامه منسوب به‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای دکترغلامحسین‌صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای جلال‌الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴	رسالهٔ معیارالعقول ــ جرثقیل‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا با ترجمه و شرح فارسی‌آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (به‌تصحیح‌آقای هانری‌کربن)	۱۳۳۱
۲۶	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا (مجلد اول ــ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف‌آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۷	ترجمهٔ مجلد اول جشن‌نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعیدنفیسی)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا)	۱۳۳۴
۳۲	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب‌المهرجان لابن‌سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر ومقابلهٔ خیام (به‌تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامهٔ شیخ‌فریدالدین‌عطار (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم‌عمرخیام‌بعنوان‌عالم جبر تألیف‌آقای دکتر غلامحسین‌مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی‌خان (با تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰
۴۱	شرح احوال ونقدو تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به‌تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳	نامه‌های طبیب‌نادرشاه‌ترجمهٔ آقای دکتر علی‌اصغر حریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی	۱۳۴۱
۴۵	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی (باتصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام‌نیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ آقـای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۴۷	نادرهٔ ایام ، حکیم عمرخیام ورباعیات او بقلم آقای اسمعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیهٔ تاریخی فارس) تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹	سفارش‌نامهٔ انجمن آثار ملی	اردیبهشت ۱۳۴۴
۵۰	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱	ذخیرهٔ خوارزمشاهی ، تـألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (به‌اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمدحسین‌اعتمادی ــ دکترمحمد شهرادــ دکترجلال‌مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵شهریور ۱۳۴۴
۵۲	دیوان صائب ، با حواشی و تصحیح بخط خوداستاد ــ مقدمه و شرح حال بخط و خامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳	عرائس‌الجواهر و نفایس‌الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله‌کاشانی بسال ۷۰۰ هجری به‌کوشش‌آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴	ری باستان(مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهری به‌عهدآبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵	خیامی‌نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال‌الدین‌همائی	آبان ۱۳۴۶
۵۶	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ۱۳۴۶
۵۷	خردنامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف‌بن‌علی مستوفی بکوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸	فرهنگ واژه‌های‌فارسی در زبان عربی تألیف‌آقای سید محمدعلی امـام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹	کتابشناسی فردوسی . فهرست آثار وتحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه ، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰	روزبهان‌نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱	کشف‌الابیات فردوسی (جلداول) بکوشش دکترمحمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳	آثار باستانی‌کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴	بزرگان شیراز تألیف‌آقای رحمت‌الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج‌فارس ودریای عمان تألیف‌آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶	تاریخ بناکتی بکوشش دکتر جعفرشعار	دی ۱۳۴۸
۶۷	عهد اردشیر برگرداننده‌بفارسی سید محمد علی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸	یادگارهای یزد (جلداول) تألیف‌آقای ایرج‌افشار	بهمن ۱۳۴۸

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۶۹	ری‌باستان (مجلد دوم) تألیف آقای دکتر حسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۰	ازآستارا تا استاراباد (جلد اول بخش‌اول) آثار و بناهای‌تاریخی گیلان بیه‌پس ، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱	یادنامهٔ فردوسی، حاوی‌مقالات وچکامه‌ها به‌مناسبت‌تجدیدآرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳	فیلسوف‌ری ـ محمدبن‌زکریای رازی‌تألیف‌آقای دکتر مهدی‌محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴	سرزمین قزوین تألیف‌آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵	یادنامهٔ شادروان سید حسن تقی‌زاده به‌اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹
۷۶	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم‌اسمعیل‌جرجانی، سنهٔ ۵۰۴هجری به‌اهتمام وتفسیر وتصحیح دکتر جلال مصطفوی ـ (کتاب دوم)	بهمن ۱۳۴۹
۷۷	نظری اجمالی به‌تاریخ‌آذربایجان وآثار باستانی وجمعیت‌شناسی آن تألیف‌آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹
۷۸	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران وراهنمای‌کاخ‌گلستان نوشتهٔ‌آقای یحیی ذکاء	فروردین ۱۳۵۰
۷۹	کشف‌الابیات شاهنامهٔ فردوسی جلد دوم ـ بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	خرداد ۱۳۵۰
۸۰	آثار باستانی و تاریخی لرستان ـ جلد نخست ـ تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر ۱۳۵۰
۸۱	در دربار شاهنشاه ایران ـ تألیف ا . کمپفر آلمانی ـ ترجمهٔ‌آقای کیکاووس جهانداری	مرداد ۱۳۵۰
۸۲	نگاهی به شاهنامه ، تألیف‌آقای پروفسور فضل‌الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳	مونس‌الاحرار فی‌دقایق‌الاشعار (جلد۲) تألیف محمدبن‌بدرجاجرمی بسال۷۴۱هجری با تحشیه وتفسیرآقای میرصالح طبیبی	شهریور ۱۳۵۰
۸۴	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکترجهانگیر قائم مقامی	شهریور ۱۳۵۰
۸۵	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازاده شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶	دانش و خرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکترمحمود شفیعی	مهر ۱۳۵۰
۸۷	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ‌عکسی) از روی‌نسخهٔ مورخ به‌سال۷۰۹ قمری زیرنظرآقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند ۱۳۵۰
۸۸	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی‌تألیف‌حافظ ابرو مورخ دوران‌تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۸۹	از استارا تا استارباد(مجلد دوم) آثار وبناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰	نصیحة‌الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه وتصحیح وتحشیهٔ استاد جلال‌الدین همایی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱	آثار باستانی آذربایجان(جلد اول‌آثار تاریخی شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنگ	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲	مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه ۱۳۵۱
۹۳	مجموعهٔ مقالات فروغی دربارهٔ شاهنامه و فردوسی به‌اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه ۱۳۵۱
۹۴	داستان داستانها (داستان رستم و اسفندیار) تنظیم متن وشرح و توضیح به‌کوشش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن ۱۱هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق‌آقای جلال محدث	خرداد ۱۳۵۲
۹۶	تاریخ تبریزتاپایان‌قرن‌نهم هجری‌تألیف دکتر محمد جواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین‌ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰٤هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (جلد سوم)	شهریور ۱۳۵۲
۹۸	ترجمهٔ يك فصل‌ازآثارالباقیهٔ ابوریحان‌بیرونی‌بخامهٔ‌علیقلی‌میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه والحاقاتی از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰	سیر فرهنگ‌ایران دربریتانیا یا تاریخ‌دویست‌سالهٔ مطالعات‌ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱	آثار ملی اصفهان تألیف‌آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲	سیراف (بندر طاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳	فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴	کتابشناسی کتابهای‌خطی تألیف شادروان دکترمهدی بیانی استاد فقید دانشگاه به‌کوشش‌آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵	تاریخ بافت قدیمی شیراز ، تألیف‌آقای کرامت‌الله افسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶	فرار از مدرسه ، در بارهٔ زندگی و اندیشهٔ ابوحامد غزالی ، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب	مرداد ۱۳۵۳

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۰۷	بیرونی‌نامه ، پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	مهر ۱۳۵۳
۱۰۸	جامع جعفری ، تاریخ یزد در دوران‌نادری وزندیه وعصرسلطنت فتحعلی‌شاه ، تألیف محمد جعفربن محمد حسین نائینی متخلص به «طرب» ، به‌کوشش‌آقای ایرج افشار	آبان ۱۳۵۳
۱۰۹	کتاب‌التفهیم لاوائل صناعةالتنجیم ، تألیف ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدیدنظر و مقدمهٔ تازه به‌خامهٔ استاد جلال‌الدین همائی	دی‌ماه ۱۳۵۳
۱۱۰	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین، بخش اول ، تألیف آقای احمد اقتداری	اردیبهشت ۱۳۵٤
۱۱۱	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین، بخش دوم ، تألیف آقای احمد اقتداری	اردیبهشت ۱۳۵٤
۱۱۲	احوال واقوال شیخ‌ابوالحسن خرقانی به‌ضمیمهٔ«منتخب‌نورالعلوم» تألیف آن عارف بزرگوار ، به‌اهتمام استاد مجتبی مینوی	خرداد ماه ۱۳۵٤
۱۱۳	شرح احوال و آثار و دوبیتی‌های باباطاهر عریان به‌انضمام شرح و ترجمهٔ‌کلمات قصار وی منسوب به‌عین‌القضاة همدانی (؟!) با اصل وترجمهٔ‌کتاب«الفتوحات‌الربانیة فی‌مزج‌الاشارات‌الهمدانیه» به‌شرح وتفسیر محمدبن ابراهیم مشهور به‌خطیب وزیری‌به‌کوشش دکتر جواد مقصود	تیرماه ۱۳۵٤
۱۱۴	کتاب «الغارات» تألیف ابواسحق ابراهیم‌بن محمدبن سعید ثقفی کوفی اصفهانی به‌اهتمام و تصحیح استاد میرجلال‌الدین محدث (بخش نخست)	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۵	کتاب «الغارات» به‌شرح مذکور در شمارهٔ ۱۱٤ (بخش دوم)	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۶	یادگارهای یزد (جلد دوم ــ شهر یزد) تألیف آقای ایرج‌افشار	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۷	تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قارجاریه تألیف و تدوین‌آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	مهرماه ۱۳۵٤